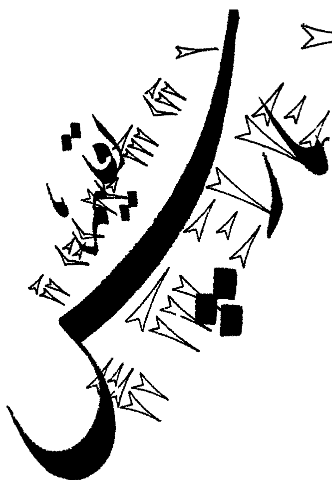
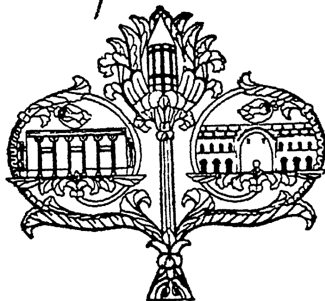
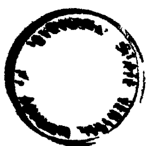




# آثار تاریخی
و
# اماکن باستانی فارس



انتشارات انجمن آثار ملی - شمارهٔ ٤٨



تألیف

سید محمد تقی مصطفوی

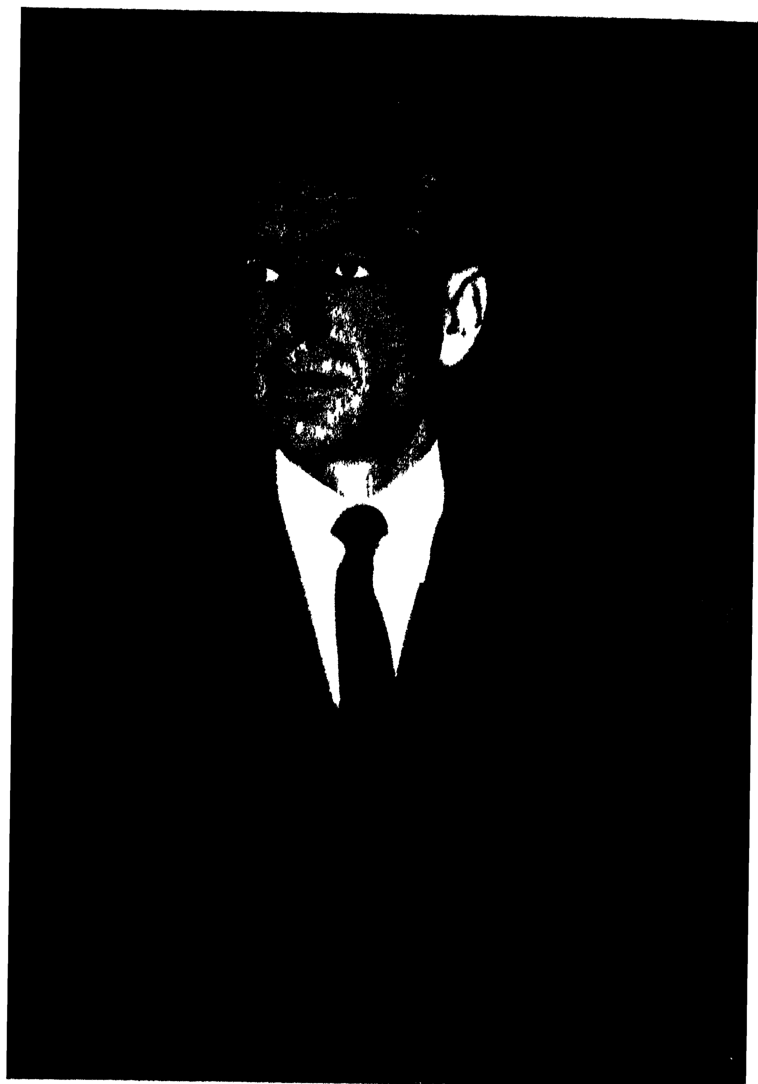
چاپ تابان

تاریخ پایان چاپ آذر ماه ۱۳۴۳

## ای نام تو بهترین سرآغاز

«... ما باید ایران گذشته و همچنین ایران کنونی را که با شهامت و تصمیم، دوران کوشش بی سابقه ای را در راه تجدید عظمتهای باستانی خود آغاز کرده است، بمردم کشور خود و سایر مردم جهان معرفی کنیم ...»

فرموده شاهنشاه ایران در نهم بهمن ماه ۱۳۴۸



# فهرست مطالب و مندرجات

از خوانندگان گرامی که درجستجوی عنوان مطلبی‌هستند خواهشمنداست چنانکه عنوان مورد نظر خود را در فهرست متن کتاب نیابند به فهرست ذیل و پس از آن به‌فهرست قسمت‌ضمیمه مراجعه فرمایند. دراین‌باره‌درصفحهٔ بیست‌وپنجم مقدمه نیزاشاره گردیده‌است. ضمناً پس‌ازپایان فهرست مطالب‌ومندرجات، وپیش‌از آغازمقدمه، یك‌صفحه غلطنامه قرار دارد. با عرض پوزش فراوان تقاضای تصحیح قبلی‌اغلاط را مینماید.

## ذیل



## تصاویر مربوط به ذیل کتاب



## ضمیمه

## تصاویر مربوط به ضمیمهٔ کتاب

# غلطنامه

باهمهٔ کوششی که برای صحت چاپ مطالب کتاب بعمل آمد اغلاطی رخ داد که آنچه جزئی بود ونیازبه توضیح مخصوص برای خوانندگان گرامی نداشت مذکورنیفتاد و بقیه، آنچه بنظر رسید ، بشرح زیر معروض میگردد :

| صفحه | سطر | غلط | صحیح |
|---|---|---|---|
| چهار(دیباچه) | ٦ | داد | دارد |
| هفده(دیباچه) | ١٨ | شمارهٔ ٥ | شمارهٔ ٧ |
| « ( « ) | » | « ٦ | « ٨ |
| سی ( « ) | ٤ | نوشقه | نوشته |
| ٤٨ | ٢٣ | (١٢١ تا ١٤٣) | (١٠٢١ تا ١٠٤٣) |
| ٥١ | ١٨ | محمد | محمود |
| ٥١ | ٢٠ | ٨٣٨ | ٨٢٨ |
| ٧٤ | ٢١ | شیرازی | هجری |
| ٩٥ | ٨ | چمارم | چهارم |
| ١١١ | ٢ | شاسجاق | شابسحاق (شاهابواسحق) |
| ١٤١ | ١٢ | درپناه | نزدیك |
| ١٨٢ | ١ | ١٥٨ | ١٨٣ - روبرو |
| ٣٣٥ | ٥ | داود دختر | داودختر |
| ٣٥٢ | ٥ | یاد | یار |
| ٤٠٧ | ١ | ٣٣١ | ٣٣٢ |
| ٤٣٢ | ١٦ | جمعهٔ | جعبهٔ |
| ٤٦٢ | ١ | ش١ ٥٢ | ش١ ٢٥ |
| ٥٠٥ | ٣ | سیمرم | سمیرم |
| ٥٦٧ (ستون دوم) | ٣١ | الامردشت | الامرودشت |

**مقدمه**

بخامهٔ جناب آقای علی اصغر حکمت

# بنام خداوند جان و خرد

**«اقلیم پارس»** را مادام که بنان و بیان نویسندگان و گویندگان پارسی زبان باقی و پایدار است ، **« غم از آسیب دهر نیست »**. زیرا در طول مرور ایّام و در گذشت سنین و اعوام ، همیشه سعی جمیل و کوشش مستمرّ این جماعت ، اوصاف آن کشور هنر پرور را بر صفحهٔ روزگار نقش کرده و با زبان سحّار و کلك فتّان خود مناقب آن سرزمین را بلهجات شیرین و کلمات دلاویز ، بزبان نظم و نثر ، مخلّد ساخته‌اند .

در تاریخ فرهنگی **ایران** ، محامد و اوصاف **پارس** فصلی برازنده و سرگذشت دلپذیری را تشکیل داده که در ذیل کتب جغرافی و تواریخ و تذکره‌ها و دیوانهای شعر و روایات نثر مسطور و مذکور است . بطوری که ، از بدو تأسیس سلطنت پارسیان ، یعنی زمان **کیخسرو (کورش)** شاهنشاه بزرگ **ایران** ، تا امروز پیاپی این پارس‌نامهٔ مبارك را اخلاف از اسلاف منتقل ساخته و تا بروزگار ما آن سلسلهٔ زرّین متّصل و پیوسته شده است .

اینك درزمان حاضر، نوبت به باستان شناسان هنرمند رسیده است که دراین باب فصلی نوین گشوده ثبت آثار تاریخی آن سرزمین را درصفحات آثار خود جاویدان فرموده‌اند . یکی از آن میان محمّدتقی مصطفوی که استادی گرانمایه است ، در این ایّام با چشم علم و هنر و با دیدهٔ دانش و بینش بر آن سرزمین نظر افکنده و همان سنّت محمود و روش پسندیدهٔ دیرینه را متابعت فرموده حاصل مطالعات ممتدّ و تحقیقات

طولانی خودرا کــه ازمدّ نظرآن علـم شریف گرد آورده بود ، بسفارش ودستور **انجمن آثارملی** دراوراق وسطور این‌مجموعه مندرج ساخته است وعکسی جامع ودورنمایی کامل از**«اقلیم پارس»** دربرابرنظر خردپژوهان دانش‌پرور بگسترد واسم‌مطابق مسمّی‌شد .

نویسندهٔ این کتاب مستطاب ، ازاین سبب در خورستایش است کــه سراسر برمشاهدات‌خودتکیه فرموده وآنچه‌بچشم سردیده ویابانظرمعرفت نگریسته‌بقلم تحقیق درآورده است . بعبارت دیگر برمسموعات اکتفـا نکرده ونامهٔ او مبتنی برمطالعات موثق ومعتمد است که یاشخص‌مؤلّف آنهارا باموشکافی وتدقیقی که درخور یك باستان شناس ورزیده است ، روشن ساخته ؛ یابرپایهٔ اخبار واطّلاعات محکم ومستندات موثق است کــه از منابع جدیدهٔ مختلف به‌جدّ فراوان وجهد بی‌پایان جمع‌آورده است .

مخصوصاً ازآن سبب که‌خاك **فارس** درمنطقهٔ‌حدوث زلزله واقع‌شده وهوای آن مرطوب وآب‌آن فراوان‌است ، وهم‌چنین‌بواسطهٔ تزاحمات وانقلابات سیاسی درطول قرون واعصار، آثار وابنیهٔ‌آن‌دیاربیشتراز دیگرنواحی **ایران** محلّ دستبرد زوال وفنا واقع شده است . خدمتی که مؤلّف کتاب **«اقلیم پارس»** کرده درآن است که آنچه ازگزند زلازل وآفات وآسیب حوادث وبلیّات محفوظ وبجامانده بدقیق‌ترین‌وصفی وباروشن‌ترین بیانی‌ثبت‌کرده وبرای اعقاب وآیندگان سندی متقن‌ومرجعی محکم فراهم فرموده است .

نسبت‌به نقل‌کلمات دیگران منتهای صداقت وامانت شخص مؤلّف ازآنجا مشهوداست که منابع ومراجع‌را باسم‌ورسم ذکرکرده است‌وحقّ هیچکس‌راضایع نگذاشته وازهرکس که اندك‌مایه‌یی‌یاری وهمکاری دراین‌مشروع شریف‌مشاهده کرده‌است ، بنهایت‌امانت،بلکه‌بیشتراز‌حدّلازم، منظورداشته وتقدیم شکر وسپاس کرده است .

کتاب اونــه فقط محدود بحقایق محض ومطالب خالص علمی است . بلکه باروشی ساده وروشن وسبك‌انشائی دلپذیروروان ، بطوری که خواننده را لــذّت

بخشد ودانننده را دانش افزایـد برشتهٔ تألیف درآمده وباذکر علائم ومشخّصات جغرافیایی آن‌نکات رامشخّص ومعلوم داشته وازبیان‌مطالب تقریبی وناقص دوری جسته‌ودرحقیقت کتاب‌اویك‌تاریخ‌هنرفارسی‌است. زیرادرهرموقع‌فرصت‌یافته‌است اساتید فنّ‌را ازنقّاش وخطّاط وکاشی‌ساز وحجّار ومعمار ومنبّت‌کار وغیر آن که‌همه از «**اقلیم پارس**» برخاسته‌انـد و بدیگر بـلاد ، چون **خراسان و ماوراءالنهر و هندوستان** ،رفته‌اند،باسم‌وعنوان ولقب ذکر کرده ونام‌آن هنرمندان را زنده داشته است (۱) . ودرآخر کتاب تصاویرزیبا و عکسهای ظریف ، ازآثار تاریخی که اغلب‌آنها تازگی وبداعت دارد ، بحسن‌سلیقه وکمال ذوق برگزیده و کتاب را زینت بخشیده است .

---

۱) **استاد جلال‌الدین همایی** ،هنگامی که‌ازاشارهٔ‌به‌این‌مطلب درمقدمهٔ کتاب‌اطلاع یافتند، اظهارفرمودند که نام‌استادان شیرازی‌درابنیهٔ‌تاریخی **اصفهان** نیزموجوداست ودرتأیید گفتهٔ‌خوداز یادداشتهای گرانبهایشان دو قسمت زیر را باختیار نگارندهٔ کتاب گذاردند که باعرض سپاس صمیمانه‌برای اطلاع خوانندگان گرامی وعلاقه‌مندان نقل‌مینماید :

الف ـ بر کتیبهٔ‌بالای محراب‌شبستان معروف‌به **صفهٔ‌عمر** در «**مسجدجامع اصفهان** (واقع‌درپشت ایوان شرقی مسجدمزبور) نام استادبنا وکاشیکار آن‌چنین مرقوم رفته است : « **عمل العبدالضعیف حسن‌بن‌تاج‌بن فخربن عبدالوهاب‌الشیرازی البنا**» ـ خواندن کتیبهٔ بالا بعلت دوری و کوچکی خط وپوشیدگی‌آن‌ازغبار‌بسیاردشوار‌بوده‌است **استاد همایی**درروزگارجوانی‌باشوروشوقی که‌دراین گونه خدمات‌بخرج میداده‌اند توفیق‌خواندن آن‌رایافته‌اند . دریادداشتهای شخصی نگارنده نام‌نویسندهٔ کتیبه‌های محراب مزبور وسال‌تاریخ آن‌چنین‌نقل‌شده است : «**کتبه علی‌کوهیارالابرقوهی تحریراً فی‌سنة ثمان وسبعین وسبعمائه**». بدین‌قرار در سال ۷۷۸ هجری ، یعنی قریب‌نیم‌قرن‌پیش‌ازهنرنمایی استادان شیرازی در **خراسان** (که‌درصفحات نه وده دیباچهٔ کتاب مذکور است) هنگامی که **شاهان آل مظفر** بر**اصفهان** و**فارس** ودیگر نقاط جنوبی **ایران** حکومت داشتند ، کاشیکاریهای‌معرق در**مسجد جامع‌اصفهان** بوسیلهٔ استاد هنرمند شیرازی انجام میگرفته است .

ب ـ کتیبهٔ بزرگ بالای **ایوان قبله** ( ایوان بزرگ جلـو گنبد ) **مسجد شاه‌اصفهان** که بمناسبت تعمیر‌بنای‌مزبور درزمان **محمد شاه قاجار** (بوسیلهٔ **معتمدالدوله منوچهرخان گرجی** حاکم **اصفهان** ) مرقوم رفته‌است بامضای **محمدباقرشریف شیرازی** ومورخ به‌سال ۱۲۶۱هجری میباشد . (توجه خوانندگان گرامی‌را بتوضیحات مربوط به‌سهم استادان شیرازی در آثار هنری دوران قاجاریه که طی صفحات هفده‌وهجده دیباچهٔ کتاب ذکر شده‌است جلب مینماید) .

ضمناً **استاد همایی** اظهار فرمودند : برروی گلدان‌کاشی میناکاری بالای یکی از دوستون طرفین محراب **گنبد غربی مسجد شاه** (گنبد گلدسته) نام **استاد عبدالرزاق کاشی‌پزکرمانی** مرقوم رفته ونمونهٔ‌هنراستادان کرمانی دوران **شاه عباس** نیزدرمسجد معظم‌آن شهریار جلوه‌گراست .م.

پس آنگاه از تحمّل اهتمام بسیار و رنج بیشمار که برای چاپ در این روزگار دامن‌گیر نویسندگان گرانمایه است ، بهیچوجه تن نزده و باصبر جمیل وسعی بی بدیل، آن را بقطعی متناسب وطبعی مطبوع بحیلهٔ چاپ درآورده ، والحقّ نیکوترین یادگاری ازذوق لطیف وسلیقهٔ ظریف خود بجای گذاشته است .

نویسندهٔ این سطور ، اینک بیش ازسی سال است که بامؤلّف گرامی این کتاب صواب افتخار آشنایی واحیاناً توفیق همکاری داشته‌ام واز نخستین بار کـه دریکی ازاصقاع **اقلیم پارس** ، یعنی برفرازصفّهٔ **تخت جمشید (پرسپلیس)** باایشان اتّفاق دیدارروی دادتاکنون همواره رشتهٔ ودادوسلسلهٔ اتّحادرا محکم داشته وبدستیاری وپایمردی ایشان هم دراثناءِ خدمت دروزارت معارف وهم دردورهٔ همقدمی وهمکاری درانجمن آثارملّی متّفقاً موفّق بایفاءِ خدمات فرهنگی وادبی بقدروسع بوده‌ایم . ازنخستین روز که آن رادمرد رادیده وشناخته‌ام ، او راعاشق صادق معرفت ورفیق شفیق اهل علم یافته‌ام . ازآغازخدمت که دررشتهٔ باستان شناسی قدم نهاده تاامروز ازین فنّ شریف دوری نجسته و ازین شاخ بشاخهـای دیگر پرواز نکرده وهـمّ واحد ونیّت راسخ خودرا وقف شناختن وشناسانیدن مفاخر تاریخی نیاکانی وآثار گرانبهای باستانی **ایران** کرده است . زهی عمر شایسته که این چنین درراه علم ودانش بگذرد !

همین وظیفه رادراین نامهٔ نامی نیزالحق بحدّ کمال ایفافرموده است واین کتاب چنانچه گفتیم اکنون آخرین حلقه ازسلسلهٔ فارسنامه‌هـای باستانی بوده ودارای مطالب بدیع ونوادرلطیف واطّلاعات سودمند وفوائدبی‌پایان است که دردیگر کتب ومنابع یافت نمیشود .

امتیاز خاصّی که این کتاب بدان متمایز وموصوف است آن است که اکتفا بتحقیقات گذشتهٔ اسلاف ومشاهدات سابقان نشده وآنچه که درزمان حاضروحتّی درحین تألیف کتاب اکتشاف شده وجدیدترین امور و تـازه‌ترین مطالب را نشان میدهد ، درذیل وضمیمهٔ کتاب بر اصل مزید ساخته وآن را بصورت سندی نوومتنی تازه درآورده است که ازحیث وسعت دامنهٔ اطّلاعات ودقّت دربحث وتحقیق بر کتب

گذشته برتری‌دارد . هما نطور که دردیگر کتب و آثار خود کـه هریك بفراخور خویش درعلم شریف باستان شناسی ( ارکئولژی ) **ایران** مقامی‌رفیع وشأنی منیع دارد ، دراینجا نیز سعی کرده است سخن بگزاف نگوید و راه بخلاف نپویـد .
«حد همین‌است سخن‌گفتن وزیبایی‌را».



فضائل **فارس** وفارسیان وسرمایهٔ استعدادی که آفریدگارجهان درمردم آن سرزمین بودیعه نهاده و بلطافت‌طبع‌و کرم اخلاق آراسته‌است، بانضمام دیگرخصائص طبیعی و مواهب آسمـانی ، مـانند باروری زمین وفراوانـی آب واعتدال هوا و طرب‌انگیزی‌خاك‌همیشه موردتوجّه‌بزرگان‌جهان‌بوده وهست واکثرنویسندگان وگویندگان‌وسیّاحان‌وجغرافیانویسان‌وتاریخ‌نگاران‌ازمکارم‌ومحامدآن سرزمین وسجایای محمودهٔ مردم‌آن بالسنهٔ گوناگون وبه تعبیرات مختلف‌به نظم ونثرداد سخن‌داده‌اند ، تابجایی که ذکرفضائل آن‌دیاروخصائل‌اهل‌آن‌ازهمه والاترو بالاتر در**کتاب مبین الهی** آمده است . چنانکه درذیل دوسه‌آیهٔ قرآنیّه که لسان‌وحی بمردمی غیرعرب اشاره کرده وازآنها به نیکی‌یاد فرموده است ، مفسّران گفته‌اند که مقصودازآن قوم ایرانیان وپارسیان بوده‌اند .

ازآن‌جمله در ذیل این‌آیهٔ شریفه : «**وان تتولوا یستبدل قوماً غیرکم ثم لایکونوا امثالکم**» ( محمد ۳۸/۴۷ ) **زمخشری** در **تفسیر کشاف** خود،قوم مذکور دراین‌آیهٔ شریفه را مردم **فارس** دانسته‌است. وهمچنین آیهٔ شریفهٔ دیگر: «.. **بعثنا علیکم عباداً لنااولی بأس شدید** ..». ( الاسراء ۱۷ ,۵ ) ونیز دراین‌آیت : «**ومن یرتدمنکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه ... یجاهدون فی سبیل‌الله ولا یخافون لومة لائم ...**» (المائده-۵/۵٤) قاطبهٔ مفسّران این آیات مبارکات را همه در شأن مردم **فارس** دانسته‌اند ، وروایت کرده‌اند که چون از

پیغمبر اکرم (ص) پرسیدند : این قوم که دارای این فضائل اند کیستند ؟ دست خود را بر کتف **سلمان فارسی** نواخته فرمود: « **هذا و ذووه** » و سپس گفت : « **لو کان العلم منوطاً بالثریا لیتناوله رجال من فارس** »[1].

بنابر روایتی که **زمخشری** در **ربیع الابرار** نقل کرده ، وخاصّه وعامّه بر آن متّفق اند ، ازهمان حضرت نقل است که فرمود : « **لله من عباده خیرتان فخیرته من العرب قریش ومن العجم الفارس** » وازهمین لحاظ است که **امام علی بن الحسین (زین العابدین)** را « **ابن الخیرتین** » لقب داده اند زیرا وی ازسوی پدرفرزند زادهٔ **علی مرتضی** واز جهت مادر نوهٔ **یزدگرد سوم** ، پادشاه ساسانی ، بوده است .

در مجموعهٔ **نهایة الارب فی فنون الادب** آمده است که **عمر بن الخطاب** ، خلیفهٔ دوّم، روزی درمقام ستایش مردم **فارس** گفت : « **الا ان لاهل فارس عقولاً استحقوا ما کانوا فیه من الملك** » .

و نیز درهمان کتابست که درزمان غلبهٔ **عبدالله بن زبیر** بر **مکه** خانهٔ **کعبه** را خرابی روی داده بود ، درصدد مرمّت برآمدند . چون معماری هنرور که بتواند بیت الله را چنانکه باید ازنو بیاراید درمیان تازیان یافت نشد . **عبدالله** گفت : « **ان لم یجدوا من یبنیه من العرب فاستعینوا باهل فارس** » .

**جاحظ** دانشمند عرب ، در **کتاب الحیوان** برفضیلت **شیراز** بر دیگر بلاد چنین شهادت داده و گفته است : « **ان شیراز احسن من جمیع قری فارس انها نبتة طیبة** » .



در اخبار اسلامی و کتب جغرافیون عرب ، مناقب **فارس** و **اهل فارس** فراوانست وبزبان شعرونثر هردو دراین باب سخنها گفته اند . ازآن جمله دو بیت

---

۱) کلام بالا دربعضی کتب بدین صورت ذکرشده است : « **لوکان العلم معلقا بالثریا لناله رجال من فارس** » م

**اسماعیل بن محمدعصابة الجرجانی** است که **یاقوت** و **المسعودی** نقل کرده‌اند. میگوید:

الدّار داران، ایوان وغمدان[1] والملك ملكان، ساسان وقحطان[2]

النّاس فارس والاقليم بابل والاسلام مكّةُ والدّنيا خراسان

همچنین در کتاب **عیون الاخبار**. تألیف **ابن قتیبة الدینوری** (متوفی ۲۷۶ ه. ق) که اوظاهراً نخستین کسی است که بنای **شیراز** را به **محمدبن قاسم بن محمدثقفی** والی **فارس** ازطرف **حجاج** نسبت داده و گفته‌است: «وهو جعل **شیراز** معسكراً ومنزلاً لولاة **الفارس**» ج۳ ص۲۲۹.

ودر کتاب **البلدان** تألیف **احمدبن ابی یعقوب بن واضح الیعقوبی** (متوفی ۲۸۴ه. ق) که ازاقدم کتب جغرافیایی عربست، گفتاری درفضل **فارس** واوصاف تختگاه آن آمده، از آنجمله میگوید:

«**شیراز** مدينة **فارسَ** العظمى. هى‌مدينه‌جليلة‌ينزلها الولاة ولها سعة‌حتى‌انه‌ليس فيها منزل الا وفيه لصاحبه بستان‌فيه‌جميع الثمار والرياحين والبقول وكل مايكون فى‌البساتين. و مشرب اهلهامن عيون تجرى‌فى‌انهار تأتى‌من جبال يسقط عليها الثلج ...».

بعداز **الیعقوبی**. ازوصف بلاد **فارس** وعاصمهٔ آن شهر **شیراز** درتمام کتب جغرافیایی‌عرب بلااستثناء سخن‌رفته‌است. چنانکه، در کتاب **المسالك و الممالك** تألیف **ابوالقاسم عبیدالله بن‌عبدالله الخراسانی**، مشهور به **ابن خرداذبه** (متوفی در حدود ۳۰۰ ه. ق) به تفصیل از **شیراز** سخن آمده است. (طبع **بریل** ص ۴۲-۱۷۱).

در **عقدالفرید** (جلد سوّم ص۲۷۹) تألیف **احمدبن عبدربه‌اندلسی** (متوفی ۳۲۸ ه. ق) ازمملکت **فارس** و بلادآن سخن‌بسیاررفته وازجمله گل‌سرخ و گلاب **فیروزآباد** را وصف کرده و گفته است:

---

۱) **ایوان** اشاره بایوان کسری در **مدائن** و **غمدان** قصر منسوب به **بلقیس** ملکهٔ **یمن** در **صنعا**ست.

۲) **قحطان** اشاره است بعرب بنی **قحطان** که در شمال جزیرهٔ عربستان سکنی کرده بودند و**قریش** از آن ریشه انشعاب‌یافته‌اند.

«ومنهامدینة یقال لها **جور** (معرب **گور**) والیها ینسب ماءالورد الجوری ....»(۱).

در **المسالك و الممالك** تألیف **ابن‌حوقل ( محمدالموصلی** متوفی ۳۲۱ ه . ق) آمده است :

«مدینة **شیراز** جلیلةواسعةلها منازل سریه کثیرة المیاه ولیس‌یکاد یخلو دارابشیرازمن بستان حسن‌ومیاه تجری واسواقها عامرة جلیلة» .

ودر کتاب **مراصدالاطلاع فی‌اسماءالامکنة والبقاع** تألیف **ابواسحاق محمد الاصطخری** ( مؤلّف درحدود ۳٤۰ ه . ق ) ج ۲ طبع **بریل** آمده است :

«فاما **اهل‌فارس** فکانوافی سالف الدهراعظم ملکاًواشدهم‌شوکةوکانت‌العرب یدعوهم‌احرارا».

ودروصف **شیراز** آمده : «امامدینة **شیراز**فانها مدینةاسلامیةوبنیت‌فی‌الاسلام وسمیت بشیراز تشبیهاً بجوف‌الاسد ... ولیس علیهاسواد وهی‌مشتبکة البناء کثیرة الاهل ...» .

ودیگر مورّخ شهیر . **ابوالحسن علی‌بن حسین‌المسعودی** (متوفی ۳٤٦ ه . ق) در کتاب**التنبیه‌والاشراف** میگوید : «**الفرس**کانوااهل‌العزالشامخ‌والشرف‌الباذخ والریاسة والسیاسة ، فرساناً فی‌الوغی صبورا عنداللقا . ادت الیهم الامم الاقادت وانقادت الی طاعتهم خشیة صولتهم و کثرة جنودهم ...» .

در **احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم** . تألیف **شمس‌الدین المقدسی البشاری** (متوفی ٤۱٤ ه . ق) آمده است :

«هذا اقلیم ترابه معادن وجباله مشاجر...» ص ٤۲۰–٤۳۳ .

همچنین در کتب : **مختصرکتاب البلدان** تألیف **احمدبن اسحق‌همدانی** ملقّب به **ابن‌الفقیه** ازعلماء اواخرقرن سیم، ونیز **معجم‌البلدان** تألیف **یاقوت‌بن عبدالله‌الرومی‌الحموی** (متوفی٦۲٦ه . ق)و**اخبار الدول فی آثار الاول**تألیف

---

۱) دربهارسال ۱۳۳۸ش که نگارندهٔ کتاب برای بازدید نقش برجستهٔ سنگی مکشوف درتبهٔ **حکوان** ازآبادی **علی‌آباد** میگذشتم (در صفحات ۸٤و۸۵ متن کتاب توضیح مطلب داده شده‌است .) تصادفاً مقدار فراوانی شیشه‌های سربستهٔ گلاب دیدم که زیر سایهٔ درختان درون سبزه‌زار جیده بودند وآقای **جلال‌آرین** مالك محترم آبادی مزبوردر جواب استفسار اینجانب فرمودند: تهیهٔ گلاب درنواحی مستعد خاك‌فارس ازز‌مانهای دیرین متداول‌بوده‌وصدورآن بنواحی اطراف **خلیج فارس** هم پیشینهٔ تاریخی‌دارد . (یکی‌از مستعدترین نقاط پرورش گل وتهیهٔ گلاب در خاك فارس میمند است) م .

**ابوالعباس احمد الجلوی القرمانی الدمشقی** (متوفی ۱۰۱۹ هـ. ق) هم ذکر **فارس** و **شیراز** همه‌جا بتفصیل آمده است .

**ابوالقاسم حسین بن محمد** معروف به **راغب اصفهانی** (متولّد ۵۰۲ هـ . ق) در **محاضرات الادباء** ذکر میکند که : روزی **محمد بن عبدالملک الزیات** وزیر بر **مأمون** در آمد و **مأمون** از اوصاف دیار و بلدان از وی پرسشهایی میکرد ، پس گفت :

«صف لی **فارس**» . قال : «فیه من کل بلد بلد ... وبشیراز تفاحة نصفها فی غایة الحلاوة ونصفها فی غایة الحموضة» . (واین همان سیبی است که درزمان ما باغبانان **شیراز** آن را «سیب ترش مصری» نام داده‌اند) .



جغرافیاشناسان فارسی زبان نیز در کتب خود درطول اعصار و قرون باسلاف عربی زبان خویش تأسّی کرده وهریک در فضل بلاد **فارس** و تختگاه آن سخنها گفته‌اند وما منتخباتی چند باختصار که هریک متضمّن نکته‌ای لطیف یا نادره‌ای بدیع است برای نمونه از کلام ایشان دراینجا ذکر میکنیم :

از آن جمله در کتاب **حدودالعالم** که بسال ۳۷۲ تألیف‌شده (طبع **تهران** ۱۳۱۲ هـ . ش) در وصف **فارس** آمده است :

«**پارس**، ناحیتی است آبادان و توانگر با نعمتهای گوناگون وجای بازرگانان، واندروی کوهها و رودهاست و مستقر خسروان بوده و مردمان این ناحیت سخندان وخردمندند واندروی آتشکده‌های گراست و آن در قدیمیان را بزرگ دارند و زیارت کنند **وشیراز** قصبهٔ **فارس** است شهری بزرگ است و حرم ناخواسته و مردمان بسیار ... واندروی یکی دژ فهندز است قدیم سخت استوار وآن را قلعهٔ **شه مؤبد** خوانند واندروی دو آتشکده است که آن را بزرگ دارند واندروی یک گونه اسپرغم است . **سوسن نرگس** خوانند ، برگش چون برگ سوسن است ومیان چون نرگس» .

دیگر **ابن البلخی مستوفی** ، که در زمان **سلطان غیاث الدین محمد بن ملکشاه سلجوقی** (۴۹۸ هـ . ق) میزیسته است ، کتاب مستقلّی بنام **فارس** تألیف کرده که آن را **فارسنامه** نام نهاده است ؛ وآن کتاب در **کمبریج** بسال ۱۹۲۱م زینت طبع یافته . این مؤلّف در فضائل آن بلد سخن به تفصیل گفته است . از آن جمله

میگوید :

«**پارس** ولایتی‌است سخت‌نیکو، چنانك‌هم سهل است‌وهم جبل‌وهم بروهم بحروبازهرچه درسردسیرها وگرمسیرهاباشد . جمله‌در**پارس**باشد... وهمیشه‌مردم**پارس**‌را **احرارالفارس** نوشتندی یعنی‌آزادگان ... و **پارسیان** را **قریش‌العجم** گویند ؛ یعنی‌درعجم شرف ایشان همچنانست‌که شرف **قریش** درمیان **عرب** ... » فارسنامهٔ ابن البلخی ص ٥ و ٦ .

ونیزازمیان نویسندگان فارسی زبان‌که درکتب خود **فارس** را ستوده‌اند **خواجه نظام‌الملك** وزیرمعروف است ، وی دررسالهٔ بنام «**دستورالوزارة**» که پس‌از سلطان **آلب ارسلان** (سنهٔ ٤٦٥ هـ . ق) آن‌را برای فرزندش **نظام‌الدین فخرالملك** که بعدها بوزارت رسید نوشت تادستورکار اوباشد ، درشأن پارسیان وادب وفضل‌ایشان چنین‌می‌نویسد :

«ولایت **فارس** ... تمامت فضلاباشند . واگر کسی، خاصه صاحب صدری ، عربی‌نداند و نگوید ومکتوب بعربی‌نتواندنوشت وخط نیك‌ننویسد ، عیب‌گیرند واستهزا کنند ... .

همچنان در کتاب **مجمل التواریخ والقصص** (مؤلّف بسال٥٢٠ هـ . ق( طبع **تهران** ١٣١٨ هـ . ش ص ٥٢٥ چنین‌آمده است :

«**شیراز** درولایت **پارس** شهری‌است که‌آن‌رابشکم شیرمانندکرده‌اند وازهمهٔ شهرها کد گرداگرد اوست ، نعمت‌آنجا آورند وازآنجا بجایگاههای دیگربرند ؛ وبنای‌آن **محمدبن القاسم‌بن ابی‌عقیل** ، ابن‌عم **حجاج** کرده‌است . ودارالملك پادشاهان **پارس** است‌وهوای خوش‌دارد ونعمت‌فراخ باشد ودرخت بسیار ومیوه راحدی نباشد ... ».

دیگر **حمدالله مستوفی قزوینی** است ، که از مورّخان و جغرافیادانان قرن هشتم هجری متولّد ٦٨٠ هـ . ق میباشد . وی در کتاب خود موسوم به **نزهةالقلوب** از **فارس** و عاصمهٔ آن **شیراز** ذکر کرده واز مواضع برّوبحرِ آن مملکت بتفصیل‌بحث نموده است ازآن‌جمله میگوید :

« مملکت **فارس** دارالملك پادشاهان **ایران** بوده ومشهور است‌که ایشان را ، اگرچه برتمامت **ایران**‌حکم داشته‌اند ، **ملوك فارس** خوانده‌اند وقدرت وشوکت ایشان چنانکه . اکثرپادشاهان رابع‌مسکون‌خراج‌گذارایشان بوده‌اند ..» طبع **لندن** ص١١٢تا١٢٢.

در **شیرازنامهٔ ابوالعباس احمدبن ابی‌الخیر زرکوب شیرازی** که در

ذکر مزیّت وفضیلت **شیراز** ورجال آن در اواسط قرن هشتم تألیف شده است ، میگوید :

« ... هوای هوس‌انگیزش مفرح‌جان هرعلیل غلیل . خاك‌پاكش تریاق‌طبع هرلدیغ ... آثارنزهت‌گلزارش برنعیم‌بهشت‌باقی‌منت‌نهاده وچرخ‌مینایی‌بتماشای باغ‌بنفشهٔ اوچشم‌بر‌گشاده، از غیرت اعتدال ربیعش‌فلك راهب‌آسابتماشای خریف‌چون بهاراوبزیر می‌آید، وفصل زمستانش‌که غنیمتی‌است‌بارد ، کانون‌حجرهٔ جان‌را ... ازآفت صرصرخزان‌اندهان محمی ومحروس میدارد .

ز اعتدال هوا و ز نازکی صبا گمان‌برم‌که خزان دربهار میآید..».

( **شیرازنامه** . طبع تهران ص ٤ و٥)

درترجمهٔ **شدالازارفی حط الاوزار عن زوار المزار** تألیف **معین الدین ابوالقاسم جنیدبن محمود شیرازی** مؤلّف‌بسال ۷۹۱ هـ . ق (متن‌عربی‌طبع**قزوینی تهران** ۱۳۲۸هـ . ش) که بقلم‌فرزند مؤلّف **عیسی بن جنید**انجام گرفته وبه عنوان « **مزارات شیراز** » یا **هزار مزار** معروف‌است،دروصف‌آن شهرشهیرچنین‌آمده :

«**شیراز** برج‌اولیا ومکان‌شهداست وجای پرهیزکاران ومحل ومقام عزیزان وپیران (۱) درمسلمانی‌آن‌را بنا کرده‌اند وهرگزبه بت‌پرستی‌پلیدنشده ومقصدعالمان وعبادتگاه پاکان‌گشته ومسکن بزرگان وبرگزیدگانست ... ولقدصدق من‌قال **ان فی‌فارس‌لرجالاً وجبالاً** .... جای سواران جلد وچابك‌است . عبادی‌که شبهای تاریك درطلب خیرباسلوك وسیر میباشند ... الخ » .

**حافظ ابرو** . مورّخ قرن‌نهم (معاصر**شاهرخ‌تیموری**) متوفی ۸۳٤ هـ . ق . نیزدر کتاب‌جغرافیای‌خوددرذکر **اردشیر خوره** از **فارس** واعمال‌آن سخن کرده است‌که نقل‌همهٔ کلمات اوطولانی است . تنها در ذکربنای **شیراز**مطالبی گفته کد تاحدّی قابل‌توجّه است ودراینجا اجمالاً نقل‌میشود :

«شهر **شیراز** درقدیم الایام قطعه زمینی‌بوده ناهمواروملوك عجم هرسال‌یکنوبت‌برآن قطعه زمین‌حاضرآمدندی ... گفتند که ازعهد **جمشید** صومعه‌ای دراین زمین‌بوده وقدما آن زمین‌را برخودفال نیك‌میدانستند ودرآن دشت **دارالسلطنهٔ اصطخر** بودتادروقت **محمدبن یوسف ثقفی** شبی درخواب دیدکه روشنان صومعهٔ فلك ازآسمان بزمین آمدند ودرآن زمین

---

۱ ) درطی‌قسمتهای مختلف کتاب‌ازجمله‌صفحات ۵۱ تا۵٦و۷۰ و۷۱و۳۸٤و۳۸۵ تعدادی از آرامگاههای بزرگان وعزیزانی که در سرزمین گرامی **شیراز** بخاك سپرده شده‌اند مذکور افتاده است م .

جمع گشتند ومیگفتند که این قطعه زمین دائره ایست که قدمگاه چندین هزارصدیق خواهدبود ... روزدیگراز **اصطخر** بآنجا متوجه گشت واستادان ومهندسان را فرمود تاقاعدهٔ ملك هم برآن رقعه اساس نهادند وبمدت دوسال خطهٔ **شیراز** تمام گشت وطالع بناءِ آن سنبله بود ؛ ودورآن دوازده‌هزار گزاست وعرض دیوارهشت گزنهاده ویازده دروازه داشته است ... ».

بعداز او **میرخواند** در **روضة الصفا** و **خواند میر** در **حبیب السیر** ، که هردواز مورّخان اواخر عصر **تیموریان** اند ، از **فارس** و **شیراز** وعجایب آن دیار ولطافت هوا وتعداد بقاع ومساجد بتفصیل ذکر کرده‌اند :

**میرخواند** در **روضة الصفا** مینویسد: « هوای **شیراز** باعتدال واکثراوقات روی بام بازارش از ریاحین خالی نباشد ومردم آنجا به عیش وعشرت وسیر راغب باشند واغنیا وتجاربا ندك فرصتی مفلس شوند ... ومردم آنجا درویش نهاد باشندو باندك چیزی قانع ومتمولان آنجا اکثر غریبانند ودرشهر **شیراز** مالدارکمتر توان یافت ...». از غرایبی که صاحب **حبیب السیر** ذکر میکند یکی اینست که : «درطرف جنوبی ولایت **فارس** صحرائی است متصل بقریه یی که قبر **جاماسب** حکیم آنجاست . (مقصود قریهٔ **کراده** در بلوك **خفر** است . رجوع شود به **فارسنامهٔ ناصری** ج۲) وبر آن قبر آهن پاره‌ها ریخته . هرکس پاره‌یی از آن برگیرد ، راه گم کند وازآن صحرابرون نتواند رفت ؛ مگروقتی که آن آهن پاره بجایش نهد ... وهرصاحب منصبی که سواره ازنواحی آن قبر بگذرد البته هم در آن سال معزول شود یابمیرد ....» (۱).

**امین احمد رازی**، که در تاریخ ۱۰۰۲ هـ . ق تذکرهٔ مشهور **هفت اقلیم** را نگاشته است ، بنوبت خوداز **شیراز** یادمیکند . این نویسندهٔ فاضل در کتاب خویش ، که تذکرهٔ جامعی است دراحوال شاعران ومبتنی براقالیم جغرافیایی میباشد ، **شیراز** را بحسن لطافت آب وهواستوده و گفته است : « . . از باغ ارم آیتی واز روضهٔ رضوان کنایتی است .

صبا نهفته بخاکش طراوت طوبی  هوا سرشته بآبش حلاوت کوثر ».

وهم نکتهٔ بدیعی که وی ذکرمیکنداینست : « .. مردمش . از منده واحرار . سمین ونزار ، بصحبت مایلند والتزام دارندکه ایام هفته را هرروز رادرجایی بسربرند ودیگر

---

۱) درصفحهٔ ۸۶ کتاب نیز دربارهٔ **قبرجاماسب** توضیحاتی ذکر گشته است .

**سیرخلجان** (۱) که ازشهرتا کوه **دراك** قریب دوفرسنگ است تمام باغ وباغچه است .. ».

دیگر از نویسندگان عصر صفوی . **قاضی میر احمدقمی** ـ معروف به **«میرمنشی»** ـ است که بمنصب انشاء در دستگاه والی خراسان شاهزاده **ابراهیم میرزا** فرزند **بهرام‌میرزا** پسر **شاه‌اسمعیل اول** در **مشهد** میزیسته و در حدود سال ۱۰۱۵ هـ . ق وفات یافته است . وی‌در کتاب **گلستان هنر** که تاریخ بدیعی ازنقّاشان وخطّاطان‌ایرانست ، از**شیراز** نام‌برده‌ودرذیل‌احوال‌امیرزاده **ابراهیم‌ـ سلطان‌بن‌شاهرخ تیموری** نوشته‌است که : وی کتیبه‌های‌بسیار درمدارس ومساجد وبقاع **شیراز**بنیاد نهاد چون **دارالصفا و دارالایتام** که این دوبنا را دو چشم روزگار مانندآن ندیده است ، ودر صفّهٔ مقبرهٔ شیخ‌العاشقین ،**شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی** ، این غزل بخطّ آن بی بدل برازاره بکاشی تراش مسطوراست :

«بجهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست .... الخ ».

«واین‌بناهارا بحکم**یعقوب‌ذوالقدر**حکمران**فارس** که مردی‌فرومایه وبی‌ادب‌بود، در سال۹۹۸خراب کردند وهیچ‌اثری‌ازآن‌باقی‌نماند .... این‌عمل‌ناپسندخشم **شاه عباس کبیر**را برانگیخت وامر فرمود او را بقتل رسانیدند » . (رجوع شود به **فارسنامهٔ ناصری** ج۱ گفتار اول ص ۱۲۳) .

ازاین حکایت تاریخی خواننده دچار تأسّف وتلهّف‌میشود که چگونه‌ابنیهٔ ظریفه وعمارات رفیعهٔ‌آن شهرشهیر که از بدوتاریخ‌اسلام تاکنون در ولایت**فارس** بفرمان شاهان نامدار وبدست معماران هنرمند واستادان بدایع‌نگار بوجودآمد بـا تیشهٔ جهالت و تبر نادانی بویرانی افتاده است . بسال ۱۳۱۵ هـ . ش نیز بنای **دروازهٔ قرآن** را در **تنگ‌الله‌اکبر** کـه از عصر **بویهیه** باقی مانده بود و**بازار کریم‌خان وکیل**رادرشهر**شیراز** که‌ازنفائس‌آثارعصر**زندیه**است‌خراب کردند(۲).

مؤلّف دیگرازقرن یازدهم . **قاضی‌نورالله‌المرعشی‌التستری** است . عالم

۱) این ناحیه بعدها باسامی گوناگون‌چون « **هزار باغ** » و« **قصر الدشت** » و «**مسجد بردی**» نامبردار شده است .

۲) دروازهٔ قرآن درسال ۱۳۲۷ هـ . ش باسنگ وآجروکاشی‌های‌ظریف بهمت‌نیکوکاران زمان تجدیدبناشده است (رجوع‌شود به‌صفحهٔ ۵۱ وتصاویر ۹۸ و ۹۹ کتاب‌حاضر . م) .

شيعي ملقّب به« **شهيد ثالث** » مقتول بسال ۱۰۱۹ هـ . ق . وی بسبك و روش خود پس‌از ذكر **شيراز** از صفای عقیدت اهل آن ديار و اخلاص آنان بخاندان نبوّت يادميكند و ميگويد :

«... نهال فطرت اصلی‌اهل**شيراز** همیشه ازنسیم محبت وولای اهل بیت دراهتزازبوده و بنابرهمان فطرت ممتاز **سلمان فارسی** بشرف خطاب : «**سلمان مناأهل البيت**» سرافراز گشته عاقبةالامر اكثر اوقات بسبب‌استیلای ملوك ورؤسای اهل‌سنت نورایمان درنهاد اهالی‌آن ديار مخفی‌وپنهان بوده ازجمله اهالی‌آنجا سادات رفيع‌الدرجات خصوصاً **سادات اینجو** بقدم تشيع مشهورند وهمچنین **طايفهٔ خاكيه** ومانندایشان ازخاندانهای قدیم در سلك اهل ایمان مذكورند ...» (مجالس‌المؤمنين طبع تهران ص ۳۹ ) .

ديگر از كتب تاريخ وجغرافيايی متأخّرين **جامع مفيدی** است كه مؤلّف آن **محمد مفيدی‌نجم‌الدين‌محمودهروی** از مستوفيان دربار**شاه‌سليمان‌صفوی** است. وی‌درتاريخ۱۰۷۷هـ . ق كتاب‌خودرارقم كرده ودر۱۰۸٤هـ . ق در **هندوستان** وفات‌يافته وازمشاهیرمورّخان قرن یازدهم‌است . اين مورّخ درباب **شيراز**مقالات ديگرنويسندگان را ذكروتكرار كرده‌از آن ميان‌آنچه كه درباب **شهر اصطخر** (**تخت‌جمشيد**)نوشته خالی‌از بداعت نيست :

« **اصطخر**ازبلاد قديمهٔ **فارس**است ومشهوراست كه‌دارالملك**سليمان**بوده ودر بيرون آن شهرابنيهٔ عجيبه بسياراست . ودرشكاف كوهی كه‌نزديك‌باصطخراست‌هيكلی‌ساخته‌اند وپيوسته بادبرآن‌هيكل ميوزد وبنابرآن گويند كه **سليمان** باد رادرآن‌هيكل‌حبس كرده‌است. وعمارت **چهل‌منار** (۱) ازغرائب روزگاراست وبانی‌آن **جمشيد** و**همابنت‌بهمن** درزمان سلطنت خود عمارات برآن افزوده و**اسكندر رومی** كه به **فارس**آمد در انهدام‌آن امرفرمود ...».

يكی ديگر از مؤلّفان و ادبای اوایل سدهٔ دوازدهم ، دانشمندی است بنام **محمدمؤمن‌بن‌حاجی‌محمدقاسم‌الشيرازی** معروف بـه **جزايری** واو را كتاب مقاماتی‌است بسبك **حريری** و**همدانی** بنام «**طيف الخيال** » كه‌از آثار مختارادب عرب‌بشمارميرودو آن‌را درسال۱۱۱٦ تأليف نموده است . ازجملهٔ‌آن مقامات‌يكی بنام «**مقامة‌الوطنية**» مخصوص اوصاف **شيراز** است و درآن داد فصاحت داده باين

۱) يكی ازنامهای تخت جمشيد در روزگار قديم كه‌در صفحهٔ ۳۳ كتاب نيز بدان اشاره شده است . ٠

جملات شروع میشود :

«لفطتنی السیاحة الی **شیراز** اعاذها الله عن النقائص والاعواز فرأیتها دار اللعلم ومأوی للسرور **«بلدة طیبة ورب غفور»** وهم اورا کتاب دیگری است بنام **درر الحکم** که سراسر کتاب با کلمات مهمله (بی نقطه) تحریر شده است ودر آنجا میگوید :

« هوالله الاحد . ولد المحرر اواسط اول المحرم عام ١٠٧٤ ومولده دار العلم ومحرس الکمال ومحل اهل المکارم ومحط اهل الحال ودار العلم له اسم معلوم و هومولد المحرر ومأواه اصلحه الله وهومصر معلوم معمور حرسه الله وله کروم مدحها اهل العالم. واهله اکرم اهل واعلم رهط مدحهم رسول الله صلعم لعلومهم وهو محط رحال العلماء والحکما ومحل الامراء الکرماء . هوائه محمود ومائه ممدوح طاو للمدارس والصوامع مصلح للعمل معدم للآلام ممد للاصحاء لاسموم له ولاحرور، وله اعدل هواء... ». (این خطبهٔ بی نقطه بتمامه در مقدمهٔ کتاب **آثار العجم** مرحوم **فرصت** مندرج است).

در پایان سدهٔ دوازدهم نوبت بمرحوم **لطفعلی بیگ آذر بیگدلی** ، متوفی بسال ١١٩٥ هـ . ق ، مؤلف مشهور تذکرهٔ **آتشکده** میرسد که در سلسلهٔ شریفهٔ ارباب تذکره حلقه یی شایسته وفردی برجسته است ، **آذر** معاصر **کریمخان زند** میباشد . وی در کتاب خود در ذکر **شیراز** بعد از تکرار مقالات گذشتگان این کلمات را اضافه میکند :

«بعد از آنکه درازمنهٔ متوالیه بعلت تصاریف زمان مثل سایر بلاد **ایران** اختلال کلی بحال آن بلدهٔ فاخره راه یافته بود ، دراین عهد بفرمان واجب الاذعان خدیو ایران استادان باروی محکم بدور آنجا ساخته وخندقی عمیق بگرد شهر پرداخته و کوچه را سنگ بست کرده وعمارات عالیه در آنجا بنا نهاده اند .....».

ذکر عمارات کریمخانی در **شیراز** . در کتاب نفیس **تاریخ گیتی گشا** طبع **تهران** ١٣١٧ هـ . ش تألیف **میرزا صادق نامی اصفهانی** متوفی بسال ١٢٠٤ هـ . ق بتفصیل آمده است ، وآن فصل را چنین عنوان میکند : «ذکر بنیاد عمارات مبارکات در خطهٔ غم پرداز **شیراز** وچگونگی آن زمان....» (گیتی گشا ص ١٥٣ تا ١٥٨)

**نامی** تاریخ زندیه را تا حوادث بیست ویکم محرم ١٢٠٠ بقلم آورده است وکار و کردار دادگر زند را شرحی مستوفی داده .

☆☆☆

در سدهٔ سیزدهم هجری نیز بفارسی و تازی در آثار و کتب ادبا و نویسندگان جغرافی‌شناس آن عصر وصف **شیراز** مکرّر دیده میشود و غالب آن آثار مانند **فارسنامهٔ** مرحوم **حاجی میرزا حسن فسایی** جدّامّی نگارندهٔ این سطور و **آثارالعجم** مغفورٌ له **میرزا آقای فرصت** که در اواخر آن مائه تألیف فرموده‌اند مکرّر بطبع رسیده و دردسترس همگان است. ولی قبل از ایشان، یعنی در اوائل آن قرن بعضی آثار در این باب موجود است. از آن جمله در **گنجینهٔ نشاط** که مجموعهٔ رسائل ومنشآت مرحوم **میرزا عبدالوهاب اصفهانی معتمدالدوله** وزیر صاحب جود و شاعر و نویسندهٔ ادیب عصر فتحعلی شاهی است. وی در طیّ همان سالی که موکب شاه عزم **شیراز** کرده است، مقالتی در وصف آن شهر دارد. و آغاز آن مقالت بدین کلمات فصاحت آیات می‌نماید:

«خطهٔ خضرای **شیراز** که برخط خضرای سروان طراز خط خطا کشیده. فضای جانفزایش طرب آمیز وهوای دلگشایش نشاط انگیز است ....».

وسپس در فضیلت شیرازیان گفته است:

«ازمردم آن سواد، بهر که چشم افکنی سوادمردم چشم دانش ونکته دانی، ودراهل آن دیار بهر کس نظر کنی روشن ضمیر بیری یاخوبرو جوانی است.

مهما رأیت القوم قد حسنوابالـــــــ وجه فی الشباب وبالسرفی المشیب

ارباب فضل ودانش، درعین تمکین، درطرب‌اند؛ وظرفاءاصحاب طربش، درحالت اطراب، باادب، مردمش بدانسان لطیف وخوش زبان وألوف ومهربان‌اند که نکورویان در آنجا عادت معشوقان ازدست داده رسم جور و جفا ندانند. گفتی طبع برجیس و ناهید بهم سرشته و طبیعت ساکنانش گشته ....». گنجینه نشاط. طبع تهران ص ۸۲

دیگر از نویسندگان صاحب اثر این سده، مرحوم **حاجی اکبر** ملقّب به **نواب** متخلّص به **بسمل** مؤلّف **تذکرهٔ دلگشا**ست که کتاب خودرا درسال ۱۲۳۷ ه. ق تألیف کرده، (نسخهٔ خطّی این کتاب در کتابخانهٔ ملّی **تهران** موجوداست.) وگلبن اوّل آن تذکره‌رادرذکراحوال **شیراز** اختصاص داده است وشروع میشود باین جملات:

«ارباب سیرو تواریخ این بلدهٔ طیبه‌را بواسطهٔ کثرت مراقد امامزادگان ومدفن اولیاء و بزرگان وجمعیت ارباب حال و کمال از فضلاودرویشان **برج اولیاء** خوانده‌اند ... در هر کنج

خرابه‌اش گنجی دفین‌ودر هرکف‌خاکش پاکی‌مکین ... خلقش درویش منش‌وپاك اعتقاد وبقدر مقدور کریم وجواد . اکثر غریب نواز و باغربا مهربان ودمساز وبکمتر کسبی وقلیل منفعتی قانع‌وزیاده بردخل پیوسته‌خرج نموده ، باین واسطه اکثر اهالی این دیار خلدآثار ببلای فاقه مبتلی‌وباکمال فقرومجاعت سریرنشین ملك قناعت . مردمش از بزرگ وکوچك درکمال ذهن وذکاء ودرنهایت استقامت مزاج وزودآشنا .

چو پاکان **شیراز** خاکی نهاد ندیدم که رحمت برآن‌خاك باد...».

وبعدازشرح طولانی که درچگونگی آب وهواووضع جغرافیایی**شیراز**داده است ، باین‌عبارات ختم‌مقال میکند :

«خلاصه خالی‌ازتعصب وحمیت **شیراز** ازاکثر بلدان ربع‌مسکون‌ازاکثرجهات‌نیکوترو مردمش‌خوش‌اخلاق‌ونیکومنظر . طالب‌ارباب‌کمال‌ودرویش‌سیرت‌وصاحب‌ذکاوت . بعداززوال‌دولت **زندیه** خرابی‌کلی بآن‌بلدهٔ طیبه‌راه یافت‌تادراین‌اوان بحمدالله‌الملك المنان‌بالطاف فرمانفرمایی (اشاره‌به**حسینعلی‌میرزافرمانفرما** والی **فارس**است .) کمال آبادانی بهم رسانیده بمرتبه‌ای که تردد در اسواق بواسطهٔ کثرت ازدحام بصعوبت میسر است ...».

**میرزا محمدجعفروقایع نگار** ، یکی از فضلای صاحب آثار اواسط قرن سیزدهم است واز او کتبی‌چندباقی مانده ، در یکی که بنام **آثارجعفری** موسوم میباشد ودر **تهران** بچاپ رسیده ودر جغرافیای **فارس** وتاریخ مختصری ازآن ناحیه شروع وباوضاع‌جغرافیایی دیگر بلادختم کلام میکند ، درضمن سخنان‌او که غالباًذکرمحامد واوصاف **شیراز** واهل‌آنست ، یك‌نکتهٔ تاریخی مربوط‌بزمان خود دارد که قابل نقل وثبت در این مقام است :

«دراین‌زمان که سنهٔ۱۲۷۶هجری وایام‌سلطنت ... **ناصرالدین‌شاه قاجار** میباشد ، حقوق‌دیوانی‌این‌ملك(سوای‌جزیرهٔ**بحرین** که‌بتصرف‌اعراب**عتوب** است وقصبهٔ**ابرقو** که‌جندی است‌ضمیمهٔ **اصفهان** شده) چهارصدوپنجاه هزارتومان است‌ومتوجهات **رامهرمز** که موضوع وجزو**خوزستان** شده‌وبلوك **هرات** و**مروس** که جزودارالعباد **یزد** گردیده ازین‌مبلغ‌موضوع میشود . تومان‌متعارف‌این‌زمان مقابل هجده‌نخود طلای‌مسکوك بسکهٔ مبارکهٔ شاهنشاه است واز نقره ده عدد روپیه‌یك تومانست که هرروپیه یك مثقال ودونخود سیم مسکوك است .».

کتاب‌دیگری‌ازهمین مؤلّف موجوداست ، بنام «**نزهة الاخبار**» ، که نسخهٔ خطّی‌آن در کتابخانهٔ مرحوم **حاجی سید نصرالله تقوی (اخوی)** بنظر نگارنده رسید . درآنجا نیز در باب **فارس** فصلی دارد .

هم از آثار این بیده ، کتابی‌است از صوفی زمان وعارف دوران **حاجی** ـ

**زین‌العابدین شیروانی** ملقّب به **مستعلی‌شاه** متوفی ۱۲۵۲ هـ . ق . بنام **بستان السیاحة**، آن درویش اکثر بلاد را که خود سیاحت کرده وصف نموده، از آن جمله در گلشن سیزده در حرف شین **شیراز** را ذکر نموده و گفته است :

«هوایش باعتدال قریب وبگرمی مایل واکثر اوقات روی بازارش از ریاحین خالی نیست، بیرون آن دیار بغایت دلگشا خاصه درموسم بهار که رشک گلشن **مصر و قندهار** است ».

از نوادر آنکه این جهاندیدهٔ سیاحتگر تنها کسی است که در کتاب خود از **شیراز** بتعریض مذمّتی کرده است وظاهراً در اثنای اقامت در آن دیار براو خوش نگذشته باشد .

دیگر **حاجی محمد معصوم نایب الصدر شیرازی** است کـه بلقب طـریقتی **معصوم علیشاه** ملقّب میباشد ودر کتاب **طرائق الحقائق** که درشرح احوال طبقات صوفیّهٔ عظام ومشایخ طریقت دراوایل قرن چهاردهم نوشته است، درمجلّد سوم (طبع **تهران** ۱۳۱۸ هـ ق. ص ۲۲۱ به بعد) در ذیل ترجمهٔ احوال خویش از **شیراز** که موطن اوست بتفصیل سخن گفته وغالباً محامد واوصاف آن شهر در کتاب او تکرار سخن نویسندگان سلف است .

دیگر **شمس الدین سامی بیگ**، ازادباودانشمندان **ترك** میباشد که تااوایل قرن چهاردهم (۱۳۱۹ هـ .ق) درقید حیات بوده است وچندین قاموس ترکی وفرانسه تألیف کرده است . وی در کتاب بی نظیر **قاموس الاعلام** خودهمانطور که از نامش پیداست از اعلام تاریخی وجغرافیایی بنظم الفبائی بحث نموده و بسبکی جدید، مختصر ومفید، مطالب را بیان کرده است . در ذیل کلمهٔ **شیراز** (ج ۲ ص ۲۸۹۵) در ابتدا مینویسد :

«**شیراز** مرکز ایالت **فارس** وازمعروفترین شهرهای **ایران** است که در ۶۰ کیلومتری جنوب‌غربی خرابه‌های **استخر** درعرض شمالی ۲۹ درجه و ۳۶ دقیقه وطول شرقی ۵۰ درجه و ۲۰ دقیقه درمحل زسایی واقع شده . هوایش خوب واطرافش پر از باغات وانهار جاری است .
بواسطهٔ کثرت گل مقدار زیادی گلاب وروغن گل در آنجا بعمل میآید وشرابش بهترین شرابهای دنیا محسوب میشود .. . ومسقط الرأس بسیاری از مشاهیر ادباوعلما بوده است که ازمشهورترین آنها **ابواسحاق شیرازی** و **شیخ مصلح الدین سعدی** و **خواجه شمس الدین حافظ شیرازی**...
در **شیراز** مدارس وعلمای بسیار وجود دارد وزبان شیرازیان فصیح‌ترین لهجات فارسی است » .

دیگر از نویسندگان این عصر. **دکتر لورانس لاکهارت** Dr L. Lockhart

انگلیسی‌است که کتابی در وصف شهرهای معروف **ایران** بانگلیسی نگاشته بنام Famous Cities of Iran وآن را به عکسها وتصاویر بسیار زیبا که شخصاً از اماکن‌جالب ومراکز مهمهٔ تاریخی برداشته است، زینت فراوان بخشیده . درباب **شیراز** نیز مفصّل سخن میراند (ص۱۱۸).

دراین کتاب ، درضمن سایر مطالب ، شرحی از شراب **شیراز** و خلاّر وصف نموده و گفته است:«اینکه بعضی ازنویسندگان شراب معروف «شرّی Sherry »رااز **شیراز** Shiraz گرفته‌اند ، بدان سبب است که میان آن شراب لطیف با شراب ناب **شیراز** شباهت بسیاراست ». دانشمند نام‌برده ختم‌مقال درتوصیف مردم **شیراز** کرده‌و گفته است :

«اکثریت‌اهل‌آن شهردارای ذوق وطبع شاعرانه هستند وبعضی بحد کمال رسیده‌اند ، و بطور عموم شیرازیها بسیار لطیف طبع وزنده دل‌اند ولهجهٔ آنها دارای‌لطف وشیرینی‌خاصی‌است که متناسب باذوق شاعرانهٔ ایشان میباشد . ..».

***

پس‌ازعلمائی که درجغرافیا وتاریخ از کشور**فارس** ذکری کرده وازشیراز مینوطراز نام برده‌وهریك‌بمذاق‌خود سخنانی برکلمات گذشتگان افزوده‌اند، نوبت بسیّاحان روزگار میرسد که از نظرگاه دیگری براین کشور روح پرور وبلدهٔ طیّبه نگریسته وپس‌ازآنکه‌خود درآنجا کما بیش‌مدّتی بسر برده‌اند ، درخاطرات خویش یادر«سفرنامه»های خود شرحی‌ازآن دیارنگاشته‌اند که هریك بجای‌خود متضمّن‌فوائدبسیاراست . ومابآن‌مقدارآثارجهانگردان‌جهان که دسترس داشته‌ایم نمونه‌را بمختصری اکتفامیکنیم :

درسدهٔ چهارم هجری . **بدیع‌الزمان ابوالفضل احمدبن الحسین‌الهمدانی** ( متولّـد ۳۵۸ متوفی ۳۹۸ هـ . ق ) در مقامـات خود مقـامه‌یی خاص بنـام : «**المقامة الشیرازیه**» بقلم آورده که بدین کلمات آغاز میشود :

«حدثنا **عیسی بن هشام** ، قال لما قفلت من**الیمن** وهممت بالوطن . .»

دراینکه‌آیا **همدانی** نویسندهٔ این مقامات که درفضل وادب واسلوب سخن منثورعرب شهرهٔ‌آفاق‌است ، خود به**شیراز**رفته است یانی ، ارباب تذکره تذکاری

نداده‌اند . ولی‌ازاین مقامه‌خود معلوم‌است که شهرت **شیراز**در آن عصر تا **خراسان** و **غزنی** رسیده بوده است وخاطرآن نویسندهٔ ادیب را بخود مشغول ساخته .

دیگر **ابوالطیب احمدبن‌محمدبن‌عبدالصمد الجعفی** مشهور به **المتنبی** شاعر بزرگ عرب (متولد ۳۰۳متوفی ۳۵٤ ﻫ . ق) که‌درزمان **امیرعضد الدولهٔ دیلمی** به**شیراز**آمده‌است ودردیوان اودوقصیدهٔ غرّا که از غرر سخنان اوست در مدیحهٔ آن امیرملاحظه میشود ، یکی در وصف **شعب بوان** از جنّات اربعه که محلّ آن دربلوك **ممسنی شیراز** است(۱) واکنون‌درآن‌محلّ به بُوان (بضمّ با وتخفیف واو) مشهور میباشد . باین مطلع :

مغانی الشعب طیباً فی المغانی — بمنزلة الربیع من الزمان

وقصیدهٔدیگر دروصف شکارگاه‌شاهنشاه‌دیلمی‌است . در **دشت ارژن** (۶۰ کیلومتری مغرب **شیراز**) که بااین ابیات شروع میشود :

ماجدر الایام و اللیالی — بأن تقول ماله و مالی ...
ان النفوس عدد الآجال — سقیا لدشت الارزن الطوال
بین‌المروج الفیح و الافیال — مجاورالخنزیروالرئبال ...الخ

مهمترین سیاحت نامه‌یی که شایدقدیمترین کتاب ازاین نوع باشد، (اگر قبل‌از این تاریخ سفرنامه‌یی نوشته‌شده است ، بنظر نگارندهٔ این‌سطور نرسیده) همانا **رحلهٔ ابن بطوطه** است ، موسوم به **تحفة‌النظارفی‌غرائب‌الامصار** . مؤلّف این کتاب گرانبها**ابوعبدالله محمدبن‌عبدالله بن محمدبن‌ابراهیم‌الطنجی**(متولّد ۷۰۳ ومتوفی‌۷۷۹ﻫ . ق)، از**مغرب‌اقصی** شدّرحال کرده و**دیارمغرب** و**مصر**و**شام**و **حجاز** و**عراق** رادر نوردیده ودر۷٤۵ﻫ . ق درزمان سلطنت شاه **ابواسحاق اینجو** به‌ملك **فارس**رسیده وسپس‌از آنجا گذشته‌به**بحرین** و**یمن**و**ترکستان**و**ماوراءالنهر** وبعضی‌ازبلاد **هندوستان** و**چین** رفته وسپس به**افریقا** بازآمده ودر **مراکش** وفات یافته‌است . وی در کتاب شهیرخود مینویسد(ص۱۲۷):

«ثم‌سافرنا منهاالی مدینة**شیراز**وهی:مدینةاصیلةالبناء،فسیحةالارجاء، شهیرةالذکر،منیعة القدر ، لهاالبساتین المؤنقة والانهار المندفقة والاسواق البدیعة والشوارع‌الرفیعة، وهی کثیرة

۱) در صفحات ۳۹۶ و۳۹۷ کتاب دربارهٔ **شعب بوان** توضیحاتی ذکر گردیده است .م

العمارة، متقنة المبانی،عجیبة الترتیب، واهل کل صناعة فی سوقها لا یخالطهم غیرهم...ولیس فی المشرق بلدة تدانی مدینة دمشق فی حسن اسواقها وبساتینها وانهارها وحسن صدرسا کنیها الا **شیراز** ....».

ودر وصف اهل **شیراز** گوید : «واهلها حسان الصور، نظاف الملابس ...اهل صلاح و دین وعفاف؛ وخصوصاً نساءها وهن یلبسن الخفاف ویخرجن متلحفات متبرقعات ولهن الصدقات والایثار ومن غریب حالهن انهن یجتمعن لسماع الواعظ فی کل یوم اثنین وخمیس وجمعة بالجامع الاعظم فربما اجتمع منهن الف والالفان بایدیهن المراوح یروحن بها علی انفسهن من شدة الحر ولم ار اجتماع النساء فی مثل عددهن فی بلدة من البلاد ...».

آنچه **ابن بطوطه** در ذکر انهار وبساتین ومساجد ومشاهد وبقاع ودربار سلطان ورجال وعلماء **شیراز** بیان کرده طولانی است و نقل تمام آن البتّه ضرورت ندارد.

درقرن نهم یکی ازمشاهیر ارکان ادب وتاریخ که ازموطن خود یعنی **یزد** به **شیراز** رفته است ، **مولانا شرف الدین علی یزدی** است که تاریخ **ظفرنامهٔ** خود رادرسنهٔ ۸۲۸ هـ . ق. بامر امیرزاده **سلطان ابراهیم بن شاهرخ** در **شیراز** تألیف فرموده است وتاریخ تصنیف آن جملهٔ «**صنف فی شیراز**» است وآن کتاب در تاریخ احوال امیر **تیمور گورکان** جدّ آن شاهزاده است وداستان فتح **شیراز** وانقراض **آل مظفر** رابیان کرده وسپس میگوید :

«مملکت **فارس** را که واسطهٔ عقد ممالک است ودرحساب بلاد وامصار بمثابهٔ فذلک، نامزد فرزند ارجمند امیرزاده **عمرشیخ** فرمود...الخ» ( **ظفر نامه** طبع **تهران** ۱۳۳۶ش - ج۱ص ۴۴۰).

**هاتفی جامی** که مثنوی مشهور «**تمرنامه**» را در ذکر فتوحات **امیر تیمور** بنظم آورده است ، درباب فتح **شیراز** که چگونه آن ملک از بیصاحبی چون گنجی شایگان بچنگ امیر جغتایی گورکان افتاده میگوید :

| | |
|---|---|
| قیامت بآهنگ **شیراز** کرد | جهانی بآرایش وساز کرد |
| گلستان **شیراز** بی‌خار بود | چنان گنج بی‌کلفت ماربود |
| گرانمایه باغی رسیده برش | نه‌در بسته نی‌باغبان برسرش |

***

ازقرن دهم ویازدهم که مملکت **ایران** را درسایهٔ شاهان صفوی آرامش وانتظامی پدیدآمد ، روابط **ایران** باممالک مغرب که درقرن نهم شروع شده بود، ادامه یافت . سیّاحان ونیزی وایتالیایی وفرانسوی وانگلیسی و هولاندی دربی یکدیگر

به **ایران** آمده وهریك بنوبت خود گذری ازدارالسّلطنهٔ **اصفهان** بدارالعلم **شیراز** کرده وازآن شهرشهیرسخن گفته‌اند وهریك موافق سلیقه ومذاق خودازآن بلدهٔ مینونشان وصفی کرده . اگر بخواهیم کلمات ایشان رایکایك ذکر کنیم، البتّه سخن بدرازا میکشد ؛ همان بهتر که بذکر اسامی آن جهانگردان نامی اکتفا کنیم و چون غالباً سفرنامه‌های ایشان بطبع رسیده واحیاناً بعضی بزبان فارسی ترجمه یافته است، نقل عبارات وکلمات ایشان متضمّن فایدهٔ بسیاری نخواهدبود . البتّه مورّخان عصر که تاریخ آن ادوار را نوشته یاخواهند نوشت، ازاین سفرنامه‌ها استفادهٔ بسیار کرده وخواهند کرد .

**پرفسور ارتور آربری** A. J. Arberry رسالهٔ جالب وظریفی بنام **شیراز شهراولیاء وشعراء ایران** نگاشته است (**کمبریج** ۱۹۶۰م.) وفصل اوّل کتاب خودرا مخصوص **شیراز ازنظرگاه بیگانگان** اختصاص داده درآنجا بطوراختصارمینویسد :

(ص ۳ تا ص ۲۹) «دراینکه **شیراز** ازدیرباز شهربزرگی بوده است ، محل انکارنیست ... **الغ بیگ** (نوادهٔ **تیمور** وعالم ریاضی شناس) میگوید که: دورادورآن شهرپانزده میل است . **کونتارینی** Contarini (ونیزی) همین سخن را گفته وعدهٔ خانه‌ها وبیوتات آن را هشتادهزارذکرکرده است . **باربروس** Barbarus محیط آن‌را بیست میل بقلم میآورد و مانند **کلووریوس** Cluverius است، ولی **تیشرا** Teixeira بعدازاودایرهٔ دورشهررا ۳۶ میل ذکر میکند . **سیکار** Sikkar و**تاریش** Tarich نیزهمچنان مینویسند وشاید که باغهای متفرقه درحوالی آن‌را نیزبحساب آورده باشند . **ژان** معروف به **ایرانی** John Persian سکنهٔ **شیراز** را هشتاد هزارنفر و **بن‌الی** Ben - Allis سیصد هزار نفر ذکر میکند» .

آقای **اربری** در کتاب کوچك ونفیس خودفهرست مختصری ازاسامی سیّاحان بنام فرنگی رادرتلو کلام آورده که آنهابنوبهٔ خودهریك مادح **شیراز** بوده‌اندوسفرنامه‌های ایشان جالب توجّه میباشد . مزید فایده را ذیلاً بنقل آن اسامی پرداخته‌ایم :

**امبروزیو کونتارینی** (ونیزی) Contarini ، **ژوزف باربروس** (ونیزی) J. Barbarus ، **کلوور** (فرانسوی) Cluver ، **تیشرا** (فرانسوی) Teixeira ، **برنیه** (فرانسوی) Bernier .

علاوه براینهارجوع شودبه سفرنامه‌های سیّاحان ذیل که ازممالك غرب به **ایران** سفر کرده وبه **شیراز** گذر نموده‌اند وسفرنامه‌های ایشان همه بطبع رسیده است :

سفرنامهٔ **تاورنیه** Tavernier قرن یازدهم هجری ( PP 301 - 310 ) .

سفرنامهٔ **هربرت** Herbert قرن یازدهم هجری (۱۶۲۸ میلادی). سفرنامهٔشوالیه **شاردن** Ch. Chardin (۱۶۷۱ میلادی) ج ۲ص ۱۹۸ طبع آمستردام . سفرنامهٔ **پیترودلاواله**Pietro della Vallé سیّاح ایتالیایی متوفی در۱۶۵۲ میلادی که درسال۱۶۲۱میلادی به**شیراز** آمده ونخستین اروپایی‌است که مشاهدات خودرا در **تخت‌جمشید** شرح داده است . سفرنامهٔ **رابرت استودار** D. Robert Studart ( ۱۶۲۸ میلادی ) ص ۷۶ . سفرنامهٔ **اندره واندموا** André D. Vendômois ( ۱۶۷۳ میلادی ) ص ۳۴ . سفرنامهٔ **ویشار** انگلیسی J. G Wishar (۱۹۰۸ میلادی ) **لندن** ص ۱۴۹ . سفرنامهٔ **جیمس موریهٔ** انگلیسی J. Morier ( ۱۸۰۸ میلادی) جلد اوّل ودوم . کتاب **لردکرزن** G. N. Curzon بنام **«ایران ومسألهٔ ایران»** که دراوایل قرن چهاردهم‌هجری(۱۸۹۲میلادی)به **ایران** مسافرت کرده است ص ۹۳-۱۰۲-۱۰۸ .



ازسفرنامه‌های سیّاحان عرب ، که ازقرن دوازدهم هجری باقیمانده است ، یکی سیاحت‌نامهٔ **سید عباس بن علی بن نورالدین المکی** است که در سنهٔ ۱۱۴۸ تألیف نمود وآن را **نزهة الجلیس و منیة النفیس** نامیده ودر مصر بطبع رسیده وآن سفرنامهٔ مفصّلی است . وی در ۱۱۳۲ ه . ق به **شیراز** رفته است واز کارخانهٔ شیشه سازی **شیراز** یاد کرده ودر ضمن وصف مفصّلی که از آب وهوا و گلها وریاحین کرده‌است ، این چندبیت را درمدح آن شهر میگوید :

| | |
|---|---|
| من لـی بقرب **شیراز** | ارض بها راحتی واعرازی |
| لما حللنا بهـا نرید غنی | وفت لنا بالعطا بانجـاز |
| واهلها فی‌العلوم قد کملوا | فمالهم مشبه ولا الرازی |
| اعیذها بالاله خـالقها | واهلها من شرور هماز |

وی میگوید: درجوار**شاه‌چراغ** قبرعالم‌علاّمه سیدعلی‌خان [illegible] صاحب **سلافة‌العصر** را زیارت کرده است وظاهراً مزارآن سیّدبزرگوار [illegible] قرن ماضی باقی وبرقرار بوده ودر زلزلهٔ ۱۲۶۹ ق . که بقعهٔ شاهچراغ خراب شد آن

قبر نیز منهدم گردیده است .



در قرن سیزدهم وچهاردهم هجری (نوزدهم وبیستم میلادی) عدّهٔ سیّاحان بیگانه که هر یك بنوبت خود به **شیراز** سفری کرده و از آن شهر یاد کرده‌اند بسیـار است ، وسفرنامه‌های ایشان افزون از شماره واحصاء . اینك تا آنجا که نویسندهٔ این سطور را دسترسی بآثار ایشان حاصل بود ، علاوه بر فهرست فوق باجمال اشاره باسامی ایشان مینماید . البتّه با استقراء وتحقیق کامل میتوان نام بسیاری از سیّاحان خارجی را براین فهرست مجمل اضافه نمود :

سفرنامهٔ **هنریش بروگش** Dr. H. Brugoch سفیرپادشاهی**پروس** واستاد دانشگاه **بن** (۱۸۶۳م) ص ۴۷۲ .

سفرنامهٔ **سرجان‌ملکولم** سفیر**انگلستان**در **ایران** در کتاب– Sketches of Persia ،جلد اوّل (۱۸۸۰م) ص ۱۲۵.

سفرنامهٔ **کنت‌دوگبینو** سفیر **فرانسه‌درایران** Conte de Gobineau بنام **سه سال درآسیا** Trois ans en Asie چاپ **پاریس** (۱۸۸۸م) ص۱۲۲ تا ۱۸۴.

سفرنامهٔ **پیرلوتی** P. Loti نویسندهٔ معروف فرانسوی‌بنام Vers Ispahan **(بسوی اصفهان)** چاپ **پاریس** .

سفرنامهٔ**برادلی برت** Bradly – Birt بنام Through Persia چاپ**لندن** ص ۱۴۰–۱۲۰ .

کتاب **آرنولد ویلسون** Arnold Wilson انگلیسی بنام **ایران** Persia ص ۱۱ .

سفرنامهٔ **مسیو نی بوهر** Niebühr دانمارکی که ازطرف **فردریك پنجم** پادشاه **دانمارك** به **ایران** آمده ودر **تخت‌جمشید** مطالعات وتحقیقات بسیار کرده است . (۱۷۶۵ م)

سفرنامهٔ **ادواردبرون** E. G. Browne بنام **یکسال در میان ایرانیان** A year Among the Persians (۱۸۹۳ م) ص ۲۶۳ .

سفرنامهٔ **کپلی آموری**Copley Amory بنام**روزهای ایران** Persian Days چاپ **بستن** (۱۹۲۹ م) ص ۷۸ .

سفرنامهٔ **سر دنیسن‌رس** Sir Denisson Ross خاورشناس معروف انگلیسی بنام **ایرانیان** The persians چاپ **اکسفورد** ۱۹۳۱ م . ص ۹۵ و۹٦ .

سفرنامهٔ **الاسایکس** انگلیسی Ela Sykes بنام **ایران و مردم آن** Persia and its People ص ۳۱۳ .

سفرنامهٔ **ویلیام جاکسن** آمریکایی W· Jackson بنام **ایران گذشته‌وحال** .Persia, Past and Present

سفرنامهٔ **کراوای ویلیام** E. Crawlay William چاپ **لندن** ۱۹۰۷ م . بنام **عبور ازایران** Across Persia فصل نهم ص ۱۲۳ تا ۱٤٦ .

سفرنامهٔ **ماژورپرسی سایکس** M. P· M· Sykes بنام **ده‌هزارمیل درایران** Ten Thousand Miles in Persia (۱۹۰۲ م) ص ۳۲۲ .

فهرست سیّاحان که از **شیراز** سخن گفته‌اند در این اواخر از حدّ احصا و شمار خارج است ، مهمترین آنها همین بود که ذکر شد .



درصف مدّاحان **شیراز** ،مهمتر ازهمه‌شعراوچامه سرایان‌جای گرفته‌اند. آن بلبلان بوستان‌فصاحت نیز بنوبت‌خود بیش‌ازمورّخان‌وتذکره‌نویسان‌وجغرافیاشناسان بمدح **فارس** وتختگاه‌آن ــ **شیراز** ــ برخاسته وفضائل دیار ومکارم اهل دیاررا در طیّ غزلهای دلاویز ویا قصائد غرّا ویا مثنویّات شیوا سروده‌اند . فهرست اسامی این گویندگان بسیار مطوّل‌است ، از آن‌میان باختصار بذکرچندتن‌ازاساتیدسخن ونخبه‌ای از کلمات ایشان اکتفا میشود :

درقرون اوّلیّهٔ تاریخ ادبی اسلام ، بایستی اینگونــه اشعار را در دواوین شعرای عرب‌جستجو کرد. ازآن‌جمله‌است‌این‌دو بیت، از **بشار بن برد طخارستانی** (متوفّی بسال۱٦۷ هـ. ق) که از مشاهیر شعرای تازی گوی **شعوبیه** است . وی در مقام افتخار باصل ونسب فارسی خود گوید :

الا ایها السائلی جاهداً لیعرف فنی انا انف الکرم
نمت فی الکرام بنی عامر فروعی واصلی قریش العجم

(نقل از **اغانی**)

مقصود از **قریش عجم**، چنانکه قبلاً گفته شد همانا اهل **فارس** است.

**المسعودی**، در **التنبیه والاشراف** از شاعری بنام **اسحاق بن مؤید العدوی** در مقام مفاخرهٔ **فرس** بر **عرب** (**قحطان**) این دوبیت را نقل میکند:

اذا افتخرت **قحطان** یوماً بسؤدد اتی فخرنا اعلی علیها واسودا
ویجمعها والعز ابناء **فارس** اب لایبالی بعده من تفردا

و **مهیار بن مرزویهٔ دیلمی** شاعر عربی زبان فارسی نژاد متوفی به ۴۲۸ ه . ق گوید:

قومی استولوا علی الدهر فتی و مشوا فوق رؤس الحقب
وابی **کسری** علی ایوانه این فی الناس اب مثل ابی
قد قبست المجد من خیر اب وقبست الدین من خیر **نبی**
و ضممت الفخر من اطرافه سؤدد **الفرس** ودین **العرب**

از متقدمان شعراء فارسی زبان، از بیتی که **غضائری رازی** درقصیدهٔ خود گفته است:

کدام ملك بگیتی ز**فارس** سبقت برد؟ کدام تخت تفوق بتخت **کسری** کرد؟!

تا دو بیتی از (فهلویات) که بزبان محلی سروده شده وبه **باباطاهر** منسوب است، درعتاب باهل **اصفهان** وتفضیل **شیراز**:

«**سپاهونم . سپاهونم** . جه‌جابی؟ که هر یاری گرفتم، بیوفابی
شوم واشوم، روم تا سوی **شیراز** که در هر منزلش صد آشنابی»

هریك بزبانی سخن از آن سرزمین ذوق‌پرور وشاعرآور کرده‌اند. تا آنکه درقرن هفتم استاد بزرگ، شاعرساحر پارسی، شیخ اجل **سعدی** که افصح سخن گویان است، در ضمن قصاید نغز وغزلیات لطیف خود، از موطن خویش مکرر به نیکی یاد کرده. بندهٔ نویسندهٔ این سطور عدد آن قطعات را با مطالعهٔ اجمالی به سی منظومه احصا کردم. از آن‌جمله نمونه یکی این است که میفرماید:

خوشا سپیده دمی باشد آنکه بینم باز رسیده بر سر الله اکبر **شیراز**

بدیده بارد گر آن بهشت روی زمین — که بار ایمنی آرد نه‌جور قحط و نیاز
نه لایق ظلماتست بالله این اقلیم — که تختگاه **سلیمان** بهاست وحضرت راز
بحق **کعبه** و آنکس که کرد **کعبه** بنا — که باد مردم **شیراز** در تنعم و ناز
چو **سعدی** ازغم **شیراز** روزوشب گوید — که شهرها همه‌بازاست ، شهرماشهباز

هم‌در آن قرن **شرف الدین عبدالله شیرازی** ، مؤلّف تاریخ **تجزیة الامصار وتزجیة الاعصار** ، معروف بتاریخ **وصاف‌الحضرة** غزلی دراشاره بآب **رکناباد** معروف طرح کرده است و گفته :

نقاب غنچه چو مشاطهٔ صبا بگشاد — زمانه روی زمین را لباس مینا داد...
بچشم نرگس وزلف بنفشه ورخ گل — به عارض سمن ولطف قامت شمشاد
که گرچه آب‌فراتست مایه‌بخش‌روان — وگرچه روضهٔ خلداست قطعه‌یی آباد
چوآب ناله کنان هرنفس همی گویم — خوشا هوای **مصلی** وآب **رکناباد**

گویا **خواجه عبید زاکانی** درقرن بعد(وفات۷۷۲ه .ق)اوراجواب گفته باشد که چنین سروده :

نسیم خاك **مصلی** و آب **رکناباد** — غریب را وطن خویش میبرد از یاد
زهی خجسته مقامی و جانفزا ملکی — که باد خطهٔ عالیش تا ابد آباد
خوشست نازونعیم‌جهان، ولی‌چو **عبید** — غلام همت آنم که دل برو ننهاد

و نیز **خواجه عبید زاکانی** در هنگام مسافرت وداع **شیراز** غزلی پرسوز سروده است که از کمال احترام وعلاقهٔ اوبآن شهرشهیرحکایت‌میکند ودومصراع از **سعدی** را تضمین کرده است ، میگوید :

رفتم از خطهٔ **شیراز** و بجان در خطرم — وه کزین رفتن ناچار ، چه‌خونین جگرم ؟
میروم دست زنان برسرو، پا اندر گل ! — زین سفرتاچه شود حال و چه‌آید بسرم ؟!
من ازین شهر اگر برشکنم ، در شکنم — من ازین کوی اگر برگذرم ، درگذرم
بی‌خود و،بی‌دل و، بی‌یار، زشیر **از** برون — **«میروم،وزسرحسرت‌بقفامی‌نگرم»**
قوت دست ندارم ، چو عنان میگیرم — **«خبرازپای‌ندارم،که‌زمین‌می‌سپرم»**
ای **عبید** این‌سفری‌نیست که‌من‌میخواهم — می‌کشد دهر بزنجیر قضا و قدرم .

سپس‌در آن‌عصر فرخنده نوبت به **شمس الدین حافظ** رسید وخواجهٔ لسان‌الغیب در مطاوی غزلیات دل‌انگیزعشق آمیزخود ، در یازده منظومه (باحصاء این بنده) موطن محبوب خویش را یاد کرده است . از آن جمله همان دو غزل مذکور فوق را چنین جواب گفته است :

شراب و عیش نهان چیست؟ - کار بی‌بنیاد! زدیم برصف رندان ، هرآنچه باداباد!
که آگه است که **جمشید و کی** کجا رفتند؟ که واقفست که چون رفت **تخت جم** برباد؟!
نمیدهند اجازت مرا بسیر و سفر نسیم خاك **مصلی** و آب **رکناباد** !

هم در اواخر این قرن، مولای دراویش و شاه فقرا و قطب اقطاب **شاه نعمت‌الله‌ولی** ، درغزلی آرزوی مسافرت به **شیراز** کرده وتمنّای دیدار آن برج اولیاء ومهد عارفان را فرموده ، تا آنکه سرانجام بدین آرزو نایل گردیده است . وچنانکه در شرح حال او نوشته‌اند، بسال ۸۱۶ هـ . ق، درزمان امارت **میرزا اسکندر بن عمرشیخ‌ابن‌تیمور** سفری مجلّل وپرشکوه بدان دیار کرده ومورد حرمت خاص وعام قرار گرفته است . شاه در غزل خود چنین می‌فرماید :

خاطرم میکشد سوی **شیراز** مرغ جان میکند درآن پرواز
در گلستان عشق سرمستان بلبلانند جمله خوش آواز
سر ساقی و ، حال میخانه بشنو ازمی، زدل بسوز و بساز

درسدهٔ نهم، که نوبت سلطنت ملك شعر بنام استادسخنوران زمان، خاتم الشّعراء ، **مولوی عبدالرحمن جامی** میزدند ، آن بزرگوار در مقام تعریض بهموطنان خود وتفضیل **شیراز** غزلی لطیف برشتهٔ نظم آورده وظاهراً آن را بنزد عالم معاصر زمان خویش ، مولانا **جلال‌الدین اسعد دوانی** فرستاد ، واو نیز غزلی در جواب سروده وبوی تقدیم داشته‌است **جامی** میگوید :

از در صومعه آن به که قدم باز کشیم خرقه‌ها در نظر شاهد طناز کشیم
چند ناخوش منسان بر سر ما ناز کشند نازنینی بکف آریم و ، ازو ناز کشیم
هست قحط می‌وشاهدبه **خراسان** ، **جامی** خبز تا رخت بمحروسهٔ **شیراز** کشیم



**شفیعای** اعمای شاعر، متخلّص به **اثر**، که خود در قریهٔ **پیراشکفت** ، شصت کیلومتری غربی **شیراز** زاییده شده وازگویندگان باقریحهٔ لطیف وباذوق ممتاز اواخر عصر صفوی است ، در مثنوی نغزی که درسر گذشت خود ورفتن از **شیراز** به **اصفهان** گفته است ، چنین سروده :

بهر کس شد در سیر ارم باز نچیند گل ، مگر از یاد **شیراز**
زجوش نرگس و گل ، آشکاراست که آن چشم وچراغ روزگاراست!

بسامانی است سلطان بهارش
که نوروز است یك تحویلدارش
هوایش بسکه روحانی سرشتست
بمسجد جای زاهد در بهشت‌است
زجوش عندلیبان دارد آنجا
مؤذن بر سر گلدسته غوغا
درآنجا نیست غم را بر کسی دست
چومی‌معشوق‌رنگ اردلبری‌هست



در زمانی کـه دست روزگار تاج سلطنت **فارس** را از تـارك خوانین **زند** برداشته وبرفرق شاهان **قاجار** نهاد، بحکم **آغامحمدخان**، نخستین پادشاه‌خونریز وقسی القلب آن سلسله ، بنای محکم و **قلعه وباروی کریمخانی** را که حصاری منیع ودیواری رفیع بود ، خراب وویران کردند ؛ وخندق عمیق آن را از خاك انباشتند . **فتحعلی خان صبای کاشانی ملك‌الشعرا** (وفات ۱۲۳۸ هـ . ق) که خود شاهـد و ناظر آن منظرهٔ غـم‌انگیز بوده است ، سوز درونی خـویش را از این تباهکاری‌هائل بیك رباعی تسکین‌داده که‌چون نفثهٔ سینهٔ مصدوران وآه‌دل‌مهجوران پرسوز و گداز است :

گردون بزمانه خاك غم بیخت دریغ
با شهد طرب زهر درآمیخت دریغ
از کینهٔ دور فلك جور سرشت
شیرازهٔ **شیراز** بهم ریخت دریغ



بزرگترین استادسخنوران‌سدهٔ سیزدهم ، **میرزا حبیب قاآنی** (وفات۱۲۷۰ هـ . ق) است که خود زاییدهٔ همان شهر شهیر ویکی ازمفاخر گویندگان فارسی زبانست . وی در دومنظومهٔ غرّا ازموطن خود وصفی شیوا کرده و مدحی بسزا گفته است . دریکی میگوید :

تبارك الله از **فارس** ، آن خجسته دیار
که می‌نبینند چون آن دیار ، یك دیار
بزیر قبهٔ گردون ، بروی رقعهٔ خاك
ندیده دیدهٔ بینا چنان خجسته دیار
نسیم او ، همه دلکش تر ازنسیم بهشت
هـوای او، همه خرم‌تر از هوای بهار
زهرچه عقل تصور کند ، در او موجود
زهرچه وهم تفکر کند ، دراو بسیار ...

درطیّ این‌قصیدهٔ فصیح وبدیع ازاصناف حرف وصنایع وانواع علوم‌وفنون رایج در بلدهٔ **شیراز** سخن‌ساز کرده است وهم‌چنین رجال وامرای معاصرخودرا نام برده . درقصیدهٔ دیگری گفته‌است :

گفتندازین بیش بهم بیهده گویان : در **پارس** نه‌جز تنگك‌قماش وشکر آید
هر کس که به‌**شیراز** درآید زپی‌جنگ گویی بمثل بر سر گنج گهر آید
زین مست طرب بیشهٔ نازك دل عباش کی سختی ارباب وغا درنظرآید؟..

چنانکه مشاهده میشود، بعضی ازشعرا ازهوای دل‌انگیز وفضای نزهت‌آور **شیراز** سخن گفته وبعضی دیگر کمالات و فضائل معنوی مردم آن را وصف کرده جمعی دیگر ازصنایع وحرف ویاآثار قدیمه ومآثر تاریخی صحبت نموده‌اند.

درآن میان **حاجی میرزا احمد نقیب الممالك** ، هم ازشعراءِ اواخر قرن سیزدهم ( متوفّی ۱۳۰۲ه ) از سه درّهٔ نزهت‌انگیز ودامنهٔ جبال اطراف **شیراز**، که هرسه شکارگاهی عالی ونظراندازی ممتازدارند ، در قصائد بدیع ومتکلّف در مدح شاهزادهٔ ممدوح خود تغزّل کرده ودر دو قافیه وبحر مشکل باصنعت اعنات رنج بسیار برده واستادانــه درّ ی شاهــوار سفته است . در یکی بوصف **کوه بمو** سه فرسخی شمال **شیراز** میگوید :

ای صبا گربگذری برساحت **کوه بمو** دم غنیمت دان ، بچم درآن فضای خرمو
نرم نرمك ، آهوان دشت را فرمای رام اندك‌اندك، ده پلنگان‌را زکوهستان رمو
هم‌سلام‌ازمن بآهوبر، که «اقبل‌یاحبیب» هم‌پیام‌ازمن‌بخالوده، که« بگریزای‌عمو.»

ودردومی،ازشکارگاه‌قریهٔ**بزین** دردوسه‌فرسخی‌مغرب**شیراز**وصف کرده‌است:

چون شد از بالای والا، باغ سروستان بزین شد **بزین** از موکب والامزین زین ! زین !
برسر تلها سرادقها ، طناب اندر طناب خیمهٔ والا در آن بالا «کطود من لجین»

ودر سومی در وصف کوه «**پیر بن آب**» که چشمه ساری است به دوفرسخی جنوب شرقی **شیراز** و گویند مدفن **شیخ اقطع** (مذکــور در مثنوی مولوی) در آنجاست ، وآن را بلهجهٔ شیرازی «**پیر بنو**» گویند(۱) . نقیب گوید :

موکب ظل همایون ، میرود پیربنو دشت‌پرنخجیرشد،تازی‌بگیر،آهوبدو
دررکابش‌ای‌قمر تابنده‌یی ، تابنده‌باش زیررانش‌ای‌فرس، تازنده‌یی‌تازنده‌شو
چون‌لم‌ولاولو، ازاونشنوی هنگام‌جود هم‌الم ازوی گریزد،هم غلا وهم‌غلو...



۱) ضمن صفحات ۸۱ و ۸۲ کتاب دربارهٔ مقبرهٔ شیخ اقطع یا پیربناب توضیحاتی ذکر شده است .

امّا درآثار سخن گویان اروپایی نیز کما بیش اشعاری بنظر میآید که صرف‌نظر از ذکر آنها نتوان کرد :

ازجمله درعصر صفویّه قدیمترین شعر انگلیسی که در وصف **شیراز** بنظر رسیده قطعه‌ای است که **سر طماس هربرت** Sir. Th. Herbert در وداع **شیراز** می‌سراید ، در زمانی که سفیر **انگلیس** از طرف **شارل اول** پادشاه انگلیس ازراه **بندرعباس (گامرون)** و **لار** به **شیراز** آمده و۲٦ روز در ایّام نوروز ۱٦۲۸م . در آنجا مانده ومیهمان **امام قلیخان** حکمران **فارس** بوده است . **سر طماس** نیز جزو آن سفارت بوده و سفرنامهٔ جالبی بجای گذاشته است که در فوق بدان اشاره شد . قطعهٔ او بدین‌ترتیب شروع میشود :

Why should our wits dispute where Eden stood?

وباین بیت لطیف ختم میگردد :

Farewell sweet place, as from thee I went,
My thoughts did run on Adam's banishment.

درآثار شاعرایرلندی **طماس‌مور** Thomas Moore (۱۷۷۹–۱۸۵۲م.) نیز منظومهٔ لطیفی دیده میشود که در کنار **رود کر** و **بندامیر** معروف **شیراز** سروده است ومنظومهٔ خودرا بعنوان «**لاله رخ**» Lalla Rookh موسوم ساخته ودرآن‌از باغی پر از گل وبلبل سخن میگوید . در بند اوّل آن گوید :

There's a bower of roses by Bandemeer's stream
And the nightingale sings round it, all the long,
In the time of my childhood,it was like a dream
To sit in the roses and hear the birds song...»

**ادواردبراون** E. G. Browne عالم مستشرق‌ایران شناس معروف در ترجمهٔ نغزی که از غزل **حافظ** بمطلع :

خوشا**شیراز** و وضع بیمثالش    خداوندا نگهدار از زوالش

در سفرنامهٔ خود (**سالی درمیان ایرانیان**) سروده است ، چنین میگوید :

Sweet is Shiraz and its incomparable site;
O God preserve it from decline....

ونیز در ترجمهٔ بیت **سعدی** :

خوشا تفرج نوروز خاصه در **شیراز** که بر کند دل مردمسافر ازوطنش

در کتاب **تاریخ ادبی ایران** جلد دوم چنین می‌سراید :

O joyous and gay is the New-year's day and in Shiraz most of all,
Even the stranger forgets his home and becomes its thrall



درمیان معاصران ما (قرن چهاردهم هجری) استاد بزرگ وادیب‌بزرگوار **سید احمد پیشاوری** (متوفی۱۳۴۹ ه . ق) که‌ازاجلهٔ ائمهٔ ادب درعصرحاضربود ، در مثنوی موسوم به **«قیصرنامه»** شاهکار معروف خود که در اوان جنگ اوّل جهانی سروده‌است ، درستایش از دلیران ووطن پرستان **پارس** ابیات بسیار ببحر تقارب میفرماید که از آنجمله است :

زدریا وکان ، لعل و بیجاده را نثار آورم **پارسی زاده** را .
رخ **پارسی زاده** پـرنور بـاد به **شیراز** در سال ومه سور باد !
تو ای ابر نیسان صدف زار شو صدف از هوا گو گهر بار شو ،
گهر بار برفرق شیران **پارس** هزار آفرین بردلیران **پارس** !
ثنـا گستر کشور **پارسم** یـکـی هاشمی قنبر **پارسم** ،
تویی‌یادگار از **جم** و **اردشیر** همیدون بزی شادمان سال دیر !
تو یی یادگار از نیاکان پـاك تویی‌پاسبان هم برین مرز وخاك،
کف موسوی ، خاك بیضات بـاد دم عیسوی ، باد صحرات بـاد ،
همه خاك **ایران** تن و، تو سری که شیران لشگر شکن پروری ،
چو شد از شما کاخ غیرت بپای کلاه شما باد **بهرام** سای ،
ز نعت شمـا زیـور آراستم رخ ماه و مینـو بپیراستم ...

دردیوان سرآمد سخن‌سرایان اوائل قرن چهاردهم، مرحوم **امیری ادیب‌الممالك فراهانی** (متوفی ۱۳۳۶ه . ق) ، قطعهٔ زیبایی‌است در وصف **پازارگاد** ، کـه آن را **پارساگرد** خوانـده است ، وقبـر **کورش** شاهنشاه هخـامنشی را به **«رواق مثلث»** تعبیر کرده ، از نقل آن نمیتوان گذشت میفرماید :

بگرد **پارس**حصاری ز**پارساگرد** است که عشق‌آنجا استاد و، عقل شاگرداست

در آن **رواق مثلث** بروزگار دراز
گروهی‌ازخرد وهوش‌وجان‌ودل گرداست
بهشت را نستانم بگردی از ره **فارس**
که**فارس**معدن‌یاقوت وکان گوگرداست

خاتم شعراء مکتب باستانی و نوگل بوستان سخندانی، مرحوم **ملك‌الشعراء محمدتقی بهار خراسانی** که قرن مابوجود مسعوداومفتخراست ، دروصف**شیراز** منظوماتی چند دارد که ازهر یك برای زینت این مقال بیتی چند نقل میکنیم .
ازجمله درغزلی لطیف ، از **ری** یاد **شیراز** میکند ومیگوید :

«بودآیا که دگربار به **شیراز** رسم؟
بار دیگر بمراد دل خود باز رسم
بودآیا که ز **ری** راه**صفاهان** گیرم
از **صفاهان** بطربخانهٔ **شیراز**رسم
خیزم‌ازجای و، بدان‌شهرطرب‌خیز شوم
تازم از شوق و، بدان‌خطهٔ ممتاز رسم
بملاقات گرامی ادبائی که بود
جمله را قول وغزل تالی اعجاز رسم
هست رازی ازلی در دل **شیراز** نهان
خرم‌آن‌روزکه من بردل‌آن‌راز رسم
برسر مرقد**سعدی** که مقام سعدااست
بسته دست ادب‌و، جبهه قدمساز رسم
همت ازتربت**حافظ** طلبم ، وزمددش
مست و مستانه بخلوتگه اعزاز رسم
بودآیا که ازین تنگ قفس نیم نفس
ببر صحبت مرغان خوش آواز رسم
حافظا بندهٔ رندان جهانست **بهار**
همتی تا بیکی خواجهٔ دمساز رسم
مرغکی‌تازه پرم، زیر پرم گیر بمهر
تا بفیض پر وبال تو بپرواز رسم »

سپس ، بعد از آنکه به **شیراز** می‌رسد ، منظومه‌یی ببحر متقارب بنام **هدیهٔ شیراز** ارمغان میآوردو آن‌اشعاردرسال۱۳۱۱هجری شمسی‌سروده شده‌است :

بماناد **شیراز** نغز و هژیر
برامش درون جمله برنا وپیر
بباغ اندرش ،آب همچون گلاب
بکوی‌اندرش، خاك‌چون‌مشك‌ناب
چو فردوس باد آن خجسته دیار
« نه سرد و نه گرم و همیشه بهار »
ز خفتنگه **حافظ** و **سعدیش**
روان فیض تا **مسجد بردیش**
بر و بومش ، ازکشت خالی مباد
ملخ خواری وخشکسالی مباد(۱)
بزرگانش را ، روی پستی مباد
کریمانش را ، تنگدستی مباد
سخن گسترانش ، ز محنت بری
همه روزه ، گرم سخن گستری
جوانانش ، پیوسته مست نشاط
فکنده بجشن و برامش بساط
مددکارشان سعی و امید باد
روانشان زغم رسته جاوید باد
تهی باد از استمگران شهرشان
ز داد و دهش سال ومه بهرشان

۱ـ داریوش بزرگ نیزدرسنگ نبشتهٔ دیوار جنوبی صفهٔ تخت جمشید چنین‌آورده است که:
«اهورمزدا این کشور را (اشاره به پارس است) از دشمن وخشکسالی ودروغ محفوظ دارد .» م

ز خرد و بزرگش بلا دور بـاد          بهر خانه‌یی مجلس سور بـاد

بعد از آن در قصیده‌یـی غرّا بسبك سخن سرایـان **خراسان** ، **شیراز** مینو طراز را مدح فرموده وچنین سروده است :

شد **پارس** یکی حلقهٔ گزین          **شیراز** بر آن حلقه چون نگین
در حلقهٔ انگشتری **پارس**          **شیراز** بود گوهری ثمین
از سبزهٔ شاداب و سرخ گل          که یاقوتین و ، که زمردین
هرگز بیك انگشتری که دید          یاقوت و زمرد چنین قرین
زی بقعت **کوهی**[1] یکی برای          کان بقعه بهشتی بود بـرین
بر ساحت **بردیش**[2] بر سلام          کان بر دو سلامی است دلنشین
وز چشمهٔ **رکنیش**[3] نوش کن          تا شکر نوشی بر انگبین
بگذر سحری زی **سه آسیاب**[4]          وآنجا به **که خور** برآ ببین
کز عکس گل و لاله و سمن          شرمنده برآید خور از زمین
زی مسجد ویران **عمرولیث**[5]          بگرای و بنه بر درش جبین
**قرآن کده**اش را درون صحن          با دیدهٔ قرآن شناس بین
زی مدفن **سعدی** بسر خرام          وندر بن آن پله برنشین
با سرخی اشك و سواد عین          بنویس که راه دل است این
ز آنجا بسوی **حافظیه** شو          زان خطه کفی خاك برگزین
وآن خاك بسر کن ، که ای دریغ          کو **حافظ** و آن طبع نازنین
زی تربت **خواجو**[6] برآی‌هان          بر مدفن **اهلی**[7] ، بنال هین
بر مرقد **بسحق**[8] کن گذر          ریزه هنر از خوان او بچین
بر خواجهٔ **دهدار**[9] ده درود          همت طلب از خاك آن زمین

نبایداز سخنـانی که نادره سنجان شیرین بیان معاصر شیرازی درین عصر بثنای موطن خود در مقام مفـاخره یا در توصیف سروده‌اند غافل نشست . آنچه خاندان **وصال**، که‌هریك گوهری‌در دریای کمالند ، سروده‌اند وآنچه دو مورّخ شهیر **شیراز** کـه هر دو شاعری گرانمایه بوده‌اند یعنی **فسایی** و **فرصت** در دو

۱ـ بقعهٔ کوهی اشاره‌به‌قبر بابای‌کوهی درکوه شمالی شیراز .   ۲ـ مسجد بردی یا قصر الدشت باغستان‌مغرب شیراز .   ۳ـآب رکناباد ،   ٤ـآسیاب سه‌تائی درکنارکوه‌شمالی‌ازتفرجگاههای شیراز که فعلاً از میان رفته‌است .   ٥ـ جامع عتیق‌شیراز : بنای عمرولیث صفاری و بیت القرآن در وسط آن بنای مربعی است که مرمت وتعمیری بسزا یافته .   ٦ـ قبر خواجوی‌کرمانی در تنگ الله‌اکبرشیراز است.   ۷ـ قبر اهلی در جوار حافظ است .   ۸ـ مرقد بسحق اطعمه در تکیهٔ چهل‌تنان است .   ۹ـ خواجه محموددهدار، از عرفاء عظام مدفون به درب سلم شیراز است .

کتاب نفیس خود **فارسنامه** و **آثارالعجم** بیان فرموده‌اند، بسیاراست و از نقل آنها سخن بدرازا می کشد . از آن میان بدو نمونه اکتفا میشود :

نخست چند بیتی از غزل بدیع وفنّی وپر صنعت استاد شاعران **شیراز** در اوائل سدهٔ چهاردهم ، یعنی **فصیح‌الملك محمد تقی شوریده** می‌آوریم ، آنجا که میگوید :

آن پریروازدرم روزی فرازآید ،نیاید — من‌همی‌خواهم که‌عمررفته‌بازآید،نیاید
ازهوای خطهٔ **ری** ، وز نهاد مردم وی — بویی‌از**شیراز**علیین‌طرازآیدنیاید..الخ

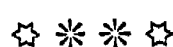
دوم‌قصیدهٔ غرّائی‌است که مرحوم **میرزاروحانی** بن **یزدانی**‌بن**وصال** سروده میگوید :

خوشا شهر **شیراز** و فرخ دیارش — کزو ملك **ایران** بود افتخارش
توگویی بگسترده فرش زمرد — بدست طبیعت همه سبزه زارش
ببر کرده نارنج‌بن سبز جامه — زکف تا بساعد همه زرنگارش
بدانسان که گفتند گویی مسافر — بنوروز دل بر کند از دیارش
بود خاك او ، مهد دانش پژوهان — بهر گوشه دانشوری در کنارش
نهان گشته‌هریك‌چوگنجی‌بکنجی — برون‌است هر گنج ، اززخم‌مارش
چودرعجز، **روحانی** آمدزوصفش — که تا برشمارد یکی ازهزارش
همان به که از پاك‌یزدان بخواهد — که همواره آباد ماند دیارش

آقای **احمدحشمت‌زادهٔشیرازی**، استاد شعر معاصر، قصیده‌یی غرّا در ثنای **فارس** ساخته‌اند که مطلع ومقطع آن اینست :

جان پروراست ودلکش ،آب‌وهوای**فارس** — گلزار خلد نیست بروح و صفای **فارس**
از خاك **فارس** دور بلاهای آسمان — آید بجان دشمن **ایران** بلای **فارس**

وبدین دوبیت در نقل اقوال سخن سرایان ختم مقال میکنیم .



این بود شرحی مختصر ازاشارات وتلویحاتی از کلمات بزرگان که در باب **فارس** بالاخصّ شهر **شیراز** هر یك بزبانی سخن گفته‌اند ودراینجا بطوراختصار

گردآمد . باشد که خوانندگان را رهبری نماید و اگر خواهند خود بمنابع و مصادر بتفصیل مراجعه توانند فرمود .

اینك بحمدالله درپایان این فهرست پرافتخار نام‌نویسندهٔ نامور **اقلیم پارس** ثبت گردیده و این‌یادگار خیراز آن‌دانشمند باستانشناس بجای مانده است . از خداوند گار بزرگ توفیق و نیکبختی وبرکت برای مؤلّف و ناشر و خواننده مسألت دارد .

بندهٔ درگاه بی‌نیازی

**علی‌اصغر حکمت شیرازی**

تهران - اردی‌بهشت ۱۳۴۳

مادّهٔ تاریخ کتاب: اثر طبع لطف و عنایت آمیز
دانشمند گرامی استاد جلال‌الدّین همایی
متخلص به **سنا**

# هُوَ الحقّ

در ظلّ رهبری شهنشاه دین پناه — کز عدل او شد است بنای ستم خراب

وان «انجمن» که حامی «آثار ملّی» است — اعضاش منتخب ز جنابان مستطاب

خاصّه رئیس هیئت اجرای انجمن — کو را بجاه و رتبه «سپهبد»[1] بود خطاب

هم در صفای خلق بود نادر النّظیر — هم در وفور فضل بود کامل النّصاب

سیّد تقی مصطفوی فاضل جلیل — کز دفتر زمانه بود فرد انتخاب

گنجی پدید کرد از آثار باستان — با زحمت فراوان با رنج بی حساب

نو کرد روزگار کهن را چنانکه باز — ملک کهن گرفت ز نو رونق شباب

پرداخت این کتاب که اقلیم پارس را — سر زنده کرد همچو گل از ریزش سحاب

هر نکته یی که بود در این نامه درج کرد — چونانکه باز بینی و خوانیش فصل و باب

با دست جهد نیروی توفیق کردگار — شد در ظهور این اثر نغز کامیاب

---

(۱) تیمسار سپهبد فرج‌الله آق‌اولی رئیس هیئت مدیرهٔ انجمن آثار ملی

آری اگر نه آب ز توفیق حق خورد — جهد بشر نباشد جز لمعهٔ سراب

تأیید کردگار نباشد اگر بکار — تدبیر سست آید و اندیشه ناصواب

در گنج نامه‌ها که نوشتند فاضلان — «اقلیم پارس» هست بقیمت چو درّ ناب

دعوی نمیکنم که ورا هیچ مثل نیست — لیکن نظیر اوست در این دوره دیریاب

باری چو طبع گشت کتابی چنین عزیز — کاقلیم پارس را بفزوده است قدر و آب

وز حجله‌گاه طبع بمشّاطگی جهد — این نوعروس زیبا بیرون شد از حجاب

دیباچه‌اش ز خامهٔ حکمت گرفت زیب — چونانکه تاج شاهان از لؤلؤ خوشاب

تاریخ آن بشمسی هجری «سنا» نوشت

«اقلیم پارس داند قدر چنین کتاب»

۱۳۴۳

# تذکار

جاپ مقدمهٔ شیوا وجامعی که درصفحات گذشته از نظرخوانندگان ارجمند گذشت ومراحم وعنایات سروربزرگوار **جناب آقای علی‌اصغر حکمت** رادربارهٔ نگارنده نیز مشتمل بود، ودر دنبالهٔ آن، درج اشعارلطیف ونغزدانشمند گرانمایه **استاد جلال‌الدین همایی**، حاوی‌مادهٔ تاریخ کتاب و ابراز لطف استادنسبت به‌مؤلف آن، هنگامی بپایان رسید که انجمن آثار ملی‌شخصیت عالیقدری‌ازبنیان گذاران، ورئیس‌عالیقدر ومحبوب پیشین هیأت مؤسسان خود ـ**شادروان‌حسین علاء** ـ را ازدست‌داده بود.

این‌عنصر پاکنهاد ودانشمند بلندمرتبت که ازنخستین بنیانگذاران انجمن آثارملی‌بود، کمی پس از درگذشت رئیس پیشین هیأت مؤسسان انجمن مزبور یعنی **شادروان‌صادق‌صادق‌ـ مستشارالدوله** ـ(که‌درتاریخ۱۶ آذرماه۱۳۳۱ اتفاق‌افتاد)درتاریخ یکشنبهٔ‌سوم‌اسفندماه۱۳۳۱ به‌جانشینی آن فقید سعیدبه سمت ریاست هیأت مؤسسان برگزیده شد وتا واپسین روز زندگی ثمربخش خویش (یکشنبه ۲۱تیرماه ۱۳۴۳) بانهایت‌علاقه و اخلاص درسمت مزبور کوشش قابل ستایش ومداوم‌خود را درراه هدفهای مقدس‌آن انجمن‌بکاربرد. **رحمه‌الله رحمة واسعة**

پس‌از رخت بربستن‌آن شخصیت شریف به‌جهان جاودانی، درجلسهٔ هیأت مؤسسان مورخ سه‌شنبه۱۷شهریورماه۱۳۴۳ بنابر پیشنهاد **تیمسارسپهبدفرج‌الله‌آق‌اولی**، ریاست محترم‌هیأت مدیرهٔ‌انجمن، **جناب‌آقای علی‌اصغرحکمت** باتفاق آراء بریاست هیأت مؤسسان‌انتخاب گشتند

بادرنظر گرفتن‌اینکه‌**جناب‌آقای‌حکمت** نیزعلاوه‌برآنکه‌ازبنیان گذاران‌اصلی‌**انجمن‌آثار ملی**بشمارمیروند،ساختمان**بنای‌موزهٔ ایران‌باستان** وتأسیس**ادارهٔ کل باستان شناسی** (برمبنای قانون عتیقات مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ وآئین نامهٔ آن مصوب ۲۸ آبان ۱۳۱۱) و چاپ و انتشارمجلدات **آثارایران** (نشریهٔ رسمی پیشین‌ادارهٔ کل باستان شناسی) واحداث بنای **آرامگاه خواجه‌شمس‌الدین محمدحافظ** وتأمین اعتبارات مرتب سالیانه‌جهت **تعمیرابنیهٔ تاریخی برای نخستین‌بار** (طبق قانون اوقاف مصوب سوم دیماه۱۳۱۳ وآیین‌نامهٔ همان قانون مصوب سیزدهم اردیبهشت ماه ۱۳۱۴) وبسیاری خدمات ارزنده واساسی دیگردر بارهٔ آثار تاریخی گرانقدر **ایران** درهنگام وزارت‌فرهنگ‌ایشان‌صورت گرفته‌است واز وضع‌مساعدی که در دوران سلطنت **اعلیحضرت فقید رضا شاه کبیر** جهت چنین امور وهرگونه خدمات مختلف فرهنگی و غیرآن درراه ملک‌وملت فراهم بودحداکثر استفاده را فرموده‌اند، وپس‌ازآنهم دراجرای‌منویات **اعلیحضرت همایون شاهنشاهی**، وبا استظهار به‌عنایات مداوم ملوکانه نسبت بدینگونه

خدمات، احداث **آرامگاه ومجسمهٔ شیخ اجل سعدی** وبنای **آرامگاه شیخ الرئیس ابوعلی سینا ومجسمهٔ اوو برگزاری جشن هزارهٔ آن حکیم بزرگ** درزمان ریاست هیأت مدیرهٔ انجمن آثارملی معظم له انجام پذیرفته است، بخوبی درک میشود که پیشنهاد **تیمسارسپهبدآق اولی** وحسن قبول **کلیهٔ اعضاء هیأت مؤسسان** چه نیکو مبین حس قدر شناسی وارج گذاری بزرگان قوم نسبت به حق خدمت سابقان وپیش کسوتان توانذبود . وبدین ترتیب ، هنگام پایان چاپ کتاب ، مقدمهٔ آن بزیور خامهٔ ریاست محترم هیأت مؤسسان انجمن آثار ملی آراسته گشته است .

نام اعضاء هیأت مؤسسان انجمن آثارملی که عملاً وبطور افتخاری در راه هدفهای آن انجمن بذل همت میفرمایند بااطلاعات دیگری دربارهٔ انجمن مربور طی صفحات سی، وسی ویک دیباچهٔ کتاب ذکر گردیده است وبدین لحاظ، به آرزوی توفیق بیشتر درراه چنین خدمات مقدس، توضیح دراین باره راپایان می بخشد .

مهر ماه ۱۳۴۳

**سید محمد تقی مصطفوی**

# دیباچه

## بنام خدای بی‌همتا

هر که نه گویای تو، خاموش به     هرچه نه یاد تو، فراموش به

معرّفی آثار تاریخی ایران و آشنائی بیشتر و بهتر فرزندان این آب و خاك به یاد کارهای فرهنگی و هنری نیاکان خویش از جملهٔ هدفهای دیرین کلّیهٔ علاقمندان و مقامات مربوط بوده مخصوصاً وزارت فرهنگ و انجمن آثار ملّی در این باره کوشش بسیار بعمل آورده ومیآورند و برای انجام این خدمت در سالهای اخیر علی‌الخصوص نسبت به تهیّهٔ کتب راهنمای مناسب جهت آثار تاریخی ایران درجلسات ماهیانهٔ هیئت مؤسّسین انجمن آثار ملّی مذاکره و تأکید فراوان شده ومیشود .

کتابی که از نظر خوانندگان ارجمند میگذرد بدین منظور تهیّه گردیده است که گامی هرچند نارسا درراه نیل باین هدف کلّی برداشته شده باشد وبا اعتراف به نقص آن اطمینان دارد در آینده برای تکمیل اینگونه خدمات ورفع نواقص موجود درچنین نشریّاتی جوانان دانشمند و پرشورمیهن عزیز آنطور که لازمهٔ خدمت به آثار باستانی کشورشان هست همّت گمارده کارهای ناقص پیشین را بمرحلهٔ تکامل نزدیك خواهند نمود و نا کرده‌های فراوانی را که دراین راه هست بصورتی بهتر و رساتر انجام خواهند داد .

---

سرزمین پهناور فارس علاوه برآنکه مهد نخستین شاهنشاهی بزرگ ایران یعنی شاهنشاهی هخامنشی دراواسط قرن ششم پیش ازمیلاد بوده است ازقدیمترین ومهمترین مراکز تمدّنهای باستانی این کشور کهن سال بشمارمیرود و آثار هنری

ونمونه‌های صنایع ادوارپیش ازتاریخ که مربوط به هزارهٔ چهارم پیش ازمیلاد مسیح به بعداست درسینهٔ تپّه‌هاودل کوهساران ودامان دشت وهامون آن وجوددارد که شمّه‌أی ازآنهارا درکاوشهای علمی گوناگون بدست آورده‌اند [۱]، دردوران عیلامیان نیزهمین سرزمین (یالااقل قسمتهای غربی وجنوبی ومرکزآن) قسمت شرقی کشور عیلام بوده نقوش برجستهٔ آنزمان در کوهستانهای پارس[۲] گواه بسط تمدّن عالی اصیل ایرانی وبس قدیمی مزبور درآن سامان است .

بقایای کاخهای معظم هخامنشی درپاسارگاد وتخت جمشید وساختمانها و آرامگاههای گوناگون همان دوران درویرانه‌های استخرونقش رستم وقصرابونصر وفرمشگان و سَروان (خاك ممسنی) وگوردختر(سرمشهد) ونشانه‌هائی دیگر از فعّالیّتها وساختمانهای آنعهد درنقاط پراکندهٔ فارس [۳] میرساند که سرزمین پارس ومهد شاهنشاهان هخامنشی در دوران این سلسله چگونه راه آبادانی وشکوه و جلال را می‌پیموده است .

پس ازآتش سوزی اسکندر درتخت جمشیدتاطلیعهٔ شاهنشاهی ساسانیان آثار وابنیهٔ زیادی درخاك فارس سراغ نمیرود ـ بنای مهمّی که ازعهد اشکانی تاکنون دراین استان تاریخی شناخته‌ایم برج نورآباد است وآنچه ازروی قرائن برمیآید نقش برجستهٔ موجود درقدمگاه واقع درناحیهٔ کارزین (مذکور درصفحهٔ ۱۰۳ متن کتاب) نیزاحتمالاً به عهداشکانی تعلّق‌دارد که امید میرود مانندبسیاری ازآثار ناشناس وپوشیده ماندهٔ فارس باکوشش وعلاقهٔ عناصر باذوق موردبازدید وبررسیهای علمی قرارگرفته وضع آن برخلاف گذشته روشن گردد .

باتوجّه باینکه بقایای ابنیه وآثارعهد اشکانی که تاکنون درقسمتهای دیگر کشورایران مورداطّلاع است بیش ازچهاریاپنج عددنیست طبعاً نبودن آثارچندانی

(۱) بصفحات ۱٤ و ۱٦ـ ۱۸ و ۲۰ و ٤٥ ـ ٤۷ و ۸٤ و ۲۲۱ و ۳۱۹ و ٥ـ ۳٦٤ مراجعه شود .

(۲) بصفحات ۳۷ و ٤۰ و ۸ ـ ۱۳۷ و ۱٤۲ و ۲۱۹ و ۸ ـ ۳۳٤و٤۰۰ و ٤٥۱ مراجعه شود .

(۳) بصفحات ۱۷ و ۱۹ و٤۳ و۱۰۱ و٦ ـ ۳٦٥ و ٤۱٤ و ۷ ـ ٤۱٦ مراجعه‌شود .

ازآن‌دوران‌درخاك فارس‌نیز امری شگفت‌آور نخواهد بودونکر این نکته بخصوص‌را بمورد میدانند که‌برج‌نورآباد بشرحی که‌درمتن کتاب توضیح‌داده شده‌است[1] اثر تاریخی‌منحصر بفرد بس‌مهمّی بشمارمیرود ومیتوان گفت‌ازمیان‌تعداد انگشت شمار آثار عهد اشکانی در خاك ایران برج نورآباد از لحاظ دقّت در ساختمان واستادی که درتراش‌تخته سنگها وجزم بودن‌آنها بکاررفته است بنای تاریخی درجهٔ اوّل محسوب میگردد وچنین اثربرجستهٔ عهداشکانی موجود درداخل ایران هم که در حال حاضرمورد اطّلاع‌است درخاك فارس‌قراردارد وبالاخره این‌امتیاز نیز به همین سرزمین تعلّق‌مییابد .

در دوران شاهنشاهی ساسانی یکباردیگرمرز وبوم پارس‌کانون شاهنشاهی ایران ومرکزعمران وآبادی فراوان واقع میگردد وکاخها وآتشکده‌ها ونقوش برجستهٔ نواحی‌مختلف نموداری ازهمین معنی‌است که درتلو صفحات کتاب دربارهٔ هر کدام آنها درمحلّ خودتوضیحاتی بنظرخوانندگان ارجمند میرسد .

راه‌دریائی‌ایران‌و کشورهای‌خاور نزدیك به‌هندوستان وچین‌درعهد ساسانیان ازخلیج فارس‌بود وبندرسیراف (نزدیك بندرطاهری) که بوسیلهٔ جادّهٔ سنگ فرش قدیم بداخل خاك فارس مربوط میگردید[2] از مهمترین پایگاههای راه مزبور بوده‌است وباتوجّه‌بارتباط بازرگانی‌شرق‌وغرب ازراه‌جزیرهٔ‌خارك[3]در روزگاران قدیم بخوبی میتوان ازاین بابت هم باهمیّت خاك فارس بیش از پیش پی برد .

بنابرآنچه گذشت وبگواهی آثارفخیم وفراوان ادوار باعظمت هخامنشی و ساسانی‌موجود درخاك فارس بسادگی میتوان دریافت که برای درك تمدّن وهنر دورانهای شاهنشاهی پیش‌ازاسلام ایران **اقلیم پارس** رانه چنان اهمیّتی است که بتوضیح ووصف‌درآید وباستثنای‌سنگ‌نبشته‌ها ونقوش‌برجستهٔ **بیستون** وتپّهٔ‌باستانی **هگمتانه** (همدان) وویرانه‌های **آپاداناى شوش** ونبشته‌های موسوم بـه **گنجنامه** (یاجنگ نامه) درکوه‌الوند وصفّهٔ تاریخی **مسجد سلیمان** درخوزستان وآتشکدهٔ

(۱) در صفحات ۱۳۰ و ۱۳۱ متن کتاب . (۲) به صفحهٔ ۱۰٤ متن کتاب مراجعه شود . (۳) که درصفحهٔ ۱٤٦ بدان اشاره شده است .

**آذرگشنسب** تخت‌سلیمان‌در آذربایجان و بنای آجری شیوائی که برفراز کوهستان درمحلّ موسوم به **قلعهٔ‌ضحّاکی** بربالای مسیر راه‌آهن نزدیك ایستگاه خراسانك بین‌میانه ومراغه واقعست ونقوش برجستهٔ کوهسار **خان تختی** درنزدیکی شاهپور (آذربایجان) وبالاخره آثار تاریخی **طاق بستان** ،آنچه از شاهنشاهان هخامنشی وساسانی در کشور کنونی ایران بنیاد گردیده ومورد اطّلاع است درسرزمین فارس قرار داد .

پس‌از ضعف وانحطاط سلسلهٔ ساسانی کـه باظهور پرتو اسلام مقارن بود و بهانقراض شاهنشاهی‌سلسلهٔ‌نامبرده منجرّ گردیددرطول‌چندقرن‌سرزمین‌عزیزفارس دستخوش نابسامـانی وبی‌سرانجامی قرار گرفت وبراثر حملات و هجومهائی کـه خواه ازجانب شمال ومغرب وخواه ازراه‌دریای عمّان وخلیج فارس‌بمهدشاهنشاهان گرانقدر ایران رومیآورد آرامش‌درآن دیارحکمفرما نبودوطبعاً درچنین وضعی امراحداث وآبادانی ابنیهٔ مهمّ که لازمهٔ آن آسایش وامنیّت ورفاه اجتماع است صورت پذیر نمیگشت ، باوجود این آثارتاریخی مهمّ چندی مـانند قسمت قدیمی **مسجد جامع عتیق‌شیراز** (که بخشی ازشبستان جنوب غربی‌مسجدازآن باقیست) و **قلعهٔ استخر** و **بند امیر** از یادگارهای عضدالدّولهٔ دیلمی‌مربوط بقرن چهـارم و **مسجد جامع نیریز** ازمهمترین ابنیهٔ‌ایران درهمان‌قرن گواه روح‌زنده وپایدار مردم فارس درایجاد ابنیه وآثارجاوانی میتواند بود .

ازعهد سلجوقی (قرن‌پنجم وششم هجری) ابنیه واثرقابل ذکری کـه مورد اطّلاع باشددرخاك‌فارس‌سراغ نمیرود[1] ودرنتیجه‌ابنیهٔ‌ممتازآن دوران‌نظیرمساجد جمعهٔ اصفهـان وقزوین واردستان وزواره و گلپایگان ودیگرمساجد مستحکم و شیوای‌آنعهد وهمچنین برجها ومناره‌هائی مـانندآنچه درنقاط مختلف خراسان و دامغان واصفهان ورضائیّه وغیره وجود دارد یاابنیه‌أی چون گنبد سرخ مراغـه و

(۱) لازم بتوضیح استکه بنای استوار **گنبد علی** یا **گنبد عالی** درابرقو از بهترین وشیواترین ابنیهٔ قرن‌پنجم هجری‌خواه ازنظرسبك معماری‌وخواه ازلحاظ علت بنیادآن‌بسرزمین **دیلم** (درجنوب گیلان) پیوستگی دارد وبدین جهت نمیتوان آنرا ازابنیهٔ محلی‌وبومی فـارس بشمار آورد .

گنبد جبلیهٔ کرمان ونظائر آنهـا درسرزمین فارس‌مورد اطّلاع نگارنده نیفتاد و دور نیست که باتجسّس وتحقیق بیشتر از اینقبیل آثاردرخاك عزیزفارس‌هم مشهود گردد ودرغیر اینصورت بایدچنین پنداشت که استان فارس فـاقد اینگونه ابنیه و آثار مهمّ میباشد وطبعاً بین‌یادگارهـای معظم ادوار تاریخی پیش‌از اسلام وقرون اوّلیهٔ اسلامی درخاك فارس باآنچه از آثار تاریخی مربوط بادوار بعد از سلجوقی در استان مزبور موجود است حدّ فاصلی درمیـان خواهد بود (۱) .

(۱) طبق آنچه در گزارش مختصرمربوط به‌افریقا (نگارش آقای شجاع‌الدین شفا دبیر کل شورای فرهنگی سلطنتی ایران) مرقوم رفته است‌پس‌ازحملهٔ اعراب بایران سیاری ازایرانیان ازراه خلیج‌فارس ودریای هندبـه قسمتهای شرقی افریقـا رویآوردند وعلاوه برآنکه درقسمت کشتی‌رانی بازرگانی واموردیگرمنشاءخدمات زیادشدند دراواسط قرن‌چهارم هجری یك‌شاهزادهٔ دیلمی ازخاندان‌آل‌بویه بنام علی بن‌حسن شاهزادهٔ شیرازباشش پسرخود وعدهٔ زیادی همراهان ازخلیج فارس‌باهفت کشتی بافریقای‌شرقی‌رفت وبنادروسواحل رایکایك تصرف کرد ویك‌امپراتوری شیرازی‌افریقا بنام «**زنگ**» درآنجا تشکیل‌داد که عربهابدان «**زنج**» میگویند این‌امپراطوری قریب پانصدسال دوام یافت وپایتخت‌آن کیلواکی سیوانی (Kilwa - Kisiwani) در۱۵۰ میلی جنوب دارالسلام فعلی‌بود . بهمین‌جهت در کتابهای اروپائی این امپراطوری رابنام پایتخت آن امپراتوری «**کیلوا**» نامیده‌اند ، ازمنابع مهم‌اطلاعات مربوط به‌این‌امپراطوری کتـابی‌است که یکنفر پرتقالی بنام دبارس (De Barros) درسال ۱۵۲۲ میلادی نوشته طی‌آن تاریخچهٔ امپراتوری شیرازی افریقا ونام‌چهل‌ونه سلطان سلسلهٔ شیرازی مزبوررا ذکرنموده‌است .

درموزهٔ بریتانیا نیزسه مجموعهٔ سکه متعلق به سـالهای ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ میلادی وجود دارد که متعلق‌به پادشاهان ایرانی افریقا است .

منابع دیگردربارهٔ سلسلهٔ مزبور (علاوه بر کتابها وسفرنامه‌های مربوط به سلسلهٔ ایرانی سابق‌الذکر) خرابه‌هـای آثاروابنیهٔ متعلق‌به آنهابشمار میرود ، ازجملهٔ این‌آثار بقایای مسجد «**کیلوا**» است که توسط بزرگترین‌سلطان سلسلهٔ نامبرده‌بنام سلیمان فرزندحسن (۵۵۶تا۵۷۵ هجری قمری مطابق با ۱۱۶۱ تـا ۱۱۷۹ میلادی) ساخته شده است ـ همچنین بقایای آثار و ابنیهٔ مختلف در **زنگبار** و جزیرهٔ **تومباتو** و **مالیندی** و **مومباسا** کـه همه را بااسلوب معماری ایرانی ساخته‌اند .

ازبقایای دیگراین آثارویرانه‌های کاخی درکنیا (Kenya) است که ظاهراً یکی‌ازقصور سلطنتی‌سلسلهٔ ایرانی‌نژاد سرزمین مزبوربوده اهالی‌آنجا نیزنام شهری راکه‌کاخ موردذکردرآن قرارداشته است «**شیراز**» مینامند (علاقه‌مندان باطلاعات بیشتر دراین باره ممکن است به متن «گزارش مختصرمربوط به افریقا» نگارش آقای شجاع‌الدین شفاکـه حـاوی مطالب وتوضیحات زیادتر دراین موضوع بوده درتیرماه ۱۳۴۲ نسخه‌هائی‌ازآن منتشر گردیده ومطالب سابق‌الذکر نیزازآن نقل واقتباس شده‌است وهمچنین بـه مقالهٔ دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی تحت عنوان«شیرازیهای افریقای‌شرقی» درروزنامهٔ پارس (چاپ‌شیراز) شمارهٔ ۲۷۲۴ مورخ۴۲/۵/۱۷ مراجعه فرمایند .

دردوران اتابکان که مقارن باقرن هفتم هجری و همزمان باعهد مغول بود و بر اثر طرز سلوك اتابك ابوبکر بن سعد بن زنگی خاك فارس تا حدّ زیادی از فتنهٔ خانمانسوز مغول ایمن ماند ابنیهٔ متبرّك و تاریخی مهمّی در شیراز و نقاط دیگر فارس احداث گردید و دنبالهٔ آن در دو قرن هشتم و نهم هجری نیز ادامه یافت که زیارتگاهها و بقاع معروف شیراز و بقعهٔ شیخ یوسف درسروستان و ابنیهٔ مختلف درسایر نواحی خاك فارس ازجملهٔ همین ابنیه و آثار بشمار میرود .

دربارهٔ آثار و ابنیهٔ تاریخی شیراز درقرون هشتم تادهم هجری ذکر دو نکتهٔ زیررا بمورد میداند :

۱ـ باتوجّه به وضع ساختمانی حرمهای مطهّر بقاع شاهچراغ وسیّد میرمحمّد و آستانهٔ سید علاءالدّین ملاحظه میشود که احداث حرم چهارضلعی باچهارشاه نشین طولانی در چهار جانب آن شیوهٔ مخصوص معماری اماکن متبرّك وزیارتگاههای معتبر شیراز درقرون هشتم و نهم ودهم هجری بوده است و همین سبك معماری نیز در بعضی ازابنیهٔ دوران زندیّه مانند بنای واقع دروسط باغ جهان نما و بنای معروف به کلاه فرنگی (محلّ موزهٔ پارس) کاملاً بچشم میخورد واین طرح بناهمانست که در تالار بزرگ کاخ عظیم سلطنتی بیشاپور (شاپور کازرون) نمودار میباشد(۱) .

۲ـ بنای خداخانه دروسط صحن مسجد جامع عتیق شیراز (مورّخ بـه سال ۷۵۲ هجری) مشتمل بر اطاق مربّعی دروسط وایوانهائی محاط برچهارجانب آنست ودرچهار گوشهٔ خارجی بناچهار پایهٔ جسیم مدوّر سنگی بصورت چهارستون سترك یاچهارمنارهٔ کوتاه که بلندی آنهـاهم طراز بابلندی سایر قسمتهای بنااست بنیاد نموده‌اند(۲) که درعین استوار داشتن لنگه طاقهای ایوانهای چهارجانب موجب زیبائی وتناسب این بنای شیوا گردیده است .

بامختصر آشنائی به نقشهٔ آتشکده‌های ایران درعهد ساسانی میتوان شباهت

(۱) توصیف تالار آن درصفحهٔ ۱۲۲ مذکور ونقشهٔ آن درشکل ۱۸۱ ـ صفحهٔ ۳۰۳ کتاب مندرج است .

(۲) بصفحات ۶۵ و ۶۶ و ۲۵۱ مراجعه شود .

نقشهٔ خداخانه را با نقشهٔ قسمت‌مرکزی چنین آتشکده‌هائی دریافت چنانکه در بنای آتشکده بنام **آتشکوه** (از ابنیهٔ منسوب بدوران اردشیر بابکان واقع‌درجنوب‌غربی **دلیجان** که ازجادّهٔ دلیجان‌به **محلات** پیش‌از رسیدن بـه **نیماور** ازراه فرعی دست چپ بدانجا میرسند) اطاق مرکزی و دهلیزهـای چهارجانب آن شبیه ساختمان خداخانه بوده ستونها یا پایه‌های چهارگوشهٔ اطاق نیز بصورت نیم‌دائره‌های متّکی به‌پایهٔ سنگی ساخته شده است(۱).

ازطرف دیگر بنای خداخانه درقرون بعدی منشاء نوعی‌معماری گردید که به‌پیروی ازآن منارهٔ کوتاه یا بلندی درهریك از چهـار گوشهٔ بعضی ابنیه احداث نمودند واین‌سبك معماری بوسیلهٔ استادان ایرانی درآثارمتعدّد اسلامی هندوستان وبخصوص‌ابنیهٔ بسیارعالی‌ومهمّ **آگرا** (هندوستان) بسیارمعمول ومتداول شدونمونهٔ بارزتر ازتمام‌آنها‌رامیتوان آرامگاه اعتمادالدّوله (میرزاغیاث‌الدّین‌محمّدطهرانی) خزانه دار وصدر اعظم جهـانگیر از شهریاران هندوستان (معاصرشاه عبّاس اوّل) دانست کـه درخلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری بفرمـان دخترش نورجهـان (همسرجهانگیرسابق‌الذّکر) درآگرا احداث‌شده‌است (۲) وبجرئت میتوان گفت بنای شگرف وزیبا و بی‌نظیرتاج‌محلّ درآگرا که شهرت‌عالمگیرداردوچهارمنارهٔ بلنددرچهار گوشهٔ آن‌سربآسمان افراشته است‌وبرزیبائی وعظمت خیره کنندهٔ این **شاهکارهنری‌جهان** بس‌می‌افزاید(۳) نیزازاین‌شیوهٔ معماری‌اصیل‌ایرانی بنحوعالی

(۱) برای اطلاع دربارهٔ آتشکده‌های ایران ونقشهٔ آنها وازجمله بنای آتشکوه ممکن است به‌کتاب آثار ایران (نشریهٔ پیشین ادارهٔ کل باستان شناسی بزبان فرانسه ـ جلد سوم ـ مجلد اول ـ چاپ هارلم ۱۹۳۸ ) مراجعه نمایند.

(۲) دراینمورد مناسب میداند توجه خوانندگان ارجمندرابه توضیحات مربوط به‌مسجد جامع داراب که طی‌صفحات ۴۹۳ ببعدمرقوم رفته است جلب نماید.

(۳) بنای تـاج محل‌ازسال ۱۰۴۰ تا ۱۰۵۸ هجری بفرمان شاه‌جهان (پسرجهانگیر) برای آرامگاه همسرش ممتـاز محل شهبانوی ایرانی الاصل ومشهور هندوستان دختر عین‌الدوله آصف‌خان (پسر اعتمادالدوله طهرانی‌سابق‌الذکرصدراعظم‌جهانگیر) ساخته شده‌است ، طبق‌آنچه درمجلهٔ گلبانگ شماره سوم ضمن‌مقاله‌ای تحت‌عنوان «تاج‌محل ـ هنرایرانی درخارج ایران» اشاره رفته است‌طرح بنـای تاج‌محل «بوسیلهٔ یك معمارهنرمند ایرانی‌بنام استادعیسی شیرازی

(بقیهٔ پاورقی در صفحهٔ بعد)

وبسیارشیوا برخوردار گردیده است .

این نکته درخور توجّه است که نه سازندگان بقاع متبرّك شاه چراغ وسید میرمحمّد وغیره یامعماران دوران کریمخان زند ازنقشهٔ آتشکدهٔ بیشاپور (که ویرانه‌های آن تاسال ۱۳۱۶ شمسی دردل خاك مدفون بود) اطّلاع داشته‌ونه بنیان گذاران بنای خداخانه از طرح وهیئت ساختمانی بنای آتشکوه یا آتشکده‌های دیگر باخبر بوده‌اند واین شباهت ابنیهٔ اسلامی فارس باآثارمعماری پیش‌ازاسلام آن استان تنها بدلیل مداومت سنّت معماری وبقای طرح وهیئت ابنیه است که بطور سینه بسینه درنسلهای متمادی استادان وهنرمندان فارس وفارسی باقی‌مانده منجر بایجاد اینگونه ابنیه باچنین‌شباهتها وهمانندیها گردیده است (۱) .

ریخته شد . » داخل آن درزیر گنبد عظیم‌وعالی درون محجرمرمری مشبك‌فوق‌العاده عالی‌وممتاز دوسنگ قبرمرصع‌مرمری‌زیبابربالای دوسکوی مرمر مرصع نصب‌است، برکنارسنگ قبری که دروسط قراردارد‌چنین‌نبشته شده‌است «مرقد منور ارجمند بانوبیگم مخاطب‌به ممتازمحل توفیت فی‌سنهٔ ۱۰٤٠» برکنارسنگ‌قبردیگر‌نیزچنین نگاشته‌اند : «مرقدمطهراعلیحضرت فردوس‌آشیانی صاحبقران ثانی‌شاه جهان پادشاه طاب ثراه سنهٔ ۱۰۷٦ – درشب بیست‌وششم شهررجب سنه هزاروهفتاد وشش‌هجری ازجهان فانی‌بیزمگاه جاودانی انتقال کردند» ، درانتهای حاشیهٔ اطراف درب ورودی حرم تاج‌محل این‌کلمات خوانده میشود : «کتبه الفقیرالحقیر امانت خان‌الشیرازی فی‌سنهٔ هزاروچهل وهشت هجری مطابق‌سنهٔ نوزدهم جلوس‌مبارك» .

اجمالا میتوان گفت که بنای‌تاج محل‌ازدرون وبیرون گوهر گرانبهای هنرمعماری مشترك ایران وهندبوده عشق وشورفراوان شهریارهند بـه شهبانوی خودآنرا پدیدآورده است وعلاوه برآنچه بین‌ایران وشبه قارهٔ هندازطریق ادبیات وتاریخ مشترك وعوامل معنوی دیگر ارتباط و پیوستگی‌حاصل‌بوده وهست‌آثارمعماری نیزچشمهٔ دیگرهم‌بستگی وعلائق دیرین دوملت وکشور باستانی بشمارمیرود .

(۱) درنزدیکی تپهٔ چغازنبیل درخوزستان بمسافت قریب چهل کیلومتری جنوب شرقی شوش که محل‌معبد عظیم دوران عیلام‌بوده بوسیله اونتاش گال (Untash-gal) شهریارمعروف عیلام دراواسط‌قرن‌سیزدهم‌پیش‌ازمیلاد ساخته شده‌است بقعهٔ‌جدیدی بنام **سیدصائم** قراردادکه مدفن‌سیدصائم نیای سیدکرم مالك وشخصیت محترم‌آن ناحیه است ومنظر خارجی وهیئت کلی این‌بقعهٔ ساده عیناً مانندآتشکده‌های عهدساسانی است که بصورت چهارطاقی‌ساخته باشند ودرنظر اول تصورمیرود یکی‌ازهمان چهارطاقیها باشد ولی‌چون نزدیك‌شوند وبداخل‌آن‌روند درمی‌یابند که بنائی‌تازه است‌واین شباهت نتیجهٔ‌بقای سنن‌وسبکهای ساختمانی‌قدیم درذهن استادان محلی ومعمر میباشد همچنانکه لغـات پارسی باستانی ودری هم درزبانهای محلی بهمین گونه باقی و زنده مانده است .

آثاراستادان وهنرمندان شیرازی طیّ قرون گذشته درسرزمینهائی دوراز خاك‌فارس‌منحصر به آنچه‌اجمالاً دربارهٔ ابنیهٔ عالی آرامگاه اعتمادالدّوله وتاج‌محلّ اشاره شدنبوده است‌بلکه سالیان درازپیش از نفوذهنرفارس وفارسیان به شبه قارّهٔ هند وپاکستان ابنیهٔ نفیس بس شیوائی در مشهد مقدّس ونقاط دورتر ازآن در خطّهٔ خراسان بوسیلهٔ استادان زبردست شیرازی احداث گردیده است که همگی آنها ازبهترین و درخشانترین مظاهردینی وملّی و فرهنگی وهنری ایران بشمار میرود ونمونه‌های آن ازنوشته‌هائی که ذیلاً نقل‌میگردد بخوبی پدیدار است:

۱ـ در قسمت پائین پایه‌های طرفین ایوان بزرگ جلو مقصورهٔ مسجد گوهرشاد مشهدبرجبههٔ طرف صحن بخطّ ثلث‌باکاشی معرّق سفیدبرزمینهٔلاجوردی چنین نوشته‌اند:

برپایهٔ جانب راست: **اتفق تحریرها فی اوائل شهرالله المبارك رجب المرجب سنه احدی عشرین وثمانمائه.**

برپایهٔ جانب چپ: **عمل العبد الضعیف المحتاج لعنایت الملك الرحمن قوام الدین بن‌زین‌الدین شیرازی‌الطیان** (کلمه طیّان مشتق‌ازطین ـ بمعنی خاك ـ بوده مقصود ازآن شغل‌معماری توأم باهنرکاشی‌پزی وکاشیکاری است وهمانطور که ازین کلمه برمیآید استاد قوام الدّین شیرازی هنرمعماری وکاشیکاری خودرا در مسجد جامع گوهرشاد بکاربسته است) (۱).

۲ـ درجانب راست‌ایوان‌بزرگ وبلندبقعهٔ‌تربت‌جام‌برروی‌دیوارصحن‌درون لوحهٔ ده ضلعی‌کاشی معرّق بخط ثلث سفید برمتن‌لاجوردی چنین نگاشته شده است:

**هذه‌العمارة عمل العبدالضعیف استاد حاجی (محمود)** (۲) **زین جامع**

---

(۱) بناهای تاریخی دیگرهم درمشهد هست که میتوان ازجملهٔ آنهامسجد شاه ومدرسهٔ شاهرخ یامدرسهٔ دو در ومدرسهٔ پریزاد رانام برد که همزمان بامسجد گوهرشاد ساخته شده نام سلطان شاهرخ‌تیموری نیزدربعضی‌نوشته‌های‌آنها موجوداست ویقیناً این‌ابنیه هم‌ساخته وپرداختهٔ همان استادان سازنده وکاشیکار مسجد گوهرشاد میباشد.

(۲) نام محمود برروی لوحه بخط ریزتر ازسایرکلمات وبربالای کلمه حاجی‌مرقوم رفته است ومیتوان گمان نمود که مقصود ازآن نام‌نویسنده خط یانام استادیکه زیردست استاد اصلی کارمیکرده است باشد.

**شیرازی غفرالله له فی‌سنة اربع واربعین وثمانمائه .**

۳ــ درمدرسهٔ خرگرد بردیوار ایوان روبروی درب ورود مدرسه روی‌لوحهٔ کاشی معرّق بخطّ ثلث سفید برزمینهٔ لاجوردی چنین‌نوشته شده است :

**بنت هــذة المدرسة المبارکة الغیاثیه علی ید العبد المرحوم استاد قوام الدین شیرازی وتمت بعمل استاد غیاث الدین شیرازی .**

مدرسهٔ غیاثیّهٔ‌خرگرد که‌استاد سازندهٔ‌آن‌بشرح کتیبهٔ‌بالا **استاد قوام‌الدین شیرازی** بوده وبوسیلهٔ**استاد غیاث الدین شیرازی** ساختمان‌آن‌پایان‌پذیرفته‌است طبق‌آنچه‌در کتیبهٔ سردرمدرسهٔ‌مزبورمرقوم‌رفته‌درسال۸٤۸هجری‌باتمام‌رسیده‌است.

هرسه بنــای سابق الذّکر ( مسجد گوهرشاد ــ ایوان وصحن تربت‌جام ــ مدرسهٔ غیاثیّهٔ خرگرد ) درزمان سلطان شاهرخ تیموری ( ۸۰۷ تا ۸۵۰ هجری ) فرزند امیرتیمور کورکان ( ۷۷۱ تا ۸۰۲ هجری ) احداث گردیده است و بنای اخیرالذّکر (مدرسهٔ غیاثیّه) ازجمله‌آثاری است که بفرمان **خواجه غیاث‌الدین پیراحمد خوافی** وزیرسلطان شاهرخ ساخته شده بود (وبهمین مناسبت نام آنرا **مدرسهٔ غیاثیه** گذارده‌اند که تصادفاً بانام‌استاد غیاث‌الدّین‌شیرازی تکمیل کننده وپایان دهندهٔ ساختمان مدرسه نیز تطبیق‌مینموده است) .

اثربرجستهٔ دیگری هم که بفرمان‌خواجه غیاث‌الدّین پیراحمد خوافی در خراسان ساخته‌اند بنای‌مسجد مولانا درتایباد (نزدیك مرز افغانستان کــه برخی اوقات به غلط‌آنرا طیّبات مینویسند ) است کــه مشتمل برشبستان عظیم باپوشش گنبدی آجری بلند وایوان بس‌عالی ورفیع بوده درکنارمرقــد شیخ زین‌الدّین ابوبکرعلی تایبادی عارف‌ربّانی وعالم روحانی نامی‌معاصر امیرتیمور میباشد وبنام آن بزرگواربنا گردیده است[۱]. تاریخ‌اتمام ساختمان این‌بنای عالی‌هم طبق‌آنچه

(۱) مرقدشیخ زین‌الدین ابوبکرعلی تـایبادی درجلو ایوان مسجد مولانا درصحن حیاط قرارگرفته اطراف‌آن محجرمشبّکی ازسنگ سیاه رنگ متعلق‌بزمان‌شاه عباس‌بزرگ قرارداشت که اکنون قطعات آنرا درون یکی‌از اطاقهای کنارایوان نگاهداری میکنندوطبعاً بایددرمحل خودبوضعی اطمینان بخش‌نصب گردد ، مرقدشیخ الاسلام احمدجامی نیزبهمین‌ترتیب درجلوایوان بلند بنای تربت‌جام قراردارد واین‌سبك زیارتگاه‌که مرقدداخل حرم وزیرسقف نباشد معمول‌به مشرق خراسان وخاك افغانستان بوده بارویه وعقیدهٔ اهل‌تسنن بهترمطابقت مینماید .

در کتیبهٔ بدنهٔ جنوبی ایوان آن مرقوم رفته است سال ۸٤۸ هجری است واز روی قرائن مختلف وضع اصلی ساختمان وطرح ایوان و تزئینات کاشیکاری آن بخوبی برمیآید که استادسازندهٔ آن‌همان استاد غیاث‌الدّین شیرازی بوده که بنای‌مدرسهٔ غیاثیّهٔ خرگرد رابا تمام رسانیده است[۱] .

بجرئت هرچه تمامترمیتوان گفت که کاشیکاری معرّق توأم باقطعات فراوان کوچك سنگ مرمر هندسی‌شکل‌ازارهٔ مسجد مولانا[۲] وکاشیکاری معرّق‌فیروزه‌فام کتیبهٔ بزرگ حاشیهٔ بیرون‌ایوان بنای مزبور که خطوط نوشتهٔ ثلث شیوای‌آنرا باآجرتراشیده درون‌کاشی معرّق فیروزه رنگ نصب کرده‌اند وانواع‌کاشیکاریهای معرّق دیگر که در کتیبه‌هــای متعدّد داخل ایوان این بنای عــالی بکاربسته‌اند وطرحهای کاشیکاری معقّلی آن وبطوراجمال هنرنمائی فوق‌العاده که دراین بنای تاریخی‌معظم وزیبا بکاربسته‌أند در کمتر بنای تاریخی ایران سراغ میرود وحقیقتاً برای درك يك‌چشمه هنراستادان زبردست معماروکاشیکار شیراز درقرن نهم‌هجری ازهرجهت مناسبت دارد که چهار بنای **مسجد گوهرشاد** و **بقعهٔ تربت شیخ جام** و **مدرسه غیاثیهٔ خرگرد** وبخصوص **مسجد مولانا درتایباد** مورد بازدید وبررسی قرار گیرد .

باتوجّه بمراتب بالااین‌نکته جلب‌توجّه میکند که آیاوجود چند نفراستاد عالیقدر وهنرمند شیرازی (استاد قوام الدّین ـ استاد حاجی زین جامع ـ استاد غیاث‌الدّین) درنیمهٔ اوّل‌قرن نهم‌درخراسان امر اتّفاقی‌بوده یاعامل مخصوصی باعث سوق دادن استادان مزبور در يك زمان به‌آن‌خطّه شده‌است .

برای پاسخ باین پرسش باید گفت کــه امیرتیمور گورکانی پس‌از پیروزی برنواحی وشهرهای مختلف ایران وآسیای صغیر استادان هنرمند هررشته را از

---

(۱) مسافت بین‌خرگرد وتایبادچندان زیادنیست وعملارسیدگی واشتغال بساختمان هردو بنای مورد ذکرامرممکن ومنطقی‌بنظرمیرسد .

(۲) علاقه مندان به اطلاعات بیشتر دربارهٔ مسجد مولانا ممکن است بـه مقالهٔ نگارنده درکتـاب آثارایران ( متن‌فرانسه ـ جلدسوم ـ مجلد دوم ـ چاپ هارلم ۱۹۳۸ ) وذیل آقای گدار برمقالهٔ مزبور درهمان کتاب مراجعه فرمایند .

مراکزهنری آنزمان به سمرقند آورد و بدینوسیله مجمع هنری ومکتب صنایع ظریفهٔ عالی ازدوران خود درسمرقند بنیاد نهـاد وابنیهٔ متعدّد قرن هشتم هجری درسمرقند ازجمله مظاهرهمین مکتب هنری بشمارمیرود کـه بنای گورامیر ـ آرامگاه امیرتیمور ـ مهمترین آنها بشمارمیرود (۱).

درنمایشگاه آثارهنری ایران که بسال ۱۳۱٤ شمسی درموزه ارمیتاژ لنین گراد تأسیس‌شده بودقطعاتی از کاشیکاریهای معرّق ابنیهٔ دوران امیرتیمور درسمرقند را بمعرض نمایش گذارده درتوضیحات مربوط باین آثارمضامینی از کتابهای ظفرنامهٔ شرف‌الدّین وابن‌عربشاه و کلاویخو سیّاح وسفیراسپانیا در دربارامیرتیمور وامیر ابوطالب و گفته‌های مردم رادربارهٔ مسجد سمرقند و گورامیر نقل وترجمه نموده بودند ازجمله مضامین مزبوراین مطلب نقل‌شده بود کـه «امیرتیمور استادانی از بصره وبغداد آورد که طرح فرشهای مسجدرا مانندآنچه درابنیهٔ فارس و کرمان است ریختند وفرشهائی نظیرآنچه درابنیهٔ ایرانست درست کردند و استادانی از حلب آورد که چراغها وشمعهای مسجدرا بطرزبناهای حلب ترتیب‌دادند ودرهنگام شب چون ماه فروزندگی پیدا میکرد».

پس‌از امیرتیمورچون نوبت سلطنت بفرزندش سلطان شاهرخ رسید مرکز هنری سمرقند به **هرات** انتقال یافت واهمیّت وتوسعهٔ مکتب هرات درقرن نهـم هجری ازلحاظ هنرهای ظریفهٔ متعدّدبحثی جداگانه وبس‌مهمّ است کـه مجال و حوصلهٔ ذکرآن دراین مقدّمه نیست وهمین‌قدر میتوان گفت وجودمکتب بزرگ هنری شیرازدرقرن هشتم‌ونهم هجری که قرآنهای خطّی‌آستانهٔ شاه چراغ مورّخ

---

(۱) بنای معروف گورامیر مورخ بسال ۷۷۳ هجری بوده نام استاد سازنده آن برلوحهٔ کاشی بالای درب ورودی بنابد ینگونه نوشته شده است : **عمل محمود بن محمد البنا اصفهانی** ، ازبناهای دیگرسمرقندکه درقرن هشتم‌هجری بشرح بالا احداث‌گردیده است‌نیز میتوان بقعهٔ موسوم به امیرزاده (مورخ بـه ۷۸۸ هجری) و مقبره‌های ترکان آغاتولگوتکین (۷۷۷ هجری) وشیرین بیك‌آغـا ( ۷۸۷ هجری ) ومسجد شاه زنده رانام برد ـ ضمناً برای اطلاعات بیشتر دربارهٔ مسجد شاه زنده ومزارات سمرقند ممکن است بکتاب قندیه ( بکوشش آقـای ایرج افشار ـ از انتشارات کتابخانهٔ طهوری ـ چـاپ تهران ـ تیر مـاه ۱۳۳٤ ش ) مراجعه نمود.

به ۷۴۵ و۷۴٦ هجری (مذکور درصفحهٔ ٦٤ متن کتاب ) وکاشیکاریهای ابنیهٔ عالی خراسان مذکور درسطورپیشین نمونه‌ها و گواههای پایندهٔ آن بشمارمیرود سهم عمده‌ای را کــه استادان هنرمند شیرازدرمجمع هنری سمرقند ودر دنبالهٔ آن در مکتب هنری وسیع هرات داشته‌اند نمایان میسازد[۱] وبجرئت میتوان گفت که اگر بررسی دقیقی از نزدیك نسبت بابنیهٔ تاریخی قرون هشتم ونهم هجری در سمرقندوهرات خصوصاً کاشیکاری آنها بعمل آید ونسخه‌های خطّی مزیّن به تذهیب ومینیاتور آن زمان که ازمکتب هنری هرات باقیمانده‌است ازلحاظ سهم استادان شیرازی[۲] طرف توجّه واقع گردداطّلاعات بس‌فزونتر از آنچه‌اشاره‌رفت دراین‌باره فراهم خواهد آمـد[۳] وبا درنظرآوردن این امر کــه سلسلهٔ شهریاران مغولی

(۱) شاید اشاره بیك امرتصادفی‌هم دراینجا بمورد باشدکه طبق خبرمندرج درروزنامهٔ اطلاعات (شمارهٔ ۱۱۱۲۷ ــ ۸ تیرماه ۱۳۴۲) درپانزدهمین جلسهٔ شورای‌مرکزی دانشگاههای ایران‌آقای دکتراسمعیل‌بیکی **شیرازی** رئیس‌سابق دانشگاه مشهد مجدداً بریاست آن‌دانشگاه انتخاب شده‌اند .

(۲) قریه‌ای هم درحوالی سمرقند بنام شیرازوجود داشته است (نقل‌از کتاب قندیه چاپ تهران تیرماه ۱۳۳٤ ش) ولی‌طبعاً استادان کاشیکار زبردست شیرازی ازمردم آنجانبوده‌اند چــه استادان هنرمند جزدرشهربزرگ ومرکزهنری نمیتوانستند پرورش‌یافت ودرکتیبه‌های فراوان آثارتاریخی‌همه‌جا استادان‌کاشیکاریاگچبرِیامعمار وامثال‌آن‌نام شهرمنسوب‌بخودراذکرمینموده‌اند نه قریه را وقریهٔ شیرازسمرقند واجد شرائطی نبوده است‌که استادان متعدد کاشیکار را تربیت وبعالم هنر عرضه نماید .

(۳) محقق ونویسندهٔ ارجمندآقای یحیی‌ذکاء ضمن‌برگه (فیش) هائی‌که دربارهٔ استادان وهنرمندان مختلف پیشین‌تنظیم نموده‌اند هفت‌برگه بنام استاد قوام‌الدین شیرازی مرقوم داشته ازراه‌لطف‌وهمکاری‌آنها راباختیاراینجانب‌گذارده‌اند وباملاحظهٔ برگه‌های مزبوراضافه‌براطلاعات مرقوم درسطورگذشته چنین‌برمیآیدکه استادنـامبرده ابنیهٔ متعددی‌هم درهرات‌ساخته بودواغلب عمارات ملکهٔ گوهرشاد درآن شهروهمچنین‌گنبد سبزومصلی‌هرات ( کـه درسال ۱۲٦٤ شمسی بدستور امیرعبدالرحمن خـان ویران‌گردید ) ازکارهای همین استاد بوده است وزمانی‌هم مورد بی‌مهری شاهرخ قرارگرفت و مدت یکسال اجازهٔ حضورخدمت باوداده نشد وچون استادآشنا به علـم نجوم نیز بود تقویمی استخراج کرد وبرای عرضهٔ‌آن باتوسل‌به بزرگان دربار بحضور شاهرخ رسید وسلطان شاهرخ پس‌ازدیدن استاد قوام الدین وتقویم استخراجی وی تبسمی‌کرده این بیت‌را خواند :

تو کار زمین را نکو ساختی		کــه باآسمان نیز پرداختی

استاد قوام‌الدین‌شیرازی درغرهٔ ماه شعبان سال۸۴۲ هجری (وبقولی بسال ۸٤٤هجری) درگذشته است .

هندوستان نیز ازاعقاب امیر تیمور بوده‌اند (**همایون واکبروجهانگیر وشاه‌جهان**ـ که بنای تاج‌محل بفرمان او برای مدفن همسرش وخودش ساخته شد ـ بـه ترتیب خلف هفتم تادهم جهانگشای مزبوربوده‌اند) وارتباطایشان باایران خواه ازجنبهٔ سیاسی وحکومتی وبیش‌ازآن ازنظرآثارهنری وایجاد ابنیهٔ عـالی ومظاهردیگر صنایع ظریفه تاچه پایـه رونق داشته است طبعاً ادامهٔ تأثیرهنراستادان شیرازی درآثـار شهریاران مغولی‌هند (پس‌ازآنچه دربارهٔ آثارهنری سمرقند و هرات و خراسان توضیح داده شد) امرغیرمنتظری نخواهد بود.

برآنچه توضیح داده شداین‌نکته راباید افزود که سرزمین فارس در ادوار مختلف اسلامی وبخصوص هنگامی که ازنعمت‌امنیّت برخوردار بود روابط تجارتی ودادوستدهای گوناگون بانواحی‌حول‌وحوش خلیج‌فارس‌وسواحل عربستان وافریقا وسرزمین هندوستان حتّی کشورهای خاور دور تاجزایر اقیانوسیّه داشت وازاین بابت‌نیزکانون فعّالیّتهای‌نیکوی کشاورزی وبازرگانی بود که‌آثارآن درکشتزارها ورباطهای ویران وجادّه‌های فرعی وآبادیهای مختلف فارس‌نمایان وپایدارمیباشد وطبعاً باتمـرکز وقدرت حکومت دردوران صفوی این قسمت بهتر عملی و ظاهر گردیده است.

دوران صفوی‌بنوبهٔ خوداز ادوار رونق‌وآبادانی سرزمین فارس‌بود وبخصوص توجّه فراوان شاه‌عبّاس کبیر به استفادهٔ شایسته ازحاکمیّت ایران برخلیج فارس وتوسعهٔ بازرگانی‌ایران باکشورهای‌دیگرازراه دریاموجب‌افزایش‌کارهای عمرانی دراستان فارس گردید ودرهمان دوران ابنیهٔ تاریخی متعدّدی نیزبوجود آمد که کاروانسرای‌قیصریّهٔ لارومدرسهٔ خان وقسمتهای مختلف مسجدجامع شیرازوتکمیل وتزئین آستانـهٔ سیّد علاءالدّین واحداث پل خـان (در جلگهٔ مرودشت) از جملهٔ آنها است.

افزایش‌ارتباط فرهنگی‌وهنری ایران وهند بشرحی که گذشت‌باعث بوجود آمدن آثارهنری زیادی ازایرانیان درهندوستان شدوابنیهٔ بس‌معظم وباشکوهی

به سبك وروش معماری ایران یامعماری مشترك ایران وهنددرشبه قارهٔ اخیر احداث گشت ، ازطرفی این ارتباط وسیله شدتابناهائی هم درایران بوجودآید که حاصل مسافرت شخصیّتهای ایرانی بهندوستان وبر گردان چنین ارتباطی بشمار میرفت و تاحدّی که نگارنده اطّلاع دارم دوبنای مشخّص متعلّق باواخرعهد صفویّه درایران را میتوان درزمرهٔ اینگونه ابنیه دانست یکی **مسجد حکیم** دراصفهان ودیگری **مسجد جامع داراب** ، مسجدحکیم اصفهان ازطرف **حکیم داود** پزشك مخصوص شاه صفی وشاه عبّاس دوم ساخته شد ، توضیح آنکه پزشك مزبورموردبیمهری دربار صفوی واقع گردید وازبیم جان خودبه هندوستان رفت و درآنجا مانند بسیاری ایرانیان دیگری که درآنزمان جهت زندگانی بهتروفعّالیّتهای مثبت بیشتررو بهند میآوردند(۱) ازمال ومنصب بهرهٔ وافی یافت وملقّب به **تقرّب خان** گردیدوبدفعات سهمی از دارائی خویشرا نزدکسانش باصفهان فرستاد ومسجد حکیم بنام وی در محلّ مسجد قدیمتر عهد دیلمیان که ویران شده محوطّهٔ آن بصورت گورستان درآمده بودساخته وپرداخته شد وتاریخ مسجدمزبور در کتیبه‌های متعدّدآن بخطّ **محمّد رضای امامی** سالهای ۱۰۶۷ تا۱۰۷۳ هـ. ق ذکر گردیده است (۲).

سبك ساختمان مسجدحکیم مانند مساجد عهدصفویّه بوده اثری ازکارهای اختصاصی معماری ایرانیان در هند درآن دیده نمیشودچه مباشرین واستادان کار همگی در اصفهان بودند وفقط هزینهٔ بنای مسجد از طرف حکیم داود باصفهان فرستاده میشده است .

درمسجد جامع داراب برعکس این ترتیب مشاهده میگردد بدینمعنی که

(۱) دربارهٔ رفتن ایرانیان به هندوستان درعهدصفویه وهدفهای ایشان ازجهت فعالیتهای بازرگانی وغیره طبعاً نمیتوان دراین موردبه توضیح وتفصیل پرداخت خوانندگان ارجمندی که علاقه‌مند به اطلاعات بیشتر دراین زمینه باشند ممکن است به مقالهٔ ممتع آقای محمد اسمعیل رضوانی تحت‌عنوان **قدیمترین ذکردموکراسی درنوشته‌های‌فارسی** درمجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ خرداد ۱۳۴۱ مراجعه فرمایند .

(۲) برای اطلاع بیشتردربارهٔ مسجدحکیم اصفهان ممکن‌است بکتاب آثارایران ـ نشریهٔ ادارهٔ کل باستانشناسی ـ جزء اول ازجلددوم چاپ تهران ۱۳۱۸ شمسی (متن‌فارسی) وچاپ‌هارلم ۱۹۳۷ میلادی (متن فرانسه) مراجعه نمود .

سبك معماری مشترك ایران وهند بخوبی‌در آن پدیداراست [۱] وباملاحظه وامعان نظردربارهٔ این بنای‌قابل‌توجّه بخوبی‌میتوان یکی‌از آثار ارتباط بسیار نزدیك مادّی ومعنوی ایران وهند را درروزگار پیشین دریافت وچنین ارتباطی منحصر بزمان ساختمان مسجدجامع داراب یعنی‌قرن یازدهم‌هجری‌نبودبلکه‌ازهزاران سال‌پیش بین‌مردم مرزوبوم‌ایران وشبه‌قارّهٔ هندوپاکستان وجود داشته طیّ‌قرون اخیرنیز ادامه یافته است وعوامل پایندگی اینگونه ارتباطهای ثمربخش همواره باقی و جاودانی است .

درعهد زندیّه‌یکبارديگرپایتخت کشور کهنسال ایران‌دراستان تاریخی‌فارس استقرارمییابد وشهریارعادل کریمخان زند (۱۱۶۳ تا ۱۱۹۳ هجری) شهرشیراز را برای مقرّپادشاهی خویش برمی‌گزیند وبناهـای متعدّدی ازخود در آنجاباقی میگذاردکـه باوجود انهدام بیمورد وتأسّف آور تعدادی ازآنهـا هنوز هم شهر زیبـا وروح افزای شیراز کانون اصلی ومهمّ هنر ومعماری شیوای عهـد زندیّه بشمار میرود .

بمورد میداند اشارهٔ اجمالی باین‌نکته هم بنماید که معماری عهدزندیّه در حقیقت همان معماری‌عهدصفویّه بصورتی‌ساده وبی‌پیرایه ومختصرتراست وبه‌شرحی که درتلو صفحات کتاب ضمن‌توضیح ابنیهٔ کریمخانی شیرازمذکورمی‌افتد مسجد وبازاروحمّام وکیل‌دنبالهٔ‌سبك‌ساختمان همین‌گونه ابنیه‌ازعهد صفوی‌بشمارمیرود

عامل مشخّصی که درمعماری عهدزندیّه درابنیهٔ سلطنتی بچشم میخوردایوان دوستونی بسیار زیبا ومتناسب است کـه نمونه‌ای ازآن دربنای قدیمی پستخـانهٔ شیرازازآثارباقی‌ماندهٔدوران کریمخان‌پدیدارمانده‌است وبرای‌نوع کامل‌وعالی آن میتوان بنای تخت مرمر طهرانرا ذکر نمود که اساس‌آن بفرمان کریمخان زند ریخته‌شد وآنچه‌ازمصالح قابل‌توجّه که‌حمل‌آن‌ازشیراز بتهران میسّر بود بفرمان

---

(۱) بقسمت ضمیمهٔ کتاب صفحات ۴۹۳ تـا ۴۹۶ و تصاویر مربوط بهمان صفحـات مراجعه شود .

آقا محمّدخان قاجاردربنای مزبورمورد استفاده قرار گرفت [1] .

بامختصر توجّه بـه بعضی‌از ابنیهٔ سلطنتی صفویّه درمازندران وازجمله کاخ شاه عبّاس‌اوّل‌درساری [2] وکاخ‌چهلستون اصفهان مخصوصاً ایوان‌بزرگ دوستونی کاخ اخیرالذّکر که مدخل‌اصلی تالاربزرگ آنرا تشکیل میدهد بخوبی میتوان دریافت که شیوهٔ بسیارزیبای ایوان دوستونی‌عهدزندیّه نیزپیروی‌اینگونه ایوانها ازعهد صفویّه بشمار میرود که بوضعی بس‌متناسب وبه تعدادزیاد در دوران زندیّه وپس‌ازآن درعهدقاجاریّه احداث گردیده تقریباً بصورت معماری مشخّصی‌ازشهر شیرازویادگاری ازشهریارزند درآمده است [3] ودرابنیهٔ متعدّد سلطنتی طهران وحسینیّه‌ها وکاخها وباغها وحتّی‌خانه های متوسّط ومعمولی شیراز کـه دردوران قاجاریّه ساخته شده‌است ازاینگونه ایوانهـای دوستونی‌بطورفراوان دیده میشود که‌هنوزهم بسیاری ازآنهابرپا وموجود میباشد .

نفوذ معماری دوران زندیّه درابنیهٔ سلطنتی‌طهران منحصر باستفاده ازآنچه برای‌ساختمان‌تخت‌مرمرازشیرازآورده‌اند یااحداث‌ایوانهای‌دوستونی‌سابق‌الذّکر نیست‌بلکه آقامحمّدخان‌قاجارعلاوه براستفاده‌ازمتعلّقات ساختمانی‌عمارات وکیل دربنای تخت مرمرطهران بسیاری ازهنرمندان شیرازی را که استادان زبردست

(۱) دانشمند ومحقق گرامی آقای یحیی‌ذکاء طی مقالاتی کـه دربارهٔ بنای تـاریخی تخت مرمردرمجلهٔ هنرومردم (شمارهٔ ٤ بهمن‌ماه ۱۳٤۱ وشمارهٔ ٥- اردیبهشت ۱۳٤۲ و شمارهٔ ٦ خرداد ۱۳٤۲ ) نگاشته‌اند باستناد دلایل‌متقن ونوشته‌های تاریخ گیتی‌گشا ( مربوط بکریمخان زند) بخوبی‌معلوم داشته‌اندکه طرح واساس‌اولیهٔ بنای تخت مرمربدستور ونظرکریمخان زنـد ریخته شده بعداً آقامحمدخان قاجاروپس‌از اوشاهان دیگرسلسلهٔ مزبورآنرا تغییرداده الحاقات وتزئیناتی درآن بکاربسته‌اند .

(۲) تصویرقدیمی‌این‌کاخ‌در کتاب‌باغهاو کوشکهای‌ایران (Persian Gardens and Garden Pavilions ) تألیف آقای دونالد ویلبرچاپ توکیو -۱۹٦۲ (بزبان انگلیسی) ص ۱۲٤/٥ مندرج است وبا ملاحظهٔ‌آن بخوبی شباهت کاخ مزبور به بنای تخت مرمر طهران ازهرجهت آشکار وپدیدار میباشد .

(۳) ایوان نادری در قزوین نقشه‌ای تقریبـاً نظیر نقشهٔ تالار اشرف اصفهان داشت و در قسمت جلوبردوستون بلندچوبی مستحکم ویك‌پارچه وقطور استواربودکـه براثرسوانح روزگار روبویرانی رفت ودرحوادث جنگ دوم جهانی ستونهای چوبی عظیم ونفیس مزبوررا بریده قطعه قطعه کردند ودرسالهای‌بعد بقایای بنانیزمنهدم گشته محل‌آن ضمیمهٔ فضای دبیرستان نوسازشد .

کاشی پزی و نقّاشی وحجّاری و گچبری و آیینه کاری و امثال آن بودند نیز بطهران آوردونام اینگونه استادان شیرازی درابنیهٔ متعدّد دوران قاجاریّه درطهران اعمّ ازمساجد وبقاع متبرّک وکاخهای سلطنتی وعمارات بزرگان بازمان ناصرالدّینشاه (۱۲٦٤ تا ۱۳۱۳ ه. ق) که طبق سنّت نیکوی قدیمی بااشاره بعمل‌خود نامشانرا درمحلّ‌مناسبی بر کاشی یانقّاشی یااثر دیگر هنری نوشته‌اند بطور متعدّد دیده میشود وبهره مندی وافرطهران را ازمکتب هنری شیراز بهتر نمایان میسازد.

ضمناً دردورهٔ شاهان مختلف قاجاریّه همّت برخی بزرگان و بانیان نیکوکار فارس درراه تعمیرواحیای بقاع متبرّك وساختمان یاتکمیل و تزئین مساجدزیبا وحسینیّه‌ها وآبادانی یااحداث باغهاو کوشکها درشیرازنموداراداهٔ پرتوافکنی روح هنردوست مردم آن سامان است که با وجود کم و کاستی عوامل مهمّ اینگونه تجلّیات خواسته‌اند شهرشیرازمانند گذشته آنچه را درخورلطف وصفای معنوی وظاهری آن وشایستهٔ مردم نیکونهاد فارس‌است دربرداشته باشد.

وجودکلیساها ودایر بودن آنها ازدیرزمان درشهرشیراز وخارج آن وبندر بوشهر گواه دیگری ازآزادگی وآزادمنشی روح مردم فارس محسوب میگردد که پدیدآوردن آثار برجسته وشاهکارهای هنری درطی قرون و اعصارنیزفراخور چنین‌روحیّهٔ آزادوبلند نظری معنوی تواندبود.

بموردمیداند اشاره باین نکته نماید که دردوران قاجاریّه هنررنگ‌آمیزی کاشیهای خشتی‌معروف به هفت رنگ بوسیلهٔ استادان باذوق و زبردست شیرازی بزیبائی و دلپسندی هرچه تمامتر جلوه گرشده بودچنانکه نمونه‌های عالی آن کاشیکاریهای‌پیشانی بالای‌ایوان‌بزرگ‌حسینیّهٔ‌مشیر (۱) ومسجدنصیرالملك (۲) وبالای ایوان‌باغ‌ارم‌وامثال‌آنست‌وهنوزهم‌این‌هنرعالی‌بوضعی‌مخصوص‌ومنحصر بفردبوسیلهٔ استادان شیرازی انجام پذیرهست چنانکه تصاویرشاهان قدیم وصحنه‌های زیبائی که باکاشیهای هفت رنگ برفرازبسیاری ازساختمانهای ادواراخیردرشیرازدیده میشود گواه پایداروزنده بودن این‌هنرشیوا وظریف است‌ونمونهٔ بسیارعالی‌متأخّر

(۱) مذکور درصفحهٔ ۷۳ متن کتاب . (۲) ایضاً مذکوردرصفحهٔ ۷۳ متن کتاب

آن نیزدر کاشیکاریهای بدنه‌های ایوان آرامگاه سعدی بچشم میخورد .

همین‌نکته دربارهٔ نقّاشیهای خوش طرح وزیبائی که برسقفهای تیروتختهٔ منظّم‌بعضی‌ابنیهٔ قدیمی‌شیرازانجام یافته ونمونه‌های آن‌دراطاقهای شمالی‌وجنوبی عمارت معروف‌به اندرونی‌قوام‌الملك[1] موجوداست‌نیزصدق مینماید ــ بطوریکه ازنقّاشیها وتصاویر بعضی کاخهای سلطنتی طهران در دوران ناصرالدّینشاه قاجار برمیآید این‌هنرظریف واین‌گونه نقش‌ونگارسقف‌هم (که اهل‌فنّ آنرا مرجوك ـ بروزن‌مردمك‌ـمینامند) مانندهنرهای‌ظریف دیگر بوسیلهٔ‌استادان‌شیرازی‌درابنیهٔ سلطنتی‌وساختمانهای مهمّ دیگرطهران‌متداول وموردِاستفاده واقع‌گشته‌بوده‌است.

جاداردبرای حفظ این‌هنرهای ارزنده که مخصوص ومنحصر به خاك‌شیراز جنّت طرازواستادان نازك اندیشه‌وظرافتکارشیرازی است بهرراه وهروسیله میسّر باشد کوشش‌ثمر بخش‌بعمل‌آید وچنین‌رنگ‌آمیزی‌ولعاب وکاشی‌سازی ونگارگری مخصوص شیرازوشیرازی برقراروباقی‌بماند وخدای ناکرده روزگاری مجال‌دریغ فراموش‌ماندن رموزفنّی این‌هنرهای‌ظریف مورد نیابد .

## نیم نگاهی بآینده

باتوجّه بآنچه گذشت میتوان پنداشت که یادگارهای باستانی گرانمایهٔ سرزمین‌فارس‌درتلو کتاب حاضر ـ باهمهٔ نقص‌ونارسائی‌آن ـ به خوانندگان ارجمند معرّفی‌خواهد گردید ودربارهٔهریك‌ازاین‌صفحات گویای‌تاریخ‌وگواههای‌جاودانی فرهنگ وهنر گذشتهٔ ایران زمین مطالبی که فراهم آمده است معروض خواهد افتاد ولی ناگفته نتوان گذاشت که **لازمهٔ دارا بودن چنین شاهکاری تاریخی و فرهنگی انجام وظایف وتکالیف درخورِآنها است .**

مردمی که درطول هزاران سال نمودارهای ذوق‌سرشار و نیروی معنوی خداداد خودرا برسفال وسنگ واستخوان ومفرغ وزروسیم وآهن ومس وکاشی و شیشه وپارچه وکاغذ و هرچیز دیگر که آنرا برای تجلّی هنرنیکو یافته‌اند پدیدآورده‌آثاری‌چون‌پاسارگاد وتخت جمشید ونقش‌رستم وفیروزآباد وبیشاپور وسروستان وآتشکده‌های‌معظم جره و کُنارسیاه‌وبسیاری دیگرنظائرآنها ومساجد

(۱) مذکوردرصفحهٔ ۷۲متن کتاب .

جامع نیریز وجامع عتیق شیراز و جامع سلطانی و کیل ومساجد متعدّد بزرگ دیگروزیارتگاههائی چون آستانهٔ شاه چراغ و سیّد میرمحمّد وسیّد علاءِ الدّین وشاه میرحمزه وسایر اماکن متبرّك وکاخها وپلها وکاروانسراهـا و غیره ایجـاد نموده‌اندودر کوهستان‌ودشت وهامون‌سراسراقلیم پارس یادگارهای‌فراموش‌نشدنی از فـراز و نشیب زندگانی وهنر وتاریخ ایشان هویدا است همراه میرائهـای چند هزارساله‌یاچند صدسالهٔ‌خویش‌وظیفهٔ مقدّس پاسداری و نگهبانی‌ونیکو داشت این‌مفاخررا نیزجهت‌فرزندان‌خود وآیندگان نهاده‌اند وهرایرانی‌پاك سرشت در اجرای چنین خدمتی از جان ودل کوشا بوده وخواهد بود .

نگارندهٔ این‌سطوردرمجلّد سوم گزارشهای‌باستان شناسی[1] ـفصل‌پانزدهم ـ زیرعنوان **تلاش درراه خدمت به‌آثار ملی وامیدبه‌آینده** شمّه‌ای‌ازآنچه دربارهٔ آثارتاریخی‌مختلف‌ایران موردآرزو وانتظارهرفردعلاقه‌مندی‌بنظرمیرسیده است مذکور داشته‌ام و اینك از خوانندگـان ارجمند اجـازه می خواهم برخی از نظریّات‌مربوط به یادگارها ومفاخرباستانی‌سرزمین‌عزیزپارس‌راکه‌طیّ فصل‌مزبور نوشته‌شده‌است‌دراینمورد نقل‌نمایم :

«امید وآرزوی‌کارکنان باستان شناسی‌اینست که درتکمیل‌خدمات فراوانی که‌درراه حفظ‌آثار تخت جمشید وپازارگاد[2] بعمل‌آمده است .... روزی فرارسد که تمام‌آثار پازارگاد وتخت‌جمشید ازآسیب‌آفتاب وباران وبادوبوته‌های‌خودرو وجنگلیِ شکاف سنگهاوعوامل دیگرمحفوظ بماند وسایبانهای کنونی که باوسائل

(۱) نشریهٔ ادارهٔ کل باستان‌شناسی چاپ طهران ۱۳۳٤ ش.

(۲) جناب آقای دکتر رضا زاده شفق دربارهٔ نام پازارگاد نظری‌اظهار وآنرابدرخواست نگارندهٔ کتاب‌مرقوم‌فرموده‌اند که‌باتقدیم‌سپاسگزاری‌عیناًدراینجانقل میگردد :«سالهای‌پیش‌به نظر من رسید که دورنیست کلمهٔ «پازارگادا» دراصل «پارسه‌گده» بوده باشد که مشعر سرزمین ونژاد پارس‌است این نظررا بمورخ امریکائی المستد (Olmstead) کـه بایران آمده بود اظهار نمودم او یادداشت کرد وبعد درمطالعاتی کـه در امریکا بجا آوردمتوجه شد که مورخ یونانی‌قرن اول میلادی کورتیوس روفوس (Curtius Rufus) هم برخلاف دیگران «پارسه‌گده» ضبط‌کرده (تاریخ شاهنشاهی ایران ـ چاپ شیکاگو ۱۹٤۸ ص ٦۰)»

ذکراین‌مطلب نیزمناسبت دارد که‌پیدایش‌لوح‌نبشتهٔ سنگی‌بنام‌خشایارشاو گنجینهٔ نفائس زر دوران هخامنشی ضمن کاوشهای پائیزسال ۱۳٤۲ هیئت علمی انگلیسی (مذکور درصفحهٔ ٤۰۷) درپاسارگاد میرساند که محل مزبور برخلاف نظربعضی دانشمندان پس‌ازکورش کبیرهم ازمراکز مهم شاهنشاهی هخامنشی بوده است .

وامکانات موجود ساخته شده است به سایبانهای معظم با پایه های آهنی ظریف و بلند تبدیل گردد و بر بالای پایه‌های سنگی و آستانه ها وپنجره‌ها وستونها عایق و حفاظی از ورقهٔ سرب برروی سنگ الصاق شود یاسایبان مناسب احداث گردد و اجمالاً معلوم باشد که‌هر قطعه سنگ وهرخرده ریز حجّاری بصورت عزیزو نفیس نگهداری میشود والبتّه لازمهٔ توفیق در اینگونه خدمات علاوه بروسائل مادّی محتاجِ دانشِ بیشترهم‌میهنان است که ازخرد وبزرگ درحفظ آثار مزبور کوشا باشند وباکارکنان وخدمتگزاران آثار تاریخی همکاری ومعاضدت نمایند ، ترتیبِ الواح چند حاوی توضیحات واشعار وعبارات مناسب که اطّلاعات مربوط به‌آثار معظم تخت جمشید را توأم بااحساسات ملّی بیان نماید در محلهای مختلف آنجا نیز ازجملهٔ همین هدفها بوده امّید میرود زودتر عملی گردد ـ آغشتن قشری از موادّ پلاستیکی‌شبیه شیشه برروی نقوش برجستهٔ تخت جمشید وسایر نقوش‌تاریخی یکی ازاقدامات جاری و معمول آینده بمنظورحفظ آنها از بسیاری از آسیبها خواهد بود ودور نیست که درنتیجهٔ آزمایشهای‌جدید راه‌حلّهای عملی بهتری برای محکم‌ساختن‌واستقامت بیشتر اینگونه‌نقوش‌درمقابل بادوباران‌وآفتاب‌وسایرعوامل طبیعی بدست‌آید ونیازی به احداث سایبان واقداماتی‌نظیر آن درپیش‌نباشد»(۱)

موضوع حفظ نقوش برجستهٔ سنگی باستانی ایران و ازجملهٔ آنها آثار تخت‌جمشید و بخصوص نقوش بی‌بدل پلّکانهای شرقی کاخ‌آپادانا وپلّکانهای شمالی کاخ مرکزی (سه دروازه) از آغاز خاکبرداری و پدیدار شدن آنها در دوران اعلیحضرت شاهنشاه فقید رضاشاه کبیرمورد بررسیهای فراوان قرار داشته ودارد وسایبانهای موجود برروی پلّکانهای شرقی‌کاخ آپادانا در سالهای ۱۳۲۳ و ۱۳۲۴ وبر روی پلّکانهای‌کاخ مرکزی درسال۱۳۲۹ بصورت راه‌حلّ موقتی‌احداث گردید تا هر موقع طرح بهتر و موجبات انجام کاری شایسته تر از آن فراهم آید آنرا جایگزین سایبانهای کنونی نمایند ، ازطرف‌ادارهٔ کلّ باستان شناسی‌وسایرمقامات ذیصلاحیّت وعلاقه‌مند تلاشها و کوششهای مختلف دراین‌باره مداومت داشته‌ودارد

(۱) مجلد سوم گزارشهای باستان‌شناسی‌ـ چاپ‌تهران ۱۳۳۴ ـ صفحات ۹ـ۴۵۸ .

چنانکه در سالهای اخیر براثر همین گونه اقدامات دوبار کارشناسان یونسکو با
ایران اعزام‌شدند و آثار تخت جمشید و نقش رستم و بیستون‌را بازدید و گزارشهائی
تهیّه‌و تسلیم‌مقامات‌مربوط کرده‌اندو ادارهٔ محافظت‌و آزمایشگاه‌موزهٔ ایران باستان
نیز گزارشهای جامع که حاکی از بررسیهای چندین ساله است تنظیم و
به مقامات ذیصلاحیّت تسلیم داشته‌اند که امیدوار است همهٔ این کوششها نتیجهٔ
رضایت‌بخش ببار آورد. ضمناً نگارندهٔ کتاب هم‌درمسافرت کوتاه و توقّف چندروزهٔ
خود درایتالیا (۱۵تا۱۹ مهرماه ۱۳۴۲) به مؤسسهٔ مرکزی تعمیرات آثار تاریخی
ایتالیا در رم [ Instituto Centrale del Restauro ] مراجعه وچگونگی
اقدامات مربوط به حفظ نقوش برجستهٔ باستانی کشور ایتالیا را استفسار نمودم
ومعلوم شد مقامات ایتالیائی نیز که درراه حفظ آثارسنگی باستانی‌فراوان کشور
خودطیّ سالیان دراز کوشش‌بسیارنموده ومی‌نمایند هنوزدراین‌باره‌به نتیجهٔ‌قطعی
نرسیده‌اند و در حال حاضر بهترین ترکیب ازمیان موادّ مختلف و آزمایشهای
گوناگون برای آغشتن برروی سنگهای مزبور مادّهٔ ترکیبی بنام Vernice
Consolidante 17,43, Relativo Diluente) شناخته‌شده است که بفراخور
سختی‌وسستی‌نوع سنگ مقدارمادّهٔ مایع آنرازیادتریا کمتر کرده مادّهٔ ترکیبی‌را
بدرجات مختلف رقیق‌تریاخفیف‌تر آماده مینمایند وبازاءِ دقّت‌بیشتر آن برتعداد
دفعاتی که روی سنگ میزنند میافزایند واین‌عمل بی‌شباهت بآنچه درسالهای
گذشته که موم وتربانتین برروی نقوش‌برجستهٔ هخامنشی درتخت جمشید وموزهٔ
ایران باستان‌میزدند نیست‌واکنون‌مادّهٔ‌ترکیبی‌سابق الذّکر نتیجهٔ‌بهتر بخشیده‌است
وطبعاً باید انتظارنتایج بهتروکاملتررا ازآزمایشهای آینده داشت.

طیّ همان فصل‌به خاکبرداری وکاوشهای اساسی وصحیح در **نقش رستم**
اشاره واظهارامیدواری‌شده است که «وضع محوّطه وابنیهٔ مدفون این عبادتگاه
معظم‌درزمان‌قدیم روشن گردد وبتوان حقّ‌علمی و تاریخی آنرا ادانمود» ودردنبال
آن نسبت‌به **محل تاریخی بسیارمهم فیروزآباد** چنین‌مرقوم رفته است:

«آثارتاریخی فیروزآبادرا میتوان بجرئت همردیف آثارتخت جمشیددانست

با این اختلاف که یادگار اردشیر بابکان است ـ خاکبرداری کاخهای اردشیر و مرمّت دیوارها و تجدید قسمتهای فروریختهٔ گنبدهای عظیم‌سنگی و پر کردن حفره‌های زیر دیوارها و نظافت محوّطهٔ درون کاخها و آتشکدهٔ عظیم آنجا و تعمیر پایهٔ چهارضلعی معظم سنگی که آتش مقدّس در روزگار آبادانی برفراز آن درون آتشدان پرتو افکن بوده است (۱) و گماردن نگهبان و راهنما و تهیّه و نصب الواحی که تاریخچهٔ ابنیهٔ مختلف این محلّ مهمّ باستانی در آنها ذکرشده باشد از کارهای بدیهی وضروری است که بایددر آثار فیروزآباد صورت گیرد (۲) ... »

طیّ سطور وصفحات بعدی همان نشریّه دربارهٔ سایرخدمات مربوط بآثار تاریخی فیروزآباد ودرهمین زمینه آنچه مناسب بنظررسیده است راجع به آثار معظم **سروستان** و آثارتاریخی **برم دلك** و**قصر ابونصر** وویرانه‌های شهر **بیشاپور** و نقوش **تنگ چوگان** وسایر یادگارهای باستانی فارس اظهار امیدواریها و بیش بینی‌ها و قلمفرسائیهائی شده است که طبعاً انتظار میرود در آیندهٔ نزدیك یا دور بفراخور کارهای مثبت وخدمات ثمر بخش دیگر وضع حاضر کشور جامهٔ عمل بپوشد وفرزندان ارجمند ایران شاهد و ناظر بهبود روزافزون وضع چنین آثار ویادگارهای نیاکان خویش باشند ، دوستداران وعلاقه‌مندان باین مبحث نیزممکن است به فصل مذکور درنشریّهٔ نامبرده مراجعه فرمایند .

یقین دارد که آثار تخت جمشید وفیروزآباد و نظائر آنها نه تنها از نظر صیانت بقایای ابنیه و نقوش برجسته و قسمتهای گرانقدر موجود آنها مورد سرپرستی و دلسوزی های بیشتر واقدامات فنّی اساسی گوناگون واقع خواهد گردید بلکه **نمونه‌های کوچك** (ماکت) روزگار آبادانی چنین آثار وحتّی **تجدید ساختمان قسمتهائی از آنها به مقیاس اصلی وطبیعی** در محلّهای مناسب نزدیك هر کدام صورت پذیر خواهد گشت و بدین ترتیب حسّ کنجکاوی بازدید کنندگان

(۱) درسال ۱۳۳۹ شمسی پی‌بندی وتعمیر بنای فوق‌الذکر وبرخی تعمیرات بسیارضروری کاخ اردشیر درفیروزآباد بهزینهٔ انجمن آثارملی صورت گرفت وامید میرود بقیهٔ خدمات بسیار مهم ودامنه دار دراین آثارباستانی عظیم‌هم دیریازود عملی گردد .

(۲) مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی ـ چاپ طهران ۱۳۳٤ ـ صفحهٔ ٤٦۰ .

روزافزون ایرانی‌وغیر ایرانی وعلاقه‌مندان فراوان‌اینگونه‌یادگاریهای شگرف باستانی تاحدّی آرامش خواهد یافت .

آتشکده‌های متعدّد که درقسمتهای مختلف سرزمین فارس بصورت نیمه‌آباد یانیمه ویران هنوزبرپامانـده هرکدام برگی‌ازتاریخ وگواهی بریکتاپرستی و ایمان بخدا وتوجّه به دینداری ومعنویّت مردم‌این‌مرزو بوم است برا ثرپی‌بندیهای صحیح و تعمیرات مناسب استوارتر خواهد مانـد وچه بساضمن کارهـای عمرانی گوناگون ازقبیل احداث راههـای تازه واصلاح راههای موجود وانجـام خدمات صنعتی‌وکشاورزی وبازرگانی‌وایجادتأسیسات بندری‌وکارخانه‌ها ودیگرفعّالیّتهای مناسب‌این‌عصرفرخنده(که دراستان‌فارس‌دردست عمل‌واقدام‌است) توجّه‌بیشتری‌هم ازطرف مدیران ومتصدّیان‌لایق‌وعلاقمند به‌یادگارهای گذشته نسبت‌به نیکوداشت این آثار بعمل آید وپـاس حرمت آنها وتاحدّ امکان اقدامات ضروری وشایسته برای نگهداری وتعمیروآبرومندی چنین اسنادگویای تاریخی انجام گیرد .

آبادانی ورونق مساجد تاریخی وزیارتگاههـای معظم فارس‌همانطور که در مورد گنبد آستانهٔ متبرّك شاهچراغ بفرمان مبارك اعلیحضرت همایون شاهنشاهی صورت‌پذیرگردید ومشهود عامّ وخاصّ افتادازگامهای دیگری خواهد بود که در آینده دربارهٔ ابنیهٔ مذهبی‌وتاریخی دورانهای اسلامی موجود درفارس دردست‌عمل قرارخواهدگرفت(۱) ووضع این‌ابنیهٔ مقدّس که روشنی‌بخش‌دیدگان وپرتوافکن دلهای هزاران هزارمردم بااخلاص ونیازمند است بدانگونه که شایستهٔ حرمت و مقام معنوی آنها است درخواهد آمد . **به‌انتظار وآرزوی چنان روزی‌که این خواسته‌هابرای هرگونه اثرمذهبی وملی‌وباستانی‌ادوار مختلف تاریخی‌ایران بمرحلهٔ عمل درآید بحث دراین باره را پایان میبخشد .**

---

(۱) دربارهٔروشنائی گنبدها ومناره‌ها وایوانها ومحرابها ومحوطه‌های داخل‌وخارج‌مساجد وزیارتگاهها و آستانه‌هـای متبرك ایران درپرتو نورافکنها وترتیب روشنائیهای غیرمستقیم در اینگونه ابنیه نگارندهٔ کتاب در همان فصل پانزدهم مجلد سوم گزارشهای باستانشناسی (چاپ طهران ـ ۱۳۳٤) تلوصفحات ٤۷۲ و ٤۷۳ مطالبی راکه مناسب دیده‌ام مذکور داشته‌ام واز آستانه‌های متبرك شاه جراغ وسید میرمحمد وسید علاء الدین (ع) شیرازنیزنام برده شده است وعلاقه مندان بچنین‌مطالبی ممکن‌است به نشریهٔ مزبورمراجعه فرمایند .

**ازخوانندگان گرامی استدعای توجه به چندنکتهٔ زیرمیرود :**

۱ـ درآغازچاپ کتاب مطالبی که ضمن سالهای متمادی دربارهٔ آثارتاریخی فارس فراهم داشته بود تدوین و بچاپخانه سپرده شد ، درطول مدّتی که مطالب مزبور بچاپ رسیده تصاویر آن هم آماده میگشت اطّلاعات و کشفیّات دیگری موجب آمد که قسمتی بنام **ذیل** باتصاویر مربوط آن برمطالب اوّلیّه افزوده گردد وچون این امرهم بعلل مختلف بدرازا انجامید ومجدّداً همین وضع پیش آمدنمود قسمت سوّم را تحت عنوان **ضمیمه** باتصاویر راجع بآن دردنبالهٔ ذیل قرارداد وطبعاً این امرمورد ایرادبسیاری صاحب نظران بوده وخواهد بودولی ازآنجا که تدوین کتابی حاوی اطّلاعات کافی وحتّی بطوراجمال دربارهٔ آثار تاریخی سرزمینی مانند فارس امر دشوارو بسیارطولانی است نگارنده روانداستم ازنتایج تحقیقات واطّلاعات تازه آنچه که مناسب است درکتاب حاضرمذکورنیفتد وخواستم کاری راکه پس ازسالیان درازآرزومندی بمرحلهٔ عمل میدیدم حتّی الامکان کمترناقص گذارم ، اگردراین موردامری خلاف ترتیب اینگونه تألیفات بنظرصاحبان اندیشه ونازك بینان برسد باتقاضای توجّه بهدف اصلی که ازتدوین کتاب درپیش بوده است امّیدپوزش دارم وهمانند بسیاری ایرادهای دیگر که طبعاً براین کتاب واردهست درنشرات بعدی نظیرآن مرتفع خواهدگردید .

بادرنظرگرفتن این ترتیب اگردربارهٔ محلّی یاراجع بمطلبی که موردعلاقهٔ خوانندهٔ ارجمند است درقسمت اصلی کتاب اطّلاعی ذکرنشده باشد احتمال آن هست که درقسمت ذیل یاقسمت ضمیمه مذکورافتاده باشد و بهرصورت دراینگونه موارد علاوه برمراجعه به فهرست مطالب که درآغاز کتاب قراردارد مراجعه به فهرست اعلام یا فهرست اماکن درپایان کتاب نیزمفید بنظرمیرسد واجمالاً ذکر این نکته راشایسته میداند که باوجودهمهٔ کاوشها ومجاهدتهای ممکن درجمع آوری اطّلاعات مربوط باماکن باستانی فارس ومعرّفی آثار تاریخی این استان معظم ومهمّ یقین دارد برای پویندگان راه تحقیق دربارهٔ اینگونه اماکن وآثار ، کتاب حاضرمرحلهٔ بدوی وگام نخستین چنین خدمتی است ودشتها ودرّه‌ها وکوهسارهای سراسرمرزوبوم فارس چه بسیاربقایای ابنیه ویادگارهای تمدّنهای قدیمی را بیرون

ازخاك یانهفته دردل‌دارد که نامی‌واطّلاعی از آنها مذکورنگردیده بانتظار تجسّسها وکاوشهای آیندهٔ فرزندان ایران ازنظروخاطرپیشینیان پوشیده مانده است .

۲ـ چون اطّلاعات بعدی مذکوردرقسمت ذیل یاضمیمهٔ کتاب درچند مورد باآنچه‌دربادی‌امرودرقسمت‌اوّل کتاب‌ذکر گردیده‌است‌کاملاً مطابقت‌نمی‌نماید(۱) طبعاً علّت‌آنرا بایدهمان کاوشها وتحقیقاتی‌دانست که پس‌ازچاپ قسمت اوّل کتاب بدست‌آمده است ودربارهٔ این گونه مطالب که البتّه صورت استثنائی دارد درمحلّ خود توضیح بیشترمعروض‌افتاده‌است .

۳ـ عکسهای مندرج‌ازبنای‌آستانهٔ حضرت شاهچراغ (که‌درصفحهٔ۲٤۸دیده میشود) پیش‌ازتجدید گنبدآن برداشته شده‌است ـ براثرشکست وخطرروزافزون گنبد ازچندسال‌پیش‌به همّت وهزینهٔ مردم نیکوکارفارس‌خصوصاً اهل‌شیراز گنبد سابق‌برچیده شدو گنبدی‌تازه باپایه‌ها و کلافهای بتون‌مسلّح وآهن‌بطرزی اساسی استوار گردید وکاربسیاردشوار برچیدن گنبد پیشین‌وتجدید ساختمان‌آن بوضع کنونی زیرنظرهیئتی ازشخصیّتهای مطّلع وعلاقـه مند وباصلاحیّت شیراز صورت پذیرفت(۲) وپس‌ازخاتمهٔ بنای‌گنبدتازه ساز بفرمان‌اعلیحضرت همایون‌شاهنشاهی کاشیکاری آن ازطرف‌آستانهٔ متبرّك حضرت رضا (ع) بوسیلهٔ هنرهای زیبای کشور طبق طرحی که آقای عیسی‌بهادری رئیس‌لایق وهنرمند هنرستان هنرهای‌زیبای اصفهان تهیّه کرده‌اند بوضعی‌بسیارشیوا وظریف وعالی‌انجام گرفته است .

٤ـ بعضی ازهمکاران وعناصر محترمی که ازنوشته‌ها وتحقیقاتشان استفاده ونام شریفشان درتلو صفحات‌کتاب ذکر شده است درخلال مدت چاپ‌کتاب تغییروضع یاتبـدیل عنوان وسمت یافته‌اند بنابراین اگراز این‌بابت مطلبی‌نادرست بنظررسید البته علت‌آن طولانی‌شدن مدت‌چاپ وتصاویر ولزوم فرصت‌برای تکمیل مطالب بوده تقصیر دیگری متوجه نگارندهٔ‌کتاب نیست .

---

(۱) نمونهٔ بارزچنین‌امری موضوع آتشکده‌های مهرنرسی‌را میتوان دانست که درصفحات ۱۱۳/۶ و ۱۱۹/۲۰ و ۳۷۲ و ٤۸٦/۸ توضیح داده شده است .

(۲) نقشهٔ‌استخوان‌بندی فلزی وبتون مسلح گنبد شاهچراغ به‌هزینهٔ انجمن‌آثارملی توسط دفترفنی آقای مهندس سیحون بوسیلهٔ آقای مهندس ا . ر است فرزند دانشمند فقید شادروان نیکلار است (که سالیان متمادی عمر خود را درخدمات مفید علمی و اداری واجتماعی مربوط بفارس‌ودرآن سرزمین گذرانیده بود) ترسیم شد وباختیار هیئت فوق‌الذکر قرارگرفت .

۵ ـ درصفحهٔ ۳۳۳ کتاب ضمن ذکرنام شاهنشاهان هخامنشی از **خشایارشای دوم** و **سغدیان** فرزند اردشیراول (که مجموعاً مدت هشت ماه بین سلطنت اردشیراول و داریوش دوم سلطنت نموده‌اند) ذکری بمیان نیامده‌است علت اینست که در کتاب تخت جمشید (Persepolis) که بشرح مذکوردرهمان صفحه ملاك فهرست نام شاهنشاهان نامبرده قرارداشت نام دو شهریار مزبورعنوان نگردیده بود بنابراین نوشته های کتب دیگر که نام خشایارشای دوم وسغدیان در آنها برده شده است مورد استفاده نبوده است[1].

۶ ـ درمورد نبشته های یادگاری درکاخ کوچك داریوش توضیح مختصری بشرح زیرمعروض میگردد :

پس‌ازپایان اتمام‌چاپ نبشته های مورد ذکر ـ که درقسمت ذیل کتاب طی‌صفحات ۳۳۶ تا ۳۵۰ مندرج‌است ـ قسمتهائی ازیادداشتهای شخصی نگارنده (در پائین صفحهٔ ۳۳۹ بچگونگی تهیهٔ آنها اشاره رفته است ) که سالیان‌درازنزد دوستی‌بس گرانمایه ودانشمند بامانت‌وفراموشی سپرده شده بود بوسیلهٔ دوست معظم‌له برحسب تصادف پیدا شد ودردسترسم قرارگرفت‌وبامراجعهٔ مجدد بآنها مختصراختلافاتی درتوضیح برخی‌نبشته‌ها بنظررسید که جزدومورد آنها بقیه اهمیت چندان ندارد واینك دومورد مزبوررا ذیلاً ذکر مینماید :

يك ـ نوشتهٔ یادگاری شمارهٔ ۹ (مذکوردرصفحهٔ ۳٤۱) درداخل طاقچهٔ سنگی، واقع در ضلع شرقی ایوان بزرك‌کاخ کوچك داریوش ، نقرگردیده است ومحلی که درصفحهٔ ۳٤۱ مرقوم رفته است درست نیست .

دو ـ نوشتهٔ یادگاری شمارهٔ ۲۵ ( مذکوردرصفحهٔ ۳۵۰ ) نیز بربدنهٔ غربی‌دومین‌پنجرهٔ سنگی بین تالارو ایوان ( پنجرهٔ شرقی مجاورد‌رورود اصلی تالار ) نقرگردیده است و توضیح مربوط به محل‌آن که درصفحهٔ ۳۵۰ ذکرگشته است صادق نیست .

۷ـ باتوجّه به میدان وسیعی که دربارهٔ تهیّهٔ کتب ورسالات‌وهرگونه‌نشریّهٔ حاوی اطّلاعات دربارهٔ آثارتاریخی گرانقدرایران عزیزدرپیش هست کتاب حاضر مراحل‌اوّلیّهٔ چنین‌خدمتی بشمارمیرود وبالطّبع دارای نواقص زیـاد بوده ایـراد فراوان بآن واردمیآید ، هرگونه ایراد وتذکّر وراهنمائیهای مفید وعملی که چراغی‌فراراه چنین‌کارهائی درآینده باشد خدمتی‌شایسته بمفاخـرویادگارهـای ایران کهن ومنّتی‌برخدمتگزاران آنها خواهد بود .

---

(۱) دوست گرامی ودانشمندم‌آقای احمد بنی‌احمد ازصاحبمنصبان محققوزارت‌فرهنگ به سفارش شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی‌ایران کتاب جامعی مشتمل بر نام شاهنشاهان و شهریاران ایران‌ازسلسلهٔ ماد تا عصرحاضرتدوین نموده جدولهائی که حاوی سالهای تاریخ‌هجری ومیلادی مربوط بدوران سلطنت هريك ازشهریاران است درآن تنظیم داشته اند و طبعاً اثربس مفید وارزنده‌ای جهت تاریخ ایران بشمار میرود ـ نگارنده با ملاحظهٔ نسخهٔ آمادهٔ چاپ کتاب مزبوربه نکتهٔ فوق توجه وتذکریافته یادآوری‌آنرامناسب دیدم وبدینوسیله مراتب سپاسگزاری خودرا ازمؤلف محترم کتاب مورد ذکرعرضه میدارم .

## یادی از پیشقدمان

## وسپاسگزاری‌ازسروران گرام و همکاران ارجمند

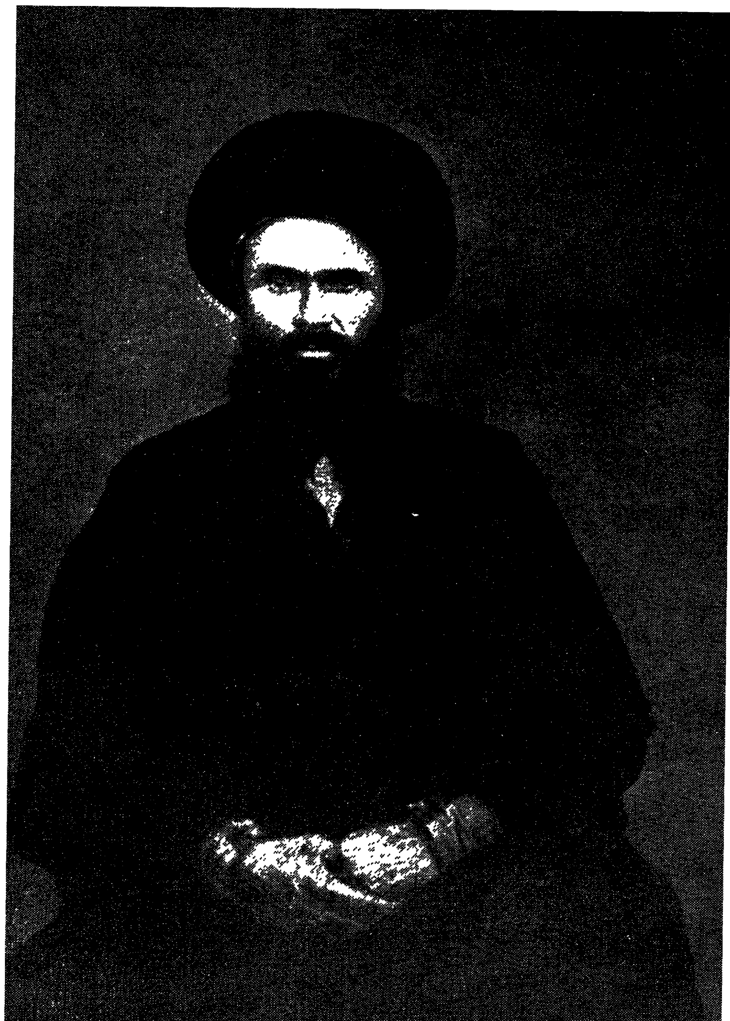
بحکم کریمهٔ **السابقون السابقون اولئك المقربون** وبمصداق **الفضل للمتقدم** درآغازاین‌قسمت نگارنده فرض‌ذمّهٔ خود میداند مخصوصاً درودفراوان به روان دو فرزند برومند فارس نثار نماید ـ شادروان **حاجی‌میرزاحسن‌فسائی** مؤلف کتاب **فارسنامهٔ ناصری** (چاپ طهران ۱۳۱۳ ق) وشادروان **فرصت‌الدولهٔ شیرازی** مؤلف کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی ـ ۱۳۱٤ ق) با شرائط وامکانات زمان خود حقّاً وانصافاًکاربس‌ارزنده ومهمّ وفوق‌العاده دشواری انجام داده‌اند که جزهمّت خستگی ناپذیروعشق خاموش نشدنیشان عامل‌ووسیلهٔ دیگری‌نمیتوانست چنان ثمره‌ای ببارآورد ـ درموارد مختلف برای تهیّهٔ مطالب کتاب حاضر از دو کتاب مزبوراستفاده گردیده حتّی امکنهٔ قدیمی هست که درآن دو کتاب‌مذکور افتاده ودراین کتاب ازآنهاذکری‌نشده است ، اگر این بنده توفیق خدمتی‌ناچیز نسبت بمعرّفی ناقص‌آثارتاریخی فارس نصیب داشته‌باشم ـ گذشته ازاقامت چند ساله درتخت جمشید ومسافرتهای‌متعدّد بآنجاوبازدید وبررسی آثار تاریخی گوناگون سرزمین عزیزفارس ـ تاحدّ مؤثری‌درك جزئی‌ازنتیجهٔ زحمات وتتبّعات الهام‌بخش دوبزرگوار فقید بوده است که جز عرض مختصر سپاسگزاری دراینمورد و زینت بخشودن دوصفحهٔ کتاب به‌تصویرشان کاردیگری را ازعهدهٔ خود ساخته‌نپنداشتم و پوزش نارسائی ادای حقّ مطلب را در اینمورد میطلبد ، پروردگار تعالی غریق رحمتشان فرماید .

سروران عزیزی که‌طیّ سالیان درازدرانجمن آثارملّی‌عمروهمّت خود را به اخلاص تمام درراه خدمات مختلف مربوط به‌آثارومفاخر ملّی گذرانیده اند (۱)

---

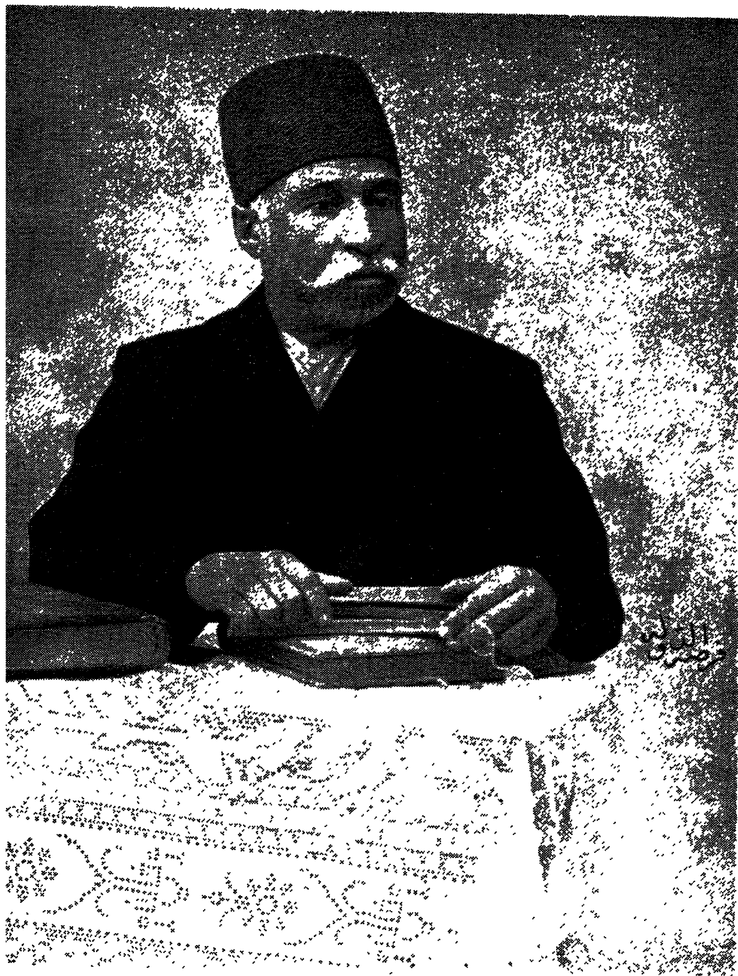
(۱) جناب آقای دکترعیسی صدیق‌یکی ازبنیان‌گذاران انجمن‌آثارملی‌ایران دریادداشت مورخ ۱۱ خردادماه ۱۳٤۰ شمسی که باینجانب مرحمت نموده‌اند تأسیس انجمن آثارملی را درسال ۱۳۰۱ شمسی‌مرقوم فرموده‌اند ، دررسالهٔ راهنمای انجمن‌آثارملی (چاپ طهران۱۳۲۳

(بقیهٔ پاورقی در صفحهٔ سی‌ویك)



**شادروان حاجی‌میرزاحسن فسائی (متوفی‌در۱۳۱۶ ه. ق درشیراز) مؤلف‌کتاب فارسنامهٔ ناصری**

( عکس از مجموعهٔ متعلق به جناب آقای علی اصغر حکمت ، شادروان حاجی میرزا حسن
فسائی نیای مادری جناب آقای علی اصغر حکمت بوده است )



**شادروان میرزا نصیر (معروف به میرزاآقا) متخلص به‌فرصت وملقب به‌فرصت‌الدوله (متوفی در۱۳۳۸ه. ق درشیراز) مؤلف کتاب آثار عجم**

( عکس از مجموعهٔ متعلق به جناب آقای علی اصغر حکمت که به موزه پارس ـشیراز ـ اهداء فرموده‌اند ـ عکس فوق بشرحی که خود مرحوم فرصت الدوله در پشت آن نوشته است «دراوایل ماه شعبان ۱۳۳۷ مطابق اوایل ماه می۱۹۱۹ در شیرازگرفته شد.»

همواره بهترین سرمشق و پشتیبان معنوی برای هر گونه تلاش و کوشش درخدمت به یادگارهای فرهنگی گذشته بوده نسبت به تهیهٔ کتاب حاضر نیز همه گونه تشویق و ابراز لطف فرموده‌اند ، وظیفهٔ خود میدانم مخصوصاً از جناب آقای حسین علاء رئیس محترم هیئت مؤسّسین ـ جناب آقای سیّد حسن تقی زاده ـ جناب آقای علی هیئت معاون محترم هیئت مؤسّسین ـ دانشمند و محقّق فرزانه جناب آقای علی اصغر حکمت ـ استاد گرامی خود جناب آقای دکتر عیسی صدیق ـ تیمساران معظّم سپهبد امان‌الله جهانبانی ـ سپهبد فرج‌الله آق اولی رئیس محترم هیئت مدیره ـ سرلشکر محمّد حسین فیروز ـ جناب آقای دکتر صادق رضازادهٔ شفق ـ جناب آقای دکتر محمود مهران ـ جناب آقای مهندس محسن فروغی که خواه درجلسات ماهانهٔ انجمن آثار ملّی وخواه در مواقع دیگر هر کدام بنوبهٔ خود رهین عنایتم داشته با نظرهای صائب تشویق آمیز وراهنمائی‌های بمورد ومفید موجبات انجام این خدمت مختصر را بصورتی

---

شمسی) اشاره بدین امر شده است که انجمن آثار ملی پس از برگزاری جشن هزارهٔ فردوسی وانجام بنای آرامگاه حکیم درطوس (که درسال ۱۳۱۳ شمسی صورت گرفت) بتعطیل گرائید وروز ۱۲ آذرماه ۱۳۲۳ دوباره تشکیل شد وبخدمات ملی خود ادامه داد، ساختمان آرامگاههای ابوعلی سینا درهمدان وشیخ سعدی درشیراز ونادرشاه درمشهد وحکیم عمرخیام وشیخ فریدالدین عطاردرنیشابور وکمکهای مختلف بتعمیرات فراوان آثار تاریخی ونشر کتب مربوط به بزرگان سابق الذکر در زمرهٔ فعالیتهای انجمن آثار ملی ازهنگام تشکیل مجدد آن بشمارمیرود .

ازاعضای پیشین ودرگذشتهٔ انجمن تاهنگام نگارش این سطور میتوان ازشادروانان حسن مستوفی (مستوفی الممالک) حسن پیرنیا ( مشیرالدوله ) ـ عبدالحسین تیمورتاش ( سردار معظم خراسانی) ـ محمد علی فروغی (ذکاء الملک) محمد علی فرزین ـ ارباب کیخسرو شاهرخ ـ فیروز میرزا (نصرة الدوله) ـ نظام الدین حکمت (مشارالدوله) حسن اسفندیاری (حاج محتشم السلطنه) صادق صادق (مستشارالدوله) ـ علیرضا قراگزلو ( بهاء الملک ) ـ علامهٔ فقید محمد قزوینی ـ دکتر قاسم غنی ـ حسین سمیعی (ادیب السلطنه) ـ ابراهیم حکیمی ( حکیم الملک ) ـ پرفسور ارنست هرتسفلد آلمانی نام برد . بموجب مفاد اساسنامهٔ انجمن هیئت مؤسسین مرکب ازپانزده نفر بوده وزیر فرهنگ وقت باقتضای سمت خویش یکی ازاعضای هیئت مؤسسین هستند ، مدیر کل باستانشناسی نیز به فراخور شغل خود درجلسات هیئت مؤسسین حضوریافته درمذاکرات واخذ تصمیمات وفعالیتهای مختلف انجمن شرکت میفرمایند ، هیئت مؤسسین درفروردین ماه هرسال ازبین خودشان یکنفر را بعنوان رئیس هیئت مدیره ویکنفر دیگر را بعنوان خزانه دار انتخاب مینمایند ودونفر مزبور باهمکاری کارمندان دبیرخانه و حسابداری ومتصدیان مربوط دیگر امورجاری و وظائف محولهٔ بانجمن آثار ملی را انجام میدهند .

بهترفراهم نموده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم.

جناب آقای سناتورجواد بوشهری (امیرهمایون) نایب رئیس‌محترم شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی‌ایران، درعین‌اینکه باابرازمحبّت‌فراوان بهمکاری‌و خدمت دراموردفترمرکزی جشنهای شاهنشاهی منصوب‌داشته‌اند، ازلحاظ فرصت تدوین مطالب کتاب وصرف اوقات درکارهای مختلف آن مهلت ادامهٔ این خدمت وموجبات مزید توفیق وسپاسگزاری‌کاملم را فراهم فرموده اند.



پرفسور لوئی واندنبرگ بلژیکی



آقای علی سامی

دانشمند جوان وعلاقه مندودوستدار ایران وآثارتاریخی آن‌پرفسورلوئی واندنبرگ (Prof. L Vanden Berghe) بلژیکی در مسافرتهای متعدّد خود بایران که درچندسال اخیرانجام دادهرمرتبه بخاك‌فارس‌میرفت ومحلهای‌باستانی ناشناخته‌ای راسراغ میگرفت یادداشتها وعکسهای‌بسیارمفیدی باختیارم میگذارد که موجبات سپاسگذاری فراوان نگارنده شده درتلو صفحات کتاب وتصاویر مختلف‌آن نیزاشاره بدان رفته است.

همکار دانشمند عالیقدرم آقای علی سامی رئیس پیشین بنگاه علمی تخت جمشید و پاسارگاد و دانشیار باستان شناسی در دانشگدهٔ ادبیّات شیراز از آغاز

تألیف کتاب حاضر تاپایان آن بااینجانب درتماس وارتباط بوده‌اند وعلاوه بر آنچه ازتألیفات ممتّع ایشان بهره‌مند شده‌ام ( ونام آنهادرفهرست مآخذ درپایان کتاب ذکرشده است ) درموارد مختلف برای تهیّهٔ بعضی اطّلاعات ویادداشتها و عکسها کمکهای مفید وذیقیمتی نموده‌اند که باعث کمال سپاسگزاری‌است وحقّاً درتدوین کتاب حاضرعامل مشوّق بس‌مؤثری بشمار میروند .

دوست دانشمند وگرامیم آقای علی اکبربصیری رئیس‌پیشین کتابخانهٔ ملّی فارس اطّلاعات بسیار ارزنده همراه عکسهای مفیدی ازبعضی آثارتاریخی ناشناختهٔ فارس‌باختیارم گذارده‌اند که بااظهار سپاسگزاری ازمعظّم‌له درمحلّ مربوط بهر قسمت درتلوصفحات کتاب بدان اشاره ومورد استفاده واقع گردیده است .



بانو سلما مقدم



بانو فاطمه مهران

همکاران پیشین و ارجمندم سرکار خـانم سلما مقدّم مدیرهٔ کتابخانهٔ موزهٔ ایران باستـان وسرکار خانم فاطمهٔ مهران متصدّی کتابهای فارسی وعربی وخطّی کتابخانهٔمزبور باتصحیح‌واصلاح وباکنویس‌متن‌فرانسه وانگلیسی‌توضیحات‌تصاویر کتاب مساعدت بس گرانبهائی معمول داشته‌اند که موجب کمال تشکّر است .

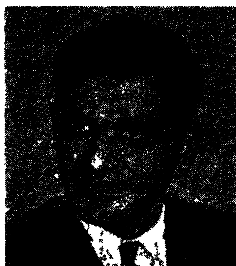
همکار گرامی سابقم سرکارخانم سرورتاجبخش ( کـه اکنون در فرهنگ آبادان انجـام وظیفه میکنند ) قسمت اعظم مطالب کتابرا باکنویس نموده سهم

بسزائی درموفق داشتن نگارندهٔ کتاب درانجام این‌خدمت دارند ومانند بسیاری خدمات مفید دیگرسپاسگزارم فرموده‌اند .

آقای جوادبابك از کارمندان لیسانسیهٔ بسیارمطّلع وعلاقه مند ادارهٔ کلّ باستان شناسی با کمال محبّت وصفا فهرستهای مآخذ واعلام واماکن‌را استخراج نموده بامراقبت درچاپ‌آن و کمك وهمکاری صمیمانه موجب پیشرفت بهتراین خدمت شدند که البتّه جای کمال حقشناسی وسپاسگزاری است .



آقای جواد بابك



آقای مرتضی رستمی

آقای مرتضی رستمی عکّاس زبردست ادارهٔ کلّ باستانشناسی بسیاری از عکسهای مندرج در کتاب را باختیارم گذارده‌اند که تهیّهٔ تعدادی از آنها بسهولت میسّر نیست ــ آقای منوچهر چهره نگاردبیر فرهنگ فارس وعکّاس بسیار باذوق وعلاقه مند بآثارتاریخی‌هم عکسهای زیادوخوبی تهیّه وارسال فرموده‌اند که در برخی موارد ضمن توضیح مطالب مربوط بهر کدام اشاره شده است و عکسهای مربوط به‌آثارتاریخی شهرشیراز نیزغالباً درردیف آنهابوده است ، ازهردوعنصر شریف هنرمندباقریحه که همکاری بس‌ذیقیمتی‌ازاین‌راه بعمل‌آورده‌اند صمیمانه سپاسگزاری نموده همواره توفیق چنین جوانان نیکونهاد ارج وهنرمند را در


آقای منوچهر چهره‌نگار

خدمات بسیار مفید و ارزنده شان مسئلت میدارم ـ عکسهای معدودی که از بعضی استادان عکّاس محترم دیگر یا شخصیّتهای علاقه مند مختلف مورد استفاده قرار گرفته است در محلّ خود یادآوری گشته آنچه بیرون از همهٔ عکسهای نامبرده باشد از مجموعهٔ عکسهای شخصی نگارنده بوده است.

در موارد مختلف از اطّلاعات و راهنمائیهای مفید سروران ارجمند و همکاریهای برخی دوستان و عکسهای چندی که بعضی علاقه مندان آثار باستانی باختیارم گذارده‌اند بهره مند شده‌ام که در محلّ خود اشاره رفته است وذکر نام‌شریف کلّیهٔ ایشان دراین موردموجب بدرازا کشیدن کلام میگردد.

گاهگاه از گزارشهای مفید و پیشینه‌های قابل استفاده که در ادارهٔ کلّ باستانشناسی موجودبود بلطف ومحبّت مدیران کلّ وقت باستانشناسی و متصدّیان محترم استفاده شده است که باعث امتنان کامل بوده هر کدام را در محلّ خود یادآوری نموده نسبت باین عنایت برارج مراتب سپاسگزاری خودرا تقدیم داشته‌ام.

دوستان گرامی آقایان عبّاس آریانپور ودکتر مسعود مسعودی وحسینقلی ملك نصر باکمك نسبت به رفع برخی ایرادات لغوی درمقدّمه‌های کوتاه فرانسه و انگلیسی کتاب همکاری قابل ستایشی معمول وسپاسگزارم فرموده‌اند.

چند نفر ازهمکاران ارجمند دردفتر شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران آقایان عبّاسعلی سلحشور وپرویز معینی واکبر تربتیان وخانم نجمهٔ دارابی با همکاریهای گوناگون موجبات پیشرفت بهتر این خدمت‌را فراهم وبسی سپاسگزارم ساختند.

نقشه‌های پاسارگاد وتخت‌جمشید بوسیلهٔ دوست دانشمندم آقای علی حاکمی

مدیر موزهٔ ایران باستان و نقشه‌های ایران و فارس به سفارش انجمن آثار ملّی از طرف **ادارهٔ جغرافیائی ستاد آرتش** تهیّه و ترسیم شده‌است و نهایت تشکّر را ازاین بابت دارد.

آقای عبدالله ملکی مدیر عامل چاپخانهٔ تابان و آقایان رضا سعید زاده و نصرالله عبّاسی و چند نفر دیگر از کارمندان چاپخانهٔ مزبور درچاپ مطالب و کلیشه‌ها وسایر کارهای کتاب همه گونه توجّه و دلسوزی معمول داشته‌اند که موجب کمال قدردانی است.

ازمؤسّسهٔ گراوورسازی امروزو کلّیّهٔ آقایان کارکنان‌وکارگران آن مؤسّسه که زحمت تهیّهٔ کلیشه‌ها و گراوورهای کتاب را بعهده داشته دراین‌باره شایستگی و مراقبت کامل بخرج داده‌اند اظهار امتنان و سپاسگزاری کامل مینماید. آقای امین‌الله راجی خدمتگزار صدیق وزحمت کش ادارهٔ کلّ باستانشناسی که بااجازه ولطف ادارهٔ متبوع خویش،علاوه بر وظائف محوّله، امر نامه رسانی و کارهای مختلف انجمن آثارملّی را نیزعهده داراست درتمام طول مدّت‌چاپ کتاب زحمت رسانیدن و برگردانیدن‌نمونه‌های‌چاپ‌واوراق کتاب‌وگراوورهاراازچاپخانه وگراوورسازی بنزد اینجانب وبرعکس متحمّل گشته ازاین راه یاری بسیارمؤثر وبموردی کرده است که البتّه باعث تشکّر فراوان میباشد.

***

نقل واقتباس واستفاده از مطالب این کتاب موجب مزید سپاسگزاری گردآورندهٔ آن بوده اشاره به مأخذ مطالب را موکول به نحوهٔ اندیشه وشخصیّت استفاده کنندگان محترم میشناسد.

به‌امّید توفیق شایسته درراه خدمات فراوان‌به یادکارهای پرافتخار گذشتهٔ ایران وسعادتمندی وآبادانی روزافزون این‌مرز وبوم مقدّس وشکوه وخوشبختی جاودانی شاهنشاهی ومردم نیکونهاد آن.

**طهران ـ دی ماه ۱۳۴۲ش ـ سید محمد تقی‌مصطفوی**

# فصل اول - از اصفهان بشیراز

## قسمت اول - از ایزدخواست تا دشت مرغاب

### ۱- ایزد خواست

نخستین اثرتاریخی که‌پس از ورود بخاك فارس میتوان نام‌برد ویرانه‌های قلعه‌قدیمی ایزدخواست است که بمسافت ۱۴۱ کیلومتری اصفهان واقع میباشد - این‌قلعه برفرازصخره رسوبی کرانه دره عریض کم عمقی در محاذات جلگه قرار دارد (ش-۱) و بوسیله پل کهنهٔ از جانب جنوب با خارج راه پیدا میکند درون آن‌خانه های کوچك و کوچه‌های‌تنگ که‌میتوان گفت‌همان‌وضع دوره ساسانیان را نشان‌میدهد باقی است وچارطاقی عهد ساسانیان را که آتشکده ونیایشگاه‌قلعه بوده است در اوایل‌قرن نهم هجری به‌مسجد تبدیل نموده‌اند وچندسال پیش‌بعلت فرو ریختن سراسر کرانه دره بدنه شرقی ( ش-۲ ) چارطاقی ویران مزبور هم فروریخت‌و یکی‌اززنان نیکوکارآبادی دیوارجدیدی برای محصور ساختن آنجا که‌مسجد کنونی این قلعه ویرانست بنانمود چارطاقی ویران مزبور درتاریخ ۲۷ اسفندماه۱۳۲۷ ذیل‌شماره۳۷۶ درفهرست‌آثارملی‌ایران‌ثبت گردیده‌است‌واکنون هم‌با پوشش‌جدیدی که پائین تر از طاق عهد ساسانی برآن زده‌اند بصورت مسجد مورد استفاده مردم‌است .

### ۲-آباده و ابرقو

درشهرآباده از لحاظ‌آثار تاریخی‌چیزقابل ذکری‌سراغ نمیرود ولی‌توابع آباده یعنی اقلید و ابرقو دارای آثار تاریخی کم وبیش مهمی‌است که اشاره‌بآنها دراین کتاب مناسب‌بنظرمیرسد .

**اقلید**

چون‌از آباده بجانب‌شیراز عزیمت نمایندپیش ازرسیدن به آبادی‌معروف سورمق که بمسافت ۲۲ کیلومتری‌آباده است راهی بطرف‌راست یعنی بجانب‌مغرب منشعب میگردد وبسوی‌اقلید میرودوپس‌از طی‌قریب ۲۰ کیلو متر‌باقلیدمیرسند.

سابقه تاریخی اقلید بیش‌از آباده است و در سابق شاهراه اصفهان بشیراز بجای آباده از اقلید میگذشت و این محل مرکـزیت کامل داشت چنانکه شهر کنونی آباده را بنام آبادهٔ اقلید میشناختند و پس از تغییر مسیر راه طبعاً رونق آباده افزایش‌یافته است .

در اقلید مسجد جامع قدیمی وجـود دارد کـه آنـرا بـا خشت و گـل ساخته اند و بهمین جهت هر چند یکبار بر اثر بارندگی وغیره ویرانیهائی بدان راه یافته مجدداً تعمیر گشته است وظاهراً اهمیت معماری وهنری ندارد بانی‌آن بنابر کتیبه چوبی‌منبت سردرمسجدعبدالعزین‌بن احمد و تاریخ آن‌ماه‌ربیع‌الاول سال ۸٤۹ هجری است ومنبر منبتی مورخ به‌محرم ۱۰۰۸ هجری دارد .

همچنین در دامنه یکی از کوههای کوچك‌اقلید که تل‌قلات خوانده‌میشود گودالی در سنگ کنده‌اند که‌مردم آنرادختر گبر مینامند ودر کناره آن کتیبهٔ پهلوی ساسانی در ۲۱سطر برلوحهٔای بدرازای تقریباً ۲ متر و پهنای ۸۸ سانتیمتر برسنگ‌نقر‌نموده‌اند که نیازمند بررسی‌و‌تشخیص بیشتر اهل‌فن میباشد و اجمالاً میتوان گفت گودال‌مزبور از استودانها یعنی محل سپردن استخوان مردگان‌در عهد ساسانی بوده کتیبه هم مشتمل بر کلمات مذهبی زرتشتیان و نام شخص‌متوفی میباشد (۱)

**ابرقو**

برای رفتن بابرقو باید راه آباده بشیـراز را تا آبادی معروف سورمق که بشرح سابق‌الذکر در ۲۲ کیلو متری آباده‌است بپیمایند پس از آن جاده شوسه

---

(۱) اطلاعات مربوط به‌مسجد جامع اقلیدو اثر تاریخی دختر گبر از گزارش شماره ۶۱۰۲ ۱۳۳٤/٤/۲۵ اداره فرهنگ آباده نقل و اقتباس شده است.

ابرقو بجانب چپ یعنی بطرف مشرق منشعب میگردد وباطی ٤٨ کیلومتر از محل انشعاب جاده بابرقو میرسند .

نام‌اصلی ابرقوابرکوه است که بمناسبت‌موقعیت‌شهرقدیم بربالای‌صخره‌های کوتاه درعهد ساسانیان آنرا بدین نام خوانده‌اند ودر ادوار اسلامی مانندبسیاری نامهای دیگربجای‌کاف‌حرف ق تلفظ مینمایند .

ابرقوازنظر سازمان کشوری ازبعضی جهات تابع‌یزد وطبعاًمربوط به‌استان دهم (اصفهان) بوده از بعضی‌جهات تابع‌آباده یعنی مربوط به فارس (استان‌هفتم) است چون راه سهلتر وعملی‌تربرای رفتن بآنجا از جاده بین آباده‌وده‌بیدمیباشد و از طرفی فرهنگ آن ازتوابع فرهنگ آباده است طبعاً مناسبتر بنظرمیرسد آثار تاریخی آن که مشتمل برابنیه متعدد قابل توجهی هست ضمن‌آثار تاریخی فارس مذکور گردد .

**گنبد علی**

قدیمیترین و مهمترین و مستحکمترین ابنیــه تاریخی ابرقو گنبد علی یا بگفته‌بعضی‌علاقمندان گنبد عالی‌نام‌دارد-بنای‌مزبوربرج‌سنگی‌هشت‌ضلعی‌است که بربالای تپه واقع در مشرق ابرقو و مشرف به محل شهر قدیم قرار دارد (ش-۳) وضع‌ساختمانی‌آن بسیارساده ودقیق ودارای خطوط مشخص‌بوده‌بالای قسمت‌هشت ضلعی بنا کتیبه کــوفی با خطوط درشت دیده میشود بالاتــر از آن مقرنس کاری زیبای سنگی جلب نظر میکنــد و گنبد مدور ساده سنگــی بر فراز برج هشت ضلعــی مزبور استــوار میباشد بام آنرا از آجــر های نازك عهد سلجوقی فرش کرده بودند .

پهنای داخل برج ۸/۹۰ متر وکلفتی دیوار درهر جانب قریب یکمترونیم و بلندی‌کلیه بنادر حدود ۱۲ متراست ـ کتیبه کوفی مزبور حکایت از این مینماید که‌این بنامدفن‌امیرعمیدالدین‌شمس‌الدوله‌ابی‌علی‌هزارسپ بوده بدستورفرزندش فیروزان بسال٤٤٨هجری‌ساخته شده‌است ودر کتیبه کوتاه‌دیگری که‌بالای‌مدخل بناقراردارد اشاره باین امر میشود که بنای نامبرده جهت‌آرامگاه مادرفیروزان

هم‌بوده‌است (ازآثارمشهودبنظرمیرسد نام‌این‌بانو«نازنین کرشمه»یاچیزی‌نزدیك بدان‌بوده است)

عمیدالدین شمس‌الدولـه از خاندان شاهان دیلمی و نوه نصربن حسن‌بن فیروزان دیلمی صاحب اشکور از نواحی معروف دیلم‌میباشد که خاندان اوبعلت رقابتها و کشمکشها مجبورشده‌اند ازشمال ایران باصفهان ونواحی مرکزی‌بروند ومقبره اوهم به سبك ابنیه نواحی شمالی ایران احداث گشته است .

گنبدعلی از استوارترین‌و بهترین ابنیه قرن‌پنجم هجری بوده در تاریخ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شماره ۱۹۵ درفهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده‌است .

**مسجدجامع ابرقو**

مسجد جامع ابرقو بصورت ویران مشتمل برحیاط مربع مستطیلی است که چهار ایوان درچهارطرف داشته شامل دهلیز ها و شبستانها و متعلقات دیگر هم بوده است قدیمی‌ترین قسمتهای آن شبستانی است که درمیان ایوانهای جنوبی و شرقی آن قرار دارد و ظاهراً مربوط بدوره سلجوقـی میباشد ـ در ایوان شرقی مسجدمحراب گچبری بسیار عالی‌مورخ بسال ۷۳۸ وجود داردو میتوان آنرا شائهٔ از تعمیرات‌مفصل وفراوانی‌دانست که در اواخرسلطنت سلطان ابوسعید درمسجد مزبور بعمل آورده‌اند وشبستان بزرگی هم در امتداد ایوان بزرگ مسجد کمی پس از تعمیرات‌مزبور ساخته‌اند که درنوشتهٔ بالای محراب آن‌اشاره‌بدین‌مضمون شده است که حسن ابن حاجـی محمّد ابن احمد مشهـور بفراش و ملقّب بحاجی امین‌الدین ابرقوئی بانی ساختمان این‌قسمت مسجد بوده آنرا متصل به‌مسجدقدیم ساخته است ـ بطورکلی مسجد جامع ابرقو از ابنیه‌ای بشمار میرود که محتاج تعمیر فراوان توأم باعلاقه‌مندی ودلسوزی بسیار میباشد (ش-٤) این‌بنا در تاریخ ۹مرداد ماه‌سال۱۳۱۲ ذیل‌شماره ۱۹۷ درفهرست آثارملی‌ایران‌بثبت‌رسیده است .

الواح مرمری چندی در مسجد جامع ابرقو موجود بود که پیش ازاین در ویرانه‌های مجاور مسجدبرای‌پنجره‌بکارمیرفت‌و یکی ازآنهامورخ به ۸۱۸میباشد و درسال ۱۳۱٦ با محراب اصلی مسجد که آنهم از مرمر است (ش-٥) بموزه ایران‌باستان منتقل گردید ودر غرفه‌های پیش ازعهدصفوی‌محفوظ نهاده شد .

**مقبره حسن بن کیخسرو**

بنای تاریخی مهم دیگر در ابرقــو مقبره حسن بن کیخسرو و دخترش بی بی عایشه ملکه خاتون است که بنام مقبره طاووس خوانده میشود و نباید با مقبرهٔ طاووس الحرمین مذکور در کتاب حمدالله مستوفی اشتباه شود ـ بنای مزبور عبارت از ساختمان خشتی مربعی است که هر ضلع آن از بیرون قریب سیزده متر بوده پهنای درون آن مختصری کمتر از ده متر میشود و بسبك معمول دوران مغول بالای دیوارهای خشتی طاق بندی آجری زده گنبدی از آجر نیز بر فراز آن استوار نموده‌اند و بهمین جهت هم فروریخته است (ش ـ ۶) ارتفاع تمام بنا تانوك گنبد بالغ بر ۲۵ متر وپوشش بیرون گنبد تماماً از کاشی فیروزه فام یکدست وداخل آن مزین به گچبریها و نقاشیها و گل وبوته و کتیبه‌های کوفی وثلث میباشد ـ کتیبه حاوی اطلاعات تاریخی آن بخط ثلث برلوحه بزرگی بالای محراب قرار دارد که آسیب فراوان دیده است وضمن عبارات حاوی ثنای پروردگار والقاب مربوط به صاحب قبرواسلاف او که متداول عهد مغول بوده است از آن چنین برمیآید که حسن بن کیخسرو بن منصور بن ابی بکر محمد در شب شنبه پنجم جمادی الثانی سال ۷۱۸ بسن ۹۳ سالگی وفات یافته زندگی خودرا بانجام طاعات وخیرات ومبرات گذرانده ودخترش در شب پنجشنبه ۱۷ ذی العقده ۷۰۷ هجری در گذشته بود و بنای مورد ذکر قبر این دونفر است ـ بنای مزبور در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شماره ۱۹۶ در فهرست آثار ملی ایران بثبت رسیده است و در مجاورت آنهم آثار چند ساختمان قدیمی هست و دروسط آنها بنای کوچکی دیده میشود که تصور میرود در محل مقبره قدیم و اصلی طاووس الحرمین (مذکور در کتاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی) ساخته شده باشد .

**مزار پیر حمزه سبزپوش**

علاوه بر بنای تاریخی مهم گنبدعلی آثار دیگری هم از دوران سلجوقی یعنی قرون پنجم وششم هجری در ابرقو بوده که کم وبیش بقایائی از آنها باقی ومشهود است از جمله بنای کوچك بنام مزار پیر حمزه سبزپوش را میتوان شمرد که محراب گچبری بسیار زیبا و قابل تـوجهی دارد (ش ـ ۷) و با محــرابهای گنبد علویان

(همدان) ومدرسه حیدریّه (قزوین) ومسجد جامع ورامین هم طراز وقابل قیاس است و مشتمل بر گل و بوته های اسلیمــی و ریزه کاریهای بسیارعالی گچبری و کتیبه‌های کوفی و نسخ شیوای گچبری میباشد وبر روی دو گل گچبری برطرفین محراب بخط نسخ نام‌سازنده وتاریخ آن چنین خوانده میشود :

برجانب راست . (عمل محمّدبن ابی‌الفرج العراقی غفرالله‌له) برجانب‌چپ. (فی‌رمضان . . . . . وخمس‌مائة) این محراب تاریخی در تاریخ ۳۱ تیرماه ۱۳۱۳ ذیل شماره ۲۰۵ درفهرست آثارملی ایران بثبت رسیده است .

**بقایای آثارتاریخی مختلف دیگر**

غیراز ابنیه فوق بقایای ابنیه دیگری در ابرقوهست که چیز مهمی ازآنها نمانده و نشانهٔ روزگار آبادانی ومرکزیت تجارت ورونق ابرقو در قرون پنجم و ششم‌هجری‌ودوران مغول‌محسوب‌میگردد ـ آثارمزبوریکی گنبد سیدون‌ودیگری گنبدسیدون‌گل سرخی وسوّمی دروازه‌ای است که‌از مسجدنظامیه باقی میباشد ـ دوبنای اول‌مربوط‌بقرن ششم‌هجری بوده دروازه نظامیه خصوصاً مناره‌های آن از آثارقرن‌هشتم هجری بنظرمی رسد ـ در مجاورت مقبره حسن بــن کیخسرو هم آثار ابنیه ویرانی هست که ابنیه مذهبی از قبیل مــدرسه و مسجد بوده اثر قابل توجهی ازآنهابرجا نمانده است .

### ۳ - ده‌بید و بوانات

پس‌از گذشتن ٦٤ کیلومتراز سورمق یعنی ۸٦ کیلومتر ازآباده بمنزلگاه معتبرده بیدمیرسند ـ درده‌بیدهم مانند شهرآباده اثر تاریخی قابل‌ذکری سراغ نمیرود لکن‌بازهم نظیر آباده بر جوانب جنوب غربی و مشرق آن آثار تاریخی موجود است که ذکرآن در این کتاب مناسبت پیدامیکند .

**بقعهٔ شهداء یا بقعهٔ سلطان ابراهیم**

بمسافت قریب چهارده کیلو متری جنوب غربی ده بید بیرون از شاهراه یعنی در قسمتهای دوردست‌سمت‌راست جاده فعلی که بشرح مذکور در بارهٔاقلید

راه‌قدیم اصفهان بشیراز از آنحدود میگذشته است بنای تاریخی‌زیبائی‌بنام بقعه شهداء یابقعه‌سلطان ابراهیم‌وجود دارد که از سنگهای سفید ساخته‌شده مزین به کاشیکاریهای معرق و مقرنسهای عالی بوده است .

بنای مزبور مشتمل برصحن‌چهار گوشی است که‌طول‌هرضلع آن ۷/۲۰متر بوده دارای چهار ایوان در چهارجانب صحن و طاقنماهای کوچکتر در جوانب ایوانها است و درسمت قبله ایوانی بزرگتر ساخته‌اند و طرفین آن بر اثربزرگی ایوان‌بایجادطاقنماهای کوچك‌نپرداخته‌اند وعقب‌ایوان‌مزبور شبستان‌چهار گوشی که‌هر ضلع آن کمی ازچهارمتر و نیم بیشتر است قرار دارد .

تزئینات‌کاشیکاری این‌بقعهٔ‌دورافتاده‌مخصوصاً مقرنسهای‌بالای مدخل‌شبستان در انتهای ایوان بزرگ وهمچنین‌حاشیه معرق در ارتفاع سه‌متری دیوارشبستان مشتمل بر قسمتهائی از سورهٔ فتح ازبهترین نمونه های این صنعت ظریف است ـ نام بانی وسال تاریخ آن معاوم و مذکور نیست (۱) وازوضع کاشیکاریها وهمچنین معماری بناچنین برمیآید که ازآثار شاهان آق‌قوینلو یا از بناهای دوران‌سلطنت زادگان امیرتیمور درفارس ومربوط به‌قرن نهم هجری‌باشد که در دوره صفویه‌و پس از آن مورد بیمهری روزگار واقع گشته پس از تغییر مسیر جاده اصلی هم اساساً بصورت بنائی‌متروك ودورافتاده درآمده‌است وآثار هنری ووضع معماری آن ارزش‌تعمیر ومراقبت لازم دارد .

درحول و حوش این بنا ونواحی دیگر مجاور ده‌بید تپه‌های متعدد وآثار مختلف روی‌خاك مشهود است که حکایت ازآبادی ورونق بیشتر آنحدود درادوار گذشته مینماید از جمله درسه کیلومتری بقعه‌شهداء چند تپه‌قدیمی است که‌بنام قصریعقوب خوانده میشود وجا دارد تجسسات علمی وکاوشهای تحقیقی درکلیه‌این نواحی بعمل آید .

---

(۱)ـاطلاعات مربوط به بقعه شهداء ازگزارش شماره ۷۸ـ۱۳۲۹/۷/۲۴ ـ آقای‌فریدون توللی بازرس فنی‌باستان شناسی در فارس نقل‌گردیده است .

### سوریان (بوانات)

بوانات نام بلوکی است که در جانب شرقی ده‌بید واقع میباشد و بمسافت قریب چهار فرسنگی‌مشرق ده‌بیدآبادی معتبر سوریان‌قرار دارد که‌مرکزبخش بوانات است .

### مسجد جامع سوریان

مسجدفوق بنای کوچکی ازقرن ششم‌هجری است و درتاریخ ۲۱اسفند ماه ۱۳۱۵ذیل‌شماره۲۸۲درفهرست‌آثارتاریخی‌ایران‌ثبت گردیده‌است واهمیت‌هنری زیادی ندارد اثر مهمتر این مسجد منبر منبت بزرگی‌بوده که بفرمان خواجه مظفرالملك ازمحل ماترك خواجه سعدبن محمد درسال۷۷۱هجری ساخته‌بودند که قسمتهائی ازآن ناپدید شده بود و برای‌حفظ منبردرسال۱۳۱٤آنرا بموزه ایران باستان منتقل وتعمیر نمودند .(ش-۸)

### بقعه امامزاده حمزه

بنای‌تاریخی دیگر بوانات بقعه‌ای‌بنام امامزاده حمزه مورخ‌به۹۵۳هجری است که درقریه‌باز درجنوب شرقی سوریان واقع‌میباشد ودر تاریخ ۱۲اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شماره ۲٦٦ درفهرست آثارتاریخی ایران بثبت رسیده است .

## قسمت دوم - دشت مرغاب

### ۱-آرامگاه کورش کبیر

مسافری که‌جاده طولانی‌اصفهان‌بشیرازراطی میکند پس‌از گذشتن‌ازده‌بید و چندین تنگه و گردنه و منزلگاه‌دیگر به آبادی قادرآباد میرسد قریب ده کیلومتر که‌از قادر آباد بگذرند پیش‌از آنکه به تنگه معروف سعادت آباد برسند در جانب راست جاده جلگهٔ نمودارمیگردد که بنام دشت مرغاب خوانده میشود -آرامگاه کورش کبیر که از سنك سفید بنیاد گشته و نام محلی آن قبر مادر سلیمان است بعد ازاین دشت قرار دارد و در مجاورت دهکدهٔ آبادی بنام

مادر سلیمان بمسافت سه کیلو متری جاده واقع بوده مخصوصاً در ساعات پیش از ظهر که بدنه شرقی آرامگاه از تابش آفتاب روشن میگردد از سمت جاده بخوبی هویدا است ــ پاسگاه ژاندار مری کنار جاده درمحل انشعاب خیابـان مشجر بـا صفائی قرار دارد که از آنجا بطرف آبادی مادر سلیمان و آثار تاریخی پاسارگاد میروند و ابتدا از قریـه معمور کرد شول میگذرنـد سپس رود خانه پلوار را قطع نموده بدهکده مادر سلیمان میرسند و آرامگاه کورش کبیر بنام محلی قبر مادر سلیمان بیرون آبادی مزبور بر جانب جنوب غـربی در وسط کشت زارها واقع گشته قبور اسلامی اطراف آنرا احاطه نموده است .

نقشه عمومی محوطه پاسارگاد که محل آرامگاه وهـریك از کاخها و آثار باقیه رادراین جایگاه تاریخی نشان میدهد درضمن تصاویر آخـر کتاب(ش ـ۹) ارائه گردیده است.

بنای آرامگاه مشتمل بر اطاق چهار گوشی است که بر فراز سکوی شش طبقه متناسبی قراردارد (ش۱۰و۱۱) کلیّه این بنا ازسنگهای سفید بزرك ساخته شده مجموع ارتفاع آن بالغ بر ۱۱مترمیشود کـه تقریباً نیمی از آن بلندی طبقات شش گانه سکو بوده باقی آن بلندی اطاق و آرامگاه و پوششهای آنها است ــ محوطه درونی اطاق مزبور بدرازای ۳٫۵ متر و پهنا و بلندی ۲٫۱۰ متر میباشد و بر دیوار جنوبی آن محراب و آیات کلام‌الله مجید حجاری گردیده است و بدینوسیله آرامگاه شهریـار سترك ایـران را بصورت زیـار تگاه اسلامی هم در آورده اند .

از زیر سقف اطاق تا سطح بالای بام آرامگاه در حدود سه متر فاصلـه دارد و در دل این فاصلـه محل دو قبر تعبیه گردیده است کـه یکی راخوابگاه ابدی کورش کبیر ودیگری رامدفن همسراو«کاسان‌دان» مادر کمبوجیه دانسته‌اند (ش۱۲)اندازه های یکی از دو قبردومتر در یك متر و دیگری ۱٫۹۵در۰٫۹۵متر است که بوسیله دهلیز باریکی بدرازای یك متر و پهنای ۳۵ سانتیمتر بیکدیگر مربـوط میشود و ارتفاع قبرها و دهلیز یکسان بـوده بالغ بـر ۸۷ سانتیمتر

میباشد (ش-۱۳)

این دو قبر با وجود اینکه در محل مرموزی بین سقف زیری اطاق و بام آرامگاه قرار داده شده بود در ادوار بعدی مورد دستبرد قرار گرفته بوسیله حفرهٔ که‌نزدیك گوشه شمالی شرقی بام ایجاد کرده بودند سنگ‌بام را شکسته بدرون آن راه یافته اند و بطمع نفائس آن بقایای اجساد و استخوانها را هم از میان برده‌اند و بتدریج از خاك و غبار پرشده بود و درتابستان ۱۳۳۷ ضمن‌مرمت آرامگاه شکستگی سنك‌بام هویدا و وسیله راه یافتن به قبور انباشته از خاك گردید و مجدداً پس از قرون متمادی درون آنها از خاك تهی گشت و به صورت پاکیزه درآمد . (۱)

در دوران اتابکان فارس یعنی قرن‌هفتم هجری دشت‌مرغاب آبادی‌بیشتری یافته محوطه آرامگاه کورش را تبدیل به مسجدی کرده بودند ونوشته‌ها و سال تاریخ مربوط باین موضوع (رمضان ٦۱۲ هجری) و نام اتابك‌سعدبن زنگی‌در گوشه و کنار محوطه مزبور بر روی سنگهاموجود استوبرآستانه سنگی جانب غربی محاذی مدخل آرامگاه هم نوشته مفصلی با ذکر سال‌تاریخ ٦۲۰ (یا٦۲۱) در این باره دیده میشود .

**۲ - بنای اسلامی نزدیك آرامگاه کورش .**

بمسافت کمی در شمال آرامگاه کورش آثاربنای عهد اسلامی هویدا است که‌از طرف اداره کل‌باستانشناسی در سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹ خاکبرداری شد و قطعات نوشته بدست آمد که میرساند در عهد شاه شجاع (۷۷۰ - ۷۷٦ﻫ) از سنگهای‌کاخها و ابنیه دوران کورش کبیر آنرا ساخته‌اند- وضع ساختمانی آن نقشه بنای چهار ایوانی را با اطاقها وستونهاو راهرو سراسری‌جلو اطاقهامینماید و چنین بر می آید که‌کاروانسرائی درکنار شاهراه‌جهت مسافرین‌ودر عین حال خانقاه و عبادتگاهی جهت معتکفین و نیازمندان در جوار بنای متبرك‌آرامگاه

(۱) استخراج ازگزارش شمارهٔ ۱۷۳ - ۲ر۵ر۳۷ ادارهٔ باستان شناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید .

بوده است . (۱)



## ۳ ـ کاخ بار کورش

بمسافت ۶۰۰ متری شمال شرقـی آرامگاه‌بقایای‌کاخ معظمی وجود دارد که‌یك ستون آن برجای مانده است (ش ـ ١٤) وسعت این‌کاخ مجموعاً ۲۶۲۰متر مربع بوده‌وطول آن تقریباً شرقی‌غربی۵۶ متر و پهنای آن تقریباً شمالی‌جنوبی ٤٤ مترو مشتمل بر تالار بزرگ ۸ ستونی در وسط و چهار ایوان درچهار سمت و اطاقهائی دردو گوشه بوده است ـ ستونها و آستانه‌ها و ازاره‌ها و جرزهای دو جانب ایوانهاو کف‌کاخ از سنگ‌سفید بوده‌پایه ستونهاو سرستونها و کف‌آستانه‌ها وسکوها و زینت کف‌ایوانها از سنگ‌سیاه بوده است و اساساً بکاربردن‌سنگهای سفیـد وسیاه درکاخهای پاسارگاد یکی از امتیازات مخصوص این ابنیه است ـ ارتفاع ستون موجود مجموعاً ١٣/٤٤ متربوده بر بالای جرزهای سنگ سفید که در انتهای ایوانهای‌کاخ قرار دارد (ش ـ ١٥) بخط میخی به زبانهای پارسی وبابلی و عیلامی جمله «من (هستم) کورش شهریار هخامنشی» منقور است ـ قسمت مهم فرش‌سنگی سفید تالار مرکـزی و ایوان جنوبی این‌کاخ را بـرای احداث بنای اسلامی سابق‌الذکر از بین برده‌اند ـ برسنگهای سیاه درگاههای تالارکاخ مزبور نقوش برجسته‌وجودداشته‌قطعات‌ونمونه‌های عالی آن درکاوشهای ۱۳۲۹ بدست آمده است ـ ایوان شمال شرقی‌این‌کاخ‌دارای٤٨ستون در دوردیف و ایوان جنوب‌غربی دارای ۲۸ ستون‌در دو ردیف بوده هریك از ایوانهای شمال غربی و جنوب شرقی هم ١٦ستون دردوردیف داشته‌است ـ ارتفاع‌تالار مرکزی‌کاخ در حدود ١٦ مترو ارتفاع ایوانها مجموعاًدرحدود ٦ مترمیرسیده است .

---

(۱) علاوه برقطعات کتیبه سنگی که اشاره شد ضمن فصلی از کتاب « مختصر مفید» تألیف محمد مفید مستوفی یزدی مربوط بقرن یازدهم که درفرهنگ ایران زمین ( دفتر۲ و ۳جلد ٦ ـ تابستان و پائیز۱۳۳۷) نقل گردیده‌است درصفحه ۱۷۵ نشریه مزبور زیرعنوان مشهد مادرسلیمان نوشتهٔ مؤلف نامبرده چنین آورده شده است . « مشهد مادر سلیمان . حقیر خود ملاحظه آن کرده و پادشاه مطاع شاه شجاع مظفری درحوالی مشهدکاروانسرائی ساخته که تمامی ارکان و دیوارها از سنگ مرمر تراشیده است » .

## ۴ـ کاخ دارای‌نقش انسان بالدار

بمسافت مختصری در جانب شرقی‌کاخ بار کورش آثار بنای دیگری برجا مانده است که نقش انسان بالدار برسنگ سفید مهمترین نشانه و اثر موجود آن بشمار میرود (ش-۱۶) این بنامشتمل بر تالاربزرگ ۸ ستونی بوده برهر یك‌از جوانب شمال و شرق و غرب آن درگاهی قرار داشته است و آثار ایوان و ابنیه دیگری بیرون تالار دیده میشود - نقش برجسته انسان بالدار برسنگ سفید در درگاهی شمالی واقع شــده دوبال روببالا و دوبال رو به پائین حجاری کرده‌اند دستهای انسان بحالت دعارو باسمان بلند است و لباس بلندی مانند لباس عیلامیان که‌تا قوزك پا میرسد دربر دارد و تاجی مرکب از سه گل بلند همچون تاجهای مصربرروی نقش دوشاخ (شبیه شاخ قوچ ) برسر او دیده میشود ـ آنچه از کتب برمیآید بالای این‌نقش‌نام کورش (مانندبالای‌جرزهای‌کاخ بار)منقور بوده ولی از هفتاد واندسال پیش‌نشانی از آن نمانده است .

قرائن‌امرمیرساند که این‌کاخ عبادتگاه پاسارگادوقدیمترین‌بنای این‌محل بوده نقش برجسته فوق نیزقدیمیترین نقش‌دوران هخامنشی است .

## ۵ـ کاخ‌اختصاصی کورش

بمسافت کمی بیش از ربع کیلو متری شمال غربی‌کاخ بار کــورش آثارکاخ بزرگ دیگری‌دیده میشود که‌وسیعترین کاخهای پاسارگادبشمارمیرود ومجموع وسعت آن ۳٤۲۷ مترمربع (٤٤ × ۷۷/٥) بوده تالاری دروسط وایوانهای طولانی در جوانب شمال غربی و جنوب شرقی داشته است . تالار مرکزی دارای ٥ ردیف در٦ردیف جمعاً سی‌ستون از سنگ سفید بوده ته ستونهای چهار گوش زیبای‌آن با کف‌سازی عالی تالارنمونه گویای سلیقه واستادی‌فراوان بنیادگزاران‌کاخ‌بشمار میرود (ش-۱۷) درهریك ازدوانتهای‌تالاریك ردیف پایه بمحازات ستونها ساخته بودند ومیرساند طاقنماها و شاه‌نشین هائی در دو جانب تالار وجود داشته است ـ ایوان جنوب‌شرقی دارای‌چهل‌ستون در دو ردیف و ایوان شمال غربی دارای ٢٤

ستون دردو ردیف‌بوده قسمت‌عمده ته‌ستونها وبخشی از کف سنگی آنها باقی‌است ازدو فضای واقع‌در دو انتهای تالارمرکزی اثری‌باقی نمانده است که معلوم دارد ایوان یا اطاقهائی بوده باشد- سنگ سیاه توأم باسنگ سفید دراین بنانیزبسیار بکار رفته درگاهیهای سنگی تالار از سنگ سیاه دارای نقوش برجسته با خطوط میخی بنام کورش بوده که قطعاتی از آن کشف گردیده است - ماده‌قرمزرنگ برای درزگیری سنگهاوقطعات گل باسفیدکاری نازك گچ وآجرهای قرمزرنگ به ابعاد ۵/۵ × ۳۲ × ۴۵سانتیمتر از مختصات دیگراین‌کاخ‌بشمار میرود .ارتفاع تالارمرکزی این کاخ احتمالا قریب‌ده‌متروارتفاع‌بام‌ایوانهای‌آن بالغ بر۶/۵متر میگشته است .

## ۶ـ نهرها وحوضچه‌های محوطه‌کاخها

یکی از اختصاصات‌پاسارگاد وجود نهرهای سنگی سفید است که به‌پهنای ۳۰ سانتیمتر وگودی ۱۳ سانتیمتر بالبه هـای ۳۰ سانتیمتری برهر طرف درطول محوطه آنجا احداث کرده‌بودند و درفواصل هر ۱۴ متریك حوضچه سنگی‌سفید یك پارچـه بطول وعرض ۸۷ سانتیمتر و گـودی ۳۵ سانتیمتر داشته است و در خاکبرداریهای سال ۱۳۲۹قسمتهائی ازآن‌درمحوطه وسیع مشرق‌کاخ اختصاصی کورش کشف گردید و برای‌حفظ آنها مجدداً با خاك پوشانیده شد و وضع آنها میرساند که تمام‌محوطه پاسارگاد صورت پارك‌بسیار وسیعی را داشته بوسیله این نهرها و حوضچه‌ها آبیاری میگردیده است .

## ۷ـ ویرانه‌برج سنگی چهارگوش

بمسـافت قریب نیم‌کیلو متری شمال‌کاخ اختصاصی کورش پیش از آنکه بکوهسار شمالی دشت مرغاب وتخت‌مادر سلیمان برسند ویرانه‌برج سنگی بلند بسیار موزونی پدیدار است (ش-۱۸) که تنها ضلع غربی برج باقی مانده سه ضلع دیگرآن منهدم گشته است ـ ارتفـاع آن قریب ۱۲ متر است کـه از ۱۶ ردیف سنگهای بزرگ‌تراش سفیدبسیارمنظم ودقیق تشکیل میگرددوپهنای‌هرضلع آن

۷/۳۵ متر بوده است - بوسیله پلکان منظم سنگی بدرون اطاق بالای برج میرفته‌اند که اکنون تنها مدخل اطاق بر دیوار باقیمانده مشهود است و از پلکان اثری‌نیست - این برج‌را بنام زندان‌سلیمان میخوانند وبعقیده بسیاری دانشمندان آرامگاه‌کامبیز بوده‌برخی هم‌آنرا آتشکده میدانند و نمونه نسبتاً سالم نظیر آن بنام کعبهٔزردشت‌درنقش رستم نزدیك‌تخت‌جمشید وجود دارد که شرح‌آن درجای خود خواهد آمد .

**۸ ـ تخت سلیمان**

برفراز کوهستان شمال‌جلگهٔ‌پاسار گاد(ش‌۱۹)صفّهٔ زیبائی‌با دیوار هائی از سنگهای سترك سپید رنگ ترتیب داده شده است (ش - ۲۰) که طول شرقی‌غربی آن متجاوز از ۸۰ متر وپهنای شمالی جنوبی آن در طرفین ۷۸ ودر وسط قریب ۶۰ متر میباشد راه بالارفتن‌آن بدلیل آثاریکه برجانب شمالی‌آن درسال ۱۳۳۰ کشف گردید از آن جانب بوده است بالای آن اطاقها و آثاری از خشت بنیاد نهاده بودند که درسالهای ۱۳۳۰ ببعد خاکبرداری وآثارمکشوف تا حدی مرمت گردید - ازروی قطعات ظروف سفالی مکشوف برفراز صفّه میتوان پنداشت که این جایگاه بلند بیش ازدوران هخامنشی‌هم مسکن مردمانی بوده باحتمال‌نزدیك بیقین عبادتگاهی بشمار میرفته است و کورش هم این صفّه را جون مکانی متبرك ساخته وپرداخته بود .

علاوه برتپّهٔ تخت سلیمان درتپّه‌های دیگری بنام تل خاری نزدیك دهکده ابوالوردی و تپّه نخودی نزدیك دهکده مبارك آباد نیز قطعات ظروف سفالی مربوط بادوار ما قبل تاریخ بدست‌آمده است ومعلوم میدارد که جلگه پاسارگاد از هزاره چهارم پیش از میلاد محل‌سکونت مردمی بوده که مانندبسیاری مردم معاصر خود درسایر نقاط ایران دارای تمدن وهنر های قابل توجه بوده‌اند .

**۹ ـ آتشگده پاسارگاد**

بمسافت قریب یك کیلو متر ونیم از کاخ اختصاصی کورش برجانب شمال

غربی مرغـاب و دامنه غربی کوهسار دو تخته سنـگ بزرگ سفید بابعاد ۲/۲۰ × ۲/۶۰ × ۲/۶۰ متر در مجاورت تپه کوتـاهی از خاك بمسافت ۹ متر از یکدیگر قرار دارد (ش - ۲۱) - این دو تخته سنگ را آتشگاه یـا قربانگـاه پاسارگـاد میدانند و بطوریکه میدانیم در دوران هخامنشی نیایش خدای یکتا در فضای باز برابر آتش مقدس صورت می‌گرفته است و با انجام کاوشهائی در تپه مجـاور تخته سنگهای مزبور بهتر میتوان بوضع بنا و آثار این مکان متبرك پی برد .

آثار پاسارگاد در تاریخ ۲٤ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۱۹ درفهرست آثارملی ایران بثبت تاریخی رسیده است.

## ۱۰ـ نبشتهٔ پهلوی تنگ براقی

اینك که شرح آثار پاسارگاد پایان مییابد مناسب میداند اشاره به نبشتهٔ پهلوی‌ساسانی‌موجود درتنگ براقی‌بمسافت۲۰۷ کیلومتری شمال غربی پاسارگاد نماید ـ نبشته مزبور برتخته سنگی بابعاد ۱ متر× ۱/٤۰ متر بوده مشتمل بر ۱۶ سطر که هرسطر۹۰ سانتیمتر طول دارد میباشدوتخته سنگ دروسط تنگ براقی نزدیك دهانه صفّهٔ کوچك غارکم عمقی کـه در دل کوه پیشرفته است بیهلو قرار دارد ـ بواسطه درختان انبوه وسرسبزی که پیرامون‌آن روئیده استراحتگاهی با طراوت وخوش منظر است ومانند بسیاری از نقوش برجسته و نبشته های ساسانی میتوان پنداشت یکی از شاهنشاهان ساسانی که شاید بهرام باشد بمناسبت شکار وعبور ازاین محل ییلاقی‌آنرا بیادگار‌گذارده است ووضع تخته سنگ میرساند از محل خود جدا شده برزمین افتاده است و با مساعد بودن وقت و فرصت کافی شاید درحوالی غارمزبورمحل اصلی کتیبه وقسمتهای دیگرآن واحتمالاآثارنقش برجسته‌ای هم مشهود گردد .

برای رسیدن به تنگ براقی میتوان از شیراز باطی ۱۸۰ کیلو متر‌از راه خلار ـ بیضا ـ تنگ طورـ مهجن‌آباد ـ کامفیروز درتابستان بوسیله جیب‌بدانجا رفت همچنین ازآباده ازراه چغار ـ بهمن ـ نجف‌آباد ـ کولار ـ خسروشیرین -

دز کرد با طی قریب ۱۵۰ کیلومتر بدانجا میرسند و از راه پاسارگاد هم باطی ۲۰۷ کیلومتر که از احمدآباد ـ فتح آباد ـ لاله گون ـ آسپاس ـ سده ـ دز کرد ـ تنگ براقی میگذرد میتوان به محل نبشته تاریخی مزبور رسید.

در سنگهای غار فوق الذکر حفره های کوچکی است که مردم آنها را محل سم براق میشناسند و در باره آن افسانه هائی میگویند و نام تنگ براقی نیز بهمین مناسبت گفته میشود.(۱)

## قسمت سوم - بین پاسارگاد و مرودشت

### ۱ـ تل تیموران

چون از دشت مرغاب قصد عزیمت شیراز کنند در جاده اصلی کنونی از تنگ سعادت آباد گذشته بجلگه سعادت آباد میرسند ـ بلوك معروف ارسنجان در جانب مشرق این قسمت قرار دارد و راه فرعی از کناره تنگ سعادت آباد بدان سو میرود.

در یك کیلو متری مغرب قصبهٔ کوشك که از توابع ارسنجان است تپه ای به طول ۲۰۰ و پهنای ۱۴۰ متر واقع میباشد که بنام تل تیموران خوانده میشود و بلندترین نقطه آن ۶ متر ارتفاع دارد بر اثر گمانه های علمی در این تپه معلوم گشته است که از ۲۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح تادوران اسلام مردگان را در آن دفن نموده اند ونمونه هائی هم از ظروف سفالی خاکستری یاقرمز با نقوش سیاه رنگ و تزیینات مختلف مفرغی از قبیل انگشتر و گردن بند وسنجاق وهمچنین مجسمه های کوچك سفالی حیوانات در قبور پیش از تاریخ آن بدست آورده اند.

### ۲ ـ تنگ بولاغی

علاوه برجادهٔ اصلی سابق الذکر که از تنگ سعادت آباد میگذرد راه قدیمی کاروان روی هم از دشت مرغاب بطرف جلگه سعادت آباد میرود که اکنون نیز گذرگاه

(۱) اطلاعات مربوط به نبشتهٔ فوق از گزارش شماره ۶۸۱ ـ ۷/۸/۳۶ اداره باستان شناسی فارس اقتباس شده است ـ نخستین بار آقای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانه ملی فارس از وجود نبشتهٔ مزبور آگاهی یافته مراتب را باطلاع اداره باستان شناسی فارس رسانیده اند.

چادر نشینان بوده بمحاذات آرامگاه کورش از تنگ خرم و با صفائی بنام تنگ بولاغی میگذرد که آثار باستانی ادوار هخامنشی و قبل از آن در کنار و نزدیك آن وجود دارد و شایسته تحقیق و بررسی کافی است .

### ۳ ـ تل قلعه

در جلگه سعادت آباد بمسافتی در سمت راست جادّه تپّهٔ بسیار بلند بزرگی است که تل قلعه خوانده میشود و در حدود بیست هزار متر مربع (۱۱۵ × ۱۷۰ متر) وسعت دارد ـ در سال ۱۳۲۹ قریب یك هفته از طرف بنگاه علمی تخت جمشید در آنجا گمانه هائی زده شد و قطعات سفالهای مربوط به هزاره سوم و چهارم پیش از میلاد کشف گردید و کاوش مفصل آن موکول بفراهم شدن وسائل و فرصت مناسب است .

### ۴ ـ سیوند

پس از عبور از جلگه سعادت آباد به آبادی سیوند میرسند که در طول دره کنار رود خانه پلوار واقع است ـ آبادی سیوند هم مانند جلگه سعادت آباد چیزی که قابل تماشا باشد در بر ندارد ولی از لحاظ اهمیت باستانی و موقعیت تاریخی شایسته توجه است ـ بمسافت قریب سه کیلومتر شمال غربی آن سمت راست رود خانه در دامنه کوهستان محلّی بنام تُنب کرم وجود دارد و کارگاه استخراج تخته سنگهای سفید بسیار بزرگی است که برای کاخها و ابنیه پاسارگاد و برخی اوقات هم آثار تخت جمشید بکار میبرده اند ـ این محل مهم در سال ۱۳۳٤ بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید کشف گردید و راز مجهولی را که از بابت استخراج سنگهای سفید پاسارگاد و تخت جمشید در میان بود روشن ساخت نام محلی کارگاه کوه الماس بری است ـ در حول و حوش سیوند استودانهائی از عهد ساسانیان که جایگاه سپردن استخوانهای مردگان بوده است نیز وجود دارد و در محلی بنام تنگ خشك به مسافت ده کیلو متر مغرب تنب کرم سابق الذکر کنار برخی از این استودانها بنشته هائی بخط پهلوی دیده میشود .

تا گفته نماند که زبان محلی مردم سیوند لهجه مخصوصی شبیه مردم مازندرانست و نام سیوند هم مانند نامهای سیستان و قبیله سگوند (که در جنوب لرستان وشمال خوزستان ساکن هستند) وسقز و محلی بنام سگوان که سیوان هم میگویند (در آذربایجان ۵۱ کیلومتری تبریز کنارراه مرند) وسیگا رودیا سیکا ردو در یك فرسنگی مشرق لنگرود (گیلان) و محلهای دیگری در ایران از لحاظ ارتباط احتمالی آن باسکونت ومهاجرت تیره‌هائی از اقوام سکا در ادوار باستانی با یران شایسته تأمّل و تحقیق میباشد.

**۵ ـ دو تپه ما قبل تاریخی بین سیوند و سیدان**

پس از خروج از آبادی سیوند چون راهرا بسمت جنوب ادامه دهند درّهٔ سیوند پهنتر میشود و در برخی نقاط از محوّطه های نسبتاً وسیعی میگذرد - در مسافت بین سیوند و سیدان برجانب مغرب جادّه کنار کوهستان دو تپه ما قبل تاریخی واقع گردیده است که یکی **تل شوره** ودیگری **گود نرم** نام دارد.

**۶ـ آثار تاریخی سیدان**

**تپه ما قبل تاریخی علی آباد:**

پس از خروج از درّهٔ سیوند به جلگه خفرك میرسند وطولی نمیکشد که راه بسمت راست میپیچد ودرمحاذات محل انحراف جاده آبادی معموری بنام سیدان (بروزن میدان) برجانب چپ قراردارد ـ نزدیك این آبادی تپه‌أی بنام علی آباد واقعست که احتمال میرود از نظر وجود نمونه‌های آثار ما قبل ازتاریخ درخور کاوش علمی باشد.

**آتشدان سنگی**

دریکی از باغهای دور دست سیدان که باغ بُدره نام دارد تخته سنگی که آتشدان عهد هخامنشی است به بلندی ۲/۱۵ متر نزدیك کوهستان بمسافت کمی ازاستخرآب و چشمه سارهای گوشه باغ واقع میباشد وآنرا بصورت نزدیك به هرم مربع القاعده ناقص درآورده‌اند (ت ـ ۲۲) و گودال جای آتش بر بالای آن دیده میشود و

هم‌اکنون نیز مکان‌متبرکی بوده مقابر مردم‌درنزدیکی‌وکنار آنست‌ومزارامامزاده فاطمه نام دارد و زیارتگاه ساکنین آن‌حدود بخصوص در روزهای جمعه‌میباشد و علامتی از چوب با دخیل و پارچه‌هائی که بان بسته‌اند در کنار آتشدان مزبور بر زمین نصب میکنند ـ نزدیك آن آتشدانهای سنگی ساده دیگر درسنگهای کف‌باغ موجوداست .

**آثارعهد هخامنشی درقره‌قلات**

در دامنه کوهستان متصل‌به سیدان وبمسافت دو کیلومتری‌باغ سابق‌الذکر تنگ کوچکی وجوددارد که دو چشمه آب باریك از آن جاری است و برای مشروب‌ساختن چند باغ کفایت‌میکند ـ نزدیك تنگ مزبوربرفرازبلندی‌مختصر کوهستان صفّهٔ کوچکی بوسعت دویست تا سیصد مترمربع ترتیب داده‌اند که‌چند قطعه ستون عهد هخامنشی(ش ـ۲۳) (یکی از آنها بطول یك مترونیم از سنگ سیاه و دو قطعه کوچکتر و یك ته‌ستون ویك‌قطعه سنك نیمه تراش )در انجاباقی است ـ این‌محل‌بنام‌قره‌قلات خوانده میشود ونام کوهستان مجاور آن‌نیز قره‌قلات است ـ از فراز این صفّهٔ کوچك منظر زیبای آبادی سیدان وتمام جلگه خفرك تا کوه رحمت در معرض چشم‌انداز شخص واقع میگردد و چنین تصوّر میرود که در روزگار قدیم سایبان و استراحتگاه یا محلی برای نهار خوری وامثال آن در این‌نقطه احداث نموده ازمنظروصفا وموقعیّت‌طبیعی آن‌بهره مند میگشته‌اند .(۱)

دهکدهٔ آبادووسیع‌دیگری نیز کمی دورترازسیدان‌هست‌که‌فاروق نام‌دارد ونام آن‌در کتیبه‌خطّ کوفی که بنام‌ابوکالنجار فرزندعضدالدوله‌بر دیوار کاخ کوچك داریوش در تخت‌جمشید‌نقر گردیده است مذکورمیباشد وحکایت‌از پیروزی‌این شهریاربسال ٤١٨ هجری در فاروق مینماید

(۱) اطلاعات مذکور در باره آثار عهد هخامنشی درقره‌قلات از قسمتی ازگزارش ٦٧٨ ـ ۱و۸و۳۸ بنگاه علمی تخت جمشید استخراج و استفاده گردیده‌است .

## ۷ ـ تل قلعه حسن آباد

در دو کیلومتری مغرب قریه حسن آباد در بلوك خفرك سفلی تپه نامنظمی وجود دارد که ارتفاع قسمت مرکزی آن بالغ بر ۱۵ متر میشود ـ تپّهٔ مزبوراز مهمترین تپه‌های باستانی خفرك سفلی است و در نتیجهٔ گمانه‌های علمی آنجا آثار تمدنهای معاصروشبیه باآنچه درتل تیموران (که ذکر آن گذشت) بدست آمده است هویدا شد ـ ضمناً معلوم گردید گورستان مردمی ازادوارپیش ازتاریخ که ازحدود ۳۸۰۰ تا ۱۷۰۰ سال پیش ازمیلاد مسیح درآن نواحی زندگی میکرده‌اند بوده است

## ۸ ـ تل کمین

دردو کیلو متری مغرب قصبه حسن آباددر بلوك خفرك علیا تپه دائره شکلی بقطر ۲۵۰ متروجوددارد که بنام تل کمین خوانده میشود ودرآن قبوری مربوط به ۱۷۰۰ تا دوهزارسال پیش از میلاد مسیح وجود دارد ـ ضمن مختصرکاوشی که در این تپّه بعمل آمد ظروف سفالی نیم پخته بشکل فنجان دسته‌دار و طشتکها و لیوانهای استوانهٔ منقوش و قطعات ظروف سفالی زرد روشن بانقوش قهوه‌ای تیره رنگ بدست آمده‌است ومیرساند که تپه مزبوردرهزارهٔ دوم پیش از میلاد مدتی محل سکونت مردم و زمانی هم گورستان بوده است .

## ۹ ـ تل گپ زنگی آباد

درچهار کیلومتری جنوب غربی قریه زنگی آباد در بلوك خفرك علیاتپّهٔ کوچکی است که مردم نام معکوس بدان داده آنرا تل گپ میخوانند ـ بر اثر گمانه مختصری که درآن زده‌اند قبوری حاوی ظروف سفالی واشیاء مفرغی کشف گردید که ازحیث قدمت و طرزکار باآثارمشکوف در تل تیموران و تل قلعه وتل کمین بر ابری مینماید .

## قسمت چهارم ـ مرودشت

پس از پیمودن عرض جلگهٔ خفرك به کوهستان رحمت میرسند . این کوه در سراسر جانب غربی جلگهٔ خفرك امتداددارد وسوی دیگر یعنی جانب شرقی آن جلگهٔ بسیار مهم تاریخی وپهناورمرودشت واقع است ـ آثارمعظم تخت جمشیدهم در محلی از دامنهٔ شرقی همین کوه قراردارد و چون پیش از آنکه وارد جلگه مرودشت شوندبویرانه‌های استخرمیرسند لذا ذکراجمالی ویرانه‌های استخر را بر آنچه در جلگهٔ مزبور است مقدم میشناسد .

### ۱ ـ ویرانه‌های استخر (تخت طاووس)

هنگامیکه جلگهٔ خفرك را پشت سر گذارندجادّه از پائین دامنه‌های شمالی کوه رحمت میگذردودر اینموقع درّهٔ عریضی که بین جلگه‌های خفرك ومرودشت واقعست درسمت راست قرارمیگیرد ـ جانب شمالی این درّه به کوهستان حاجی آباد وجنوب آن بکوه رحمت محصوربوده رودخانه پلوار که بنام رود سیوند نیز خوانده میشود از وسط آن عبور میکند ـ ویرانه هـای شهر استخر کـه نـام محلّی آن تخت طاووس است درهمین محلّ واقع گردیده دروازه سنگی آن سمت چپ کنار جادّه متصل به کوهستان جلب نظر مینماید و آثار باروهای خشتی درسمت راست پدیداراست وچون برفرازویرانه‌های آن رونديك ستون سنگی ودیواره‌های سنگی عهدهخامنشی که در دوران اسلام برای مسجد بکاررفته بود جلب نظرمینماید واثر مهمّ دیگری بیرون از خاك دیده نمیشود .

ضمن کاوشهائی که درسالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۸ از طرف هیئت علمی دانشگاه شیکاگو در ویرانه‌های استخر بعمل آمد بقایای ابنیه ادوار اسلامی و ساسانـی و اشکانی وظروف و آثارقرون اوّلیهٔ هجرت کشف گردید وپایه‌ها و قطعات ستونهای عهد هخامنشی که درساختمانهای دوره‌های بعدی بکار رفته بود هویداشد وهراندازه تجسّس گردید اثری از بنای دوره هخامنشی که در محل اصلی خود باقـی باشد

مشهود نگشت و طبعاً با سوانح و انقلاباتی کــه درمدت ۱٦ قرن یعنی از دوران هخامنشی تاقرن پنجم هجری که روزگار شهر تاریخی استخر سپری میگردد بر این شهر وارد آمده است آثار آن بجای خود نمانده‌مکـرّر زیرورو شده است لکن درعین حال میتوان پنداشت که استخر دوران هخامنشی در محلی بیرون از محوّطه‌أی باشد که اینك بنام‌تخت طاووس میخوانند وچون درتواریخ قدیم‌حدود استخر را ازجانب شرق و غرب چند فرسنگ ذکر کرده‌اند بعید نمینماید کــه ویرانه‌هــای استخر در دوران اسلام تنها شامل قسمتی از مکان این شهر باستانی بوده باشدودرهرصورت اطلاع‌درست ازوضع آثار مدفون شهر مهم استخرنیازمند کاوشهای دامنه‌دار بافرصت و وسایل‌کافی میباشد ـ این مکان‌تاریخی در تاریخ۲٤ شهریورمــاه ۱۳۱۰ ذیل شماره۱۸ در فهـرست آثار ملـی ایران به ثبت تاریخی رسیده است .

مسافت ویرانه‌های استخر تا آثار تخت‌جمشید هفت کیلومتر است ودراین مسافت آثار تاریخی متعددی وجود دارد که از نظر اهمیت بیشتر تخت جمشید و آسان ساختن طرز راهنمائی بآثار تاریخی دیگــر بهتر بنظر میـرسد قبلا بشرح تخت‌جمشید بپردازد .

## ۲ ـ تخت جمشید

درمحلــی از دامنهٔ شرقی کوه رحمت کــه تپّهٔ سنگی از کــوهسار بطرف جلگهٔ مرو دشت پیش‌آمدگی دارد بفرمان داریوش اوّل کرانـه‌های تپّه را بریده سنگهای تراش بسیار بزرگی بر آن نهاده‌أند و بـدینوسیله دیوار عظیم سنگی مضرّسی‌بوجودآورده‌أند که‌قسمتهائی‌ازآن صخرهٔ‌طبیعی وبقیّهٔ‌آن ازتخته‌سنگهای مزبورتشکیل‌یافته‌است(ش ـ ۲٤)صفّهٔ که‌بدین‌ترتیب‌ایجاد گردیده است بدرازای شمالی‌جنوبی قریب۴۵۰ مترو‌پهنای‌شرقی‌غربی۳۰۰ متربطورمتوسط‌میباشد وازجانب مغرب بکوه رحمت پیوسته از سه جانب دیگر به جلگهٔ پهناور مرودشت مشرف است (ش‌ـ ۲۵)بمسافت مختصری ازجوانب‌شمالی‌و جنوبی‌صفّه‌هم پیش‌آمد گیهائی

از کوه وجود دارد که دوجانب محوّطهٔپائین صفه‌بدانها محدود میگردد ـ کاخهای معظم شاهنشاهـان هخامنشی از زمـان داریوش اوّل یعنی از سال ۵۲۱ پیش از میلاد مسیح تابیش‌از صدوپنجاه‌سال پس‌از آن‌برفراز این صفّهٔ عظیم بنیاد گردیده (ش ـ ۲۶) نام‌داریوش اول وفرزندش‌خشایارشا ودربرخی قسمت‌ها نام اردشیراوّل واردشیرسوّم‌برسنگ‌نبشته‌های میخی‌کاخهای مزبور نقر گردیده است وباتوجّه به اسناد نوشته مزبور میتوان فهمید که داریوش اوّل‌دست‌بکار احداث این آثار معظم گردیده‌آنچه در زمان وی پایان یافته بنام خودش عنوان‌شده است پس از او هم خشایارشا کار های ساختمانی را ادامه میداده آثار دوران وی بنام این شهـریار ذکـر گشته است و اردشیر اوّل و اردشیر سوّم نیز بعضی ابنیه و آثـار را پایان بخشیده یا تغییر داده یاالحاقاتی برآثار بیشین افزوده‌اند .

نوشتهٔ بزرگی که بردیوار جنوبی صفّه دیده میشود بنام داریوش کبیراست بنابراین‌صفّهٔ تخت جمشید را درزمان این شهریار احـداث نموده‌اند .

نقشهٔ کوچکی ازآثارتخت جمشیدبمنظور تسهیل‌آشنائی باهرقسمت ضمن تصاویرآخر کتاب (ش ـ ۲۷) ازنظرخوانندگان گرام میگذرد .

راه ورود بصفّه پلکان دو طرفه بسیار بزرگـی است که برضلع غربی صفّه ایجاد کرده‌اند وازهرطرف‌شامل‌صدوده‌پلکان‌عریض کوتاه‌میباشد. (ش۲۸و۲۹) .

بربالای‌پلکان مزبوربنای ورودیهٔ‌تخت‌جمشیدقرارداد که‌عبارت‌ازساختمان معظم شیوائی‌مشتمل برسه دروازه و تالارچهار ستونی است ـ بردروازه معظم‌بالای پلکان شکل گاوهای بزرگ و بردروازه مقابل آن که روبکوه واقع است پیکر گاو های بالدار باسرانسان را حجاری نموده‌اند (ش ـ ۳۰) و نبشته های بالای این نقوش به‌سه زبان‌پارسی باستانی‌وعیلامی و بابلی اتمام بنای ورودی را بفرمان ودر دوران خشایارشا میرساند [۱] ـ دروازهٔ سوّم بنای ورودی بطرف‌جنوب قراردارد

---

(۱) بطور کلی عموم نبشته‌های میخی تخت جمشید حاوی نیایش اهورامزدا وستایش وی‌از آفریدن زمین وآسمان ومردم وبرگزیدن شهریاری برای مردم ونام خشایارشا (دربرخی نبشته ها نام اردشیرسوم) و پدرونیای اوودرخواست‌ازاهورامزدا که‌آنچه بوسیلهٔ شهریـار مزبور ساخته شده است وهم خود وی را در پناه خویش محفوظ بدارد میباشد .

و از دو دروازه دیگر پهنتر بوده تنها کف و بنیاد آنرا از سنگ ساخته اند و بهمین جهت بر خلاف دو دروازه دیگر دیوار ها و نقوش سنگی از آن بجای نمانده است .

از این دروازه بحیاط شمالی کاخ آپادانا یا آپدانه یعنی کاخ بزرگ بار میرفته‌اند که ستونهای باقیمانده ونقوش برجسته پلکانهای زیبا وبی نظیر آن هنوز شاهد عظمت و جلال کاخ مزبور است(ش-۳۱و۳۲) کاخ آپادانا ازدوجانب شمال و مشرق دارای پلکانهای زیبائی است که از حیاطهای آندو سمت بدرون ایوانهای آن بالا میرفته اند نقوش روی دیوار های هردو پلکان در سه ردیف بریك جانب شامل صف افسران وسربازان وعرابه‌هاواسبهای شاهی بوده(ش۳۳و۳٤)درجانب دیگر بیست وسه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی را درحال عرضه‌داشت هدایای خود و باریافتن بحضور شاهنشاه ایران مینماید(ش-۳۵)و یکنفر حاجب پارسی یامادی دست رئیس نمایندگان هریك از استانهای کشور را گرفته نزد شاهنشاه رهبریشان میکند (ش-۳٦) .

بیست وسه مجلس تصاویر نمایندگان استانهای مختلف کشور هخامنشی از نظر اهمیّت تاریخی ونمایاندن وضع لباس وهیئت کلیّ ساکنین هراستان ودرجهٔ تمدّن و صنعت آنان بهترین معرّف اقوام و ملل تابع شاهنشاهی ایران در دوران هخامنشی محسوب میگردد وبدین لحاظ تاحدّی که ازروی قرائن موجود میتوان اظهار نمود بمعرّفی نقوش مزبور میپردازد وچون نقوش دیواره های پلّکان شرقی کاخ آپادانا بهتر ومحفوظتر مانده است لذا از روی نقوش دیوارهٔ اخیر توضیحاتی که مناسب بنظر میرسد مذکور می افتد .

از این بیست وسه مجلس هفت مجلس درردیف بالا وشش مجلس درردیف وسط وپنج مجلس درردیف پائین نموده شده پنج مجلس نیز برروی انتهای دیوارهٔ پلّکان بالای نقش شیرو گاو حجّاری گردیده است.

هفت مجلس ردیف بالا به ترتیب نمایندگان ماد (شمال غرب وقسمتی از مغرب ایران کنونی ) (ش - ۳۷) - خوز (خوزستان کنونی ) (ش - ۳۸) - پارت

(خراسان) (ش_۳۹)_ ملّتی‌شبیه پارتیان یعنی نمایندگان سغدیا باختر(ش_۴۰) _ مصر(که نیمه بالای حجّاری این مجلس ریخته و از میان رفته است ) _ زرنکا (سیستان کنونی)_خوارزم‌را نشان میدهد.

درشش مجلس ردیف وسط نمایندگان ارمنستان (ش_۴۱) _ بابل(ش_۴۲)_ کیلیکیه (قسمت جنوبی آسیای صغیر ) (ش_۴۳) _ سیکان تیز خود (ش_۴۴) آشور (ش_۴۵) _ سیکان هومَ وَرکَ (یعنی سکاهای‌آن سوی رود سیحون) دیده میشوند .

پنج مجلس ردیف پائین مشتمل بر تصاویر نمایندگان فینقیّه ( سر زمین کنونی لبنان ) (ش_۴۶) _ کاپادوکیّه ( قسمت شرقی آسیای صغیر) (ش_۴۷)_ یونانیان سارد ( ش _ ۴۸ ) _ مردم هاروواتی یعنی ساکنین رخّج در افغانستان (ش_۴۹) _ هندیان (ش_۵۰) است.

پنج‌ملّتی که‌روی‌دیوارۀ‌قسمت‌انتهای‌پلّکان‌بالای‌نقش‌شیرو گاونموده شده‌اند عبارتست‌از نمایندگان‌سکودرا(نواحی‌واقع‌درمقدونیّه‌درشمال‌یونان) _ عربستان_ درنگیان (درشمال سیستان )(ش_۵۱)_ پونتی (طرابلس غرب درشمال افریقا)_ سرزمین کوشا (حبشه) .

تشخیص ملّتهای فوق باتطبیق نقوش دخمه ها ونبشته های هر کدام وقرائن وبررسیهای مختلف صورت گرفته تا حدّیکه میسّربوده دربارۀآنها دقت شده است ودربرخی موارد باکتابها ومراجع‌دیگراختلاف دارد وتوضیح وتفسیرزیادتر در بارۀ آنها خارج ازحوصلۀ این کتاب میباشد وجای تحقیق بیشتر دربارهآنهم‌هنوز باقی‌است .

الواح بزرگ نبشته های‌میخی بزبانهای پارسی باستانی وعیلامی و بابلی در انتهای نقوش برجستۀ مزبورنظیر نبشته های دیگربنام خشایارشا بوده میرساند که در زمان این شهریار کاخ مزبوریایان پذیرفته‌است _ درقسمت وسط هردو پلّکان که بطرف حیاط پیش‌آمده است تصویر درشت هشت سرباز پارسی ومادی را حجّاری نموده‌اند.

وضع اجمالی کاخ آپادانا بدین ترتیب است که از هر کدام از پلّکانهای شمالی و شرقی بایوان بزرگی بطول ۶۰/۷۰ متر و پهنای قریب ۱۵ متر بالا میرفته‌اند (ش-۵۲)- هر کدام این ایوانها دارای دوازده ستون سنگی به بلندی ۱۸ متر بوده (ش - ۵۳) از ایوان شمالی بوسیله دو استانه واز ایوان شرقی بوسیله یك آستانه بدرون تالار بزرگ مرکزی کاخ میرفته‌اند - کلفتی دیوار خشتی بین ایوانها وتالار ۵ مترونیم است وآثار آن با سوراخهای آب رو که بوسیله آنها آب باران پشت بام وسیع ازمیان دیوار به مجراهای زیرزمینی میرفته است موجود ومشهود میباشد - ایوانی هم نظیر دو ایوان مزبور بطرف مغرب داشته که چشم انداز آن بجلگهٔ پهناور مرودشت بوده مانند ایوان شرقی بوسیلهٔ یك آستانه بتالار مرکزی ارتباط میبافته است. سر ستونهای کاخ آپادانا را از سنگهای یك پارچهٔ بزرگ بصورت دونیم تنهٔ شیر یا گاو یا هیکلهای حیوان باسر انسان حجّاری کرده بودند ونمونه هائی از آنها هم که بکار نرفته است در خاکبرداریهای قسمت شمال صفّهٔ تخت جمشید هویدا گشته است(ش۵٤و۵۵).

هنگامی که کاخ اَپدانه بفرمان داریوش کبیر ساخته میشد در هریك از چهار گوشهٔ تالار مرکزی آن درزیر خشتهای دیوار جعبه سنگی نهاده درون هر جعبه لوح چهار گوشی اززرولوحی نظیر آن ازسیم بنام داریوش قرارداده‌اند- هرضلع الواح مزبور ۳۳ سانتیمتر بوده مضمون آن نام داریوش و پدر ونیای او وسپاس ازآهورامزدا وذکر چهار گوشهٔ کشور شاهنشاهی (هندوستان - سکستان آنطرف سغد - حبشه - ساحل مدیترانه) رادربردارد- دوعدد از چهارجعبه مزبور باالواح آنها از میان رفته ودو جعبه دیگر با الواح آنها در اواخر شهریور سال ۱۳۱۲ کشف گردید که یکی درموزهٔ سلطنتی کاخ مرمر ودیگری در موزهٔ ایرانباستان نگهداری میشود (ش - ۵٦) - هرضلع تالار مرکزی ۶۰/۷۰ متر بوده درون آن ٦ ردیف در٦ ردیف جمعاً ۳٦ ستون هر کدام بارتفاع ۱۸ مترقرار داشته‌است.

کاخ بزرگ و مهمّ دیگر تخت جمشید در مشرق صفّه بین کاخ اَپدانه و کوهستان واقع بوده بعلّت وجود صد ستون درتالار اصلی آن بنام صد ستون خوانده

میشود (ش-۵۷) .

نقشهٔ اجمالی کاخ صد ستون بدینقرار بوده است که ایوانی بدرازای ۵۶ متر و کسری وپهنای بیش از ۱۶ مترونیم دارای دو ردیف ستون سنگی هر ردیف ۸ ستون در سمت جنوب حیاط وسیعی واقع بوده است- حیاط مزبور در جانب شمال سردرنیمه تمامی داشته که از آن بوسیله راهروعریضی مستقیماً به عمارت ورودی تخت جمشیدارتباط مییافته‌اند(ش-۵۸)-درمشرق آن حیاط درپائین کوه نیزایوانی دارای ۸ ستون ودرعقب ایوان تالاربزرگی‌دارای ٤ ردیف هرردیف ۸ ستون‌قرار داشته است- در دوجانب ایوان بزرگ کاخ نقش برجستهٔ گاو های بزرگ نظیر آنچه در بالای پلّکان بزرگ دیده میشود حجّاری کرده بودند - تالار اصلی کاخ در پشت ایوان بزرگ مزبور یعنی جنوب آن قرارگرفته دارای ده ردیف در ده ردیف ستون بوده است و بوسیلهٔ دودروازه بلند وعریض سنگی به ایوان راه داشته است- برروی‌بدنه های‌این دو دروازه نقش سربازان پارسی ومدی‌حجاری گردیده بالای آنها نقش شاه براورنگ شاهی بانقوش صاحبان مقامات‌نزدیك به شاهنشاه بنظرمیرسد - علاوه بردو دروازهٔ فوق‌هفت پنجره از تالاربایوان شمالی بازمیشده‌است - هرضلع تالارصدستون ٦٥ مترونیم بوده دودروازهٔ‌بلند هم‌درسمت جنوب آن قرار دارد (ش - ۵۹) که از آنها باطاقهای باریك آن سمت میرفته‌اند و برروی بدنهٔ آنها نیز تصویر شاه برفراز اورنگ شاهی باگماشتگان مخصوص حجّاری گردیده زیر تخت‌روی‌هر بدنه‌نقش‌چهارده نفر که‌هر کدام‌نمایندهٔ یکی از اقوام تابع شاهنشاهی هخامنشی بودند ملاحظه میشود ( ش - ٦٠ ) - در هریك از دو ضلع شرقی وغربی تالارهم دو دروازهٔ سنگی وجود دارد که بربدنهٔ آنها پیکار شاه را با مظاهر گوناگون اهریمن نموده‌اند ( ش٦١و٦٢و٦٣ ) و این دووازه ها وسیلهٔ ارتباط تالار با اطاقهای باریك پشت تالار بشمار میرفته است - در فضای بین تالار صد ستون و کوهستان ابنیهٔ خشتی وجود داشته است که از بررسی‌نقشهٔ آنهامیتوان‌چنین‌استنباط نمود که‌محلّ‌اسبان‌خاص‌وعرّابه‌های‌شاهی‌بوده بوسیله راهروهای‌مناسب‌باحیاط وسیع کاخ صدستون‌مربوط‌میگشته‌است(ش۵۷) .

در جنوب حیاط واقع بین کاخهای آپدانه وصد ستون آثار کاخ مهم دیگری پدیداراست که نظر بموقعیّت آن دروسط صفّهٔ تخت جمشید بنام کاخ مرکزی خوانده میشود وبمناسبت اینکه دارای سه دروازه سنگی بوده است آنرا کاخ سه دروازه هم نامیده‌اند.

این کاخ دارای پلکان دو جانبهٔ زیبائی درسمت شمال است که نقوش سربازان و افسران پارسی و مادی بر جبهه‌های خارجی وداخلی آن بوضع شیوائی نمایان میباشد (ش۶۴و۶۵)ـ از پلکان مزبور بایوان دوستونی بلندی بالامیرفته‌اندوازایوان بدرون سرسرای مرکزی کاخ که دارای چهارستون سنگی بوده‌است راه مییافته‌اندـ در سمت مشرق سرسرا اطاقی بوده است که فقط آثار دروازه سنگی آن باقی و دارای نقش بر جستهٔ منحصری میباشد که داریوش را بر اورنك شاهی نشان میدهد و خشایارشا ولیعهدوی پشت سراوایستاده‌است و۲۸ نفر نمایندگان ۲۸ استان کشور شاهنشاهی تخت شهریار را بالای دست نگاه داشته اند ـ ایوان دوستونی قرینهٔ ایوان شمالی باحیاط کوچکی درسمت جنوب سرسرای مرکزی واقع بوده است که از آن سوبه‌کاخهای کوچك داریوش و خشایارشا میرفته‌اند ـ پلکان کوچك ظریفی هم درسمت جنوب حیاط مزبور قرار داشت که‌با نمونهٔ سرستون عالی دارای سر انسان و تنهٔ حیوان وقطعات ستون کوچك دیگر آن کاخ درسال ۱۳۱۷ بموزه ایران باستان منتقل گردیدو درغرفهٔ هخامنشی آنجا حفظ میشود (ش۶۶تا۶۹).

در مغرب کاخ مرکزی تپّهٔ فروریخته‌أی که‌از خرده‌سنك انباشته‌است پدیدار میباشد و از قرائن چنین بر میاید که‌این تپّهٔ مصنوعی محلّ معبد تخت جمشید یاکاخ مرتفعی بوده است که در اواخر دورهٔ هخامنشی واحتمالا دورهٔ ساسانی وضع آنرا بهم‌زده قطعات پلّکانهاو نقوش بر جستهٔ آنرادر محلّهای دیگر بکار بسته‌باشندـ کاخ آپادانا نسبت به‌تپّهٔ مصنوعی موردذکردرجهت شمال قرار دارد ـ درمجاورت تپّهٔ مزبور نزدیك کرانهٔ غربی صفّهٔ تخت جمشید آثار کاخ کوچك داریوش کبیر هویدا است(ش۷۰تا۷۲) که‌بهترین ومستحکم‌ترین آثارسنگی موجود تخت‌جمشید را نشان میدهدـ درنبشته‌های بالای نقش داریوش نام این کاخ تَچرَ ذکر گردیده

است که بگفتهٔ مرحوم پرفسور هرتسفلد احتمالا معنی قصر زمستانی میدهد ـ بعلت صیقل قسمتهائی از سنگهای آن که انعکاس صورت در آن دیده میشود مردم آنرا تالار آئینه میخوانند ـ از نوشته‌های میخی این کاخ معلوم میگردد که خشایارشا کار های ناتمام آنرا پایان بخشیده و اردشیر سوّم پلّکان و مدخلی بر جانب غربی آن افزوده است ـ نوشته های متعدّد بخطّ پهلوی و کوفی و ثلث و نسخ و نستعلیق که یادگار شاهان و بزرگان و راهگذران مختلف است و بعضی از آنها اهمیّت تاریخی فراوان دارد بر سنگهای مستحکم این کاخ نقر گشته است و امتیاز دیگر آن بشمار میرود(۱).

حیاط این کاخ در جنوب آن واقعست و در جنوب حیاط نقوش بر جسته و نبشته‌ها و آثار بنای مغشوشی دیده میشود که مربوط به اردشیر سوّم بوده از محلّ دیگر بمکان فعلی انتقال یافته است و باحتمال زیاد قبلا در ساختمانی که محلّ تپّهٔ مصنوعی سابق الذّکر را اشغال میکرده واقع بوده است .

متّصل به این آثار مغشوش بر فراز صفّهٔ سنگی که بلندترین قسمت صخرهٔ طبیعی محلّ تخت جمشید است بقایای سنگی کاخ دیگری دیده میشود که نقشه و موقعیّت آن بر کلیّهٔ بناهای دیگر تخت جمشید بر تری دارد و در روزگار آبادانی زیباترین کاخهای مجلّل تخت جمشید بوده است ـ نبشته های بالای پایه‌ها و تصاویر شاه (ش ۷۳) تماماً بنام خشایارشا بوده عموم دانشمندان عنوان کاخ کوچك خشایارشا بآن داده‌اند.

در محوّطهٔ پائین و پستی که در جنوب کاخ کوچك خشایارشا واقع گردیده است اطاقهای چهار گوش مشابه هم قرار دارد که هر کدام دارای چهار ستون بوده است و اطاق باریکی هم که حکم پستو و صندوقخانه را داشته است در مجاورت هر کدام واقع میباشد ـ بین ردیف اطاقها نیز دهلیز های طولانی وسیلهٔ ارتباط آنها بوده است ـ مجموع این ابنیه را قسمتی از اندرون کاخهای تخت جمشید میشناسند و بوسیلهٔ دو پلّکان از کاخ خشایارشا بدانجا میرفته‌اند و آثار پلّکانهای مزبور در دو انتهای مهتابی باریك جنوب

(۱) درصفحهٔ ۱۹ اشاره به یکی از کتیبه های تاریخی مورد ذکر که بنام ابوکالنجار است گردید

کاخ مزبور موجود است.

کاخی هم که تجدید ساختمان کرده‌اند ومحلّ بنگاه علمی و موزه تخت‌جمشید و تأسیسات ومتعلّقات این مرکزعلمی است‌قسمت اصلی‌اندرون بشمار میرود (ش۷٤تا۷٦) وسنگ‌نبشته‌أی که‌بسال ۱۳۱۰درزیردیوارخشتی گوشهٔ‌جنوب غربی‌آن کشف گردید معلوم داشت که‌از آثارخشایارشااست. لکن قبلاً در همان محلّ‌بنای‌دیگری‌ازعهدداریوش‌موجودبود که درزمان‌خشایارشا آنرابرداشته‌بجای آن بنای‌جدیدراساختندونشانه هائی‌ازبنای اولیّهٔ قبلی درقسمتهائی ازبنای کنونی موجود ومشهود میباشد.

سراسر محوّطهٔ وسیعی که بین کاخ اندرون و کوهستان قرار دارد مشتمل برتالار ها وحیاط ها وایوانها و اطاقها و دهلیزهائی بوده است که عموم آنها را زمان داریوش کبیرساخته‌بودند وجزدونقش برجستهٔ سنگی(ش ـ ۷۷) و پایه‌های ستونها بقیّهٔ آنها از خشت و چوب بوده است و از قرار معلوم پیش از آنکه ساختمان کاخهای معظم آپدانه و صد ستون بزرگ پایان پذیرد مراسم سلام و آئین جشنهای نوروزومهرگان وغیره دراین ابنیه صورت میگرفته است ـ وجود تالار مستطیل صد ستونی وتالارچهار گوش۹۹ ستونی‌و وضع کلیّهٔ بنا نیزاین نظررا تأییدمینماید‌بخصوص که‌قطعات مجسّمه‌ومقدارزیادی‌ظروف‌سنگی‌شکسته کارمصر درخاکبرداریهای‌این‌محلّ‌پیدا شد و معلوم داشت که محلّ‌جشنهاوپذیرائیهاءعملاً درآنجابوده‌است‌وبمناسبت کشف‌اشیاءاخیراین‌قسمت‌راخزانهٔ‌تخت‌جمشیدنامیده‌اند.
(یك‌نقش برجسته بزرگ ومهمترین‌اشیاء مکشوف درقسمت‌خزانه تخت‌جمشیددرموزه‌ایران‌باستان‌است)

در زیر تمام کاخهای تخت جمشید آب رو زیر زمینی از سنگهای تراش بزرگ ایجاد کرده بودند که‌آب‌باران وفاضل‌آب‌تمام کاخ‌را بیرون میبرده‌است و بوسیلهٔ پلّکان منظّم سنگی که دریکی از اطاقهای پائین کوه رحمت درنزدیکی تالار بزرگ صد ستون قراردارد میتوان بدرون این مجرا راه یافت.

چاه بزرگ سنگی و آثار اطاقهائی که محلّ سربازان و گماشتگان کاخ بوده است در دامنهٔ کوه رحمت مشهود و برفراز تمام خطّ الراس کوهسار هم تپّهٔ

خاکی باریکی وجود دارد که نشانهٔ برج وبا روی خشتی بوده در حقیقت حصار کاخها ازسمت کوهستان بشمار میرفته است.

درسینهٔ کوه نیزدو دخمه موجود است یکی محاذی تالار بزرگ صدستون (ش-۷۸) ودیگری کمی دورتر از گوشهٔ جنوب شرقی صفّه - بیرون هردو دخمه مانند نظائر آنها که در نقش رستم موجود است وذکر آنها خواهد آمد تصویر شاه در حال عبادت برفراز اورنگ شاهی در مقابل آتش مقدّس و فروهر دیده میشود و۲۸ نفرنمایندگان ۲۸ استان کشور تخت‌شهریار رابالای دست گرفته‌اند- دخمهٔ شمالی‌منسوب باردشیر دوّم ومشتمل بردوآرامگاه بوده دخمهٔ دیگرمتعلّق باردشیر سوّم شناخته شده دارای شش آرامگاه است و نام نمایندگان هریك از ملّتهای تابعه بربالای سرآن بخط میخی منقور میباشد. (ش۷۹و۸۰)

درمحوّطهٔ‌جنوبی‌بیرون‌صفّهٔ‌تخت جمشیدهم کاخهائی‌ازدوران‌هخامنشی‌بنیاد نهاده بودند که قسمتهائی ازآنها ویك استخر بزرگ سنگی‌خاکبرداری وهویدا شده‌است(ش۸۱) وهمچنین‌برروی شال ته ستونی‌در یکی از کاخهای مکشوف در محوّطهٔ نامبرده‌نام‌خشایارشاباذکر کلمه تَچرَ منقور گردیده‌است‌ومیرساندعمارت زمستانی برای‌آن شهریار دراین قسمت ساخته بودند .

بربالای پیش آمدگی کوهسار درانتهای محوّطهٔ مزبورآرامگاه‌نیمه‌تمامی از سنگ کوه پدیدار است که منتسب به داریوش سوّم واپسین شاهنشاه هخامنشی میباشد.

در محوّطهٔ شمالی خارج از صفّه بعلت اینکه مسیل کوهسار است کمتر خاکبرداری نموده اُند و سنگهای زبره تراش چند که جهت سر ستون آماده میساخته‌انددرپائین کوه‌باقی‌است‌ودر گوشهٔ‌شمال‌شرقی‌آن‌محوّطه‌نیزدرگاه سنگی هویدا است که‌بطور یقین در ادواربعد ازهخامنشی‌از کاخ کوچك داریوش بآنجا برده و مورداستفاده قرارداده‌اند.

به مسافت یك کیلومتری شمال صفّهٔ تخت‌جمشید درجانب راستِ شاهراهِ شیراز به اصفهان گورستانی مربوط به بعداز دوران‌هخامنشی واحتمالاً نزدیکتر

بعهد اسلام در کف‌جلگه‌نزدیك کوهستان رحمت‌وجود دارد که در تابستان ۱۳۱۸ ضمن‌خاکبرداری‌کارگران راهسازی آن‌محلّ چند عدداز گورهای باستانی‌هویدا شد وهیئت علمی‌دانشگاه شیکاگو که‌آخرین‌ماههای‌اقامت خودرا درتخت‌جمشید میگذارنید (۱) درآنجا بتحقیق و تجسّس پرداخت و در نتیجهٔ کاوش علمی تعداد ۳۱ گور سفالی نزدیك هم کشف گردید- قسمت‌اعظم گورهای مزبور هرکدام از دو پارچهٔ سفالی (طول هرکدام ۸۰ سانتیمتر و عرض قسمت پهن‌تر ۵۵ سانتیمتر وارتفاع آن۱۸تا۲۰سانتیمتر) تشکیل‌می‌یافت-درون‌این گورهای‌سفالی‌استخوانهای مردگان قرار داشت و در صورت ادامهٔ حفّاری در آنجا گورهائی دیگر از ادوار نزدیك‌باوایل اسلام (پیش ازآن یابعد ازآن) پدیدار خواهد گشت و تنها از نظر علمی وتحقیقات تاریخی‌فایده‌هائی برآن مترتّب خواهد بود .

در سوی دیگر جادّه محاذی محوّطهٔ شمالی خارج صفّهٔ تخت جمشید نیز بر اثر خاکبرداری های سال ۱۳۱۱ بقایای‌آتشکدهٔ معتبری‌از شاهان‌محلّی پارس مربوط به دوران پس از سلطهٔ اسکندر کشف گردید که درگاهی سنگی پهن و کوتاهی بانقش بـر جستهٔ دو نفر در حال عبادت باته ستونها و آتشدان سنگی از آثار مهمّ آن محسوب میشود .

بمسافت دو کیلـومتری مغرب صفّهٔ تخت جمشید در وسط جلگـه بفاصلـهٔ مختصری بـر جانب راست جـادّه که بشیراز میرود آثار بنای زیر زمینی که از تخته سنگهای‌سفیدساخته‌أنـدضمن کاوشهای‌سال ۱۳۳۰ بنگاه‌علمی‌تخت‌جمشید کشف

(۱) خاکبرداری وعملیات علمی‌تخت حمشید براثرمساعی دانشمند فقید پروفسور هرتسفلد آلمانی و بریاست او با تحصیل اجازه از دولت شاهنشاهی در سال ۱۳۰۹ به هزینهٔ‌بنگاه شرقی دانشگاه شیکـاگـو که ریـاست‌آن با پرفسور حیمس هـانری برستد امریکائـی (Prof - James Henry Breasted ) بودآغاز گردید - از سال ۱۳۱٤ ریاست هیئت علمی مزبور برعهدهٔ‌آقای دکتر اریك اشمیت‌امریکائی(Dr. Erick F. Shmidt) قرار گرفت وتا آبان ۱۳۱۸ عملیات علمی هیئت مزبور کـه حقاً و انصافاً خدمتی بس‌مهم وقابل ستایش بآثـار معظم تخت جمشید بود ادامه یافت واز آن پس بنگـاه شرقی دانشگاه شیکاگو بکار خود در آنجا خاتمه داد وبنگاه علمی تخت جمشید به دستور ونظر اداره کل باستان شناسی (وزارت فرهنك) عملیات خاکبرداری وصیانت آثار مزبور را عهده دار گردیده است که تاکنون هم ادامه دارد .

گردید که آن‌هم از آثارجالب توجّه عهدهخامنشی بشمار میرود ومیتوان پنداشت که آنرا برای آرامگاه احداث کرده باشند و نگارنده در باره بنای زیر زمینی مزبوروا همیّت آن توضیحی که مناسب میدانست درمجلّدسوّم گزارشهای باستان‌شناسی ( چاپ طهران ۱۳۳٤ ) صفحات ۵۲ تا ٦۰ مرقوم داشته علاقه مندان ممکن است بدان مراجعه‌فرمایند .

پیش از آنکه بشرح آثار تخت جمشید پایان بخشدنکر این‌نکته‌را بمورد میداند که طبق نوشته های دانشمندان و جهانگردان خارجی که در عهد صفویّه ودر زمان محمّد شاه قاجار بایران آمده از آثار تخت جمشیدهم‌دیدن نموده‌أند سابقاً مردم آثار مزبور رابنامهای چهل منار وچهل‌ستون‌نیز میخوانده‌أند ـ ضمناً دو نمونه از نوشته های فارسی راکه درادوار قدیم اسلامی در بارهٔ تخت جمشید نگاشته‌أند و نمودارهائی ازچگونگی‌تفکّروتوصیف نویسندگان سلف‌رانسبت‌باین یادگارهای معظم تاریخی‌معلوم مینماید برای اطّلاع‌بیشتر علاقه‌مندان بدینگونه آثار مذکور میدارد :

ابن‌بلخی که معاصرسلطان محمّد سلجوقی(اواخر قرن پنجم هجری)بوده است در کتاب خود موسوم به فارسنامه راجع بتخت جمشید چنین مینویسد :

«چون پادشاهــی جهان‌بجمشیدرسید ••• سرائی کردآنجادر پایان کوهی که در همهٔ جهان مانند آن‌نبودست وصفت این سرای آن‌است کی در پایان کوه دکّهٔ ساخته است از سنك خارا سیاه رنگ واین دکّه چهار سواست یك‌جانب در کوه پیوسته‌است وسه جانب درصحراست‌وارتفاع این‌دکّه مقدارسی گزهماناباشد و از پیش روی دو نردبان بر آن ساخته است که سواران بـر آن اسان روند و بر سر آن دکّه ستونها از سنك‌خارا سپید بخرط کرده چنانك ازچوب مانندآن بکنده گری و نقّاشی نتوان کرد وسخت بلند است آن ستونها . هرستونی‌برشکل دیگر و نقش دیگر و از جمله آن دو ستون کی‌در پیش‌درگاه‌بودست مربّع‌است و از سنك سپید کردست مانند رخام و در همهٔ پارس از آن سنگ‌هیچ‌جای نیست و کس نداند کــه از کجا آورده‌اند و جراحت را نیك باشد چنانك پاره‌ها از آن

بر میدارند و چون کسی را زخمی آید آن را بسوهان بزنند و بر جراحت کنند در حال ببندد و عجب در آن است تا آن سنگ را چگونه ازجای توان آورد کی هر ستونی را فزون ازسی گز گردبر گرداست درطول چهل گز زیادت چنانک از دو پاره و یاسه پاره سنگ درهم ساخته وپس بصورت براق برآورده صورت براق چنین کردست کی رویش بروی آدمیان ماند با ریش و جعد و تاج بر سر نهاده و اندام وچهار دست و پای او همچنان گاو ودنبال اوهمچون ذنب گاو ـ وپس برسر این همه ستونها بناها کرده بودست و اثر آن بناها نماند است ـ امّا کودهای گل بر جای است و مردم روند و آن گل کنند و شویند و در میان آن توتیای هندی یابند ـ کی داروی چشم را شاید ـ و کس نداند کی آن چگونه درمیان گل آمیخته شدست و هر کجا صورت جمشید بکنده گری کرده‌اند مردی بودست قوی کشیده ریش و نیکو روی وجعد موی ـ ودر بعضی جایها صورت او گرداست وچنانست کی روی در آفتاب داردو بیکدست عصائی گرفته است وبیك دست مجمرهٔ دارد وبخور میسوزد وآفتابرامیپرستد و بر بعضی جایها صورت او کرده است کی بدست چپ گردن شیری یا سر گوری یاسرون کرگدنی بدست گرفتست وبدست راست خنجری کشیده ودر اشکم آن شیر یا کرگدن زده ـ ودرآن کوه گر مادهٔ کنده است در سنگ خارا با حوضها و پیوسته گرم باشد ـ وآبی گرم از دیوار وسقف آن میزاید و این دلیل آن است بر آنك چشمه گاه گوگرد بودست ـ و بر سر کوه دخمه‌های عظیم کرده است و عوام آن را زندان باد میخوانند و این ناحیت بعضی در میان استخر محلها و شهر بوده اوبیشترین بستانها وسرای جمشید بودست .» (۱)

حمدالله‌مستوفی در کتاب نزهت‌القلوب (که‌در نیمه اول قرن‌هشتم هجری تالیف نموده است) در مقاله سوّم (۲) ضمن شرحی که در باب «اصطخر» نگاشته قسمتهائی از نوشتهٔ ابن‌بلخی را با تغییر جزئی عینا نقل نموده‌است .

در کتاب عجایب نامه که از طرف مؤلّف آن بنام طغرل بن ارسلان بن طغرل

(۱) نقل از کتاب پارسی نغز گرد آوردهٔ جناب آقای علی‌اصغرحکمت چاپ طهران ۱۳۳۰ صفحات ۳۳۷ـ۳٤۰

(۲) نزهت‌القلوب‌چاپ لندن صفحه ۱۲۰

سلجوقـی (۵۷۱ ـ ۵۹۰ هجری) نگاشته شده آثار پاسارگاد و تخت جمشید از جملهٔ کارهائی بشمار رفته است که دیو و پری آنرا ساخته اند و بیانی شیرین در توصیف این آثار نموده است آنجا که مینویسد :

« بدان که کار دیو و جنّ دروغ نباشد و کسی که دیده باشد ولایت فارس وتاج گاه سلیمان علیه السّلام بداند که من مخاریب وتماثیل وجفان کالجواب از عمل دیو است وجایی که قصر جمشید گویند هزار استون است نهاده از مراحلها بینند هر یك چهل و هشت آرش بالای آن و ستبری هر یك چهـار مرد را دست پیرامون آن در نیاید و در وسع بنی‌آدم نیاید که آنرا نصب کند و از آن عهد بسی‌دعوی کردند که بجرّالثّقیل‌مثل‌آن کنند نتوانستند کردن . پس‌معلوم شد که آن نه بقوّهٔ شیاطین کرده‌اند ودرین بقعه سرای کرده است ازسنگ سیاه کرده و صورتهای سنگین از دیلمان و غلامان و مویهای دیلمان جعد وزلفهای ترکان که صفت آن نتوان کردن وتانبینندشگفتی آن معلوم نشود که سنگها برهم نهاده‌اند هریك ده‌هزارمن ومیان دوسنگ‌موی‌در نرود وبرین تاج دوگاو کرده اند سنبها از آن گاو وریشها از آن آدمی دراز دوانزده آرش طول وعرض آن ووزن‌آن خدای داند یکی برین گوشه و یکی بر دیگر برگوشه . مقصود از این آنست که درین عهد آدمی مثل‌آن نتوان کردن . اگر گویند که دیو وپری کرده‌است عقل آنرا قبول کند » (۱)

نمونه‌أی از خطّ میخی پارسی باستانی در تخت جمشید مشتمل بـر چند سطر ابتدای‌لوحهٔ دوّم نبشتهٔ بزرگ دیوار جنوبی صفّه بنام داریوش اوّل باقرائت وتلّفظ وترجمهٔ‌آن ضمن تصاویرآخر کتاب ( ش ـ ۸۲ ) بـرای ملاحظه واطلاع

(۱) نقل از مجلهٔ راهنمای کتاب ـ شمارهٔ اول ـ سال سوم ـ اردیبهشت ۱۳۳۹ ـ صفحهٔ ۳۰ مقالهٔ آقای محمد تقی دانش پژوه در بارهٔ کتاب عجایب نامه ـ نام مؤلف کتاب در مقالهٔمزبور نقل از کتب مختلف قدیم بچند صورت نقل گردیده است وعلاقه‌مندان باطلاعات بیشتردر این قسمت ممکن است بان مقاله مراجعه فرمایند .

خوانندگان علاقه‌مند نموده شده است .

آثار تخت جمشید در تاریخ ۲٤ شهریور ماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۰ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است.

اینك بمعرّفی اجمالی آثار دیگر جلگهٔ مرودشت میپردازد :

## ۳ــ نقش رجب

در سه کیلو متری شمال تخت جمشید جانب راست جادّهٔ شوسه که بسوی اصفهان میرود فضای کوچك عقب رفتگی در کوهستان وجود دارد و نقوشی از اردشیر بابکان و شاپور اوّل در آنجا حجّاری کرده‌اند . این محلّ‌را نقش رجب میخوانند وعلّت این‌نام جز شهرت محلّی عجالتاً دلیلی ندارد . مرحوم فرصت‌الدّوله در کتاب‌آثار عجم نوشته است که‌آنرا نقش قهرمان‌هم میخوانند . آثارنقش رجب شامل سه نقش برجسته است : سمت روبرو نقش برجستهٔ اردشیر بابکان را نشان میدهد که شعار سلطنت را از مظهر اهورا مزدا میگیرد؛ دروسط آنهانقش دو طفل دیده میشود که یکی‌ظاهراً ولیعهدودیگری حامل گرز شهریاری است . پشت سر اهورا مزدا نقش دو بانو در حال احترام نموده شده، پشت سر اردشیر خواجه سرائی مگس پران بدست دارد و شخصیت عالیقدرتر بحال کرنش ایستاده است ؛کمی عقب تر خارج از هشت نقش مزبور تصویر کرتیرموبد معروف و مقتدر دوران شاهنشاهان اوّل ساسانی بحال احترام با نبشتهٔ مفصّل پهلوی بنظر میرسد ؛ نبشتهٔ پهلوی آسیب دیده ای هم در نزدیك نقش اردشیر نقر نموده اند که مضمون ترجمهٔ قسمت خوانای آن جملهٔ زیر است :

«آئین زردشت از بین رفته‌بود من‌که شاهنشاهم آنرا از نو برقرار نمودم.»

دو نقش برجستهٔ دیگر تصویر شاپور اوّل فرزند اردشیر بابکان را مینماید : نقش‌جانب‌راست‌مظهر اهورا مزدا را سوار بر اسب نشان میدهد که شعارشهریاری را به‌شاپور درحال سواری‌براسب‌میبخشد (ش۸۳) . درنقش جانب چپ شاپورسوار براسب است ونه‌نفر از بزرگان کشور پشت سروی ایستاده‌اند و علامت خاندانهای

بزرگ واسپهبدان بر کلاههای چند نفرشان نمودار میباشد . آثار نقش رجب در تاریخ ۲٤ شهریور ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۲ درفهرست آثار ملّی ایران به ثبت رسیده است .

## ۴ـ تخت گوهر یاتخت رستم

نزدیکی نقش رجب داخل جلگه کنار رودخانهٔ پلوار آثاری نظیر قسمت پائین آرامگاه کورش مرکّب از تخته سنگهای منظّم بصورت ناتمام وجود دارد . دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد درسال ۱۳۱۱ با وسایل میکانیکی سنگهای آنرا برای تجسّس سنگ نبشته یا اسناد تاریخی دیگری درهم ریخت وهیچگونه نتیجه هم ازاین اقدام بیمورد بدست نیامد .

## ۵ ـ نقش رستم

چــون از راه فرعی محاذی نقش رجب بسمت جلگه پیش روند وازرودخانهٔ پلوار بگذرند پس ازپیچ وخمهای چندی راه فرعی مزبور بسمت شمال غربی وبجانب انتهای کوهستان حاجی آباد پیش میرود وبمسافت چهار کیلومتر بکوه حاجی آباد میرسد. دراین مکان آثار تاریخی بس مهمّی از عهد ایلام و شاهنشاهان هخامنشی وساسانی وجود دارد وبمناسبت بلندی وشگرفی آثار و نقوش آن بنام نقش رستم خوانده میشود (۱) . محلّ مزبور در کوه حاجی آباد پیش از دوران هخامنشی مکانی متبرّك بوده نقش بر جستهٔ مذهبــی عهد عیلام که ذکر آن بعداً خـواهد آمد از لحاظ جنبهٔ مذهبی آنجا احداث گردیده بود . هنگامیکه بمحوّطهٔ نقش رستم میرسند نقوش بــرجستهٔ عهــد ساسانیــان در قسمت پــائین کــوه و آرامگاههای شاهنشاهان هخامنشی بر بالای کوه وبنای سنگی چهار گوش بسیار موزون واستواری برجانب راست جلب توجه مینماید . بنای مزبور بنام کعبهٔ زردشت

---

(۱) در سفرنامهٔ فلاندن بایران (۱۸٤۰ـ۱۸٤۱ میلادی مطابق ۱۲۵٦ـ۱۲۵۷ هجری قمری) ترجمهٔ حسین نور صادقی ـ چاپ طهران ۱۳۲٦ ـ صفحه ۲۳۲ ـ اشاره شده است که محل نقش رستم سابقاً قبرستان گبرها نامیده میشد وبعداً نام آن به نقش رستم تغییر یافته است .

خوانده میشود واز مهمترین آثار منحصر بفرد عهد هخامنشی بشمار میرود که از آسیب مردم جاهل هم‌بدور نمانده است . دقّت واستادی که درجزم کردن وتراش منظّم تخته سنگهای بزرگ سفید و تناسب شگرف این بنای مهمّ بکار رفته است از مهارت استادان عهد هخامنشی حکایت میکند ( ش ـ ٨٤ ). بنای کعبهٔ زردشت بعقیدهٔ جمعی ازباستانشناسان جهت آرامگاه ساخته شده‌است‌وجمعی دیگر آنرا محلّ حفظ آتش مقدّس میشناسند و نظریّات دیگری هم در بارهٔ آن وجود دارد که ذکرآنهادراین‌مختصر موردپیدانمیکند .درزمان‌شاپوراوّل‌نوشته‌هائی‌بخطوط پهلوی و یونانی بر پائین دیوارهای کعبهٔ زرتشت نقر کرده درآنها از پیروزیهای این شهریار ومجاهدتهای اوو کرتیر موبد معروف دوران وی در خاموش کردن نهضتهای‌مذهبی‌مخالف‌آئین زردشت‌صحبت‌رفته‌است‌ونام کعبهٔ‌زردشت درنوشته‌های مزبوربن خانه‌آمده‌است که بگفتهٔ برفسورهنینگ[۱] مقصود ازآن محلّ‌اسنادو نوشته‌های مذهبی‌و نسخهٔ اوستای مقدّس بوده‌است[۲] والبته‌این‌امرمانع‌نخواهدبود که بنای نامبرده درعهد هخامنشی‌بنابراعتقاد عدّه‌ای‌ازدانشمندان جهت آرامگاه ساخته شده باشد.

چهار آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی که بر بالای کوه دیده میشودبترتیب از راست بچپ‌منسوب یامتعاق‌به‌خشایارشا وداریوش کبیرو اردشیراوّل وداریوش دوّم میباشد .

آرامگاه‌خشایارشا روبجنوب غربی قراردارد واز سایر آرامگاهها بلندتر ومحفوظ‌تر است. آرامگاه داریوش کبیر( ش ـ ۸۵) دارای‌نبشته‌های مفصّل میخی مشتمل برنیایش اهورامزداو مضامین‌بسیار عمیق روحانی و معنوی بوده داریوش کبیر معتقدات دینی و انـدرز های گرانبها و نام کشور های تابع خودرا درآن بیان داشته از خدای متعال برای کشوروملّت‌خودنیکوئی وراستی وبرکت‌خواسته است . درون آن جایگاه نه جسد را بـوضعی بسیار منظّم ودقیق در سنـگ کـوه تراشیده‌اند وبیرون‌آن‌مانند تمام آرامگاههای‌دیگرصورت شاه را درحال نبایش

(۱) Prof. W. B. Henning

(۲) مجلدچهارم گزارشهای باستان‌شناسی ـ چاپ شیراز ۱۳۳۸ ص۱۸۳

برفراز تخت شاهی نشان میدهد ونمایندگان ملّتهای تابع ایران تخت را بربالای دست نگاهداشته‌اند وخاصّان و نزدیکان شاهنشاه درپشت سروی یا کنار تخت قرار دارند (ش–۸٦) وروبروی او آتش مقدّس وفروهر جلوه گیری میکند. آرامگاه سوّم منسوب باردشیر اوّل و آرامگاه چهارم مربوط بداریوش دوّم شناخته شده است .

نقوش برجستهٔ پائین کوه نیزبه ترتیب ازراست بچپ بدینقرار است :

نقش اوّل که درپائین کوه حجّاری شده است تصویر نرسی ( ۲۹۵ تا ۳۰٤ میلادی) پسرشاپور اوّل را نشان میدهد کــه حلقهٔ شهریاری را ازمظهر اناهیتا ( ناهید ) میگیرد . دراین حجّاری طرزلباس و تاج و موی سر و زینتهای شاهنشاه ونواری که به مچهای پامیبستند تاهنگام راه رفتن کوتاهی وسنگینی گامها بهتر وقار شاهنشاه را بنماید شایستهٔ توجّه مخصوص است . مظهر ناهید بصورت بانوئی موقّرحلقهٔ پادشاهی رابه نرسی‌میدهد . بین‌آن دونفرطفلی ایستاده است که تصوّر میرود هرمز دوّم ولیعهد باشد وپشت سرنرسی ظاهراً وزیــر وی باتصویر ناتمـام یکی ازبزرگان مشاهده میگردد(ش–۸۷) .

نقش دوّم – این‌حجّاری درزیر آرامگاه داریوش بزرگ قراردارد ومشتمل بردو مجلس است که بوسیلهٔ خطّ نسبتاً باریکی از یکدیگر جـدا میباشد هردو مجلس شبیه بهم بوده تصویر بالائی بهرام دوّم (۲۷٦ تا ۲۹۳ میلادی) را درجنگ با دشمنش نشان میدهد (ش–۸۸) .

نقش‌سوّم – بزرگترین ومجلّل‌ترین حجّاری‌عهدساسانی درنقش‌رستم مشتمل برصحنهٔ‌پیروزی‌شاپوراوّل(۲٤۲تا۲۷۱میلادی)بروالرین[1]امپراطوررم(ش–۸۹) . دراین حجّاری شاپوراوّل باکمال حشمت براسب‌نشسته والرین درمقابل اوزانوی تسلیم برزمین‌زده است . یکنفررومی‌هم که تصوّرمیرود سیریادیس[2] یاکردیاس رقیب والرین باشد جلواسب ایستاده شاهنشاه ایران دست بسوی او دراز کرده ظاهراًحلقهٔ فرمانروائی کشوررم شرقی‌رابوی‌میسپارد . پشت‌سرشاپورنبشتهٔ بزرگ

(۱) Valerien

(۲) Cyriadis

بخطّ پهلوی وتصویر کر تیرموبد بزرگ و نیرومند دوران وی دیده میشود. نبشتهٔ مزبورهم مانندنبشتهٔ کعبهٔ زرتشت از نام و نشان و نیای شاپورومجاهدتهای اودرراه استحکام مبانی آئین زرتشت حکایت مینماید.

نقش چهارم ـ این نقش پیروزی هرمزدوّم (۳۰۲ تا ـ ۳۱۰ میلادی) شهریار ساسانی را نشان میدهد که دشمن خودرا بااسب وی روی هم غلطانیده است (ش ـ ۹۰).

بالای این نقش آثارمجلس حجّاری دیگری دیده میشود که کاملا فرسوده شده تقریباً تمام آن ازمیان رفته است. تنهاطرح سروتارك پادشاه دروسط آن تاحدّی نمایان مانده است واز آنچه باقی است بخوبی میتوان احتمال داد که نقش برجستهٔ شاپوردوّم یعنی شاپور ذوالاکتاف (۳۱۰ تا ۳۷۹ میلادی) باشد وچیز دیگری از موضوع حجّاری وتعداد اشخاص آن اساساً معلوم نیست (ش ـ ۹۱).

نقش پنجم ـ این نقش شبیه دو نقش پیروزی بهرام دوّم است که ذکر آن گذشت. بعقیدهٔ برخی دانشمندان در این مجلس نیز صحنهٔ پیروزی بهرام دوّم (۲۷۶ تا ۲۹۳ میلادی) نموده شده دشمن شاه نیزه اش شکسته واسبش ازپشت برزمین فرونشسته است. پشت سر شاه برچم جالب توجّهی را حجّاری نموده اند.

نقش ششم ـ این نقش اهمیّت مخصوص ومنحصربفردی دارد ـ بطوریکه در آغاز شرح نقش رستم اشاره نمود در دوران عیلامیان یعنی هزارهٔ دوّم پیش ازمیلاد نقش برجستهٔ مذهبی درآنجا حجّاری کرده بودند ـ نقش برجستهٔ مزبور درهمین محلّی بوده است که تصویر بهرام دوّم شاهنشاه ساسانی باخاصّان و نزدیکانش را نیزحجّاری کرده اند (ش ۹۲) ـ درسمت راست مجلس حجّاری بهرام دوّم بیرون ازمجلس مزبورنقش یکنفر تمام قد ایستاده وسمت چپ خارج ازمجلس مزبور حجّاری یك سروصورت دیده میشود که هردوی آنها باقی ماندهٔ دوانتهای صحنهٔ مذهبی عهدعیلام میباشد ـ نقش تمام قدّ بهرام دوّم دروسط وصورت ملکه وولیعهد وبزرگان کشور به هیئت نیم تنه دردوطرف آن حجّاری گردیده و برروی قسمت صاف سنگ هنگامیکه سایه روشن آفتاب مساعدت کند آثاردیگری هم ازقسمت اصلی حجّاری دوران عیلام بطورمحو نمایان میشود وتاحدّ زیادی شبیه نقش عیلامی

کورانگون درنزدیکی فهلیان‌واقع درخاك ممسنی‌بوده است که درجای خود ذکر آن خواهد آمد .

نقش‌هفتم ــ آخرین نقش ازلحاظ ترتیب این کتاب ونخستین نقش ساسانی که درموقع رسیدن به نقش رستم مشاهده میشود مجلس حجّاری اردشیر بابکان (۲۲۶ تا ۲۴۲ میلادی) است که حلقهٔ شهریاری را ازمظهر اهورا مزدا میگیرد . اردشیر برجانب چپ‌واهورا مزدا برجانب‌راست هردو سوار براسب حجّاری شده‌اند (ش۹۳) درزیر پاهای اسب اهورامزدا شخصی برخاك افتاده است که موهایش را بشکل مار نموده‌اند ومظهراهریمن است ــ زیرپای اسب اردشیرهم تصویر شخصی است که برخی آنرا نقش اردوان پنجم آخرین پادشاه اشکانی و بعضی آنرا یکی ازمدعیان سلطنت اردشیرمیدانند .

علاوه برتمام‌آنچه گذشت درمحلّ تاریخی نقش رستم آثاری مکتوم درخاك یااحیاناًدرپائین کوه پوشیده ازدیدارسادهٔ بینندگان‌وجود دارد که کشف‌وتوضیح آنهانیازمند کاوشهای علمی‌وبررسیهای‌دقیق بوده عجالتاً دراین‌مختصر بحث‌دربارهٔ آنها مورد پیدا نمی کند .



بفاصلهٔ کمی ازمحوّطهٔ نقش رستم درسوی دیگر کوه حاجی‌آباد چون رو بشمال روند دوبرج سنگی کوچك متعلّق بعهد هخامنشی دیده میشود که آنهارا ازسنگ کوه‌تراشیده‌اند. بربالای‌این‌دوبرج گودالهائی‌است که‌محلّ آتش‌بوده‌است وبدین قرارمعلوم میگردد آتشگدهٔ دائر ووسیعی ازعهد هخامنشی درمجاورت مکان متبرّك آرامگاه شاهنشاهان هخامنشی وجود داشته است که آتشدانهای آن مشهود میباشد و درنقاط بالاتر کوهستان مجاور آنها نیز گودالهای دیگرآتش در ارتفاعات مختلف موجود است . بمسافت مختصری بالاتراز این‌محلّ درپائین صخرهٔ کوهستان حفره‌هائی که استودانهای عهد ساسانی است واستخوانهای مردگان را درآن میگذاردند وجوددارد ومردم دهات مجاوراین‌محلّ اخیررا بنام**شاه اسمعیل** میخوانند ــ بمسافت‌بیست کیلومتربالاتراز این‌محلّ‌در کوه شمالی آبادی **گرم آباد**

نیز ٤٥ عدد استودان وجود دارد که ١٩عدد آن بالای کوه و٢٦ عدد بقیّـه درپائین کوهستان واقعست ـ آثار نقش رستم درتاریخ ٢٤ شهریورماه ١٣١٠ ذیل‌شماره ٢١ درفهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است.

## ٦ـ آتشکده و نوشته‌های پهلوی حاجی آباد

چون ازمحوّطهٔ نقش‌رستم بسمت دیگر بیرون روندوجادّه‌ای را که دردامنهٔ کوه بجانب‌مشرق‌ادامه داردبپیمایندپس‌ازطی قریب دو کیلومتردرفاصلهٔ کوتاهی برجانب چپ جـادّه تخته سنگی دیده میشود که ازسنگ طبیعی کوه تراشیده و درآورده‌اند وطول‌آن‌قریب ٥ متروپهنا و بلندی‌آن کمی بیش‌ازسه متراست‌وبالای آن گودال جای‌آتش را کنده‌اند ـ این آتشدان از عهد هخامنشی بنظر میرسد ودرحول وحوش‌آن آتشدانهای کوتاهتر وبقایای آتشکدهٔ آنزمان وجود دارد. دورتر ازاین محـلّ درمسافت قریب پنج کیلومتری مشرق نقش رستم بمحاذات ویرانه‌های استخرمیرسند ـ دراین‌محلّ درداخل غاری از کوهستان که‌بنام**مغارهٔ شیخ‌علی** خوانده میشود درون دو طاقچه نبشته‌های پهلوی وجود دارد که بعلّت روشن وخوانا بودن‌آنها نخستین خطوط پهلوی است که دانشمندان بخواندن‌آنها توفیق یافته‌اند و مشتمل برنام وعنوان ٩ نیـای شاپور اوّل وشرح هنرنمائی این شهریار درتیراندازی او است که درحضور بزرگان کشور تیررا بسوی دیگر قلّهٔ کوهسارپرتاب نموده است. از گوشهٔ غارمزبورراه باریك ودشواری‌ببالای تنگنای کوه میرود و بمحوّطهٔ کوچکی میرسد که درخت بیدی سایه افکنده مزارعارفی بنام **شیخ‌علی** درآنجا وجود دارد. چون این آثارنزدیك دهکدهٔ حاجی‌آباد کـه برروی قسمتی از ویرانه‌های استخربنا شده بودواقع است لـذا بنام آثار تاریخی **مغارهٔ حاجی‌آباد** نیزخوانده میشود ـ آثار مزبور درتاریخ ١٨ تیرماه١٣١١ ذیل شماره ١٨٣ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده است.

درنقاط مختلف‌دیگر کوه‌رحمت‌و کوههای‌نزدیك‌آن‌استودانهای‌عهدساسانی و دربرخی موارد ازعهـد هخامنشی موجود است و همچنین دربعضی نقاط برفراز

کوهسارهای نامبرده حفره‌هائی دیده میشود که در ازمنهٔ پیش از اسلام محلّ افروختن آتش و مربوط بمراسم مذهبی بوده است ـ برای نمونهٔ اینگونه آثار علاوه بر محلّ موسوم به‌شاه اسمعیل و استودانهای واقع در کوهسار شمال گرم آباد که ذکر آنها گذشت محلّ دیگری در کوهستان نقش رستم وجود دارد که حفره‌های آتشدان در آنجا است وبنام پوزهٔ آب بخشان خوانده میشود و همچنین استودانهای عهد هخامنشی بنام آخور رستم در کـوه رحمت بین تخت‌جمشید وخیر آباد (۱۴ کیلو متری جنوب تخت جمشید) واستودان نزدیك آبادی فلاٖنك را که‌بنام کوه‌ایّوب خوانده میشود میتوان نام‌برد ونظائر آن‌هادرحول وحوش کوه مزبور وجوددارد که‌توضیح دربارهٔ آنها دراین کتاب مختصر مورد پیدا نمیکند .

## ۷ـ قدمگاه

آخرین اثرتاریخی پیش‌از اسلام‌در کوه رحمت موسوم به‌قدمگاه است که، درمنتهاالیه قسمت جنوب کوه مزبور درشمال آبادی موسوم به‌چاشت خوار واقع میباشد و مشتمل برصفّهٔ دو اشکوبه است که در دل کوه تراشیده اند (ش ـ ۹۴) درازای هردوصفّه ۲۰/۳۰ متر بـوده صفّهٔ پائین درارتفاع ۳/۳۰متر از کف‌جلگه به پهنا یاعمق ۱۳ متر تراشیده‌شده‌است وصفّهٔ دوّم درارتفاع ۴/۲۵ متر نسبت بصفّهٔ اوّلی وبه پهنایاعمق ۱۵/۲۰متر ایجاد گردیده است. درهریك‌از دوجانب بالای صفّهٔ پائینی پلّکانی به پهنای ۲/۲۰ متر مشتمل بر ۱۷ پلّه(بلندی هرپلّه ۲۰ سانتیمتر وپهنای هرکدام ۴۲ سانتیمتر است) تراشیده‌اند که بوسیلهٔ آنها ازصفّهٔ اوّلی به‌صفّهٔ بالائی میرفته‌اند . کلیّهٔ بدنه های‌این صفّه‌ها یعنی‌دیوار بین کف‌زمین وصفّهٔ‌اوّلی وبدنه‌های سه‌طرف‌صفّهٔ‌اولی‌وهمچنین بدنه‌های‌طرفین صفّهٔ‌بالائی کاملا قائم‌وصاف‌است‌واثری‌در آنها احداث‌ننموده‌اند . تنهادربدنهٔ بزرگ‌صفّهٔ بالائی که‌درازای آن‌همان‌درازای هردو صفّه یعنی ۲۰/۳۰ متر و بلندی یا پهنای آن ۱۲/۲۵ متر میباشد دو ردیف طاقچه‌های سنگی‌هرردیف مشتمل برپنج طاقچه درسنگ تراشیده اند که قسمت اعظم آنها فرو ریخته مختصری ازبرخی ازآنها نمودار است .

آقای دکتر واندنبرگ[۱] بلژیکی استاد باستانشناسی دانشگاه گاند[۲] که از طرف ادارهٔ کلّ باستان‌شناسی ایران ضمن تجسّسات و بررسیهای علمی خود در بهار و تابستان ۱۳۳۱ این محلّ را کشف نمود دربارهٔ چگونگی استفادهٔ از آن چنین اظهار نظر کرده است که محلّ مزبور بعلّت ناتمام ماندن معلوم نیست بچه کار میخورده است و احتمال میدهد که یا محلّ آتشکده درهوای آزاد بوده قصد داشتند طاقچه ها را عمیق‌تر کنند که آتش را در آن نگهداری نمایند و یا اینکه طاقچه‌ها برای محلّ گذاردن استخوانهای مردگان آماده میشده است و حدس دوّم را بیشتر مقرون بصواب میداند و باتوجّه باین نکته که نگهداری آتش ارتباطی باتهیّهٔ طاقچه ندارد حدس اوّل بنظر صحیح نمیرسد و با حتمال نزدیك بیقین محلّ قدمگاه برای انجام آئین مذهبی مربوط بمردگان ترتیب داده شده طاقچه‌ها نیز استودانهای منظّمی از عهد هخامنشی بوده است .

بطوریکه ملاحظه میشود محلّ قدمگاه که اثر مذهبی عهد هخامنشی تشخیص داده شده است مانند بسیاری آثار مذهبی پیش از اسلام ایران بدلیل نامی که بر آن نهاده‌اند در دوران اسلامی هم دارای جنبهٔ مذهبی بوده است وذکر این نکته شایسته بنظر میرسد که نام کوه رحمت نیز خالی ازجنبه دینی وتبرّك نیست و در اینمورد مناسب میداند عین نوشتهٔ آقای علی‌سامی رئیس بنگاه علمی تخت‌جمشید را در اینجا نقل نماید :

« کوهی که قصر معظم تخت‌جمشید در دامنهٔ آن قرار گرفته ودرهر صبحگاهان خورشید از آن سربر میآورد بکوه رحمت معروفست و نویسنده نخستین بار نام این کوه رادر کتاب شیرازنامهٔ ابن ابی الخیرزرکوب شیرازی که در قرن هشتم هجری برشتهٔ تحریر درآمده درصفحه ۱۲۳ دیدم که ضمن ذکراوتاد و نُسّاك در شرح حال قطب‌الدّین کُمهری مینویسد: در کوه رحمت که قرب قصبهٔ فاروق است معتکف بوده ودراینجا اشتباهی کرده که کوه رحمت رانزدیك قصبهٔ فاروق نوشته درحالی که فاصلهٔ این‌دو محلّ زیاد واقلابیست کیلو مترمسافت دارد. علاّمهٔ فقید

(۱) Dr. L. Vanden Berghe (۲) Gand

مرحوم قزوینی و دانشمند محترم آقای عباس اقبال ذیل صفه ۳۷۱ شدّالازار مینویسند که کوه رحمت ترجمهٔ تحت اللفظی کوه مهر یا کمهر میباشد. [۱]

هم اکنون نیز زیارتگاه بسیار مصفّا وروحانی برفراز محلّ بلندی دردامنهٔ شرقی کوه رحمت بمسافت قریب نوزده کیلومتری جنوب تخت جمشید واقعست که بنام سلطان ولایت خوانده میشود و بعقیدهٔ مردم برادر امام هشتم(ع) در آنجا مدفون است ـ در این محلّ چشمهٔ آبی وجوددارد که به استخری میریزد و بمصرف مشروب شدن باغهائی بسیار معدود میرسد وروز های ۲۱ رمضان و ۲۸ صفر که مصادف با شهادت مولای متّقیان حضرت امیر المؤمنین علی (ع) وفرزندش حضرت امام حسن مجتبی (ع) است مردم مرودشت بیشتر باین زیارتگاه روی میآورند[۲] ودراین نقطهٔ کوهسار تاریخی ومتبرّک رحمت عرض راز ونیاز میکنند.

بنای بقعه منحصر بیك اطاق باسنگ شالوده وطاق آجری است وهیچگونه نوشته و اثر هنری ندارد لکن درختان سبز ومنظر جان پرور آن نمودار وجود نیایشگاهی بامعنی وحقیقت در آنجااست

## ۸ ـ آثار پیش از تاریخ جلگهٔ مرودشت

کاوشهای علمی و گمانه‌هائی که درتپّه های مختلف جلگهٔ مرو دشت انجام گرفته است بخوبی معلوم میدارد که هزاران سال بیش از آنکه داریوش کبیر تپّهٔ سنگی را بر دامان کوه رحمت جهت احداث کاخهای معظم خود انتخاب نماید اقوام متمدّنی در دشت وسیع مزبور میز بسته‌اند وظروف سفالی منقوش یاساده واسباب و وسایل زندگی مختلف از خود گذارده‌اند ـ نخستین بار ازطرف هیئت علمی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو بریاست دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد[۳] توسّط

(۱) ـ نقل از مقالهٔ آقای علی سامی تحت عنوان کاخ آپادانا درمجلهٔ اطلاعات ماهانه شماره ۶۱ فروردین ۱۳۳۲

(۲) اطلاعات مربوط به بقعهٔ سلطان ولایت توسط آقای علی سامی تهیه وباختیار اینجانب گذارده شده‌است وبدینوسیله ازمساعدتها وهمکامیهای معیدشان یکبار دیگر اظهار سپاسگزاری مینماید

(۳) Prof. E. Herzfeld.

دکتر لانگسدورف [۱] و همسرش در سالهای ۱۳۱۰و۱۳۱۱ در تل باکون دو کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید کاوش علمی صورت گرفت وظروف سفالی منقوش بسیار جالب توجه مربوط بحدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد بدست آمد (ش-۹۵). پس از آن آقای محمود راد مدیر بنگاه علمی تخت جمشید درسال ۱۳۲۰ شمسی در تپهٔ بزرگ معروف به تل شقا که بمسافت ۱۷ کیلومتری تخت جمشید در جانب جنوب شرقی آبادی گشک واقعست کاوش علمی بعمل آورد و ظروف سفالی با نقوش رنگین شطرنجی و پرندگان (ش-۹۶) وهمچنین برخی اشیاء مسی بدست آمد که مربوط به هزارهٔ سوم پیش از میلاد شناخته شد، تل شقا از نظر مساحت بزرگترین تپهٔ ماقبل تاریخی مرودشت بوده قریب ۲۵۰ متر طول و ۲۱۰ متر پهنای آنست

بر اثر کاوش تل شقا پس از چندسال آقای دکتر واندنبرگ [۲] دانشمند بلژیکی مهمان دانشگاه تهران درسال ۱۳۳۰ با موافقت وهمکاری باستان شناسی و بنگاه علمی تخت جمشید در تپهٔ مزبور کاوش علمی مجددی بعمل آورد وضمناً در تپه‌های مختلف دیگر نیز بانجام کاوشها و گمانه های علمی مبادرت ورزید. درسال ۱۳۳۸ هم هیئت باستان شناسان ژاپنی در تپه‌های مجاور دهکدهٔ خیرآباد کاوشهای علمی دقیق انجام دادند . در اینجا نام و اندازه وموقعیت تپه‌های ماقبل تاریخی مرودشت را که بر اثر کاوشها و تجسسات مختلف مزبور تاکنون شناخته شده است به ترتیب اهمیت آنها مذکور میدارد:

تل باکون ـ مشتمل بردو تپهٔ مجاور یکدیگر بارتفاع قریب ۶ متر یکی بوسعت ۲۷۰۰۰ ودیگری قریب ۲۰۰۰۰ متر مربع دردو کیلو متری جنوب غربی تخت جمشید (این دو تپه در تاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ ذیل شماره ۱۸۹ درفهرست آثار ملی ایران بثبت رسیده است)

تل شقا ـ بابعاد تقریبی ۲۱۰ × ۲۵۰ متر وبلندی ۹ متر در جنوب شرقی آبادی گشک ۱۷ کیلومتری جنوب غربی تخت جمشید

---

(۱) Dr. A. Langsdorff

(۲) Dr. D. L. Vander Berghe

تل‌جری الف ـ بابعاد ۹۷ × ۹۴ وبلندی ۵ مترنزدیك‌قریهٔ خیرآبادبمسافت ۱۶ کیلومتری جنوب تخت جمشید

تل‌جری ب ـ بابعاد ۹۴ × ۷۳ متر وبلندی ۱/۵ متر نزدیك قریهٔ خیرآباد بمسافت ۱۶ کیلو متری جنوب تخت جمشید

تل‌هادی ـ بابعاد ۶۴ × ۶۷ متروبلندی۳ متردرجنوب‌شرقی‌قریهٔ‌مقصود آباد

تپّه موشکی ـ بابعاد ۵۶ × ۵۸ متر وبلندی ۱ متر درمغرب جادّهٔ خیرآباد وعزّ آباد

تل گپ‌تاج‌آباد ـ بابعاد ۱۲۰ × ۴۰ وبلندی قریب ۴ متر درمغرب دهکدهٔ تاج آباد

تل‌روباهی ـ تقریباً محاذی باسطح جلگه ونزدیك تل هادی

تل گرگی ـ بین تخت جمشید وشمس آباد

تل گپ کناره ـ بابعاد ۶۵ × ۸۵ وبلندی۴ مترنزدیك‌آبادی کناره . این‌تپّه آثار اسلامی‌هم دارد

تل‌چهل برجی ـ درمغرب جادّه رجا آباد وبند امیر

تل‌سبز ـ درمشرق جادّهٔ مرودشت وپل‌خان

تپّه‌های دیگرهم هست که با کاوشهای بعدی اطّلاع روشن در بارهٔ‌آنها بدست خواهدآمد و ذکرآنها درحال حاضر مورد پیدا نمیکنند

## ۹ـ آثار تاریخی ادوار اسلامی جلگهٔ مرودشت

درجلگهٔ مرودشت‌آثاربرجسته‌ای هم‌ازدوران‌اسلامی‌باقی‌است که‌مهمترین آنها بوسیلهٔ امیرعضدالدّولهٔ‌دیلمی(۳۵۶ تا ۳۷۲ هجری)ایجاد گردیده است.عمده آثار مزبور بدینقرارمیباشد :

**قلعهٔ استخر**

در انتهای شمال غربی جلگهٔ مرودشت سه کوه منفرد و مجزّا از یکدیگر در وسط صحرا بدنبال یکدیگر واقع گردیده که نام‌آنها قلعه شکسته

واشکنون واستخر است

بر بالای کوه سوّم قلعهٔ معروف استخر از طـرف عضد الدّوله دیلمی ایجاد گردیده استخربزرگ آب درمحلّ مناسب آن ترتیب داده‌شده بودواکنون درخت سرو چندین‌صد ساله در کنار بقایای استخر درمیان ویرانه‌های ابنیهٔ سنگی‌قلعه پایداراست. برای‌رفتن بدانجاباید دنبالهٔ راه فرعی راکه ازجانب‌مغرب نقش‌رستم روبشمال غربی‌امتداد داردپیمود . پس‌از گذشتن از آبادیهای سارویه و گرم‌آباد در کنارقریهٔ کوچکی که‌بنی یکّه‌نام‌دارد به‌سمت چپ‌متوجه گشته بجانب کوهسار میروند وبراهنمائی‌افرادی‌از قریهٔ مزبور باراه‌پیمائی تقریبادوساعت‌در کوهستان بویرانه‌های این‌قلعه شگرف میرسند

**بندامیر**

درجانب جنوب شرقـی مرودشت تقریبا درانتهای دیگر این جلگهٔ‌پهناور برروی رود کُربند محکمی کـه‌قسمت بـالان آن پل‌است بنام بند امیر وجود دارد که‌آنهم از آثار عضدالدّولهٔ‌دیلمی وازمهمترین‌ابنیه‌قرون‌اوّل اسلام درایران بشمار میرود(ش ۹۷ ) وبراثر آن آبیاری وانشعاب نهرهائی که آبادیهای دور و نزدیك رامشروب‌مینماید انجام‌میگیرد. در کتاب آثار تـاریخی مرو دشت تألیف آقای‌علی‌سامی(صفحه۱۹۰)تاریخ ساختمان بندامیرسال۳٦٥هجری‌ذکرشده‌است

**پل‌خان**

در انتهای جنوب غـربی جلگه مـرودشت در محلّ بـاریکی کـه رود کُر ازکنار کوهستان میگذرد پـل عظیمی بنام پل خان‌وجود دارد که بو سیلهٔ امامقلیخان فرزند الله‌وردیخان فرمانفرمای معروف فارس وسردار مشهور زمان شاه عبّاس کبیر بناشده‌است. امـامقلیخان در دوران فرما نفرمائی پدرش حکومت لارستان راداشت وپس‌ازمرگ پدر ارطرف‌شاه عبّاس‌به فرمانفرمائی فارس‌منصوب گردید وپل‌خان یکی ازآثار دوران‌فرمانفرمائی‌او ( ۱۲۱ تا ۱٤۳ هجری)است

علاوه‌برسه‌بنای‌فوق‌تپّه های متعددی هم درجلگهٔ مرو دشت وجود دارد که آثاردورهٔ‌اسلامی‌رادربرداردوذکرآنهابیرون‌ازحوصلهٔ‌این کتاب‌است .

بین پل‌خان وشیرازقصبهٔ زرقان و گردنه‌های آب باریك وباجگاه درمسیر قسمت آخرجادّهٔ اصفهان بشیراز قراردارد . پیش از پایان بخشیدن باین فصل مناسب می‌بیند نام مهمترین منزلگاههای بین اصفهان وشیراز و مسافت بین آنها را نیز جهت اطّلاع بیشترخوانندگان کتاب مذکوردارد :

| | | |
|---|---|---|
| اصفهان ـ شهرضا | ۸۱ | کیلومتر |
| شهرضا ـ ایزدخواست | ۶۰ | » |
| ایزدخواست ـ آباده | ۶۳ | » |
| آباده ـ سورمق | ۲۲ | » |
| سورمق ـ ده‌بید | ۶۴ | » |
| ده‌بید ـ سعادت‌آباد | ۷۸ | » (راه‌فرعی که به‌پاسارگاردمیرود قریب۱۰ کیلومتر پیش از رسیدن بسعادت‌آباد ازطرف ده بید و بعداز گذشتن ازقادرآباد است که بسمت راست درخیابان مشجری منشعب میگردد) . |
| سعادت‌آباد ـ سیوند | ۲۳ | » |
| سیوند ـ تخت جمشید | ۳۰ | » |
| تخت جمشید ـ شیراز | ۵۷ | » |

مجموع مسافت‌اصفهان‌به‌شیراز ۴۷۸ کیلومتر

**تذکار :** درسطر۲۳ صفحهٔ مقابل ( دوسطر بآخرصفحه مانده ) ضمن ذکرسالهای‌فرمانفرمائی امامقلیخان درفارس رقم مات اشتباهاً بچاپ نرسیده است باعرض پوزش توضیح میدهد که ارقام صحیح سالهای مزبور ۱۰۲۱ تا ۱۰۴۳ میباشد .

ضمناً درمورد تل تیموران مذکور درصفحهٔ۱۶ توضیح میدهد که نام توابع ارسنجان‌اختصاصاً بچندآبادی اطلاق میگردد وعلاوه برراه مذکور درصفحهٔ سابق‌الذکر از پشت کوه رحمت ازکنار ده حسن‌آباد واقع درجلگهٔ خفرك نیز بدانجا میروند .

# فصل دوم - شیراز

## قسمت اول - آثار تاریخی شهر شیراز

نام شیراز در الواح گلی که در تخت جمشید کشف شده‌است مذکور میباشد ومعلوم میگردد دردوران هخامنشی یکی از کارگاههای وابستهٔ به کارهای ساختمانی تخت جمشید درناحیهٔ شیراز واقع بوده است. دردورهٔ ساسانیان هم ازوجود یک آتشکده ویك قلعه در این محل ذکری نموده‌اند. شهر کنونی شیراز بنا بگفتهٔ مورّخین ونویسندگان متعدّد قدیم درسال ۷٤ هجری(٦۹۳ مسیحی) بوسیلهٔ محمّد (برادر حجّاج بن یوسف ثقفی) که آنزمان والی فارس بود بنا گشت وبتدریج رو بآبادی رفته جایگزین شهر استخر گردید تا اینکه در سال ٤۳٦ هجری( ۱۰٤٦ میلادی ) ابوکالنجار فرزند عضدالدّوله شهر باستانی استخر را که قرنها مرکز سرزمین پارس‌ودارای بیش‌از۱۵۰۰ سال تاریخ پر از حوادث ونشیب و فراز بود بکلّی منهدم گردانید ومردم آنرا بشیراز کوچ داد.

قدیمترین قسمت شهر شیراز نواحی جنوب شرقی ومشرق آنست که بنای مسجدجامع هم درآن‌قسمت جای‌دارد ودر ادوار بعد بتدریج قسمتهای دیگر از شمال و مغرب برآن افزوده شده درعهد کریمخان‌زند(۱۱۷۹تا۱۱۹۳ هجری = ۱۷٦۵تا۱۷۷۹ میلادی)رونق وآبادی فراوان یافت‌ودردوران‌جدیدهم‌مانندبسیاری شهرهای دیگر ایران ازجانب مغرب توسعهٔ روزافزون پیدامیکند.

مدخل شهر شیراز از جانب شمال یعنی ازسوی اصفهان وطهران که این کتاب بر امتداد چنین خطّ سیری تنظیم گشته است در میان دو کوه‌قرار دارد و بنام تنگ الله‌اکبرخوانده میشود. مسافری که ازجادّهٔ اصفهان میرسد پس‌از پیچ

وخمهای متعدّدِ کوهسار یکباره دورنمای زیبای‌شیراز را ازوسط تنگ الله‌اکبر مشاهده میکنند ودرمدخل شهر دروازهٔ بزرگی بنام دروازهٔقرآن وجود دارد که بر فرازآن نسخهٔ کلام الله درون اطاق وصندوقی‌واقع‌است و کلیّهٔ مسافرینی که ازاین راه بشیراز میآیند یا از آن بیرون میروند اززیر قرآن میگذرند .

بنای اصلی دروازهٔقرآن‌بنای سنگی‌قدیمی‌منسوب‌به عضدالدّولهٔ دیلمی‌بود (ش۹۸) ونسخهٔ قرآن خطّ ثلث عالی منسوب به ابراهیم سلطان(۱) فرزند شاهرخ تیموری دراطاق بالای‌آن‌قرارداشت. درسال ۱۳۱۵ شمسی بعنوان پهن کردن‌راه این بنای‌تاریخی‌رامنهدم نمودندوچندسال‌بعدشادروان حسین‌ایگار بنای کنونی‌را کمی پائین تر از محلّ دروازهٔ قرآن قدیم ساخت و با این اقدام پسندیدهٔ خود سنّت خوب‌شهرشیراز را احیاء نمود (ش ۹۹).

برای‌معرّفی‌آثارتاریخی شیرازابتدا آنچه دردوجانب‌خیابانِ دروازهٔقرآن هست‌مذکور داشته سپس باابنیه وآثار دیگراین‌شهر تاریخی ازشمال رو بجنوب میپردازد. درپایان نیز ابنیهٔ دورهٔ قاجاریّهٔ شیراز را بطور اجمال معرفی‌مینماید:

### ۱ ـ قبر خواجوی کرمانی وآثار مجاورآن

بر جانب غربی دروازهٔ قرآن یعنی سمت راست آن بمسافت کمی بالاتر از دروازهٔ قرآن دردامان کوه محوّطهٔ مصفّائی است‌که درختان وحوض‌آبی دارد و قبر خواجوی کرمانی شاعر وعارف زمان سلطان ابوسعید فرزند اُلجایتو که‌نامش محمّد بوده بسال ۷۵۳ هجری درگذشته است‌درآنجا واقع میباشد .

نزدیک‌آنجا طاقهائی در دل کوه ایجاد نموده‌اند وطاق بزرگی هم ازآجر دیده میشود که قبر عمادالدّین محمود وزیرشاه شجاع متوفّی بسال ۸۳۸هجری است و بنام مشرقی هم خوانده میشود و تصوّر میرود بعلّت اینکه طاق مزبور رو

(۱) استاد جلال‌الدین همائی در یادداشتی که به نگارنده مرحمت کرده‌اند اشاره‌فرموده‌اند که قرآنهای‌دروازهٔ قرآن شیراز بخط ابراهیم سلطان است که سالیان دراز درشیراز بوده آثار نیك ازخود درآنجا گذارده وشاگرد پیر محمد خوشنویس شیرازی بوده‌است .

بمشرق واقع گردیده است آنرا بدین نام خوانده‌اند.

در مجاورت همین محلّ نقش برجستهٔ رستم پهلوان داستانی ایـران را در زمان حسینعلی میرزا فرمانفرمای فارس و فرزند فتحعلیشاه بسال ۱۲۱۸ هجری حجّاری نموده‌اند وتصویر شاهزادهٔ مزبور درحال شکار وهمچنین مجلس حجّاری دیگر مشتمل‌برصورت فتحعلیشاه وچند نفرازفرزندانش نیزدر همانجا وجوددارد که همزمان بانقش اوّلی‌است.اراضی پائین‌دست‌این‌قسمت‌بنام مصلّی خوانده‌میشود وایوانی درآنجا بنام قربانگاه هست که ظاهراً بسال ۱۲۹۵ هجری بوسیلهٔ مرحوم حاج معتمد الدّوله فرهادمیرزا ساخته‌شده‌است و محرابی نیزدارد. دراین‌ایوان هم درمواقع مصلّی وعیدین باقامهٔ نماز میپرداخته‌اند وهم در عید قربان وهنگام ورودفرمانفرمایان‌فارس(استانداران)مراسم‌قربانی صورت میگرفته است.

## ۲ ـ باباکوهی

در سراسر کوهستان شمال شیراز ابنیهٔ متعلق به خانقاهها وعباد تگاهها و جایگاه ریاضت و مقابر مردان خدا باقـی و مشهود است که آرامگاه خواجوی کرمانی وقبرمشرقی نیز درردیف آنهااست وشرح آن گذشت ومهمترین‌اینگونه امکنه‌بازهم‌متدرّجاًمذکورخواهدشد.ازجمله کمی‌دورترازقبرخواجوزیارتگاهی بنام باباکوهی وجود دارد که برای‌رسیدن‌بآن باید پائین‌تر از دروازهٔ قرآن از خیابان خارج‌شد وبسمت راست‌رفت ودرحدود دوکیلومترراه‌سربالائی راطی‌نمود وبمحوّطهٔ باباکوهی‌رسید که بواسطهٔ همین ارتفاع مشرف بتمام شهرشیراز است. بنائی مشتمل برچند اطاق ومهتابی هائی ازآثار مؤیّد الدّوله طهماسب میرزا نوهٔ فتحعلیشاه درآنجا هست که درسال۱۲۷۵هجری ساخته شده بعداهم مرتّبا مرمّت یافته است. بالاتر از آنها آرامگـاه ابو عبدالله محمّد نوادهٔ باکویه از عرفا وشعرای شیرازاست که درسال ۴۴۳ هجری درگذشت ودراشعارخود به‌باباکوهی تخلّص مینمود

## ۳ ـ آرامگاه حافظ

پائین‌تر ازدروازهٔ قرآن دست‌چپ خیابان عریضی بنام‌خیابان خرابات‌جدا میشود که آرامگاه حافظ دراوایل آن‌قرار دارد ـ بنای‌اصلی آرامگاه حافظ از آثار کریمخان زند و مربوط بسال ۱۱۸۷ هجری ( ۱۷۷۳ مسیحی ) بوده ایوانی دارای چهارستون سنگی دروسط قرارداشت که ازدو جانب شمال وجنوب گشاده بود ودر دوسمت آن دواطاق بنا کرده بودند. قبرحافظ خارج ازاین بنا درو سط قبرستان‌پشت‌آن‌قرارداشت‌ودرادوار بعدی‌نردهٔ آهنی دراطراف قبر گذارده بودند که صورت مناسبی نداشت .

ازسال ۱۳۱٤تا۱۳۱۷ شمسی بارگاه حافظ بصورتیکه اکنون موجوداست ازطرف وزارت‌فرهنگ‌درآمد (ش۱۰۰) سنگ‌حوضهای‌ابنیهٔ کریمخانی که ضمن امتداد خیابان زند شیراز خراب گردید به‌محوّطهٔ آرامگاه منتقل ودر حوضهای آنجا بکار گذارده شد وباحفظ چهارستون اصلی بنای‌قدیمی ۱۶ ستون یکپارچهٔ سنگی نظیر آنهاتهیّه نمودند وایوان بزرگ بیست ستونی کنونی‌را بطول ۵۶ متر با تزیینات نقّاشی و گچبری و کاشیکاری تماما بسبکهای قدیم واصیل‌شیراز ایجاد کردند واشعاری ازحافظ باکتیبه‌هائی که‌تاریخ بنا ونام اعلیحضرت فقید و وزیر فرهنگ وقت(جناب آقای علی‌اصغرحکمت) رادر بردارد درمحلّهای مناسب آن نگاشتند (ش۱۰۱). بنای اصلی‌آرامگاه نیز بصورت سکّوئی باهشت ستون سنگی یکپارچه(ش۱۰۲) وسقف مسن وتزیینات کاشیکاری واشعار (ش۱۰۳) درمحلّ‌قبر محاذی وسط ایوان بزرگ درباغ دوّم ایجاد گردیدوسنگ‌قبرقدیم درمحلّ‌اصلی خودمحفوظ ماند.شادروان‌سرلشگرعلی ریاضی رئیس‌فرهنگ‌اسبق فارس‌مخصوصاً در ترتیب این بنای باشکوه نهایت سلیقه و مجاهدت رابخرج داد .

آرامگاه‌اهلی‌شیرازی که درسال۹٤۲ هجری وفات‌یافته است ومزارمرحوم فرصت الدّوله شیرازی که در ۱۳۳۹ قمری فوت نمود در دائین آرامگاه حافظ قرار دارد و بزرگان‌دیگر هم که ذکر نامشان در این کتاب مورد بیدا نمیکنند درمحوّطهٔ مزبور بخاك سبرده شده اند . آرامگاه خانوادگی قوام درضلع غربی

محوّطهٔ آرامگاه‌حافظ باحیاط وتالاروسیع‌مزیّن، وتالار زیبائی که‌مقبرهٔقاسم‌خان والی بوده در ۱۲۸۹ هجری ساخته شده است در شمال محوّطهٔ مزبور قرار دارد وازآن برای محلّ کتابخانهٔ آرامگاه حافظ‌استفاده میکنند .

### ۴ ـ چهل تن و هفت تن و تخت ضرابی

#### چهل تن

بمسافت کمی در شمال حافظیّه محوّطهٔ مشجّر با صفائی است که چهل سنگ مزار بیك اندازه درآن قرار دارد(ش ـ ۱۰٤) وچنداطاق وحوض آبی هم در سمت شمال آن ساخته اند . محوّطهٔ مزبور در زمان کریمخان زند محصور وآباد شده سنگهای قبور رادرنیمه دوّم‌قرن ۱۳هجری بفرمان‌مرحوم‌فرهاد میرزا والی فارس برقبور چهل زاهد وعارف که هویّتشان مشخّص‌نیست نهاده‌اند .

#### هفت تن

کمی بالاتر ازباغ چهل تن محوّطهٔ محصور ومشجّر دیگری بنام هفت تن باایوان وبنای زیبائی وجود دارد(ش ۱۰٥) وازآثار خارج باغ معلوم‌میگردد در زمان قدیم ابنیه ومتعلّقاتی درمجاورت این‌محلّ وجود داشته که‌ازمیان‌رفته‌است. داخل‌باغ هفت‌سنگ قبریك‌شکل‌وقبور دیگری‌ازعرفا وجود داردودرسمت‌شمال بنائی ازعهد کریمخان باایوانی که دوستون سنگی‌یک پارچه‌ونقّاشیهاو تزیینات آنزمان رادر بردارد موجود است واطاقها وطاقنماهائی در دوجانب ایوان محلّ آسایش‌وتوقّف بازدید کنندگان ومجا ورین آنست(ش۱۰٦).باغ وعمارت‌هفت‌تن در تاریخ ۱٥ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۷٤ در فهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده‌است .آرامگاه شاه‌شجاع شهریار آل‌مظفّر که ممدوح خواجه حافظ بوده بسال ۷۷٦ هجری وفات یافته است بیرون باغ هفت تن در جانب شمال غربی آن واقع گردیده سنگ مزاری که بفرمان کریمخان زند بر آن نهاده اند معرّف آنست وانجمن آثارملّی دست‌بکاراحداث بنای مناسبی درآنجامیباشد .

### تخت ضرابی

بر بالای کوهسار پشت هفت‌تن عمارت کوچکی بنام تخت ضرّابی مشتمل برچنداطاق‌وایوانی درجلوآنها موجود است که تاچند سال‌پیش بصورت متروك و ویران‌افتاده بود وشخص‌نیکوکاری‌آنرامجدّداً تعمیروآباد کرد.لوح‌سنگی برپایهٔ غربی‌ایوان نصب‌است که میرساند شخصی بنام یحیی بن‌اسمعیل بن‌نیکروز •••• در شعبان سال ۶۶۹ هجری بنای اصلی این عمارت را جهت استراحت و سکونت دوستان مسلمان بنیاد نهاده است .

### ۵ ـ چاه مرتاض علی و گنبد عضد

بازدید کنندگانی که همّت و فرصت کوه پیمائی داشته باشند میتوانند از تخت‌ضرّابی‌سربالائی کوه‌راادامه‌دهندوبرفراز کوهستان بمحلّی‌برسند که‌مشتمل‌بر محوّطه‌وچند اطاق‌و آب‌انبار وصفّهٔ گود وتاریکی‌است که‌مردم‌شیرازعقیدهٔفراوان بان دارند واین محلّ را عبادتگاه عارفی بنام مرتــاض علی میشنا سند و وضع آن میرساند درزمانهای قدیم هم‌جایگاه راز ونیاز بوده احتمالا آتشکده‌ای در آنجا وجود داشته‌است .

بنای دیگری برفراز کوه در جانب دروازهٔ قرآن دیده میشود که ازطرف دروازهٔ مزبور زودترمیتوانند بدان‌برسند واز چاه مرتاض‌علی هم بدانجا راه‌هست این بنا مشتمل بر چهارطاقی میباشد که گنبد آن‌فروریخته‌است‌وبنامهای مختلف گنبد عضد و گهوارهٔ دیو و گنبد دید خوانده میشود وبنابرآنچه در کتب متعدّد قدیمی‌مربوط‌بآثار فارس‌مذکور افتاده‌است ازآثار عضدالدّوله‌دیلمی‌میباشد ونام گنبد عضدنیزدلیلی برهمین قسمت محسوب میشود ودورنیست برای‌روشن کردن آتش وعلامت‌دادن درادوار بسیار قدیم دراین محلّ‌جایگاهی ترتیب‌داده‌بودندو عضدالدّوله دیلمی بنای گنبد رادرآنجا ساخته‌باشد .

### ۶ ـ آرامگاه سعدی

خیابان گلستان(خراباتسابق) که ازجلوآرامگاه‌حافظ میگذرد پس‌ازطیّ

یکی‌دو کیلومتر بجانب‌شمال‌میپیچدواز‌مجاورت باغ معروف‌دلگشا گذشته به‌قریهٔ سعدیّه‌میرسد که‌آرامگاه سعدی درآنجاواقع است. بنای کنونی آرامگاه سعدی که‌اقتباساتی‌ازکاخ چهلستون اصفهان وابنیهٔ‌قدیم دیگر توام‌بامعماری‌جدیددرآن هویدااست(ش۱۰۷) بفرمان‌اعلیحضرت‌همایون شاهنشاهی‌ازطرف انجمن آثارملّی ساخته شدودراردیبهشت‌ماه ۱۳۳۱درپیشگاه ذات ملوکانه مراسم افتتاح آن‌انجام پذیرفت . ایوانی با ستونهای چهارضلعی بلند که درون‌آنها بتون مسلّح وروکاری آنها سنگ‌است باتزیینات‌کاشیکاری درجلوبقعه واقع گشته گنبدکاشی فیروزه فام برفراز بقعه جلوهٔ مخصوصی دارد . درون بقعه هم بدنه های کاشیکاری مشتمل بر کتیبه های حاوی منتخباتی از گلستان و بوستان و لوحه أی که تاریخچهٔ ساختمان را معلوم میسازد زینت بخش دیوار ها است ( ش ۱۰۸ ) . بنای قبلی آرامگاه از دوران کریمخان زند و شامل دواطاق بزرگ در دو طرف و ایوان وپلّه و طاقنما و غرفات کوچك در وسط بود و دریك اطاق مقبرهٔ سعدی ودراطاق دیگر قبر مرحوم شوریده فصیح الملك شاعر معروف شیرازی در قرن اخیر قرارداشت. تعمیرات‌واصلاحاتی هم بوسیلهٔ‌مرحوم‌فتحعلیخان‌صاحب‌دیوان‌ومرحوم حبیب‌الله خان قوام‌الملك درآن انجام گرفته بود وطبعاً برای احداث‌بنای کنونی ساختمان قدیمی‌را منهدم ساختند. اینك‌قطعاتی‌هم از سنگ قبر بسیار قدیمی و کتیبهٔ سنگی بنائی قدیمترازدوران کریمخان که ضمن خاکبرداری‌ها درمحوّطهٔ آرامگاه کشف گردیده است درون آرامگاه سعدی محفوظ میباشد . محلّ قبر مرحوم شوریده نیز بوسیلهٔ ایوانی متّصل به‌آرامگاه سعدی بوده مجموعاً بصورت بدیعی درآمده‌است (ش۱۰۹)آب قنات مخصوص سعدی درون‌آب نمای موسوم به حوض ماهی در زیرزمین جریان دارد وبوسیلهٔ پلّکانهائی‌بآن میرسند وابنیهٔ تابعه جهت توّقف واستراحت‌بازدید کنندگان وسکونت سرایداردرجانب غربی‌محوّطه ایجاد شده‌است .

بربالای کوهستان نزدیك قریهٔ سعدیّه‌آثارقلعهٔ قدیمی‌بنام فهندژ که دوچاه عمیق مربّع درآنست وجودداردومنسوب‌به‌دوران‌هخامنشی‌وساسانی‌واتابکان فارس

(سلغریان) میباشد .

## ۷ـ بقعهٔ شاه میرعلی بن حمزه

درپائین خیابان دروازهٔ قرآن بقعه‌ای بنام فوق وجود دارد که نمای غربی ومدخل آن در کنارخیابان بوده دارای درمنبّت قدیمی بسیارزیبائی است وبوسیلهٔ دهلیزی واردحیاط وسیعی میشوند. نوشتهٔ ثلث شیوابرسنگ سرخ فام بخطّ ابراهیم سلطان فرزندشاهرخ تیموری مشتمل براین جمله: قیل لابراهیم علیه‌السلام بما اتخذك الله خلیلا قال ماتغدیت وما تعشیت الامع الضیف بالای دربرجانب صحن مرقوم است. ساختمان بقعه مشتمل برحرم وسیعی است که مرقد شاه میرعلی از نوادگان امام موسی کاظم(ع) دروسط آن درون ضریحی ازچوب وخاتم وفولادقراردارد(ش۱۱۰)واطاقها ودهلیزها وطاقنماها ومسجدی در پشت حرم قسمتهای دیگر ساختمان را تشکیل میدهد. بنای اصلی بقعه درزمان عضدالدّوله دیلمی ایجاد گشته بعداً بوسیلهٔ بزرگان زندیّه وفرمانروایان قاجارتعمیر ومرمّت یافته است. نمای اصلی آن بطرف جنوب روبصحن واقع است و دو مناره در دو طرف آن قرار دارد ( ش ۱۱۱) گورستان وسیعی بنام جوان آباد در اطراف این بقعه وجود داشت که قسمت جنوبی آن در سال ۱۳۰۵ شمسی برای هنرستان فارس منظور وتدریجا ساختمانهائی ایجاد شد وقبر رحیمخان فرزند کریمخان زند که در سال ۱۱۹۱ هجری وفات یافته با قبر فرزند دیگری از کریمخان که بسال ۱۱۸۵ فوت نموده است دریکی از اطاقهای بنای اوّلیّهٔ هنرستان قراردارد. قسمت شمالی گورستان مزبورراهم تبدیل بباغ ملّی شهر شیراز کرده‌اند .

## ۸ ـ مجسمهٔ سعدی

درانتهای خیابان دروازهٔ قرآن در وسط میدان معروف به دروازهٔ اصفهان مجسّمهٔ سعدی ازسنگ سفید یك پارچه کار استاد ابوالحسن صدیقی بر فراز پایهٔ سنگی نصب است ( ش۱۱۲ ) مجسّمهٔ مزبور در سال ۱۳۳۱ هنگام افتتاح آرامگاه

سعدی از طرف انجمن آثار ملّی بشهر شیراز هدیه گردیده سنگ آنرا ازمعادن نزدیك قم فراهم آورده‌اند .

**۹ ــ ارگ کریمخانی**

بمسافت کمی از مجسّمهٔ سعدی در قسمتی از شهر شیراز که در دوران سلطنت کریمخان زندآباد گردیده است‌ضمن آثارمختلف این‌شهریار قلعهٔ آجری با حصار بلند وبرجهائی درچهار گوشهٔ آن وجوددارد که منظرخارجی آن بوضع اصلی دوران و کیل محفوظ مانده است. بر بالای مدخل اصلی آن که روبجانب مشرق قراردارد مجلس کاشیکاری بسیار زیبا مشتمل برتصویررستم‌ودیونصب‌میباشد (ش۱۱۳)کاشیکاریهای زیبای دیگری هم بربالای جبههٔ داخلی سردر دیده میشود که تصاویر خدمتگذاران دورهٔ زندیّه رابا لباس ودستار آن‌عهد درحالیکه ظروف میوه را بوضع شیوائی‌دردست‌دارندنشان میدهد .مرحوم‌شاهزاده‌عبدالحسین میرزا فرمانفرما در دوران حکومت خود تعمیرات خوبی از کاشیکاریهای منحصر مزبور بعمل آورده است . اطراف محوّطهٔ داخلی ارگ تالارها واطاقها وابنیهٔ مختلف دستگاه سلطنتی دوران زندیّه بحال اصلی باقی است و در دوران قاجاریّه بنای جدیدی جهت مقرّ والیان فارس در وسط محوّطه‌ساخته‌اند. اینك چندین‌سال‌است ارگ کریمخانی مقرّشهربانی‌فارس ودرون‌آن زندان بوده قراراست زودتر این بنای تاریخی بوضعی که شایستهٔ آنست درآید .

**۱۰ ــ موزهٔ پارس**

نزدیك ارگ کریمخانی‌در کنار خیابان زند باغی‌از دوران کریمخان‌زند بنام باغ‌نظروجوددارد که‌بنای کلاه فرنگی درون آن واقعست(ش ۱۱٤) . بنای‌مزبور بصورت کوشك۸ضلعی زیبائی ساخته شده تزیینات‌کاشیکاری درخارج ونقّاشیها و مقرنسکاریهای‌داخل آن‌ازهنرنمائیهای جالب عهد کریمخان‌زند محسوب میگردد (ش ۱۱۵) درون‌آن مشتمل بر محوّطهٔ مرکزی است که حوضی ازمرمر درمیان آن‌وچهارشاه نشین درچهارسو وچهاراطاق‌درچهار گوشهٔ آن‌واقع میباشدومقبرهٔ

کریمخان درشاه نشین شرقی آن قرارداشت که بوسیلهٔ آقامحمّدخان قاجار نبش قبر گردید واستخوانهای شهریار زند رابطهران آوردند ودر محلّ معروف بخلوت کریمخانی که بعدها گوشهٔ ازکاخ گلستان شد بخاك سپردند وبسال ۱۳۰۴ شمسی بفرمان اعلیحضرت فقید ازمحلّ مزبور خارج گشت ودر اختیار دودمان زند قرار گرفت ودرملایر بخاك سپرده شد. درچهارسمت خارج بنای مزبورچهارحوض موجود بود که سه حوض آن بحال خودباقی است وحوض جانب شمالی باقسمتی ازباغ ضمن اصلاحات شهرشیراز درمسیر امتداد خیابان زند قرار گرفت وبطوریکه درشرح آرامگاه حافظ توضیح داده شد سنگهای آنرا برای احداث حوضهای جدیدحافظیّه بکاربردند . درسال ۱۳۱۴ شمسی موزهٔ پارس درعمارت کلاه فرنگی مستقرّ گردید. نسخه‌های خطّی کلام‌الله خصوصا سی جزو خطّ یحیی الجمالی الصّوفی که درسالهای ۷۴۵ـ۶ هجری مرقوم رفته تاشی خاتون (مادرشاه ابواسحق انجو) آنهاراوقف شاه‌چراغ نموده است ومجموعهٔ دیگری که مشتمل بر ۱۲ جلد از پانزده جلد که هریك از آنها شامل دوجزو قرآن است ودرسال ۷۷۷ نوشته‌شده تورانشاه وزیرشاه شجاع آنهاراوقف شاهچراغ نموده است باقرآنهای نفیس دیگر وظروف سفالی ماقبل تاریخ ومفرغهای لرستان وظروف ادوار اسلامی ومقداری نقّاشیهای کارلطفعلیخان صورتگر استاد شیرازی وهنرمند قرن ۱۳ هجری ومجموعهٔ قلمدان کارآقاصادق ازاستادان دوره زندیّه وچندقبضه شمشیرهای قدیمی که شمشیری بنام کریمخان زندهم درمیان آنهاهست باآثارمتنوّع دیگر که اغلب ازنقاط مختلف فارس جمع آوری نموده‌اند درموزهٔ پارس بمعرض نمایش گذارده شده است (ش ۱۱۶) . شادروان سرلشکرعلی ریاضی رئیس وقت فرهنگ فارس دراحیاء وتعمیرباغ وعمارت موزهٔ پارس وترتیب وتنظیم آن سعی وسلیقهٔ فراوان بکاربست . قطعاتی ازتخت جمشیدوسنگاب قدیمی که ازمسجد جامع شیرازانتقال داده‌اند ونقوش برجستهٔ کاخ آئینه یاکاخ خورشید از ابنیهٔ حسینعلی میرزا فرزند فتحعلیشاه راکه درگوشهٔ شمال غربی باغ نظربود وضمن امتداد خیابان زند منهدم گشت در محوّطهٔ باغ بمعرض نمایش گذارده‌اند . باغ و عمارت موزهٔ پارس در تاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳۱۴ ذیل شمارهٔ ۲۴۴ در فهرست آثار

ملّی ایران بثبت رسیده است .

## ۱۱ ـ مسجدوکیل

درنزدیکی باغ وعمارت موزهٔ پارس‌ابنیهٔ عمومی شهرشیراز ازآثارمعروف کریمخان زند که شامل مسجد وبازار وحمّام وآب انبار است‌قرار دارد . مسجد وکیل از مهمترین یادگارهای شهریارزند بوده مشتمل برصحن دلبازی است که سردر اصلی آن در جانب شمال و شبستان وسیع آن برجانب جنوب قرار دارد . ایوانی‌درپشت سردر(ش ۱۱۷)وایوان دیگری‌جلوشبستان واقع‌بوده‌حوض‌طویلی دروسط صحن ویك‌ردیف طاقهای بسیارمتناسب‌درمشرق ومغرب صحن‌ساخته‌اند . شبستان جنوبی‌دارای ٤٨ ستون سنگی‌یکپارچهٔ عالی(ش۱۱۸) ومنبر چهارده پلّه که آنهم سنگ مرمر یکپارچه‌است میباشد.تاریخ بناسال ۱۱۸۷ هجری (۱۷۷۳ میلادی) بوده تصوّر میرود تزئینات و کاشیکاری آن در عهد کریمخان زند پایان نیافته‌بوده‌است بدین‌جهت کتیبه‌های کاشی درایوانهاوقسمتهای مختلف مسجدبنام فتحعلیشاه وناصرالدّین‌شاه وحکمرانان وشخصیّتهای دیگرباذکر سال تاریخهای متعدّد بچشم میخورد که‌حکایت‌ازتعمیرواتمام این‌بنای‌تاریخی‌زیبا ومهمّ مینماید. کتیبهٔ محراب اصلی‌آن مورّخ به ١٠٤٤ میباشد وتصوّرمیرود که‌همزمان‌باتعمیر کاشیکاری ایوان بزرگ جلو شبستان که درکتیبهٔ آن ١٢٤٤ ذکرگردیده است کاشیکاری محراب را هم تعمیر نموده‌در ذکر تاریخ‌عدد ۲ مربوط به رقم مآت‌را ازقلم‌انداخته باشند . شبستانی هم‌درجانب مشرق مسجد وجوددارد که‌برای موقع زمستان بکارمیرفته است . مسجدوکیل درتاریخ ۱۸ تیرماه ۱۳۱۱ذیل‌شماره ۱۸۲ درفهرست‌آثار ملّی ایران بثت رسیده‌است .

## ۱۲ ـ حمام وکیل

درجنب مسجدوکیل حمّام وکیل‌قراردارد که براثر تغییر وضع حمّامهای عمومی تا حدّی از صورت اصلی خارج شده است وخوشبختانه سربینهٔ وسیع آنرا باشگاه ورزشی نموده اساس آنرا بدین ترتیب محفوظ داشته‌اند .

## ۱۳ ـ بازار وکیل

بازار طویل خوش‌طرحی که تصوّر میرود شهریار زند پس از ملاحظهٔ بازار قدیمی‌لار (از آثار زمان‌شاه‌عبّاس کبیر) طرح آنرادرشیراز ریخته است از بهترین آثارمرحوم وکیل بشمارمیرود واز نزدیکی دروازهٔ اصفهان تامدخل بازار های قسمت شهرقدیم شیراز امتداد دارد ومشتمل برحجره‌هائی باسکّوی پهن‌درطرفین و ۷۴ دهانه طاقهای بلندوخوش تناسب بوده‌است وچهار سوق بلندی درمیان آن واقع گردیده بازار های فرعی شرقی و غربی آنـرا قطع مینماید. چند دهانهٔ طاقها و تعدادی دکانهای بازار وکیل ضمن امتداد خیابان زند ازمیان‌رفته‌است.

## ۱۴ ـ مدرسهٔ خان

ازبازاروکیل که داخل‌بازارهای‌قسمت‌قدیمی‌شهرشیرازشوندپس‌از گذشتن ازبازارموسوم‌به‌اردو بازاروچند کوچه به بنای تاریخی وسیع دیگری میرسند که مدرسهٔخان نام‌دارد. ازطرف خیابان‌هم‌چون‌ازمسجدوکیل‌بخیابان لطفعلیخان‌زند بروند در کنارآن خیابان به‌بنای مزبور میرسند. این بنای تاریخی مدرسهٔ وسیع دلبازی‌است که‌دردوران‌سلطنت‌شاه‌عبّاس کبیربوسیلهٔاللهوردیخان‌والی‌فارس‌وفرزند وجانشین او امامقلیخان بنیاد گردیده مشتمل بر سردر بلند وپهن با مقرنسهای عالی و دهلیز ورودی با کاشیکاری معرّق بسیار ریز و ظریف (ش۱۱۹) و حجرات دوطبقه درچهارسمت‌وصحن وسیع وایوانهای بلند است(ش۱۲۰). براثرزلزله‌های مکرّر ورطوبت وسستی خاك شیرازآسیب فراوان دیده تعمیرزیاد درآن صورت گرفته‌است. در کتیبهٔ دهلیز تاریخ اصلی بنا ۱۰۲۴ هجری ونام استاد سازندهٔ بنا حسین شمّاعی ونام نوبسنده صیرفی ذکرشده است. مهمترین تعمیرآن در زمان ناصرالدّین‌شاه درقسمت مقرنس‌کاری وتجدید کتیبهٔ سردر بعمل آمده بود که در سالهای اخیرهم بوسیلهٔ فرهنگ فارس ضمن تعمیرات ضروری دیگر کاملا مرمّت گردید وازسال۱۳۳۷ بعدنیز تعمیرات مفصّل وفراوان توسّط اداره باستان‌شناسی فارس در قسمتهای ویران این بنای عظیم بجدیّت کامل صورت میگیرد. این اثـر

تاریخی در ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۷۵ درفهرست آثارملّی ایران به ثبت رسیده است.

**۱۵ ـ مسجد نو**

ازخیابان لطفعلیخان زند خیابان احمدی منشعب گشته بطرف جنوب میرود وپس از مسافتی مختصر به میدانی میرسد که یك سوی آن مسجد نووسوی دیگر بقعهٔ شاهچراغ واقعست. مسجدنوبنای بسیاروسیعی است که دارای صحنی بدرازای شرقی غربی ۲۰۰ متر وپهنای شمالی جنوبی ۱۰۰ مترمیباشد. یك ردیف درختان چنار کهن درجهت طول ودر میان صحن بهترین امتیاز آن بشمار میرود. دروسط جبههٔ جنوبی صحن ایوان بلندی است که شبستان مسجد باستونهای سنگی ومحراب در پشت آن قرار دارد. درجبههٔ شمالی هم ایوانی قرینهٔ ایوان جنوبی واقع است (ش ۱۲۱) آب خیرات معین الدّین ازنهر زیرزمینی کنار درختان چناروسه حوض درطول مسجد میگذرد وبه محلاّت شهر میرود. این مسجد را بنام مسجد اتابکی نیز میخوانند وازطرف اتابك سعدبن زنگی بین سالهای ۵۹۸ تا ۶۱۵ هجری بنیاد گردیده است وبنابگفتهٔ صاحب شیرازنامه ابتدا اندرون اتابك بود وبشکرانهٔ بهبودی دخترمنحصر بفردش آنرا به مسجد تبدیل نمود وبر اثر زلزله‌های متعدّد مانند سایرابنیهٔ شیراز ویرانی فراوانی یافته تعمیرات مکرّری در آن انجام گرفته است. یکبار در سال ۹۹۵ هجری خواجه سعدالدّین شیرازی ملقّب به شاهنوازخان آنراتعمیر کرده بعداً هم درزمان شاه سلطانحسین صفوی تعمیرمفصّلی درآن نموده‌اند. صادق خان زند در ۱۱۸۳ وحاجی میرزاعلی اکبرخان قوام الملك وفرزندش فتحعلیخان از ۱۲۷۱ تا ۱۳۰۱ آنرا تعمیر کرده‌اند وبرای آخرین بار بهمّت حاج باقربهبهانی بوسیلهٔ مرحوم معین الشّریعه واعظ اصطهباناتی تعمیر شده‌است که اشعارسردرنوساز آن نیزمربوط بهمین تعمیرمیباشد. بنای مسجد نودر ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شماره ۷۳ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده‌است.

## خانهٔ شیخ سعدی

شرح زیر درشمارهٔ دوّم مجلّهٔ **ایران آباد** ( اردیبهشت ۱۳۳۹ـ صفحه ۳۲) ضمن مقاله‌ای بخامهٔ آقای محمّدعلی معیّری در موضوع خانهٔ شیخ سعدی مرقوم رفته است که مناسب میداند عیناً آنرا نقل‌نماید :

«...در کوچهٔ پشت مسجدنو خانهٔ کوچك قدیمی واقع است که به «خانهٔ سعدی» مشهورمیباشد . این خانه باتمام کوچکی، حال و گیرائی بخصوصی داردو درطبقهٔ فوقانی دارای ایوانی‌باستونهای ظریف چوبی و آلت‌کاری است که خالی از روح شاعرانه نیست . دروسط حیاط کم وسعت خانه دوتنهٔ درخت کهنسال برهم پیچیده ویك جفت کبوترچاهی که گوئی خوی صحرائی را ازیادبرده‌اند بر شاخسار آن مأوا گزیده وبا ناله‌های عاشقانهٔ خود بخانهٔ خموش روحی مرموز میبخشند. »

نویسندهٔ محترم مقاله پس ازذکرمطلب بالا ضمن‌اشاره‌باینکه انتساب خانهٔ مزبوربه مسکن سعدی مدرك روشنی‌ندارد قرائنی مبنی‌براحتمال‌بیشتر صحّت‌این انتساب مذکورمیدارند وازحجرهٔ منسوب به شیخ‌اجلّ‌درمسجدنونیز یادمینمایند. درکتاب راهنمای آثارتاریخی‌شیراز تألیف‌آقای دکتربهمن کریمی (صفحه ۶۰) نیز نقل گردیده‌است که میگویندازقرارمذکوریکی‌ازگوشوارهای‌مجاور ایوان بزرگ جنوبی مسجد نومنزل شیخ سعدی بوده‌است .

## ۱۶ ـ شاه چراغ

مهمترین زیارتگاه‌شهرشیرازبقعهٔ میرسیّداحمدفرزندامام هفتم(ع)معروف به شاه چراغ است که نزدیك مسجدنوواقع میباشد . حضرت میرسیّداحمد(ع)در آغاز قرن سوّم هجری بشیرازآمد وهمانجاوفات یافت. در زمان اتابك ابوبکر سعدبن زنگی‌امیرمقرّب‌الدّین مسعودبدرالدّین وزیراین‌شهریاربقعه و گنبدی بر مراروی ساخت واتابك نیز رواقی بر آن افزود و سپس ملکه تاش‌خاتون مادر شاه‌ابواسحق‌انجودرسالهای۷۴۵تا۷۵۰هجری تعمیرات‌اساسی‌درآن‌انجام‌داد وبقعه

وبارگاه ومدرسهٔ عالی ومدفنی برای خوددرجنوب آن ساخت وسی جزو قرآن نفیس منحصر بفرد باخطوط ثلث طلائی وتذهیب عالی رقم خطّاط معروف آنعهد یحیی جمالی صوفی مورخ به۷٤٥و۷٤٦را بر آن وقف نمود . ازابنیهٔ تاش‌خاتون چیزی باقی نیست لکن قرآنها محفوظ مانده در موزهٔ پارس نگاهداری میشود . در زمان سلطنت شاه اسمعیل اوّل بسال۹۱۲ متولیّ بقعه که نامش میرزاحبیب‌الله شریفی بود تعمیرات اساسی دراین بناانجام دادودر۹۹۷ براثرزلزله نیمی‌ازبنا منهدم گشت و تعمیرمجدّدیافت ودرقرن سیزدهم هجری چند بار خراب شد ومجدّداً تعمیر و ساختمان گردیدوفتحعلیشاه‌قاجاردر۱۲٤۳ضریحی بر آن‌وقف‌نمود. براثرزلزلهٔسال ۱۲٦۹ بازخرابیهائی به‌بقعه‌وارد آمدومرحوم‌محمّدناصرظهیرالدّوله آنراتعمیر کرد. این بیت‌رادربارهٔ گنبدشاه‌چراغ قبل‌ازخرابیهاوتجدیدساختمان آن‌نقل مینمایند :

نورمیبارد از این گنبد هفتاد ودوترك      از در مسجد نوتا به درشاه‌چراغ

آخرین بارمرحوم‌نصیرالملك گنبدآنراتعمیرنمود ولکن‌بعلّت‌شکافهای‌متعدّدی درسال۱۳۳۷ شمسی گنبدرا برچیده بجای آن‌باآهن‌ومصالح‌ساختمانی‌مناسب گنبد سبکترقابل دوامی بهمان طرح وبهزینهٔ مردم شیرازساخته‌اند. بنای کنونی‌مشتمل برایوان‌اصلی‌درمشرق(ش۱۲۲)وحرم‌وسیع‌وشاه‌نشینهائی‌ازچهارجانب‌ومسجدی‌در جانب‌مغرب‌حرم واطاقها ومقبره‌های‌متعدّدمتّصل به‌بقعه است (ش۱۲۳) آئینه‌کاری ونوشته های گچبری وتزئینات ودرهای نقره ورواق وحرم وسیع این‌بقعه بسیار جالب توجّه بوده مرقد مطهّر درشاه‌نشین بین محوّطهٔ زیر گنبد ومسجد بالای سر امامزاده قراردارد و این سبك مرقد که در وسط محوّطهٔ زیر گنبد نباشد در زیارتگاههای معروف دیگر شیراز نیزمعمول بوده‌است واز اختصاصات قابل‌توجّه زیارتگاههای‌شهرشیرازبشمار میرود. دومنارهٔ کوتاه‌دردوانتهای‌ایوان‌زینت‌بخش بقعه‌بوده‌صحن‌وسیع ازسه جانب آنرا احاطه‌نموده‌است . بقعهٔ شاه چراغ درتاریخ ۲۰بهمن ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳٦۳ درفهرست آثارتاریخی بثبت رسیده‌است .

**۱۷ ــ بقعهٔ سید میرمحمد**

ازجانب شرقی صحن شاه‌چراغ معبرآبادو کوتاهی‌بصحن زیارتگاه‌دیگری

میرود که بنام سیدمیرمحمّد خوانده میشود وصاحب مرقد را برادر سیّدمیراحمد (شاه‌چراغ)میشناسند . مدخل این بقعه از سمت جنوب مزیّن بکاشیکاری است (ش۱۲۴) ودرون‌بقعه مشتمل‌برحرم‌سادهٔ وسیعی‌میباشد که مرقدمطهّر درشاه‌نشین شمالی‌آن قرار دارد (ش۱۲۵) ومسجدی‌بی‌پیرایه قرینهٔ‌حرم درسوی دیگر مرقد واقعست. ضریح آن خاتمکاریهای‌زیبای عهدزندیّه را دربرداردوپشت ضریح‌مرقد منسوب به امامزاده ابراهیم از اولاد امام هفتم (ع) واقع گردیده هر دو ضریح بیکدیگر متصل‌میباشد. گنبدکاشی به سبک گنبدهای‌دیگری که درعهد قاجاریّه بربقاع متبرّك شیراز ساخته‌اند دارای بدنهٔ باریک وبرآمدگی زیاد در قسمت پائین گنبد است (ش۱۲۴) بنای‌اصلی ازآثار قرن دهم‌هجری بنظر میرسد که در دوران زندیّه وقاجاریّه هم در تزیین وتعمیرآن کوشیده‌اند .

## ۱۸ ـ مسجدجامع عتیق

چون از صحن بقعهٔ سیّدمیرمحمّد بجانب مشرق بیرون شوند درانتهای‌بازار قدیمی شیراز معروف ببازارحاجی‌سردرمیآورند. باطیّ مسافت‌مختصری‌بازارخاتمه یافته بمسجدجامع شیرازمیرسند. مسجد مزبور کهن‌سال‌ترین بناهای شیرازاست وبنابگفتهٔ‌اغلب مورّخین‌موقعی که عمرولیث صفّاری درسال ۲۸۱ه (۸۹۴مسیحی) مشغول آماده کردن‌لشگریان‌خودجهت جنگ‌باخلیفه بوده دست‌بکارساختن‌مسجد جامع گردیده‌است . ازآن‌پس مانندتمام ابنیهٔ قدیمی شیرازبر اثر زلزله وسوانح دیگر ویرانی‌یافته دستخوش تغییر وتبدیل‌زیاد گردیده است . درحال‌حاضروضع کلّی مسجدجامع بدینقرار است که سردراصلی وبزرگتر آن ازجانب شمال قرار دارد وکتیبهٔ این سردرحکایت‌از تجدید ساختمان مسجد در زمان‌شاه عبّاس کبیر بهزینهٔ امامقلیخان والی فارس‌توسّطامین‌الملک بسال۱۰۳۱مینماید. چون داخل مسجدشوند قسمت قدیمی مهمتری که بنظر میرسدبنای خداخانه یا بیت‌المصحف است که دروسط صحن مسجد قرار دارد وآنرابفرمان شاه‌ابوسحق‌انجو ساخته‌اند (ش۱۲۶) کتیبهٔ معرّق منحصر بفردی بربالای خدا خانه دیده میشود که از

تخته‌سنگهای منظّم ترکیب یافته خطوط کتیبه را در سنگ بطور برجسته تراشیده باقی‌سنگ را کمی گودنموده‌اندو بوسیلهٔ کاشیهای معرّق قسمتهای گود را پر کرده‌اند واینگونه هنر نمائی در بنا های دیگر ایران سراغ نمیرود . کتیبهٔ مزبور بخط یحیی‌الجمالی الصّوفی‌خوشنویس معروف‌زمان شاه‌ابواسحق ومورّخ به ۷۵۲هجری بوده مشتمل بر خطبهٔ است که نام‌شیخ ابو اسحق وجملاتی در شأن قرآن کریم را درآن ذکر کرده‌اند. بنای خداخانه‌هم‌ماننده‌سایر قسمتهای مسجدجامع‌خراب‌شده وقسمتهائی ازآن باقی‌بود . از سال ۱۳۱٤ شمسی براثر علاقهٔ شادروان سرلشگر ریاضی رئیس فرهنگ فارس مرمّت آن آغاز گردید و استاد عزیز صرافت معمار لایق‌شیرازی درتجدید ساختمان‌ودرك نکات فنّی معماری اصلی‌آن مهارت فراوان بخرج داد و کتیبهٔ سابق الذّکر نیز بوسیلهٔ دانشمند محترم آقای واجد معلوم و تکمیل گردید ودر چند سال اخیر با جدیّت مخصوص آقای پیرزاده متصّدی‌سابق امور ابنیهٔ تاریخی شیراز متدرّجاً باکمال دّقت‌واستادی تعمیرات‌آن ادامه‌داشت واکنون نیز اداره باستان شناسی فارس تعمیرات آنرا انجام میدهد واخیراً هم کتابخانهٔ جدید مسجد جامع را بنحو نیکوئی درآن دایر نموده اند .

علاوه بر قسمت خدا خانه شبستان جنوبی مسجد هم از آثار قدیمی است و قسمتی که پایه ها وطاقهای سنگی آن موجود میباشد کم و بیش از قدیمیترین آثاراین مسجدبرجای مانده وضع اوّلیّهٔ آنرا تاحدّ زیادی معلوم مینماید . ایوان شرقی مسجد در ١٠٣٤هجری یعنی زمان شاه عبّاس کبیر ساخته شده ومانندسایر جوانب‌مسجد بعداً منهدم گردیده‌بود واخیراً آنرا مجدّداً ساخته‌اند. درقسمتهای دیگر مسجد نیز تاریخهای مختلف‌عهد صفویّه‌موجود است که از تعمیرات فراوان بنا درآن عهد حکایت میکنند .

ضمن تعمیراتی که بهمّت‌مردم شیرازاز سال۱۳۲۱شمسی ببعد در این‌مسجد انجام گرفت ویرانه های باقیماندهٔ مسجد قدیمی را در بسیاری قسمتها برخلاف مصلحت چنین اثر باستانی از میان بردند وقسمتهای زیادی از آنرا بصورت‌نوساز در آوردند .

از سردرهای شرقی وغربی مسجد بطرف محلات قدیمی شیراز میروندودر سردر نزدیك گوشهٔ جنوب غربی مسجد نمونهٔ عالی نوعی تزیینات طاق معروف به یزدی بندی با کتیبهٔ کاشی معرّق زیبائی دیده میشود که اصل آن مربوط بدوران صفویّه بوده چندسال بیش از طرف فرهنگ فارس بنحوشایسته تعمیر گردیده است.

در مجاورت سردر شمالی مسجد وجلوخان آنجا مسجد قدیمی دیگری بنام مسجد طبّالیان وجود دارد که از نظر معماری وهنری مهم بنظر نمیرسد.

## ۱۹ ـ آستانهٔ سید علاءالدین

زیارتگاه مهمّ دیگر شهر تاریخی شیراز بقعهٔ سیّد علاءالدّین است که از مسجد جامع با پیمودن چند کوچه وپیچ وخمهای مختلف (روبجنوب ومشرق) بآن میرسند واز خیابان دورشهر نزدیك دروازهٔ قصّابخانه که گوشهٔ جنوب شرقی شیراز باشد آسانتر میتوان بدانجا رفت. این بقعه مدفن سیّد علاءالدّین است که او را هم از فرزندان امام هفتم (ع) وبرادردیگر سیّدمیراحمد (شاه‌چراغ) شناخته‌اند. بنای مرتفعی با گنبد بلندی برفراز آن بصورتی منفرد جلب نظر مینماید (ش۱۲۷) مدخل اصلی آن از جانب جنوب است که بوسیلهٔ صحن کوچکی باخارج مربوط میگردد. در جانب غرب آن محوّطهٔ نسبتاً وسیعی است که قبرستان قدیمی بوده اکنون صحن غربی بقعه بشمار میرود. درون بقعه مشتمل برحرم بلند آئینه‌کاری درزیر گنبد است که مرقدمطهّر مانند زیارتگاههای دیگر شیراز درشاه‌نشین کنار آن (برجانب شمال) قرار دارد ومسجد قرینهٔ حرم در دشت صریح واقعست.

بنای اصلی بقعه بوسیلهٔ قتلغ خان که ظاهراً درعهد مغول وتیموری یعنی اواخر قرن هشتم یااوائل قرن نهم والی شیراز بوده وبوستانی درمحلّ فعلی بقعه داشته، براثر ظاهر گشتن مزار متبرّك ساخته شده است. کتیبهٔ بالای حرم مورّخ به۹۴۳هجری بخط ثلث بوده نام نویسندهٔ آن سیاوش است وشعری هم بربالای درحرم بشرح زیر خوانده میشود:

این بنا کز دولت سلطان خلیل آمدبدید  سال تاریخش بجو از (خیر باقی) والسّلام

ازکلمهٔ خیر رقم ۸۱۰ وازکلمهٔ باقی رقم ۱۱۳ بر میآید وبدینقرار ساختمان

بقعهٔ کنونی درسال ۹۲۳ صورت گرفته است .

سلطان خلیل مذکور درشعر فوق خلیل سلطان ذوالقدر است که دردوران سلطنت شاه اسمعیل اوّل صفوی مدّت پانزده سال از ۹۱۱ تا ۹۲۶ برفارس حکومت داشت وبرطبق آنچه درفارس نـامهٔ ناصری (۱) مرقوم رفته است بعلّت تقصیری که درجنگ چالدران ازاوسرزده بوددرسال ۹۲۶ بفرمان شاه‌اسمعیل‌بقتل‌رسید.

سال‌تاریخ ۹۴۳ مذکور درپایان کتیبهٔ بالای‌حرم(درزیر گنبد)میرساند که درزمان شاه‌طهماسب اوّل‌هم‌کارهای تکمیلی‌بقعهٔ مزبور انجام پذیرفته است. براثر سستی زمین بقعه وزلزله‌های شیراز خرابی زیاد باین بنا واردآمده گنبدآن که آخرین‌بار بوسیلهٔ‌مرحوم میرزا ابوالحسن مشیرالملك تجدیدشده بوداز یکطرف فرو مینشست ورو بانهدام میرفت وباوجود تعمیرات ومحکم کاریهای زیـادی که بوسیلهٔ مرحوم سرلشکر ریاضی رئیس فرهنگ اسبق فارس وپس‌ازآن بعمل‌آمد خطر انهدام روز افزون‌بودتااینکه درسال ۱۳۲۹ گنبدآن ازطرف ادارهٔ‌فرهنگ فارس‌برداشته‌شدو گنبد سبکی‌بااستخوان‌بندی‌آهنین(ازمحلّ‌درآمدهای‌آستانه) تهیّه و درسال ۱۳۳۱ نصب گردید و بوسیلهٔ آجروکاشی درظرف چند سال بوضع وهیئت اوّلیّه تجدید گشت . بقعهٔ سید علاءالدّین در تاریخ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ ذیل شمارهٔ ۳۰۷ در فهرست‌آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است .

**۲۰ ــ آبش خاتون یا خاتون قیامت**

در کنار شهر شیراز مجاورمحلّ معروف به دروازهٔ قصّابخانه قسمتی ازبنای نیمه ویران بنام آبش خاتون موجود است که روزگاری بنای بلند و مجلّلی بوده بر اثر عدم استحکام بنا وبکاربردن چوبهای زیاد درآن وزلزله‌های متعدّد شیراز منهدم گردیده باقیماندهٔ‌آنهم درشرف فرو ریختن بود وچندسال‌قبل بوسیلهٔ‌ادارهٔ فرهنگ تاحدّ مناسب تعمیر ومستحکم گشت‌وبعضی قسمتها که‌باعث انهدام بیشتر آثار موجودمیگردید ازبالای دیوارهابرداشته‌شد. در بارهٔ این بنا مطالب‌مختلف

(۱) تألیف حاج میرزا حسن خان فسائی چاپ تهران ۱۳۱۳ قمری صفحه ۹۸

نگاشته‌اند آنچه میتوان مقرون بصحّت دانست اینست که ملکه آبش خاتون آخرین پادشاه اتابکان فارس همسر منکو تیمور قاآن پسر یازدهم هلاکو بود و۲۲ سال پادشاهی کرد وزندگانی شاهانهٔ خود را گاه در شیراز و گاه در تبریز میگذرانید ودختری بنام شاهزاده کردوچین از منکو تیمور قاآن پیدا کرد وپس از اینکه بسال ۶۸۵ یا ۶۸۷ هجری آبش خاتون در محلّهٔ چرنداب تبریز درگذشت جسد او را برسم مغول درهمان شهر بخاك سپردندوپس ازچندی بدستور دخترش جسدرا بشیراز آوردند ودر مکان فعلی دفن نمودند و مقبره‌ای درآنجا بنا نهادند وباغ ومتعلّقات دیگری هم گرد آن ترتیب دادند که اکنون از کلیّهٔ آن آثار بنای نیمه‌ویران مختصر کنونی بجای مانده است . بنای فعلی مشتمل برقسمتی از بنای آجری قدیمی بصورت مستطیل است که درون آن مقبره واقع شده شاه‌نشین‌های شمالی‌وشرقی وغربی‌تاحدّی نمودارمانده سقف‌آن فرو ریخته است ودیوار آجری باازارهٔ سنگی وقسمتهائی از کتیبهٔ معرّق کاشیکاری که ازآثارعهدصفوی دربنای مزبورمیباشددرخارج آن‌باقی مانده است . (ش۱۲۸) قسمتهائی ازکاشیکاری ازارهٔ داخل بنا هم در موزهٔ پارس نگهداری میشود . خرابه های آبش خاتون در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ذیل‌شمارهٔ ۷۶ درفهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت‌رسیده است .

## مقبرهٔ شاه داعی الی‌الله و بزرگان دیگر

علاوه‌برزیارتگاههای مذکور درصفحات گذشته زیارتگاههای دیگری هم درشیرازهست که ابنیهٔ آنها از لحاظ ارزش تاریخی وهنری چندان اهمیّت‌ندارد وهمچنین آرامگاههای متعدّد بزرگان درداخل یا کنار شهر وجود دارد که‌یکی ازمهمترین آنهامقبرهٔسید نظام‌الدّین‌محمودملقّب‌به‌شاه‌داعی‌الی‌الله‌ازعرفاوحکمای معروف شیراز درقرن نهم ( متوفی‌در ۸۷۰هجری است) که‌درخارج قسمت‌جنوب شیراز کنار گورستان‌معروف دارالسّلم( که عموماً بنام‌دارالسّلام گفته‌میشود)واقع میباشد و بنائی‌ازعهد کریمخان‌زندبرمزاراووفرزندش‌سیّدقاسم‌ونوه‌اش موجودبوده سنگ قبربزرگ‌خوش‌طرحی‌نیزازهمان‌زمان‌برمزاراونهاده‌اند که کتیبهٔ تاریخی

بدینقرار برلوحه‌ای درپائین آن بخطّ ثلث برجسته مرقوم است .

«لقد اشرق وجه‌الارض بنور وجود قطب المحقّقین وسند الموحّدین الدّاعی الی‌الله قدّس‌الله سرّه نظاماً لقلب الارشاد نظام الدّین محمود الحسینی یوم الخمیس الثّانی والعشرین من جمادی الاولی سنة سبعین وثمان مائه ۸۷۰» (۱)

از سه سال پیش بهمّت مردم نیکوکار شیراز شروع به‌ساختمان تالار وسیعی درجلو مقبرهٔ شاه داعی الی الله کرده‌اند و انجمن آثار ملّی نیز در این نیّت خیر کمك شایان نموده است .

آرامگاه سیبویه‌در کوچهٔ‌سنگ سیاه ( نزدیک دروازهٔ‌کازرن ) و مقبرهٔ شیخ کبیر ابوعبدالله محمّدبن‌خفیف از بزرگان قرن چهارم هجری‌در کوچهٔ‌پشت دبیرستان شاهپور ( مجاور بازار وکیل) و مزار شیخ ابومحمّد روز بهان عارف معروف قرن ششم هجری در گذر درب شیخ نزدیك خیابان لطفعلیخان زند ( قسمت محاذی دیوانخانهٔ قوام) (۲) و قبرشیخ ابوسعد ابن الهیثم دربقعهٔ معروف به علمدار ( درحوالی بین‌مسجد جمعه و محلّهٔ لب آب ) و گورستان یاخاکستان شیرویه درحول وحوش گود موتابها(که‌آقای‌رحمت‌الله ناتوان بازرس سابق‌ادارهٔ باستان شناسی فارس درسال ۱۳۳۷ محلّ آنرا کشف نمود ودو سنگ قبرتاریخی متعلّق بـه شیخ عماد الدّین محمود وحسین بوشگانی را درآنجا بدست آورد) و تکیهٔ موسوم به‌سیّد میرآخور که مدفن‌مولاناشمس‌الدّین محمّد کیشی بوده است وبقعهٔ امیر اصیل الدّین عبدالله ابن علی‌علوی وپسرش امیر ناصرالدّین (در کوچهٔ لشگری نزدیك باغچهٔ منصوریّه) ومقبرهٔ شیخ ابو ذرعه (کنارفلکهٔ انتهای‌خیابان لطفعلیخان زند که آنرا فلکهٔ شیخ ابوذرعه‌نامیده اند ) در شهر تاریخی شیراز

(۱) کتیبهٔ فوق راآقای علی اکبربصیری رئیس کتابخانهٔ ملی‌فارس باهمکاری آقای علی‌سامی خوانده‌اندودراختیار اینجانب گذارده شده است .

(۲) ازطرف انجمن‌آثارملی‌درسالهای اخیرنسبت بتعمیرآرامگاههای‌شیخ کبیر وشیخ‌روزبهان نیز بذل همت گردیده بوسیلهٔ اداره باستانشناسی فارس بنحواساسی مرمت و تعمیر شده است . ضمناً علاقه‌مندان باطلاع بیشتر دربارهٔ دوآرامگاه‌اخیرالذکر میتوانند به کتاب شیرازتألیف آقای‌علی‌سامی چاپ شیراز ۱۳۳۷ شمسی صفحات ۱۸۷ تا ۱۹٤ که حاوی توضیحات کافی نسبت باین دو بنا وبزرگان نامبرده است مراجعه فرمایند .

وجود دارد [۱] وبطوراختصارهمانطور که سراسر کوهستان شمال شیراز جایگاه عبادت و آرامگاه بزرگان دین بوده است درشهر شیرازهم از اینگونه مردان خدابسیار میزیسته‌اند و بشرحی که شیخ سعدی علیه الرّحمه فرموده‌است :

هزار پیرو ولی خفته‌اند درشیراز — که کعبه برسرایشان همی کند پرواز

وطبعاً شرح اینگونه آثار دور ازهدف این کتاب است لذا بیش از آنچه گذشت دراین باره توضیحی نداده بذکر آثار تاریخی دیگرشیراز میپردازد :

## ۳۱ ـ کلیسای ارامنه

طبق نوشتهٔ آقای‌هایك عجمیان‌دانشمند ومحقّق عالیقدرارمنی ایرانی سابقهٔ اقامت ارامنه درشیرازحدّ اقلّ به‌قرن‌نهم هجری میرسد[۲] بنا براین وجودکلیسای تاریخی در شیراز امری طبیعی بنظر میرسد .

در کوی معروف به « سرجوی ارمنیها » که بمسافت کمی‌ازخیابان قاآنی‌در کوچه‌های جانب شرقی‌خیابان مزبور واقعست‌کلیسائی‌بانقّاشیهای‌اصیل عهدصفویّه‌و سبك ساختمان‌شیوای آن‌دوران‌محفوظ میباشد(ش۱۲۹و۱۳۰)وطبق آنچه‌در کتاب شیراز[۳] مرقوم رفته است درزمان شاه عبّاس دوّم صفوی‌آنراساخته‌اندوبهرصورت ازابنیهٔ تاریخی نفیس وجالب شیراز بشمار میرود . سقف نقّاشی تالار اصلی کلیسا (ش ۱۳۱تا ۱۳٤) وطاقچه‌بندی ومقرنس کاری‌های گچی درحاشیهٔ وسط دیوار آن از آثار هنری دوران صفوی بوده سنگهای قبور شخصیّتهای مسیحی از جمله سنگ قبری بنام داوود ردل [٤] افسر انگلیسی‌فوج هندوستان اعزامی بمأموریّت

(۱) اطلاعات راجع بمدفن‌چندنفرعرفای‌اخیرالذکرازگزارشهای سال۱۳۳۷ آقای‌رحمت‌الله ناتوان‌کارمندسابق‌ادارهٔباستان شناسی‌فارس که‌توسط ادارهٔ مزبوربه‌ادارهٔ کل باستان شناسی‌ارسال گشته استفاده شده است .

(۲) مقالهٔ ارامنه درشیراز اثرهایك عجمیان ـ چاپ طهران ۱۹۵۸ میلادی .

(۳) تألیف‌آقای علی‌سامی ـ چاپ شیراز ـ بهمن۱۳۳۷ .

(٤) D . Ruddel

ایران ومتوفیّ در سال۱۸۳۵ مسیحی بر دیوار های کلیسا نصب است . (۱)

## ۲۴ ـ ابنیهٔ تاریخی مهمتر دوران قاجاریه

از دوران قاجاریّه آثار قابل توجّهی در شیراز هست که اجمالا بشرح زیر معرفی میشود :

### دیوانخانه

حیاط بزرگ وعمارت زیبای دیوانخانهٔ قوام الملکی (ش۱۳۶) در کنار خیابان لطفعلیخان زند واقع است کاشیکاری و آئینه کاریهای عالی زیبا دارد و تصویر محمّدرضاخان قوام الملك سوّم نیای جناب آقای ابراهیم قوام را برمرمرهای زیبای بخاری دیواری شاه نشین ایوان بزرگ آن با کمال ظرافت حجّاری نموده اند ، جبههٔ داخلی سردرورودی صحن مزیّن به کاشیهائی دارای نقوش خدمتگزاران دورهٔ زندیّه شبیه تصاویر بالای سردرداخلی ارگ کریمخانی است . (ش۱۳۷) عمارت دیوانخانه بوسیلهٔ جناب آقای ابراهیم قوام تعمیر گردیده وبرای محلّ موزه ومرکز هنری شهرام در نظر گرفته شده قرار است در آنجا آثارهنری مناسب جمع آوری وبرای عموم مورد استفادهٔ شایسته واقع گردد .

در مجاورت دیوانخانه ، عمارت اندرونـی قوام الملکی است که تالار آئینهٔ آن با اطاقهای نقّاشی و گچبری متعدّد از بهترین نمونه های هنرهای ظریف عهد قاجاریّه بشمار میرود، تاریخ ۱۲۹۵ دریکی از اطاقهای شمالی گچبری شده وامضای

---

(۱) ـ کلیسای مهم دیگری درشیراز هست که بنای آن قدیمی نیست ولی تزیینات عهد قاجاریه بـا سلیقهٔ فراوان در آن بکاررفته است وآقای شارپ بانی وسر پرست کلیسای مزبور که عالم روحانی وباستان شناس عالیقدرانگلیسی هستند براثر علاقهٔ بآثارهنری درتزیین نمازخانهٔ این کلیسا ازآثـار هنری مختلف ایران کوشیده اند وتصویر کوچکی ازنمازخانه مزبوردرشکل ۱۳۵ نموده شده است .

ضمناً طبق آنچه در کتاب شیراز سـابق الذکر (صفحات ۱۱۷و۱۱۸) مذکور است علاوه بر کلیساهـای نامبرده « دو کلیسای دیگر درفارس موجود میباشد یکی کلیسای تجلیل مسیح در قلات (۳۴ کیلومتری مغرب شیراز) و دیگر کلیسای طهور مسیح در بوشهر که نمونهٔ خوبی از صنعت معماری ایران است ، تمام پنجره های آن کلیسا نیزدارای شیشه های الوان ایرانـی کـه با دست کارگذارده شده است میباشد » .

استاد هنرمندآن درپیشانی بخاری تالار بزرگ با آئینه چنین مرقوم رفته است: «چاکردرگاه ابوالقاسم آئینه بر شیرازی ۱۳۰۲ » .

### حسینیهٔ قوام

حسینیّهٔ قوام الملکی هم درجانب دیگر خیابان لطفعلیخان زند نزدیك دیوانخانهٔ قوام قرار دارد که مشتمل بر حیاط متناسبی باایوانها وغرفه‌های مزیّن به کاشی و گچبری بوده معاصر با دوبنای سابق الذّکر میباشد وادارهٔ اوقاف فارس درچند سال پیش تعمیرات صحیح واساسی در آن انجام داده اند .

### مسجد نصیر الملك

بنای زیبای دیگر دوران قاجاریّه مسجد نصیر الملك واقع در محلّهٔ گودعربان است که درجنوب خیابان لطفعلیخان زندواقع گشته است ومسافت زیادی بادیوانخانهٔ قوام الملکی ندارد . در مسجد نصیرالملك کاشیکاری وستونهای سنگی شبیه مسجدوکیل بکاررفته اقتباسات قابل تحسینی ازبنای تاریخی مزبورنموده‌اند، در دهلیز شمالی آن نام معمار (کمترین محمّد حسن ) ضمن کتیبهٔ نستعلیق که بیت معروف : «غرض نقشی . . .» را در بر دارد خوانده میشود وتاریخ بنای مسجد از ۱۲۹۳ تا ۱۳۰۵ ذکر گشته است . این مسجد در تاریخ ۱۱ بهمن ماه ۱۳۳٤ ذیل شمارهٔ ۳۹٦ در فهرست آثار تاریخی ایران ثبت گردیده است .

### حسینیهٔ مشیر

حسینیّهٔ مشیر که باگذشتن کوچهٔ کوتاهی از وسط جانب شرقی خیابان قاآنی میتوان بآنجارفت نمونهٔ زیبای دیگراز آثاردورهٔ قاجاریّه درشهرشیراز بشمار میرود . (ش ۱۳۸) این بنا اکنون محلّ دبیرستان سلطانی موقوفهٔ بانوی نیکوکاری است که دبیرستان مزبور منتسب باو میباشد . درغرفه‌های مختلف ایوان بزرگ جانب شمال اشعار مناسب باتعزیه داری ومربوط بااحداث این بنای مذهبی مرقوم رفته است . ممتاز ترین اثر تاریخی آن کاشیکاری بپشانی بالای ایوان بزرگ است که صحنهٔ کربلا را با رنگ آمیزی بسیار دلپسندی که منحصر باستادان هنرمند

شیراز بوده است بر خشتهای آن نقش نموده اند (ش ۱۳۹) .

**مسجد مشیر**

مسجدمشیر نزدیك حسینیّهٔ مشیرواقع است وکاشیهای ممتازومقرنس کاریهای عالی وشبستانی باستونهای سنگ یك پارچهٔ جالب توجّه دارد وسال تاریخهای ۱۲۶۶ در ایوان غربی و۱۲۷۵ در پیشانی ایوان شرقی آن خوانده میشود .

گنبدهای کاشیکاری وابنیهٔ متبرّك دیگر که آثار عهد قاجاریّه را دربردارد نیز در شیراز هست که ذکر آنها با اختصاری که در این کتاب باید رعایت نمود مورد پیدا نمیکند .

**۲۳ ـ باغهای معروف شیراز**

شهر شیراز از قدیم الایّام بداشتن باغهای زیبا ومصفّا شهرت داشته که باغ موزهٔ پارس یاباغ نظر هم ازجملهٔ آنها بوده‌است واکنون نیز معدودی ازباغهای وسیع قدیمی‌در کنار یاخارج شهرباقی‌است که مهمترین آنها رامذکور میدارد :

**باغ جهان نما**

در کنار خیابان‌دروازهٔ قرآن باغی‌بنام جهان نما ازآثار دوران کریمخان زندوجود دارد که دیوارآجری بانمای سادهٔ آن از خارج بصورت اصلی نمایانست ودرون آن عمارتی نظیر عمارت کلاه فرنگی (موزهٔ پارس) باچهار حوض‌ومحوّطهٔ وسیع باغی شبیه باغ موزهٔ پارس دیده میشود ورویهمرفته بصورت متروك بدون تعمیر ومراقبت‌باقی مانده‌از نظرطرح باغ وعمارت وحوض همانندباغ نظرمیباشد.

**باغ تخت**

این باغ‌در شمال‌شهرپائین کوهسارنزدیك‌بابا کوهی ومحلّ‌قسمتی‌ازپادگان شیراز است، اساس اولیّهٔ‌عمارتی در محلّ آن درسال ٤۸۰ شیرازی بوسیلهٔ اتابك قراچه گذارده شد وبنام تخت قراچه موسوم گشت بعداً آقا محمّد خان قاجار در

۱۲۰۸ هجری و محمّدشاه قاجار در ۱۲۶۰ هجری بنای جدید و محوّطه‌های مسطّح آنرا که تخت قاجار نامیده شد احداث نمودند وحوضها وفوّاره‌ها وحمّام ومستحدثات عالی داشت (ش ۱۴۰) که تماماً ازمیان رفته‌است واکنون قسمتی ازمحلّ آن بصورت محوّطه های مسطّح که در دامان کوه بصورت طبقات متعدّد خود نمائی میکنند با ابنیه‌أی که از طرف ارتش تجدید یابنیاد شده است مورداستفادهٔ قسمتی از پادگان فارس بوده ازنظر آثار تاریخی وهنری حائز اهمّیّتی نیست .

**پارك سعدی**

روبروی باغ جهان نما باغ مصفّائی باعمارت قدیمی از آثار حسینعلی میرزا فرزند فتحعلی شاه قاجار وجود دارد که حوض بزرگ آب وحجّاریهای ازارهٔ جلوعمارت بصورت قدیم حفظ شده داخل عمارت تغییراتی فراخور احتیاجات بعدی یافته از چند سال پیش هم محلّ مهمانخانهٔ آبرومند پارك سعدی گردیده است . باغ کنونی پارك سعدی قسمت کوچکی از باغ اصلی قدیمی میباشد .

**باغ دلگشا**

در شمال شرقی شیراز کنار راه آرامگاه سعدی باغ بانزهتی با درختان مرکّبات وحوض بزرگ وآبشار های متعدّد وعمارت مجلّلی قرار دارد که ازآثار اجدادی خاندان قوام است واز آب قنات بندر که آب سعدی نام دارد مشروب میشود . احداث باغ در ۱۲۰۵ هجری بوسیلهٔ حاج ابراهیمخان اعتماد الدّوله صورت گرفته در ۱۲۳۶ شاهزاده رضاقلی میرزا نایب الایاله آنراخریداری ومرمّت نمود وعمارت کلاه فرنگی را درآنجا ساخت‌وپس از سی سال حاج میرزا علی‌اکبر قوام الملك اطراف آنرا دیواری کشید وضمن تعمیر عمارت ایوان مجلّلی برآن افزودواز آن پس‌درخاندان‌قوام‌باقی مانده‌ازآن بخوبی نگهداری میکنند (ش ۱۴۱)

**باغ ارم**

بمسافت کمتر از یك کیلو متری شمال‌غربی شیراز درجانب شمالی‌رودخانه خشك که حدّ شمالی طبیعی شهرمحسوب میگردد باغ وسیعی با درختان سرو

فراوان وعمارت مجلّل و تالار آئینه کاری وحوض آب زیبائی وجود دارد که از معروفترین باغهای شیراز است وباغ ارم نام دارد واز آثار دوران ناصرالدّینشاه قاجار بشمار میرود، در میان درختان سرو آن(ش ۱۴۲) سرو بلند قامت بسیار موزونی مخصوصاً بسیار جلب توجّه میکند که آنرا سروناز میخوانند ونظیر آن در کشور ایران سراغ نمیرود .

**باغ خلیلی**

در جانب مغرب خارج شهر شیراز نزدیك خیابان قصر الدّشت باغ زیبائی پراز گلها ودرختان گوناگون وجود دارد که به سرمایه و همّت و سلیقهٔ آقای محمّدخلیل خلیلی ایجادشده بوته‌های درخت و گلهای آنرا از کشورهای دوردست آسیا واروپا آورده از هوا وآب ولطافت موقع در کنار شهر شیراز استفاده نموده اندو نزهتگاه بدیعی بوجود آورده اندو با کمال گشاده روئی هم آنرا بروی بازدید کنندگان ایرانی وخارجی باز گذارده اند .

**باغ عفیف آباد یا باغ گلشن**

این باغ بمسافت تقریبی دو کیلو متری مغرب شیراز درجنوب خیابان قصرالدّشت واقع گردیده باسلیقهٔ مخصوصی درختان سرو وچنار وصنوبر وکاج و بید وعرعر در آن غرس نموده اند وعمارت مجلّلی بازیر زمینهای وسیع کاشیکاری وازاره‌های سنگی‌دارای نقوش برجستهٔ سربازان وتالارها واطاقهای متعدّد در آن ساخته‌اند، این باغ هم از جملهٔ آثار خاندان قوام شیرازی بوده بانی اولیّهٔ آن میرزا علیمحمّد خان قوام‌الملك‌دوّم‌است که در ۱۲۸٤ هجری شروع باحداث آن نمود وقنات لیمك راکه در قصر قمشه بمسافت قریب ۱۵ کیلو متری آنجا بود خریداری کرد وبرای مشروب ساختن باغ اختصاص داد وبه بعضی محلاّت شیراز نیز وقف نمود .

## قسمت دوّم ـ آثار تاریخی بیرون شهر شیراز

غیر از باغها و ابنیهٔ خارج شهر شیراز که در تلو صفحات سابق ذکر آن گذشت چند اثر تاریخی در نزدیك شهر شیراز واقع است که بعلّت نزدیکی آنها بشهر مناسبتر دیدتوضیحات مربوط بآنهاراهم دراینموردذکرنماید، این آثار شامل قصر ابونصر وبرم دلك در جانب مشرق و نقش بهرام درگویم و آثار تاریخی مسجدبردی درسمت مغرب وبقعهٔ پیربناب درقسمت جنوب غربی خارج شهر شیراز میباشد .

### قصر ابو نصر (یا تخت ابو نصر)

بمسافت شش کیلو متری در مشرق شیراز بر بالای تپّه بقایای ابنیه وحصار سنگی ودیوار های آجری وساختمانهای خشتی و آستانه های سنگی فرو افتاده و چند قطعه نقوش بر جسته از نوع نقوش تخت جمشید دیده میشود . از نقوش برجسته و آستانه‌های سنگی عهدهخامنشی فقط یك آستانه برسرپامانده (ش۱۴۳) نقش خدمتگزاری که ظرفی دردست دارد بردیواره های آن حجّاری گردیده‌است و بعقیدهٔ برخی دانشمندان قطعات مزبور را از تخت جمشیدبمحلّ فوق الذّکر آورده مورد استفادهٔ مجدّد قرار داده اند ولی این عقیده صحیح نیست ودر قصر ابو نصر بنای اصلی ازدوران هخامنشیان وجودداشته‌است [۱] در سالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ شمسی از طرف هیئت علمی موزهٔ متروپولیتن نیویورك کاوشهای علمی در آنجا صورت گرفت ونمونه های سفال وقطعات ظروف سنگی عهد هخامنشی باسکّه ها و آثار دیگری از عهد سلوکی واشکانی وساسانی کشف گردید و رویهمرفته معلوم شد در عهد اشکانیان بنای مستحکم محصوری در آنجا احداث نموده اند و در زمان

(۱) ـ درچند صفحه‌بعدضمن‌معرفی آثارتاریخی‌فرمشکان دراین‌باره توضیح بیشترداده میشود .

ساسانیان هم مورد استفادهٔ کامل بوده است واحتمال میرود پیش از دوران اسلام
که قلعه های چندی در حول وحوش محلّ کنونی شهر شیراز بجای شهر شیراز
فعلی وجود داشت درمحلّ قصر ابونصر نیزیکی ازمهمترین قلعه‌های مزبور بصورت
آباد ودائر موجود بوده است . نام قصر ابو نصر یا تخت ابو نصر چندان قدیمی
نیست‌ونام‌قدیمتراین محلّ تخت‌سلیمان‌بوده‌ذیل همین‌نام در تاریخ ۲۴ شهریورماه
۱۳۱۰ بشمارهٔ ۱۳ در فهرست‌آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است . محوّطهٔپائین
ومجاور قصر ابونصر را بنام دشت خضر میخوانند وبقاعی هم در آنجا وجوددارد.

## برم ِدلْك

دنبالهٔ راهی که ازشیراز به‌تخت ابونصرمیرود بمسافت شش کیلومتردورتر
از تخت ابونصر بمحلّ مصفّائی میرسند که بیشه زاروچشمه ساراست و بقعه‌ای‌بنام
امامزاده ابراهیم نزدیك آن وجود دارد . برصخرهٔ کوهستان کنار چشمه و بیشهٔ
مزبورسه مجلس حجّاری عهد ساسانی‌دیده میشود . مجلس بزرگتر صورت مردی
را نشان میدهد که گلی دردست دارد و آنرا بطرف زنی گرفته است و زن نیز
دستهای خویش را بجانب مرد دراز نموده است و اشتباه حجّاری هم درآن وجود
دارد . مجلس وسطی نقش برجسته أیست که احتمال میرود صورت بهرام پنجم
باشد . مجلس سوّم تصویرجوانی را با موهای انبوه و کلاه بلند نمدی مینمایاند.
رویهمرفته نقوش‌مزبور ازحجّاریهای برجستهٔعهدساسانی‌نیست وازکارهای غیرمهمّ
آن دوران بشمار میرود ( ش ۱۴۴ ) ـ کلمهٔ برم ( بروزن رزم ) بمعنی چشمه
بوده ودلك نیز وجه مخفّف دل است و ساکنین محلّی این نقوش را مانند بسیاری
ازنظائرآن نقش‌رستم‌مینامند. آثاربرم دلك تحت عنوان حجّاریهای عهدساسانیان
در مجاورت تخت سلیمان ( که بشرح سابق‌الذّکرمقصود قصرابو نصراست) ذیل
شماره ۷۱ درتاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰درفهرست‌آثارملّی ایران بثبت رسیده است .

## نقش بهرام (نقش رستم) در گویم

دهکدهٔ گویم بمسافت قریب سی کیلو متری مغرب شیراز نزدیک جادّهٔ قصرالدّشت واقع گردیده است ودریک کیلو مترو نیمی جنوب غربی آن در تنگ موسوم به قوام آباد نقش برجستهٔ بهرام دوّم پادشاه ساسانی درارتفاع هشت متری از سطح زمین بربدنهٔ کوهسار حجّاری گردیده‌است. طول بدنهٔ حجّاری ۲ مترونیم وپهنای آن ۱/۷۰ متر بوده بعلّت بدی نوع سنگ آسیب فراوان برآن وارد آمده است(ش ۱۴۵)بطوریکه ملاحظهٔ آن جزبرای دانشمندان و اهل فن مورد استفادهٔ بازدید کنندگان دیگر نیست. این حجّاری را هم اهل محلّ بنام نقش رستم میخوانند.

## آثار تاریخی مسجد بردی یا قصر الدشت

قصبهٔ قصرالدّشت که بنام مسجد بردی نیز خوانده میشود به مسافت شش کیلو متری شمال غربی شیراز واقعست که خیابان اسفالتی باصفائی از محوّطه‌های درختکاری و باغهای قدیمی از جانب مغرب شهر شیراز یعنی انتهای غربی خیابان لطفعلیخان زند بآنجا امتداد دارد وباغ ها وخانه های بانزهت در دوسمت خیابان مزبور ساخته اند ودنبالهٔ خیابان نامبرده هم جادّه ای است که به گویم وقلات و اردکان میرود.

نگارنده از وجود بنای تاریخی در قصرالدّشت بهیچوجه مطّلع نبودم. استاد دانشمند جناب آقای علی اصغر حکمت چون از تدوین این کتاب اطّلاع یافتند ضمن ابراز خرسندی وتشویق کامل توّجه اینجانب را بوجود لوحهٔ سنگی با کتیبهٔ خطّ ثلث بنام اوزون حسن (۸۷۱تا ۸۸۲ هجری) درمسجد جامع قصرالدّشت جلب فرمودند واینجانب (مانند چند مورد دیگر این کتاب) از دوست دانشمندم آقای علی سامی تقاضای ارسال عکس ومتن کتیبه را نمودم وپس از چندی عکس قسمتی از جبههٔ جنوبی مسجد که لوحهٔ سنگی مزبور برآن نصب است (ش ۱۴۶) وعکسی

هم از عین لوحهٔ سنگی حاوی کتیبه (ش۱٤۷) توسّط آقای منوچهر چهره‌نگار تهیّه وجهت اینجانب فرستاده‌شد ومتن کتیبه رانیز دانشمند گرامی آقای علی‌اکبر بصیری رئیس کتابخانهٔ ملّی فارس بنا بر در خواست آقای سامی ازروی اصل لوحه درمحلّ خود قرائت فرموده بضمیمهٔ اطّلاعات مفیدی در بارهٔ بانی مسجد جامع ومقبرهٔ او ومسجد دیگری که همان‌شخص‌درقصبهٔ مزبورساخته است مرقوم‌داشتند که همراه نامهٔ آقای سامی رسیده است واینك باظهار سپاسگذاری از این گونه‌همکاری‌های مفید ومستمرّ عیناً در اینجا نقل میگردد :

«درمسجد جامع قصرالدّشت کتیبهٔ سنگی‌باابعاد ۸۵ × ۸۰ سانتیمتر در دیوار جنوبی بفاصله دومتر ونیم از کف مسجد نصب است که بشرح زیر خوانده شد :

امابعد حمدالله وشکر نعمته فقد استحدث الطّرف الجنوبی من هذا المسجد بعد الجدار القدیم برمّته وعمّر الصّفة القبلی باصلاح طاقاته وجدّد عمارة الصّفة الصّبوی بمرمّته‌واصلح مافوق طاقات الصّحن بالحجر الاتابکی حول قمّته فی ایّام السّلطان العادل بعالی همّته الآمن کافّة البرّیه فی‌ظلّ رحمته مظفّرالسّلطنة والدّین ابی النصّر سلطان حسن بهادر خلّدالله خلافته اقلّ رعیّته احمد ۸۷۵ .

ودر کنار خیابان فعلی قصرالدّشت که بجادّهٔ اردکان میرود بقعه أیست‌بنام (رئیس احمدی) که از قرائن معلوم میشود قبر همین (اقلّ رعیّته احمد) سازندهٔ مسجد مزبور است ودرآن بقعه سه سنگ قبر است که سنگ وسط از سنگهای بزرگ وقطورقدیمی است‌ودر لبهٔ‌فوقانی بالای سر که ضخامت سنگ رامینمایاند این عبارت خوانده شد :

رئیس احمد آن سرور محترم — که بودی همه خصلت او نکو
بهجرت شده نهصد ویك سنین — بتا ریکدان لحد شد فرو
گذشت ازجهان آن‌سحاب کرم — کزو داشت باغ جهان آبرو
چو باشد دعاهای خیر از پیش — دعا های خیر است تاریخ او

« ودر دیوار متّصل بهمین مقبره کتیبهٔ سنگی بابعاد ۴۵ × ۲۱۰ سانتیمتر با خطّ نسخ خوش در دو سطر نصب است که چنین خوانده شد :

«قال الله تعالی وانّ المساجد لله فلاتدعوا مع الله احدا اتّفق بنیان هذا المسجد الشّریف والبقعة المنیف والمقبرة اللّطیف العالیه لعبد الفقیر الرّئیس فخر الدّین احمدبن رئیس ناصرالدّین جعفر القصرالدّشتی تقبّل الله منه فی سنة خمس وتسعین وثمان مائه» .

«ازقرائن معلوم میشود که رئیس احمدبامر سلطان حسن در۸۷۵ ه. مسجد جامع قصرالدّشت رابناوتعمیر نمودهودرسال۸۹۵ ه. این مسجدپائین ومقبرهوبقعه راساخته ودر۹۰۱ هجری وفات یافتهاست واینمقبره اکنون بنام(رئیس احمدی) در قصرالدّشت معروف است .»

علاوه بر آنچه گذشت قبر مکتبی شیرازی شاعر معروف قرن دهم هجری معاصر شاه اسمعیل اوّل نبز در قصبهٔ قصر الدّشت مجاور مسجد جامع واقع گردیده بهمین مناسبت هم نام خیابان مرکزی قصبه بنام شاعر مزبور نام گذاری شده است .

## مقبرهٔ شیخ اقطع یابقعهٔ پیر بناب

بقعهٔ پیر بُناب در کوهسار جنوبی شیراز واقع گشته در کتاب آثار عجم توضیحات مفید وجامعی در بارهٔ آن مرقوم رفته است که نقل عین آندراینمورد مناسبتر از هرگونه شرحوتوضیحی بنظر رسیده عیناً بشرح زیر مذکورمیگردد:

«شیخ اقطع که اورا پیر بُناب نیز خوانند اسمش سیدمحمّد مزارش درسمت جنوب غربی شیرازبه مسافت دوفرسنگ تقریباً دردامنهٔ کوهی است واو درمغاره مسکن داشته پس از وفات درهمانجا بخاك سپرده شد. بقعهٔ بسیار کوچکی برسر آن بنا نموده اند بعدها محمّد علی خان ایلخانی قشقائی ابن جانی خان را مهمّی

عظیم روی داده واز آن راه میگذشته بقبر شیخ مذکور ملتجی میشود. اتّفاقاً از آن‌مهلکه خلاصی یافته‌آنجا را مرمّتی کرده وصیّت مینماید که چون اجلش‌رسد درجوار شیخ دفنش کنند، در سنهٔ یکهزار و دویست وشصت وشش هجری کـه از جهان‌میگذرد جسدش راحمل نموده درآنجا بخاك‌میسپارند وبنای‌تکیه‌مینمایند، تالاری که بواسطهٔ دو ستون از سنگ یکپارچه قـائم است بنیاد میکنند وسنگ بسیار بزرگی بر قبرش میافکنند . اشعاری ببحر تقارب مرحوم داوری ابن وصال گفته بر آن نقش مینمایند وآن قبر در تالار مذکور است بطرف دست چپ شیخ قدّس سرّه بطوری واقع شده که مزار شیخ در اعلا وقبر ایلخـانی در اسفل است زیرا که‌مزار مذکور دربلندی بوده چون جلو آنرا تالار برپا نموده اند لذافضای تالار دوطبقه مینماید وقبر ایلخانی در طبقهٔ پائین است ودر آن تکیه چند اطاق دیگر هست و باغچه أی هم دارد وآن تـالار وبناهـا بمرور ودهور روی بخرابی نهاده بود در این ازمنه حاجی نصرالله خان ایلخانی مذکور بمرمّت‌آنجا پرداخته بسرکاری جناب‌میرزا علی‌خان بواناتی‌ملقّب بانواری که از جمله سلاك ذهبی‌است مجاهدی‌است صاحب حال وسالکی حمیده خصال» (۱)

پس ازاین قسمت در کتاب آثارعجم بذکرشرح احوال شیخ اقطع‌وتوضیح اینکه سه نفر از عرفا بدین عنوان خوانده شده‌اند میپردازد که چون از موضوع این کتاب خارج‌است نقل‌آن موردندارد وبهرصورت در کتاب مثنوی (جلدسوّم ـ آغاز ثلث دوّم جلد مزبور) شرح حال شیخ اقطع معروفتراز‌دو دیگر ضمن‌اشعار نغزی بیان گردیده است ومرحوم فرصت الدّوله هم در پایان ذکر این مطلب در بـارهٔ هوّیت پیر بُناب چنین مینگارد : «فقیر مؤلّف از شخصی ثقه مورّخ شنیدم سیّدمذکور در اوایل‌حال درکوه تودج فارس به عبادت میگذرانیده سپس دراین کوه که مدفن اوست آمده وتاریخ فوتش معلوم نشد» .

اکنون بقعهٔ نامبرده یکی از گردشگاه‌های زمستانی‌مردم‌شیرازاست وبنای آن مجدّداً در معرض تباهی وویرانی قرار دارد .

---

۱ ــ آثار عجم تألیف فرصت الدوله چاپ بمبئی ۱۳۱٤ هجری قمری ص ٤۸۹ ببعد

# فصل سوم - آثار تاریخی نواحی جنوب شرقی و مشرق فارس

## کوار - فرمشگان - خفر - سروستان - نیریز - فسا - اصطهبانات - داراب - جهرم - لار (و برخی نواحی شهرستانهای مجاور خلیج فارس)

### ۱ - کوار

بلوك کوار بمسافت نه فرسنگی (قریب ٥٤ کیلو متری) جنوب شرقی شیراز است وچون از شیراز به‌پل فسا بروند راه بدو قسمت میشود آنکه بجانب راست میرود جادّهٔ کوارو فیروزآباد وخفروجهرم است،قریب ۱٤ کیلو متر که ازپل‌فسا بگذرند به‌دوراهی‌مجدّدی میرسند ازجانب‌چپ بسوی‌خفروجهرم وازجانب‌راست بطرف کوار وفیروزآباد میروند.

**بند بهمن**

پیش‌از رسیدن‌به‌کاروانسرای کوار که‌در٥٦ کیلومتری‌شیرازاست‌جادّهٔ‌فرعی ازجانب‌راست بطرف‌مغرب‌میرود وپس‌ازطیّ‌هشت کیلومتر به‌بنای‌تاریخی‌بند بهمن میرسند . بند بهمن دردوران ساسانیان‌برروی‌رودخانهٔ قَرَاقاج‌ساخته‌شده‌درازای آن ۲٦ متر وضخامت آن دربالامختصری کمترازچهار متراست و چند سال پیش مالکین‌خفر آنرابنحوصحیح‌واساسی‌تعمیر کرده‌اندوا کنون‌علاوه‌بر جنبهٔ‌تاریخی‌از نظرموقعیّت‌طبیعی‌محلّ‌بسیار زیباودیدنی‌است‌وبرای‌شناوتفریح‌مردم‌زنده‌دل‌شیراز ومسافران‌صاحبدلی که بآن حدود میروند مکانی عالی و روحپرور بشمار میرود .

### ۲-فرمشگان

چون‌ازکاروانسرای کوار بگذرندومسافت مختصری ازجادّه راطی‌نمایندراه

اصلی بطرف جنوب بفیروز آباد میرود وراه فرعی از جانب چپ بطرف فرمشگان میپیچد که قسمتی از کوار محسوب گشته آبادیهای متعدّدی دربر دارد و بمسافت ۲۲ کیلومتری پس از کاروانسرای کوار به آبادی علی آباد که جزء فرمشگان است میرسند ودردو کیلو متری شمال این آبادی تل باستانی مهمّی بنام تل حکوان وجود دارد .

## تل حکوان

تل حکوان ار تپّه هائی است که قطعات سفالهای پیش از تاریخ در دامنهٔ آن پیدا میشدودر بهار ۱۳۳۸ خورشیدی باموافقت ادارهٔ کلّ باستانشناسی برطبق درخواست آقای جلال آرین مالك فرمشگان که علاوه برهمه گونه اقدامات عمرانی اساسی درشیراز وفرمشگان وغیره نسبت باماکن تاریخی هم از هر بابت روشن بین وعلاقه‌مند هستند بوسیلهٔ ادارهٔ باستان شناسی فارس مختصر خاکبرداری و گمانهٔ علمی در تپّهٔ مزبور انجام گرفت ودر نتیجه آثار بنائی ازعهد هخامنشی در تپّهٔ مزبور هویدا گردید که آنرا بر روی شالودهٔ سنگی سفیدی که طول آن از شمال غربی بجنوب شرقی قریب ۲٤ متر و پهنای آن قریب ده متر است ساخته بودند و قطعهٔ سنگ سفید دارای نقش برجستهٔ سربازان جاویدان بالباس خوزی ( مردم شوش ) و نیزه‌های بلند نزدیك شالودهٔ مزبور پیدا شد که بقایای طرح کنگره شبیه تاج نظیر آنچه برفراز آستانه های سنگی تخت جمشید موجود است بر بالای آن حجّاری کرده‌اند(ش۱٤۸)و آثار دیوارهای خشتی واطاقها بر بالای صفّه‌أی که از شالودهٔ نامبرده ایجاد میگردید کشف شده است، کشف بنای هخامنشی مزبور میرساند که همانطور که احتمال داده میشد درمسیر راه شاهی بین تخت جمشید وشوش بناهای کوچکی ازاندوران جهت توّقف واستراحت شاهنشاهان هخامنشی ساخته بودند واستفادهٔ نهارخوری وشکارگاه هم از آنها میشده است وباتوجّه باینکه مسافت تخت جمشید باقصر ابونصر تقریباً بامسافت قصرابونصر وتل حکوان برابر است بخوبی میشود احتمال داد که قصر ابونصر نخستین منزلگاه راه شاهی فوق الذّکر و تل حکوان دوّمین منزلگاه آن از جانب تخت جمشید بوده است .

آثارمنزلگاههای دیگری هم یکی درفیروزآباد(۱) و یکی بطور احتمال در بالا ده نزدیك جره وجود دارد و همچنین بقایای بنائی ازدوران هخامنشی درحوالی فهلیان است که درموقع خود بذکر آن خواهیم پرداخت .

کیفیّت قطعهٔ نقش برجستهٔ نیزه داران فوق بخوبی میرساند که کاخ کوچك هخامنشی مدفون در تل حکوان اختصاصاتی مربوط بخودداردو از لحاظ تاریخ معماری وحجّاری هخامنشی اهمیّت و امتیازات خاصّی را حائز میباشد(۲) وجادارد بهمالك آن ازنظر توجّه بچنین محلّ تاریخی مهمّ وارج شناسی از آثار نهفتهٔ آن تبریك گفته شود، مجسّمهٔ شیر سنگی خفته و شکسته از سنگ سیاه بطول ۷۴ سانتیمتر و بلندی ۴۷ سانتیمتر (تاحد گردن که موجود است)(ش ۱۴۹) که چندی پیش بدستور ادارهٔ کلّ باستانشناسی بموزهٔ پارس آورده شد در کنار امامزادهٔ نزدیك آبادی هوزمائی بمسافتی از تل حکوان قرار داشت و باحتمال نزدیك بهیقین میتوان پنداشت که آنرا از کاخ کوچك هخامنشی تل حکوان بآنجا برده بودند .

درحول وحوش حکوان محلهای تاریخی دیگر بنام قصر احمر و تل دوشقا و تل موشگی وجود دارد ، درقصراحمر بدنهٔ دیوار باملاط قرمز بسیار محکم دیده میشود و قطعات ظروف پیش از تاریخ در آنجا بدست میآید در دو محلّ دیگر (تل دو شقا و تل موشگی ) آثار ابنیهٔ عهد هخامنشی موجود است(۳) و بطور کلّی معلوم میگردد ناحیهٔ مزبور آثار باستانی متعدّدی را دربر دارد که کاوش مفصّل و بررسی کامل آن نیازمند فرصت و فراهم بودن وسایل و مقدّمات لازم دیگر میباشد و

(۱) درشمارهٔ اول مجلهٔ باستانشناسی (بهاروتابستان ۱۳۳۸) ضمن گزارش ادارهٔ باستانشناسی فارس ـ صفحهٔ ۱۶۰ و ۱۶۱ اشاره بوجود آثار بنیادی از عهد هخامنشیان در فیروزآباد فارس شده است دراینباره توضیحاتی هم ضمن قسمت **ذیل** در پایان کتاب مرقوم رفته است .

(۲) ازطرف ادارهٔ کل باستانشناسی درپائیز ۱۳۳۸ هیئتی بریاست آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایرانباستان برای کاوش درفرمشگان اعزام شدند وکاوشهای مفیداساسی در آنجا بعمل آوردند که البته نتیجهٔ آن ازطرف ادارهٔ مزبورانتشار مییابد .

(۳) اطلاعات مذکور در بارهٔ نقاط باستانی قصر احمر و تل دوشقا و تل موشگی مرهون لطف آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایران باستان است که در محلهای مزبور به تحقیقات و تجسسات علمی پرداخته‌اند .

امیدقطعی میرودازطرف ادارهٔ کلّ باستانشناسی دردنبالهٔ اقدامات ومجاهدتهای قبلی کاوشهای وسیع ومکمّل تحقیقات پیشین درآنجا بعمل آید .

## ۳ - خفر

بلوك خفر بعداز کوار ودرجنوب شرقی آن قرار دارد ، پس ازآنکه ازشیراز به پل فسارسیدندوراه جانب راست راادامه دادندهنگامیکه بدوراهی بعدی میرسند اگرراه دست چپ راکه بجهرم میرود ادامه دهند وپس از طیّ قریب ٤۰ کیلومتر سراغ آبادی کراده رابگیرند میتوان ببازدیداثر تاریخی بنام قبرجاماسب درنزدیکی آن پرداخت ، ازراه کوار هم اگر بروند وبه آبادی مزبوربرسند میتوان بمنظور رسید واثرتاریخی قبرجاماسب رامشاهده نمود .

### قبرجاماسب

محاذی آبادی کراده بمسافت کمتر از دو کیلومتر برفراز کوهسار کوتاه یك سکّوی سنگی مربّع است که هریك از اضلاع آن قریب پنج مترونیم وبلندی آن قریب ٦ متر بوده جانب جنوب شرقی آن منهدم گشته است .

برطبق آنچه در کتاب آثارعجم نوشته شده است(۱) سابقا بربالای این سکّو بقعهٔ هشت ترکی موجود بوده است ، سکّوی مزبور راازسنگهای تراش بزرگ که ابعادهر کدام یك متردر نیم متر وبیشتر و کمتر است ساخته بودند ومردم محلّ در بارهٔ این بنای قدیمی وبقایای دیوارها وآثار نزدیك آن افسانه هائی میگویند .

### آثار باستانی تادوان

بقراریکه در کتاب آثار عجم مرقوم رفته است (۲) تادوان نام یکی از بلوك خفر و بمسافت سه فرسنگی آن واقع میباشد و«درآنجا تنگی است میان دو کوه که چندان بهم فاصله ندارد، درآن تنگ ازدو طرف بردیف خانهای بزرگ وغرفه ها

---

(۱) چاپ بمبئی محرم ۱۳۱٤ قمری صفحهٔ ۱۹

(۲) ایضاً همان کتاب صفحهٔ ۱۳٤

درسنگ نقرشده ازپائین که ببالا نظرافکنند محلّ تماشاست وچون در آن غرف پا نهند مقام حیرت ، تمام دخمه بوده که اموات رادر آنها میگذارده‌اند وخطوطی در آنها دیده نمی‌شود یکی‌از آن دخمه‌ها بسیاروسیع و گشاده‌است ومثل بازارطولانی جزبمدد چراغ درآن نتوان گردش نمود بعضی بر آنند که انتهایش دیده نشده‌است زیرا که بسی هولناك وبیم هلاك است ، می نماید که آن دخمه‌ها قبورسلاطین باشد.

بنای قدیمی اسلامی بنام **بقعهٔ خلیفه** نیز دربلوك خفرهست که چون اطلاع راجع بآن تاهنگام چاپ این فصل آماده نبود درقسمت **ذیل** کتاب مذکورمیگردد .

## ۴ ـ سروستان

سروستان بمسافت ۸٤ کیلو متری مشرق شیراز است وجادّهٔ آن از پل فسا منشعب گشته بجانب چپ میرود واز کرانهٔ جنوبی دریاچه مهارلو میگذرد .

درسروستان دوبنای تاریخی مهمّ وجوددارد یکی کاخ عهدساسانی که درمحلّ بنام قصر ساسان خوانده میشودودیگری مزارشیخ یوسف سروستانی .

### کاخ ساسانی

این کاخ بمسافت قریب ۹ کیلومتری جنوب غربی سروستان واقع گردیده‌است و هنگامیکه از شیراز بسروستان میروند بمسافت زیادی پیش از رسیدن بسروستان سوادآن از دوردرجانب جنوب بدیدار میباشد ، بنای معظمی است از سنگ و گچ ساخته شده گنبدها وایوانهاواطاقها ودهلیزهای متعدّد دارد (ش۱۵۰ و۱۵۱) وازآثار بهرام گور یا بهرام پنجم ساسانی (۴۲۰ تا ۴۳۸ میلادی) است (۱) که بوسیلهٔ مهرنرسی وزیرمعروف او که صدارت یزدگرد اوّل ویزدگرد دوّم رانیز عهده‌دار بوده ساخته شده‌است ، ازسال ۱۳۳۵ شمسی تعمیرات مفصّل و اساسی این کاخ بوسیلهٔ باستانشناسی فارس انجام میشود (ش۱۵۲) ـ ناهمواریهای زمینهای مجاور نشانهٔ ابنیه‌أی است که درحول وحوش آن بنیادنهاده بودند ، این بنا درتاریخ ۲٤ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲۳ درفهرست آثارتاریخی ایران بثبت رسیده‌است .

(۱) کتاب باستان شناسی ایران قدیم تألیف درسور واندبرگ چاپ لیدن ۱۹۵۹ ص ٤٧
L Vander Berghe .Archéologie de l’Iran Ancien Leiden 1959 p· 47

## مزار شیخ یوسف سروستانی

این بنای شیوا و تاریخی مشتمل بر دو چهار طاقی باستونهای سنگی و رومیهائی از سنگ تراش است که باظرافت و استادی کامل تراشیده و استوار ساخته‌اند، اصول معماری عهدساسانی و شیوهٔ سنگ تراشی خداخانهٔ شیراز در آن مشهود است (ش ۱۵۳)، بر سنگ قبر بقعهٔ اصلی نام شیخ یوسف بن یعقوب سروستانی و تاریخ ۶۸۰ هجری خوانده میشود ، سنگ قبر بقعهٔ متّصل بآن بنام محمّدبن حسن بن علیّ البیضاوی مورّخ به ۱۱ رمضان ۷۱۰ هجری است ، بر سر درجنوبی نام استادعلی ابن حسین علی الغازی و تاریخ محرّم ۶۸۰ هجری مرقوم رفته است ، تاریخ سر در شرقی (ش ۱۵٤) ۷۱٤ ذکر شده ودر پائین آن روی لوحهٔ سنگی بغرس درخت سروی بسال ۷۳۱ در صحن بقعه اشاره نموده‌اند .

### ۵ ـ نیریز

مسافت نیریز تا شیراز مجموعاً بالغ بر ۲۳۰ کیلومتر است و برای رفتن بآنجا از سروستان راه را بجانب مشرق ادامه میدهند، در الواح گلی تخت جمشید نام **ناری زی** را منطبق با نیریز دانسته‌اند ، در نیریز یکی از قدیمترین و مهمترین ابنیهٔ قرون اوّل اسلام ایران یعنی مسجد جامع آن شهر وجود دارد (ش ۱۵۵) ایوان بلند آن از نمونه های مشخّص معماری ایران بعد ازاسلام بشمار میرود که به پیروی از سبک معماری اصیل عهد ساسانی بنیاد شده است (ش ۱۵٦) تاریخ محراب قدیمی مسجد ۳٦۳ هجری بوده بگفتهٔ مقدّسی بنای اصلی مسجد مزبور متعلّق به ۳٤۰ هجری میباشد، مسجد جامع نیریز در تاریخ ۹ مرداد ۱۳۱۲ ذیل شمارهٔ ۱۹۲ درفهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است .

### ٦ ـ فسا

فسا درجنوب شرقی سروستان بمسافت ۸۰ کیلو متری آنست ، بگفتهٔ برخی مورّخین نام فسا درقدیم پارساگرد بوده است ، در الواح گلی تخت جمشید نام **بشی** یا **باشی** یا خوانده میشود که آنرا نام فسا درعهد هخامنشی شناخته اند ، در

کنار شهر تپّه‌أی‌قرار دارد که برفرازآن درادوار باستانی قلعه‌أی‌بنا نهاده‌بودند و بنام قلعه ضحّاکی‌خوانده میشود و در تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۱۵ درفهرست آثار باستانی ایران‌بثبت رسیده است .

بمسافت سه‌فرسنگی شمال‌شرقی فسادرمحلّ معروف‌به تنگ‌کرم آتشکدهٔ عهد ساسانی در میان دو کوه واقع گردیده مشتمل بربنای سنگ و گچی مفصّلی میباشد ودر تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲٦٤ درفهرست آثار تاریخی ایران ثبت گردیده است .

بمسافت قریب۲۰ کیلومتری‌فسا درجانب راست جادّهٔ داراب نزدیك آبادی گلیان تپّه‌أی‌وجود دارد که آثار پیش ازتاریخ دردل آن نهفته بوده در سالهای ۱۳۳۷ وپس‌ازآن‌ازطرف‌ادارهٔ کلّ باستانشناسی بتصدّی‌آقای فریدون‌تولّلی‌بازرس فنّی‌آن اداره‌در آنجاکاوشهای علمی‌صورت گرفته است .

## ۷ ـ اصطهبانات

اصطهبانات بمسافت ۷٤ کیلومتری فسا و تقریباً درمشرق آن واقع است ، مسافت اصطهبانات از شیراز قریب ۲٤۰ کیلو مترمیباشد ، درنزدیکی اصطهبانات اثرتاریخی دورافتاده وفراموش‌شده‌أی‌بنام ایگ یاایچ وجود دارد که‌درفارسنامهٔ ابن‌بلخی(اواخر قرن پنجم هجری) ونزهت‌القلوب حمدالله مستوفی (نیمهٔاوّل قرن هشتم‌هجری ) وآثارعجم فرصت شیرازی(اوایل قرن‌چهاردهم هجری ) اطّلاعاتی دربارهٔآن مذکوراست وطبق‌توصیف کتاب‌آثارعجم این‌محلّ‌درسابق‌دارالحکومهٔ شبانکاره بوده‌درچهارفرسنگی جانب‌شرقی اصطهبانات واقعست : «درآنجا کوهی است که‌آنراقلات‌آبی‌نامند ، قلعهٔ محکم بربالای آن‌گچ وسنگ‌ساخته بوده‌اند که اکنون‌خرابست ودر کمرآن کوه چهل بر که درسنگ بیرون‌آورده که در آنها آب‌میآمده‌همچنین‌قریب‌بقلعهٔ‌مذکورهفت بر کهٔ‌دیگراست وآب‌آن‌بر که‌ها از چشمه بوده که آنرابن درّه خوانند وآن‌آب ازچشمه که بیرون میآیدداخل میشود در عمارتی که گنبدی برآن افراشته شده است ودرآن عمارت دورتا بدور

وسعتگاهی بـرای استراحت هست پس آب‌از آنجا میگذرد وبعد سرازیـر شده صحرائی میگردد وبآن‌زراعت مینمایند ولی‌سابقا آب‌ازچشمه که برآمده داخل میشده‌درجداولی که در کوه بریده‌اند وازآن‌جداول به‌بر که‌هامیریختند،اکنون آن ممر خرابست ، دیگر از جملهٔ آثارآنجا معبدی بوده قریب بچشمهٔ مذکور ایوان مانندسه ذرع تقریباً ارتفاع‌دارد درکوه ازسنگ بریده‌اند وآن‌هم ازآثار سلاطین عجم است که بعدها آنرا مسجد قرار داده ومحرابی برآن افزوده اند و خطوطی‌برآن منقوراست وپائین‌تر ازآن مسجد نیز برمسطّحه‌هائی از کوه‌خطوط بسیارنقرشده است . »

ویرانه های قلعه‌ایج اکنون بنام(شهرایج) خوانده میشود ودر دامنه های مرتفع کوهستانهای‌اطراف آبادی‌ایج واقع گردیده‌استوباستانشناس‌فقیدانگلیسی سراو رل‌استین(۱) درسال ۱۳۱۲ شمسی‌ضمن‌بازدید نواحی‌شرقی فارس‌محلّ‌مزبور رانیز بررسی ومطالب مرقوم در کتاب‌آثارعجم راتأیید وضمناًاظهارنظرنموده‌است که آثار باستانی مزبور از لحاظ طرز بنا و معماری کاملا قابل توجّه میباشد .

دانشمند فقید ایرانی نیکلاراست (۲) در مقالهٔ مفیدی که راجع باین اثر تاریخی در مجلّهٔ مهر ـ شهریور ۱۳۳۲ ـ نگاشته ( ومطالب بالاهم‌از آن اقتباس واستفاده‌شده‌است) چنین‌اظهارنظرنموده‌است که‌اهمیّت‌آثارایگ(ایج)تنهااز نقطهٔ نظر باستانشناسی بمعنی‌اخص‌ّواز لحاظ چگونگی فنّ‌معماری نیست بلکه بیشتر مربوط بموقعیّت ونقش اجتماعی آن‌در قدیم است که مشرف بـرجادّهٔ معبر ایلات بوده بالای سرتنگهٔ معروفی قرار دارد که راه قدیمی اصطهبانات بداراب ازآن میگذشته است .

## ۸ ـ دارابگرد

دارابگـرد نام قدیمی بوده نام شهر کنونی آن داراب است که بمسافت

---

Sir Aurel Stein (۱)

Nicolas Rast (۲)

۱۱۱ کیلومتری جنوب شرقی فسا واقع گردیده مسافت آن تاشهر شیراز بالغ بر ۲۷۵ کیلومتراست ، ،محلّ دارابگرد درپنج کیلومتری جنوب شهر داراب فعلی است ، دردارابگرد آثار تاریخی چهارگانهٔ عهدساسانی قرار دارد که عبارتست از قلعهٔ دحیه، نقش رستم، مسجد سنگی، آتشکده .

**قلعهٔ دحیه**

این بنادرپنج کیلومتری جنوب شهر وهمان قلعهٔ عهد ساسانی است ومشتمل بر محوّطهٔ دائره شکلی میباشد که حصار مستدیری دراطراف آن ساخته‌اند ودروسط آن کوهسار مخروطی شکلی قرار دارد ودر دامنهٔ کوه وقسمتهای دیگر محوّطهٔ مزبور بقایای ابنیه وسنگ وآجرو گچ فراوان موجودبوده قطعات سفال زیادی هم در آنجا پراکنده است واز محلهائی محسوب میگردد که با فراهم بودن وسائل و مقدّمات شایستهٔ خاکبرداری وکاوش علمی دامنه داراست،محلّ مزبوردر تاریخ ۲٤ شهریورماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۱٤ درفهرست آثار تاریخی بثبت رسیده است .

**نقش رستم**

درجانب شمالی کوهستان موسوم به کوه یهنابین شهرداراب فعلی وقلعهٔ دحیه یادارابگرد نقش برجسته‌ای مشتمل بر صحنهٔ پیروزی شاپوراوّل بروالرین امپراطور رم شرقی حجّاری شده است (ش۱۵۷)، سرداران وبزرگان ایران پشت سر شاپور ایستاده‌اندووالرین روبروی شاهنشاه ایران ایستاده شاپوردست سیریادیس[۱] راکه به فرمانروائی رم برگزیده است دردست گرفته وعرّابه واسب والرین واسرای رومی پشت سرامپراطورمغلوب دیده میشود،[۲] این نقش درتاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲٦۷ درفهرست آثارملّی ایران بثبت رسیده‌است .

**مسجد سنگی**

درمحلّ دیگرهمان کوه یعنی بر جانب جنوبی آن محوّطهٔ وسیعی رادر دل کوه تراشیده‌اند که بنام مسجد سنگی خوانده میشود ، محوّطهٔ مزبور شامل راهرو

(۱) Cyriadis

(۲)ـ دراین نقش تصویر قریب ۳۰ نفرحجاری شده که بعضی از آنها فقط سرشان نموده گردیده است .

پهنی‌است که‌بر واقی منتهی‌میگرددوپس‌از گذشتن‌ازرواق به‌فضای‌چهار گوش‌وسیع روبازی میرسند ودرچهار جانب فضای‌مزبور شاه‌نشینهائی دردل کوه تراشیده‌اند (ش ۱۵۸) در وسط محوّطهٔ چهار گوش حوضی قرار دارد ، این بنا مربوط بعهد ساسانی‌ونقشهٔ آن کمی شبیه‌تالار بزرگ‌کاخ شاپوراوّل‌است که درویرانه‌های شهر شاپور کشف نموده اند ، در دوران اسلام تبدیل به مسجد گردیده در شاه نشین جانب قبله محرابی احداث نموده‌اند و کتیبه هائی که‌کاملا خوانده نمیشود ونام اتابک ابوبکر در آن تشخیص میگردد بر بالای مدخل فضای چهار گوش مرقوم رفته سال تاریخ ۶۵۲ هجری که مقارن بازمان اتابك ابوبکر سعدبن زنگی باشد در کتیبهٔ‌جداگانه‌بردیوار سمت چپ رواق حجّاری گردیده است، این اثر تاریخی درتاریخ ۱۵ آذرماه ۱۳۱۴ ذیل شمارهٔ ۲۲۹ درفهرست آثار ملّی‌ایران ثبت شده است .

**آتشکده**

بمسافت قریب دو فرسخی شمال شهر داراب بنای‌گنبدی آجری بارتفاع تقریبی ۱۲ متربر بالای سکّوی مربّع عریضی که ازسنگ‌وگچ ساخته‌اند استوار بود که بنام آتشکدهٔ آذرجو شناخته شده است ، بر اثر ویرانی زیادی که بآن وارد آمده ثبت‌آن درفهرست آثار ملّی‌مورد نیافته است .

## ۹ ــ جهرم

جهرم بمسافت‌هفتاد کیلومتری جنوب‌فسااست . چون‌از جهرم‌بطرف‌جنوب خارج‌شوندپس‌ازطیّ‌مسافتی بمحلّی‌میرسند که گلك نام‌داردواز آنجا که‌به‌جنوبتر بروند به دو محلّ مجاور یکدیگر بنام حرم ( بروزن گرم ) و کار یان خواهند رسید .

**آتشکده کاریان**

کاریان محلّ آتشکدهٔ معروف کاریان است که آتشکدهٔ موبدان ( آذرفرنبغ ) بوده و یکی از سه‌آتشکده بزرگ ایران درعهد ساسانیان بشمار

میرفته است[۱] از کاریان آتش را به کمپ آتشگاه که آتشکدهٔ شمالی فسا باشد برده‌اندو‌از آنجا آن‌را به‌نیریز و‌مشیز و‌از آنجا به‌هندوستان برده‌اند . درمشیز محلّی بنام گنبد پیر جاسوس موجود است . [۲]

آقای پروفسور واندنبرگ بلژیکی[۳] در کتابی که بتازگی در بارهٔ باستان‌شناسی ایران بچاپ‌رسانیده‌است[٤] دربارهٔ آتشکدهٔ کاریان‌چنین مینگارد: « در کاریان ویرانه های آتشکده أی را که بقایای آذرفرنبغ یکی از سه آتش بزرگ ایران باستان‌است دیدیم ، بدبختانه امروزچیزمهمّی از آن آتشکدهٔ معظم نمانده‌است ... » [۵]

(۱) دوآتشکدهٔ بزرگ دیگر یکی آتشکدهٔ شاهنشاهی بنام آذرگشنسب یا آذرگشن در محل معروف بتخت سلیمان واقع در جنوب‌آذربایجان ( ٤۹ کیلو متری شمال تکاب ) و دیگری آتشکدهٔ دهگانان وبرزگران بنام‌آذر برزین مهردر کوههای ریوند خراسان بوده است که بعقیدهٔ استاد پورداوود احتمالاً درمحلی بنام اَبرْشهر بوده برخی‌هم‌تصورمینمایند محل‌آن درحول‌وحوش بقعهٔ قدمگاه نزدیك نیشابور یاهمان حدود باشد .

(۲) اطلاعات فوق بوسیلهٔ‌دانشمند گرامی‌جناب آقای‌مهندس‌احمدحامی‌تحصیل‌واظهار گردیده در اینجا نقل شده است .

(۳) Prof. L. Vander Berghe

(٤) آقای پروفسوردکترلوئی‌واندنبرگ‌استاددانشگاه‌گاند (Gand) بلژیك درسال ۱۳۳۰ شمسی دردانشگاه تهران و بهزینهٔ‌آن بتکمیل تحصیلات ومطالعات خود اشتغال داشت وازادارهٔ کل باستانشناسی تقاضا نمود برای عزیمت وی بتخت جمشید و انجام بررسیهای باستانشناسی در محل تاریخی مزبورمساعدت‌های لازم بعمل‌آورند ونخستین بار پس‌ازرفتن بدانجا در ماههای خرداد وتیر ۱۳۳۰ با همکاری بنگاه علمی تخت جمشید در تپه‌های ما قبل تاریخی جلگهٔ مرو دشت باحداث گمانه‌ها وانجام تجسسات علمی پرداخت وازآن پس چند مرتبهٔ دیگر بایران‌آمد وبه تخت‌جمشید رفت و با کمکهای مستمر ومداوم بنگاه علمی مزبورمسافرت‌های علمی وکاوشها وتحقیقات خوددادر استان تاریخی فارس ادامه داد ودر بسیاری مواردکه حتی با اتومبیل جیپ هم نمی‌توانست‌بمحلهای مورد علاقهٔ خود دست یابد بوسیلهٔ چارپایان یا دوچرخه وحتی پیاده باتفاق آقای علیمراد برزو از کارکنان بنگاه علمی تخت جمشیدکه درکلیهٔ مراحل باتفاق ایشان بود و همکاری مینمود مسافرت علمی خودرا انجام میداد وعلاوه برگمانه‌های مختلف در تپه‌های ما قبل تاریخی به آثار تاریخی متعددی هم برخورد ونتیجهٔ تحقیقات ومطالعات خویش راضمن مقالات وسخنرانیهای مختلف‌انتشار داد ودرسال ۱۳۳۸ کتابی حاوی مجموعهٔ بررسیهای مختلف خود در بارهٔ باستانشناسی ایران بنام (Archéologie de L'Iran Ancien, Leiden 1959) چاپ ومنتشر نمودکه در چند مورداین کتاب‌نیزازآن اقتباس و بنام **کتاب باستانشناسی ایران‌قدیم** بدان اشاره‌شده است .

(۵) کتاب باستان شناسی ایران قدیم ـ واندنبرگ صفحهٔ ۱۹

دربخش صمینکان جهرم آتشکدهٔ دیگری وجود دارد که برسرراه قدیم فیروزآباد به فسا ودارابگرد واقع بوده است و درفصل راجع به فیروزآباد ذکر خواهد شد .

## ۱۰ - لاروبرخی نواحی شهرستانهای مجاور خلیج فارس

قصبهٔلار درجنوب‌شرقی فارس‌بمسافت بس‌طولانی ازشیراز یعنی‌تقریباً ۴۰۰ کیلومتری آن‌درمسیر راهاین شهربه‌بندر عبّاس‌واقع است‌وازطریق جهرم بآنجا میروندوبراثر موقعیّت‌تجاری آن‌درزمان‌شاه‌عبّاس کبیر که‌بندرعبّاس رونق‌فراوان داشت درآن‌جابازارو کاروانسرای‌مهمّ وعالی‌ساخته‌اند وبنام‌قیصریّه خوانده‌میشود وبازارو کیل شیرازرا هم‌بسبک وپیروی ازبازار عهد صفویّهٔ لار ساخته‌اند ، بازار لار در تـاریخ ۱۹ دیماه ۱۳۱۷ ذیل شمارهٔ ۳۱۵ در فهرست آثار ملّی ایران ثبت گردیده است .

شهرستان لار درحال حاضر جنوب شرقـی ترین شهرستان سرزمین فارس بشمار میرودودر ادوارسابق قسمتهائی ازنواحی مجاورآن که‌اکنون‌قلمرواستان کرمان یامربوط به‌فرمانداری کلّ بنادروجزائر بحرعمّان‌محسوب میشود ازلحاظ وضع ابنیه وآتشکده‌ها باآنچه در شهرستان کنونی لارستان و جود دارد شباهت وارتباط کامل داشته است وطبعا جای ذکر اینگونه ابنیه در شرح آثار تاریخی استان کرمان وفرمانداری کلّ بنادر وجزائر بحرعمّان‌خواهدبود .

بدین‌لحاظ‌چهارطاقیهای‌عهدساسانی که‌درمحلّهای‌موسوم‌به‌دَرِ باغ‌وعلی‌آباد ورحمت‌آباد واقع دردشت‌اُرزو ازتوابع بخش‌بافت (شهرستان سیرجان) کرمان وجود دارد وبنای شگرف دو اشکوبه موسوم به **بهشت‌ودوزخ** واقع در نزدیکی سلطان آباد که احتمالاً مربوط بعهد اشکانی است‌و درپنج کیلومتری چهارطاقی دَرِ باغ‌واقع‌میباسد طبعاًمربوط به‌استان فارس نبوده بشرحی که گذشت توضیح دربارهٔ‌آنها ضمن‌آثار تاریخی‌ا ستان کرمان بایدمذکور افتدوبهمین ترتیب‌امکنهٔ باستانی نظیر تل گنج که تپّهٔ‌ماقبل تاریخی واقع‌در نزدیکی نظام‌آباد ازدهستان

فارغان از توابع حاجی آباد (سعادت آباد) بندر عبّاس است[۱] وهمچنین ویرانه‌های موسوم به قلعه بهمن در سه کیلو متری فورگ ودو بنای مهمّ عهد ساسانی واقع در تنگ چك‌چك بین رستاق وفورگ که یکی از آنها قصر دختر نام دارد و دیگری را آتشکده میخوانند مربوط به قلمرو فرمانداری کلّ بنادر وجزائر بحر عمّان بوده بیرون از حوزهٔ فعلی استان فارس واقع میگردد لیکن آثاری که در شهرستان های مربوط بفرمانداری کلّ بنادر وجزائر خلیج فارس قرار دارد وبا شهرستانهای جنوبی فارس مجاور ومربوط میشود یك قسمت ضمن آثار شهرستان لار و قسمتی هم در فصل چهارم ضمن توضیحات راجع به فیروز آباد مذکور میگردد ودر آخرین فصل کتاب نیز دربارهٔ آثار تاریخی بندر بوشهر وجزیرهٔ خارك اطّلاعاتی مرقوم میرود .

آقای پرفسور واندنبرگ که در بهار سال ۱۳۳۶ به نواحی جنوب شرقی فارس ولارستان مسافرت نمود، در زمستان ۱۳۳۸ هم به نواحی واقع در مشرق لار وقسمتهای دیگر خاك فارس عزیمت و در آن نقاط تحقیقات علمی کرده موفّق بکشف آثار تاریخی گردید که تا آن وقت ناشناس مانده بود بدین لحاظ مناسب میداند قسمتهائی از گزارشهای دانشمند مزبور را در این باره که یك قسمت ضمن سخنرانی خود در بیست وچهارمین کنگرهٔ خاور شناسان در مونیخ (منعقده درشهر یورماه ۱۳۳۶) ایراد کرده وقسمت دیگر را ازراه همکاری وتشریك مساعی صادقانه براثر تقاضای اینجانب دراختیار نگارنده گذارده است دراینمورد نقل نماید .

استخراج از گزارش آقای پرفسور واندنبرگ در بیست و چهارمین کنگرهٔ خاورشناسان درمونیخ :

« .. ... دسترسی باین ناحیهٔ دورافتاده درپرتو پشتیبانی آقای سامی ومساعدت ژاندارمری ایران امکان پذیرشد ومراتب امتنان خود را از مساعدت ژاندارمری ابراز مینماید، از شیراز باتّفاق راهنمای خود علیمراد برزو باهمراهی اسکورت

(۱) آثار اخیرالذکر درزمستان ۱۳۳۸ ضمن مسافرت تحقیقی آقای پروفسور و اندنبرگ که باتفاق آقای علی‌مراد برزو ازکارکنان بنگاه علمی تخت جمشید بنواحی واقع درمشرق لارستان صورت گرفت کشف گردیده است و شرحی که توضیح داده شد خارج از استان فارس و شهرستان کنونی لار درواقع میباشد و بدین لحاظ ازتوضیح دربارهٔ آنها دراین مورد خودداری مینماید.

ژاندارم‌عازم شده گاهی بوسیلهٔ جیب و گاهی بااسب‌مسافرت کردیم واز فیروزآباد، جهرم، جویم ، لار ، فیشوَرْ ، خنج ،کاریان ، دارابگرد، رستاق ، فورگ، طارم ، بندر عبّاس ، بندر لنگه ، بستك بازدید نمودیم واز لار به شیراز بازگشتیم .

«ازذکرجزئیّات‌این‌سفرخودداری کرده‌تنهابذکرنتایج‌عمدهٔ آن‌میپردازیم، جلگه‌ای که بین‌فیروزآباد وجهرم قرار دارد وشامل بلوك خفر وکوار میگردد ازنظردارا بودن تپّه‌های ماقبل‌تاریخی غنی‌است وسراورل استین‌دربرخی ازآنها گمانه هائی زده است ولی این ناحیه بطور کلّی در خورکاوشها وتجسّسات اصولی میباشد .

«......درچاه‌محلّ‌نزدیك‌فیشوَر[(۱)] ویرانه‌های‌چارطاقی رابازدید کردیم که آقای ژ . اوبن[(۲)] اشاره بوجود آن کرده بود،سه‌عدداز پایه‌های این‌چارطاقی به‌بلندی ۶ مترتا پاطاق آن‌باقی مانده‌است(ش ۱۵۹) .

«بین منصورآباد ودوبوران‌یك‌دیوار استحکاماتی عهدساسانی برپامانده‌است و به‌نام گردنه بزن خوانده میشود ......»

---

قسمتهائی هم‌ازگزارش اختصاصی پروفسّور واند نبرگ رادر بارهٔ پنجمین مسافرت‌علمی‌اوبایران که‌درزمستان ۱۳۳۸ درقسمتهای مختلف‌فارس‌وشهرستانهای بنادر خلیج فارس ونواحی واقع در مغرب لارستان انجام گرفته ونسخهٔ آن رادر اختیار نگارنده گذارده است‌با تقدیم تشکّر ازاین همکاری صمیمانه دراینجا نقل مینماید :

« .......... درسال‌جاری(یعنی ۱۹۵۹ میلادی = زمستان ۱۳۳۸) مسافرت تحقیقاتی که دنبالهٔ تحقیقات تابستانی ۱۹۵۷( ۱۳۳۶) بودصورت گرفت وعمدهٔ آن در ناحیهٔ بین فیروز آباد ، میمند ،آسما نگرد ، قیر ، مگو ، مُـر ، گله‌دار ، علامرو دشت ، جم، طاهری‌یعنی بطور کلّی قسمتهای جنوب شرقی فارس ومغرب لارستان انجام‌پذیرفت .......... نتایج عمدهٔ این تحقیقات راذکر مینماید .

---

(۱) واقع درحدود ۱۲۰ کیلومتری مغرب لارکنار راه‌کاروان رو لار به‌بندر بوشهر
(۲) J.Aubin

« ازلحاظ ادوار پیش‌از تاریخ چنین نتیجه گرفتیم که نواحی مورد تحقیق و تجسّس علمی فوق دارای آثار کمی از آن ادوار میباشد حتّی دشتهای وسیع علامرودشت ، گله دار ، خُنج ، مگو ازداشتن تپّه محروم است . ما فقط دو تپّه پیدا کردیم یکی بنام تپّهٔ شاهماخ نزدیک دهکدهٔ جینگو برسرراه مگو به خُنج ودیگری تپّهٔ موسوم به تُم ِ گوت یا تل بزرگ نزدیک دهکدهٔ باغان برسرراه هفتوان به گرمیش، ازاین دو تپّه نمونه‌های سفالی شبیه به سفالهای نخستین سبک تل باکون (نزدیک تخت جمشید) بدست آمد .

« لکن در این نواحی آثار و تپّه های متعدّدی ازدورهٔ ساسانی وابتدای عهد اسلام وجود دارد .

« فقدان آثار ادوار پیش از تاریخ بدون شک ناشی از اینست که نواحی نامبرده در ادوار مزبور به احتمال قوی چندان مسکون نبوده است . در آنجا چشمه سار و قنات و نهر های زیر زمینی و رود خانه های آب شیرین موجود نیست ......» .

---

دراینجا بشرح آثار تاریخی لارو نواحی دیگری که دراین قسمت مذکور افتاد پایان می‌بخشد وبطوریکه درسطور قبل اشاره شد قسمتهای دیگری ازچنین آثار واقع درنواحی مختلف مربوط به بنادر خلیج فارس راهم ضمن توضیح آثار شهرستان فیروز آباد درفصل آینده ذکر مینماید .

# فصل چهارم - آثار تاریخی فیروزآباد

## و برخی نواحی شهرستانهای بنادر خلیج فارس

فیروزآباد بمسافت قریب ۱۲۰ کیلومتری جنوب شیراز واقع گردیده آثار تاریخی بسیار مهمّی از اردشیر بابکان نخستین شاهنشاه سلسلهٔ ساسانی وفرزندش شاپور اوّل در نزدیکی آن واقعست واز نظر اهمیّت میتوان آثار تاریخی فیروزآباد را هم‌طراز با تخت جمشید دانست یعنی همانطور که آثار تخت‌جمشید یادگارهای عظیم منحصر بفرد هخامنشیان است آثار فیروز آباد نیز نشانهٔ عظمت و قدرت و هنردوستی سر سلسلهٔ شاهنشاهان ساسانی بشمار میرود . برای رفتن بفیروزآباد از راه پل فسا جادّهٔ سمت راست را ادامه میدهند وچون به دوراهی ثانوی برسند باز هم راه جانب راست را دنبال مینمایند واز کاروانسرای کوار نیز راه بطرف راست بسوی فیروزآباد ادامه پیدا میکنند .

نام اصلی وقدیمی فیروزآباد «گور» است که بفرمان اردشیر بابکان آنرا ساخته‌اند و بنابر نوشتهٔ آثارعجم فیروزجدّ انوشیروان در آنجا ابنیه افزود وامیر عضدالدّولهٔ دیلمی غالباً برای تفریح بدانجا میرفت وچون نام «گور» خوش آیندش نبود لذا آنرا بنام فیروزآباد خواندند .(۱)

بنا بگفتهٔ ابواسحق استخری شهر گور بوسیلهٔ اردشیر در سرزمینی ساخته شد که آب را که آنرا فرا گرفته بود ، این شهریار نذر کرد که یك شهر و یك آتشکده در محلّی که بردشمن خود پیروز گردد بسازد وچون در سرزمین شهر گور بردشمن پیروزی یافت نذرخویش را ادا نمود . . . . . دارای چهار دروازه است درخاور باب مهر، درمغرب باب بهرام ، درشمال باب هرمز، درجنوب

---

(۱) آ. عجم چاپ بمبئی محرم ۱۳۱٤ قمری صفحات ۱۱۱ـ۱۱۳

باب اردشیر[۱]

شهر گور مانند بسیاری دیگر از شهرهای عهد ساسانیان بشکل دایره بنا شده بود (ش ۱۶۰) و درمرکز دائرۀ مزبور منارۀ چهارضلعی که محلّ آتش افروخته بودقرار داشت که هنوز برپاست وشرح آن خواهدآمد ، در کتابهای استخری و فارسنامۀ ابن بلخی و آثارعجم و آثارایران وتألیفات دیگر دانشمندان ایرانی و بیگانه دربارۀ شهر گورو ابنیۀ فیروزآبادتوضیحات مفصّل ذکر گردیده در کتاب شاهنامه هم اشاره به آتشکدۀ فیروزآباد و باغها وساختمانها ومیدان اطراف آن شده وطبعا نمیتوان دراین راهنمای مختصربشرح وتفصیل آن پرداخت بنابراین با توجّه بهدف این کتاب تاحدّی که مناسب باشد بمعرّفی آثار تاریخی این محلّ مهم باستانی میپردازد :

## ۱و۲ ـ دومجلس نقوش برجستۀ اردشیر بابکان و پل عهد ساسانی در کنار رودخانۀ تنگاب .

بمسافت قریب هیجده کیلومتر پیش از رسیدن به فیروزآباد (ازجانب شیراز) در کوهستان کنار رودخانۀ تنگاب که آب آن بفیروزآباد میرود یك مجلس نقش برجسته از اردشیر بابکان درحالیکه حلقۀ شهریاری رااز اهورامزدا میگیرد حجّاری گردیده است (ش ۱۶۱) پشت سراردشیر نقش برجستۀ چهارنفر از کسان وخاصان وی دیده میشود که نفر اوّل آنها طفلی بوده باحتمال نزدیك بیقین فرزند وولیعهدش شاپور اوّل است ، ویرانه های پلی که طبق نبشتۀ پهلوی موجود توسّط مهرنرسی وزیر معروف دوران ساسانی (که ذکر اودرشرح کاخ سروستان گذشت ) بنا شده است[۲] روبروی همین نقش واقع میباشد وبهمین جهت هم بعضی محقّقین آنرا مربوط

---

(۱) نقل ازمجلد اول جلد سوم آثارایران (چاپ هارلم ـ ۱۹۳۸ میلادی) صفحۀ ۲۰

(۲) مقالۀ دقیق وجامع آقای پرفسورهنینگ که کتیبۀ پهلوی نزدیك پل مربوررابابردباری ورنج بسیارخوانده‌اندوحاوی اطلاعات ذیقیمتی دراین باره‌است بوسیلۀ دانشمند گرامی آقای محمد رضا حقیقی استاددانشگاه شیرازترجمه ودر صفحات ۷ ـ ۳۵۲ مجلد چهارم گزارشهای باستان شناسی (چاپ شیراز ـ ۱۳۳۸) مندرج گشته است .

بزمان اردشیر اوّل واز بناهای اَبرسانْ وزیر این شهریار دانسته‌اند که البتّه صحیح نیست ، ارتفاع نقش برجستهٔ مزبور بیش از سه متر وپهنای آن در حدود ۵ متر است، آثار موجود پل در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۹۰ ونقش برجستهٔ مزبور در تاریخ ۱۲ اسفند ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲۶۸ به ثبت آثار ملّی رسیده است .

بمسافت قریب یك کیلومتر ونیمی بعداز این نقش بجانب فیروزآباد بر بالای کوهستان نزدیك جادّه درهمان قسمت یعنی جانب راست رودخانهٔ تنگاب محوّطهٔ کوچکی رامسطّح نموده نقش برجستهٔ بزرگ دیگری ازاردشیر بابکان را بر کوه کنده‌اند ، این نقش صدمه وخرابی بسیار دیده است وصحنهٔ پیروزی اردشیر را بردشمنان وی نشان میدهد ، اردشیر سوار براسب بردشمن خودتاخته اورابا نیزه از پای در آورده است (ش ۱۶۲) پشت سر اوسوار دیگری است که تصوّر میرود اَبرسانْ وزیر اردشیر باشد (ش ۱۶۳ ) وپس از اوسواری دیده میشود که مردی را در بغل گرفته ظاهراً باسارت درآورده است (ش ۱٦٤ )، نقش برجستهٔ بزرگ مزبور نیز در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲٦۸ درفهرست آثار تاریخی ایران بثبت رسیده است .

### ۳ ــ قلعه دختر

اثر تاریخی دیگری کــه پیش از رسیدن بفیروزآباد بمسافت قریب ٦ کیلومتری قصبهٔ کنونی فیروزآباد جلب نظر میکند آثار قلعهٔ معظمی ازسنگ و گچ برفراز کوه است که درزمان شاپور اوّل آنرا ساخته‌اند و مشتمل بر ابنیهٔ تودرتو و مخزن آب که درسنگ کوه ایجادنموده‌اند واحتیاجات دیگر قلعه است (ش ۱٦۵) که برای دفاع از پایتخت شاهنشاه ساسانی درمحلّ مرتفع مشرف بجــادّه احداث کرده‌اند (ش ۱٦٦) و وضع ساختمان آن به خوبی واستحکام ابنیهٔ اردشیر بابکان نیست ، این اثر تاریخی در تاریخ ۱۲ اسفندماه ۱۳۱۵ ذیل شمارهٔ ۲٦۹ درفهرست آثار ملّی ایران ثبت گردیده است .

## ۴ ـ آثار شهر قدیم فیروزآباد ( یاگور قدیم )

بیرون قصبهٔ کنونی فیروزآباد در جانب شمال غربی آن محوّطهٔ وسیعی است که محیط آن در حدود یك فرسنگ بوده آثار حصار قدیم آن پدیدار وتمام محوّطه پوشیده از ابنیهٔ سنگی و آجری دوران ساسانیان است واز محلّهای مهمّ تاریخی بشمار میرود وشایستگی آنرا دارد که درفرصت مناسب با فراهم داشتن وسایل کار بکاوش علمی وخاکبرداری ومرمّت آثار آن برداخته شود ، نام کنونی این ویرانهها ده شهر است ودرنزدیکی آنجا آبادی بنام اردشیر وجوددارد .

**مناره**

بشرحی که گذشت درمیان ویرانههای مزبور منارهٔ چهارضلعی بلندی سرپا مانده است که آنرا از سنگ و گچ ساختهاند وقسمت پائین هرضلع آن متجاوز از ۱۱متر بوده بلندی آن قریب به۳۳متر میرسد وبوسیلـهٔ پلّکان خارجی ببالای آن میروند وهرقدر بالاترمیرود طبعاً از بدنهٔ مناره بمیزان بهنای پلّکان کاسته میشود (ش۱٦۷) این منارهٔ جالب توجّه اثر تاریخی منحصر بفردی از آغاز دوران ساسانـی بشمارمیرود وبا مختصر بررسی دربارهٔ آن میتوان بخوبی دریافت که سنّت احداث بنای مناره هم درایران مربوط بادوار پیش از اسلام است . بمسافت کمی از منارهٔ مزبور بقعهٔ امامزاده جعفر قراردارد ودر کنار این بقعه قطعه ستونی ازعهدهخامنشی باقی وشایستهٔ بررسی وتجسّس علمی بیشتردرمحل میباشد .(۱)

**آتشکده**

بمسافت مختصری از منارهٔ مزبور ویرانههای آتشکدهٔ فیروزآباد باقی است که ازسنگهای تراش بزرگ ساخته شده بود وبا امعان نظردرتوضیحات مذکور در کتاب آثار ایران(۲) چنین معلوم میگردد که ابتدا صفّهٔ بزرگی بشکل مربّع

---

(۱) اقتباس ازگزارش ادارهٔ باستان شناسی فارس ـ مجلهٔ باستان شناسی ـ شمارهٔ اول ـ بهار وتابستان ۱۳۳۸ ـ صفحات ۱٦۰ و ۱٦۱

(۲) مجلد اول ازجلدسوم صفحات ۲۱ تا ۲۵

مستطیل بدرازای ۸۲/۱۰ متر وپهنای ۶۶/۱۰ مترساخته با تخته سنگهای بزرگ منظّم آنرا فرش کرده‌اند ودرمیان این‌صفّه سکوی مربّعی به بلندی ۸/۸۶ متر که هرضلع آن ۲۶/۱۰ متر بوده است بنیادنهاده‌اند وبربالای این سکّو چهار طاقی بزرگی ساخته بودند که دهانهٔ هریك از طاقهای چهار جانب آن ۱۱متر و کلفتی پایه‌های آن پنج متر بوده است و بر فراز این بنا گنبدی افراشته بدینوسیله چهار طاقی مجلّل ومعظمی درمیان صفّهٔ بزرگ برپانموده‌بودند که نه تنهابواسطهٔ بلندی‌آن ومشرف ومسلّط بودن برتمام شهروابنیه امتیاز خاصّی داشته است بلکه از کلیّهٔ چارطاقهای دیگرعهد ساسانی هم بزرگتر بوده است ومنارهٔ سابق‌الذّکر نیزداخل صفّهٔ بزرگ قرارمیگرفته‌است وبرای‌مراسم‌نیایش ونهادن‌آتش‌افروخته درفضای بازمحوّطهٔ وسیع ومجهّزی بشرح‌بالابامنارهٔ مزبوردروسط پایتخت‌اردشیر بابکان بوجودآورده بودند واکنون فقط مناره برپا مانده ازبقیّهٔ ابنیهٔ فوق‌چیزی باقی‌نیست‌وباخاکبرداری‌وتفحّص‌علمی‌بقایای‌آنهارامیتوان‌دردل‌خاك‌جستجونمود .

ویرانه‌های شهر قدیم فیروزآبادیاگورقدیم ضمن‌نخستین فهرست‌آثارملّی ذیل شمارهٔ۱۷درتاریخ ۲۴شهریورماه۱۳۱۰ به ثبت تاریخی رسیده‌بنای منارهٔ فوق وویرانه‌های‌آتشکدهٔ مهمّ فیروزآبادنیزذیل شمارهٔ۲۸۹ درتاریخ۲۹ آذرماه۱۳۱۶ در فهرست‌آثارملّی ایران ثبت گردیده است .

## ۵ ـ کاخ اردشیر بابکان

بیرون ازویرانه‌های گورقدیم‌وآثارفوق بمسافت قریب دوکیلومتری شمال آنها بنای معظم سنگی که دارای سه‌گنبد وایوانها ودهلیزها واطاقهای متعدّد بوده برپاست (ش۱۶۸و۱۶۹و۱۷۰و۱۷۱)وگچ بریها وتزئینات بالای‌درهای داخل بنا شبیه تزئینات بالای‌آستانه‌های سنگی تخت‌جمشید بوده (ش۱۷۲)میرساند که اردشیر بابکان در احداث کار خود بـه آثار کاخهای شاهنشاهان هخامنشی توجّه وابرازعلاقه مینموده است . بیرون‌کاخ‌هم چشمه ساروآب‌روان وبرکه ودرختان برصفا و کیفیّت این اثر تاریخی مهم می‌افزاید . مرمّت ونظافت وتجدیدساختمان

قسمتهای فروریختهٔ این بنای معظم همانند اقداماتی که در تخت جمشید و پاسارگاد وسروستان انجام گرفته است از آرزوهای دیرین علاقه‌مندان به مفاخر ملّی بوده باید انتظار روزی راداشت که سطح اقدامات باستانشناسی فارس اقتضای خاکبرداری، صحیح اساسی و کاوشهای علمی درفیروزآبادرا بنماید ضمناً کاخ اردشیر هم بنحو شایسته مرمّت و اصلاح گردد.

کاخ اردشیر بابکان ذیل شمارهٔ ۸۹ درتاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است.

بطوریکه قبلا توضیح داد اهمیّت آثار فیروزآباد بیش از آنست که دراین مختصر معرّفی گردد لکن بـه تناسب گنجایش کتاب حاضر بـذکر شرح اجمالی دربارهٔ آن اکتفانمود وامیدوار است زودتردراین جایگاه مهمّ تاریخی ایران اقدام بایجاد مرکزی مانندبنگاه علمی تخت جمشید بشود وحقّ آثارمزبور چه ازلحاظ خاکبرداری و کاوش علمی وچه ازنظر مرمّت وصیانت آثار وچه ازنظر تهیّهٔ کتابهای جامع وکافی اداگردد.[1] بنا براین صحبت خود رادراین موضوع خاتمه داده به معرّفی آثار واقع درحول وحوش فیروزآبادخصوصاً نواحی واقع در جنوب آن که قسمتی هم مربوط به شهرستان‌های بنادر خلیج فارس است می‌پردازد:

## ۶ ـ قدمگاه وسم دلدل درکارزین

بلوك قیر وکارزین درسمت جنوب شرقی فیروزآباد واقع گشته است، قیر تقریباً در ۶۵ کیلومتری جنوب شرقی فیروزآباد وکارزین قریب ۲۰ کیلومتری جنوب قیر قرار دارد. دربین گردنهٔ گلومشك و کارزین تخت سنگ مکعّبی وجوددارد که هرجانب آن قریب به چهارمتر است وبریك طرف تخته سنگ مزبور نقش برجستهٔ شخصی دیده میشود که کمانی بدست دارد، این تخته سنگ را درمحل بنام قدمگاه میخوانند و اطّلاع از تاریخ نقش برجستهٔ آن نیـازمند به ملاحظهٔ نقش

۱) درموضوع قطعه ستونی ازعهد هخامنشی که نگارندهٔ کتاب در فروردین سال ۱۳۲۹ در یکی از باغهای فیروزآباد یا بالاده دیده‌ام ومحل آن درست بخاطرم نمانده است ضمن توضیحات مربوط به بالاده که درصفحات بعد خواهدآمد اطلاعاتی مرقوم رفته است.

مزبور از نزدیك یالااقل عکس آن میباشد. چند فرسخ پائین‌تر یعنی جانب جنوب تخت سنگ مزبور چند حفره بر سنگ نمودار است که مردم بآن سم دلدل میگویند. (۱)

## ۷ ـ جادهٔ عهد ساسانی بین فیروزآباد وخلیج فارس

آقای پروفسور واندنبرگ ضمن گزارش مربوط به مسافرتش در زمستان ۱۳۳۸ که طی توضیحات مربوط به‌لارو نواحی‌مجاور آن بدان اشاره کردیم‌چنین مینویسد : «......توانستیم‌جاده‌ای ازعهد ساسانی‌را که مستقیماً‌ازفیروزآبادبخلیج فارس میرفت و از کنار سیاه (۲) و دهرام و میان دشت ودزگاه وجم بطرف بندرطاهری امتداد می‌یافت طی نمائیم.

«این‌راه بطول ۲۵۰ کیلو متربوده فقط‌بوسیلهٔ قاطرمیتوان بدان‌رسید ..... هنوز در برخی محلهای آن سنگ فرش قدیمی که در صخرهٔ کوهستان تراشیده شده است وجود دارد واز وسط کوهستانها گذشته درّه های کنار سیاه و دهرام و میان دشت وجم را قطع میکند ....

« ..... این جادّه تا قرن دهم (قرن چهارم هجری) وتا هنگام سقوط بندر سیراف که ویرانه‌های آن نزدیك بندرطاهری واقع است راه‌تجارتی بود . اهمیّت اصلی‌این‌جادّه برای تاریخ عهد ساسانی خصوصاً ازنقطهٔ نظراقتصادی شایستهٔ توجّه مخصوص است . زیرا بوسیلهٔ آن ارتباط تجارت از راه دریا باداخل کشور تأمین میگشت .»

عکسی‌ازیك قطعه نمونهٔ‌این‌جادّه‌ضمن‌تصاویرآخر کتاب ازنظرخوانندگان عزیزمیگذرد (ش۱۷۳)

---

۱) اطلاعات راجع به تخته سنگ قدمگاه وسم‌دلدل توسط آقای علی‌اکبر بصیری مدیر کتابخانهٔ ملی فارس بدست‌آمده است .

۲) کنار بضم‌کاف نام پارسی سدر ودرخت سدراست که در خاك فارس بسیار معمول و مصطلح میباشد .

## ۸ ـ مجموعهٔ ابنیهٔ آتشگدهٔ بزرك عهد ساسانی

طبق آنچه در گزارش سابق‌الذّکر آقای پروفسّوروواندنبرگ اشاره شده‌است درجلگهٔ کنـار سیاه بمسافت قریب سی کیـلو متری جنوب فیروز آبادبقایای ابنیه‌ای وجوددارد که‌بنظردانشمندان‌مزبوراحتمالاً بزرگترین‌مجموعهٔ‌موجودابنیهٔ آتشکده‌هاست (ش۱۷٤) و تاکنون هم‌از آن‌اطّلاع‌نداشته‌اند طبق‌نوشتهٔ دانشمند مزبور دیوار خارجی آتشکده که هنوز آثار آن مشهود است‌بدرازای ۸۵ متر و پهنای ٤۰ متر میباشد . درون این حصار هنوز ساختمانهای آتشکده وچار طاق و منزلهای مؤبدان وراهرو های زیر زمینی بصورت نسبتاً خوبـی باقی است ، تمـام ساختمانهـا را از سنگهای لاشه که در محلّ مزبور فراهم میآید با ملاطی از گچ ساخته‌اند ، پائین تپّه‌ای که این مجموعهٔ بنابر فرازآن قرار دارد محوّطهٔ وسیعی دیده میشود که‌ازسنگهای پراکنده پوشیده است‌و بدون تردید آثارابنیهٔ مختلف میباشد .....» .

## ۹ ـ کاروانسراهای عهدساسانی

« ..... درسه کیلو متری جنوب آتشکدهٔ فوق‌الذّکرکاروانسرائی وجوددارد که‌احتمالاً متعلّق‌بعهد ساسانی‌است . این کاروانسرانمونهٔ واقعی‌جایگاه‌سکونت را در زمانهای گذشتهٔ مشرق زمین نشان میدهد و مشتمل بر صحن بزرگی است کـه در اطراف آن اطاقها واقع میباشد ، اطـاقها بسباك عهد ساسانی ساخته شده سه طرف‌آنها بسته است وروبه صحن کاروانسرا بازمیشود ، نقشهٔ‌کاروانسرابصورت مربّعی‌است که هرضلع آن ۳۲ متربوده تنها یك‌در ازجانب مشرق به‌بیرون‌دارد ، هراطاق بدرازای ۵/۳۰ مترو پهنای ۳/٤۰ مترو بلندی ۲ متراست .

« آثارسه کاروانسرای دیگر نیزبر سرراه فیروزآبادبه خلیج فارس‌بدیدار میباشد » (۱) .

---

(۱) استخراج از گزارش اختصاصی پروفسور واندنبرك .

## ۱۰ ـ جادهٔ عهدساسانی بین‌فیروز آباد ودارابگرد

جادّهٔ دیگر عهدساسانی بین فیروز آباد ودارابگرد هم‌از جمله آثاری‌است که ضمن تجسّسات علمی آقای پروفسّور واند نبرگ‌ در زمستان ۱۳۳۸ کشف گردید ، پروفسّور واندنبرگ ضمن گزارش اختصاصی خود در این باره چنین مینویسد :

« جادّهٔ دیگری از عهد ساسانی ازفیروزآباد بطرف فسا ودارابگرد میرفت وازطریق میمند وآسمانگرد میگذشت ودرآنجایلی‌هم برروی‌آب فسا(قره‌آقاج یا مند) واقع بود ، در طول این جادّه هنوز بقایای ابنیهٔ عهد ساسانی بر پا است که مناسب میداند از بین آنها چارطاقیهای **کراته وزاغ** را عنوان نماید .... » .

یکی ازچار طاقیهای مورد ذکر آقای پروفسّور واندنبرگ که درطول‌راه عهد ساسانی بین فیروز آباد ودارابگرد قرار دارد در گزارش آقای علیمرادبرزو جهت بنگاه علمی تخت جمشید بعنوان « یك چار طاق بزرگ بین صمیکان ومیمند »نام برده شده است وتوضیح آن‌را تحت عنوان آتشگده صمیکان‌مذکور میدارد .

## ۱۱ ـ آتشگدهٔ صمیکان

در کتاب آثارعجم نام‌این محلّ سیمکان مرقوم رفته وچنین اشاره شده‌است که میگویند در قدیم‌کان سیم بوده استو بمسافت بیست وسه فرسنگی جنوب شیراز واقع میباشد (۲) اکنون صمیکان نام‌بخشی واقع درشمال غربی جهرم است که ازیك سو به شیراز واز طرف دیگر به فیروز آباد مربوط میگردد ومرکز آن نیز بهمین نام‌خوانده میشود .

مسافت صمیکان تاجهرم درحدود۶۰ کیلومتر وتاشیراز حدود۱٤۰ کیلومتر وتافیروزآباد نیز بالغ بر۶۰ کیلومترمیباشد ، بین‌صمیکان وفیروزآباد قصبهٔ **میمند**

(۲) آثارعجم چاپ بمبئی محرم۱۳۱٤ صفحهٔ۱۰۹

قراردارد که مسافت آن تاهر یك ازدومحلّ نامبرده درحدود ۳۰ کیلومتر میشود .
طبق گزارش آقای علیمراد برزو که قبلا بدان اشاره نمود چهار طاقی بزرگی از عهد ساسانی بین صمیکان و میمند واقع گردیده است .

باتوجّه بآنچه ضمن شرح آثار تاریخی مکشوفه در نواحی جنوبی فارس و شهرستانهای بنادر خلیج فارس گذشت وشمّه ای از آن راضمن توضیحات مربوط بآثار تاریخی لارستان ذکر نمودیم ویك قسمت هم در فصل مربوط به فیروز آباد مذکور گردید میتوان گفت که اساساً به علّت نبودن شرائط مساعد جهت تحقیقات علمی در ادوار گذشته بسیاری از امکنهٔ تاریخی فارس از نظر دانشمندان و باستان‌شناسان مکتوم‌مانده‌بودواین موضوع دراستانهای دیگرایران نیز کم‌وبیش صدق مینماید بنابر این از جملهٔ وظائف آیندهٔ باستان شناسی ایران همانطور که توجّه بآن‌هم شده است انجام مسافرتهای تحقیقی و شناساندن وضع آثار باستانی مختلف ناشناس مانده‌در سرزمین وسیع وتاریخی ایران میباشد .

اینك صحبت خودرادربارهٔ آثارتاریخی جنوبی فارس خاتمه داده‌بشرح آثار تاریخی نواحی غربی فارس می‌پردازد .

# فصل پنجم - آثار تاریخی نواحی غربی فارس

## پل آبگینه و کازرون ، بالاده ، جره ، فراش بند ، سر مشهد ، بیشاپور ، تنگ چوگان ، نور آباد ، فهلیان

### ۱ـ پل آبگینه و کازرون

شهر کازرون بمسافت ۱۲۳ کیلومتری مغرب شیراز قراردارد وجادّه‌أی که‌از شیراز بدانجا میرود از کتل‌های شگفت وخطرناك معروف به کتل پیرزن و کتل دخترمیگذرد ، پس‌ازپایان یافتن کتلهای‌مزبور هنگامیکه‌بجلگه میرسند قریب دوازده کیلومتربکازرون مانده پل آبگینه واقع شده‌است وبرانتهای‌دماغهٔ کوه نقش برجسته‌أی ازدوران قاجاریّه وجوددارد .

### نقش برجستهٔ پل آبگینه

این‌نقش برجسته‌متعلّق باواخرعهدفتحعلیشاه بوده تصویر شاهزاده‌تیمورمیرزا را نشان میدهد که‌برصندلی شاهانه نشسته شیری رادرکنارخود نگاهداشته‌است (ش۱۷۵) زنجیر شیر جلو سینهٔ حیوان نمودار و دست چپ شاهزاده بـرپشت گردن شیراست واشعاری درمدح‌تیمورمیرزا که با عنوان‌تیمورشاه خوانده‌شده و درثنای او که شیری را رام نموده‌است برپهلوی نقش‌نوشته‌اند، چند بیت‌از اشعار مزبوررا دراینجانقل مینماید :

تیمورشه آنکه درجهان نامش باد　　آرامش این جهان (بآرا)مش باد
شیر رمی ازمعدلتش رامین گشت　　چون شیرزیدشیرفلك رامش باد

---

بر کـوه مثال شاه تیمور است این　　یا برفلك آفتاب پرنور است این
یا جلوهٔ حق فتاده برطور است این　　نشکافد اگرتجلّیش دوراست این

ذکرعنوان‌شاه‌برای‌فرزندان فتحعلیشاه قاجار درنیمهٔدوّم سلطنت شهریار مزبورامری‌رایج بوده‌عناوین‌عبّاس‌شاه‌برای عبّاس میرزا در آذربایجان وبهمن شاه برای‌بهمن‌میرزادرسمنان‌در کتیبه‌های‌تاریخی معمول‌بوده فرزندان‌ارشد دیگرش نیزبدین عنوان خوانده میشدند .

برجانب راست تصویرشاهزاده نقش محمّد خان لله وبـرجانب چپ اونقش منوچهرخان که‌قلیان‌بحضورشاهزاده میدهدحجّاری گردیده‌است،نقش خسروخان تفنگداربردیوارهٔ سمت‌راست‌وتصویرشخص‌دیگری‌دربدنهٔ‌سمت‌چپ‌نموده‌شده‌نقش بازشکاری برروی پایه نیزدرجـانب چپ شاهـزاده حجّاری گشته است ، سرایندهٔ اشعار وصال شیرازی ونویسندهٔ آنها عبّاس‌ابن یحیی واستاد سنگتراش این مجلس احمد حجّار معرفی گردیده سال تاریخ آن در ایـن ابیات سروده شده است :

وصال از بهرتـاریخ چنین کار　　که مزد اوبهشت جـاودانست
طلب میکرد مصراعی‌خرد گفت　　بگرد آسمانی کهکشان است

ازمصراع آخری سال تاریخ۱۲٤٥حاصل میشود که پنجسال پیش ازپـایان سلطنت فتحعلیشاه باشد ولی درزیـرآن سنگ رقمی شبیه۱۳۱۰ نـوشته‌اند کـه درست نمایان نیست ونمیتوان بدان استنادجست .

## کازرون

برطبق نوشتهٔ کتاب آثار عجم [۱] هنگامیکه شاپور اوّل شهرشاپور را ساخت «کازرون رانیزعمارت کرد وازتوابع قرارداد بعدها قبادپدرانوشیروان هم آنرا مرمّت نمود .» ودردنبالهٔ اینسطوراشاره میکند که درفصل بهار« صحرا و دشت آن همه باطراوت وخضرتست واز این جهت آنجا را شهرسبز نیز گویند ودر سابق وقدیم‌الایّام اسم آن شهر(نورد)[۲] بوده است .»

دانشمند محترم جناب آقای محمّد حسین استخر درمقاله‌ای که بمناسبت برپاشدن مجسّمهٔ شاپوردرشمارهٔ مورّخ ۱۰فروردین ۱۳۳۷روزنامهٔ اطّلاعات مرقوم داشته‌اند چنین نوشته‌اند که «شهرشاپورپس‌ازاستیلای‌عرب‌به‌آبادی ورونق‌باقی‌بود خرابی‌وویرانی آن‌بدست‌مردیاغی‌وستمکاری بنام‌ابوسعید شبان‌کاره که موردتعقیب سلطان محمّدسلجوقی درسال۵۰۲ هجری بود وقوع یافت وبجای شاپور شهر کازرون فعلی بنای‌آبادی گذاشت .»

درشهرکازرون اثرتاریخی مهمّی سراغ نمیرود، محلّ معروف ودیدنی‌آن باغ نظردرخارج‌شهرجانب‌جنوبی‌شاهراه شیرازبه‌بوشهراست که بواسطهٔدارابودن درختهای نارنج بلندوکهن‌سال وتنومندمعروف میباشدودرکتاب فارسنامهٔناصری دربارهٔآن چنین نوشته شده است : « ودرمیانهٔ جنوب ومغرب این قصبه باغ نظر است که حاجی علی‌قلی‌خان درحدودسال هزار وصد وهشتاد وچهار خیابان آنرا درخت نارنج‌کاشته ودرازی دوخیابان آن نزدیك بدویست ذرع وخیابان دیگرش ازصدوسی‌ذرع بیشتراست ودرختهای نارنج باغ نظر همانست که‌حاجی‌علی‌قلیخان کشته است وهنوزبخرّمی وتنومندی باقیست .»[۳]

ازجملهٔآرامگاههای بزرگان در کازرون یکی‌آرامگاه شیخ ابوریحان

---

(۱) چاپ بمبئی محرم ۱۳۱٤قمری صفحهٔ ۲۷۹

(۲) بر وزن خورد

(۳) نقل از صفحهٔ ۲٤۹ فارسنامهٔ ناصری تألیف حاج میرزا حسن فسائی ، چاپ تهران ۱۳۱۳ قمری

معروف به شیخ مرشد است که مدفنش درمحلّهٔ گنج آباد قراردارد ودرکازرون به قبرشاسجاق‌معروف‌است ، دیگرمقبرهٔ شیخ‌امین‌الدّین که ازفحول‌عرفا بوده مقبرهٔ بزرگ ومفصّلی داشته که اینك ویرانه‌های آن بیرون شهر درپای کوه شمال واقعست ، همچنین مقبرهٔ شیخ زین‌الدّین علیّ‌بن مسعود برادر شیخ امین‌الدّین وبسیاری مقابر دیگر، در ده بلیان هم مقبرهٔ شیخ عبدالله بلیانی قرار دارد ، در دوّان ازتوابع‌کازرون نیزقبرعلاّمهٔ دوّانی است . (۱)

---

اکنون بذکربنای تاریخی‌واقع‌درخارج‌شهر کازرون که‌چاراطاقی آتشکدهٔ ویرانی از عهد ساسانیان باشد میپردازیم :

**آتشکدهٔ کازرون**

این آتشکده که چهارطاقی کوچکی‌است بمسافت‌ده کیلومتری‌جنوب‌شرقی کازرون‌واقع‌میباشدبدینقرار که چون‌از پل‌آبگینه به کازرون بروند ده کیلومتر پیش از رسیدن بکازرون در یك کیلومتری سمت چپ جادّه واقعست و این مکان تقریباً ابتدای‌راه‌کازرون به طرف جره وفرّاش‌بنداست که شرح آن خواهد آمد .

آقای مهندس م . سیرو (۲) که در سال ۱۳۱٦ بکشف این بنا نائل گردید چنین توضیح میدهد که گویا منظردیوار گلی جلوچارطاق باعث شده باشد کسی بدان‌توجّه‌ننماید، نقشهٔ آن‌در کمال‌سادگی‌ومشتمل‌برچهارپایهٔ‌سنگی‌بوده‌است که چهارطاق برفراز آن‌زده‌اند و گنبدشلجمی‌بربالای‌آنهااستوار نموده‌اند وتمام‌اینها از سنگ وملاط گچ فراوان ساخته شده بود واکنون جزسه پایه ودولنگه‌طاق نیمه ویران‌چیزی‌از آن نمانده‌است . اندازهٔ بیرون‌بناتقریبا۵/۳۰ متردر۵/۳۰متر وکلفتی پایه ها یك‌متر و دهانهٔ هر یك از چهار طاقهای چهار جانب‌آن ۲/۵۰ متر وارتفاع تیزهٔ‌هر کدام ازطاقهای مزبورتا کف زمین قریب ۲/٤۰متر بوده‌است (۳)

---

(۱) ـ نام بزرگان فوق ازنامهٔ مورخ ۳۸/٤/۲۱ دانشمند محترم آقای علینقی بهروزی بعنوان باستان شناسی فارس استخراج و استفاده شده است

(۲) Maxime Siroux

(۳) نقل ازمجلد اول جلد سوم‌آثارایران (چاپ هارلم ـ ۱۹۳۸) صفحه ۱۳۸

این بنای تاریخی در تاریخ بیستم بهمن‌ماه ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳۳۱ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است ، بمسافت ۵۵ متری شمال شرقی چهار طاقی مزبور درون باروی آن چاه بزرگی که با مصالح مرغوب ساخته شده وهمچنین آثار حوض ویرانی موجوداست که مربوط بدابنیهٔ متعلّق به آتشگدهٔ نامبرده بنظر میرسد .

بشرحی که درضمن معرّفی آثار تاریخی جره توضیح داده خواهد شد چارطاقی کازرون یکی از پنج آتشگده‌ای است که مهرنرسی در نواحی کازرون و جره وفرّاش‌بند ساخته است واز نظر طرز سنگهای بادبر و سبك ساختمان باکاخ سروستان که آنهم بوسیله مهرنرسی بنیاد گردیده است شباهت زیاد دارد .

---

اینك بذکر آثار تاریخی نواحی جنوب شرقی کازرون یعنی بالاده وجره و فرّاش‌بند پرداخته سپس بشرح آثار شاپور ونواحی غربی‌تر آن مبادرت مینماید .

## ۲ ـ بالاده وجره وفراشبند

**جره** نام بلوك است ومرکز آن اشفایقان نام دارد که عموماً آنرا نیز قصبهٔ جره میخوانند . برای رفتن بجره معمولاً از **کازرون** به طرف پل آبگینه میآیند ولی مستقیماً بجانب پل نمیروند بلکه جادّه‌ای را که بطورمورّب از پل بتدریج دورشده بجانب راست متمایل میگردد ادامه میدهند و از آبادی **فامور** و کنار دریاچهٔ پریشان یا پریشم که دریاچهٔ فامورهم مینامند گذشته به آبادی بسیار معروف **بالاده** میرسند،طیّ مسافت از **کازرون** تابالاده بوسیلهٔ اتومبیلهائی که برای راههای فرعی وناهموار مناسب باشد درحدود سه الی چهار ساعت انجام میگیرد.

دریکی از باغهای فیروزآباد یا بالاده[1] قطعه بدنهٔ ستون شکسته ازسنگ گرانیت سبز بطول قریب ۹۰ سانتیمتر و قطر بیش از ۵۰ سانتیمتر بر زمین افتاده است

---

(۱) درفروردین‌ماه ۱۳۲۹ که اینجانب بفاصلهٔ ده روز آثار تاریخی فیروزآباد را بازدید نموده ضمناً از بالاده هم عبور کرده‌ام قطعه ستون مورد ذکر را در یکی ازدومحل مزبور دیدم و ازاینکه همان‌هنگام این مطلب را یادداشت ننموده‌ام بسیار شرمنده ومتأسف بوده امیدوارم مجدداً اطلاع صحیح دراین باره بدست آورم

که مربوط بدوران هخامنشی میباشد ومانند ستونهای دیگر عهد هخامنشی اطراف بدنهٔ آن بهترکهای باریک مقعّر که طرح قاشقی نامیده میشود مزیّن است . قطعات سرستون از همین نوع سنگ درتخت‌جمشید بدست آمده یك پایه ستون از همان نوع نیز در ویرانه‌های شوش پیدا شده است . وجودقطعه ستون مزبوردر فیروزآبادیا بالاده باتوجّه‌به کشف بنای هخامنشی درتل‌حکوان فرمشکان این احتمال راپیش میآورد که درحول وحوش فیروزآباد یابالاده نیز بنای دیگری از هخامنشیان واحیاناً یکی ازمنزلگاههای بین تخت‌جمشیدو شوش‌وجودداشته‌است‌وبا ملاحظهٔ نقشهٔ فارس و در نظر گرفتن مسافات بین تخت جمشید و قصر ابونصر و تل‌حکوان‌وفیروزآباد وبالاده وموقعیّت‌محلهای مزبوراین‌احتمال تأیید میگردد و دورنیست بایك‌تفحّص‌وکاوش بیشتراطّلاعات قطعی‌دراین‌باره‌حاصل آید .

## آتشکدهٔ بزرگ جره

چارطاقی بزرگ جره که بمناسبت نام باوك جره بدین نام خوانده میشود درتاریخ‌نوزدهم‌دیماه۱۳۱۷ ذیل شمارهٔ۳۱۲بنام **آتشکدهٔ جره** درفهرست‌آثارملّی ایران‌بثبت‌تاریخی‌رسیده‌است این‌چارطاقی‌بیرون‌آبادی‌بالاده درجانب شمال‌شرقی آن بر فراز بلندی مشرف برودخانهٔ جره ساخته شده تمام آن از سنگ باد بر وملاط گچ است (ش۱۷٦) . درازای هرپهلوی‌آن بیش‌از۱٤مترمیباشد(ش۱۷۷) واز وجود بقایای ساختمانی زیاد بالای بلندی مزبور معلوم میگردد که در زمان قدیم درآنجاشهری‌وجودداشته است .

این آتشکده یکی دیگرازپنج آتشکده‌ایست که مهرنرسی درنقاط بین کازرون تافرّاش‌بندبنا نموده است وچون‌نام وآثاراین وزیرمعروف مکرّردراین کتاب ذکر گردیده و باز هم ذکرخواهد شدلذا مناسب میداند مطلبی را که دربارهٔاین‌شخص‌وآثاراودر کتاب **وضع ملت ودولت ودربار دورهٔ شاهنشاهی ساسانیان** ازطبری نقل شده‌است‌ذکر نماید،در کتاب مزبورچنین مینویسد: « طبری مطلب‌مفیدی دربارهٔ مهرنرسی بزرگ‌فرمذار واهل‌بیت اودارد. این‌مرددررستاق

دشتبارین‌ورستاق‌جره ابنیهٔ رفیعه بنا کرد و آتشکده‌ای دردیه‌آبروان ساخت که چند قرن پس از انقراض ساسانیان هنوزبپا بود و بنام بانیش مهرنرسیان نامیده میشد ، درنزدیکی‌قریهٔ‌آب روان چهاردیه دیگرآباد کرد ودرهریك آتشگاهی قرار داد یکی را مخصوص بخود کرد و « فرازمراآورخدایا » نامید . سه‌آتش دیگر را زرواند اذان‌و کارداران‌وماگشنسپان‌نامید بنام سه‌نفربرترین فرزندانش زرواندادو کاردار وماگشنسپ که ایشان‌رابرای‌سه‌کار ازاعمال بزرگ مملکتی تربیت کرده‌بود . درهمین ناحیه سه باغ‌ترتیب‌داد دریکی۱۲هزاراصله نخل ودر یکی۱۲هزار اصله‌زیتون ودریکی۱۲هزار سرو کاشت وتمامی این دیهها وباغها وآتشگاهها‌تاقرن‌سوّم هجری با حسن حالات هنوزباقی ودردست قومی ازپشت‌او بوده است»(۲)

با توجّه به نوشتهٔ بالامعلوم میشودمهرنرسی درناحیهٔ دشتبارین وجره پنج آتشکده‌ساخته است که به‌نامهای**مهرنرسیان وفرازمراآورخدایا وزرواندان وکارداران‌وماگشنسپان** خوانده‌شده است ازاین پنج‌آتشکده‌یکی چارطاقی است که در ده کیلومتری کازرون کنارراهی که از کازرون به‌جره وفرّاش‌بندمیرود واقع میباشد وشرح‌آن گذشت ودوّمی‌چارطاقی بزرگ بیرون بالاده است که فوقاً توضیح گردید وبمسافت قریب۵۵ کیلومتری کازرون واقع میباشد. ناگفته نماندکه قصبهٔ جره بمسافت قریب۱۲ کیلومترپائین‌تر از بالاده است که برای رسیدن بدان باید ازرودجره عبور کرد ونام‌آتشکدهٔ جره باعث این اشتباه‌نباید بشود که چارطاقی فوق در قصبهٔ جره واقع باشد ، اکنون بذکرآتشکدهٔ سوّم میپردازد :

**آتشکدهٔ تون سبز**

چون ازبالاده بطرف جنوب رونديعنی ازرودجره گذشته قصبهٔ جره را

(۲) نقل‌ازکتاب وضع‌ملت ودولت ودربارشاهنشاهی‌ساسانیان‌تألیف پرفسورآرتور کریستنسن Prof·A·Christensen ترجمه وتحریرآقای مجتبی مینوی چاپ طهران۱۳۱٤صفحه ۳٦

پشت سر گذارندوراهرا بجانب‌جنوب ادامه دهندبه چارطاقی‌دیگری بنام**تون‌سبز** میرسند که در دشت بارین واقعست و مسافت چارطاقی اخیر تا بالا ده تقریباً با مسافت‌کازرون ببالا ده برابر میباشد ، قریهٔ آبروان کـه در نوشتهٔ طبری بدان اشاره‌شد وزادگاه مهرنرسه‌بوده است‌نیزدردشت‌بارین قرار داشته است بدینقرار چارطاقی تون سبز همان‌آتشکده‌ای است که در طبری بنام آتشکدهٔ **مهرنرسیان** معرّفی گردیده است، چارطاقی تون سبز از نظر وضع ساختمان و انـدازه همانند چارطـاقی بزرگ جره است وبطوریکه از روی نقشهٔ ناحیهٔ جره برمیآید آبادی بنام **خاروك** برسرراه جره به فرّاش بند کمی بالاتراز محاذات چارطاقی تون‌سبز قرار دارد و آبـادی دیگری هم بنام **گنبد** بر سر راه مزبور مختصری پائین تر از محاذات چارطاقی نامبرده واقعست بنابر این از قطعـه‌راه بین این دو آبادی وحول‌وحوش آنها میتوان بطرف مغرب روانه گشت و باطیّ مسافتی درحدود۲۵ الی سی کیلو متر به بنای تاریخی مزبور رسید ، اکنون از چارطاقی چهارمین که بنام آتشکدهٔ **فراش‌بند** شناخته شده است صحبت میداریم :

**آتشکدهٔ فراش‌بند**

چون‌راه راپجنوب ادامه دهند ومسافتی‌قریب نصف آنجداز بالاده‌تاآبادی گنبد یا ( بخطّ‌مستقیم ) از بالا ده تا آتشکدهٔ تون سبز طی شده است بپیمایند به‌آبادی‌معروف‌فرّاش بند میرسند ، ازفرّاش‌بنددنبالهٔاین‌جادّهٔتاریخی بفیروزآباد میرود که ابتدا کمی تا مسافتی بطرف جنوب شرقی‌امتداد دارد وسپس روبمشرق میرود تا به فیروز آباد برسد ، بر جانب چپ این جادّهٔ اخیر بیرون فرّاش‌بند چارطاقی کوچکی است که وضـع ساختمانی و اندازهٔ آن شبیه چارطاقی نزدیك کازرون است‌وچارمین‌آتشکدهٔ موجوددرناحیهٔ جره‌وحول‌وحوش‌آن‌بشمارمیآید، چارطاقی فرّاش بند در تـاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل سمارهٔ ۸۸ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی‌رسیده است‌ونقاط هجوورجارطاقی‌مزبورهم که آثاروابنیهٔ باستانی را در دل نهفته دارد ذیل شمارهٔ ۱٦ در تاریخ ۲٤ شهریور ماه ۱۳۱۰ در

فهرست مزبور ثبت گردیده است .

بشرح بالاچهار آتشکده‌ازپنج آتشکده‌ای که‌بگفتهٔ‌طبری‌بوسیلهٔ‌مهر نرسی دررستاق دشت بارین ورستاق‌جره ساخته شده بود مذکور افتاد، درباره آتشکدهٔ پنجم پس از ذکر آثار تاریخی سرمشهد توضیح داده خواهد شد .

## ۳ - آثار تاریخی سرمشهد

سرمشهدبمسافت بیش‌ازسی کیلو متری مغرب قصبهٔ جره واقع است و برای رفتن بآن میتوان هم ازبالاده وهم از جره رهسپار آنجا شد ، راهی که از بالاده به سرمشهد میرود جادّهٔ **چاه‌انجیر** نام دارد و از پیچ و خم کوهستان و گردنه‌هائی عبور میکند وروبهمرفته راهی‌دشوار تر است‌وضمن عبور ازاین راه بنائی ازعهد ساسانیان درسمت راست جادّه در میان کوهسار دیده میشود ، راهی که از قصبهٔ جره به سر مشهد میرود موسوم به راه **داربلوط** است و قسمت اعظم آن از درّهٔ نسبتاًهمواری میگذرد وسپس‌بجانب چپ میپیچد ، طیّ‌هریك ازدوراه مزبور بین پنج تاشش ساعت‌بوسیلهٔ‌چارپایان بطول میانجامدواجمالاً آثار تاریخی سرمشهد درمحلّی است که راه رسیدن بدان بسیار دشوار میباشد .

در سرمشهد و کنار راه سرمشهد به بالا ده آثار تاریخی مهمّی وجود دارد که دراینمورد بذکر آنها مبادرت میشود :

### نقش برجستهٔ بهرام دوم و نبشتهٔ‌بزرگ پهلوی

یکی ازمهمترین آثار تاریخی عهد ساسانی نقش‌برجستهٔ بهرام دوّم و کتیبهٔ بزرگ‌بخطّ‌پهلوی بربالای آن در سرمشهد میباشد ،این اثرتاریخی در کنارتنگه بر صخرهٔ کوهستان نزدیك چشمهٔ آب حجّاری گردیده است .

نقش برجستهٔ مزبور بدرازای ٤/٥ متروبهنا یا بلندی ۲متر بوده‌مشتمل بر تصویر بهرام‌دوّم (۲۷٦تا۲۹٦ بعدازمیلاد) پنجمین شهریار ساسانی‌است ، درسینهٔ کوه‌مجاور تنگه (ش۱۷۸) که‌راه سرمشهدبه‌دشت‌سوخته وخرّك وفاریاب‌وجمیله

از آن میگذرد وچشمه‌ساری در کنار تنگ‌جاری است صحنهٔ پیکار بهرام دوّم پنجمین شهریار ساسانی (۲۷۶ تا ۲۹۶ پس از میلاد) با دو شیر شرزه بصورت بسیار جالب وماهرانه حجّاری گردیده است (ش ۱۷۹) یکی از دو شیر کشته شده برزمین افتاده است وشیر دیگر بحال جست وحمله به شهریار نموده گردیده بهرام خنجری را که دردست راست دارد به سینهٔ حیوان فروبرده است ، پشت سر بهرام نقش سه نفر دیده میشود ونفر وسط آنها زنی است که دست چپ بهرام از عقب بجانب وی دراز شده واو آنرا بادست راست خویش گرفته است، این تصویر مظهر آناهید است که در برخی نقوش دیگر شهریاران ساسانی هم بنظر میرسد ، شخصی که پشت سر بهرام ایستاده است تصوّر قطعی میرود کَرْتیرْ موبدان موبد زمان بهرام دوّم باشد که از دوران اردشیر بابکان تاعهد پادشاهی بهرام دوّم رادرك نموده درزمان شاپور اوّل وفرزندان او بهرام اوّل وبهرام دوّم بالاترین مقام روحانی را توأم با نفوذ فوق العادهٔ سیاسی بدست آورده است ونبشته‌های پهلوی مفصّل نقش رجب ونقش رستم وکعبهٔ زرتشت وسر مشهد ازفعّالیّتها ونفوذ او دردستگاه شاهنشاهان اوّلیهٔ ساسانی حکایت مینماید، نفری هم که پشت سر نقش آناهید حجّاری گردیده است طبعاً وزیر بهرام دوّم باید باشد .

لباس بهرام دوّم مانند نقوش دیگر شاهنشاهان ساسانی باچین خوردگیهای زیبائی نموده شده است ، تاج بهرام مزیّن به نقش دوبال برطرفین وگوی بسیار بزرگی برفرق میباشد .

گوی بالای تاج در گوشهٔ پائین سمت چپ لوحهٔ نبشتهٔ پهلوی که برفراز مجاس حجّاری فوق نقر گردیده است قرار دارد وبدینقرار کتیبهٔ بزرگ سرمشهد از بالای اواسط نقش روبجانب راست واقع شده است .

کتیبهٔ مزبور بدرازی ۵/۲۰ متر وبپهنا یابلندی ۲/۷۰ متر درارتفاع ۷۵ متری از کف زمین درست بالای نقش برجستهٔ سابق الذّکر واقع گردیده است و از لحاظ اندازه بزرگترین کتیبهٔ پهلوی عهد ساسانی ایران بشمار میرود ومضمون آن بانبشتهٔ پهلوی کعبهٔ زرتشت یکسان بوده مجموع نبشته‌های پهلوی نقش رجب ا بیرون از نقش

برجستهٔ اردشیر بابکان و برجانب چپ آن) و نقش رستم (پشت سر نقش شاپور اوّل) را در بر دارد .

نقش برجستهٔ سرمشهد و سنگ نبشتهٔ پهلوی بالای آن در تاریخ بیستم بهمن ماه ۱۳۱۸ ذیل شمارهٔ ۳۳۶ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

## ویرانه‌های خندجان

بمسافت شش کیلومتری شمال شرقی سرمشهد آثار شهری مدفون در دل خاك موجوداست که آنرا در محل **خندجان** مینامند ، در این محل ابنیهٔ سنگی فراوانی که تبدیل به تپّه‌های کوچك شده پدیدار است و در قسمتی از آن بنائی شبیه قلعه با چهار برج کوچك در چهار گوشه و خندقی در اطراف آن وجود دارد و در طرف دیگر بالای تپّهٔ بلندی آثار ساختمانی موجوداست که اهل محل آنرا نقاره‌خانه میخوانند، بنای مفصّلی شبیه کاروانسرا درجانب دیگر ویرانه‌های مزبور قرار دارد و وضع آن میرساند که مدّتها پس از خرابی شهر هم مورد استفاده بوده است ، بمسافتی از این ویرانه‌ها نزدیك کوهستان کنار راه سرمشهد به بالا ده حصار چهار گوش عظیمی است که خندق مفصّلی اطراف آن رافرا گرفته‌است ، اجمالاً میتوان گفت بافراهم بودن اعتبار کافی و اشخاص ذیفن و تهیّهٔ مقدّمات لازم محلّ شهر قدیم خندجان جهت کاوش علمی مناسبت دارد .

## گور دختر و خزینه

طبق اظهار ساکنین سرمشهد بمسافت قریب ده کیلومتری جنوب شرقی آنجا در کوهستان بنای سنگی بنام **گوردختر** موجوداست و با آنچه دربارهٔ آن حکایت مینمودند چنین بنظر میرسد از دخمه‌های آغاز دوران هخامنشی شبیه آرامگاه کورش یاتخت رستم یا کعبهٔ زرتشت باشد و شاید هم بنائی از عهد ساسانیان است و بهرحال موضوع شایستهٔ تحقیق و تجسّس علمی است و همچنین از بنای سربستهٔ دیگری صحبت میداشتند که نزدیك گوردختر واقع است و بنام **خزینه** خوانده میشود ودهانهٔ آنرا تاکنون نتوانسته‌اند باز نمایند و برخی ازافراد نادان ایل دره شوری

ازتیره‌های قشقائی که‌ازآنجا میگذرند تاکنون چندبارخواسته‌اند بنای‌مزبوررا باز کنند وخوشبختانه نتوانسته‌اند،البتّه این قسمت هم برای رسیدگی و سرکشی بوسیلهٔ اهل‌فن‌شایستهٔ توجّه‌وتحقیق است .

بطوریکه درآغازشرح‌آثارسرمشهداشاره‌نمودنزدیك جادّه‌ای که از بالاده به سرمشهد میرود در میان کوهسار قسمتهائی ازبنای‌سنگی عهد ساسانی مشاهده میشود وبامختصر بررسی دربارهٔآن بخوبی‌میتوان‌پنداشت که‌آثارمزبور بقایـای آتشـکدهٔ دیگری‌ازمهر نرسی‌باشد .

## آتشکدهٔ فراز مرآآور خدایا

همانطور که درنقل نوشتهٔ طبری ملاحظه شد مهرنرسی علاوه بر آتشکدهٔ مهرنرسیان چهارآتشکدهٔ دیگر درچهاردهی که نزدیك روستای **آب‌روان** آباد کرده بود ساخت ، سه‌عدد از این چهار آتشکده چارطاقیهای بالاده و کـازرون وفرّاش‌بنداست که توضیح آنها گذشت آتشکدهٔ دیگررامرحوم پروفسّورهرتسفلد دیده‌طرح‌ونقشهٔ‌آنرا همراه‌با توضیحات‌لازم‌در کتاب‌تاریخ باستانشناسی ایران(۱) طیّ صفحات ۹۱تا۹۳ وتصاویر۱۲و۱۳ذکروارائه نموده‌است وآقای‌گدار که‌آنرا ندیده است ازروی‌نقشه وطرح سابق‌الذّکر وبا استناد باظهارات کدخدای فـامور وساکنین دیگر آنحدود که گفته‌اند درناحیهٔ جره بطور قطع فقط چهاربنـای جارطاق‌وجوددارد چنین‌اظهارنظرنموده‌است که‌بنای‌مورد ذکر مرحوم‌پروفسّور هرتسفلد آتشکده نبوده وکلیسائی از عهد ساسانیانست (۲) ، آنطور که در نقشهٔ بنای مزبورملاحظه میشود یك چارطاقی در وسط واقع گردیده ودهلیزی چهار جانب‌آنرا احاطه نموده‌است وهرجانب دهلیزهم دروسط یعنی مقابل چهار دهانهٔ چارطاقی‌بازو گشاده‌است‌وازهیچ‌طرف‌مسدودنیست،مرحوم پروفسّورهرتسفلدمحلّ این‌بنا رانزدیك‌جره بطورمبهم ذکر میکند وبدین لحاظ بخوبی‌میتوان اطمینان

(۱) Archaeological History of Iran

(۲) مجلد اول جلد سوم کتاب آثار ایران چاپ هرلم ـ۱۹۳۸ـ صفحات ۵۸و۱۷۲

داشت که بنای نامبرده هم یکی از آتشکده‌های پنجگانه‌ای باشد که مهرنرسی در حول و حوش جره ساخته است و چون نقشهٔ آن نسبت به چهار آتشکدهٔ دیگر تمایزی دارد و محلّ آن هم در کوهستان است لذا چنین بنظر میرسد همان آتشکده‌ای باشد که مهرنرسی آنرا مخصوص خود نموده است و نام «**فرازمراآورخدایا**» باموقعیّت آن در بالای کوهسار هم مؤیّد این معنی تواند بود.

ناگفته نماند که مهرنرسی وزیری معتقد به آئین ملّی ایرانیان (زرتشتی) و متعصّب در آن بوده است و احداث کلیسا در اراضی و املاك وی در دوران ساسانی منطقی بنظر نمیرسد.

با توجّه بآنچه گذشت معلوم میگردد درسر راه قدیم کازرون به فیروزآباد پنج آتشکده موجود است و ناحیهٔ جره از لحاظ در بر داشتن ابنیهٔ مزبور و بقایای ساختمانها و آبادیهای مهرنرسی وزیر معروف عهد ساسانی یکی از نواحی معتبر تاریخی ایران بشمار میرود و اساساً همانطور که درپایان شرح آثار فیروزآباد اشاره نمود میدان تحقیق و تجسّس در هر قسمت خاك فارس و از جمله نواحی حول و حوش جره و سرمشهد هم بسیار وسیع و باقی بوده نیازمند تفحّصات دامنه‌دار است(۱)

درحال حاضر تمام این آتشکده‌ها و یادگارهای مهرنرسی در معرض تباهی و ویرانی روز افزون است وانتظار روزی میرود که موجبات و شرائط کار برای تعمیر و مرمّت و حفظ آنها طبق اصول فنّی و انجام کاوشها و تجسّسات علمی در ناحیهٔ تاریخی جره و حول و حوش آن فراهم گردد و بدیهی است که چنین اقدامی علاوه بر آنچه از طرف مقامات مربوط دولتی و ملّی انجام میشود نیازمند علاقه و توجّه مالکین محترمی است که این ابنیهٔ تاریخی در املاکشان واقع گردیده است ویقیناً درموقع خود اینگونه مالکین هم حقّ چنین مایملکی را ادا میکنند و در تعمیر و حفظ و مراقبت آنها خود را ذیسهم و مفتخر میشناسند.

---

(۱) نگارندهٔ کتاب ضمن مقاله‌ای تحت عنوان اهمیت تاریخی جره در سرزمین فارس درشمارهٔ سوم وچهارم مجلهٔ باستان‌شناسی - پائیز و زمستان ۱۳۳۸ - توضیحات بیشتر دربارهٔ پنج آتشکدهٔ فوق و کاخ مهرنرسی و سایر آثار تاریخی ناحیهٔ جره و سرمشهد ذکر نموده‌ام.

اینك ازنواحی جنوب و جنوب شرقی کازرون بجانب غربی کازرون پرداخته سراغ آثار مهمّ تاریخی آنحدود میرویم :

## ۴- بیشاپور وتنگ چوگان

ویرانه‌های شهرشاپور بمسافت قریب بیست‌وپنج کیلومتری مغرب کازرون کنارجادّهٔ فهلیان واقع گردیده است ونام‌اصلی آن **بیشاپور** میباشد ، برای‌رفتن بدآنجاازکازرون‌راه بوشهر را پیش میگیرند وقریب دوازده کیلومتر که جادّهٔ مزبوررا طی نمایند به‌قهوه‌خانه وآبادی **برکتك** میرسند ، در آنجا راه بدوجانب منشعب میگرددازجانب‌چپ دنبالهٔ‌راهی‌است که‌به‌برازجان‌و بوشهر‌میرودوازجانب راست به‌فهلیان ونقاط دورترتانواحی‌مختلف خوزستان میروند،راهی که‌به‌فهلیان میرود همانست که از کنارآثارتاریخی وویرانه‌های بیشاپورعبورمیکندودرحدود ۱۳ کیلومتر که از برکتك بگذرندبدانجامیرسند ،آثارتاریخی‌این محلّ‌ازطرفی مشتمل بر ویرانه‌های شهر ببشاپورمیباشد که‌شامل‌کاخها وآتشکدهٔ‌معظم ودژوپل وابنیهٔ‌مختلف‌دیگربوده‌است‌وازطرف‌دیگرنقوش‌برجستهٔ متعدّدشاهنشاهان‌ساسانی بردو جانب تنگ چوگان وهمچنین مجسّمهٔ سترك‌شاپور اوّل در غار شاپور بالای کوهستان‌واقعست وبطور کلّی باید گفت که‌بازهم یکی‌ازنقاط تاریخی درجهٔ اوّل ومهمّ کشور باستانی‌ایران دراین‌محل‌واقع گردیده است که اینك بذکر اجمالی هر یك ازآثار تاریخی موجود درآن‌میپردازد :

### ویرانه‌های‌شهر بیشاپور

درجانب چپ‌جادّه‌ای که‌بفهلیان میرود محوّطه‌ای که درازای‌آن‌از شمال شرقی بجنوب غربی‌درحدود یك کیلومتر و نیم‌وبهنای آن ازجنوب‌شرقی به‌شمال غربی قریب یك کیلومتر است آثار وبقایای شهر بیشاپور را تشکیل میدهد ،رود شاپورازمیان‌درّه‌ای که درشمال‌شرقی این‌محلّ واقع‌است وتنگ چوگان نام‌دارد بطرف آن‌جاری‌میباشدوازجانب‌جنوب‌غربی بیشاپورمیگذردوآثارپلی که‌بیشاپوررر

با جانب دیگر رودخانه مربوط میساخته تقریباً در محاذات وسط ویرانه‌های مزبور نمودار است ، این شهرازجمله شهرهائیست که بوسیلهٔ شاپور اوّل احداث شدوکاخها و آتشکدهٔ بزرگ ومجسّمه ونبشته‌های پهلوی و دژوپل و ابنیهٔ متعدّد دیگردرآن‌بنیاد گردید که جز قسمت‌مختصری ازآنها بقیّهٔ آثاردردل خاك‌مستور است وانتظار روزی میرود که‌شرائط و مقتضیات ووسایل کار برای پرده برداری خاك وروشن نمودن‌وضع آثارمدفون طوری فراهم آید که درعین حال موجبات حفظو مرمّت آنها نیز تأمین باشد ، در خلال سالهای ۱۳۱٤ تا ۱۳۱۹ خورشیدی باستانشناسان فرانسوی‌دراین محلّ مهمّ تاریخی‌ایران‌کاوشهاوخاکبرداریهای‌علمی انجام دادند وچون دروسط‌جانب‌شمالی ویرانه‌های‌مزبور دیواری‌از سنگهای‌تراش باپیکرهای سنگی‌حیوانات برفرازآن مشهود بود لذاخاکبرداری خودرا ازآنجا آغاز نمودند ودر نتیجه بنای آتشکدهٔ مهمّی که مشتمل برحیاط چهار گوش عالی ازسنگهای تراش منظّم وممتاز باگیلوئی زیبا بربالای دیوار (ش۱۸۰) و دهلیزها ودرها وپلّکان‌سنگی بود کشف گردیدومتّصل به‌آتشکده‌در جانب‌مشرق‌آن‌بقایای کاخ معظمی هویدا گشت که تالار عظیم بیست ضلعی با دهلیزهای پشت تالار وحیاطهای‌متعدّددرجوانب آن‌رادربر داشت(ش۱۸۱) نقشهٔ تالاربزرگ‌بدینگونه است که طرح‌مربّعی بریزند ودروسط هرضلع ـ مربّع شاه نشینی احداث نمایند، عمق شاه‌نشین وطول‌هر ضلع‌مربّع طوری متناسب منظور گردیده است که تالار بزرگ بصورت محوّطهٔ‌وسیع ۲۰ضلعی درمی‌آید وازانتهای هریك ازشاه نشینها دری بازمیشود که‌تالاررا به‌دهلیزهای پشت‌آن مربوط میسازد،درهرطرف هریك ازاین‌چهار در دوطاقچهٔ‌بلند ودرهر یك از۱٦ضلع دیگرتالارسه طاقچه دردیوار ایجاد کرده‌اند، درون طاقچه‌هامزیّن‌به گچ‌بریهائی بشکل گل وبوته وحاشیه‌است وبرروی هم تالار عظیم‌سلطنتی بوجودآورده‌اند که‌هرضلع قسمت‌مربّع‌آن قریب ۲۲متروازانتهای‌هرشاه‌نشین به‌انتهای شاه‌نشین‌مقابل‌آن‌بالغ‌بر ۳۷ متر میشده‌است وازنظر وسعت وعظمت درنوع‌خود درمیان‌آثار عهدساسانی بی‌نظیر میباشد ، درکناره‌های کف‌حیاط ـ واقع‌درجنوب‌غربی ـ تالاربزرگ ـ مزبوروایوان واقع در

شمال‌شرقی آن‌نقوش موزائیك سنگی‌مشتمل بر تصاویر بانوان ومردان و سرهای متعدّد زن ومرد وشکل فرشته ومرغ و درخت و حاشیه‌های مختلف بطرز بدیع واستادانه‌بکاررفته بود که‌قسمتهائی ازآنهاضمن‌خاکبرداری نمایان گشت‌وآنچه از لطمات و سوانح مختلف بـدر رفت زینت بخش موزهٔ ایران باستان و مـوزهٔ لوور گردید .

بمسافت کمترازصدمتری‌مشرق‌آثارفوق بقایای‌کاخ دیگری وجود دارد که خاکبرداری‌قسمتی‌ازآن‌انجام گرفته وبقیّهٔ‌آن‌مانندبقیّهٔ‌تالاربزرگ وابنیهٔ دیگر وقسمت‌اعظم بیشاپوردرزیرخاك‌محفوظ‌است .

دروسط‌ویرانه‌های‌بیشاپورقسمتهائی‌ازدوپایهٔ سنگی‌متّصل بهم کشف گردید که‌هرکدام ازسه‌پلّکان مربّع بالای‌یکدیگرتشکیل‌میشده برفراز هرپایه ستونی بلند تماماً از سنگ سفیدیك‌پارچه‌نصب‌بود وجلودوستون سکّوی‌مربّعی ازسنگ سفیدساخته‌بودند وپایه‌های کوچکتری درطرفین سکّونهاده‌بودند ، بربالای یکی ازستونها نبشته‌ای‌بدوخطّ پهلوی‌اشکانی وساسانی‌در۱٦سطر نقرگردیده نام‌شاپور اوّل وپدر ونیای اورا دربر داشت واشاره باین شده بود که **آپاسای** منشی پیکر شاپورو آثار نامبرده‌را در محلّ‌مزبور ساخته وزروسیم و بك‌باغ‌و یك معبد خلعت گرفته‌است ، اکنـون ستونهـای مزبور سر نگون در کنار سکّـو و پایه هـا دیده میشود (ش۱۸۲)

شهر بیشاپور درقرون‌اوّل اسلام نیز مسکون‌و آباد بود وهنوزهم بقایـای ابنیه‌ای ازآنعهددرقسمت‌جنوبی‌ویرانه‌های‌شهرموجودومشهوداست(ش۱۸۳و۱۸٤) وبشرحی که‌ضمن‌توضیح دربارهٔ کازرون اشاره نمـود در سال ۵۰۲ هجری بوسیلهٔ ابوسعیدشبانکاره ویران‌شد وشهر کازرون جایگزین آن گردید ،

درجانب شمال شرقی بیشاپور بالای کوهستان ویرانه‌های قلعهٔ مستحکمی وجوددارد که‌مربوط‌ومتعلّق به‌شهرمزبوروقلعهٔ‌نظامی آن‌بوده‌است‌ومانندبعض‌دیگر از اینگونه قلاع بنام‌قلعه‌دختر خوانده میشود (ش۱۸۵)

آثار بیشاپور در تاریخ ۲٤ شهریور ماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۲٤ در فهرست

آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

## تنگ چوگان و نقوش برجستهٔ آن

بطوریکه گذشت رود شاپور از میان درّهٔ موسوم به تنگ چوگان از جانب شمال شرقی بیشاپور بسوی آن جاری است ، تنگ چوگان نیز بنوبهٔ خود آثار تاریخی مهمّی مشتمل بر نقوش بر جستهٔ متعدّد شاهنشاهان ساسانی را دربردارد ومجسّمهٔ بزرگ شاپور اوّل هم درون شکفتی در کنار آنست که ذکر آن خواهد آمد .

جادّه‌ای که‌ازبیشاپورداخل تنگ میشوداز پائین کوه‌برجانب راست تنگ میگذرد و نقوش بر جسته بربدنه های دو سمت تنگ ودر ابتدای آن حجّاری گردیده است وچون از ویرانه‌های بیشاپور وارد تنگ شوند دو مجلس بر بدنهٔ سمت راست وچهار مجلس بربدنهٔ سمت‌چپ قرار میگیرد که‌ذیلاً بتوضیح هریك‌از آنها میپردازد :

### دو نقش جانب راست

**نقش اول :**

در ابتدای تنگ زیر دست قلعه دختر سابق الذّکر نزدیك جادّه نقش برجسته‌ای بدرازای متجاوز از ده متر و پهنا یا بلندی قریب ۵ متر دیده میشود که‌قسمت‌اعظم آن آسیب دیده و ریخته است ، این نقش برجسته صحنهٔ پیروزی شاپور اوّل بروالرین راتوأم بادریافت شعار شهریاری از اهورامزدا نشان میدهد، زیر پای اسب‌شاپور پیکری‌برزمین خفته که مانند موارد نظیرآن نشانهٔ شکست دشمن شهریار ومنکوبی اوست .

**نقش دوم :**

بمسافت مختصری بعداز نقش‌اوّل دوّمین‌نقش برجسته کمی‌بالاتر از آن

دیده‌میشود، درازای این نقش برجسته سیزده‌متر و نیم و پهنا یا بلندی آن قریب پنج‌متر است و مرکّب از هشت قسمت میباشد ، درقسمت وسط یکبار دیگر صحنهٔ پیروزی شاپور اوّل بر والرین نموده شده‌است (ش۱۸۶) فرشته‌ای ازجانب بالا بجانب سر شاپور قرار گرفته شعار پیروزی را بسوی او می‌آورد ، والرین روبروی شاپور زانو زده ودشمن شاپور هم زیرپای اسب پادشاه برزمین افتاده است ، شاپور سوار بر اسب دست راست **سیریادیس** را که از طرف آن شهریار بجانشینی والرین برگزیده‌شده بردست راست خود گرفته‌است ، پشت سر والرین دونفر از بزرگان دربار شاپور بحال کُرْنِشْ ایستاده‌اند ، برجانب راست این صحنهٔ پیروزی پنج بدنه و درهر بدنه نقش سه‌نفر پیاده حجّاری گردیده‌است که نیزه یا شمشیر یابتك یابند یاسپر بدست دارند و بحال کرنش واحترام ایستاده‌اند (ش۱۸۷)، برجانب چپ که پشت سر شاپور قرار دارد دوبدنه درهر بدنه نقش پنج نفر از سرداران وبزرگان ساسانی سوار براسب حجّاری شده‌است که انگشت دست راست‌را بحال خمیده روببالا گرفته بدین ترتیب درحضور شاهنشاه خود تعظیم واحترام گذارده‌اند، باین حجّاری هم آسیب ولطمهٔ فراوان وارد آمده است .

## چهار نقش جانب چپ

### نقش اول :

برای رفتن بدسمت دیگر تنگ باید بجادّهٔ کازرون بدفهلیان برگشت وازپل عبور کرد وباز بسوی کوهستان پیچید ، دراین جانب تنگ نهر آب بزرگی راازرود شاپور جدا کرده باراضی زیردست میبرند لذا برای رسیدن بنقوش برجسته ناگزیر ازعبور از نهر آب خواهند بود .

نخستین نقش برجستهٔ این سوی تنگ لوحهٔ بسیار بزرگی است که بطور منحنی ومقعّر درسنگ کوه تراشیده‌اند (ش۱۸۸) ودروسط آن صحنهٔ پیروزی شاپور اوّل بر والرین حجّاری شده است ، درجانب راست که روبروی شاپور وپشت سر والرین واقع میگردد چهار ردیف حجّاری مشتمل برنقوش لشگریان رومی بالوازم جنگ

وقلعه کوبی‌وغنائمی که‌ازایشان‌بدست آمده‌است دیده‌میشود (ش۱۸۹) ودرجانب چپ یعنی‌پشت‌سرشاپورنقوش‌چهارردیف سواران‌ایرانی‌بانظم‌وابهّت مخصوص بحال احترام‌نمودارمیباشد .

این‌مجلس بزرگترین نقش‌برجستهٔ عهد ساسانی‌است که‌در آن‌شاپور اوّل صحنهٔ پیروزی خودرابر والرین بصورت کاملتری مجسّم‌ساخته است‌وچون صحنهٔ پیروزی فوق‌مجموعاً‌درپنج‌محلّ‌حجّاری گردیده‌است(یکی‌درنقش‌رستم و یکی‌در نقش برجستهٔ داراب‌وسه‌نقش‌درتنگ‌چوگان)لذابیموردنیست‌باصل‌این‌سرگذشت هم اشاره اجمالی بشود .

درمیان‌پیکارهای مداومی که‌ازعهد اشکانیان وساسانیان‌همواره بین‌دولتین ایران وروم درمیگرفت پیروزی شاپور اوّل بر امپراطوروالریانوس که رومیان والرین‌میگفتند وبسال ۲۶۰میلادی اتّفاق افتاد بسیارمهم‌ودارای تأثیرات مختلف وفراوان‌بود ، دراین نبرد شاپور در نزدیکی شهر**الرها**یا **اورفا** از شهرهای انطاکیّه امپراطور والرین راباهفتاد هزاررومی اسیرنمود و ازاین اسیران برای کارهای عمرانی خصوصاً ساختمان پلها و سدّها وشهرها و راهها در خوزستان وقسمتی‌هم درلرستان استفاده کردوبه‌نشانهٔ پیروزی‌خویش‌صحنهٔ فوق‌رادرمحلهای مختلف بصورت نقوش برجسته برجاگذارد ،نام‌والرین یا والریانوس در شاهنامه بعنوان بُرانوش‌آمده وحکیم فردوسی‌نیز اشاره به‌شکست امپراطورمزبور نموده وچنین سروده است :

بُرانوش جنگی بقلب اندرون گرفتار شد با دلی پر زخون

**نقش دوم :**

پس‌از نقش‌برجستهٔ عظیم مزبورنقش‌برجستهٔ دیگری است که‌درپائین کوه ایجاد کرده‌اند ونهرآب‌ازسراسروسط آن‌طیّ قرون متمادی میگذشت ودرنتیجهٔ عبور مداوم آب‌حفرهٔ عمیقی‌درطول قسمت وسط‌نقش بوجود آمده است ، درسال ۱۳۱۶ شادروان ابراهیم ضرغام بازرس اعزامی باستانشناسی درکاوشهای علمی

بیشاپور برای انحراف نهر آب و آزادساختن اثر تاریخی نامبرده مجاهدتها و زحمات فراوان تحمّل نمود تا بانجام این خدمت نائل آمد، این نقش صحنهٔ پیروزی بهرام دوّم (۲۷۷-۲۹۳ میلادی) را بر بادیه نشینان عرب نشان میدهد ، بهرام دوّم سوار بر اسب است و پری بر تارك و ترکشی بر جانب راست دارد و اعراب اسب و شتر برای شهریار خود هدیه آورده‌اند .

**نقش سوم :**

پس از این نقش برجسته به نقش برجستهٔ دیگری میرسند که تصویر دو نفر را سوار بر اسب نشان میدهد ، این نقش برجسته بر لوحه‌ای بدرازای قریب ۹/۵ متر و پهنا یا بلندی بیش از چهار متر است ، نفر سمت چپ مظهر اهورامزدا است که شعار پادشاهی را به بهرام اوّل (۲۷۳-۲۷۷ میلادی) عطامیکند ، سوار سمت راست بهرام اوّل است و پشت سر او نبشتهٔ پهلوی نقر گردیده نام بهرام اوّل و پدرش شاپور و نیای او اردشیر بابکان توام باثنای اورمزد در آن مذکور میباشد .

این مجلس حجّاری از نقوش برجستهٔ بسیار عالی و استادانه و محتشم عصر ساسانی بشمار میرود و عکس آن باعکس نقش برجستهٔ بعدی ضمن تصاویر آخر کتاب یکجا نموده شده‌است (ش ۱۹۰)

**نقش برجستهٔ چهارم**

آخرین نقش برجستهٔ تنگ چوگان بعداز نقش برجستهٔ پیشین و کمی بالاتر از آن حجّاری گردیده و آن نیز از نقوش برجستهٔ بزرگ عهد ساسانی است ، درازای آن قریب ده متر و نیم و پهنا یا بلندی آن قریب پنج متر میباشد (ش ۱۹۰) ، در این نقش برجسته تصویر شاپور دوّم یا شاپور ذوالاکتاف را در بالا و وسط نقش حجّاری نموده‌اند که از روبرو نشسته شمشیرش را بر دست چپ گرفته ودست راست خودرا به عصای بلند یا گرز شهریاری تکیه داده‌است و دو ردیف نقوش برجسته بر هر جانب نقش دیده میشود ، نقوش جانب چپ بزرگان دربار و سران لشکری و اسب جنگی مخصوص شهریار را

مینمایاند ، درقسمت راست لوحه نقوش اسیران مغلوب ودژخیمی که سرهای بریدهٔ مخالفین را در دست گرفته است وایرانیانی که دشمنان شکست خورده وغنیمتهای جنگ را بحضور می آورند دیده میشود ، این نقش برجسته از لحاظ هنرحجّاری تعریفی ندارد و سازندگان آن استادان ماهری نبوده اند ولکن پیروزی مهمّی را که شاپوردوّم دراواخر سلطنتش درنواحی دوردست شرقی کشورخود بدست آورده است نشان میدهد .

نقوش برجستهٔ تنگ چوگان درتاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ ذیل شمارهٔ ۱۵۸ درفهرست آثارملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

اینك بشرح اثرتاریخی مهمّ دیگر تنگ چوگان که مجسّمهٔ شاپور وغارشاپور است میپردازیم :

**مجسمه وشکفت شاپور**

بمسافت قریب چهار کیلومتر بخطّ مستقیم درشمال شرقی آثار بیشاپور و نقوش برجستهٔ سابق الذّکر در بالای کوهستان برجانب چپ تنگ جوگان غار بزرگی وجود دارد که مجسّمهٔ عظیم شاپور اوّل درون آنست و برای رفتن به غار باید راهی را که از پای کوهستان در سمت راست تنگ چوگان میگذرد بپیمایند و در محلّی بالاتر ازمحاذات غار که گدار رود خانهٔ شاپور برای عبور اتومبیل جیب وچارپایان وغیره مساعداست ازرود مزبور بگذرند ودردامنهٔ روبرو راهی را که به همّت سپاه فارس درسالهای اخیر ایجاد گردیده است قسمتی بااتومبیل وقسمتی وسیلهٔ اسب یاپیاده طیّ کنند واز پلّکانهای مفصّل وطولانی که سپاه مزبور در انتهای راه ساخته اند بالا رفته بد غار با شکفت تاریخی عجیبی که شاپور اوّل برای نصب مجسّمهٔ خویش وباحتمال نزدیك بیقین جهت آرامگاه ابدی خویش برگزیده است برسند .

طول دهانهٔ غاردرسابق قریب شانزده متر و بلندی آن کمتر از نصف آن بود ولی درسالهای اخیر که سپاه فارس همّت به برپا کردن مجسّمه نمود دهانهٔ غار را از آنچه

بودبزرگتر کردند، درون غاربسیاروسیع وعمیق‌است و کف مدخل‌غار بلندتر از داخل آنست،هنگامیکه‌به‌غار میرسندبه‌صفّه‌ای که‌در ابتدای‌غار ترتیب‌داده شده‌است پائین میروند ومجسّمهٔ عظیم شاپور اوّل را در سطح پائینتر ملاحظه میکنند که برروی تخته سنگ‌اصلی‌استوار گردیده‌است، سروبدن مجسّمه بحال اصلی باقی و دستها وپاهای آن شکسته است،مجسّمهٔ مزبور در قرون سابق براثر سنگینی‌زیاد واژگون گردیده متدرّ جاًقسمتهائی‌ازپا ودست آنهم شکستگی‌بیشتر یافته‌قطعات بزرگ‌آن ازمجسّمه جداشده بود(ش۱۹۱) ازچند سال‌پیش سپاه فارس‌به احداث راه و تهیّهٔ وسایل بر پا کردن مجسّمه پرداخت و در سال ۱۳۳۹ موّفق بـه نصب مجسّمه برروی دو پایهٔ بتون مسلّح گردید و قطعات جدای دست و پـای مجسّمه راهم در کنار آن نهادند(ش۱۹۲) ارتفاع تمام مجسّمه درحدود هفت مترو پهنای شانه‌های آن‌قریب ۲ متروپهنای دستهادرمحلّی که ازبدن دورتر قراردارد‌نزدیك به سه متر میشود ، بفرمان شاپور اوّل صخرهٔ بزرگی را که در وسط غار بصورت طبیعی قرار داشته است تراشیده مجسّمه را ازآن در آورده‌اند ، بر دیواره‌هـای دوجانب غارلوحه‌های صافی‌تعبیه نموده‌اند وشایدقصد نبشتن‌خطوط یاایجاد نقوشی برآنها راداشته‌اند ، داخل غار سرازیر میرود وبحوضهای آب میرسد ودالانها و دهلیزهای زیر کوهستان ازآن‌به‌دل کوه راه دارد وبادخول وپیشرفت درآنها به حوضها وآب‌چکّه‌های‌سقف وطاقنماهاوچاه وغیره‌میرسند پس‌ازآنهم به محلّهائی منتهی میگردد که‌آب مانع ادامهٔ راه میشود ،باحتمال نزدیك به یقین علاوه بر مجسّمهٔ سترك شاپور اوّل آرامگاه ابدی آن شهریار هم دراین‌غار منظور گردیده بوده است .

مجسّمهٔ شاپور ذیل شماره ۱۵۹ در تاریخ ۱۵ دیماه ۱۳۱۰ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت رسیده است .

تنگ چوگان رابنامهای تنگ چگان وتنگ چکو وتنگ‌چگون وتنگ چکاوهم‌میخوانند .

## ۵ ـ آثار تاریخی ممسنی

خاك ممسنی در سمت شمال غربی کازرون واقع بوده ودر کتاب آثار عجم بنام **شولستان** نیزذکرشده‌است ، پس از عبـور ازویرانه‌هـای بیشابور از طـریق **چنارشاهیجان** راهرا ادامه میدهند و پس‌ازطیّ درحدود پنجاه کیلومتر به قصبهٔ **نورآباد**یا**مالکی** میرسند که مرکزعمدهٔ ممسنی محسوب‌میشود ، در خاك‌ممسنی آثار تاریخی بسیارمهم‌وقدیمی‌هست که بارعایت‌ترتیبِ رسیدن به‌آنها ازراه مزبور بذکر ومعرّفی هر یك میپردازیم :

### نقش بهرام‌درسرآب بهرام

قریب نه کیلومترپیش ازآنکه از کازرون به‌نورآباد برسند درسمت‌راست جادّه پائین کوهستان درمحوّطهٔ بسیار مصفّائی که بنام سرآب بهرام خوانده‌میشود نقش‌برجسته‌ای‌بدرازای۳/۸۵متروپهنایابلندی ۲/۹۰متربرسنگ حجّاری کرده‌اند، دراین‌مکان‌آب‌ازچشمه سارزیبائی بیرون‌آمده جاری میشودومحلّ وسیع‌بانزهتی برای تفریح و استراحت است ، تصویر بهرام دوّم که نقوش‌برجستهٔ دیگرِ او را درنقش رستم‌وکویوم وسرمشهد وتنگ چوگان سابقاً مذکور داشتیم دراین نقش برجسته دیده میشود که‌دروسط‌از روبرو نشسته درهر جانب اودو نفر ازبزرگان ساسانی بحال احترام ایستاده مانند صحنه‌های دیگر نظیر آن انگشت سبّابه رابه نشانهٔ تعظیم بطور خمیده روببالا نگاه داشته‌اند (ش۱۹۳وش۱۹۴)

### برج نور آباد

اثر تاریخی مهمّ دیگری درجانب غربی نور آباد وخارج از آن وجود دارد که برج‌سنگی‌چهار گوش‌معظم‌ومنظّمی‌بوده‌آتشکده‌ای‌ازعهداشکانیانست‌وبنامهای **دیمی‌میل** و **میل‌اژدها** خوانده میشود،این‌بنای تاریخی مهم ومنحصر بفردبمسافت هفت کیلومتری‌بخطّ مستقیم‌درسمت‌مغرب نورآباددرپائین‌دامنهٔ سنگی کوهستان واقعست‌وبرای رفتن بآن بوسیلهٔ اتومبیل بایددرحدود ۱۲ کیلومترراه‌بپیمود واز طریق کچ کران بدانجا رسید .

برج نامبرده (ش۱۹۵)به بلندی متجاوز از هفت متر بوده پهنای هر بدنهٔ آن در بالا ۳/۴۰ متر است و پائین آنرا بنحوی ظریف و استادانه با بکار بردن سنگهای تراش رگی دقیق خوش طرح پهنتر ساخته‌اند بطوریکه پهنای هر ضلع برج در پائین تقریباً چهارمتراست، درقسمت بالای آن پلّکانی‌داخل‌برج ساخته‌اند که دهانهٔ آن به بلندی ۱/۱۰ متر وپهنای ۵۹ سانتیمتر در جانب کوهستان یعنی در سمت جنوب به بلندی قریب سه متر از سطح پائین کوه قرار گرفته است و بوسیلهٔ نردبام کوتاه یاترتیب مناسب‌دیگری‌به‌پلّکان‌داخل‌شده‌مانندداخل‌مناره‌ها چند بار تغییرجهت داده به بالای برج میرسیدند و آتش فروزان را بر بام آن مینهادند، سنگ چهار گوش آتشدان شبیه هاون سنگی بلند و باریکی در پای برج بصورت شکسته‌فروافتاده‌بود که‌برای‌حفظ آن‌درسال۱۳۲۱بموزهٔ‌ایران‌باستان منتقل گردید، تمام برج از سنگهای رگی سفید دقیق و منظّم و عالی ساخته شده است، قطر رگهای سنگ ۴۴ و ۶۴و ۶۵ سانتیمتربوده درازای سنگها نیز مختلف‌است‌چنانکه یکی‌ازآنها ۴۴ و دیگری ۱۹ سانتیمتر طول دارد.

برج‌نورآباد ذیل شمارهٔ۳۵۶ درتاریخ۲۰بهمن ماه۱۳۱۸درفهرست‌آثارملّی ایران به ثبت رسیده است.

## ویرانه‌های مادر دختر وکَرّ دَرْ.

درچهار کیلومتری مغرب برج نورآبادتنگی بنام **تنگ اژدها** در کوهستان هست وداخل تنگ ویرانه‌های وسیعی است که بنام **مادردختر** خوانده میشود و تقریباً در شش کیلومتری آن هم ویرانه‌های دیگری بنام **کَرّدَرْ** وجود دارد و محلهای مزبور مانند بسیاری امکنهٔ دیگر درخاك فارس نیازمند فراهم گشتن مقتضیات وشرائط مساعد و موجبات کار برای‌انجام کاوشهای علمی و تحقیقات باستانشناسی است.

## امامزاده درب آهنین (سید علاءالدین محمد)

طبق آنچه در کتاب آثـار عجم نوشته‌شده‌است: « قریب بقلعهٔ نور آبـاد امامزاده‌ایست گنبدبزرگ و بارگاهی دارد سرای آنرا دری است از فولاد خیلی کلان و باشکوه در ساختنش صنعت کرده خوش وضع ساخته‌اند ومیگویند این در سابقاً درقلعه سپید نصب بوده ازآنجا نقل نموده آورده اند » (۱)

دربارهٔ قلعه سفید که‌بنامهای سپیدز و سفید قلعه نیزخوانده‌میشود دریکی دو صفحهٔ بعد اطّلاعاتی ذکر میگردد .

نگارنده هنگامیکه در پائیز سال ۱۳۳۰ از فارس بخوزستان میرفتم‌پس‌از توّقف یک شب در نورآباد وبازدید سریع‌آثار تاریخی نزدیک آنجا بامدادان ضمن عبور بجانب فهلیان در کنار جادّه نزدیک محلّی که جادّهٔ کازرون بفهلیان با راه فرعی نور آباد تلاقی میکند بقعهٔ جالب توجّهی رادیدم که مانند عموم بقاع و امامزاده‌های‌آن حدود از سنگ و گچ ساخته شده گنبدی ازهمان نوع مصالح ساختمانی بر فراز آن بود و متأسّفانه ببازدید و بر رسی آن از نزدیک توفیق نیافتم و چون از نام آن جویا شدم آنرا بنام **بقعهٔ شیخ اباذر** معرّفی نمودند .

درموقع تدوین‌این‌فصل باملاحظهٔ‌آنچه در کتاب آثارعجم مرقوم رفته‌است وعیناً بشرح سابق‌الذّکرنقل‌گردید چنین استنباط‌کردم که امامزاده‌درب‌آهنین نـام دیگر بقعهٔ شیخ اباذر بـاشد و برای اطمینـان خاطر درصـدد تحقیق بیشتر بر آمدم و ضمن نامه‌هائی از فرمانداری و فرهنگ کازرون دراین باره استفسار نمودم فرمانداری کازرون (جناب آقـای خواجه‌نوری)طیّ نامهٔ شمـاره ۲۳۹۸ـ ۳۹/۶/۲۶ چنین توضیح داده‌اند کـه«....... مراتب از مطّلعین‌محلّی استفسـار شد امامزاده درب آهنی در دو کیلومتری مالکی (نور آباد) مـرکز بخش در وسط راه بین کازرون و خوزستان واقع و نـام امـامزاده سید علاءالدّین محمّد است و بقعهٔ شیخ اباذر در بخش ممسنی نمیباشد ......»

(۱) کتاب آثارعجم چاپ بمبئی ۱۳۱٤ قمری صفحهٔ ۲۹۹ .

بدین قرار از توضیح فرمانداری محترم کازرون مانند نوشتهٔ کتاب آثارعجم بر میآید که امامزاده درب آهنین در نزدیکی قصبهٔ نور آباد واقع‌شده‌است لیکن برخی دوستان دانشمند که آثارتاریخی خاك ممسنی را از نزدیك مشاهده وبررسی کرده‌اند اظهار داشتند که‌امامزاده درب آهنی در نزدیکی ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی و نقوش برجستهٔ عهد عیلام است که در خاك ممسنی واقع میباشد (و شرح آنها خواهد آمد)و تا قصبهٔ نور آباد مسافت بسیاردارد ، آقای مرتضی رستمی عکّاس ادارهٔ کلّ باستانشناسی که عکس امامزادهٔ مزبور (ش۱۹۶) ودرب آهنی قدیمی آنرا (ش۱۹۷)باختیار اینجانب گذاردندنیز همینگونه اظهار اطّلاع نمودند و در نتیجه برای اینجانب تعیین محلّ قطعی امامزاده درب آهنین مورد تردید واقع شده یکبار دیگر متوجّه گشتم که بایستی امکنه وآثار قابل ذکررا در هنگام مسافرت بهرصورت باشد ازنزدیك مشاهده ودربارهٔ آن شخصاً کسب‌خبرنمودوبهرحال برای‌تحصیل‌اطّلاع کاملترنسبت بمحلّ‌امامزاده درب آهنین از برخی دوستان مطّلع و علاقه مند خود در شیراز تقاضای معاضدت نموده امیدوارم با رسیدن اطّلاع مورد درخواست توضیح لازم در این باره ضمن قسمت ذیل کتاب مرقوم گردد که درعین حال چاپ فصل حاضرهم بتعویق نیفتاده باشد .

در هر صورت وجود درِ آهنی قدیمی در امامزادهٔ مزبور و انتساب‌باینکه آنرا از قلعه سپید آورده‌اند نکته ایست که شایستهٔ توجّه بوده جای بر رسی و امعان نظر بیشتر را دارد .

با توجّه بتوضیحاتی که در کتابهای مختلف راجع بآثارشگرف و تاریخی ممسنی نوشته اند چنین معلوم میگردد که در شمال و شمال شرقی جلگه‌ای که قصبهٔ نورآباد در آن واقع است جلگهٔ دیگری هست که آنرا **دار شاه** میخوانندوجلگهٔ‌فهلیان‌نیز درجانب شمال‌غربی‌جلگهٔ نورآباد قراردارد، دوجلگهٔ اخیر مجاور و متّصل بهم بوده در هر کدام از آنها آثار تاریخی وجود دارد که رسیدن بدانهاهم بطور کلّی بس دشوار است لیکن برای اینکه در کتاب حاضر تا حدّ مناسبی اطّلاعات مزبور بآثارنامبرده مذکورافتاده باشد توضیحاتی فراخور

هر کدام ذکر میشماید :

**غار کمان :**

در کتاب آثار عجم شرح مفصّلی از غاری بنام **کمان** که درون آن یک کمان بطور واضح پدیدار میباشد مرقوم رفته که در تنگ کوهی واقع است و از نور آباد تا دهانهٔ تنگ که رو بمشرق قرار دارد باید در حدود شش کیلومتر طیّ مسافت نمود و سپس از تنگ سنگلاخ دشواری بالا رفت و کمان را درون غار از خارج نگریست و بالا رفتن به غارهم امکان ندارد و توضیحات افسانه مانندی در بارهٔ آن ذکر گردیده است که علاقمندان در صورت تمایل میتوانند به کتاب مزبور مراجعه نمایند (۲)

**سپیدز ( قلعهٔ سفید )**

روبروی تنگ کمان آثار قلعهٔ معظمی ازسنگ و گچ بر فراز کوهی منفرد ومجزّا (نظیر کوههای دیگر بهمین هیئت که درنقاط مختلف فارس دروسط جلگه سربآسمان کشیده بالای هریك محوّطهٔ نسبتاً مسطّحی وجود دارد) پدیدار است که بنـام **سپیدز** مخفّف سپید دژ معروف است و آنرا بنام **سفید قلعه** نیز میخوانند و بطورعموم **قلعه سفید** هم‌میگویند وازقرائن امر برمیآید که اصل آن لااقل مربوط بعهد ساسانیان باشد ، برای بالا رفتن برفراز قلعه چهار راه بنامهای **سیاه شیر** و **زرین کلاه** و **گلستان** و**شترخسب** موجود بوده اکنـون از راه شترخسب میتـوان بویرانه‌هـای قلعه رسید ، بقایـای دیوارها وقسمتی ازدروازهٔ سنگی وطاق‌ضربی سنگی آن هنوز باقی است و سنگهای نیمه تراش کـه در اصطلاح سنگ تراشی بادبر مینامند درآنها بکار برده‌اند وتا دوران محمّد شاه قاجارهم پناهگاه وقلعهٔ مستحکم ممسنی بوده ازآن بخوبی استفاده مینموده‌اند .

(۲) کتاب آثارعجم سابق‌الذکر صفحات ۳۰۰ تا ۳۰۲ .

معروف‌است که قلعهٔ مزبوردری ازفولاد داشته وآن دراکنون درامامزادهٔ درب آهنین نصب است و قبلاً هم باین موضوع اشاره شد .

غیرازآثارفوق‌آثار تاریخی دیگری‌هم دراین‌قسمت وجود دارد که توضیح دربارهٔ آنها محتاج تحقیقات وکاوشهای علمی است ودراین مختصرنمیتوان دربارهٔ آنهابحث نمود واجمالاً از ممسنی بجانب شرق و کمی‌هم بجانب شمال با پیمودن راه کوهستانی‌بسیاردشواربه **اردکان** میرسند وچون پس‌ازآن بسمت‌جنوب شرقی روند به گویم وشیراز میرسند واین خطّ سیرمانند سایرنواحی سرزمین باستانی فارس‌نشانه‌ها وآثاروقایع وحوادث تاریخی وزندگی‌مردم ایران‌رادرادوارمختلف گذشته دربرداردچنانکه‌باستان شناس‌فقیدانگلیسی سراورل‌استین (A·Stein) در روزهای‌آخرآبان واوایل‌آذر۱۳۱٤ که‌بمنظورتحقیق‌دربارهٔجادّهٔ بین‌تخت‌جمشید و شوش از شیراز باردکان میرفت درتپّه های مختلف واقع در سمت جنوب شرقی اردکان گمانه هائی زد و مهمترین ایـن تپّه‌ها **تل گرد** بود که قطعات سفال منقوش شبیه‌آثارتل باکون درآنجا بدست‌آورد ، بنابراین نواحی واقع درمغرب شیراز کـه اردکان در شمال وکازرون و نورآباد و فهلیان در جنوب و جنوب غربی‌آنها واقع میگرددنیز بنوبهٔ‌خود شایستهٔ‌انجام تحقیقات علمی وباستان‌شناسی خواهد بود .

اینك ازنورآباد بجانب شمال غربی توجّه نموده بذکرآثارتاریخی فهلیان می پردازیم :

### ویرانه های عهد هخامنشی

فهلیان به مسافت ۷٤ کیلومتری شمال غربی کازرون واقـع گردیده از نورآباد بآنجا در حدود ۱۲ کیلومتراست ، چون از نورآباد بفهلیان بروند و از فهلیان به آبادی بنام جِنْ جان یا جِنْ‌جِنْ در شش کـیلومتری مغرب فهلیان عزیمت‌نمایند پس‌ازآبادی اخیر‌به‌آبادی سربیشه وازآنجا بقلعه نو وسپس‌بآبادی

سَرْوان میرسند .

ویرانه های مهمّی ازعهد هخامنشی درمجاورت آبادی سَرْوان وجود دارد وته ستونهائی کــه قطرهر کدام قریب ۹۰ سانتیمتر بوده ازلحاظ طرح و حجّاری نظیر ته ستونهای تخت جمشید و مزیّن به گلهای شبیه زنبق (لُتوس) میباشد از جملهٔ بقایای کاخ سلطنتی هخامنشی موجوددر آنجابنظرمیرسد (ش۱۹۸) وبدیهی است یکی از محلّهای مناسب کاوش علمی مفید بنحوی که آثار مدفون در خاك پس از کشف بوضع شایسته نگهداری شود ودرمعرض آسیبهای مختلف قرار نگیرد در مکان مزبور خواهد بود .

باتوجّه بآنچه دربارهٔ آثارهخامنشی در قصرابونصروتل حکوان وفیروزآباد وبالاده سابقاً مذکورشدچنین بنظرمیرسد که خطّ سیرجادّهٔ شاهی از تخت جمشید به شوش ازنقاط فوق میگذشته است ومابین بالاده و سَرْوان درمحلّ ویرانه های شهر شاپور کازرون هم منزلگاه دیگر وابنیه ای ازعهد هخامنشی وجود داشته است(۱) و کاخ هخــامنشی سَرْوان منزلگاه بعــدی بوده باحتمال قوی ششمین توقفگاه شاهنشاهان هخامنشی ازتخت جمشید بجانب شوش بشمارمیرود مگراینکه ازاین پس آثاری کشف گردد که با آنچه ذکرشد مغایرت داشته باشد .

آثارهخامنشی مجاور سَرْوان ذیل شمارهٔ ۱۹۰ درتاریخ ۹مردادماه ۱۳۱۲ درفهرست آثارملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است . (۲)

## نقوش برجستهٔ عهد عیلام (کورانگون)

در کوهستان ـ نزدیك سَرْوان برفرازتپّه ای که دردامنهٔ کوهستان وبربالای

(۱) درکتاب راههای باستانی وپایتختهای قدیمی غرب ایران تألیف دکتربهمن کریمی ازانتشارات ادارهٔ کل باستانشناسی(چاپ تهران ـ شهریور۱۳۲۹ ص۱۶) نیزاین قسمت تصریح شده است .

(۲) در حال حاضر محل این ویرانه ها بنام امامزاده اسمعیل خوانده شده زیارتگاه مردم آن سامان گردیده است و دوروبرته ستونهای سنگی عهد هخامنشی سنگ چین و چوب و کتری و ظرف وشمع میگذارند ونیاز میجویند .

رودخانه واقع شده است نزدیک دهکدهٔ **سه تُلو** نقوشی ازدوران عیلامیان وجود دارد که هرچند بسیار محو گردیده فقط شبیهی از آنها باقی مانده است لکن از نظر اهمیّت درخورِ توجّه فراوان میباشد ، (ش۱۹۹)

نقوش مزبور مشتمل بر تصویر دو ربّ النوع یکی بصورت مرد و دیگری بصورت زن است و عدّه‌ای هم در دوجانب وروبروی آنها ایستاده‌اند ، مرد برروی تختی که از یك مارِ حلقه زده تشکیل شده است نشسته سرِ مار را بادست چپ گرفته است و بادست راستِ خود جامی از آبِ زندگی بسوی مردم روان میسازد زن در کناراو نشسته‌است، هریك‌ازدو تصویر فوق‌دارای‌دوشاخ برسرمیباشد ، سه‌نفر برجانب راست یا روبرو ودونفر برجانب چپ یا پشت سرِ ایشان با لباسهای بلند ایستاده‌اند و۲۷ نفرهم در مقابل ایشان باجامه‌های نسبتاً کوتاه تماماً دست بسینه هستند که تصاویرشان بر تخته سنگهای جداگانه روبروی نقش ربّ النّوعها حجّاری گردیده است ، ازاین‌نقوش نخستین باردر کتاب آثارعجم[1] ذکری‌بمیان آمده است و چون در آنزمان هنوز ازآثار عیلام و ادوار پیش از تاریخ ایران اطّلاع چندانی در میان نبود لذا مرحوم فرصت الدّوله فقط بوجود آنها اشاره کرده توضیحی دربارهٔ موضوع وتاریخ آنها ننوشته است وسی ویک سال پس از بازدیدِ مرحوم فرصت‌الدّوله یعنی درسال۱۳۰۲ شمسی (۱۹۲۳ میلادی) دانشمند فقید پروفسّور هرتسفلدآلمانی نقوش مزبوررا ملاحظه‌وبررسی علمی نموده‌آنهارا از آثار دورهٔ عیلام و مربوط بحدود دوهزار سال پیش از میلاد مسیح تشخیص داده است .

وجوداین‌نقش ونقش‌برجستهٔ عیلامی درنقش رستم نزدیکی‌تخت‌جمشید که ذکرآن‌درصفحات۴۰و۴۱ گذشت‌ازطرفی‌دلیل‌براینست که‌لااقل‌پانزده‌قرن پیش‌از عهد هخامنشی احداث نقوش برجسته وتصاویرانسانی برسنگهای‌سخت کوهستان بوسیلهٔ هنرمندان ایرانی انجام میگرفته است و اینگونه‌آثار هنری در سرزمین باستانی ایران ریشهٔ بسیار قدیمتر ازدوران هخامنشی دارد وازطرف دیگرمعلوم

(۱) چاپ بمبئی ۱۳۱۴ قمری صفحه ۳۰۸ .

مینماید سلطهٔ دولت عیلام و معتقدات مذهبی عیلامیان تا نقاط بسیار دور دست نواحی فارس کـه در مشرق خاك عیلام واقع بوده انبساط داشته است و این هردو مطلب از نظر تاریخ ایران دارای اهمیّت فراوان است .

نقش ِ مار که در حجّاری کورانگون وجود دارد وآثارمحوی ازآن نیزدر نقش رستم باقی است مظهر یکی از ربّ‌النّوعهـای مردم پیش از تاریخ میباشد و قبل از ورود آریاها بایران وهند در هردو سرزمین پرستش ِ مار جزء معتقدات مردم بوده است.

نقوش عیلامی کورانگون ذیل شمارهٔ ۲۵٤درتاریخ ۲۵خرداد ماه ۱۳۱۵در فهرست‌آثار ملّی ایران به ثبت تاریخی رسیده است .

بربالای کوهستانی که‌نقوش‌برجستهٔ‌فوق‌درتخته سنگهای‌دامنهٔ‌آن قراردارد آثاروابنیهٔ باستانی‌هست که بافراهم‌گشتن‌شرایط ومقتضیات‌مناسب ومساعد انجام کاوشهای علمی وتحقیقات باستانشناسی درآنها بمورد خواهد بود .

## دخمهٔ سنگی موسوم به داودختر

آخرین‌اثرتاریخی‌مهمّ فارس که‌درانتهای شمال‌غربی‌ناحیهٔ ممسنی‌قراردارد دخمهٔ‌سنگی بسیار قدیمی دربالای کوهستان است که عموماً بنام **داودختر** نامیده میشود ونام صحیح محلّی‌آن ظاهراً **دی ودودر** بزبان محلّی بمعنی **مادرودختر** میباشد .

برای رسیدن باین اثر تاریخی بایستی راه فهلیان بخوزستان راکه بجانب شمـال غربی امتداد دارد ادامه دهند تا بمحلّی موسوم به **کوپون** برسند و از کوپون به‌آبادی حسین‌آباد رفته ازآنجابجانب کوهستان بالا روند ، برای رفتن ازحسین‌آباد بکوهستان ازرودخانه باید عبور کرد زیرا راه کوهستانی‌آن بسیار سخت است .

دخمهٔ مزبور در ارتفاع تقریبی ۳۰۰ متر قرار گـرفته هیئت خارجی آن

مانند دخمه های هخامنشی مرکّب از سطحهٔ پهن و بلندی است که قسمت پائین آنرابصورت صاف درآورده‌اند ، مدخل دخمه در بالای این قسمت و در وسط آن قرار دارد و هرجانب آن دو ستون را نمایانده اند و بالای ستونها حاشیهٔ صاف و مسطّحی بوده برفرازآن شکـل کنگره های دندانه دار هخامنشی را بر سنگ کوه‌بطوربرجسته‌تراشیده‌اند ورویهمرفته‌نمای خارجی‌آن بخوبی‌وضع دخمه‌های شاهنشاهـان هخامنشی را درنقش رستم و تخت جمشید بخاطر میآورد (ش۲۰۰)

بسیاری ازمطّلعین‌این دخمه را منسوب بدورهٔ ماد دانسته‌چنین‌اظهارعقیده میکنند که‌بین‌سالهای ۶۵۰ تا۵۵۰ پیش‌ازمیلادساخته‌شده استوبرخی‌دانشمندان هم آنرا متعلّق بیکی از شهریاران هخامنشی پیش از کورش کبیر میدانند یعنی هنگامیکه هخامنشیان سلطنت محلّی پارس را داشته‌اند ، توجّه بوضع خـارجی دخمه خصوصاً حجّاری بالای ستونها این احتمال را نیز بوجود میآورد که دخمهٔ مزبور مربوط بدوران متأخّـر هخامنشی باشد و اساساً با فراهم شدن وسـائل و مقتضیاتی که سهلتر بتوان بدخمهٔ نامبرده رسید و بـا فراغ خـاطر آنرا بررسی دقیق نمود اظهارنظردربارهٔ آن ازلحاظ درجهٔ قدمت تاریخی‌هم‌بهترمیسّر خواهد بود .

دخمهٔ داو دختر یا بگفتهٔ محلّی دی ود و در ذیل شمارهٔ ۲۹۹ در تاریخ ۲۹ آذرماه ۱۳۱۶ در فهرست آثار ملّی ایران بثبت تاریخی رسیده است .

### تل اسپید و یخه سنگر و لوط :

در کوهستانهای نزدیک داو دختر (پیش از آنکه از جانب فهلیان بـاین محلّ تاریخی برسند)آثار قدیمی دیگری وجود دارد از قبیل **تلّ اسپید** کـه تپّهٔ قدیمی بوده اکنون‌روی‌آن‌آبادی جدید ساخته‌اند و**یخه‌سنگر** که دیوار سنگی بطول قریب نیم کیلومتر وپهنای نیم‌متر بوده قسمتهائی از آن ریخته وقسمتهائی بجا مانده است وهمچنین ویرانه‌های محلّی بنام **لوط** و آثار دوسدّ قدیمی کـه

احتمالاً ازعهد ساسانیان است و طبعاً توضیح اینگونه آثار که رسیدن بآنها هم محتاج فرصت فراوان و وسایل کافی است در اینجا بمورد بنظر نمیرسد .

راه‌فهلیان بخوزستان پس‌از گذشتن‌از کوپون‌به **پل تنگاب** میرسد، پل تنگاب حدّ فاصل کنونی سر زمین فارس و استان خوزستان است لکن در زمان سابق قلمرو حکومت فارس شامل نواحی بیشتری در جانب مغرب بوده حدّ آن‌به رامهرمز میرسید وبدینقرار منطقهٔ سکونت اصلی طوایف بویر احمدی وارّجان (ارگان‌قدیم) وبهبهان‌نیزجزء فارس بشمارمیرفت ولی‌اکنون‌جزء خوزستان‌است بنا بر این‌آثار تاریخی این نواحی که مشتمل بر آتشکده و پلهای نیمه ویران و بقایای شهرها و آبادیهای معظّم و نقاط باستانی و نقوش بر جستهٔ مهمّ قدیمی‌است در این کتاب ناگفته میماند و در ضمن شرح آثارتاریخی ومحلهای باستانی خوزستان باید مذکور گردد ، بدین‌لحاظ بشرح آثار قدیمی سر زمین فارس‌ازجانب مغرب خاتمه داده میشود و بذکرآثار تاریخی بندربوشهر وجزیرهٔ خارك که از لحاظ نزدیکی و سابقهٔ تاریخی و موقعیّت طبیعی همیشه ارتباط ناگسستنی با فارس داشته و دارد میپردازد .

# فصل ششم . آثار تاریخی بوشهر وجزیرهٔ خارك

## ۱ - بوشهر

بندر بوشهر در شمال شبه جزیره‌ای قرار داردکه امتداد آن تقریباً از شمال غربی به جنوب شرقی‌است ووسط این‌شبه جزیره ازجانب مشرق متّصل و مربوط بخاك میباشد وبدین ترتیب‌دوخلیج کوچك درجانب شمال وجنوب آن‌در فاصلهٔ بین دوقسمت شمالی وجنوبی جزیرهٔ مزبور باسواحل راست خلیج‌بوجود آمده است .

بندربوشهر خود درانتهای شمالی شبه جزیره واقع گردیده‌است وجانب چپ‌آن‌به‌خلیج‌فارس وجانب راست‌آن‌بخلیج ِ کوچك ِ جانب ِ شمال ِ شبه‌جزیره مربوط ومتّصل میباشد .

درعهد عیلام یعنی هزارهٔ دوّم وقسمتی‌ازهزارهٔ اوّل‌پیش از میلاد درقسمت جنوبی شبه جزیرهٔ مزبور ودرپناه خلیج جنوبی آن‌یکی از مراکز آبادانی و تمدّن قدیم وجود داشته است که بنام **ریشهر** خوانده میشود وبرسر راه دریائی شوش‌به **مهانجوودارو**[۱] بوده همدوران‌آثارشوش وسایریادگار های عیلامیان و مربوط بتمدّن دوران مزبوراست ودرعهد اردشیر بابکان نیزشهر **رام اردشیر** در آنجا قرار داشته‌است واکنون‌خرابه‌های ریشهر قدیم بمسافت دوفرسنگی‌بوشهر

---

(۱) Mohenjo-Daro ازمراکزباستانی‌معروف‌ومهم درجانب غربی رودسند درپاکستان غربی است که‌ابنیهٔ زیاد وآثارمختلف هزاره‌های دوم وسوم پیش ازمیلاد درخاکبرداریها وکاوشهای علمی‌آن کشف شده‌است ، واژهٔموئن دزبان سندی‌بمعنی‌مردگان وکلمهٔ دارو‌بمعنی تپه بوده ترجمهٔ مهانجودارو‌تپهٔ مردگان است .

درقسمت جنوبی این شبه‌جزیره موجود بوده نشانه های تمدّن وبقایای ابنیه‌وآثار مختلف دوران عیلام وعهد ساسانیان را دردل نهفته دارد ویکی‌ازمحلهای‌باستانی بشمار میرود که بافراهم بودن وسائل ومقتضیات کار واطمینان ازحفظ آنچــه از بقایای ابنیهٔ‌موجود کشف میشود درخورکاوشهای علمی‌وتجسّسات فنّی‌باستانشناسی است .

درسال ۱۲۹۲ شمسی ( ۱۹۱۳میــلادی ) هیئت علمی فــرانسوی در ریشهر کاوشهای علمی انجام دادنــد و محلّ مزبور را با محلّی کــه در دورهٔ عیلام بــنام **لیان** (Liyan) خوانده میشد منطبق‌دانستند وعلاوه برسفالهای‌منقوش واشیاء مفرغی آثار ساختمانها وآجر های نوشته ازعهد شوتروك ناخونته(۱)درآنجا یافتند.(۲)

طبیعی است باانجام کاوشهای باستانشناسی درسواحل‌ایران (درخلیج فارس وخلیج عمّان)بهتر پیوستگی‌تمدّنهای چندهزار سالهٔ شوش ونواحی‌مختلف فارس‌با سرزمینهای هند وپــاکستان معلوم واهمیّت ریشهرازاین بــابت نیز بیشترمشهود خواهد شد .(۳)

ویرانه های‌باستانی ریشهر ذیل‌شمارهٔ ۱۲ درتاریخ ۲٤شهریــور ۱۳۱۰ در فهرست‌آثار ملّی ایران به‌ثبت رسیده است .

## ۳ــ آثار تاریخی جزیرهٔ خارك

جزیرهٔ خارك بمسافت ۵۲ کیلومتری شمــال غربی بوشهر و سی کیلومتری بندرریگ (بین بوشهرو گناوه) واقع گردیده‌است وتاشهرآبادان ۲۸۰ کیلو متر مسافت دارد .

---

(۱) Shutruk-Nakhunté از شاهان دورهٔ معروف به عهد طلائــی عیلام مربوط به هزارهٔ سوم پیش از میلاد بوده‌است .

(۲) کتاب باستان شناسی ایران قدیم ــ واندنبرگ ــ ص۵۲ .

(۳) درزمان سلطنت نادرشاه افشار(۱۱٤۸تا ۱۱٦۰هجری)نیز ریشهرمرکز نیروی‌دریائی ایران درخلیج فارس بوده و فعالیت بسیاری دراین باره درآنجا بعمل میآمده است .

درازای جزیره شمالی جنوبی درحـدود هشت کیلومتر وقسمت پهنتر آن درشمال به عرض قریب چهار کیلومتر است ، رشته کوهستان شمالی جنوبی باعث اعتدال هوای قسمت‌شرقی جزیره شده ازروزگار قدیم یکی ازمراکز آبادی در خلیج فارس ومورد توجّه دریا نوردان وسوداگران بوده است ، پیشینهٔ تـاریخی آن لااقلّ بدوران هخـامنشی یعنی قرن پنجم پیش از میـلاد میرسد ودر کتب تاریخی یونانیان به‌نامهای ایکار(۱)وآراسیا(۲)مذکور گـردیده ازوجـود معابد باستانی درآنجا صحبت شده است ، اکنون این‌جزیره بعلّت وضع طبیعی که دارد ازمراکز عمدهٔ فعالیّت‌های شرکت ملّی‌نفت ایران گردیده لولهٔ بزرگ نفت خام ازناحیهٔ گچساران بساحل خلیج‌فارس وازآنجا اززیر دریابـه جزیـرهٔ خارکو و سپس‌جزیرهٔخارك امتدادیافته‌است (۳) وبدین‌لحاظ‌جریان نفت‌وبارگیری‌آن در کشتیهای بزرگ نفت کش‌محور زندگانی جزیره نشینان خارك راتشکیل‌میدهد وبهمین مناسبت راه عمده واصلی‌آمد ورفت بآن بوسیلهٔ هواپیمااز آبادان است لکن‌بحکم‌موقعیّت‌طبیعی وپیشینهٔ تاریخی بشرحی که گذشت ارتباط‌آن‌باسرزمین فارس اقتضا مینماید آثار تاریخی جزیرهٔ مزبور در این رساله معرفی گردد .

موقعی که نگارنده‌دست بکاراتمام این‌فصل بودم‌رسالهٔ بسیارمفید و شیوائی بنام دُرّ یتیم خلیج ـ جزیرهٔ‌خارك ـ تألیف دانشمند گرامی‌آقای جلال آل‌احمد انتشار یافت که حاوی‌تحقیقات واطّلاعات‌جامعی‌دربارهٔ جزیرهٔ مزبور بودوبسیاری ازاطّلاعات مذکوردراین مختصر باآن مقابله وحكّ واصلاح یاتکمیل گردید.

طبق‌آنچه‌دررسالهٔ‌مزبور نوشته شده‌است‌اعراب‌به‌جزیره‌خارك«امّ‌الرّبّانیّین» نیز میگفته‌أند یعنی‌وطن ناخـدایان زیرا بسیاری از مردم‌این جزیـره به شغل ناخدائی وراهنمائی کشتیها دردریا وخلیجهای اطراف خلیج فارس ودریای عمّان

---

(۱) Icare    (۲) Aracia .

(۳) روز سه شنبهٔ هفدهم‌آبان ۱۳۳۹ بندرگاه جزیرهٔ خارك و لولهٔ عظیم نفتی آن بوسیلهٔ اعلیحضرت همایون شاهنشاهی افتتاح یـافت وکشتی‌های رضـاشاه کبیر و محمد رضـا شاه اولین نفتکش‌هائی بود که در اسکله خارك بارگیری نمود وعازم اروپا گردید .

وشبه جزیرهٔ عربستان اشتغال داشته‌اند وهنوزهم عدّه‌ای از ایشان همین شغل را دارند. (۱)

آثار وابنیهٔ تاریخی جزیرهٔ خارك در حال حاضر بدینقرارمیباشد :

## ویرانه های عبادتگاههای باستانی

برفراز گردنهٔ کوهستان که بندرگاه خاركرا ازباد های جانب شمال‌غربی ایمن‌میدارد دوردیف تخته‌سنگهای تراش‌جسیم موجود است وبوسیلهٔ پلّکان پهنی که‌یك قسمت آن‌باقی‌مانده است‌بآنجا میرسیده‌اند ، تخته سنگهای مزبوردروسط توده های سنگهای‌لاشه که‌ازفروریختن‌دیوارهای‌قدیمی‌بوجودآمده‌است‌قراردارد ودر حول وحوش این‌آثار درچندین محل طاقچه هائی از سنگ کوه دردوردیف پنج تائی ایجاد کرده‌اند که‌ظاهراً محلّ گذاردن نذرها بوده است .

محلّ مزبور که بشرح فوق مکان‌متبرّکی بودپس ازطلوع آئین زرتشت‌باز هم متبرّك ماند ، درنزدیکی‌پلّکان سابق‌الذّکر بقعهٔ محقّرمتروکی وجود دارد که ازوضع معماری آن میتوان پنداشت ابتدا آتشکده بوده بعداً بـه مسجد تبدیل گردیده‌است .

برفرازیکی ازبرجستگیهای شمالی جزیره دوتخته سنگ یك‌پارچه‌متّکی بیکدیگر بصورت عدد ۸ وجود دارد که بنام **دودختر** خوانده میشود .

## بقعهٔ میرمحمّد

بمسافت صدمتری مغرب‌آثار مزبور بقعه‌ای دارای گنبد هرمی‌شکل‌مضرّس وگنبد کوچك مدوّردیده میشود (ش۲۰۱) ــ درون فضای‌آن مزیّن به‌ازاره‌ای از کاشیهای ستاره‌ای وهشت ضلعی عهدمغول میباشد که قسمت‌اعظم آنها ازمیان‌رفته وبرروی یك‌عدّه ازآنچه باقی‌مانده‌است سال تاریخ ۷۳۸ هجری خوانده میشود .

---

(۱) نقل از«دریتیم‌خلیج ــ جزیرهٔ خارك»بقلم‌جلال آل احمد چـاپ طهران ۱۳۳۹ شمسی صفحهٔ ۵۷ .

نام این بقعه امامزاده میر محمّد بوده بعقیدهٔ مردم مدفن محمّد حنفی فرزند حضرت امیرالمؤمنین علی (ع) است و بر کتیبهٔ موجود در آنجا چنین خوانده میشود :

«هذه المشهد امیرالمؤمنین محمد بن امیرالمؤمنین علی ــ کتبه حسین البخاری»

کتیبهٔ دیگری هم حاوی این کلمات در آنجا بنظر میرسد : « **والصدقات الجاریات والجنات الباقیات فی جمیع الانفاس واللحظات فی سنة اربعین وسبعمائه**» بانی این بقعه همان حسین بخاری است که نام او در کتیبهٔ اوّلی مذکور میباشد وغیر از کاشی های ازاره ومقدار مختصری آجر بقیّهٔ مصالح ساختمانی آن از سنگهای محل و گچ و آهك است .

بطوریکه از کتاب «درّ یتیم خلیج» برمیآید مرقد در زیر گنبد کوچکتر واقع گردیده است و گنبد بزرگتر مخروطی مضرّس برفراز مسجد متّصل و مربوط به مرقد نامبرده قرار دارد و از این لحاظ هم شبیه زیارتگاههای مهمّ شیراز است .

سالهای تاریخ ۷۳۸ و ۷٤۰ مذکور در بقعهٔ مورد ذکر مقارن با دوران حکمروائی قطب الدّین تهمتن (۷۱۸ تا ۷٤۸ هجری) از شاهان مشهور هرمز است که جزیرهٔ خارك وسایر جزایر وسواحل خلیج فارس وعمّان را تحت فرمانروائی خود درآورده بود .(۱)

## گورستان های پیش از اسلام

درقسمت شرقی جزیرهٔ خارك سه گورستان پیش از اسلام بنظر رسیده است ، کلیّهٔ مقابر در دل سنگ کنده شده روی آنهارا با تخته سنگهای مسطّح پوشانیده بودند و قسمت اعظم آنهــا را دستبرد زده آثــار درون قبر ها را از میان برده‌اند ، در قسمتی از کوهستان که معبد باستانی سابق الذّکر وجود داشت مقابر فراوانی احداث کرده بودند ، یك عدّهٔ این مقابر چندان عمقی نداشته دهانهٔ آنها مدوّر است و بنظر میرسد اینگونــه مقابر استودانهای زردشتیان باشد ، تعدادی مقابر هــم دارای

(۱) به صفحهٔ ٦٦ همان کتاب مراجعه شود .

مدخلهای کوتاه است وبالای مدخل آنها نقش صلیب دیده‌میشود و میرساند مدفن عیسویان بوده‌است ، ازمیان مقابرنوع اخیریکی که ازهمه بزرگتر ومهمتراست دارای‌نماسازی زیبائی‌مشتمل‌برجرزبندی وطاقچه‌ها و گوشوارهاست(ش۲۰۲)ودر قسمت داخل دهلیزی دارد (ش۲۰۳) وبعد ازدهلیز به‌محوّطهٔ اصلی‌میرسند که سه پوشش‌شبیه ضربی برفرازآن ترتیب داده‌اند و مقابر متعدّد درآنجاموجود است .

این‌اثر تاریخی هرچند بسیارآسیب دیده وخرابی‌زیاد بدان راه یافته‌است با وجود این میتوان معماری سبك اشکانی وساسانی رادر آن‌تشخیص داد .

روبروی مدخل قبراخیرنقش برجستهٔ بسیار محوی وجود دارد که میتوان درآن تصویر شخصی رادید که برتختی تکیه زده و گویا جامی به یکدست خود گرفته است ووضع این‌نقش برجسته وتزئینات اطراف آن طوری است که معلوم میدارد محلّ‌مزبور یك مقبرهٔ سبك تَدمُری (پالمیری) [۱]است ووجود این‌نقش میرساند که فعّالیّت مردم تَدمُرْ دربازرگانی شرق وغرب علاوه برآنکه از راه خشکی تانقاط دوردست انبساط داشته از راه دریا نیز انجام میگرفته‌است و این موضوعی بود که‌پیش ازمشاهده وتشخیص آثارنقش برجستهٔ سابق‌الذّکر درجزیرهٔ خارك پوشیده مانده بود [۲]

---

شرح آثار تاریخی فارس‌دراینجابپایان میرسد ویکبار دیگراذعان‌مینماید که این کتاب مخصوصاً دربارهٔ بسیاری ازآثار تاریخی سرزمین وسیع وباستانی

---

(۱)تدمر( Palmyre ) مرکزآبادانی و بازرگانی مهم و معروف عهد رومیان درسوریه (درمشرق حِمْص ودرشمال شرقی دمشق ) است که‌آثارتاریخی وابنیهٔ سنگی موجود آن نیز شهرت جهانی دارد .

(۲)قسمتی از اطلاعات مربوط بآثارتاریخی جزیرهٔ خارك از سخنرانی ۳۷/۷/۳۰ آقای دکتر گیرشمن‌درموزهٔ ایران باستان و همچنین مقالهٔ مربوط باین موضوع که درشمارهٔ ۱۵ بهمن‌ماه ۱۳۳۷ روزنامهٔ اطلاعات مندرج بود اقتباس و استفاده شده است ضمناً درکتاب«دریتیم خلیج ـ جزیرهٔ خارك»صفحات ۵۹ تا ۶۳ از طرف مؤلف دانشمند کتاب مزبوربررسیها وتوضیحات مفیدی دربارهٔ دخمه‌ها وویرانه‌های باستانی سابق‌الذکرمرقوم رفته است .

فارس اطّلاعات بسیار مختصر واجمالی در بردارد وچه بساامکنهٔ باستانی وویرانه‌های مهمّ تاریخی واطلال گوناگونی که بعلّت نبودن راه وموقعیّتهای محلی ودورماندن از نظـر بینندگان مطّلع وعلاقـه مند هنوز مجهول مـانده بانتظار روزی است که سطح فرهنگ و دانش کشوراقتضای کشف وبررسی آنهاراداشته باشدویقیناً درآیندهٔ نزدیك جوانان پرشور وکاروانهای علمی‌از فرزندان این آب وخاك بطور جداگانه یاباهمکاری واشتراك باستانشناسان ایران‌دوست‌خارجی قسمتهای‌مختلف فارس را مانند سایرمراکز تمدّنهای باستانـی کشور ایران پیموده آثار تـاریخی ناشناس‌مانده راکشف‌خواهندنمود وحقّ‌علمی ِ درخورآنهارابیاری خدای‌بزرگ ِ ایران‌جاویدان‌وبااستظهارباولیای‌بیداردل‌دولت‌ومردم‌علاقه‌مند اداخواهند کرد و دربارهٔ آثار تاریخی ِ معلوم‌هم خدمات گذشته یا نارسا یا انجام نیافته راتکمیل و اجرا خواهند نمود ، در هر گوشه و کنار این سرزمین وسیع نشانه های تمدّنهای چندهزارساله‌ومجدوعظمت‌ایران‌وایرانیان‌باقیست‌وفرزندان‌پاك‌نهاداین آب‌وخاك همیشه درخدمت وارج گزاری یادگار های نیاکان و پیشینیان ِ مرز و بوم‌خویش آماده ودرخور هرگونه توجّه وارشاد و قدر شناسی بوده و خواهند بود .

بمنّه وکرمه

مطالبی که ضمن چاپ کتاب مورداطّلاع واقع گردیده با همکاری دوستان ِ دانشمند وعلاقه مندان دیگر فراهم آمده است تحت عنوان ذیل در پایان کتاب ( پس از خاتمهٔ تصاویر ) افزوده شده است .

# تصاوير



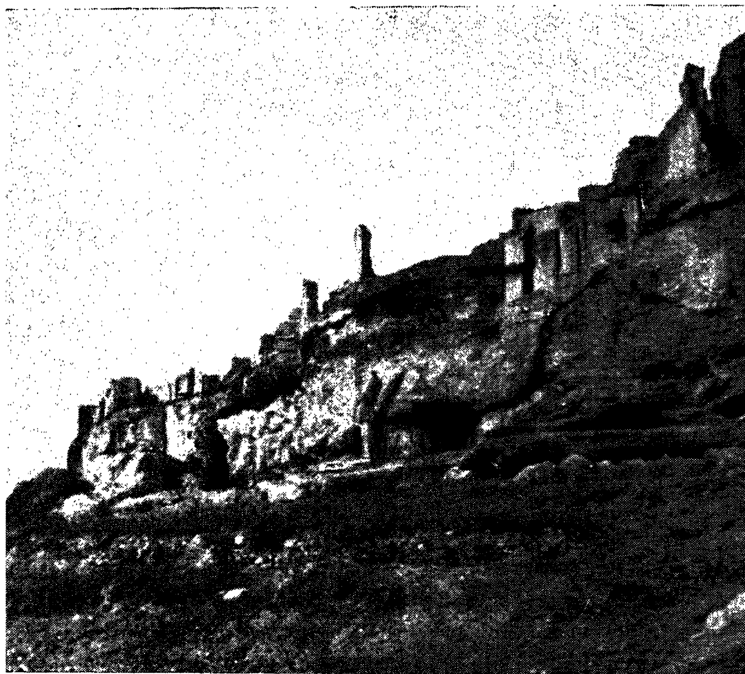
ش-۱-منظرهٔ قلعهٔ باستانی ایزد خواست از جانب شمال غربی -
نقل از مجلهٔ ملی جغرافیائی واشنگتن شمارهٔ ٤ سال ۳۹ - آوریل ۱۹۲۱
نسخهٔ متعلق به جناب آقای محسن حداد - عکس از هارولد.ف.وستون

National Geographic Magazine Volume XXXIX Number Four April 1921

(ضمن توضیح مربوط باین تصویر در مجله نامبرده قلعه ایزدخواست همانندکشتی که تبدیل به سنگ گشته وطی قرون و اعصار در ساحل رودخانه خشگی به گل نشسته باشد یادشده است) .

Fig 1 - Izad Khast ou Yazd-Khast, bourg fortifié de l'époque Sassanide.

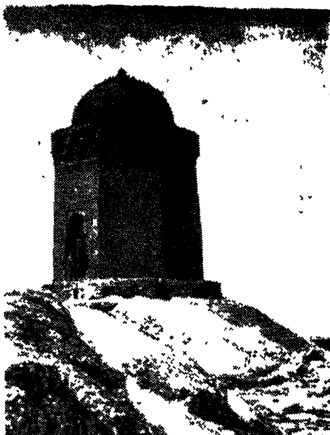
Fig 1 - Izad-Khast or Yazd-Khast, fortified borough Sassanian period.



ش-۲- قسمتی از ضلع شرقی قلعهٔ باستانی ایزد خواست (مربوط به صفحهٔ ۱)

Fig2 - Côté est du bourg fortifié d'Izad-Khast.

Fig2 - Eastern side of Izad-Khast, fortified borough.



ش–۳–بنای تاریخی گنبد علی درابرقو مورخ به ٤٤٨ هجری (مربوط به صفحهٔ ۳) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحهٔ ٤٨

Fig 3 - Abarqu, Tour funéraire de Gunbadi Ali datée de 448 H (1056).

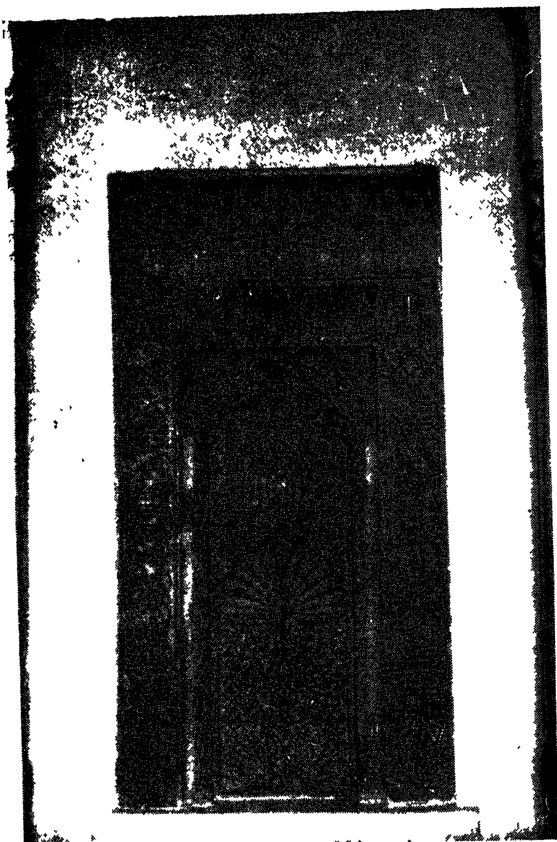
Fig 3 - Abarqu, a funeral tower of 448 H (1056).



ش–٤–مسجد جامع ابرقو (مربوط به صفحهٔ ٤) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان–فرانسه) صفحهٔ ٥٩

Fig 4 - Abarqu, la Mosquée Djami, 14 ème et 15 ème siécle

Fig 4 - Abarqu, The Djami Mosque 14 th-15 th cent.



س-۵- محراب مرمری مسجد جامع ابرقو مربوط بقرن نهم هجری که در موزهٔ ایران باستان نگهداری میشود . (مربوط به صفحهٔ ۶)

Fig 5 - Le Mihrab de la Mo·quće Djami d'Abarqu. (15 éme siécle) au Mu ée de Teheran.

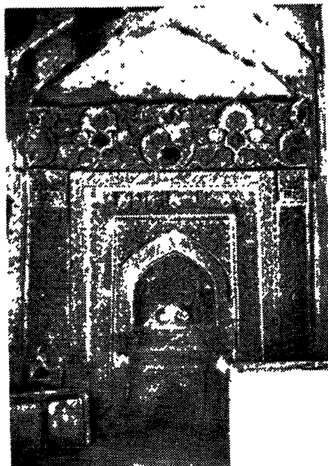
Fig 5 - The Mehrab of Djami Mo que of Abarqu. (15 th cent) in the Arch. Museum of Tehran.



ش -٦- مقبرهٔ حسن‌ابن کیخسرو از آثار قرن‌هشتم‌هجری درابرقو (مربوط به صفحهٔ ٥) نقل از جلد اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحهٔ ٦٢

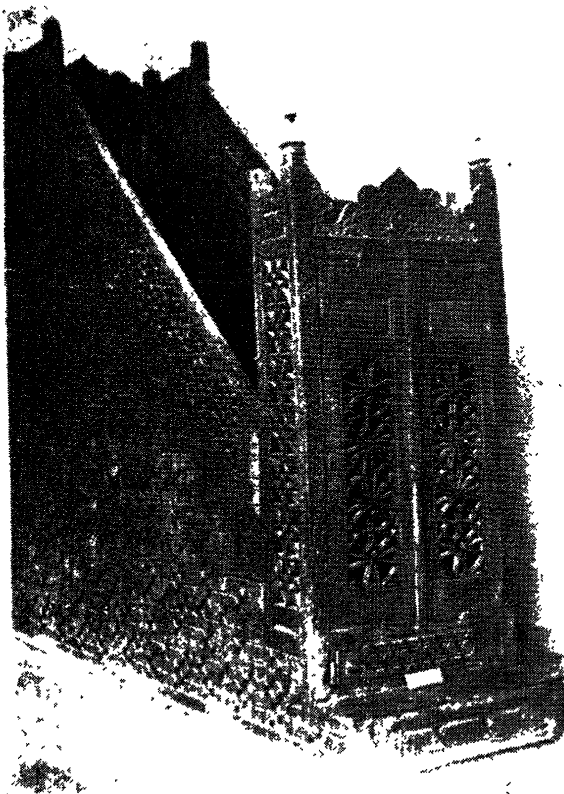
Fig 6 - Abarqu, le Mausolée de Hassan bin Kaïkhosrow (14 éme siécle).

Fig 6 - The Mausoleum of Hassan son of Kaïkhosrow in Abarqu, (14 th cent).



ش-٧-محراب گچبری نفیس متعلق به مزاربیرحمزهٔ سبزپوش در ابرقو (مربوط به صفحهٔ ٥) از آثار دورهٔ سلجوقی (قرن ششم هجری) نقل از حلد اول آثار ایران (بزبان فرانسه) صفحه ٥٥

Fig 7 - Abarqu, le Mihrab du tombeau de Pir Hamzeh Sabzpush (12 éme siécle).
Fig 7 - The Mihrab of Pir Hamzeh Sabzpush's tomb in Abarqu.



ش-۸- منبر چوبی منبت مسجد جامع سوریان مورخ به ۷۷۱ هجری که در موزهٔ ایران باستان نگهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۸)

Fig 8 - le Minbar de la Mosquée de Sourian, daté de 771 H. (1369) au Musée de Teheran.

Fig 8 - The Minbar of Sourian Mosque, dated of 771 H. (1369) in the Arch. Museum of Tehran.

ش-۹-نقشه محوطهٔ پاسارگاد مقابل همین صفحه قرار دارد



ش-۱۰-(سمت چپ) منظرهٔ آرامگاه کورش ازجانب شمال غربی (مربوط به صفحهٔ ۹) این عکس پس ازتعمیرات سال ۱۳۳۷برداشته شده است ودرمحلی که بوتهٔ انجیر وحشی بربام آرامگاه دیده میشود ضمن خاکبرداریهای همان سال منفذی پیدا شد که منجر به کشف محل دوقبر بین سقف داخلی و بام آرامگاه گردید.

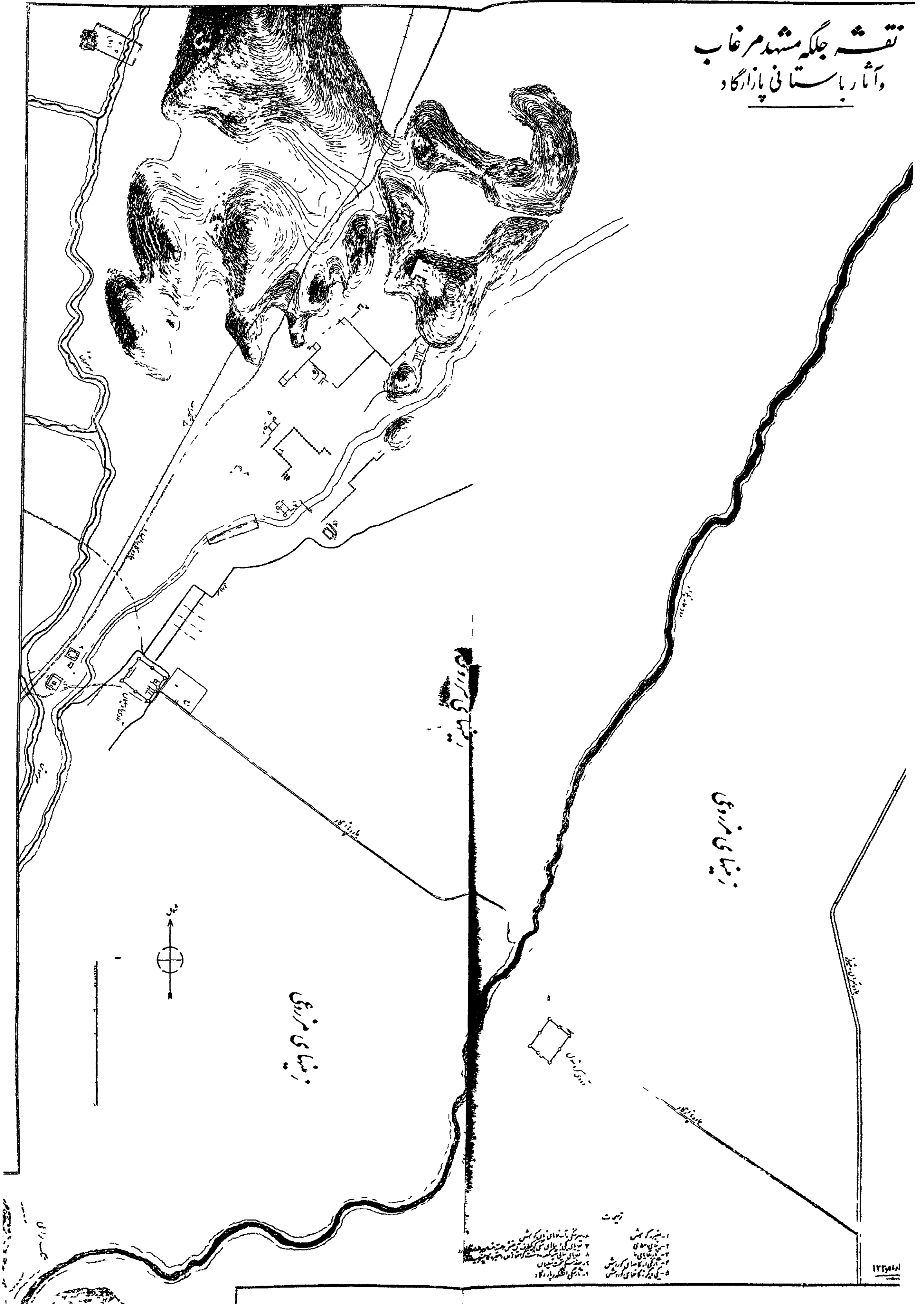
Fig 10 - (à gauche) Le tombeau de Cyrus le Grand à Pasargade avant les réparations.

Fig 10 - (left) The Tomb of Cyrus the Great at Pasargadae before the reparations.

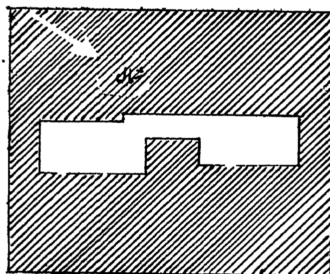
ش-۱۱-(سمت راست) منظرهٔ آرامگاه کورش ازجانب شمال شرقی پس از تعمیرات سال ۱۳۳۷ (مربوط به صفحهٔ ۹) بینندگانی ارفراز بام آرامگاه درصدد ورود به درون محل دوقبر مکشوف درآنجا و بررسی آن هستند .

Fig 11 - (à droite) Le tombeau de Cyrus, aprés les réparations de 1958.

Fig 11 - (right) The Tomb of Cyrus, after the reparations of 1958.



نقشه جلگه مشهد مرغاب
و آثار باستانی پازارگاد
زمینهای مزروعی
زمینهای مزروعی
زمینهای مزروعی
شمال
توضیحات
۱- مقبره کورش
۵- یکی دیگر از کاخهای کورش




ش-۱۲- طرح دو محل قبر موجود در زیر سقف و بام آرامگاه کورش (مربوط به صفحهٔ ۹) طول دوقبر و دهلیز باریک بین آنها مجموعاً قریب سه‌متر است

Fig 12 - Plan des 2 tombes situées sous le toit du tombeau de Cyrus

Fig 12 - Plan of 2tomb under the roof of Cyrus' Tomb



ش ۱۳- درون قبرهای واقع در زیر سقف و بام آرامگاه کورش (مربوط به صفحهٔ ۱۰) ارتفاع قبرها و دهلیز کوچک بین آنها عموماً ۷۸، سانتیمتر است

Fig 13 - L'Intérieur des tombes situées sous le toit du tombeau de Cyrus

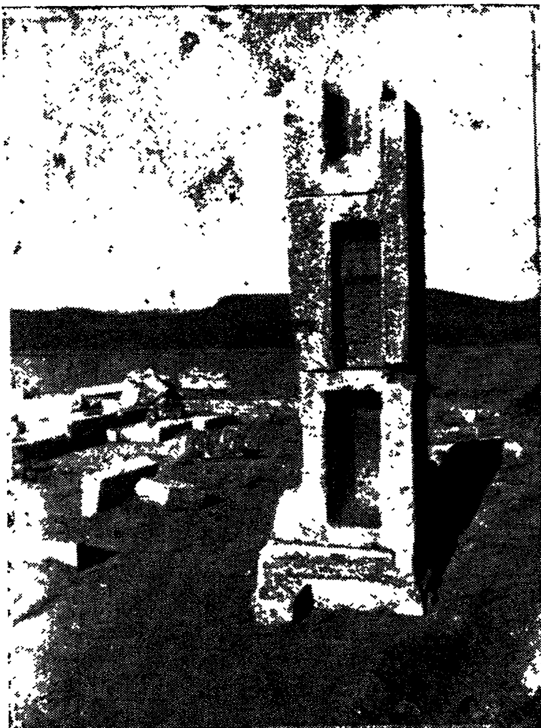
Fig 13 - The interior of the tombs under the roof of Cyrus tomb



ش-۱٤- خاکبرداری درپاسارگاد-کاخ‌بارکورش بایك ستون آن‌که‌سرپا
مانده است در قسمت عقب نمایان میباشد (مربوط به صفحه ۱۱)

Fig 14 - Pasargade. Le déblaiement du Service Archéologique.

Fig 14 - Excavations of the Arch. dept. in Pasargadae.



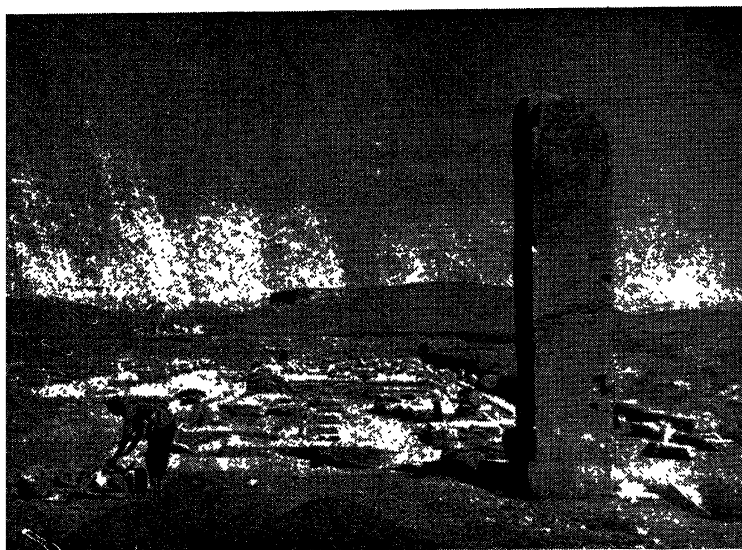
ش-۱۵- یکی از پایه‌های سنگی سفید کاخ بار کورش (مربوط به صفحه ۱۱) عکس از عکاسی پرسپولیس - لاله‌زارنو - طهران

Fig 15 - Pasargade. pilier du palais de Cyrus.

Fig 15 - A pillar of the Palace of Cyrus in Pasargadae.



ش-۱۶-نقش انسان بالدار در پاسارگاد (مربوط به صفحه ۱۲)
Fig 16 - Pasargade. Bas - relief d'un homme ailé.
Fig 16 - Winged figure at Pasargadae.



س-۱۷- منظره‌ای از آثار باقیماندهٔ کاخ اختصاصی کورش (مربوطه به‌صفحهٔ ۱۲)

Fig. 17 - Pasargade. vue des ruines du palais de cyrus.

Fig 17 - A wiew of the ruins of Cyrus' Palace at Pasargadae.



س–۱۸–ضلع غربی موجود ار برج سنگی در پاسارگاد – ارتفاع قریب ۱۲ متر
(مربوط به صفحهٔ ۱۳)

Fig 18 - Pasargade. Ruines d'une tour en pierre de l'époque Achéménide.

Fig 18 - Ruins of an Achaemenian tower at Pasargadae.



ش–۱۹–گوشهٔ شمالی محوطهٔ پاسارگاد – ویرانه‌های برج سنگی در جانب چپ
ومنظرهٔ جنوبی صفهٔ تخت سلیمان درقسمت عقب بدبدار است (مربوط به‌صفحهٔ۱٤)

Fig 19 - Pasargade. Vue générale du coin nord.

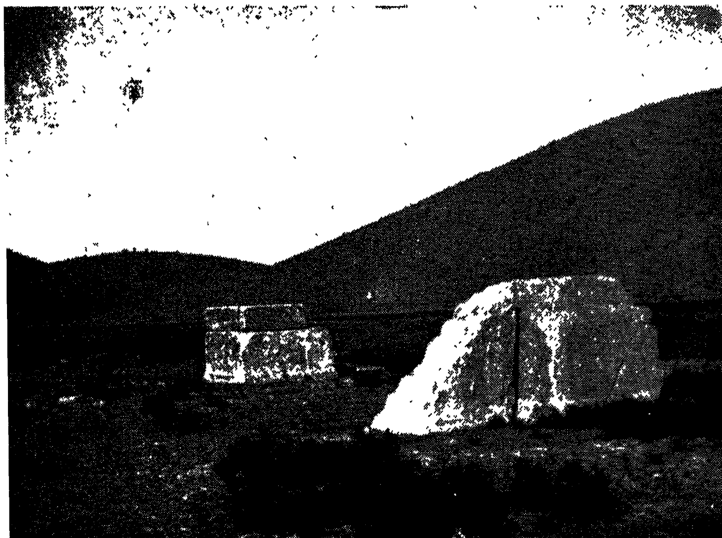
Fig 19 - General wiew of the north corner of Pasargadae.



س–۲۰–گوشهٔ شمالی صفهٔ تخت سلیمان در پاسارگاد (مربوط به صفحهٔ ۱٤) نقل از کتاب تخت جمشید ( Persepolis ) تألیف ۱۰اشمیت – جلد اول صفحهٔ۱۳

Fig 20 - Pasargade. Coin nord de la terrasse Takhti-Soleïman.

Fig 20 - Northern corner of the terrace Takhti-Soleïman at Pasargadae.



ش -۲۱ - دو تختهٔ سنـگ آتشـگدهٔ پاسارگاد ( مـربوط به صفحهٔ ۱۵ )

Fig 21 - Pasargade. Deux autels du feu.

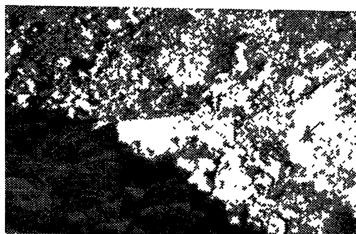
Fig 21 - Two fire altars at Pasargadae.



ش-۲۲- آتشدان سنگی عهد هخامنشی درباغ بـدره- سیدان- که‌اکنون نیز زیارتگاه مردم محل بوده بنام مزار بی‌بی فاطمه معروف است- ارتفاع ۲ر۱۵ متر (مربوط به صفحه ۱۸)

Fig 22 - Autel du feu de l'époque Achéménide à Seïdan, à environ 20 Kilométres de Persépolis.

Fig 22 - A fire altar of the Achaemenian period in Seïdan, about 20 Kilometers from Persepolis.

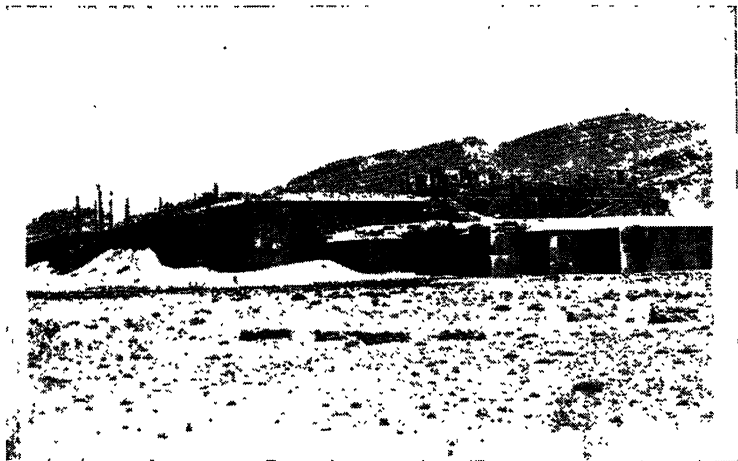




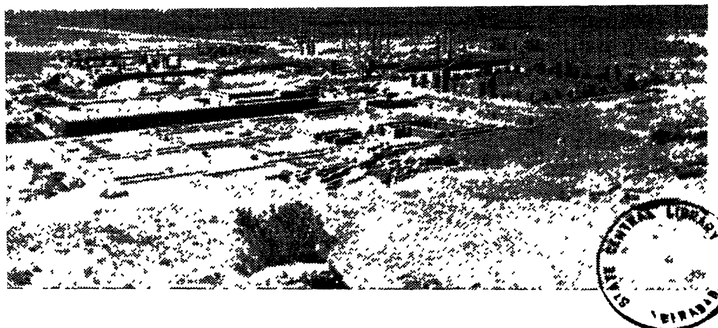
ش-۲۳-قطعات ستون سنگی عهد هخامنشی در قره قلات - سیدان (مربوط به صفحه ۱۹)
(عکس از خانم ادیث پرادا .Prof Edith Porada) استاد دانشگاه کلمبیا که هنگام مسافرتش به تخت جمشید در تیرماه ۱۳۳۹ بـه تقاضای نگارندهٔ کتاب گرفته است.)

Fig 23 - Fragments de colonne Achéménide à Seïdan, à environ 20 Kilométres de Persépolis.

Fig 23 - Fragments of column, Achaemenian period at Seïdan, about 20 Kilometers from Persepolis.



س-۲٤- منظرهٔ تخت جمسید از طرف‌حنوب غربی که وضع مضرس دیوار عظیم‌صفهٔ‌آن بخوبی هوایدا است (مربوط‌به صفحهٔ ۲۲)
(عکس‌بیش‌ازخاکبرداری واصلاح‌زمینهای بائین‌صفه‌تخت‌جمسید گرفته‌شده‌است)
Fig 24 - Persépolis, vue de la terrasse, prise du côté sud-ouest.
Fig 24 - A wiew of Persepolis terrace taken from south-west corner.





ن–۲۵–دورنمای تخت جمشید از جانب جنوب شرقی که از سینهٔ کوه رحمت دیده میسود (مربوط به صفحهٔ ۲۲)

Fig 25 - Persépolis, vue prise du haut de l'angle sud-est de la terrasse.
Fig 25 - A wiew of Persepolis taken from south-east corner of the terrace.

# نقشه کاخهای شاهنشاهان هخامنشی

## در پارسه

# تخت جمشید



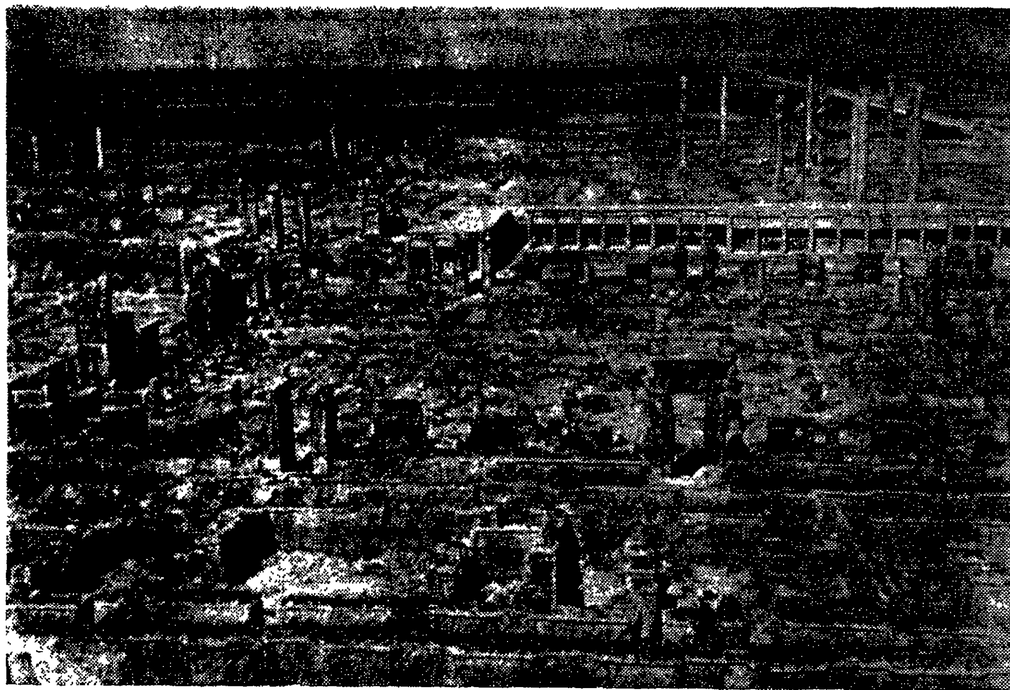



### توضیحات

۱ - پلکان بزرگ ورودی
۲ - دروازه ورودی
۳ - حوض سنگی یک پارچه
۴ - پلکان شرقی آپادانا
۵ - تالار مرکزی کاخ آپادانا
۶ - پلکان شمالی آپادانا
۷ - سرستون بشکل دو شیر بزرگ
۸ - حیاط کاخ صدستون
۹ - دروازه نیمه تمام
۱۰ - تالار ۳۲ ستون
۱۱ - محل عراده
۱۲ - محل اسبهای شاهی
۱۳ - تالار اصلی کاخ صدستون
۱۴ - پلکان شمالی کاخ مرکزی
۱۵ - تالار اصلی کاخ مرکزی
۱۶ - حیاط کوچک کاخ مرکزی
۱۷ - ابنیه جنوبی کاخ آپادانا
۱۸ - کاخ کوچک داریوش تالار آینه
۱۹ - پلکان جنوبی همان کاخ
۲۰ - حیاط جنوبی کاخ کوچک داریوش
۲۱ - بنای نیمه تمام بنام اردشیر سوم
۲۲ - پلکان غربی کاخ کوچک خشایارشا
۲۳ - حیاط کاخ هدیش
۲۴ - تالار مرکزی هدیش
۲۵ - ایوان جنوبی هدیش
۲۶ - تپه خشتی بزرگ و آثار سیم آنجا
۲۷ - تپه کوچک و آثار اولیه آن که با اندرون هم سطح میباشد
۲۸ - حیاط کاخ شمالی اندرون
۲۹ - تالار مرکزی کاخ اندرون موزه تخت جمشید
۳۰ - اطاقهای مختلف اندرون
۳۱ - خزانه
۳۲ - آبروهای زیرزمینی
۳۳ - چاه سنگی
۳۴ - دخمه منسوب به اردشیر دوم
۳۵ - یکی از برجهای محل نگهبانان
۳۶ - ساختمانهای خشتی شمال صفه
۳۷ - محل کشف سی هزار لوحه گلی

نقشه کامل آثار تخت جمشید که در بهمن ماه ۱۳۲۹ بوسیله آقای علی حاکمی بازرس فنی باستان شناسی ترسیم گردیده است مقیاس $\frac{۱}{۱۲۵۰}$

۷۴



ش-۲۶-منظرهٔ قسمت شمالی آثار تخت جمشید که بقایای کاخهای معظم اپدانه و صد ستون وکاخ‌مرکزی وکاخ کوچك داریوش اول در آن پدیدار است (مربوط به صفحهٔ ۲۳)

Fig 26 - Persépolis, vue prise du côté est de la terrasse.
Fig 26 - A wiew of Persepolis taken from the east side of the terrace.

(روبروی این صفحه)

ش-۲۷-نقشهٔ عمومی آثار تخت جمشید ترسیم آقای علی حاکمی مدیر موزهٔ ایرانباستان نقل از کتاب راهنمای اجمالی آثار تخت جمشید تالیف س . محمدتقی مصطفوی (مربوط به صفحهٔ ۲۳ و صفحات دیگر کتاب)

Fig 27 - Plan général des monuments, sur la terrasse de Persépolis.
Fig 27 - General plan of the monuments on the terrace of persepolis.



س-۲۸-منظرهٔ پلکان بزرگ ورودی تخت جمشید از جانب شمال – ستونهای کاخ اپادانه در سمت روبرو ودروازهٔ اصلی عمارت مدخل که بالای پلکانها واقع است درجانب چپ دیده میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۳)

Fig 28 - Persépolis, vue du grand escalier d'entrée de la terrasse, prise du nord

Fig 28 - A wiew of the great stairway at the entrance of Persepolis terrace, taken from the north.



س–۲۹–منظرهٔ قسمت بالای پلکان بزرگ ورودی تخت جمشید از جانب شمال–
بعضی ستونهای کاخ آپادانا هم کم و بیش در این عکس دیده میشود (مربوط به
صفحهٔ ۲۳) عکس از آقای حسین سنگی

Fig. 29 - Persépolis, une autre vue du grand escalier d'entrée de la terrasse prise du côté nord

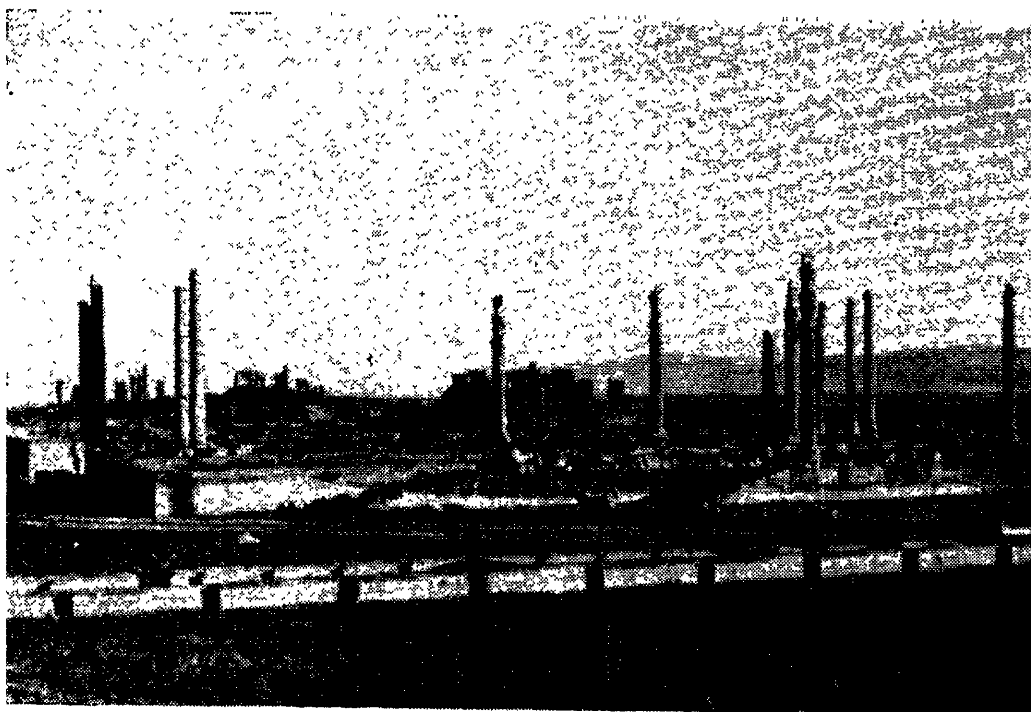
Fig. 29 - Another view of the great stairway at the entrance of Persepolis taken from the north



ش-۳۰-دروازهٔ شرقی عمارت ورودی تخت جمشید که تصاویر خیالی از گاو بالدار با سرانسان به نسبت بسیار بزرگ برآن حجاری کرده‌اند (مربوط به صفحهٔ ۲۳)

Fig 30 - Persépolis, la porte orientale du grand portail.

Fig 30 - The eastern gate of the big portal of Persepolis



ش۳۱–منظرهٔ کاخ اپدانه از جانب شمال شرقی که پلکانهای شمالی وستونهای
بلند کاخ درآن نمایان است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 31 - Persépolis, vue de l'Apadana prise de l'angle nord-est.
Fig 31 - A wiew of the Apadana, at Persepolis, taken from the north-est.

## شرح مربوط به عکسهای صفحهٔ ۱۷۵

ش۳۲–بدنهٔ شمالی دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه که نقش برجستهٔ افسران و سربازان (جاویدان) وعرابه‌ها و اسبها و لوازم دیگر مربوط به رژهٔ لسگریان در سه ردیف نقوش آن و نبستهٔ میخی و نقش برجستهٔ شیروگاو و گل ودرختان‌سرو درقسمت آخر و کنگره‌های زیبا برفراز تمام آن با استادی و سلیقهٔ تمام حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ٢٤)

Fig 32 - Persepolis, partie nord du grand escalier oriental de l'Apadana.
Fig 32- The northern part of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۳۳– نقش افسران پارسی و مادی و عرابه‌های شاهی بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ٢٤)

Fig 33 - Persepolis, les dignitaires Perses et Médes et les chars royaux, représentés sur le mur du grand escalier oriental de l'Apadana.
Fig 33 - Persian and Median dignitaries and the royal chariots on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش٣٤– نقش يك نفر مادی حامل کرسی شاهی و مفرش و شلاق در مراسم‌رژهٔ لشگریان‌که بر دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ٢٤)

Fig 34 - Persépolis, un dignitaire Méde portant le trône, le tapis et le fouet, représenté sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.
Fig 34 - A Median dignitary carrying the throne with a carpet and a whip, represented on the wall of the eastern stairawy of the Apadana at Persepolis.


Fig-34 س-٣٤

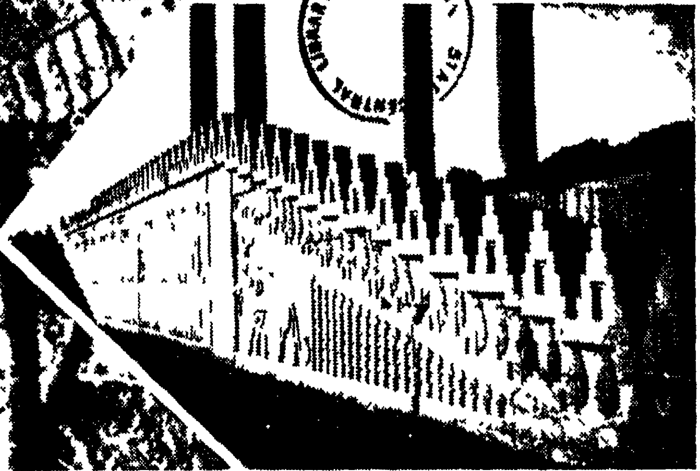
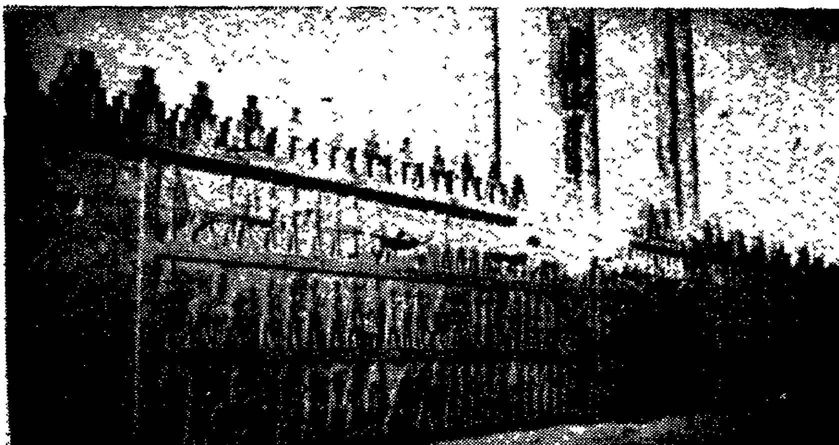

Fig-32 س-٣٢

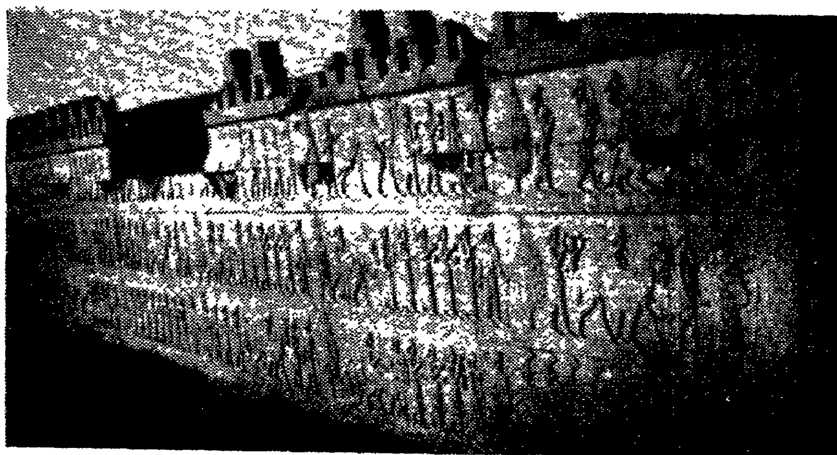

Fig-33 س-٣٣



ش۳۵– بدنهٔ جنوبی دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه که نقوش بر جستهٔ نمایندگان استان های مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی برآن حجاری گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 35 - Persépolis, partie sud de la façade du grand escalier oriental de l'Apadana.

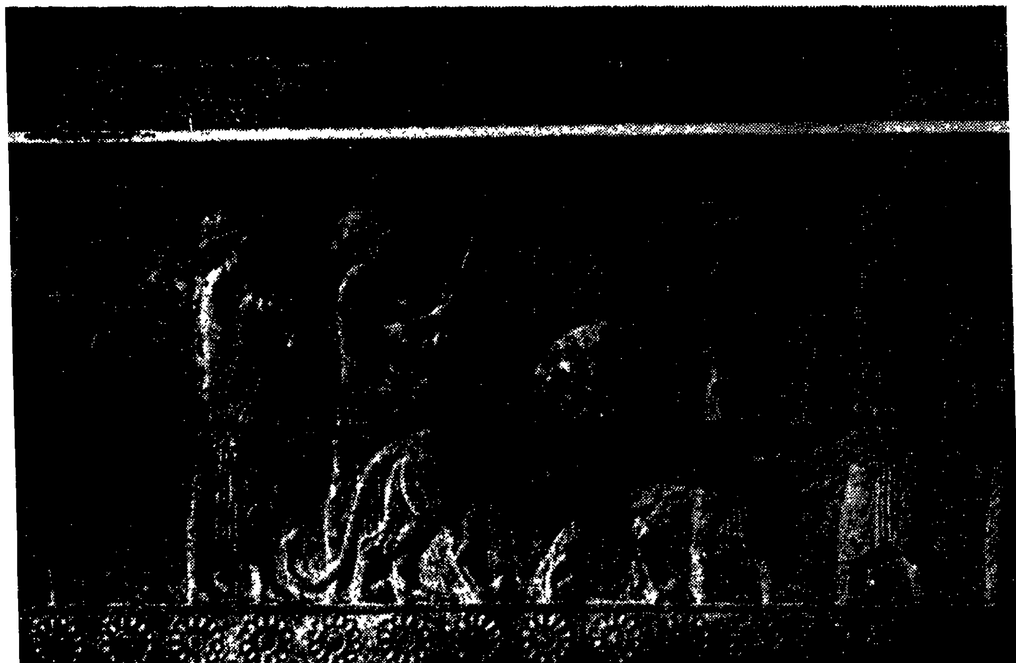
Fig 35 - The southern part of the front of the eastern stairway of the Apadana at persepolis.



ش۳٦–نقوش برجستهٔ نمایندگان استانهای مختلف کشور شاهنشاهی هخامنشی بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٤) .

Fig 36 - Persépolis, la procession des représentants des provinces de l'Empire Achéménide, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 36 - The procession of the representatives of different provinces of the Achaemenian Empire on the front of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۳۸- نقوش نمایندگان خوزیان (مردم قدیم خوزستان) وهدایای ایشان بر دیوار پلکان شرقی اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲٤)

Fig 38 - Persépolis, les représentants Susiens sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 38 - The Susian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.

مربوط به عکسهای صفحه ۱۷۹

ش۳۷- نقوش نمایندگان ماد (سرزمین آذربایجان وقسمتهائی از شمال ومغرب ایران کنونی) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۴)

Fig 37 - Persepolis, représentants Médes sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 37 - The Median representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش۴۱- نقوش برجستهٔ نمایندگان ارمنستان وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 41 - Persépolis, les représentants de l'Arménie, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 41 - The Armenian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Perspolis.

ش۳۹- نقوش نمایندگان پارت (خراسان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 39 - Persépolis, les représentants Parthes ? sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 39 - The parthian representatives (?) on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.

ش۴۵- نقوش برجستهٔ نمایندگان آشور (شمال بین‌النهرین) وهدایای ایشان‌بر دیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 45 - Persépolis, les représentants de l'Asseyrie sur le mur de l escalier oriental de l'Apadana.

Fig 45 - The representatives of Assyria on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

ش – ٣٧
Fig - 37



ش – ٤١
Fig - 41



ش – ٣٩
Fig - 39



ش – ٤٥
Fig - 45





ش۴۰- نقوش نمایندگان سغد یا باختر (در شمال شرقی خراسان) و هدایای ایشان بر دیوارپلکان شرقی کاخ اپدانه - نقل از کتاب تخت جمشید تالیف دکتر اشمیت ورقهٔ مصور شمارهٔ ۳۳ (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 40 - Persépolis, les représentants Sogdiens ou Bactriens (?) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 40 - The Sogdian or the Bactrian representatives (?) on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.



ش۴۳ – نقوش برجستهٔ نمایندگان گیلیکیه (سیلیسی – جنوب آسیای صغیر) و هدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ ابدانه (مربوط به‌صفحهٔ ۲۵)

Fig 43 - Persépolis les représentants de Cilicie (au sud de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 43 - The representatives of Cilicia (south of Asia Minor) on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

(مربوط به عکسهای صفحه ۱۵۸)

س۴۲– نقوش برجستهٔ نمایندگان بابل (جنوب بین‌النهرین) وهدایای ایسان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 42 - Persépolis, les représentants de Babylone, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 42 - The Babylonian representatives on the wall of the eastern stairway of the Apadana, at Persepolis.

ش۴۴– نقوش برجستهٔ نمایندگان سیکان تیز خود وهدایای ایسان بردیوار ملکان شرقی کاخ ابدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

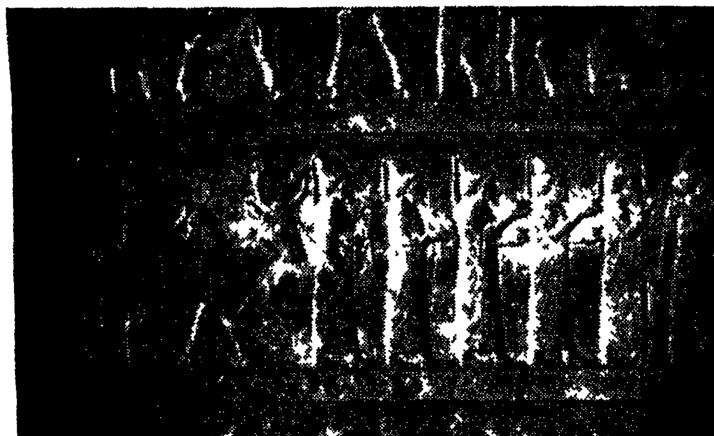
Fig 44 - Persépolis, les représentants des Sakas Tigraxauda, sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

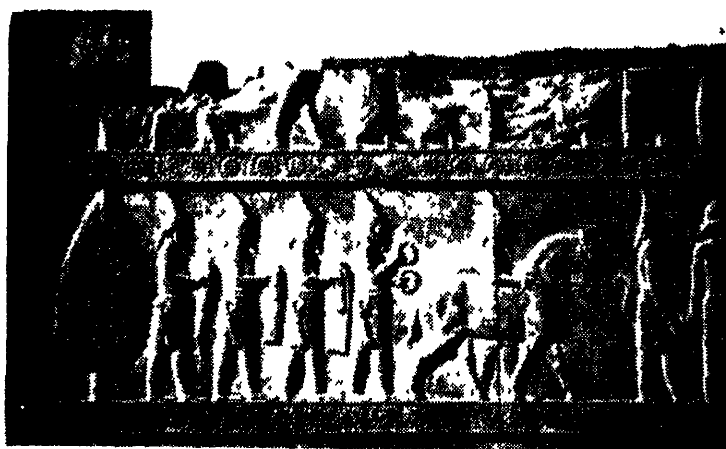
Fig 44 - The representatives of Saka Tigraxauda on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.

س۴۹– نقوس برجستهٔ نمایندگان رخج (در افغانستان) وهدایای ابسان بردیوار ملکان شرقی کاخ ابدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 49 - Persépolis, les représentants d'Arachosie (au sud de l'Afghanistan) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 49 - The representatives of Arachosia (south of Afghanistan) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.





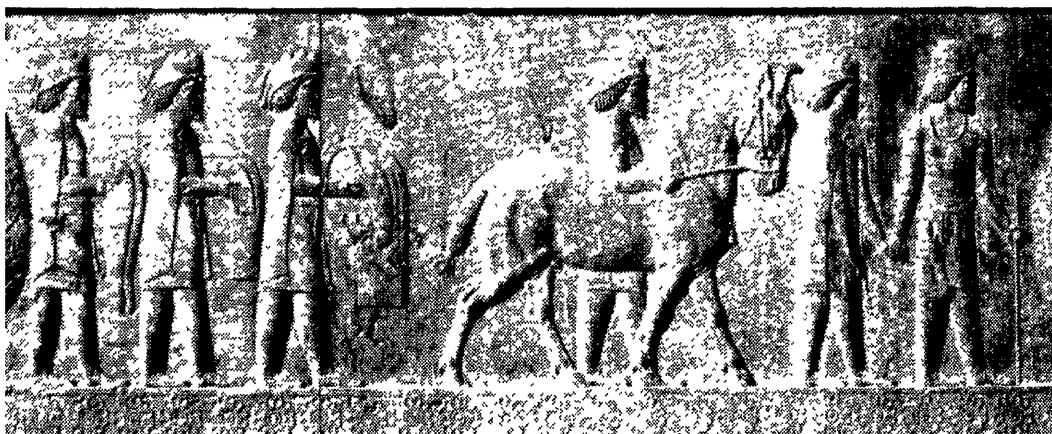




ش۴٦- نقوش برجستهٔ نمایندگان فنیقیه (لبنان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه - نقل ازکتاب تخت جمشید تألیف دکتر ا . اشمیت ورقهٔ مصور شمارهٔ ۳۲ (مربوط بهصفحهٔ ۲۵)

Fig 46 - Persépolis, les représentants de la Phenicie (Liban actuel) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

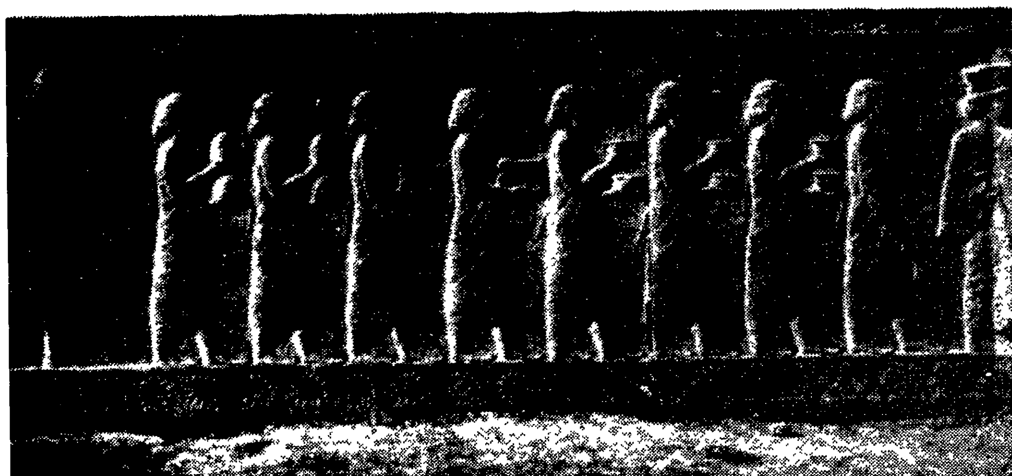
Fig 46 - Representatives of Phenecia (actuel Lebanon) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۴۷- نقوش برجستهٔ نمایندگان کاپادوکیه (قسمت شرقی آسیای صغیر) وهدایای ایشان بردیوارپلکان شرقی کاخ اپدانه-نقل ازکتاب تخت‌جمشید. تألیف دکتر ا .اشمیت ورقهٔ مصور شماره ۳۵ (مربوط بهصفحهٔ ۲۵)

Fig 47 - Persépolis, les représentants de la Cappadocie (est de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.

Fig 47 - The representatives of Cappadocia (east of Asia Minor) on the wall of eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



ش۴۸– نقوش برجستهٔ نمایندگان یونانیان سارد (در انتهای غربی آسیای صغیر) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 48 - Perstpolis, les représentants de Ionie (l'extrémité occidentale de l'Asie Mineure) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana.
Fig 48 - The representatives of Ionia (west end of Asia Minor) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis.



س۵۰- نقوش برجستهٔ نمایندگان هند وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

Fig 50 - Persepolis, les représentants de l'Inde sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana

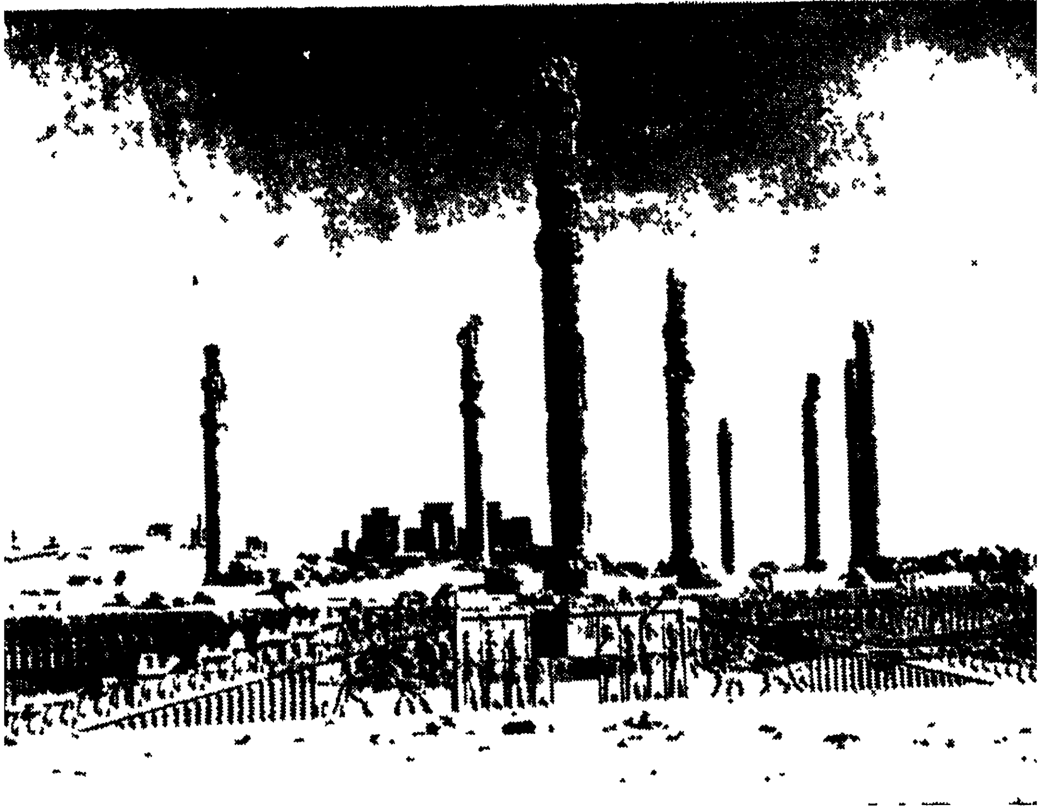
Fig 50 - The representatives of India on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis



س ۵۱- نقوش برجستهٔ نمایندگان درنگیان (در شمال سیستان) وهدایای ایشان بردیوار پلکان شرقی کاخ اپدانه (مربوط به صفحهٔ ۲۵)

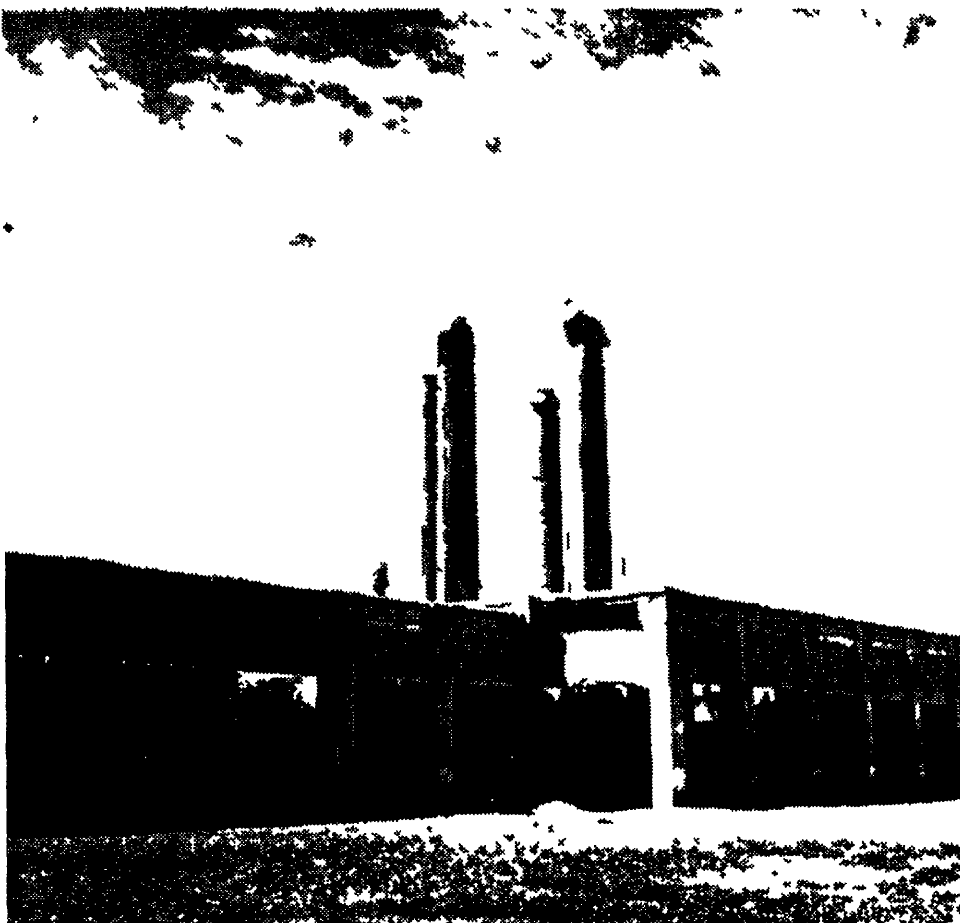
Fig 51 - Persépolis, les représentants de Drangian (à l'est de l'Iran actuel au nord du Sistan) sur le mur de l'escalier oriental de l'Apadana

Fig 51 - The representatives of Drangian (east of actual Iran, north of Sistan) on the wall of the eastern stairway of the Apadana at Persepolis



ش٥٢- منظرهٔ کاخ آپادانا و پلکان ضلع شمالی با نقوش برجستهٔ آن (مربوط به صفحهٔ ٢٦)

Fig 52 - Persépolis, vue de l'Apadana et de son escalier du côté nord
Fig 52 - A view of the Apadana and its stairway from the north side.



ش۵۳- ستون‌های ایوان شرقی کاخ آپادانا و پلکانهای همان ایوان که سایبان سادهٔ جدیدالاحداث برای حفظ نقوش آن از آفتاب و باران احداث شده است (مربوط به صفحهٔ ۲۶) عکس از آقای حسن سنگی

Fig 53 - Persépolis, une vue du côté oriental de l'Apadana
Fig 53 - A wiew of the oriental side of the Apadana, at Persépoli



س ۵۴- سرستون بزرگ بشکل دو سر شیر در گوشهٔ شمالشرقی حیاط کاخ آپادانه (مربوط به صفحهٔ ۲۶) عکس از آقای حسن سنگی

Fig 54 - Persepolis le grand chapiteau formé de 2 lions au coin nord-est de la cour de l'Apadana

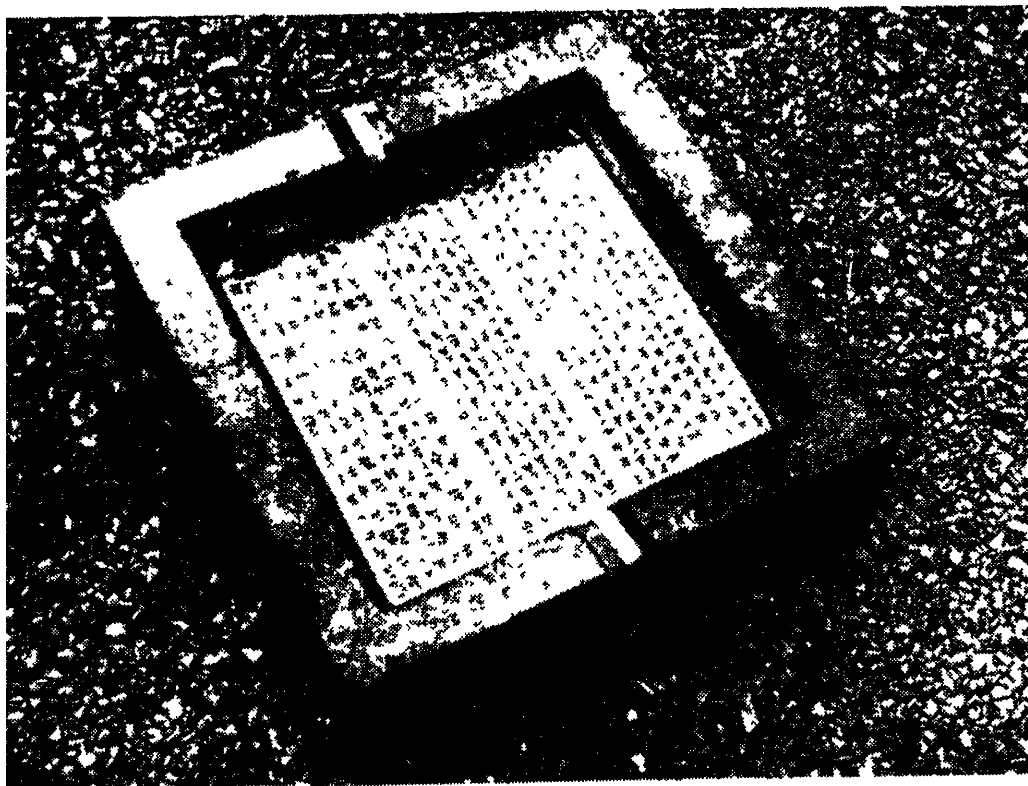
Fig 54 - The big capital in the shape of 2 lions in the north-east corner of the court of Apadana at Persepolis



ش۵۵– سرستون بزرگ به شکل دونیم تنهٔ سر باسرعقاب در قسمت شمال صفهٔ تخت جمشید (مربوط به صفحهٔ ۲۶) –عکس از عکاسی اسرن– خیابان نادری– تهران

Fig 55 - Persépolis, le grand chapiteau formé de 2 lions aux têtes d'aigle, dans la partie nord de la terrasse de Persépolis.

Fig 55 - The big capital in the shape of 2 eagle headed lions in the north part of the terrace of Persepolis.



س٥٦- لوح زر بنام داریوش اول با جعبهٔ سنگی آن در موزهٔ ایران باستان که در شهریور ماه ۱۳۱۲ در گوشهٔ تالار کاخ آپادانه کشف گردید (مربوط به صفحهٔ ۲٦)

Fig 56 - Plaque d'or, au nom de Darius I, trouvée en 1933 à Persépolis, (actuellement au Musée de Téhéran)

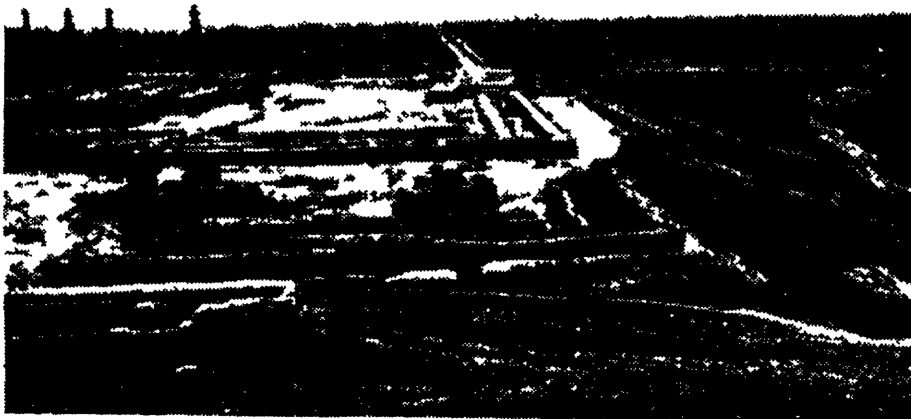
Fig 56 - Golden tablet, in the name of Darius I, found in 1933 at Persepoils (actually in the Arch. Museum of Tehran.)



س۵۷– منظرهٔ کاخ صد ستون که کاخ اندانه هم‌در قسمت عقب دیده میشود
(مربوط به صفحهٔ ۲۷)

Fig 57 - Persépolis, vue de la salle aux 100 colonnes prise de l'est

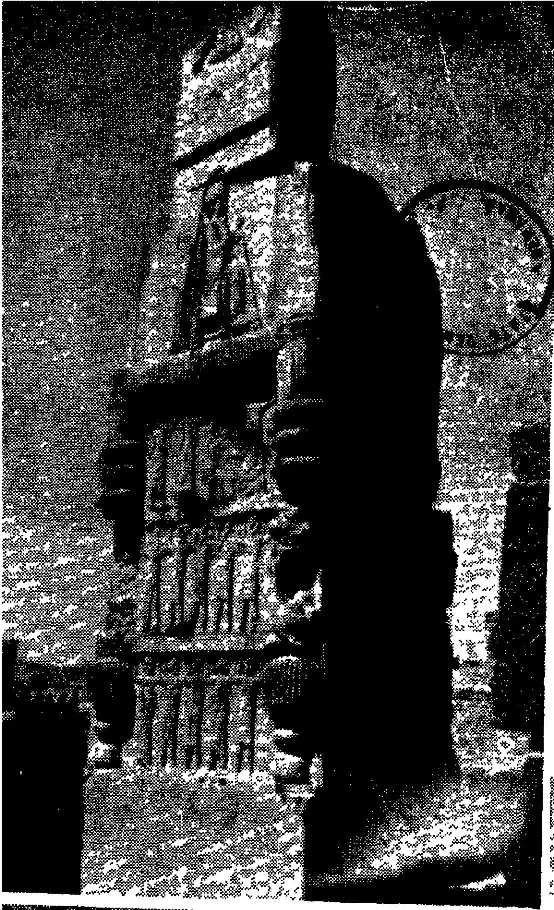
Fig 57 - A wiew of the Hundred columns Hall at Persepolis, taken from the east



س۵۸– نمای سردر نیمه تمام سنگی واقع در شمال حیاط کاخ صدستون که بوسیلهٔ راهرو عریضی به‌عمارت ورودی تحت جمشید ارتباط داشته است (مربوط به صفحهٔ ۲۷)

Fig 58 - Persépolis portail inachevé au nord de la cour de la salle aux 100 colonnes

Fig 58 - Unfinished gate in the north side of the court of 100 columns Hall at Persepolis



ش ۶۰ – بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع جنوبی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ شاه برفراز اورنگ شهریاری دیده میشود و ۱۴ نفر نمایندگان ۱۴ استان ازکشور هخامنشی در زیر تخت نموده شده‌اند (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 60 - Persépolis, Bas relief représentant le roi sur son trône, portail méridional de la salle aux 100 colonnes.

Fig 60 - The King on his throne, south gate of the 100 columns Hall.



ش۵۹– قسمت جنوبی تالار صد ستون که دو آستانهٔ سنگی ضلع جنوبی تالار مزبور نیز در آن دیده میشود (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 59 - Persépolis, la partie sud de la salle aux 100 colonnes.

Fig 59 - The south part of the 100 columns Hall.







ش۶۱– بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع شرقی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ پیکار شاه رابا یکی ازمظاهر اهریمن بصورت شبیه گاوکوهی نشان میدهد (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 61 - Persépolis. Bas relief du portail oriental de la sall aux 100 colonnes.
Fig 61 - A relief on the eastern gate of the 100 columns Hall at Persepolis.

←



→

ش۶۲– بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی ضلع غربی تالار صد ستون که نقش برجستهٔ پیکار شاه رابا یکی از مظاهر اهریمن بصورت‌شیر نشان میدهد(مربوط بصفحه ۲۷)

Fig 62 - Persépolis. Bas relief du portail occidental de la salle aux 100 colonnes.
Fig 62 - A relief on the western gate of the 100 columns Hall at Persepolis.



ش ٦٣ – یکی از آستانه‌های سنگی و طاقچهٔ سنگی و ته ستون مجاور آنها در کنارهٔ شرقی تالار صد ستون (مربوط به‌صفحهٔ ۲۷)

Fig 63 - Persépolis, partie du côté est de la salle aux 100 colonnes

Fig 63 - A part of the easteın side of the 100 columns Hall at Persepolis



ش۶۴- سمت غربی پلکان بزرگ کاخ مرکزی (مربوط به صفحهٔ ۲۸) عکس از آقای حسن سنگی

Fig 64 - Persepolis L'escalier du Palais Central (la Triple porte)
Fig 64 - The stairway of the Central Palace (Council Hall) at Persepolis

## توضیحات اشکال صفحهٔ مقابل

ش۶۵- نقوش برجستهٔ افسران مادی بردیوارهٔ پلکان بزرگ کاخ مرکزی (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 65 - Persépolis, les officiers Mèdes sur l'escalier du Palais Central (la Triple porte)

Fig 65 - The Median officers on the stairway of the Central Palace (Council Hall) at Persepolis.

ش ۶۶ – پلکان کوچك کاخ مرکزی که اکنون در موزهٔ ایرانباستان نگاهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 66 - Le Petit escalier du Pllais Central (la Triple porte) de Persépolis, (actuellement au Musée de Teheran)

Fig 66 - The southern stairway of the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran.)

ش۶۷- نقوش برجسته ظریف پلکان کوچك کاخ مرکزی که تصاویر خدمتگزاران داخلی کاخهای شاهی رانشان میدهد (مربوط به صفحه ۲۸)

Fig 67 - Les serviteurs du palais sur le petit escalier du Palais Central (la Triple porte) de Persépolis (actuellement au Musée de Teheran.)

Fig 67 - The servitors of the palace on the southern stairway of the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran.)

ش۶۸- قطعهٔ سرستون کاخ مرکزی به شکل تنه حیوان باسر آدمی که اکنون در موزهٔ ایران باستان نگاهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 68 - Fragment du chapiteau à tête humaine du Palais Central (la Triple porte) de Persépolis au Musée de Teheran.

Fig 68 - Fragment of a human headed capital, from the Central Palace (Council Hall) of Persepolis (actually in the Arch. Museum of Tehran)

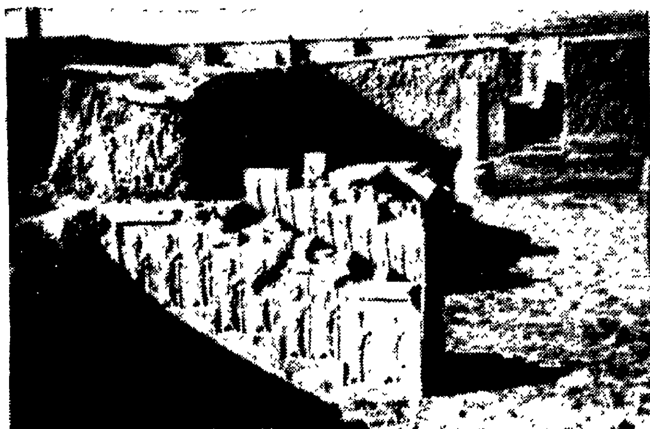


ش – ٦٧
←
Fig - 67

ش – ٦٥ →
Fig - 65



ش – ٦٦ ↓
Fig - 66





ش – ٦٨
Fig - 68

توضیحات اشکال صفحهٔ مقابل

ش۷۰– منظر کاخ کوچك داریوش – تچر – از طرف جبههٔ اصلی آن یعنی از سمت جنوب (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 70 - Persépolis, vue principale du petit palais de Darius (côté sud)

Fig 70 - Principal wiew of Darius' palace (south side)

ش ۷۱ – نمونهٔ نقوش برجستهٔ دیوارهٔ پلکان کاخ کوچك داریوش که نظیر آن در کاخهای کوچك دیگر مجاور حیاط جنوبی همان کاخ نیز موجود و مشهود است (مربوط بصفحهٔ ۲۸)

Fig 71 - Persepolis, Bas relief sur l'escalier du petit palais de Darius.

Fig 71 - Reliefs on the stairway of Darius' palace at Persepolis.

ش ۷۲ – بدنهٔ یکی از آستانه‌های سنگی اطاقهای کوچك زوایای جنوبی کاخ کوچك داریوش که نقش برجستهٔ شاه‌را در حال پیکار و غلبه بر یکی از مظاهر اهریمن بصورت شیرنتان میدهد (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

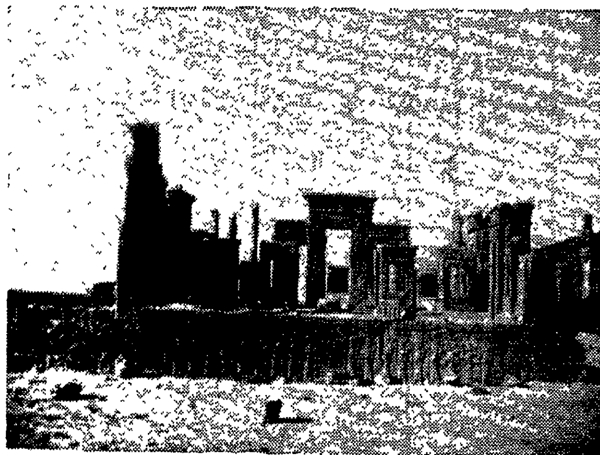
Fig 72 - Persépolis, Bas relief sur la porte d'une des petites chambres du petit palais de Darius.

Fig 72 - Relief on a door of one of the small rooms of Darius' palace at Persepolis.



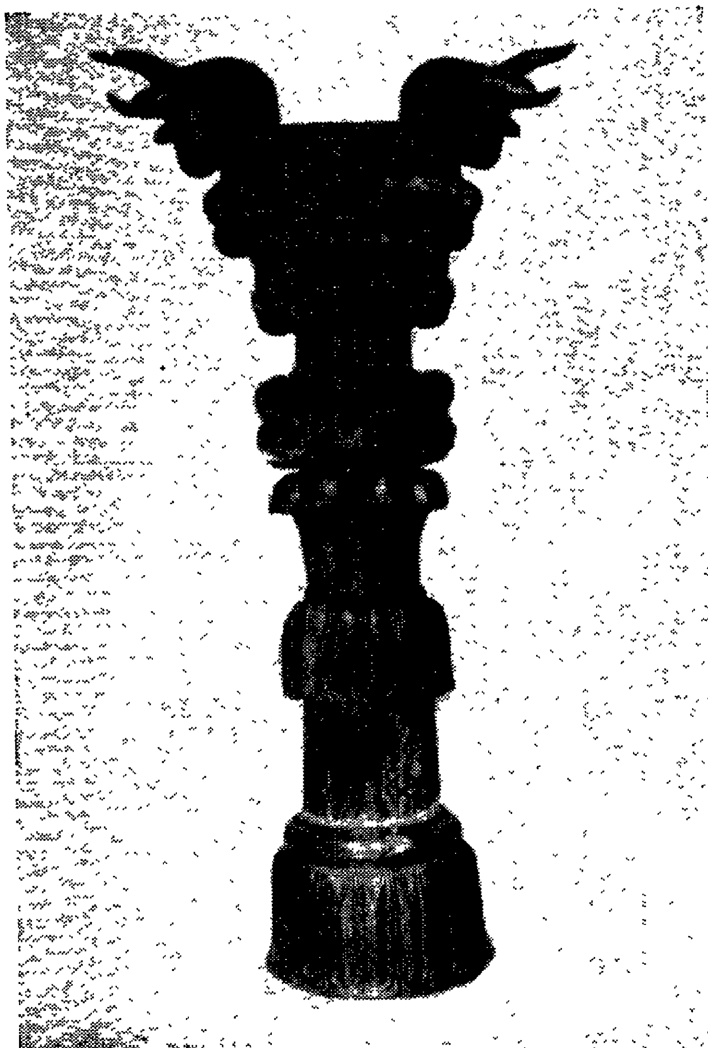
ش – ۷۱ ↑
Fig - 71





ش – ۷۰ ↑
Fig - 70

ش – ۷۲ ←
Fig - 72



ش۶۹– قطعات اصلی یکی ازستونهای سنگی کوچك تخت جمشید که برای نمودن وضع ستونهای مزبور به موزهٔ ایرانباستان منتقل گشته در غرفهٔ آثار هخامنشی بمعرض نمایش گذارده شده است – سه قطعهٔ زیرین رااز کاخ مرکزی ودوقطعهٔ بالائی راز اطاقهای جنوبی کاخ آپادانا بدست آورده‌اند (مربوط به صفحهٔ ۲۸)

Fig 69 - Différentes parties d'une petite colonne de Persépolis au Musée de Teheran.

Fig 69 - Different parts of a small column of Persepolis in the Arch. Museum of Tehran.



ش۷۳– نقش برجستهٔ خشایارشا درحال بیرون آمدن ازتالار کاخ بردبوارهٔ آستانه سنگی کاخ کوچك آن شهریار (مربوط به صفحهٔ ۲۹)

Fig 73 - Persépolis, Xerxes sortant de son petit palais.

Fig 73 - Xerxes going out of his private palace at Persepolis.



ش۷۴- ایوان اصلی وجبهٔ شمالی کاخ اندرون که محل موزهٔ تخت جمشید است (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 74 - Persépolis, la façade principale du palais reconstruit

Fig 74 - Principal facade of the rebuilt palace at Persepolis

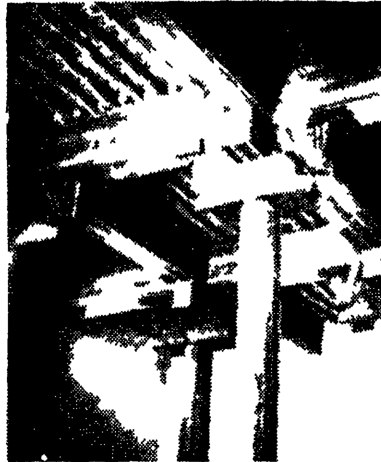


ش۷۵- قسمتهائی از ستونها و سقف تالار اصلی کاخ اندرون که محل موزهٔ تخت جمشید است (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

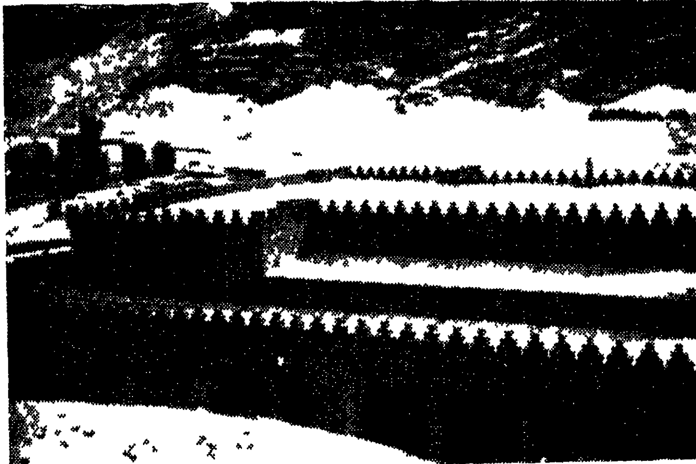
Fig 75 - Persépolis, les colonnes et le plafond de la grande salle du palais reconstruit

Fig 75 - Wooden columns and ceiling of main hall of the rebuilt palace at Persepolis







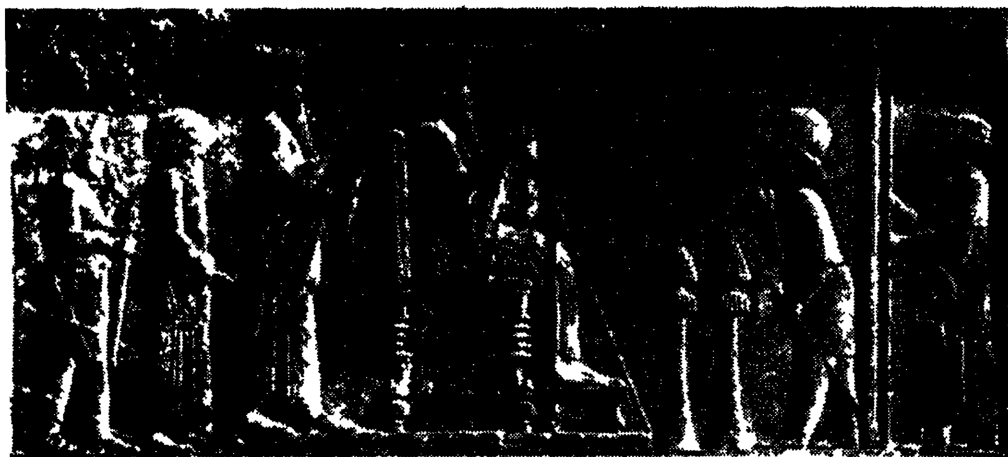


ش۷۶- بام تالار اصلی کاخ اندرون واطاقها وایوانهای مجاور آن (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 76 - Persepolis le toit d[u] palais reconstruit

Fig 76 - The roof of th[e] rebuilt palace at Persepolis





ش ۷۷ – نقش برجستهٔ داریوش و خشایارشا و بزرگان خاص دربار و نگهبانان مخصوص که در یکی از حیاطهای قسمت معروف به خزانهٔ تخت جمشید کشف گردید و اینک درموزهٔ ایران باستان نگهداری میشود (مربوط به صفحهٔ ۳۰)

Fig 77 - Persépolis, Bas relief de la cour de la Trésorerie (actuellement au Musée de Teheran )

Fig 77 - The relief of the courtyard of the Treasury at Persepolis (actually in the Arch Museum of Tehran)

توضیحات مربوط به عکسهای صفحهٔ مقابل

ش۷۸ – جبههٔ خارجی آرامگاه منسوب به اردشیر دوم در کوه رحمت محاذی کاخ صد ستون تخت جمشید (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 78 - Persépolis, tombeau attribué à Artaxerxes II.

Fig 78 - The tomb attributed to Artaxerxes II at Persepolis.

ش۷۹ – نقش برجستهٔ یکنفر حبشی که ضمن ۲۸ نقش نمایندگان ۲۸ استان کشور بربالای آرامگاه منسوب باردشیر سوم درکوه رحمت نزدیك ضلع جنوبی صفه تخت حمشید حجاری گردیده است (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 79 - Persépolis, Bas relief d'un Abyssinien en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III

Fig 79 - Relief of an Abyssinien on the top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis.

س۸۰– نقش برجستهٔ یکنفر بونتی (طرابلس غرب در افریقا) و یك یونانی تاکابارا (که برخی آنرا تاج‌بر معنی میکنند و مورد تردید دانسمندان‌است) و یك سکودرائی (اهل تراس یا تراکیه در مسرق مقدونیه) به ترتیب از راست بچپ بر بالای آرامگاه منسوب باردشیر سوم (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 80 - Persépolis, Bas reliefs en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III

Fig 80 - Reliefs on the top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis.



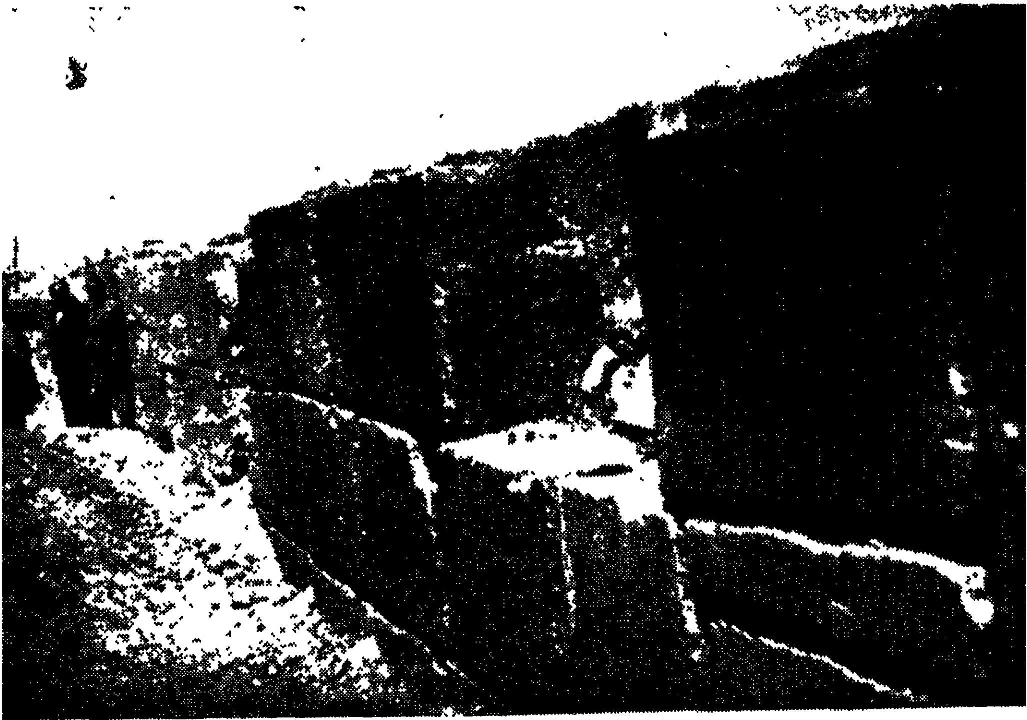
ش ــ ٧٨
Fig - 78
←



Fig - 80 ش ــ ٨٠



Fig - 79 ش ــ ٧٩



ش ۸۱ – قسمتی از دیوار سنگی استخر بزرگ آب که در محوطهٔ جنوبی
بیرون صفهٔ تخت جمشید کشف گردیده است (مربوط به صفحه ۳۱)

Fig 81 - Persépolis, un côté du grand bassin en pierre, découvert en bas de la terrasse.

Fig 81 - One side of the stone basin discovered near the Persepolis terrace.

ش ۸۲ – نمونهٔ خطوط میخی پارسی باستانی که در کتیبه های تخت‌جمشید نقر گردیده است با تلفظ و ترجمهٔ آن (مربوط به صفحهٔ ۳۵) نقل از راهنمای اجمالی تخت جمشید تالیف س . محمد تقی مصطفوی چاپ تهران ۱۳۳۰

Fig 82 - Inscriptions en cunéiformes de Persépolis.

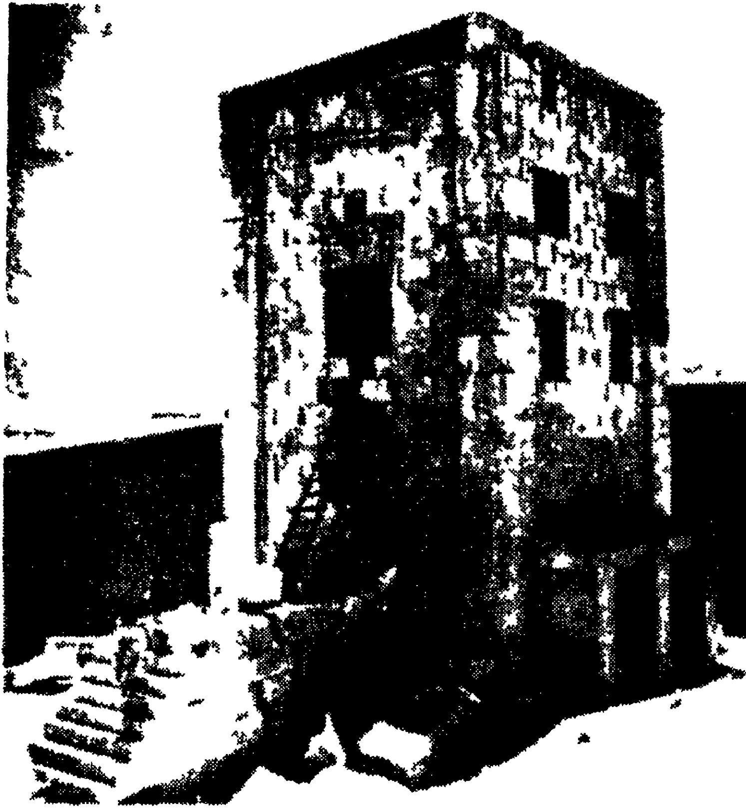
Fig 82 - Cuneiform inscriptions at Persepolis.



ش۸۳ — نقش برجستهٔ شاپور اول در نقش رجب که شعار شهریاری را از
آهورامزدا میگیرد (مربوط به صفحهٔ ۳۶)

Fig 83 - Naqshé Radjab, Investiture de Shapur I (241-272)

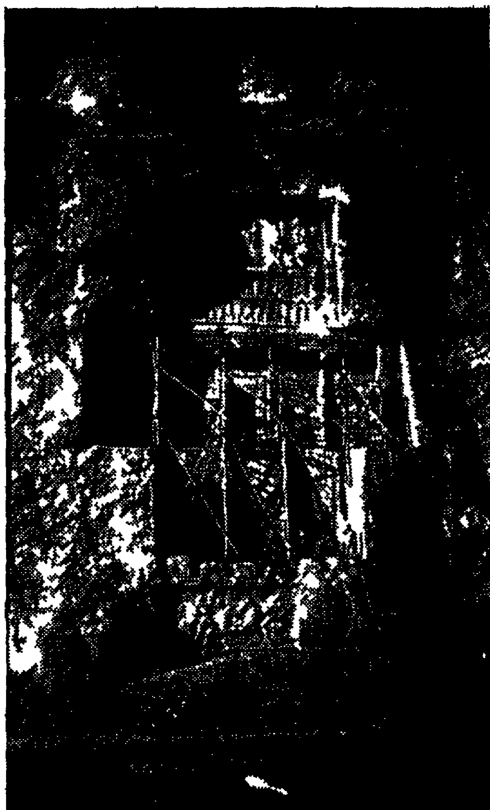
Fig 83 - Investiture of Shapur I (241-272) at Naqshi Radjab



ش ۸٤ – بنای کعبهٔ زردشت در نقش رستم (مربوط به صفحهٔ ۳۸)

Fig 84 - Naqshe Rustam le Kâbi-Zardosht

Fig 84 - The Kabi - Zardoshte at Naqshi Rustam



ش۸۵ – آرامگاه داریوش اول در نقش رستم هنگامی که برای بررسیهای علمی و خواندن کتیبه های منقوش آن از طرف هیئت علمی بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو (بریاست دانشمند فقید پرفسور هرتسفلد) درسال ۱۳۱۲ جلو آن چوب بست بلند و مفصلی احداث کرده‌اند (مربوط به صفحهٔ ۳۸)

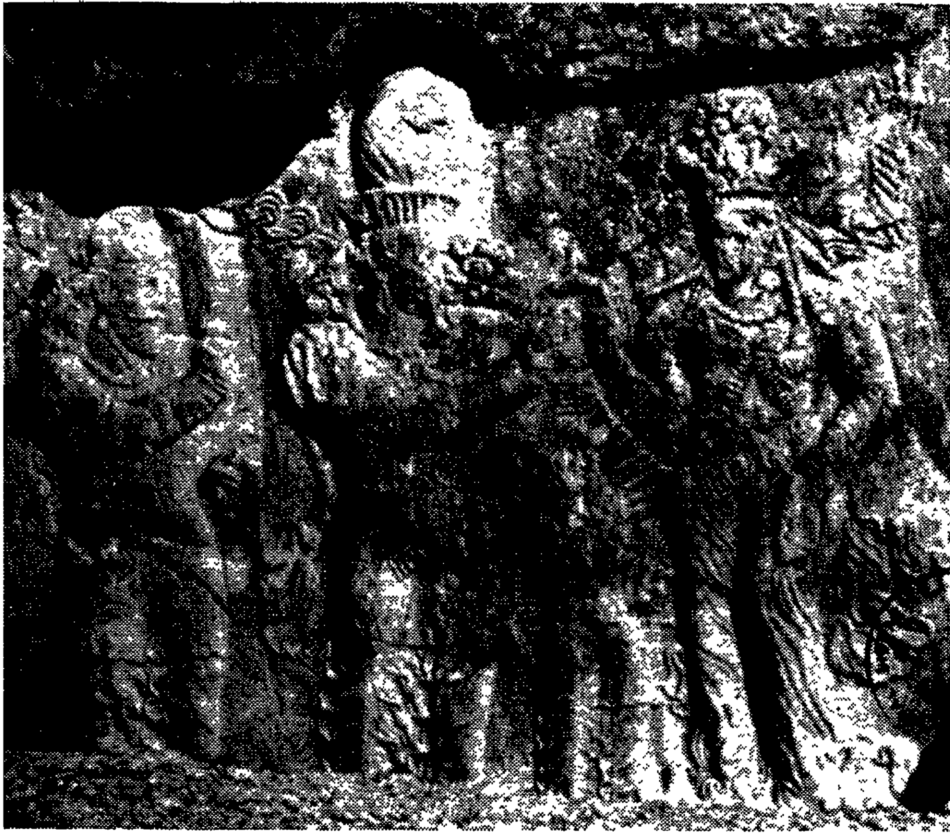
Fig 85 - Naqshé Rustam, le tombeau de Darius I avec échafau - dage, en 1933

Fig 85 - The tomb of Darius I at Naqshi Rustam, with scaffolding in 1933



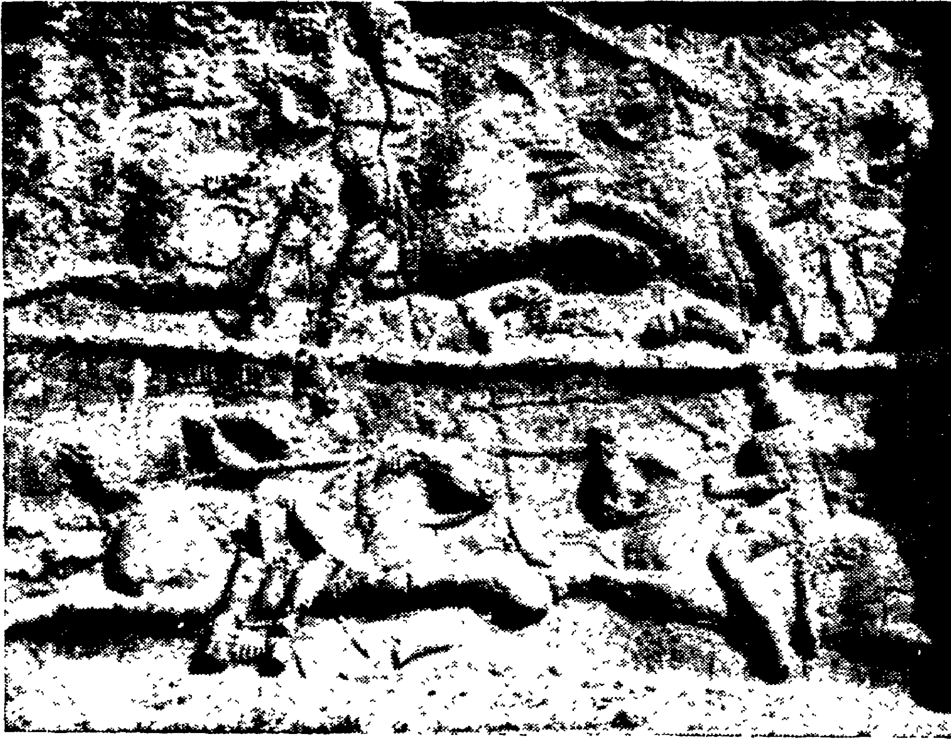
س۸۶ – جبههٔ خارج آرامگاه داریوش اول در نقش رستم – عکس ا
آقای حسن سنگی (مربوط به صفحهٔ ۳۹)

Fig. 86 - Naqshe Rustam le tombeau de Darius I
Fig. 86 The tomb of Darius I at Naqshi Rustam



ش ۸۷ – نقش برجستهٔ نرسی هفتمین پادشاه سلسلهٔ ساسانی (فرزند شاپور اول) در نقش رستم که شعار شهریاری را از مظهر ناهید میگیرد (مربوط به صفحه ۳۹)

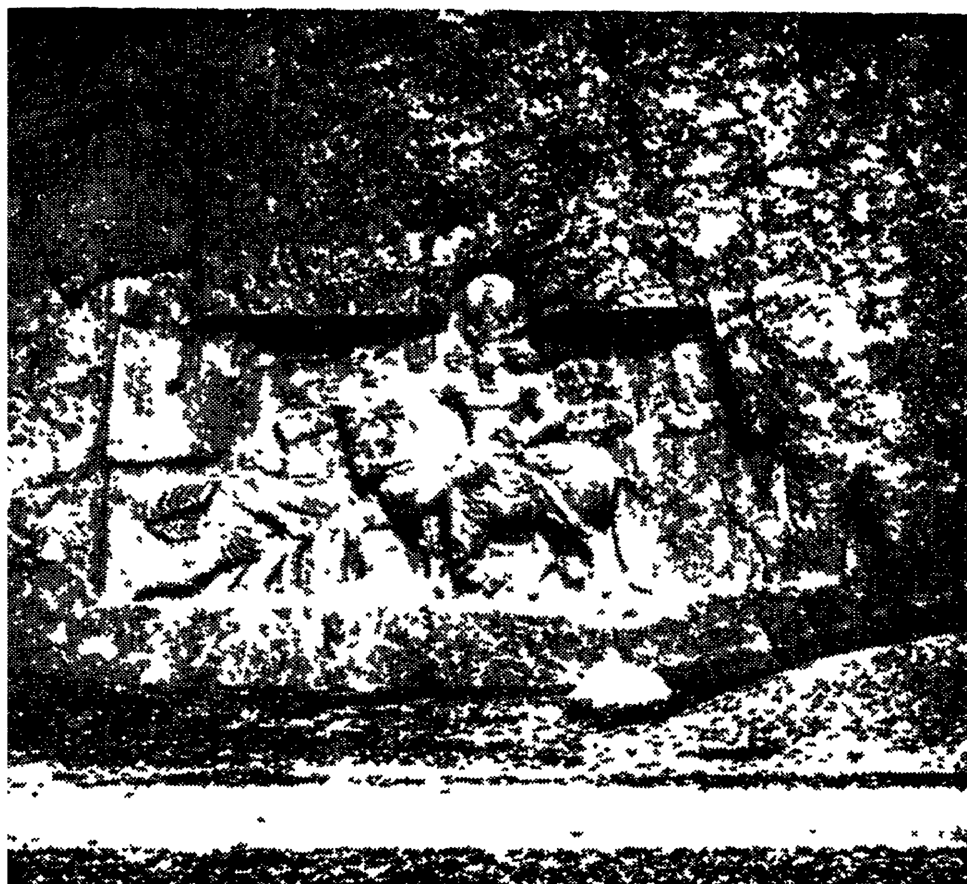
Fig 87 - Naqshé Rustam, investiture de Narsah (293-302)
Fig 87 - Investiture of Narsah (293-302) at Naqshi Rustam.



ش ۸۸ — دو نقش برجسته در نقش رستم — نقش بالائی صحنهٔ پیکار بهرام
دوم را با دشمنش نشان میدهد (مربوط بصفحهٔ ۳۹)

Fig 88 - Naqshé Rustam, Bahram II (276 - 293) au combat (haut)

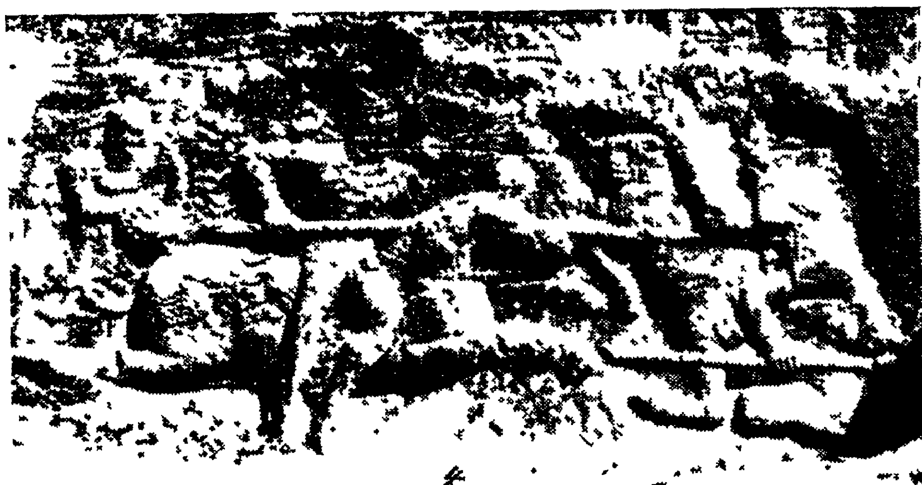
Fig 88 - Battle scene of Bahram II (276 - 293) at Naqshi-Rustam (above)



س ۸۹ – نقش برجستهٔ شاپور اول و والرین در نقش رستم – عکس از آقای حسن سنگی (مربوط به صفحه ۳۹)

Fig 89 - Naqshé Rustam Bas-relief de Shapur I (242-271) et Valérien

Fig 89 - Scene of victory of Shapur I (242-271) on 260 A D over Valerien, on a relief at Naqshi Rustam.



ش ۹۰ – نقش برجستهٔ پیروزی هرمز دوم بر دشمن خود در نقش رستم
(مربوط به صفحهٔ ۴۰)

Fig 90 - Naqshé Rustam, Victoire de Hormuzd II (302-310) sur son ennemi

Fig 90 - Scene of victory of Hormuzd II (302-310) on his enemy at Naqshi Rustam



ش ۹۱ – نقش رستم- بقایای نقش برجسته‌ای از شاپور دوم (ذوالاکتاف) که در بالای
نقش برجستهٔ پیروزی هرمز دوم پدیدار است – عکس از عکاسی استوری –
خیابان شاه (نادری) طهران (مربوط بصفحهٔ ۴۰)

Fig 91 - Naqshe Rustam vestiges du bas-relief de Shapur II (310 - 379) en haut du bas - relief de Hormuzd II

Fig 91 - Remains of relief of Shapur II (310-379) above the relief of Harmuzd II at Naqshi-Rustam



ش ۹۲ – نقش برجستهٔ بهرام دوم با خاصان و بزرگان که در محل نقش برجستهٔ مذهبی عیلامی در نقش رستم احداث گردیده است و قسمتهائی از نقش برجسته عیلامی سر باقی و هویدا است (مربوط بصفحه ٤٠)

Fig 92 - Naqshe Rustam Bas-relief de Bahram II (276-293)

Fig 92 - Scene of victory of Bahram II (276-293) on his ennemy at Naqshi Rustam



ش ۹۳ – نقش برجستهٔ اردشیر بابکان که حلقهٔ شهریاری را از اهورا مزدا میگیرد (طرف چپ) – نقش برجستهٔ بهرام دوم نیز که در شکل ۹۲ معرفی گردید در سمت راست دیده میشود – عکس از عکاسی اسوری – خیابان شاه (نادری) طهران (مربوط بصفحهٔ ٤١)

Fig 93 - Naqshé Rustam, investiture d' Ardashir I (226-242) (à gauche)

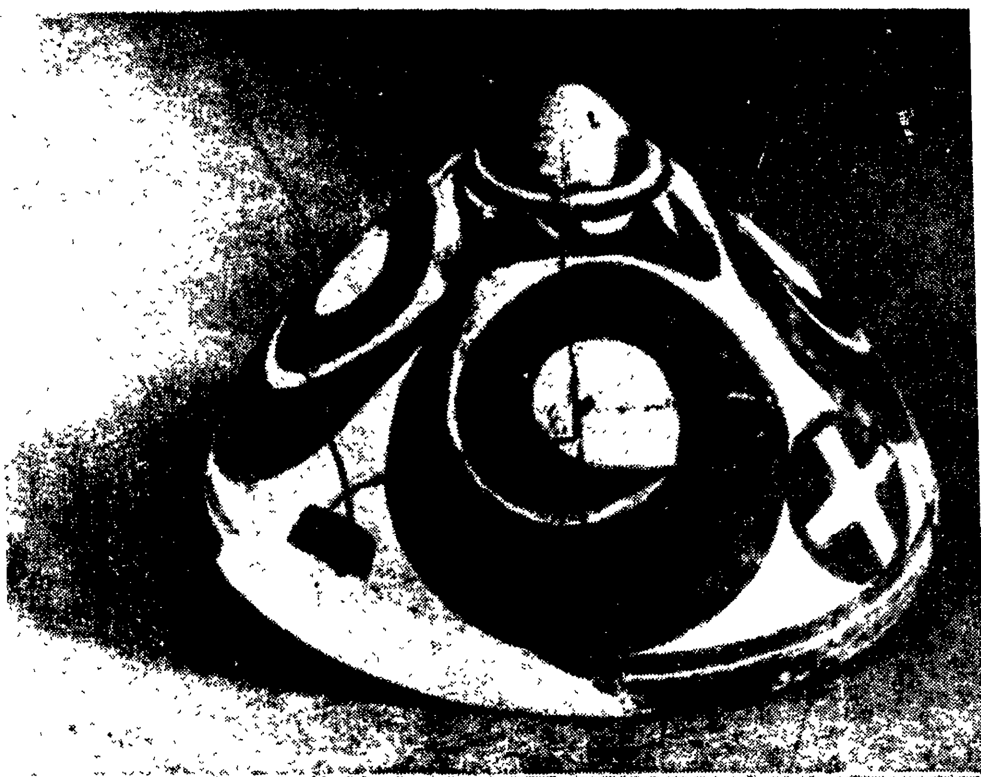
Fig 93 - Investiture of Ardashir I (226-242) at Naqshi Rustam (left)



ش ۹٤ ــ صفه‌های عهد هخامنشی که در منتها الیه جنوبی کوه رحمت احداث گردیده است و بنام قدمگاه خوانده میشود (مربوط بصفحهٔ ٤۳)

Fig 94 -Terrasses Achéménides nommées Chadamgah dans la montagne Rahmat, près de Persépolis

Fig 94 - Achaemenian Terraces called Chadamgah in the Rahmat mountain near Persepolis.



ش ۹۵ – نمونۀ ظرف سفالی منقوش دوران پیش از تاریخ که شکل قوچ کوهی را با بزرگ نمودن چندین برابر شاخها و کوچك نمودن جثۀ آن بر پست ظرف کشیده اند – از آثار مکشوف در تل باکون متعلق به حدود ۳۵۰۰ سال پیش از میلاد (مربوط به صفحۀ ٤٦) (شکل حیوان معکوس دیده میشود)

Fig 95 - Vase peint en terre cuite trouvé à Talli Bakun, prés de Persépolis, 3500 avant J. C.

Fig 95 - Preshistoric clay painted vase found at Talli Bakun, near Persepolis 3500 B. C.



ش ٩٦ – نمونه های ظروف سفالی منقوش دوران پیش از تاریخ مکشوف
در تل شقا متعلق به هزارهٔ سوم پیش از میلاد (مربوط به صفحهٔ ٤٦)

Fig 96 - Vases peints en terre cuite trouvés à Talli Shagha, prés de Persépolis, 3 ème millénaire avant l'ère chrètienne

Fig 96 - Some clay painted vases, found at Talli Shagha, near Persepolis, 3 rd millennium B C



ش ۹۷ — منظر شرقی سد امیر از آثار عضدالدولهٔ دیلمی (مربوط به صفحهٔ ۴۸)

Fig 97 - Pont-barrage Bendt Amir, du 10 eme sidécle

Fig 97 - Bridge-dam of Bendi - Amir,htnet century

Fig 97 - Correction Line
Pont - barrage Bendi - Amir du 10 ème siècle

Fig 97 - Correction Read
Bridge - dam of Bendi - Amir 10th century



ش ۹۸ – منظر دروازهٔ قرآن قدیم در شیراز که در سال ۱۳۱۵ شمسی آنرا
بی جهت منهدم ساختند (مربوط بصفحه ۵۱)

Fig 98 - Shiraz, l'ancienne porte du Coran (démolie en 1936).
Fig 98 - The old gate of Coran in Shiraz (destroyed in 1936)



ش ۹۹ ــ بنای جدیــد دروازهٔ قــرآن که بهمت شادروان حسین ابگار
ــ اعتمادالتجار ــ ساخته شد (مربوط به صفحهٔ ۵۱)

Fig 99 - Shiraz, la nouvelle porte du Coran.

Fig 99 - The new gate of Coran in Shiraz.



ش ۱۰۰ – منظر ایوان بزرگ آرامگاه حافظ از طرف جنوب (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 100 - Shiraz la colonnode du tombeau de Hafez

Fig 100 - The colonnade of the tomb of Hafez at Shiraz



ش ۱۰۱ – منظر ایوان بزرگ آرامگاه حافظ از جانب شمال غربی– عکس از آقای حسن سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 101 - Shiraz vue de la colonnade du tombeau de Hafez, prise du côté nord-ouest

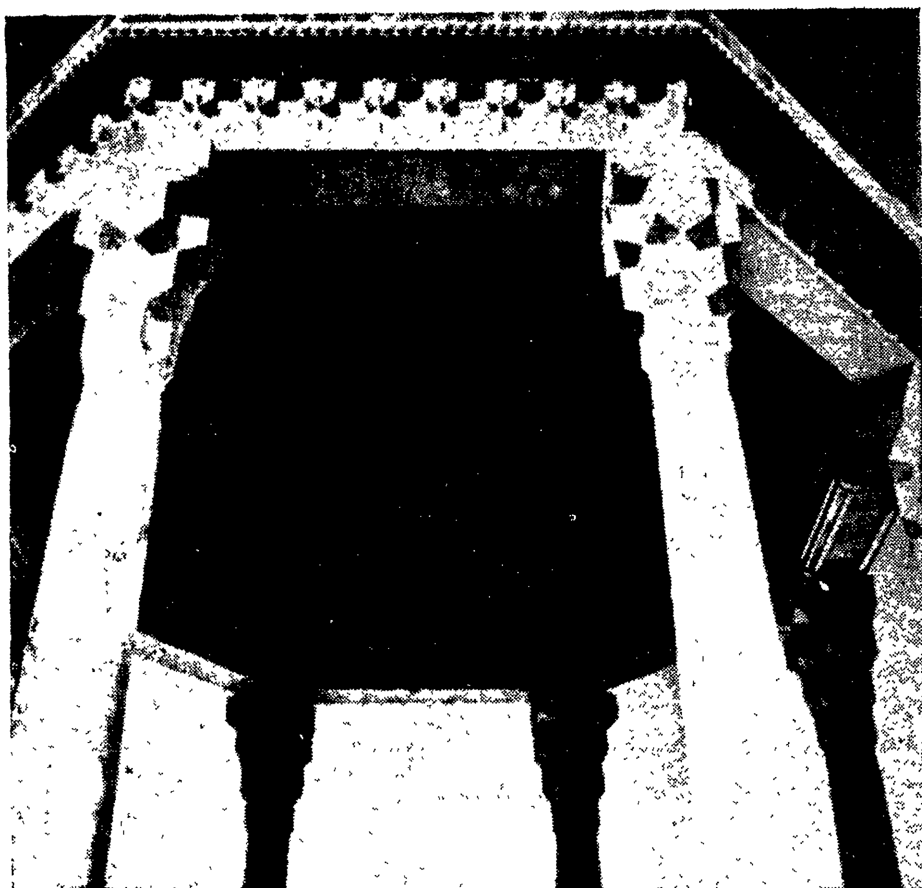
Fig 101 - The wiew of the colonnade of the tomb of Hafez, taken from the north-west



ش ۱۰۲ – بنای اصلی که با نصب هشت ستون سنگی یك پارچه برسر آرامگاه
حافظ ساخته‌اند عکس از آقای حسین سنگی – (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 102 - Shiraz, Monument principal de 8 colonnes en pierre, sur le tombeau de Hafez.

Fig 102 - Monument over the tomb of Hafez, at Shiraz.



ش ۱۰۳ – قسمت فوقانی بنای اصلی آرامگاه حافظ وکاشیکاری معرق زیر سقف آن–عکس از آقای حسین سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵۳)

Fig 103 - Shiraz, le plafond du Monument de Hafez, orné de Mosaïques en briques émaillées.

Fig 103 - The ceiling of the tomb of Hafez, at Shiraz. adomed with mosaic of inameled bricks.



ش ۱۰٤ – سنگهای قبر برمزار عرفای مدفون در چهل تن شیراز (مربوط به صفحه ٥٤)

Fig 104 - Shiraz, les pierres tombales à Tchehel-tan.

Fig 104 - Tombstones in Tchehel-tan at Shiraz.



ش ۱۰۵ – منظر عمومی باغ وعمارت هفت‌تن شیراز از جانب جنوب غربی.
(مربوط به صفحهٔ ٥٤)

Fig 105 - Shiraz, vue générale du jardin et monument de Haft-tan prise du côté sud - ouest.

Fig 105 - A general view of the garden and monument of Haft-tan at Shiraz.



س ۱۰۶ – ایوان بزرگ وعمارت هفتن شیراز (مربوط به صفحهٔ ٥٤)

Fig 106 - Shiraz le monument de Haft-tan debut de 19 eme siecle

Fig 106 - The monument of Haft-tan at Shiraz beginning of 19 th cent.



س ۱۰۷ – منظر عمارت آرامگاه سعدی از طرف جنوب شرقی (مربوط به صفحهٔ ۵۶)

Fig 107 - Shiraz, vue du tombeau de Saadi, prise du côté sud-est

Fig 107 - View of the tomb of Saadi, taken fron the south-east



ش ۱۰۸ – منظری از داخل آرامگاه سعدی که چند نفر هم برای زیارت آن آمده‌اند – عکس از عکاسی پهرور خیابان پهلوی مقابل کافهٔ شهرداری –

Fig 108 - Shiraz, l intérieur du tombeau de Saadi

Fig 108 - The interior of Saadi's tomb.



ش ۱۰۹ – منظر نمای آرامگاه سعدی از طرف جنوب غربی – عکس از
آقای حسن سنگی (مربوط به صفحهٔ ۵٦)

Fig 109 - Shiraz vue du tombeau de Saadi prise du côté sud-ouest

Fig 109 - The view of the tomb of Saadi, at Shiraz, taken from the south-west



س ۱۱۰ – منظر داخلی حرم شاه میرعلی‌بن حمزه (مربوط بصفحهٔ ۵۷)

Fig 110 - Shiraz, vue intérieure du Mausolée Shah mir Ali Hamzeh

Fig 110 - Interior of the Mausoleum Shah mir Ali Hamzeh at Shiraz.



ش ۱۱۱ – منظر بقعه شاه میرعلی بن حمزه از طرف جنوب که جبهۀ اصلی است (مربوط به صفحۀ ۵۷)

Fig 111 - Shiraz façade principale du Mausolée Shah mir Ali Hamzeh

Fig 111 - The principal facade of the mausoleum Shah mir Ali Hamzeh at Shiraz



ش ۱۱۲ – مجسمهٔ شیخ سعدی بر فراز پایهٔ آن در وسط میدان دروازهٔ اصفهان شیراز (مربوط به صفحهٔ ۵۷)

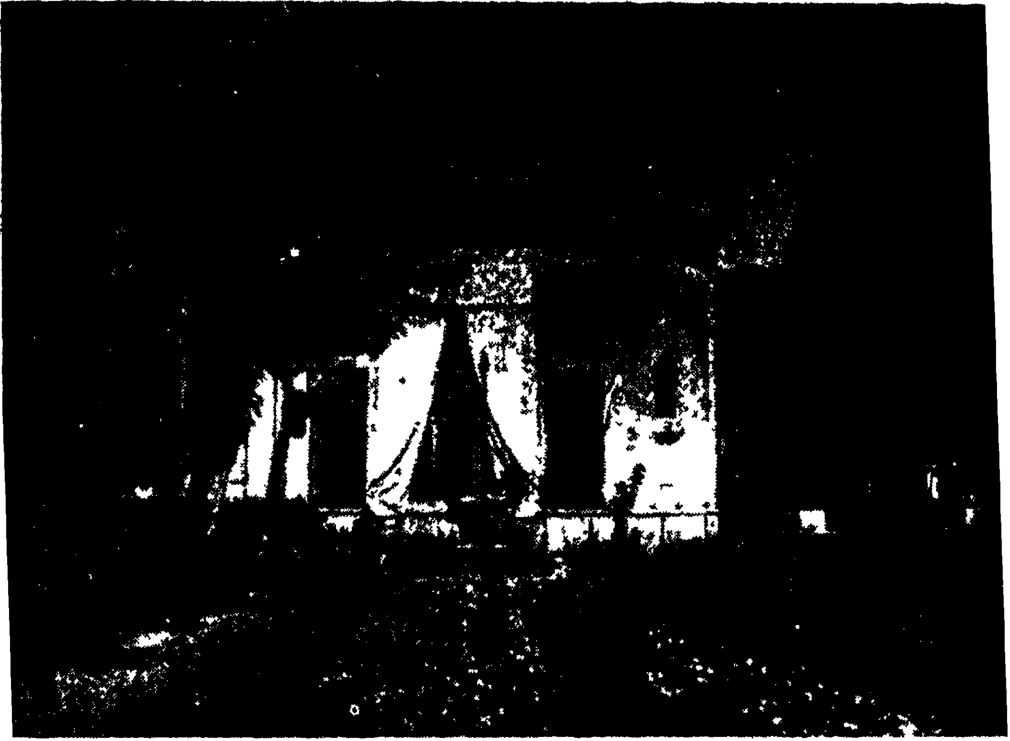
Fig 112 - Shiraz, la statue de Saadi
Fig 112 - The statue of Saadi at Shiraz



ش ۱۱۳ – نقش رستم ودیو بر کاشیهای بالای جبههٔ خارجی سردر ارگ شیراز (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 113 - Shiraz scène de bataille de Rustam contre le démon, représentée en briques émaillées en haut du portail de Arg

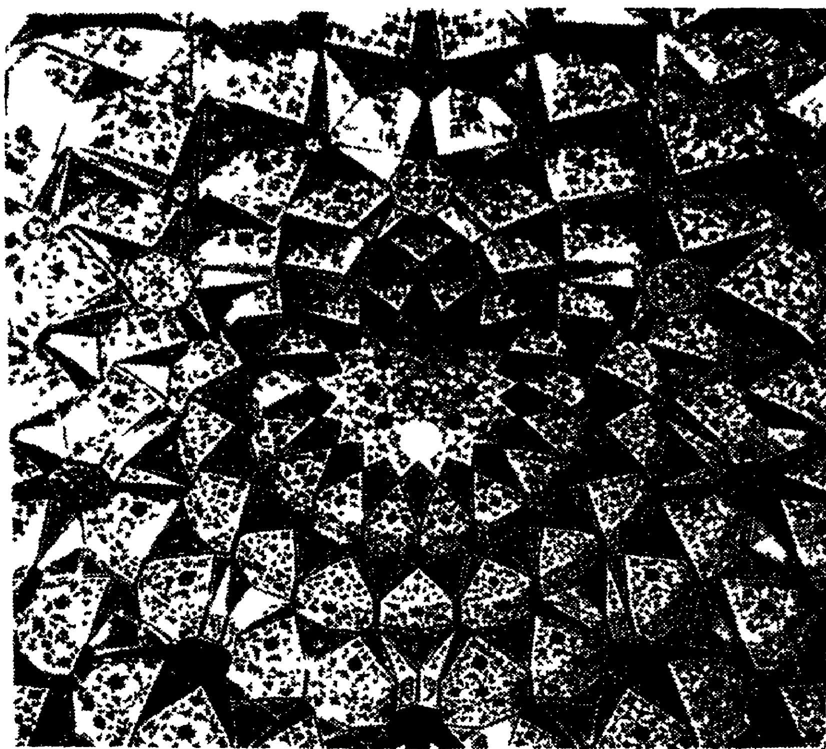
Fig 113 - Scene of the battle of Rustam against the demon on tiles on top of the gate of Arg at Shiraz,



س ۱۱۴ – عمارت کلاه فرنگی – محل موزهٔ پارس – (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 114 - Shiraz, le pavillon du Musée.

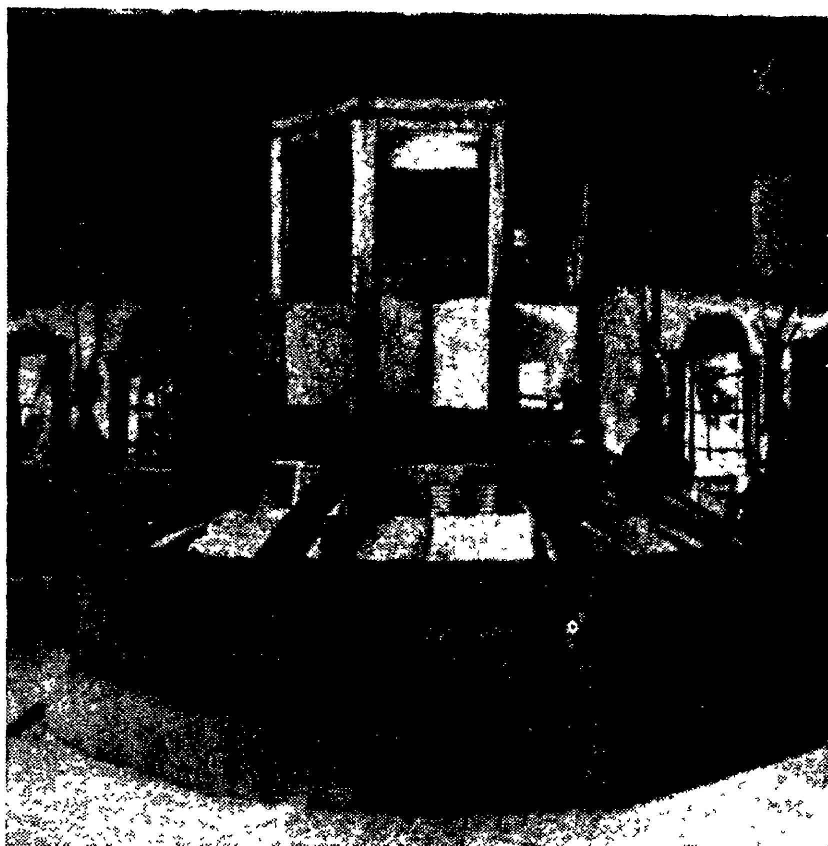
Fig 114 - The pavilion of the Museum at Shiraz.



ش ۱۱۵ – معرق کاری و نقاشیهای سقف موزهٔ پارس (مربوط به صفحهٔ ۵۸)

Fig 115 - Shiraz, la décoration du plafond du Musée.

Fig 115 - The decorations of the ceiling in the Museum at Shiraz.



ش ۱۱٦ – منظری از داخل موزهٔ پارس (مربوط به صفحهٔ ٥٩)

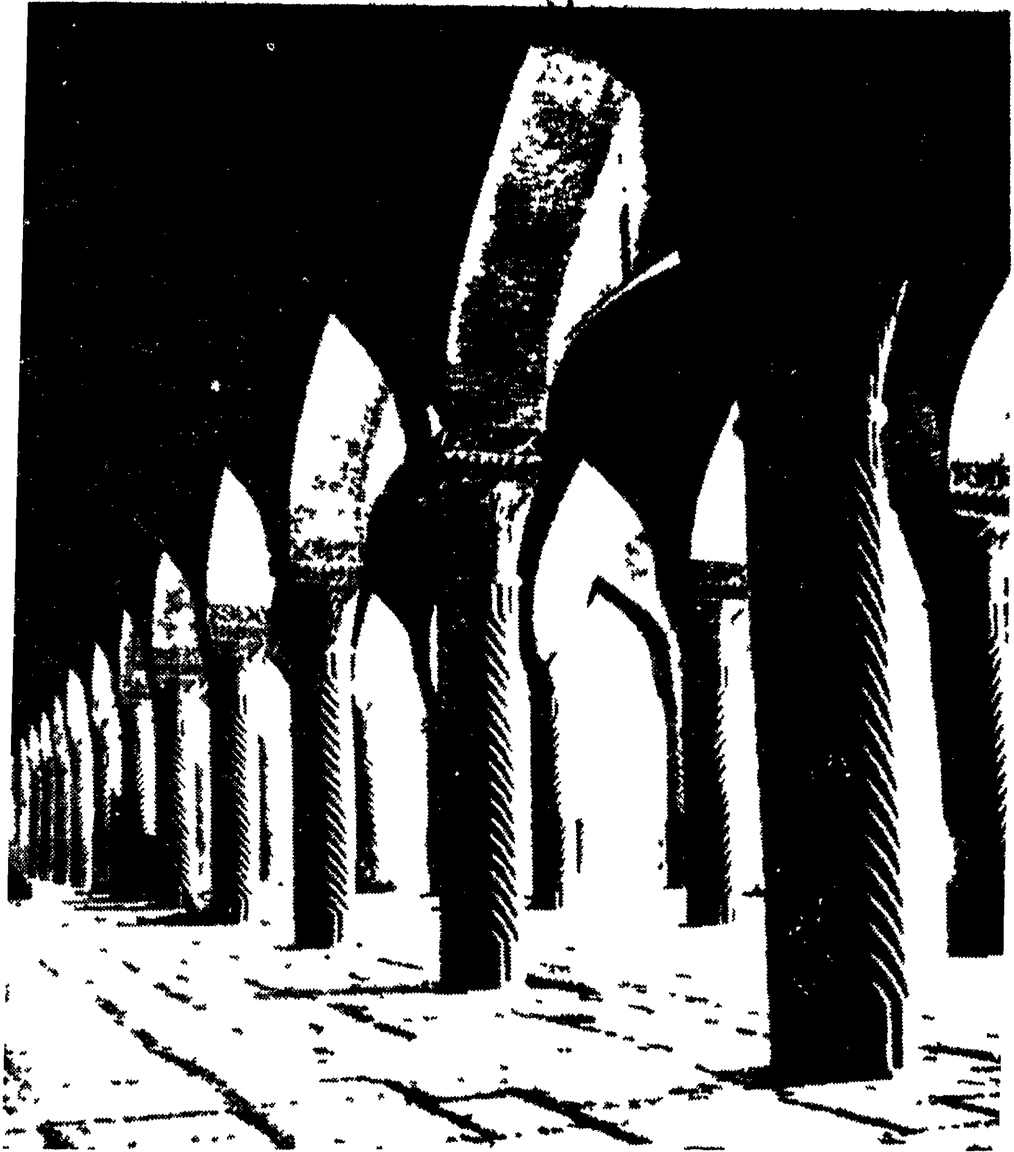
Fig 116 - Shiraz, l' intérieur du Musée.
Fig 116 - Interior of the Museum at Shiraz.



ش ۱۱۷ – ایوان شمالی مسجد وکیل (مربوط به صفحهٔ ۶۰)

Fig 117 - Shiraz, côté nord de la cour de la Mosquée Vakil, début de 19 éme siécle.

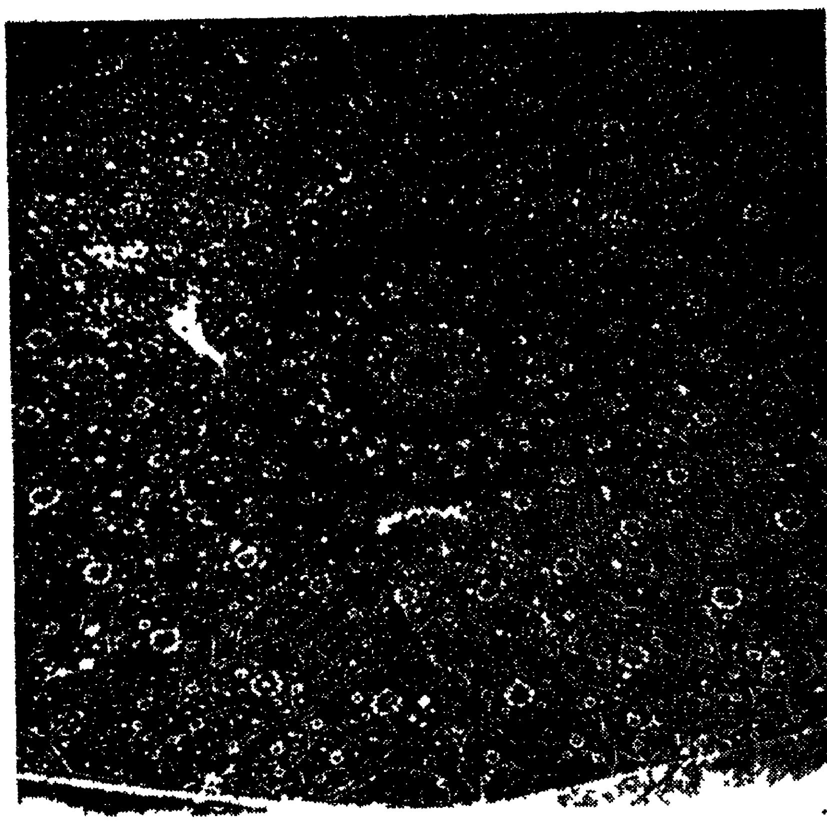
Fig 117 - North side of the court of Vakil Mosque at Shiraz, beginning of 19 th cent.



ش ۱۱۸ – شبستان بزرگ مسجد وکیل وستونهای سنگی یك پارچه آن
(مربوط بصفحهٔ ۶۰)

Fig 118 - Shiraz la grande salle de prière de la Mosquée Vakil début de 19 ème siècle

Fig 118 - Interior of the Vakil Mosque at Shiraz beginning of 19 th cent



س ۱۱۹ – کاشکاری معرق سقف دهلیز ورودی مدرسهٔ خان (مربوط بصفحهٔ ۶۱)

Fig 119 - Shiraz Mosaïques du plafond du vestibule de la Madresseh Khan début de 17 ème siècle

Fig 119 - Mosaic décorations on the ceiling of the entrance-hall of Medresseh Khan beginning of 17 th cent



ش ۱۲۰ – حبهٔ داخلی سردر مدرسه‌حان - بالاخانهٔای که برفرار سردر
دبده مسود مدرس ملاصد راهم بوده است (مربوط به صفحهٔ ۶۱)

Fig 120 - Shiraz, la façade intérieure du portail de la Madresseh Khan. début de 17 ème siècle.

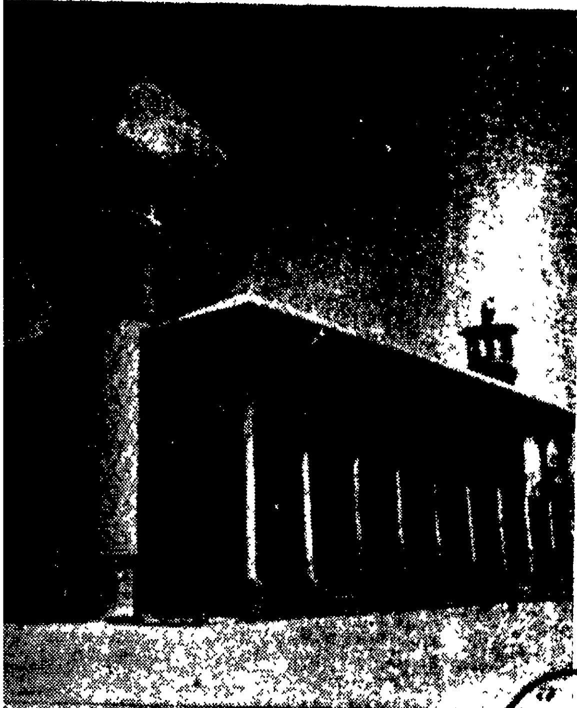
Fig 120 - The interior side of the facade of the gate of Medresseh Khan. beginning of 17 th cent.



س ۱۲۱ – جبهة شمالی مسجد نو (مربوط بصفحة ۶۲)

Fig - 121 - Shiraz, le côté nord de la cour de Masdjidi-now, différentes époques.

Fig 121 - The north side of the courtyard of Masdjidi-now at Shiraz, different periods.



ش ۱۲۲ – منظر بقعهٔ شاه چراغ از طرف جنوب شرقی (مربوط بصفحهٔ ٦٤)

Fig 122 - Shiraz, vue de sanctuaire de Shahé Tcheragh prise de sud-est; différentes époques.

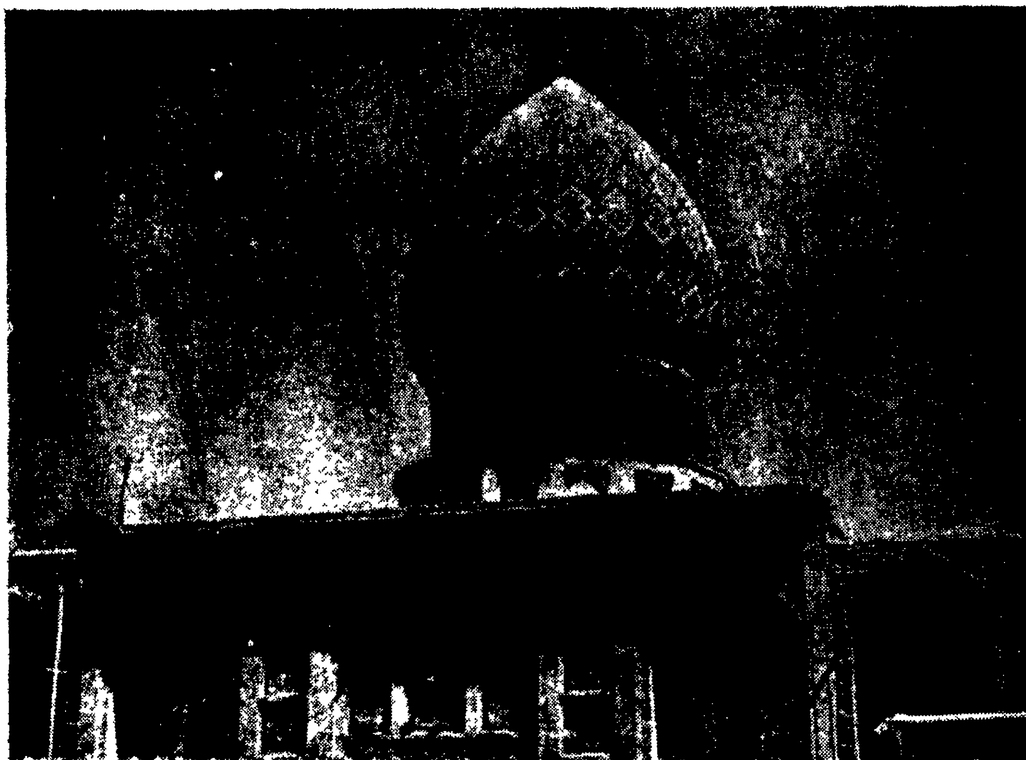
Fig 122 - A wiew of the sanctuary of Shahi Tcheragh, taken from the south-east; differnt periods.



ش ۱۲۳ – منظر بقعهٔ شاه چراغ از طرف فلکهٔ احمـــدی (سمت مغرب) ( مربوط بصفحهٔ ٦٤)

Fig 123 - Shiraz, vue de sanctuaire de Shahé Tcheragh prise du côté ouest (la place Ahmadi).

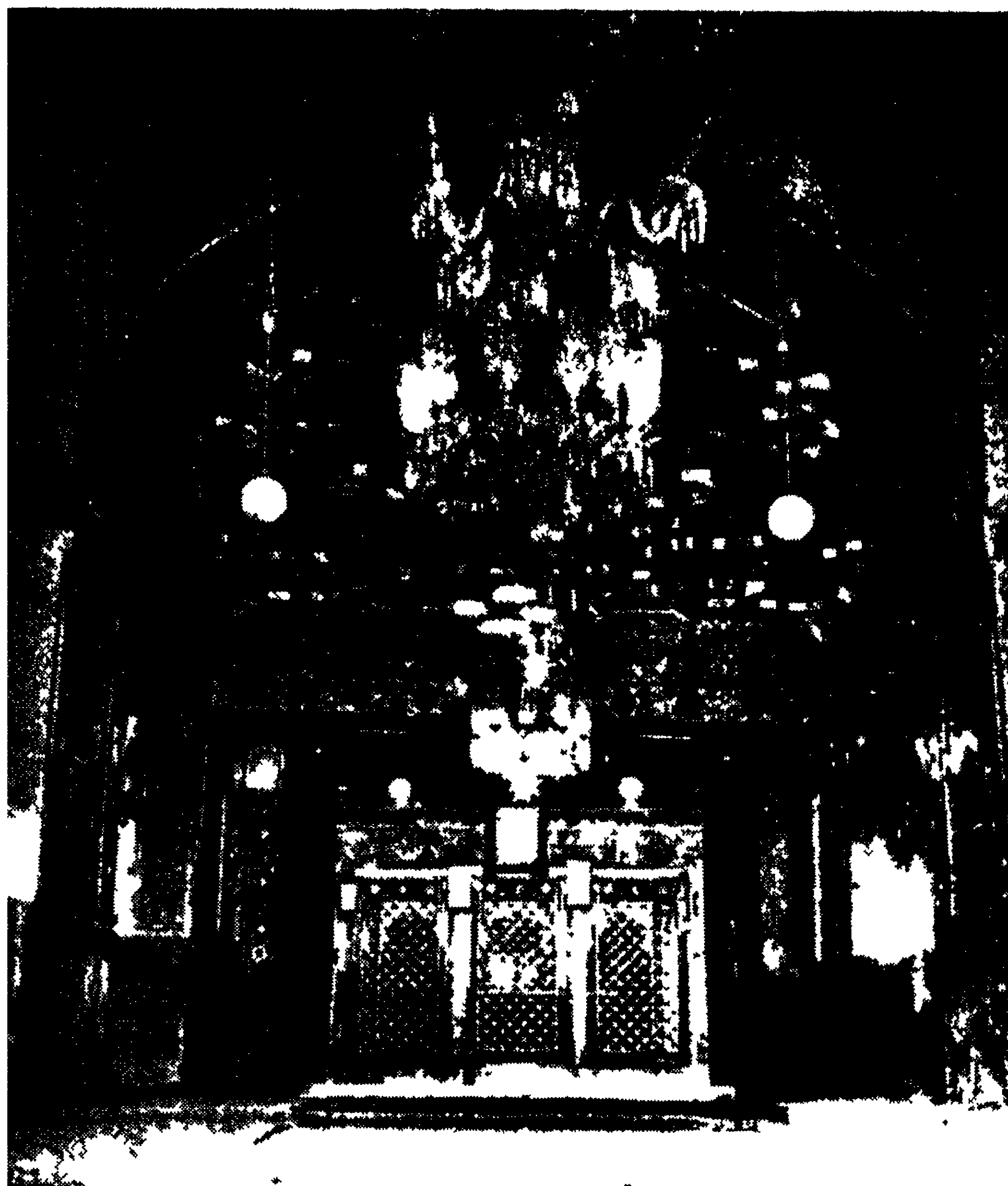
Fig 123 - A wiew of the sanctuary of shahi Tcheragh taken from the west (Ahmadi's square.)



ش ۱۲٤ – بقعهٔ سید میر محمد – عکس از مؤسسهٔ مطبوعاتی هنر – خیابان
شاه‌آباد طهران (مربوط به صفحهٔ ٦٥)

Fig 124 - Shiraz, le sanctuaire de Seyed Mir Mohammad,
17 éme et 19 éme siécle.

Fig 124 - The sanctuary of Seyed Mir Mohammad at Shiraz,
17 th and 19 th century.



ش ١٢٥ – داخل حرم سيد مير محمد (مربوط بصفحة ٦٥)

Fig 125 - Shiraz, l' intérieur du sanctuaire «Seyed Mir Mohammad

Fig 125 - The interior of the sanctuary «Seyed Mir Mohammad at Shiraz



ش ۱۲۶ – منظری از صحن مسجد جامع عتیق – ضلع شرقی خدا خانه در طرف چپ و ایوان شمالی مسجد در جانب راست دیده میشود – عکس از مؤسسهٔ مطبوعاتی هنر – خیابان شاه‌آباد طهران (مربوط به صفحهٔ ۶۵)

Fig 126 - Shiraz, Mosquée Djami, 14 éme - 17 éme siécle

Fig 126 - The Djami Mosque at Shiraz 14 th - 17 th cent



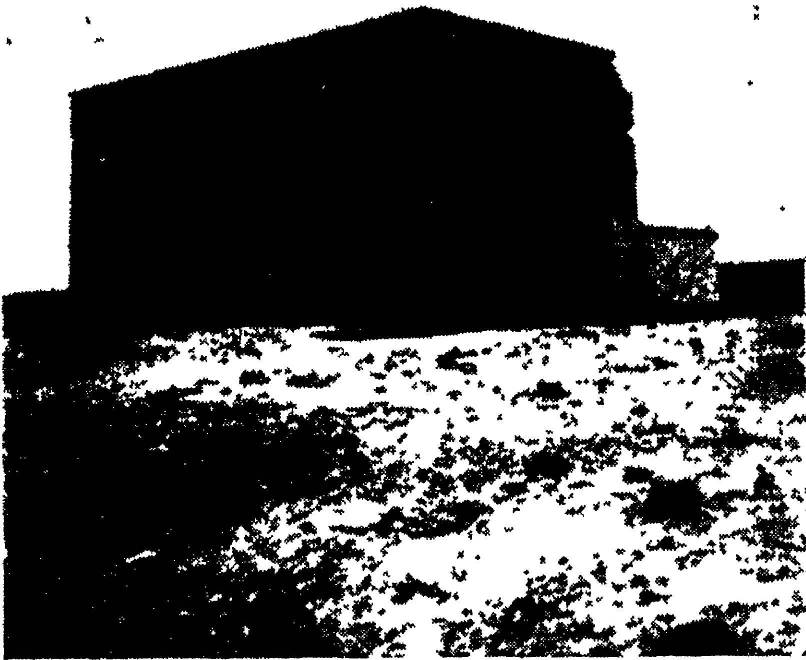
ـس ١٢٧ – بقعهٔ سید علاءالدین حسین (مربوط به صفحهٔ ٦٧)

Fig 127 - Shiraz Le sanctuane de Seyed Alaed-din Hoss

16 ème siècle

Fig 127 - The sanctuary of Seyed Alaed din Hossein at Shiraz

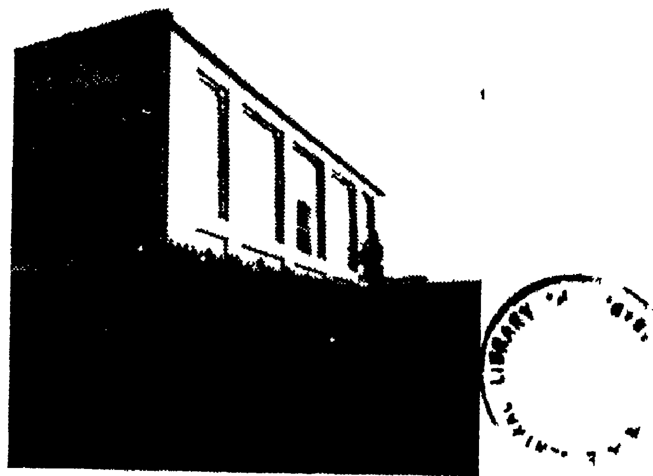
16 th cent



ش ١٢٨ – مقبره آبش خاتون پس از برچیدن قسمتهای فوقانی و ویران آن و تعمیرات و اصلاحات مناسب (مربوط به صفحهٔ ٦٩)

Fig 128 - Shiraz, vestiges du Monument de Abesh-khatoun, début de 14 ème siècle.

Fig 128 - The tomb of Abesh-khatoun at Shiraz, beginning of 14 th cent.

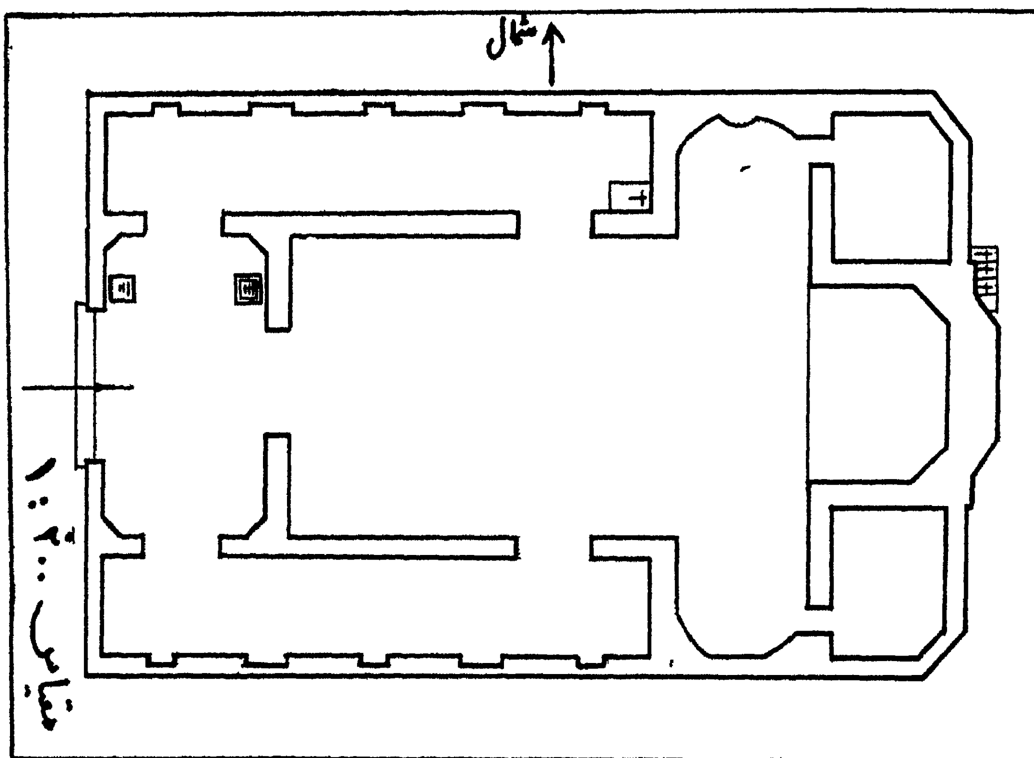




ش ۱۲۹ – ضلع غربی و گوشه ضلع شمالی جبهۀ خارجی کلیسای ارامنه از
عهد صفویه در شیراز (مربوط به صفحۀ ۷۱) – عکس از دانشمند محترم آقای
هانیك عجمیان

Fig 129 - Shiraz Eglise Arménienne du 17 ème siècle

Fig 129 - The Armenian Church at Shiraz 17 th cent.




ش ۱۳۰ – نقشهٔ کلیسای ارامنه (عهد صفویه) در شیراز – برسم دانشمند
محترم آقای هانك عحمان (مربوط به صفحه ۷۱)

Fig 130 - Shiraz plan de l' église Arménienne

Fig 130- Plan of the Armenian Church at Shiraz

ش ۱۳۱ – نقاشهای عهد صفویه برسقف کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط بصفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 131 - Shiraz, Peintures sur le plafond de l'église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 131 - Paintings on the ceiling of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳۲ – نقاشهای عهد صفویه برسقف کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 132 - Shiraz, Peintures sur le plafond de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 132 - Paintings on the ceiling of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳۳ – غرفهٔ فوقانی نمازخانه کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 133 - Shiraz, partie supérieure à l' intérieur de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 133 - The uppr part in the interior of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

ش ۱۳٤ – محل نمازگزاری بسوای روحانی در نمازخانه کلیسای تاریخی ارامنه در شیراز (مربوط به صفحه ۷۱) عکس از هیئت کلیسای ارامنهٔ شیراز

Fig 134 - Shiraz, L'autel de l' église Arménienne, 17 ème siècle.

Fig 134 - The alter of the Armenian Church at Shiraz, 17 th cent.

Fig - 133 ش – ۱۳۳

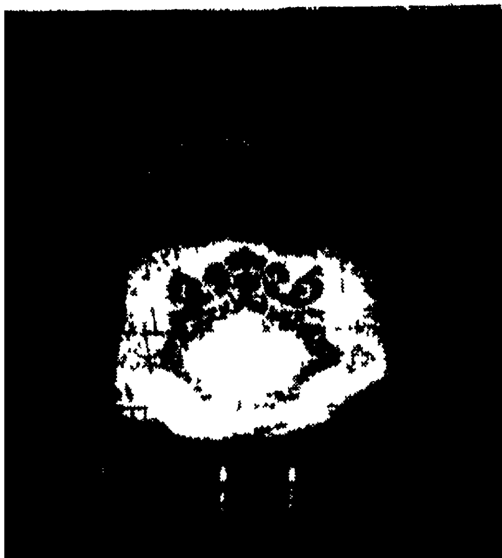
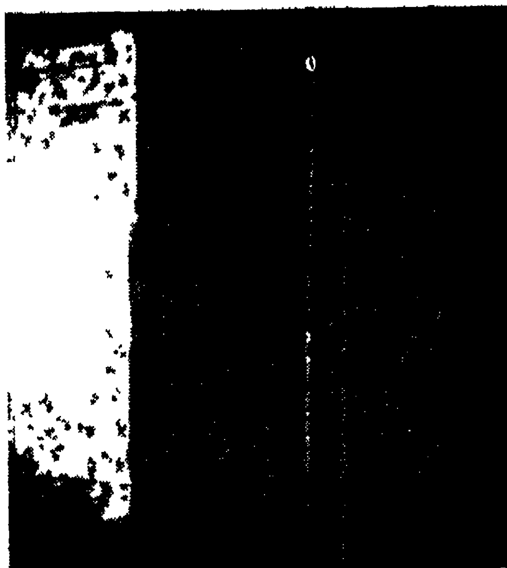


Fig - 131 ش – ۱۳۱



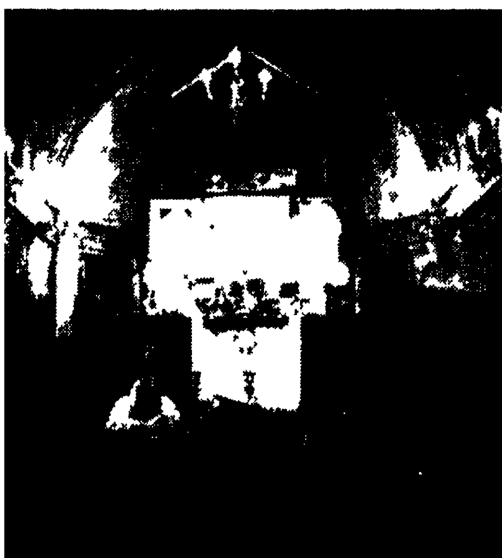


Fig - 134 س – ۱۳٤

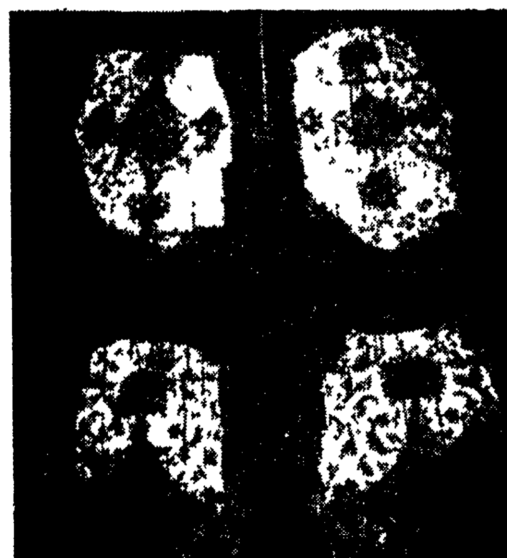


Fig - 132 س – ۱۳۲



عکس ۱۳۵ – نمازخانهٔ کلیسای موسوم به (حضرت شمعون غیور) در شیراز که نقشهای ایرانی در معماری آن بکار برده‌اند (مربوط بذیل صفحهٔ ۷۲)

Fig 135 - Shiraz l intérieur du temple orné d éléments décoratifs du 19 ème siècle

Fig 135 - Interior of the temple at Shiraz ornamented with decorative elements of the 19 th cent



س۱۳۶ – عمارت دیوانخانهٔ قوام‌الملکی که بنام نارنجستان هم خوانده میشود
(مربوط بصفحهٔ ۷۲)

Fig 136 - Shiraz la grande et somptueuse maison appelée «Diwan-Khaneh», ou «Narendjestan». 19 ème siècle

Fig 136 - The big and splendid house called «Diwan Khaneh» or «Narindjistan» at Shiraz, 19 th cent



س ۱۳۷ – کاشیکاری جبههٔ داخلی سر در ورودی دیوانخانهٔ قوام‌الملکی
(مربوط بصفحهٔ ۷۲)

Fig 137 - Shiraz Intérieur de l entrée de Diwan-Khaneh
19 ème siècle

Fig 137 - Interior of the entrance of Diwan-Khaneh at Shiraz
19 th cent



Fig 138 — ش ١٣٨

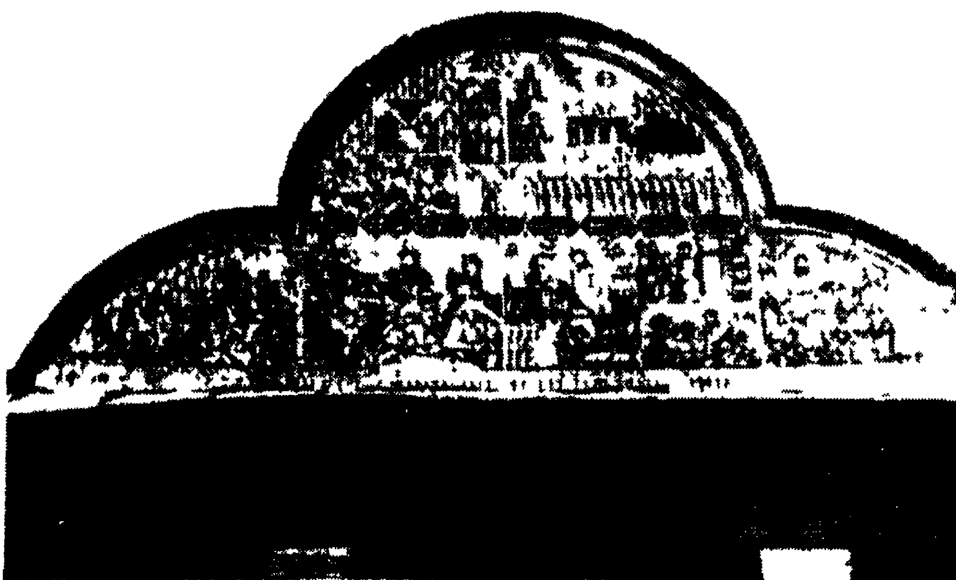


Fig 139 — ش ١٣٩

توضیحات مربوط به تصاویر ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ مندرج در صفحات ۲۶۱ و ۲۶۳

ش ۱۳۸ – ایوان اصلی وجبهۀ شمالی صحن حسینیۀ مشیر (مربوط بصفحۀ ۷۳)

Fig 138 - Shiraz, partie nord de Hosseïnieh Moshir, 19 ème siècle.

Fig 138 - The north side of Hosseïnieh Moshir at Shiraz, 19 th cent.

ش ۱۳۹ – کاشکاری بالای ایوان حسینیۀ مشیر (مربوط بصفحۀ ۷۴)

Fig 139 - Shiraz, scène représentée sur des briques émaillées en haut de la partie nord de Hosseïnieh Moshir, 19 ème siècle.

Fig 139 - The top part of the north side of Hosseïnieh Moshir at Shiraz, 19 th cent.

ش ۱۴۰ – منظری از باغ تخت شیراز که بیش از چهل سال قبل گرفته شده است – نقل از مجلۀ ملی جغرافیائی واشنگتن شمارۀ ۴ دورۀ ۳۹ آوریل ۱۹۲۱ عکس ازآقای رولاند وودز نسخۀ متعلق بجناب‌آقای محسن‌حداد (مربوط بصفحۀ ۷۵)

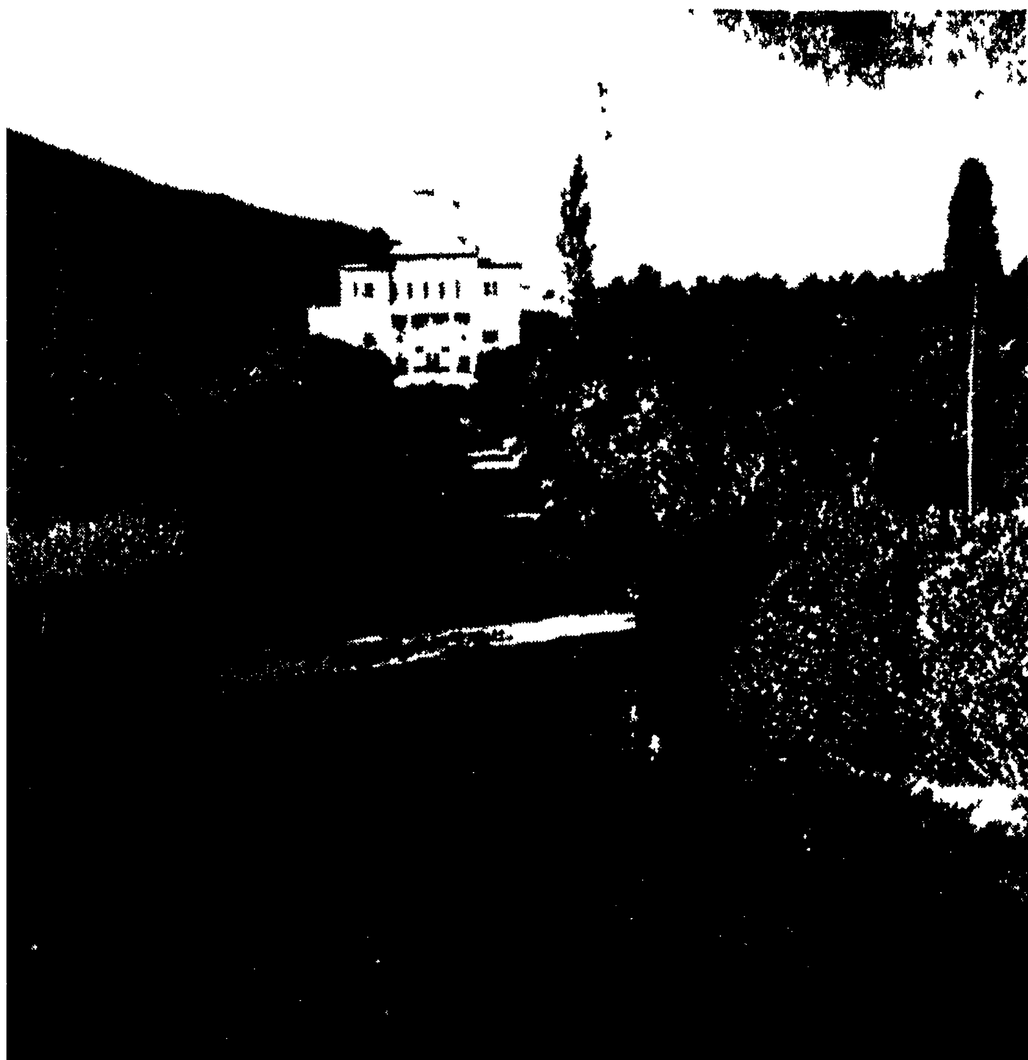
Fig 140 - Shiraz, ancienne vue de Baghé Takht, 19 ème siècle.

Fig 140 - Ancient view of Baghe-Takht at Shiraz, 19 th cent.

National Geographic Magazin Volume XXXIX Number 4. April 1921, Roland woods.



Fig 140 - ش ١٤٠



س ۱۴۱ – باغ دلگشا و کوشک واقع در آن (مربوط به صفحهٔ ۷۵)

Fig 141 - Shiraz le jardin Delgosha et son pavillon 19 ème siècle

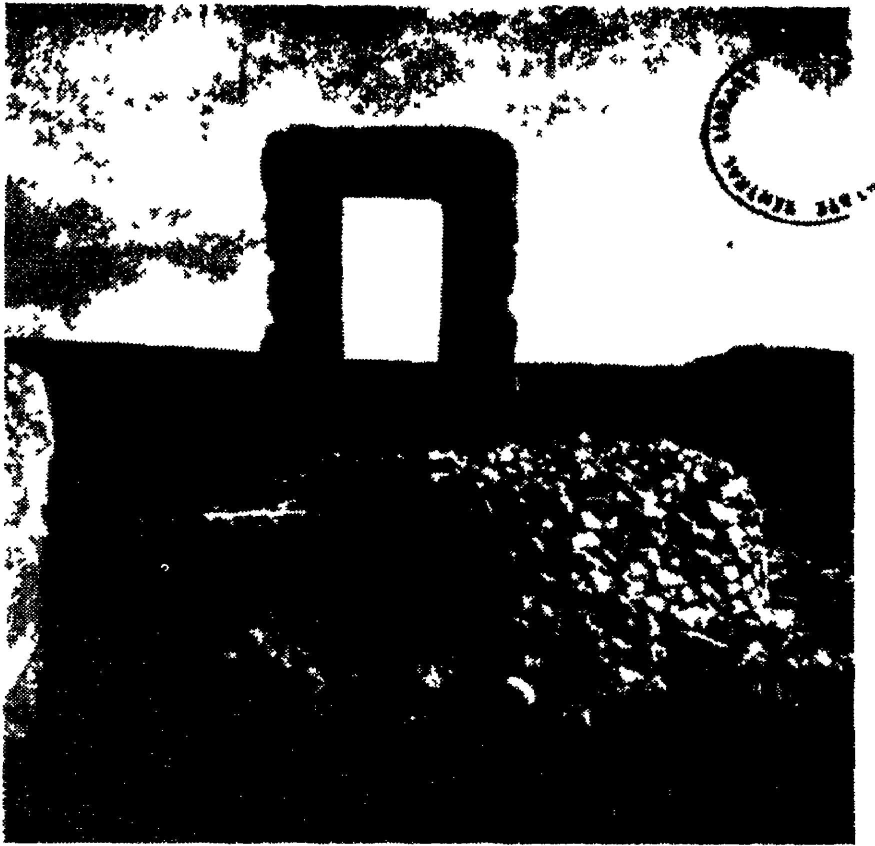
Fig 141 - The garden Delgosha and its pavilion at Shiraz 19 th cent



ش ۱۴۲ – منظری از درختان سرو باغ ارم – درخت سرو ناز معروف هم تقریباً در وسط عکس نمایان است (مربوط بصفحهٔ ۷۶) (عکسی هم از عمارت آن در قسمت ذیل کتاب مندرج میباشد)

Fig. 142 - Shiraz le jardin Eram 19 ème siècle

Fig 142 - A view of the garden Eram at Shiraz 19 th cent



س ۱٤۳ – آستانهٔ سنگی عهد هخامنشی در ویرانه‌های موجود قصر ابونصر
(مربوط به صفحهٔ ۷۷)

Fig 143 - Qasri - Abunasr, prés de Shiraz, portail en pierre de l époque Achéménide

Fig 143 - The Achaemenian gate at Qasri-Abunasr near Shiraz



ش ۱۴۴ – نقوش برجستهٔ عهد ساسانی در برم‌دلک – تصویر سمت راست احتمال میرود نقش بهرام سحم باشد و تصویر چپ جوانی‌را باموهای انبوه و کلاه بلند نمدی نشان میدهد (مربوط به صفحهٔ ۷۸)

Fig 144 - Barmé Delak prés de Shiraz, bas-reliefs Sassanides

Fig 144 - The Sassanian reliefs at Barmi Dilack, near Shiraz



ش ۱٤۵ نقش برجستهٔ بسیار آسیب دیدهٔ بهرام دوم در گویوم (مربوط صفحهٔ ۷۹)

Fig 145 - Guyum (à 30 klm approx à l'ouest de Shiraz), bas-relief de Bahram II

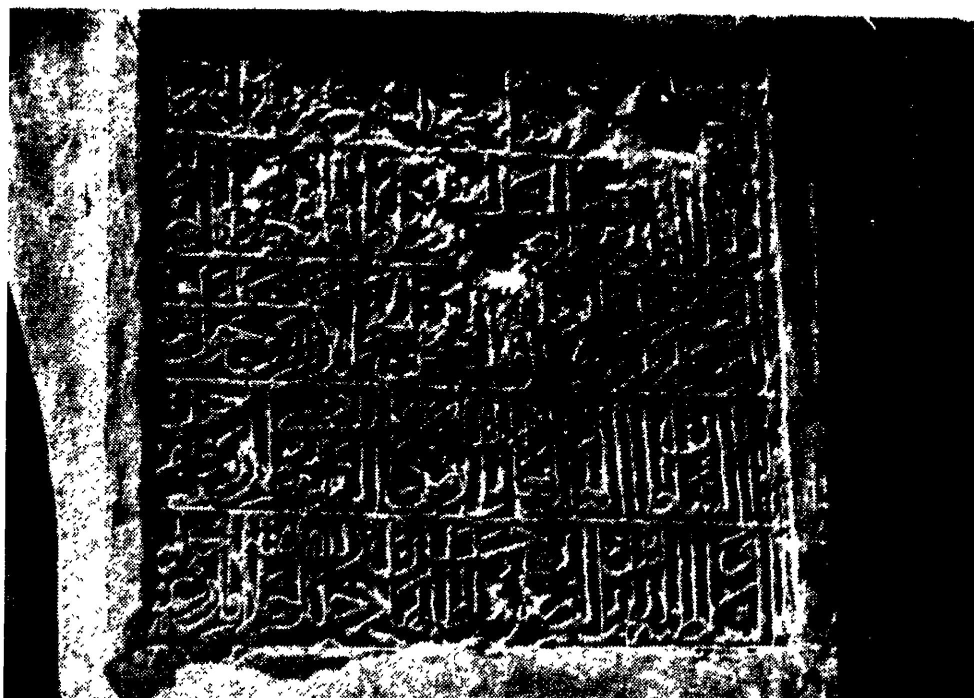
Fig 145 - Relief of Bahram II at Guyum (appox 30 klm west of Shiraz)



ش ۱٤٦ – جبههٔ جنوبی مسجد قصرالدشت (مسجد بردی) از آثار قرن نهم هجری که کتیبهٔ مربع سنگی خط ثلث نام اوزون حسن مورخ سال ۸۷۵ بر یکی از پایه‌های آن نصب است (مربوط به صفحهٔ ۷۹)

Fig 146 - Qasrod-dasht (à l'ouest de Shiraz) façade sud la Mosquée Djami, 15ème siècle.

Fig 146 - The southern side of the Djami Mosque at Qasrod-dasht (west of Shiraz), 15 th cent



ش ۱٤۷ – لوحهٔ سنگی مربع (۸۰×۸۵ سانتیمتر) در جبههٔ جنوبی مسجد جامع قصرالدشت (مسجد بردی) بنام اوزون حسن مورخ به ۸۷۵ هجــری (مربوط بصفحهٔ ۸۰)

Fig 147 - Qasrod-dasht, l' inscription de la Mosquée Djami. datée de 875 H. (1470).

Fig 147 - The inscription of the Djami Mosque at Qasrod-dasht. dated 875 H. (1470).



ش ۱٤۸ – قطعهٔ نقش برجستهٔ سرباز جاویدان عهد هخامنشی که در
تپهٔ حکوان فرمشگان کشف گردیــده است (مربوط بصفحهٔ ۸٤)

Fig 148 - Farmeshgan, (Kawar, sud-est de Shiraz) fragment de bas-relief Achéménide.

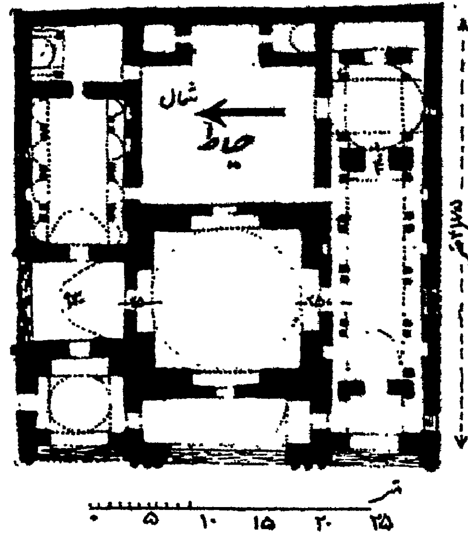
Fig 148. Fragment of an Achaemenian relief at Farmeshgan. (Kawar, s. e. of Shiraz).

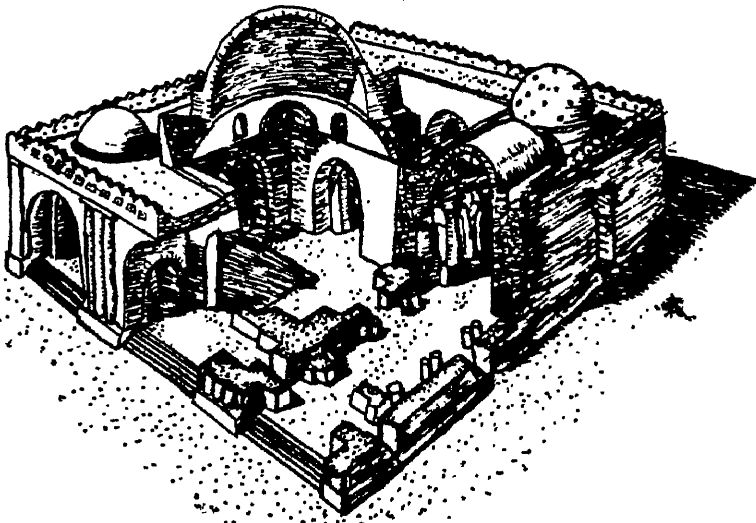


ش ۱٤۹ – مجسمهٔ شکسته شیر سنگی عهد هخامنشی بطول ۷٤ و بلندی ٤۷ سانتیمتر که نزدیك امامزاده مجاور آبادی هوزمانی در فرمشگان بود و در سال ۱۳۳۸ بموزهٔ پارس (شیراز) آورده شد (مربوط بصفحهٔ ۸۵)

Fig 149 - Farmeshgan, fragment de la statue de lion, en pierre, époque Achéménide.

Fig 149 - Fragment of a stone statue of a lion, at Farmeshgan, Achaemenian Period.



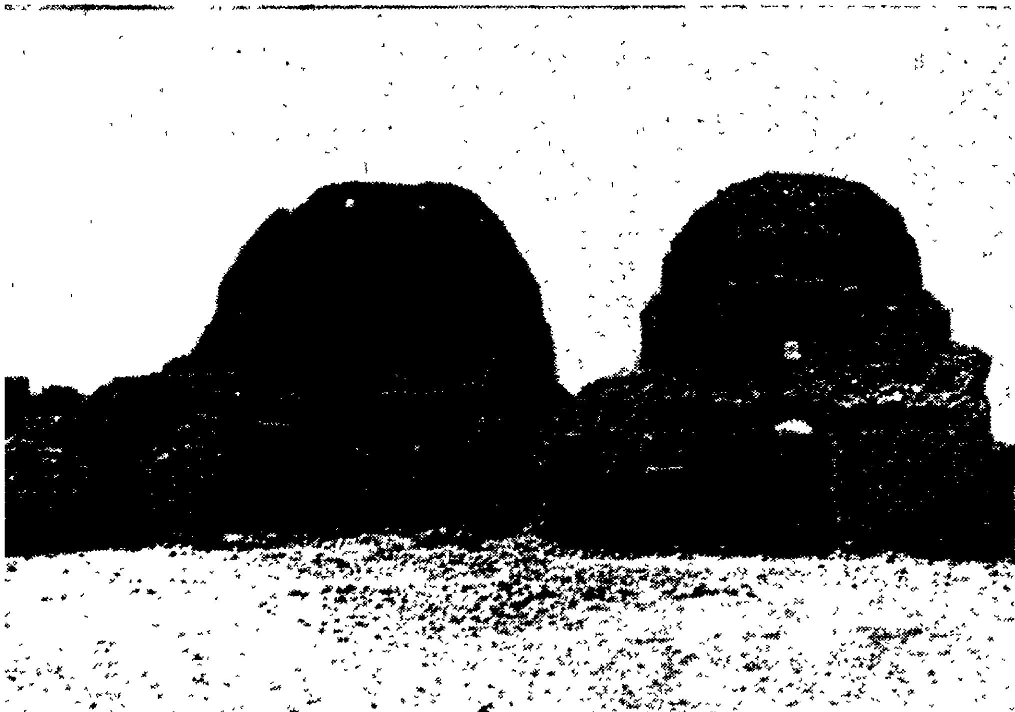



س ۱۵۰ – نقشه ومقطع کاخ عهد ساسانی در سروستان – نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – تألیف پروفسورواندنبرگ – چاپ لندن ۱۹۵۹ – ص ۴۸ (مربوط بصفحهٔ ۸۷)

Fig 150 - Sarvistan. plan et coupe du palais Sassanide.

Fig 150 - Plan and profile of the Sassanian palace at Sarvistan

L- Vander Berghe. Archéologie de l' Iran Ancien. Leiden 1959 p 48



ش ۱۵۱ – منظر آثار موجود کاخ عهد ساسانی در سروستان از طرف جنوب (مربوط بصفحهٔ ۸۷)

Fig 151 - Sarvistan. vestiges du palais Sassanide. vue prise du sud.

Fig 151 - Southern wiew of the remains of the Sassanian palace at Sarvistan.



ش ۱۵۲ – منظر وضع موجود کاخ عهد ساسانی در سروستان از جانب مغرب پس از تعمیرات سالهای اخیر – (مربوط به صفحهٔ ۸۷)

Fig 152 - Sarvistan vestiges du palais Sassanide vue prise de l' ouest.

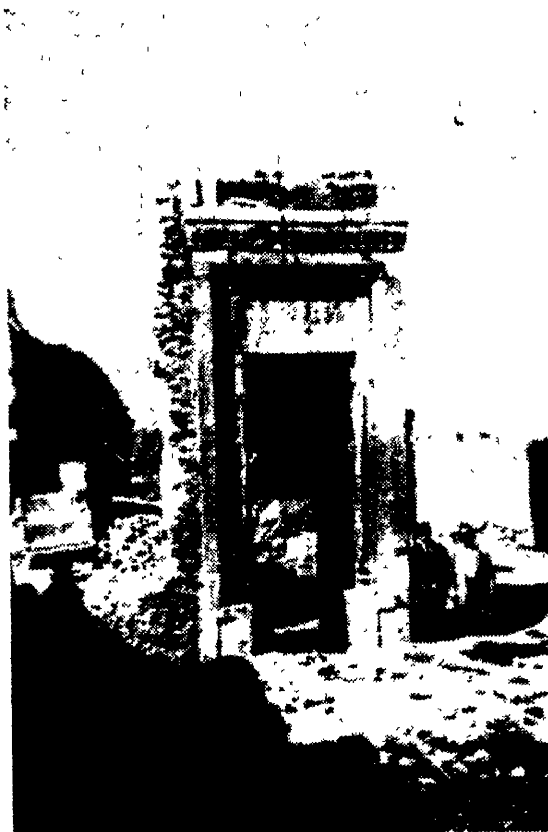
Fig 152 - West in view of the remains of the Sassanian palace at Sarvistan



ش ۱۵۳ – بقعهٔ شیخ یوسف سروستانی متعلق به اواخر قرن هفتم هجری-
مربوط بصفحهٔ ۸۸)

Fig 153 - Sarvistan Mausolée de Sheikh Youssef, fin du 13 ème siècle

Fig 153 - Mausoleum of Sheikh Youssef at Sarvistan end of 13 th cent



ش ١٥٤ – سردر شرقی بقعهٔ شیخ یوسف سروستانی مورخ به٧١٤–مربوط (مربوط بصفحهٔ ٨٨)

Fig 154 - Sarvistan, portail oriental du Mausolée de Sheikh Youssef, daté de 714 (1314).

Fig 154 - Eastern gate of the Mausoleum of Sheikh voussef at Sarvistan, dated of 714 (1314).



ش ۱۵۵ – مسجد جامع نیریز ازآثار قرن چهارم هجری – نقل از مجلد
اول (جلد اول) کتاب آثار ایران بزبان فرانسه نشریهٔ اداره کل باستانشناسی–
چاپ هارلم هلند ۱۳۱۵ (۱۹۳۶) ص ۱٦٤ (مربوط به صفحهٔ ۸۸)

Fig 155 - Neïriz. la Mosquée Djami. X ème siècle.

Fig 155 - The Djami Mosque at Naïriz. X th cent.
Athar - é Iran Tome I Fascicule I 1936 p. 164

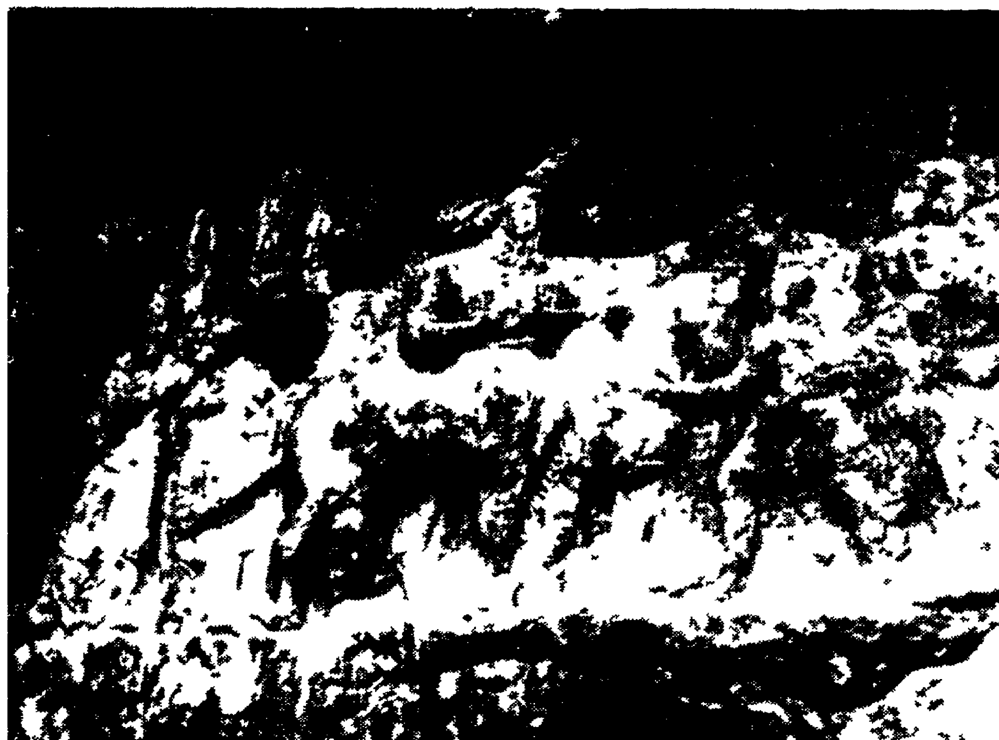


۱۵۶ – ایوان بزرگ و قدیمی مسجد جامع نیریز از آثار قرن چهارم هجری – نقل از کتاب آثار ایران شرح مذکور در شکل ۱۵۵ – ص ۱۶۷ (مربوط بصفحهٔ ۸۱)

Fig 156 - Neiriz la partie ancienne de la Mosquée Djami X ème siècle

Fig 156 - The ancient part of the Djami Mosque at Neiriz X th cent

Athar - é Iran Tome I Fascicule I 1936 P 167



ش ۱۵۷ – نقش برجستهٔ شاپور اول و والرین در کوه نهما – آثار تاریخی عهد ساسانی نزدیک دارابگرد (مربوط بصفحهٔ ۹۱)

Fig 157 - Darabgird bas-relief de Shapour I et Valérien, époque Sassanide

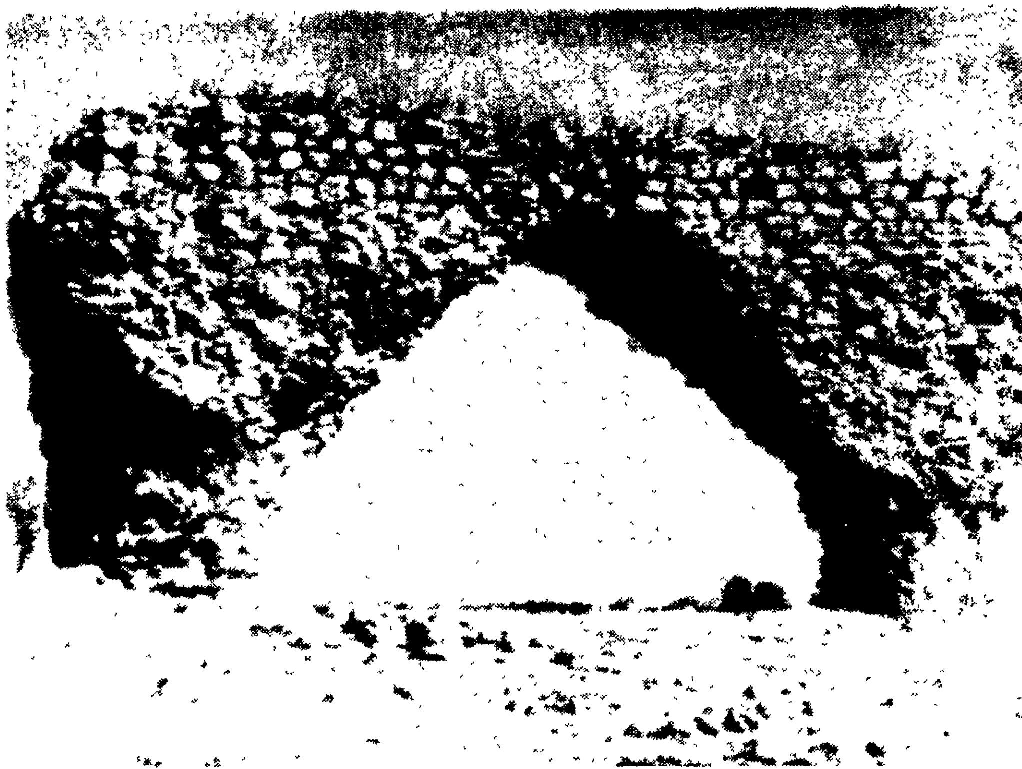
Fig 157 - The relief of Shapour I and Valerien at Darabgird Sassanian period



س ۱۵۸ – مسجد سنگی در کوه‌پهنا نزدیك دارابگرد که‌در سنگ کوه
دراشده شده است – اصل آن از عهد ساسانی بوده در دوران اسلام نبشته‌های
تاریخی ومحراب برآن افزوده‌اند (مربوط بصفحهٔ ۹۲)

Fig 158 - Draabgird. Masdjidi-sangui. (Mosquée en pierre). monument de l' époque Sassanide, taillé dans le roc, transformé en Mosquée à l' époque Islamique.

Fig 158 - Masdjidi-sangui. a Sassanian monument carved in the rock, near Darabgird. which was converted into a Mosque in the Islamic period.

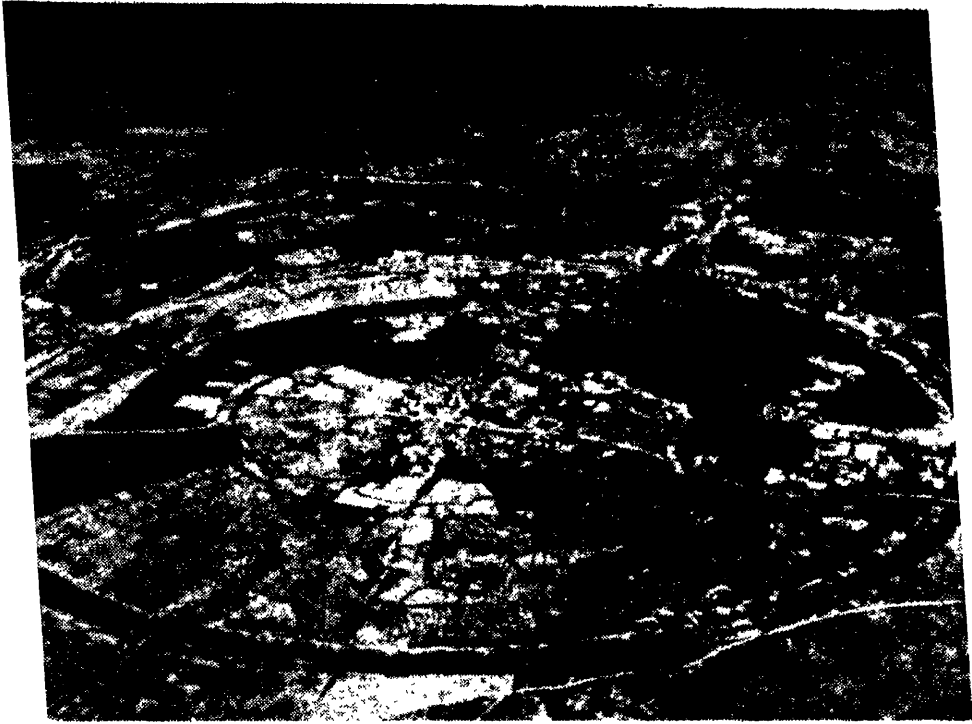


ش ۱۵۹ – ویرانه چهار طاقی عهد ساسانی در محل شاه نزدیك فیشور ( در کنار راه کاروان رولار بطرف بندر بوشهر حدود صدوبیست کیلومتری مغرب لار ) – نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – وندنبرگ ورقهٔ مصور شمارهٔ ۲۰ – الف (مربوط بصفحهٔ ۹۶)

Fig 159 - Fishvar (env. 120 kl. à l' ouest de Lar) ruines d' un Tchahar - Tagh Sassanide.

Fig 159 - Ruins of a Tchahar - Tagh Sassanian period at Fishvar (about 120 kl. west of Lar).

Archéologie de l' Iran Ancien Prof, L. Vander Berghe Leiden 1959. Planche 20 a.



س ۱۶۰ – منظرهٔ هوائی ویرانه‌های فیروز آباد (شهرگور) که بصورت
دائرهٔ بسیار مشخصی پدیدار است – عکس از آقای دکتر اریك اشمیت
(مربوط بصفحهٔ ۹۹) Dr. Erick Schmidt

Fig 160 - Vue aérienne de Firouzabad.

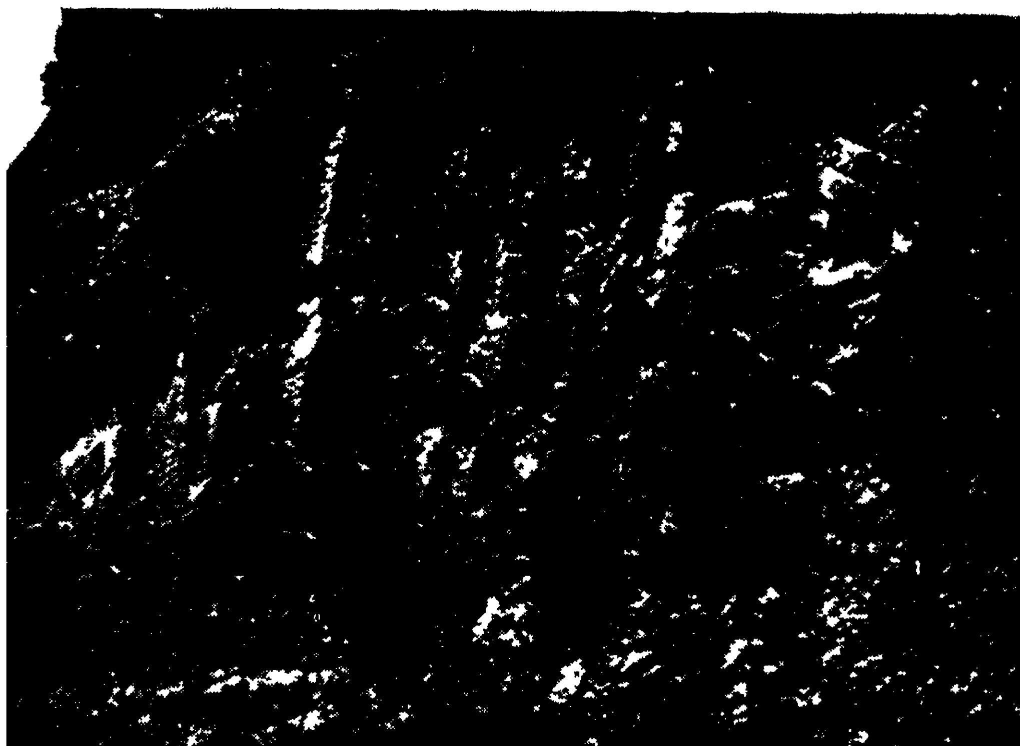
Fig 160 - Aeriel wiew of Firuzabad.



ش ۱۶۱ – نقش برجستهٔ اردشیر بابکان در کوهستان کنار رودخانهٔ تنگاب
(فیروز آباد) (مربوط بصفحهٔ ۹۹)

Fig 161 - Firouzabad. bas-relief d' Ardeshir I.

Fig 161 - Relief of Ardeshir I at Firuzabad.



ش ۱۶۲ – نقش برجستهٔ بزرگ که صحنهٔ پیروزی اردشیر بابکان را بر اشکانیان نشان میدهد (بر بالای کوهستان کنار رودخانهٔ تنگاب – فیروزآباد)
(مربوط بصفحهٔ ۱۰۰)

Fig 162 - Firouzabad bas-relief représentant la victoire d'Ardashir I

Fig 162 - Relief of victory of Ardashir I at Firuzabad



ش ۱۶۳ – نقش برجستهٔ ابرسان وزیر اردشیر بابکان – (مربوط صفحه ۱۰۰)

Fig 163 - Firouzabad bas-relief d Abarsan ministre d Ardashir I

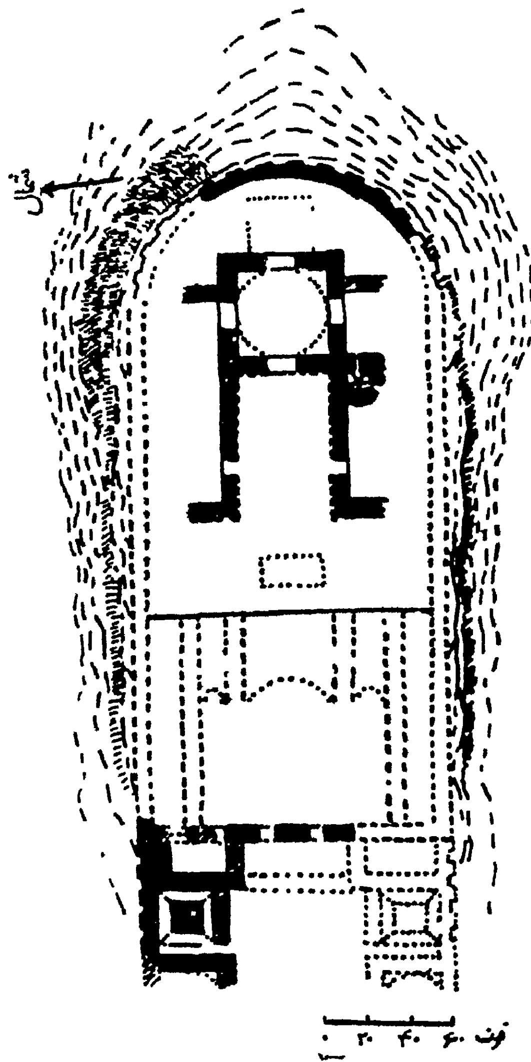
Fig 163 - Relief of Abarsan, minister of Ardashir I at Firuzabad



ش ۱۶۴ – نقش برجسته سروری یکی از سواران اردشیر که مردی را اسارت در آورده است (مربوط بصفحهٔ ۱۰۰)

Fig 164 - Firouzabad bas-relief d'un cavalier d'Ardashir I captivant un soldat ennemi

Fig 164 - Relief of a horseman of Ardashir I taking captive an ennemi's soldier




س ١٦٥ – نقشهٔ قلعه دختر فیروزآباد (مربوط بصفحهٔ ١٠٠) نقل از مقالهٔ آقای
پرفسور گیرشمن در مجلهٔ مؤسسهٔ فرانسوی باستانشناسی شرقی شمارهٔ ٤٦
صفحهٔ ٣

Fi 165 - Firouzabad plan de Qale-Dukhtar forteresse du temps Shapour I

Extrait du bulletin de l Institut Français d Archéologie oriental I XLVI 1 rticle Firouzabad par Prof R Ghirshman

Fig 165 - Plan of Qale-Dukhtar fortress from the time of Shapur I at Firuzabad



س ۱۶۶ – منظر قلعه دختر فیروزآباد از دامنهٔ کوهسار از جانب شمال شرقی – (مربوط به صفحهٔ ۱۰۰) نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم – واندنبرگ – چاپ لیدن ۱۹۵۹ تصویر شمارهٔ ۶۹ – الف

Fig 166 - Firouzabad. vue de Qalé-Dukhtar, prise du côté nord-est.

Fig 166 - Wiew of Qale-Dukhtar. at Firuzabad. from north-east.

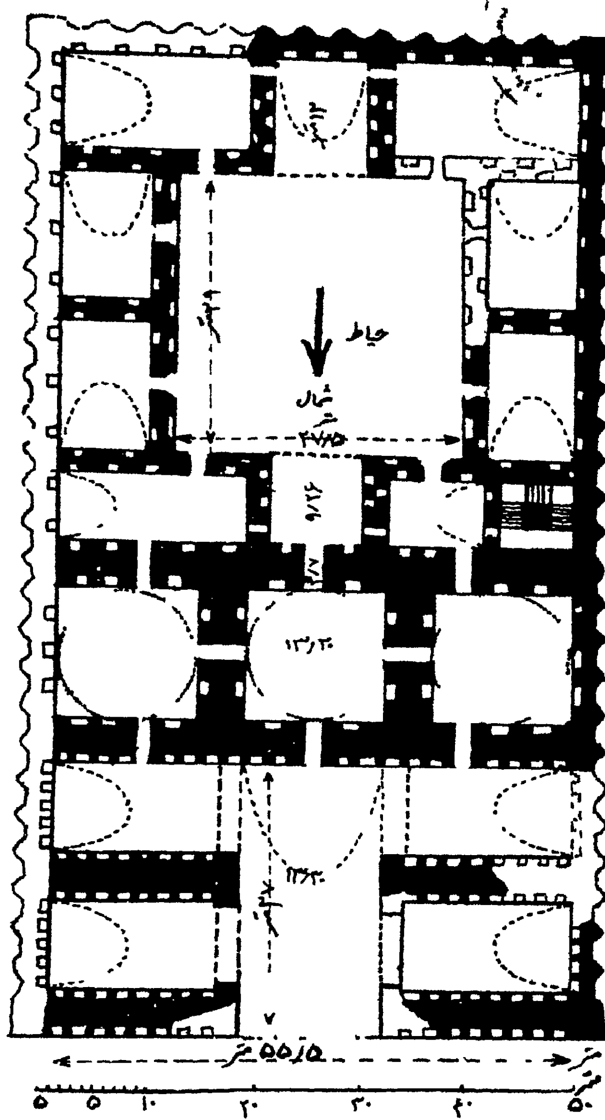
L' Archéolgie de l' Iran Ancien; L. Vanden Berghe Leiden 1959 Planche 69 a.



ش ۱٦۷ – منارهٔ فیروز آباد از عهد ساسانی – (مربوط بصفحهٔ ۱۰۱)

Fig 167 - Firouzabad. Minaret de l' époque Sassanide.

Fig 167 - Minaret of Sassanian period at Firuzabad.




س ۱۶۸ – نقشهٔ کاخ اردشیر بابکان در فیروز آباد – (مربوط بصفحهٔ ۱۰۲)

Fig 168 - Firouzabad plan du palais d' Ardeshir I

Fig 168 - Plan of Ardeshir I' s Palace at Firuzabad

L' Archelogie de l' Iran ancien Prof L. Vanden Berghe Leiden 1959 P 48



ش ۱۶۹ — منظره جنوبی وضع کنونی کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد — (مراجعه به صفحهٔ ۱۰۲)

Fig 169 - Firouzabad vue du Palais d'Ardeshir I prise du côté sud

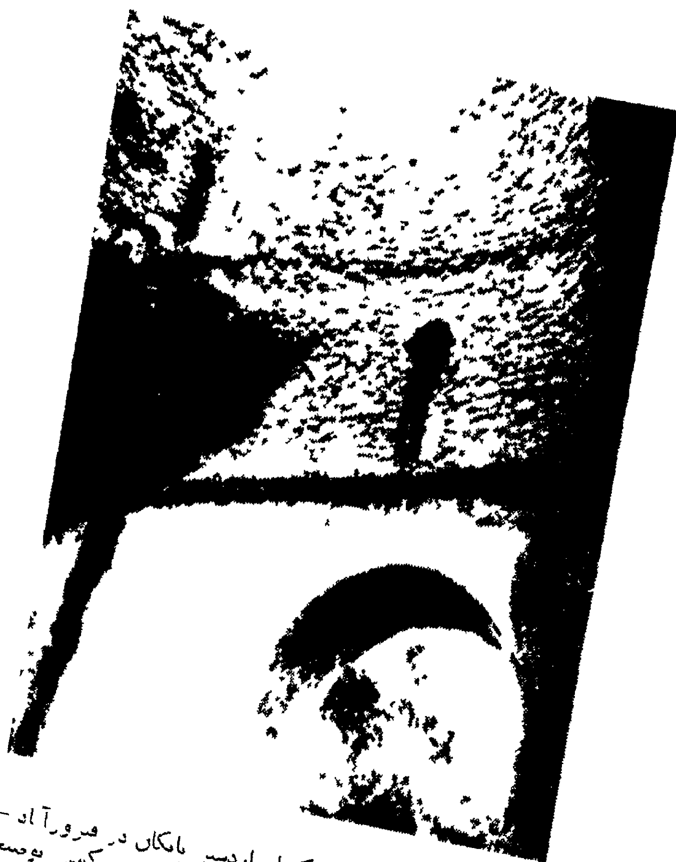
Fig 169 - View of Palace of Ardeshir I taken from the south, at Firuzabad



ش ۱۷۰ - منظر غربی کاخ اردشیر بابکان در فیروز آباد - (مربوط بصفحهٔ ۱۰۲)

Fig 170 - Firouzabad vue du Palais d'Ardeshir I prise de côté ouest.

Fig 170 - Wiew of palace of Ardeshir I taken from the west at Firuzabad



ش ۱۷۱ — درون گنبد کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد — (مربوط به صفحهٔ ۱۰۲) نقل از مقالهٔ سابق‌الذکر پرفسور گیرشمن که در توضیحات شکل ۱۶۵ اشاره گردید.

Fig 171 - Firouzabad, l'intérieur du palais d' Ardeshir I.

Fig 171 - Interior of the palace of Ardeshir I. at Firuzabad



ش ۱۷۲ - برش بالای آستانه‌های داخل کاخ اردشیر بابکان در فیروزآباد-
(مربوط به صفحهٔ ۱۰۲) نقل از مقالهٔ سابق‌الذکر پروفسور گیرشمن که در توضیحات
شکل ۱٦٥ اشاره گردید

Fig 172 - Firouzabad : intérieur du palais d'Ardeshir I

Fig 172 - Interior of the palace of Ardashir I at Firuzabad



ش ۱۷۳ – آثاری از جاده عهد ساسانی بین فیروزآباد وخلیج فارس
(مربوط به صفحهٔ ۱۰۴)

Fig 173 - Une partie de la route Sassanide entre Firouzabad et le Golf Persique

Fig 173 - Part of the Sassanian road between Firuzabad and the Persian Gulf



ش ۱۷۴ – منظری از مجموعهٔ ابنیهٔ آتشکدهٔ بزرگ عهد ساسانی در ۳۰ کیلومتری جنوب فیروزآباد – (مربوط به صفحهٔ ۱۰۵) – عکس از آقای پرفسور واندنبرگ

Fig 174 - Vue de l' ensemble des batiments d' un grand temple du feu, à 30 klm. au sud de Firouzabad.

Fig 174 - General wiew of buildings of a big fire temple at 30 klm. south of Firuzabad.



ش ۱۷۵ – نقش برجستهٔ عهد فتحعلیشاه در پل آبگینهٔ کازرون – (رجوع به صفحهٔ ۱۰۸)

Fig 175 - Bas relief du temps de Fath-Ali Shah (1 ère moitié du 19 ème siécle) prés de Kazeroun.

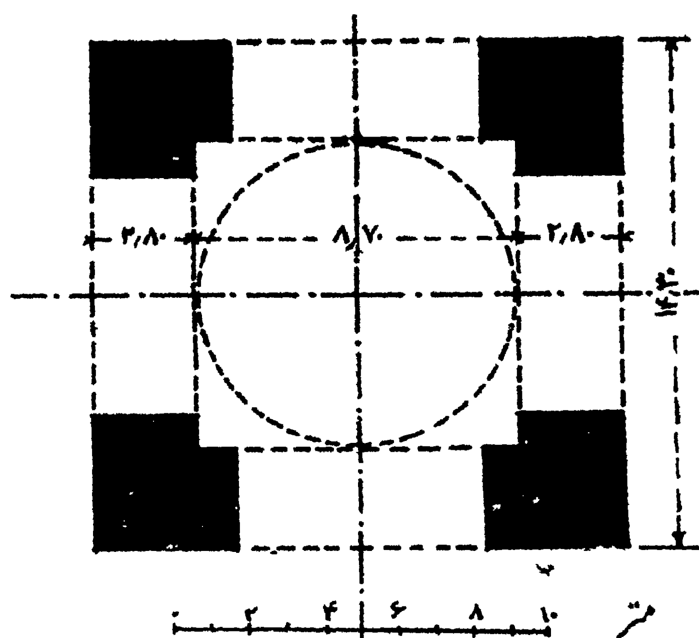
Fig 175 - Relief of the time of Fath-Ali Shah (1 st half of 19 th cent.) near Kazeroun.



ش ۱۷۶ – چارطاقی آتشکدهٔ جره (مربوط به صفحهٔ ۱۳۳) نقل از مجلهٔ
آثار – جلد سوم آثار ایران زبان فرانسه – نشریهٔ اداره کل باستانشناسی صفحهٔ
۳۱

Fig 176 - Djerreh temple du feu époque Sassanide

Fig 176 - Fire temple at Djerreh Sassanian period




ش ۱۷۷ – نقشهٔ آتشکدهٔ جره (مربوط به صفحهٔ ۱۱۳) نقل از نقشه ترسیمی آقای گدار که در مجلد اول جلد سوم آثار ایران در زبان فرانسه صفحه ۱۷۰ چاپ شده است

Fig. 177 - Plan du temple du feu à Djerch

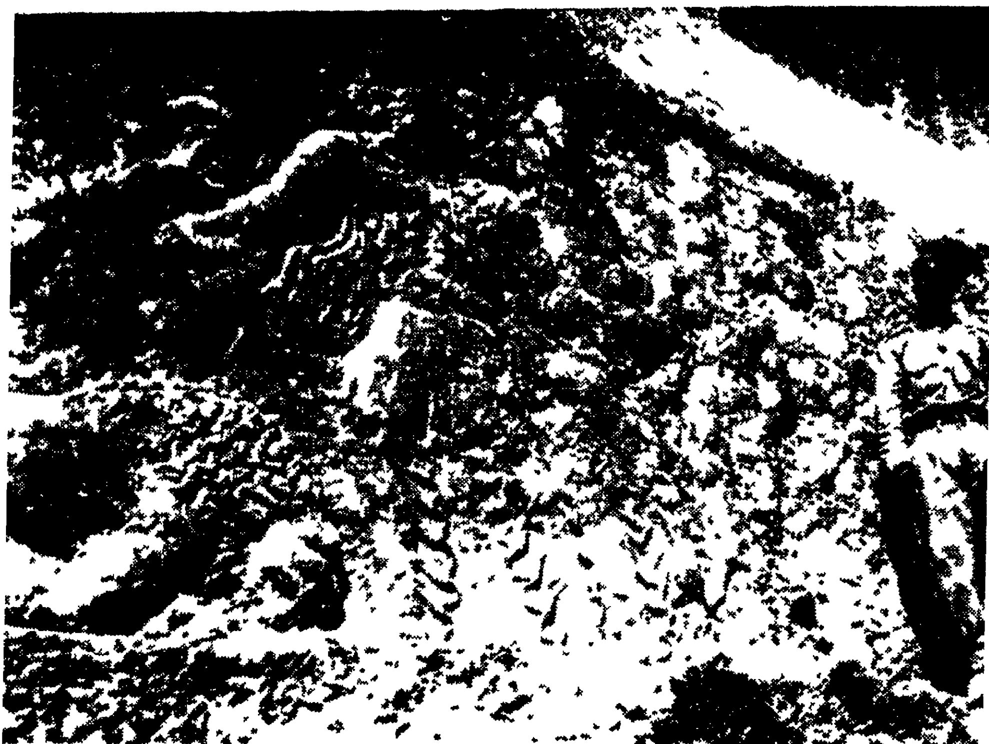
Fig. 177 - Plan of the fire temple at Djerrch



ش ۱۷۸ – کوهستان سر مشهد که نقش برجسته بهرام دوم ونبشته بزرگ
خط پهلوی در وسط آن واقع است – (مربوط به صفحه ۱۱۶)

Fig 178 - Sarmashhad. la montagne où se trouve le bas-relief de Bahram II (276-293 A D ) et la grande inscription Pehlewi

Fig 178 - The mountain of Sarmashhad where is the relief of Bahram II (276-293 A D ) and the big Pehlewi inscription.



ش ۱۷۹ – نقش برجسته بهرام دوم در حال نبرد و مغلوب ساختن دو شیر در سر مشهد - (مربوط به صفحه ۱۱۷)

Fig 179 - Sarmashhad le bas-relief de Bahram II (276-293 A.D.)

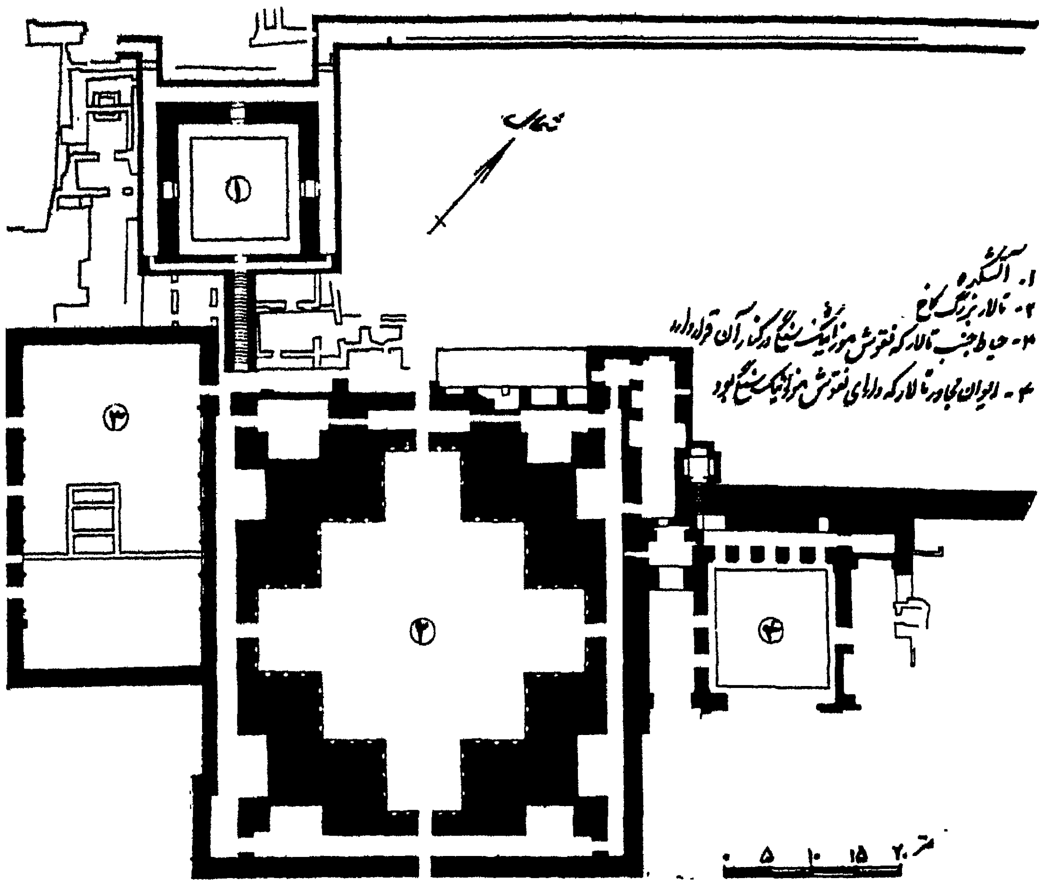
**Fig 179** - The relief of Bahram II (276-293 A.D.) at Sarmashhad



ش ۱۸۰ – آتشکدهٔ واقع در بیساپور که دیواری از سنگهای تراش آن بیشتر هویدا است – (مربوط به صفحه ۱۲۲)

Fig 180 - Bîshâpour, le temple du feu du temps de Shapour I (241-272 A.D.) .

Fig 180 - The fire temple from the time of Shapur I (241-272 A.D.). at Bishapur.




ش ۱۸۱ – نقشهٔ آتشکده وتالار بزرگ کاخ بیشاپور وحیاط وایوان مجاور آن (مربوط به صفحه ۱۲۲) نقل از کتاب بیشابور جلد دوم تالیف ر . گیرشمن جاپ باریس ۱۹۵٦ – نقشه ۲

Fig 181 - Bîshâpour, plan du temple de feu, la grande salle du palais de Shapour I, la cour et l' ivan du palais.

Fig 181 - Plan of the fire temple, the big Hall of the Palace of Shapour I, the court and the portico of the palace at Bishapur.

Bîchâpour Vol II R. Ghirshman. Paris. 1956. PL. 2.



ش ۱۸۲ – یکی از ستونهای واژگون شده واقع در وسط ویرانه‌های بیشاپور با نبشته پهلوی – (مربوط به صفحه ۱۲۳)

Fig 182 - Bîchâpour colonne du monument de Shapour I avec une inscription en Pehlewi tombee a terre

Fig 182 - A column of the monument of Shapur I at Bishapur with Pehlewi inscription fallen on the ground





ش ۱۸۳ – و ۱۸۴ – بناهای ابتدای قرن اول اسلامی واقع در قسمت جنوبی ویرانه‌های بیشاپور – (مربوط به صفحه ۱۲۳)

183 - 184 - Bîshâpour restes des monuments du dédut de l' Islam dans la partie sud de la ville

Fig. 183 - 184 - Remnant of the Islamic buildings on the south part of Bishapur



ش ۱۸۵ – ویرانه‌های قلعه دختر بر فراز کوهسار شمال بیشابور – (مربوط به صفحه ۱۲۳)

Fig 185 - Bîchâpour ruines de la forteresse «Qalé Dokhtar» du temps de Shapour I en haut de la montagne

Fig 185 - Ruins of the castle «Qala Dokhtar» at Bishapur



ش ۱۸۶ – صحنهٔ پیروزی شاپور اول بر والرین در وسط نقش برجستهٔ بزرگ جانب شرقی تنگ چوگان – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۵)

Fig 186 - Bîshâpour scène de la victoire de Shapour I sur Valérien au centre du bas-relief sur le côté est de Tangi - Tchowgan

Fig. 186 - Scene of the victory of Shapur I on Valerien in the central part of relief on the eastern side of Tangi-Tchowgan at Bishapur



ش ۱۸۷ – نقش برجسته بزرگ مشتمل بر صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین در جانب شرقی تنگ چوگان – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۵)

Fig 187 - Bîshâpour le bas relief représentant la victoire de Shapour I sur Valerien, du côté est de Tang-i-Tchowgan

Fig 187 - The relief representing the victory of Shapur I over Valerien, on the eastern side of Tang-i-Tchowgan at Bishapur



ش ۱۸۸ – بزرگترین نقش برجسته عهد ساسانی مشتمل بر صحنه پیروزی شاپور اول بر والرین که در جانب غربی تنگ چوگان واقع است – (مربوط به صفحه ۱۲۵)

Fig. 188 - Bîshâpour: le plus grand bas-relief de l'époque Sassanide représentant les scènes de la victoire de Shapour I sur Valérien au côté occidental de Tang-i Tchowgan

Fig. 188 - The largest relief of the Sassanian period representing scenes of the victory of Shapur I over Valerien on the western side of Tang-i Tchowgan at Bishapur



ش ۱۸۹ – گوشه‌ای از نقش برجسته بزرگ پیروزی شاپور اول بر والرین
(واقع در جانب غربی تنگ چوگان) که‌وسائل قلعه‌کوبی سربازان رومی را ضمن
غنائمی که از ایشان گرفته شده است نشان میدهد – (مربوط به صفحهٔ ۱۲۶)

Fig 189 - Détail du bas-relief présenté sur la figure 188

Fig 189 - Detail of the relief shown on figure 188



ش ۱۹۰ – نقش برجسته بهرام اول که شعار سلطنت را از مظهر اهورامزدا میگیرد (تصویر جانب چپ) و نقش برجسته بزرگ شاپور دوم (ذوالاکتاف) که پیروزی اورا برمخالفین سرحدی کشور ایران نشان میدهد (تصویر جانب راست) واقع در جانب غربی تنگ چوگان – (مربوط به صفحه ۱۲۷) نقل از مقاله آقای ر. گیرشمان R. Ghirshman درباره نقوش برجسته‌های ساسانی در مجلهٔ هنر آسیا Artibus Asiae مجلد ۱۳ – شماره ۱ و ۲ ص ۹۱

Fig 190 - Bishâpour scène de l' investiture de Bahram I (273 276 A D) (à gauche) et le bas-relief représentant la victoire de Shapour II (310-379 A D) (à droite) au côté ouest de Tangi-Tchowgan

Fig 190 - Scene of the investiture of Bahram I (273-276 A D) (left) and the relief of victory of Shapour II (310-379 A D) (right) on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur



نقش ۱۹۱ - مجسمه بزرگ شاپور اول در شکاف شاپور در بالای جاده عربی سنگ چوگان هنگامی که از طرف شاه فارس جهت برداشتن آن اهتمام شد - (مربوط به صفحه ۱۲۹)

Fig 191 - Statue de Shapour I. tombée à terre dans une grotte, près de Bîshâpour.

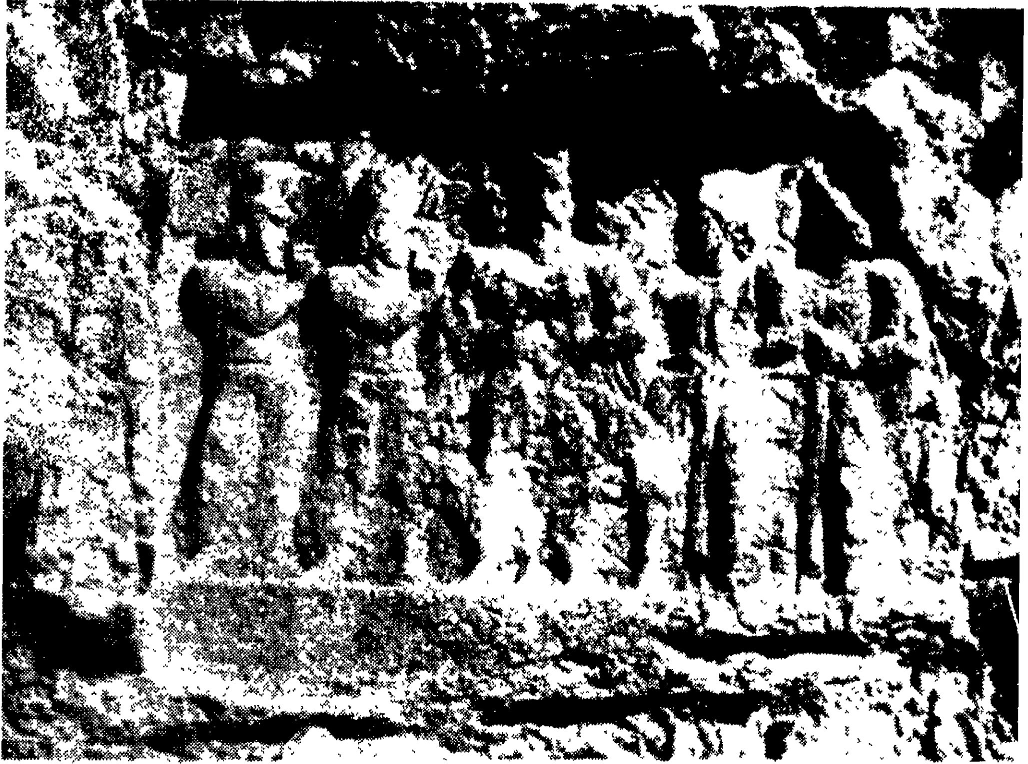
Fig 191 - Statue of Shapur I fallen on the ground in a grotto near Bishapur



ش ۱۹۲ – مجسمه بزرگ شاپور اول در شکفت شاپور ... دالان جنوبی
عربی سنگ جوگان پس از آنکه بهمت سپاه فارس برروی ... ستون مسلح
برپا شده است – (مربوط به صفحه ۱۲۹) عکس از آقای دکتر احمد حاجیان
دانشیار محترم دانشکدهٔ پزشکی طهران

Fig 192 - Statue de Shapour I redressée à sa place par l' armée du Fars en 1957

Fig 192 - Statue of Shapur I erected in its former place by the army of Fars in 1957



ش ۱۹۳ – نقش بهرام دوم در سراب بهرام (ممسنی) از روبرو – (مربوط
به صفحه ۱۳۰)

Fig 193 - Bas relief de Bahram II (276-293 A.D.) prés de Nourabad, dans la région de Mamassani.

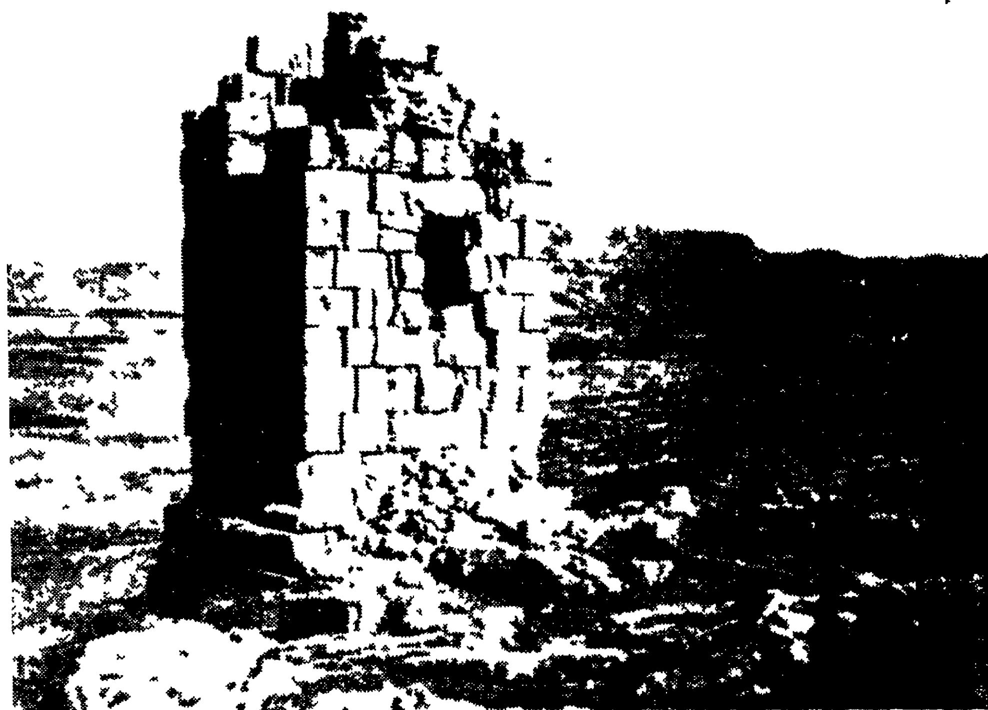
Fig 193 - Relief of Bahram II (276-293 A.D) near Nourabad, in Mamassani.



ش ۱۹٤ – نقش بهرام دوم در سراب بهرام (ممسنی) از جانب راست (سمت
مشرق) – (مربوط به صفحه ۱۳۰)

Fig 194 - Bas relief de Bahram II (276-293 A.D.) prés de Nou-rabad. dans la région de Mamassani.

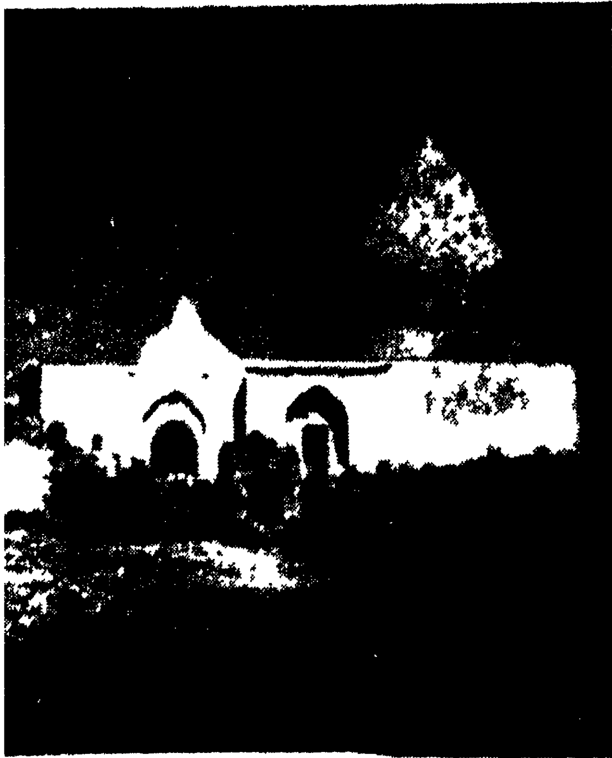
Fig 194 - Relief of Bahram II (276-293 A.D.) near Nourabad, in Mamassani.



ش ۱۶۵ برج نورآباد (دمی‌میل – میل اژدها) آتشگاهی از اشکانیان – (مربوط به صفحه ۱۳۱)

Fig 195 - Nourabad temple du feu d'époque parthe

Fig 195 - Fire temple of the parthian period at Nourabad

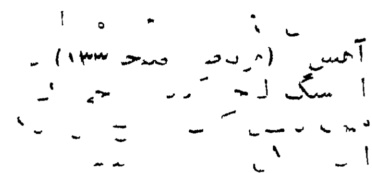


ش ۱۹٦ –بقعهٔ سیدعلاءالدین محمد
• امام زاده درب آهنی در ممسنی بردنک
نورآباد (مربوط به صفحات ۱۳۲و۱۳۳)

Fig 196 - Nourabad le sanctuaire nommé Imamzadeh Darb-ahanin (13 ème-14 ème siècle)

Fig 196 - The sanctuary called Imamzadeh Darb-ahanin (13 th 14 th cent) at Nourabad





[illegible]



ش ۱۹۸ – ته ستون هخامنشی نزدیک سراوان که اینک زیارتگاهی بنام امامزاده اسمعیل میباشد (مربوط به صفحه ۱۳۶) – در قسمت ذیل کتاب توضیحات وعکسهای دیگر در بارهٔ ته ستونهای هخامنشی سراوان مذکور ومندرج است

Fig 198 - Sarawan base de colonne Achéménide

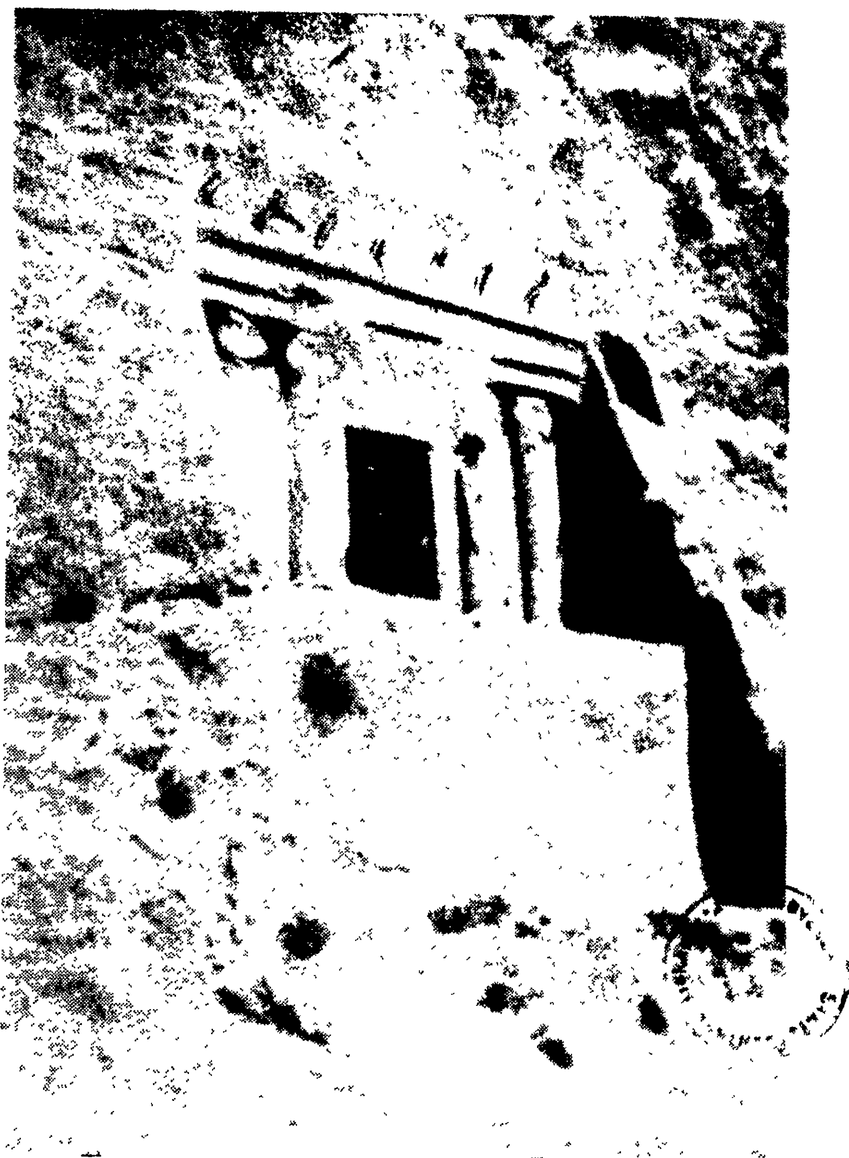
Fig 198 - Achaemenian base of column at Sarawan



ش ۱۹۹ – نقوش برجسته عهد عیلام در کورانگون – (مربوط به صفحه ۱۳۱)
عکس دیگری از همین نقش در قسمت دنبال کتاب نموده شده است

Fig 199 - Kurangun bas-reliefs élamites

Fig 199 - Elamite reliefs at Kurangun

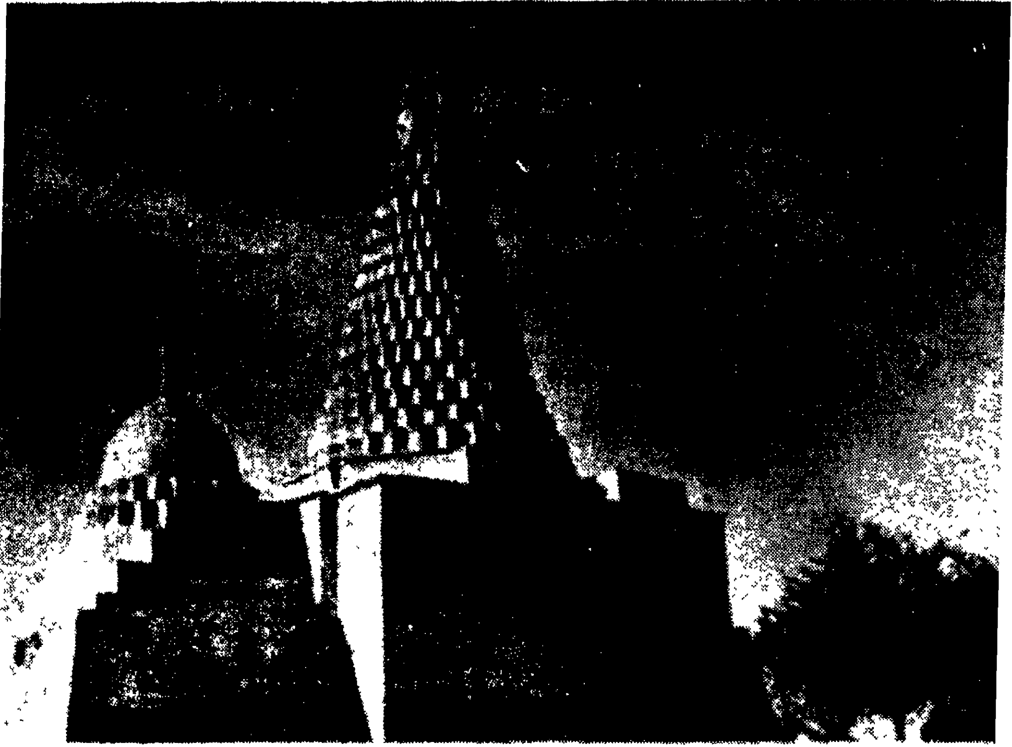


ش ۲۰۰ - دخمه سنگی داو دختر در کوههای غربی خاک ممسنی - (مربوط به صفحه ۱۳۹
(نقل از کتاب باستانشناسی ایران قدیم - تالیف واندنبرگ ورقه مصور ۸۶ ب)

Fig 200 - Le tombeau rupestre préachéménide, nommé Dav-Dokhtar à Mamassani .

Fig 200 - A preachaemenian tomb, called Daw Dokhtar carved in the mountain at Mamassany.

L. Vander Berghe - l' Archéologie de l' Iran Ancien, Planche 86 b



ش ۲۰۱ – بقعهٔ میرمحمد در جزیرهٔ خارك – (مربوط به صفحهٔ ۱۴۴)

Fig 201 - L'île de Kharg, sanctuaire de Mir Mohommad (14 ème siècle).

Fig 201 - The Sanctuary of Mir Mohammad (14 th cent) at Kharg.



ش ۲۰۲– یکی از آرامگاههای ساسانی در کوهستان جزیره خارک (مربوط به صفحه ۱۴۶)

Fig 202 - L'île de Kharg tombeau rupestre Chrétien

Fig 202 - A Christian tomb carved in the mountain at Kharg



س ۲۰۳ – دهلیز یکی از آرامگاههای ساسانی در کوهستان حـ حا –
(مربوط به صفحه ۱٤٦)

Fig 203 - Le vestibule du tombeau présenté à la fig 202

F 203 - The vestibule of the tomb presented in fig 202

پایان تصاویر مربوط به متن کتاب

# ذیل

بطوریکه درچند موردکتاب اشاره‌شد دربارهٔ برخی از آثار سرزمین پارس تا هنگام چاپ فصل مربوط بآنها اطلاعاتی که موردنظر بود حاصل نیامد و خوشبختانه تا پایان پذیرفتن چاپ متن و تصاویر مربوط به متن‌کتاب موقعیتهائی فراهم گردیدکه براطلاعات مربوط به برخی از آثار سابق‌الذکر افزوده شد یا اینکه براثر تحقیقات واقدامات کارکنان ادارهٔکل باستان‌شناسی‌وسایر افراد مطلع وعلاقمند دانستنیهای تازه‌ای دربارهٔ بعضی از آثار باستانی فارس حاصل گردید وضمناً بعضی اصلاحات دراطلاعات‌قبلی یانقل‌قسمتهائی‌ازآنچه درنشریات‌دیگر بچاپ رسیده است یا تکمیل مطالب سابق‌کتاب لازم آمد بدین مناسبت درصدد برآمد در تحت عنوان ذیل چنین موضوعهائی را تنظیم نموده با تعدادی تصاویرکه آن نیز بشرح بالا فراهم گشته است در دنبالهٔکتاب قرار دهد .
وباوجودیکه این‌امرباعث اطناب‌مطلب‌ودرازاکشیدن‌اتمام‌چاپ‌کتاب‌بیش ازحد متعارف میگردد باتوجه‌به‌علاقه ومجاهدتهای دوستان‌ودوستداران آثار تاریخی سرزمین باستانی فارس‌که‌ازترغیب وهمکاری دراین خدمت فروگذار ننموده باتهیه وارسال مطالب گوناگـون شوق بیشتری را در انجام خدمتی‌که آغاز شده است فراهم فرموده‌اند نگارنده را دریغ آمد از این موقعیت ومساعدتهای ذیقیمت استفاده ننماید لذا بشرحی‌که در تلو صفحات بعدی بنظر خوانندگان ارجسند میرسد مطالب منظور تنظیم ودرج گردیده است واز طولانی شدن سخن پوزش میطلبد .

## ۱ـ کوشک زر ـ آباده(۱)

بمسافت یک کیلومتری آباده از جانب ایزد خواست جادهٔ فرعی ازشاهراه بطرف مغرب منشعب میگردد کـه‌چون چهاریا پنج کیلو متردر آن طیّ مسافت کنند به‌دهکدهٔ رحمت‌آباد میرسند وپس‌از آن درحدود ده الی دوازده کیلومتر که از رحمت‌آباد بجـانب مغرب پیش بروند رودخانهٔ کوچکی ظاهرمیگردد ـ آنسوی رودخانه چند تپهٔ کوچک‌است وپشت تپه‌هادشت وسیعی وجود دارد ـ در ابتدای دشت ویرانه‌های قلعه‌هائی هست که بنام **کوشک زر** خوانده میشودوچنین شهرت دارد که این محل بقایـای همان هفت گنبد معروف بهرام گوراست کـه موضوع قسمتی ازدیوان نظامی بوده سرایندهٔ عالیقدرشرح آنهارا بتفصیل‌دراشعار خودآورده است .

## ۲ ـ توضیحاتی دربارهٔ ابرقو

طی صفحات ۳ تا ٦ متن کتاب دربارهٔ ابرقو وآثارتاریخی‌آنجا اطلاعـاتی که مناسب‌بنظرمیآمدذکر گردیددرشهریورماه ۱۳٤۰براهنمائی دانشمندمحترم آقای ایرج افشارمقاله‌ای راکـه بوسیلهٔ ایشان تهیّه ودرمجلهٔ دانش ـ شمارهٔ ٤ تیرماه ۱۳۲۸ص ۲۳۲ تا ۲۳٤ـ چاپ شده بود ملاحظه نمودم که حاوی اطلاعـات مفیدی‌راجع‌به‌ابرقوبوده مطالب‌جالبی‌از کتب مختلف‌قدیم‌را درا ینباره‌دربرداشت از جملـه اشاره به مزار طاووس الحرمین کـه در کتـاب نزهة القلوب حمدالله مستوفی مرقوم گـردیده وضمن تـوضیح مقبرهٔ حسن بن کیخسرو(صفحهٔ ٥ متن کتاب)نام‌آن مذکورافتاد وهمچنین‌قسمتهائی‌ازرسالهٔ ساحت‌نامه جنوب‌ایران‌را کـه در ۱۲٥٦ قمری نوشته شده است دربر دارد لذا بـا اظهار سپاسگزاری از

(۱)اطلاعات راجع به‌کوشک‌زرازطرف‌آقای محمد علی دبیری دراختیار اینجانب گذارده شده است .

دانشمند معزی الیه قسمتهائی ازمقالهٔ مورد بحث ومطـالب مذکوردرآنرا برای مزید اطلاع علاقه‌مندان بموضوع دراینموردنقل مینماید[۱]:

« ..... ابرقورا در کتب قدیمه بصورمختلف ابرکوه ـ بر کوه ـ ابرقویه ـ ابرقوه ـ ور کوه ـ ابرقونوشته‌اند .

« ...... درقدیمترین کتـاب جغرافیـای عمومی فارسی یعنی «حدود العالم من‌المشرق الی المغرب» که قریب بچهار صد سال بعد از اسلام نگارش یـافته از ابرقوباین شرح یاد شده است«ابرقوشهری است بانعمت سخت بسیارودرحوالی‌وی تلهاست‌بزرگ از خاکستر»وراجع به قبل از حملهٔ عرب بایران افسانهٔ ازآتش گذشتن سیاوش را باید نوشت . امین رازی در تـذکرهٔ هفت اقلیم تألیف ۱۰۰٤ هجری قمری‌آورده است که :«گویند که کیکاوس پسرخود سیاوش را درابرقوه ازآتش گذرانید وتل بزرگی که الحال هست همـان تل خاکسترسیاوش است» مرحوم‌محمدحسنخان‌اعتمادالسّلطنه‌درمرآت‌البلدان‌تألیف۱۲۹٤ بتذکرهٔ‌هفت‌اقلیم اشاره میکند ومیگوید : « ونیز اصطخری گفته در حوالی ابرقوه تل‌خاکستری است که عقیدهٔ سکنه اینستکه خاکسترآتش ابراهیم‌است ... ودردبستاق(اوستا) کتاب مجوس‌است که سعدی(سودابه)دخترتبع زوجهٔ کیکاوس عاشق‌پسر کیکاوس کیخسروشد واورابمواصلت خود دعوت نمود کیخسرو که این شنید برای‌برائت خودآتشی عظیم افروخته گفت که این‌آتش‌امتحان من‌است وارداین‌آتش‌میشوم وازآن عبورمیکنم اگرخیانتی درخاطرهٔ من بوده این‌آتش مراخواهد سوخت‌و واگرنسوختم دلیل موجّهی است برپاکی دامن این بگفت وپادرمیان‌آتش‌نهاده وازطرف محاذی بسلامت بیرون‌آمد ورفع تهمت ازاو شد وابن تل خاکستررا کوه ابراهیم مینامند وحال‌آنکه حضرت ابراهیم فارس‌را ندیده وواقعهٔ‌نارخلیل درکوثا بوده دردهکده است دربابل .....»

درهمان‌مقاله ضمن‌نقل ازفارسنامهٔ‌ابن‌بلخی که درسال ۵۱۰ تألیف گردیده

---

۱ـ برای‌تحصیل‌اطلاعات مفید ووقوف‌برمتن کتبیه‌های مهمترابنیهٔ تاریخی‌ابرقو میتوان از مجلد اول جلد اول کتاب آثارایران(چاپ تهران‌وهارلم هلند ۱۳۱٤ شمسی)نیزاستفاده شایان‌نمود.

است به‌جمله‌ای از کتاب مزبور که مینویسد ابرقوجامع ومنبردارد اشاره شده و نویسندهٔ محترم مقاله چنین توضیح میدهد : « مراد صاحب فارسنامه از جامع ، مسجد جامع میباشد . اما مسجد جامع معروف ابرقو که امروز هم بجا است بموجب تحقیقات دانشمندانی مثل آندره ـ گدار بسال ۸۱۸ بنا گردیده [۱] در حالیکه فارسنامهٔ ابن البلخی بین ۵۰۰ و ۵۱۰ هجری پرداخته شده و این اختلاف باین نحو از بین میرود که از سالهای قبل از ٤٤٨ اساسی از برای مسجد ریخته شده و بعداً بصورت مسجد جامع در آمده و تکمیل شده است[۲] » حمدالله مستوفی در نزهت القلوب که بسال ۷٤۰ نگارش یافته گوید :«از اقلیم سیم است ومردمش اکثرپیشه‌ورباشند وبطاعت وعبادت مشغول وازمزاراکابردرآنجا طاووس‌الحرمین است وآن تربت را خاصیّتی است که اگر مسقف‌میگردانند خراب میشود تا بمرتبه‌ای که سامان کرپاس نمیپذیردو گویند که دربرقوه جهودی چهل روز اگربماند نماند و مواضع بسیاراز توابع ابرقوه است واز جمله دیه مراغه[۳]ودرآنجا سروی است که شهرتی عظیم داردچنانکه درعهد کیانیان سرو کشمیر وبلخ شهرت داشت واکنون ازآن بلندتر وبزرگتر است . »

دردنبالهٔ همان مقاله چنین نوشته است : «درسال ۱۲۵٦ قمری محمّد شاه قاجارشخصی‌رابرای مطالعه درامورشهرهای‌جنوب ونقشه برداری ازآنهاوممیّزی سرحدّات مأمورمیکندواوپس‌ازمراجعت رساله‌ای بنام«سیاحت‌نامهٔ جنوب‌ایران» تهیّه کرده تقدیم میدارد درآن رساله گوید :

« ......آنچه از روی تحقیق وبصیرت ملاحظه شد این است که سمت‌شمال ابرقوه بفاصلهٔ هشت‌فرسنگ بقدربیست وپنج درجه میل بمغرب کوهی‌است‌بسیار

---

۱ـ محراب موجود درایوان شرقی مسجد جامع ابرقومورخ بسال ۷۳۸ میباشد ودرمقاله آقای گداردرجلد اول آثارایران نیز بدان اشاره شده است ـ مؤلف

۲ ـ نویسندهٔ محترم مقاله علت ذکرسال تاریخ ٤٤٨ را بیان نفرموده‌اند .

۳ ـ این نام درمرآت البلدان مراغنه و درسیاحت نامهٔ جنوب ایران که وصف آن بیاید فارسه ضبط شده است(نقل از اصل مقاله)

مرتفع که موسوم به کوه «اخلع» است و بفاصلهٔ ۱۴ فرسنگ از سمت شمال بقدر چهل درجه میل بمشرق کوهی است بسیار مرتفع بسیار بلند که مسمّی بعلی آباد است و راهی که از ابرقوه به یزد میرود از دامنهٔ آن کوه است و بفاصلهٔ پانزده فرسنگ بسمت شمال بقدر هشتاد درجه میل بمشرق کوهی است مرتفع موسوم بکوه «ارنون» است و اصل وسعت شهر ابرقوه بمرتبه‌ای است که بیست هزار خانوار میتوانند در آنجا مسکن نمایند و بالفعل چهار هزار خانوار بیش نیستند. الحق حصارش نیك و شهر بندیش روی یك پارچه سنگ و هیکل برجش همچون افراسیاب قلب شکن و پیکر حصارش چون اسفندیار روئین تن و چند جای خندقش از سنگ بریده شده است و سمت میان شمال و مغرب شهر ارگ است و از آبادی شهر جدا و یکطرف شهر واقع شده و طول ارگ مزبور دویست و پنجاه قدم و عرض یکصد و پنجاه قدم است و اصل زمین ارگ بکلّی سنگ و سنگش بسیار صلب و سخت است و حصارش از سنگ و آجر و برروی سنگ ساخته شده و قطر آن حصار چهار زرع و مزغلها بجهت تیراندازی دارد. لیکن جای توپ ندارد و چهار گوشهٔ ارگش چهار برج مدوّر است و چنان قلعه‌ای است که حصاربندش با دریچهٔ کیوان دم همسری زدی و پاس دادن حصن حصین‌اش باسپاه انجم لاف برابری نمودی.

فلك کرد درخاکریزش نگاه　　　زخورشید افکند از سر کلاه

وبسیار حیرت و تعجّب حاصل میشود که با اینگونه مخارج گزاف و این قسم استحکام چرا خبط کرده و غلط ساخته‌اند و اصل زمین ارگ مساوی شش ذرع از زمین شهر و صحرا مرتفع است و درون ارگ‌را به هیچوجه آبی نیست و اهالی آنجا مذکور ساختند که سابق براین چاه آبی داشته است و جمیع عمارت و انبار است و کشیك‌خانه‌های ارگ بکلّی خراب و منهدم شده است و قلیلی هم از حصارش نیز خراب شده است و تمامت کوچه‌های شهر و ارگ از سنگ‌های بزرگ مفروش است که سواره بایدبطور احتیاط برود و زمین‌شهر ماسه است و دهات بسیار درحومهٔ آنجا واقع و بی‌نهایت منظّم و منسّق است محصولات آنها بعد از وضع مالیات و متوجّهات و کفایت مخارج خودشان هرساله معادل سی هزار خروار زیاده دارند

که به‌یزد برده میفروشند وخارج شهرش خرابهٔ بسیارو قبرستان بیشماراست که درآن خرابه‌هامسجدی چند است که بنایش بسیار نیك وخوب ومقبول‌قلوب‌است و از این‌آثارها (!) مشخّص میشود که درایّام قدیم آبـادیش بسیارو جمعیّت اش بیشماربوده ..... »

## ۴ـ دژ استحکامی پاسارگاد

ضمن بررسی جلد اوّل کتاب تخت جمشید (Persepolis - I) تألیف دکتر اشمیت که درمواردی چند نام‌آن درمتن کتاب اقلیم پارس برده شده است عکس هوائی نمایان وکاملی از تمام محوّطهٔ پاسارگاد وآثارباستانی مختلف‌آنجا درج گردیده‌است (شکل۳ صفحهٔ۹ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکر) عکس مزبوردر نخستین لحظات‌طلوع خورشید گرفته شده وضع سایه وروشن‌آن طوری است که ناهمواریها وعوارض زمین وبقایای ویرانه‌هاوآثارموجودپاسارگاد درآن‌بخوبی تشخیص میگردد . وبا ملاحظهٔ عکس مزبور که قسمتی ازآن دراین کتـاب نقل شده است(ش ۲۰۴)برج وباروی محوّطهٔ استحکاماتی وسیعی درجانب شمال غربی صفّهٔ تخت مادرسلیمان بوسیلهٔ خطوط سایه وروشن نمودار‌بوده ومیرساند بقایای دژ استحکاماتی پاسارگاد یعنی محل‌پادگان پایتخت کوروش کبیردرآنجا درون خاك نهفته است.

آنچه‌ازروی عکس‌مزبوربرمیآید دژمورد ذکربصورت کثیر‌الاضلاع‌نسبتاً منظّمی‌بوده تاآنجا که میتوان‌تشخیص دادعدّهٔ اضلاع‌آن بالغ برده عددمیگردد وخطّ‌الرّأسهای تپّه‌های مجاورصفّه مـادرسلیمان درجانب شمال غربی عموماً برای محلّ بنیاد نهادن اضلاع دژ مورد استفاده قرار گرفته وصفّه مادرسلیمان‌نیزضلع جنوبی کثیر الاضلاع را درگوشه جنوب شرقی دژ تشکیل میداده است طـول و عرض محوّطه دژ بطور کلّی هر کدام درحدود۶۰۰مترمیباشد .

درصفحهٔ۲۱ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکر نیز توضیحات مشروحی‌دربارهٔ دژمزبورومحلّ پادگان ذکر گردیده است که‌البتّه ذکرآنهاباعث اطناب‌مطلب

بیش از آنچه درخوراین کتاب باشد خواهد بود ـ ضمناً طبق اطّلاع حاصله یك هیئت علمی انگلیسی تصمیم دارند با همکاری و شرکت اداره کلّ باستانشناسی و مؤسّسهٔ باستانشناسی دانشگاه طهران درقسمتهائی از محلّ باستانی پاسارگاد خاکبرداری وکاوش‌علمی‌نمایند ودژمزبورنیز برای اینگونه تحقیقات و تجسّسات علمی مورد نظرقرار گرفته است .

## ۴ ـ آرامگاههای کامبیز و بردیای دروغی

درصفحهٔ ۲۵ کتاب تخت جمشید(جلد اوّل)تألیف‌آقای دکتراشمیت‌اشاره باین امرشده‌است که دومحلّ‌رااحتمالاً آرامگاه‌کامبیز دانسته‌اند یکی درجوار پیکرپدرش کوروش یعنی‌درآرامگاه‌اودرپاسارگاد ودیگری‌صفّهٔ‌سنگی‌نیمه‌تمام بنام تخت‌رستم در نزدیکی تخت‌جمشید ـ ضمناً دکتر اشمیت یادآور گردیده است که درصورت صدق شقّ‌اخیرباید متذکّربود که‌کامبیز پیش از داریوش‌نسبت بانتقال پایتخت خاندان هخامنشی از جلگهٔ پاسارگاد به‌جلگهٔ مقابل‌تخت‌جمشید (یعنی جلگهٔ مرودشت ) توجّه داشته است .

درهمان صفحهٔ کتاب مزبوردربارهٔ آرامگاه گئومات مجوس(که خود را بطوردروغ بنام بردیافرزند کورش کبیروبرادرکامبیزمعرّفی نمود ومدّت کوتاهی ازراه خدعه‌پادشاهی کرد)مینویسد که شخص‌نامبرده درتاریخی که‌باهفتم‌مهرماه سال ۵۲۲ پیش ازمیلاد برابر بود در محلّی بنام سیکایوواتیش در سرزمین ماد بدست داریوش وهمراهانش کشته شد ـ مؤلّف کتاب تخت جمشید احتمال میدهد ناحیهٔ کنونی سکاوند همان محلّ سیکایوواتیش قدیم باشد و دخمهٔ سنگی سکاوند واقع در۱۵ کیلومتری بین مغرب و جنوب غربی هرسین که در کتب دانشمندان مختلف خارجی بنامهای اسحق‌وند وده‌نو وفرهادتاش خوانده شده است به گمان بعضی ازمحقّقین‌وباستانشناسان آرامگاه گئومات‌نامبرده یابردیای دروغی‌میباشد.

## ۵ ـ سلسلهٔ نسب هخامنشیان

چون‌نام شاهنشاهان هخامنشی‌درضمن توصیف‌آثار پاسارگاد و تخت‌جمشید ونقش رستم‌ذکر گردیده است واساساً اهمیّت سلسلهٔ هخامنشی وبنیاد شاهنشاهی مزبور که بوسیلهٔ کورش کبیر نهاده شده مورد توجّه‌خاصّ و عامّ است لذا مناسب دانست‌نام کلّیه شاهان هخامنشی‌را باذکرسالهای‌پادشاهی ایشان از روی‌فهرستی که درصفحهٔ ۱۸جلد اوّل کتاب تخت جمشید تألیف دکتر اشمیت ذکر گردیده است (بفهرست منابع مراجعه شود) برای مزید افادهٔ علاقه مندان بشرح زیر نقل نماید :

**هخامنش ۷۰۰ تا ۶۷۵ ق ـ م**

**چیش‌پش ۶۷۵ تا ۶۴۰ ق ـ م**

آریارمنه ۶۴۰ تا ۶۱۵ ق ـ م
آرشام ۶۱۵ ق ـ م ؟
ویشتاسپ
داریوش‌اول (بزرگ) ۵۲۲ تا ۴۸۶ ق ـ م

کورش‌اول ۶۴۰ تا ۶۰۰ ق ـ م
کمبوجیه‌اول ۶۰۰ تا ۵۵۹ ق ـ م
کورش‌دوم (بزرگ) ۵۵۹ تا ۵۳۰ ق ـ م

بردیا (گئومات‌مجوس) ۵۲۲ ق ـ م
کمبوجیه دوم ۵۳۰ تا ۵۲۲ ق ـ م

خشایارشا ۴۸۶ تا ۴۶۵ ق ـ م
اردشیر اول ۴۶۵ تا ۴۲۳ ق ـ م
داریوش‌دوم ۴۲۳ تا ۴۰۴ ق ـ م

اردشیردوم ۴۰۴ تا ۳۵۹ ق ـ م
اردشیرسوم ۳۵۹ تا ۷ ـ ۳۳۸ ق ـ م
ارسس ۷ ـ ۳۳۸ تا ۵ ـ ۳۳۶ ق ـ م

اوستانس
آرشام
داریوش سوم ۵ ـ ۳۳۶ تا ۳۳۰ ق ـ م

دانشمند گرامی آقای سبکتکین سالور در کتاب محقّقانهٔ خود بنام بنیاد

شاهنشاهی ایران[۱] چنین مرقوم داشته‌اند: «پدر آریارامنا چیش‌پش دوّم بوده و پسر دیگر او کورش دوّم میشود و خود چیش‌پش هم پسر کورش اوّل است نه پدر او و کورش اوّل پسر کمبوجیه اوّل و کمبوجیه اوّل پسر چیش‌پش اوّل است که معلوم نیست او پسر هخامنش هست یا نه .....» (نقل از صفحهٔ ۱۲۷ کتاب مزبور)

بطوریکه ملاحظه میشود نوشته و عقیدهٔ نویسندهٔ محترم کتاب بنیاد شاهنشاهی ایران با آنچه در کتاب تخت جمشید دکتر اشمیت و مؤلّفات دیگر بعضی دانشمندان خارجی نگاشته شده است اختلاف دارد. ضمناً ذکر این نکته را مناسب میداند که داریوش بزرگ در سطرهای سوّم تا ششم نخستین لوحهٔ نبشتهٔ بیستون نسب خودرا چنین معرّفی نموده است: «داریوش شاه گوید پدر من ویشتاسپ (بود) ـ پدر ویشتاسپ آرشام ـ پدر آرشام آریارامنا ـ پدر آریارامنا چیش پش ـ پدر چیش‌پش هخامنش (بودند)».

شادروان حسن پیرنیا (مشیرالدّوله) در تألیف گرانمایهٔ خود بنام **ایران باستانی** (چاپ طهران ـ ۱۳۰۶ شمسی) صفحات ۷۹ و ۸۰ در بارهٔ سلسلهٔ نسب هخامنشیان هردو گونه نظر سابق‌الذکر را مورد بررسی قرار داده است که علاقه مندان باین امر میتوانند بدان مراجعه نمایند.

ضمناً مناسب میداند ترجمهٔ چند سطر از ابتدای مطلبی را که تحت عنوان نخستین شهریاران هخامنشی درصفحهٔ ۱۹ کتاب تخت جمشید سابق‌الذّکر مرقوم رفته‌اشاره‌ای به‌دخمهٔ سنگی **داود دختر** در آن شده‌است دراین‌مورد نقل نماید:

«کتاب حاضر مربوط به‌بنیادگزاران دستگاه شاهنشاهی پارسه یا تخت جمشید است وبایستی از مؤسّس وبانی آن یعنی داریوش اوّل آغاز سخن نمائیم ولی‌ضرورت‌دارد لااقلّ کارهای ساختمانی دودمان سلطنتی هخامنشی را که پیش‌از داریوش اوّل انجام گرفته‌است تا حدّ معلوم بطوراختصار دراینجا مذکورداریم ـ از محلّ اقامت سر دودمان سلسلهٔ هخامنشی که ظاهراً درنیمهٔ اوّل قرن هفتم پیش از میلاد برسرزمین پارسوماش[۲] درشمال شرقی خوزستان سلطنت میکرد

---

۱ـ از انتشارات اقبال ـ تهران ۱۳٤۰

۲ـ به‌عقیدهٔ بعضی‌دانشمندان این کلمه نام تحریف شدهٔ پارس است.

اطّلاع صحیحی دردست نیست ــ چیش‌پش ابتدا بسرزمین مجاور یعنی انزان حمله نمود وسپس فراتر از آن رفته بسمت جنوب شرقی یعنی سرزمین پارسه تاخت و برقلمرو سلطنت پدرش افزوده آنرا وسعت داد ــ محلّ پایتخت این کشور کوهستانی که پادشاه مزبور بر آن حکومت مینمود ودر آنزمان دست نشاندهٔ ماد بود معلوم نیست ــ یك دخمهٔ سنگی جالب توجّه موسوم به داود دختر (دایه ودختر) که در کوهستان نزدیك نقوش برجسته کورانگون بین بهبهان و تخت جمشید قرار دارد بیکی از شاهان هخامنشی که شاید چیش پش یعنی پدر کوروش اوّل باشد نسبت داده میشود[۱] ــ محلّ کاخهای پسران چیش‌پش یعنی کورش اوّل و آریارامنه معلوم نیست ــ بطوریکه گفته‌اند ناحیهٔ پارسوماش به پسر اوّل و ناحیهٔ متصرّفی انزان (که بعداً انشان خوانده شد) وپارسه به پسر دوّم رسید .....»

## ۶ــ توضیح دربارهٔ نقش فروهر

نقش برجستهٔ شبیه انسان که دروسط حلقه‌ای قرار دارد ودر دوجانب حلقه نقش دوبال را قرار داده‌اند در حجّاریهای تخت جمشید و آثار مختلف دوران هخامنشی مکرّر نموده شده است .

دربسیاری موارد نقش مزبور بنام نقش آهورا مزدا خوانده یا معرّفی میگردد ــ طبق اظهار آقای اردشیر جهانیان دانشمند زردشتی این نامگزاری درست نیست و نقش مورد ذکر مظهر و نمایندهٔ فْرَ وَهرْ (Fra Vahar) است .

فْرَوَهرْ یکی ازپنج ترکیب روان انسانی است ــ روان پنج ترکیب دارد بدینقرار : ۱ــ فْرَوَهرْ یعنی روان مجرّد یا روان منزّه ۲ ــ وجدان ۳ ــ جان (حرارت وعشق غریزی) ٤ ــ خرد ٥ ــ روان یاروح .

---

۱ــ مؤلف کتاب تخت جمشید از وجود آرامگاه دیگر منسوب به کورش اول یا چیش‌پش پدروی که درجایگاه پسرا (ناحیهٔ سرمشهد) واقع بوده بنام گور دختر خوانده میشود اطلاع نداشته است ــ دربارهٔ بنای مزبور درصفحهٔ ۱۱۸ متن کتاب بطور اختصار مطالبی ذکر گشته گزارشهای مشروح واطلاعات بیشتر راجع بآن هم تحت عنوان جداگانه درقسمت ــ۱۹ــ از ذیل کتاب مرقوم رفته است

نقش برجستهٔ بالدارنمایندهٔ فروهر است که یکی از پنج ترکیب روان انسانی باشد وهیچ ارتباطی بااهورامزدا ندارد ـ اهورامزدا دارای شکل وتصویر ومجسّمه ونقش برجسته نیست .

## ۷ ـ نبشته‌ها و یادگارهای مختلف درکاخ کوچك داریوش و برخی نقاط دیگر تخت جمشید

بطوریکه در صفحهٔ ۲۹ متن کتاب ضمن توصیف کاخ کوچك داریوش (تچر ـ تالار آئینه) اشاره شد علاوه بر نبشته های میخی بنام داریوش و خشایار شا و اردشیر سوم که نمودار مراحل مختلف ساختمانی کاخ مزبور بوده مفاد آنها بطور اجمال در صفحهٔ سابق‌الذکر نقل گردیده است نوشته های متعددی هم‌بخطوط پهلوی وکوفی وثلث ونسخ ونستعلیق برسنگهای مستحکم کاخ‌نامبرده نقر شده امتیاز مخصوصی ازاین بابت به کاخ‌کوچك داریوش بخشیده است اینگونه نوشته‌ها عموماً یادگار شاهان و بزرگان و رهگذران مختلفی است که طی گذشت روزگار آثار تخت جمشید را بازدید نموده هرکدام بنوعی احساساتی را که براثر دیدار اطلال‌آنجا پیدا کرده‌اند بصورت شعر یـا نثر نبشته‌اند ودر برخـی موارد اتفاقـات و وقایـع تاریخی مربـوط بزمان خود راکه مقارن با چنین دیداری بوده است ذکر نموده‌اند وبرخلاف نبشته‌های میخی تخت جمشید کـه مضمون عموم آنها شبیه یکدیگر بوده حاوی ستایش‌آهورامزدا وذکرنام پادشاهی که هرقسمت ازآثارتخت‌جمشید در زمان اوساخته شده است‌میباشد (درذیل صفحه ۲۳ متن‌کتاب توضیح این قسمت ذکرشده است ) نوشته های یادگـاری سابق‌الـذکر دارای مضامین گوناگون و مربوط بادوار مختلف تاریخی است ونمونه‌های متنوع خطوط وطرزانشاء وبیان احساسات بانواع‌مختلف درآنها وجود دارد ـ علت‌انتخاب سنگهای کاخ‌کوچك داریوش برای نقر اینگونه نبشته‌ها خوبی واستحکام سنگهای مزبور ومحفوظ ماندن ازآتش اسکندر وآسیبهای ناشیه ازآن بوده‌است .

باتوجه به توضحات فوق اینك بطـور اجمال مهمـترین نبشته های مزبور را بشرح زیـر معرفی مینماید :

۱و۲ ـ برضلع جنوبی تخته سنگ بدنهٔ شرقی درگاهی بین ایوان و تالار دو نبشتهٔ پهلوی مربوط بزمان شاپور دوّم (۳۱۰ تا ۳۷۹ میلادی) منقور است ـ ترجمهٔ آنها درکتاب پایکولی ـ تألیف پروفسورهرتسفلد[۱] (چاپ برلن ۱۹۲٤ میلادی ـ جلداوز صفحهٔ۱۲۱) وبعضی‌انتشارات دیگردانشمندان خارجی مندرج میباشد ونگارنده با استفاده ازکتاب پایکولی ونسخهٔ مدوّن درس تمدّن ساسانی

(1) PAIKULI Ernst Herzfeld ،Volume I Page 121 Berlin MCMXXIV

دانشکدهٔ ادبیّات شیراز که ازطرف دوست دانشمندم آقای علی‌سامی نگاشته‌شده است مفاد دو کتیبهٔ مزبور را بصورتی که ساده ومناسب با کتاب‌حاضر باشدترجمه واستنساخ نموده ذیلامذکور میدارد :

ترجمهٔ کتیبهٔ بالائی : (اصل آن در ۱۲ سطر نقرشده است)

**درماه اسپندارمز بسال ۲۲ پادشاهی‌خداپرست خدایگان شاهپورشاهنشاه ایران و غیر ایران که از نژاد خدایـان است درآنزمان بودکه شاهپور سکانشاه پادشاه هند (سند) و سیستان و تخارستان ( افغانستان فعلی ) دبیران دبیر پسر خداپرست‌خدایگان هرمزد شاهنشاه ایران وغیر ایران ازدرگاه خدایگان (یعنی شاپور دوم)مرخص‌گردید وباین‌راه براستخراندر سوی سیستان شدو بامهربانی ومتانت . . . به‌ست ستون (۱) آمد وبوسیلهٔ او هرچیز دراین‌کاخ . . . . بود و بوسیلهٔ او باتفاق ورهران هور مزد اندرزبد سیستان ونرسی مغ پسراوراز .... ونیایش بعمل‌آمد و نرسی پسرموبد گرازان و .... ی‌ن‌ی (؟) پسر دیو مهران شتربان (شهربان) زرنگا ونرسی دبیرودیگر پارسیان آزاد و سیستانیان آزاد و مردمی از شهر زرنگا وفرستادهٔ همه فادوسپانان (نزداوآمدند) ومرجان (۲) با ایشان بود پس‌بزرگ شادی کرد (شادی‌فراوان‌کرد) وبه بنایان فرمان داد کار کنند ( یابه‌کارگران فرمان داد پایه‌ای بسازند) وبرای پدر ونیای خود نیایش نمود پس‌بهرمز پدر آفرین‌کردپس‌به‌شاهنشاه شاهپور آفرین‌کرد پس‌بخویشتن آفرین‌کرد پس‌بآن‌کسان که‌این‌کاخ‌را ساختند آفرین‌کرد .**

ترجمهٔ کتیبهٔ زیرین : (اصل آن درده سطر ونیم نقرشده است)

**«درماه تیر سال چهل وهشتم .... (یعنی سال ۴۸ پادشاهی شاپور دوم) درروزاورمزد(نخستین روزماه) این (یعنی‌اینجانب)سلوکوس پسرراست‌شاهپور و کاور قاضی بـه ست ستون آمدیـم وکتیبه ای‌کـه سابقاً نبشته شده شاهپور سکانشاه دستور داده بود آنرا بنویسند ازطرف ما دستور داده‌شد قرائت گردد واز طرف‌ما عرض‌نیایشی‌شد که شاهپور شاه شاهان بهترین‌مردان و جاویدان و**

(۱) یعنی‌صد ستون ازاین‌کلمه معلوم میشود تخت جمشید را در زمان ساسانیان بدین [illegible] میخوانده‌اند وبا توجه بتعدادستون‌های مانند آنجا [illegible] یقینا [illegible] عدهٔ بیشتر [illegible] بود چنین نامگذاری بسیارمناسب بنظرمیرسد .

(۲) محل‌حروف جـ درکتیبه‌ریخته وپروفسورهرتسفلد معتقداست که درمحل‌مزبورحروف جـ نقربوده است وبنابراین کلمهٔ مرجان‌میشود

نجات‌دهنده کشور شاهنشاهی است و شاهپور سکانشاه .... باشد و هر کاری را که بوسیلهٔ خدایان و بوسیلهٔ شاهپور شاه شاهان انجام یافته نیکو است .... و بنابراین و بدلیل آنچه در . ... اجرا میکند که خدایان و اعلیحضرتشان شاهپور شاه‌شاهان از راه خداپرستی .... واز آنجا دوردست مستقیماً بدرگاه اعلیحضرتشان‌میآید و اعلیحضرت شاهپور شاه‌شاهان ازراه لطف دور دست آمده است و ... .. ازراه لطف دوردست بجانب کاور می آید»

۳ ـ درسمت چپ دو نبشتهٔ پهلوی فوق نبشتهٔ زیر در ۸ سطر کـوتاه بخط کـوفی نقـر کردبده است :

بسم‌الله حضرةالامیر الجلیل عضدالدوله فنا خسرو بن‌الحسن سنة اربع و اربعین وثلثمائه فی‌منصرفه مظفرامن فتح‌اصبهان واسرة ابن‌ماکان وکسرة‌جیش خراسان واحضر من قرامافی هذه‌الاثار من‌الکتابه .

ازنوشتهٔ بالا بر میآید که امیرعضدالدوله دیلمی درسال ۳۳٤ هجـری پس از پیروزگشتن در اصفهان واسیر نمودن پسر ماکان و شکست دادن لشگر خراسان هنگام عبـور ازتخت جمشید در آنجا توقف نموده وشخصی‌راکه نبشته‌های تخت جمشید را می‌خواند بدانجااحضارکرده است .

٤ ـ نبشتهٔ‌کوفی دیگر بنام عضدالدوله بردیوارهٔ داخل‌پنجره مجاور نبشته‌های فوق(پنجرهٔ سمت‌مشرق درگاهی بین ایوان‌وتالار) منقوراست‌که بشرح زیر خوانده میشود وبر اطلاعات حاصل ازکتیبهٔ سابق تاحدی میافزاید :

حضرةالامیر ابوشجاع عضدالدوله ایده‌الله فی‌صفر سنة اربع واربعین و ثلثمائه وقری‌له مافی‌هذه‌الاثار من الکتابه قراه علی‌بن السری الکتاب الکرخی ومار سعندالموبد الکازرونی .

بطوریکه ملاحظه میشود خوانندهٔ نبشته‌های تخت جمشید در محضر امیرعضدالدوله شخصی بنام‌علی‌فرزند سری (کاتب کرخی) بوده ومشارالیه نزد **موبدکازرونی** تمرین خواندن‌نبشته‌های مزبوررا میکرده است .

۵ ـ یك نبشتهٔ‌کوفی هم بنام پسر عصدالدوله بر بدنهٔ جانب چپ درگاهی مزبور محاذی نبشته‌های پهلوی‌ونبشتهٔ عضدالدوله در۷ سطرمنقوراست‌که‌سطراول آنرا آسیب بسیار رسانیده‌اند و متن‌کامل‌آن بدینقرار مباشد :

بسم‌الله الامیر الجلیل افتخارالمله بهاء الدوله و ضیاءالمله وغیاث الامه ابونصربن عضد الدوله و تاج‌الملة حرس‌الله امارته و ادام سلطانه هذالموضع متصیداً مع‌عسکر عظیماً ومعه امیرالامراء ابومنصوربن بهاءالدوله وضیاءالمله

**وغیاث‌الامه اطال‌الله بقا همافی سنة اثنین و تسعین وثلثمائه**

ازنبشتهٔ فوق برمیآیدکه ابونصر پسر عضدالدوله باتفاق فرزند خـود ابومنصور هنگام شکار با همراهی عدهٔ زیادی از لشگریانش در سال ۳۹۲ هجـری بتخت جمشید آمده اوقاتی رادر آنجا گذرانیده اند .

۶ ـ درقسمت بالای‌همان بدنه‌ای‌کـه نبشتهٔ کوفی فوق برآن منقور است (یعنی بالای بدنه سمت‌چپ درگاهی بین‌تالار وایوان) لوحه‌ای در۱۱ سطر بخط ثلث‌شبوا برجسته مرقوم رفته اشعارو مطالب آن بشرح زیراست :

**آنکه پاینده وباقیست خدا خواهد بود .**

**صحبت دنیـا که تمنا کنـد     باکه وفـا کرد که بـا ما کند**

**ملك سلیمان مطلب‌كان هباست     ملك همانست سلیمان کجاست**

**زین‌گهر وگنج‌که نتوان شمرد     سام چه‌برداشت سلیمان چه برد**

**خاك‌شدآنكس كه‌دربن‌خاك‌زیست     خاك چه‌داندكه دربن‌خاك‌چیست**

**هر ورقی چهرهٔ آزاده‌ایست     هرقدمی فرق ملك زاده‌ایست**

**عمر بخشنودی دلهـا گذار     تا ز تو خشنود بود کردگار**

**هر که بنیکی عمل آغاز کرد     نیکی او روی بدو بـاز کرد**

**حرره علی‌بن سلطانخلیل بن سلطان حسن اصلح‌الله شانهم فی‌شهور سنه احدی وثمانین وثمانمائه**

**یکی از عنایـات حقست ایـن     که نـه ساله‌ام مینویسم چنین**

کتیبهٔ فوق همانطور‌که ازقسمت اخیرآن برمیآید توسط سلطانعلی‌فرزند سلطان خلیل‌پسر سلطان حسن (اوزون‌حسن) آق‌قوینلو درسن۹ سالگی نوشته‌شده است (۱) .

۷ ـ کتیبهٔ دیگـری نیز بخط سلطان علـی بر دیوارهٔ داخل جمتی پنجره بین ایـوان و تـالار (ازجـانب مشرق) بخط نسخ برجسته نوشته شده که‌متن آن بقرار ذیل است :

---

(۱) باستثنای کتیبه‌های۶و۲۵ کلیهٔ نوشته‌های‌فارسی‌وعربی که درتلو این‌صفحات انتشار میابد از یادداشتهای‌شخصی‌نگارنده که درهنگام توقف درسالهای ۱۳۱۱ تا ۱۳۱۳ و مأموریتهای مختلف بعدی درتخت جمشیدازروی اصل‌آنها استنساخ‌شده بود نقل میگردد و آنچه‌درباره‌آن در کتب ایرانی و بیگانه منتشر‌گشته مورد استفاده و استناد واقع شده‌است ـ در مورد نبشتهٔ فوق پیش از آنکه نگارنده ازوجودآن اطلاع یافته متن آنـرا استنسـاخ نمایم در کتاب **راهنمای تخت جمشید** تألیف‌آقای حسن بصیری (چاپ طهران ۱۳۲۵) عکس‌ومتن آن درج گردیده بود و مـورد استفاده نگارنده واقع شده است راجع به کتیبهٔ ـ۲۵ـ نیز درموقع نقل آن که‌آخرین نبشته یادگاری مورد بحث است توضیح داده میشود

**الله الباقی**

**لامیر المؤمنین علی کرم الله وجهه**

**این الملوك التی کانت مسلطة حتی سقاها بکأس الموت ساقیها**
**کم من مداین فی الافاق قد بنیت امست خرابا و دارالموت اهلیها**

**حرره علی بن سلطان خلیل بن سلطان حسن وهو ابن تسع سنین.**

بطوریکه درجملهٔ اخیر ملاحظه میشود کتیبهٔ عربی فوق راهم سلطان علی سابق الذکر درسن ۹ سالگی نوشته است .

درزیرهمین کتیبه جملهٔ **هو الباقی و کل شیء هالك** دریك سطر مرقوم گردیده ودرسطر دیگر چنین نوشته است :

خط بندهٔ کمترین احمدبن حسن غلام حضرت شاهزاده عالمیان علی میرزا فی ۸۸۱ .

بنابراین سال تاریخ هردو کتیبهٔ سلطانعلی همان سال ۸۸۱ بوده معلوم میگردد دریك زمان آنها رانوشته است .

۸ ــ درمحل دیگر دیوارپنجرهٔ سابق الذکر (نخستین پنجره بین ایوان وتالار ــ ازجانب مشرق) کتیبهٔ زیر درشش سطر بخط نسخ نقر گردیده است :

**حضر شاهنشاه المعظم ملك الملوك محیی دین وغیاث عبادالله وقسیم خلیفةالله ابو کالنجار بن سلطان الدوله معز امیر المؤمنین اطال الله بقاه هذاالمکان روز بهمن(۱) من ماه ابان سنة ثمان و ثلثین واربع مائه متوجها بالطالع الا سعد الی کرمان و کان حضره فی سنة ثمان عشرةواربع مائه وهی سنةالفتح بفاروق (۲).**

کتیبهٔ بالا حکایت ازدوبار حضور ابوکالنجار درتخت جمشید مینماید یکی درسال ۴۳۸ هجری که عازم کرمان بوده و کتیبهٔ فوق رانوشته است ویکبار دربیست سال پیش از آن بسال ۴۱۸ که سال

(۱) ــ نام دومین روزماه درسال یزدگردی .

(۲) ــ این نوشته که موجز به ۴۳۸ هجری است ازقدیمترین نمونه های خط نسخ بشمارمیرود .

پیروزی آن‌شهریار درفاروق بوده است (۱)

فاروق دهکدهٔ آباد و وسیعی به مسافت قریب ۱۸ کیلو متری شمال شرقی تخت جمشید کنار شاهراه شیراز باصفهان میباشد و در صفحهٔ ۱۹ متن کتاب هم اشاره اجمالی باین قسمت شده است .

۹ ـ درمحل‌دیگر دیوارهٔ داخل‌همان پنجره کتیبهٔ زیربخط نسخ‌مرقوم رفته‌است :

بماند سالها این نظم و ترتیب — زما هر ذره خاك افتاده جائی

غرض نقشیست کز ما باز ماند — که هستی را نمی بینم بقائی

مگر صاحبدلی روزی برحمت — کند در کار درویشان دعائی

حرّره اضعف‌عبادالله الصّمد الغفور ابویزیدبن‌محمّدبن مظفّرالمنصور اللّهم اصلح شأنه و غفرله و لوالدیه و لجمیع المسلمین برحمتك یا ارحم الرّاحمین و یرحم‌الله قال آمینا فی‌اواخر ذی‌الحجّه اثنین وسبعین وسبعمائه . (۲)

۱۰ ـ کتیبهٔ زیر هم بردیوارهٔ داخلی پنجرهٔ مزبور بخط نسخ شیوا در سه سطر حك گردیده است .

این‌الا کاسرة الجبابرة الاولی — کنزو الکنوز فما بقین وما بقوا

کتبه ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ فی‌سنهٔ ۸۲٦ .

ابراهیم سلطان فرزند میرزاشاهرخ ونوادهٔ امیرتیمور گورکانی ازخوشنویسان عصرخودبوده کتیبهٔ دیگری هم در محل دیگر کاخ کوچك داریوش بهمین تاریخ نوشته است که ذکر آن (در شمارهٔ ۲۰) خواهد آمد .

۱۱ ـ درجای دیگر دیوارهٔ داخلی‌همان پنجره بخط ستعلیق‌شیوا چنین نوشته شده است:

(۱) ـ درکتاب آثار تاریخی مرودشت تألیف‌آقای علی‌سامی (چاپ شیراز ۱۳۳۱ شمسی) ضمن‌توضیح دربارهٔ ویرانه‌های شهراستخر اشاره‌میکندکه محیی‌الدین ابوکالیجار یاابوکالنجارفرزند فنا خسرو عضدالدوله بوده اورا ابوکالنجار مرزبان صمصام‌الدوله مینامیده وزمان فرمان‌فرمائی او از ۳۷۲ هجری‌بوده و بدستور اودر سال ٤۳٦ هجری شهر استخررا خراب وبرج وباروی آن را با خاك یکسان نمودند وساکنین آنجا رابکلی بشیراز کوچانیدند ( نقل ازصفحات ۳۲ و ۳۳ کتاب سابق الذکر ) .

(۲) به نبشتهٔ یادگاری شمارهٔ ـ۲۵ـ یعنی‌آخرین نبشتهٔ موردبحث دراین قسمت مراجعه شود .

الله الباقی

| | |
|---|---|
| ای همه هستی ز تـو پیدا شده | خاك ضعیف از تـو توانـا شده |
| زیـر نشین علـمت کائنـات | ما بتو قـایم چو تـوقایم بذات |
| هستی تـو صورت پیونـد نـه | تو بکس و کس بتو مانند نـه |
| هر که نـکو یا بتو خاموش بـه | هر چه نیاد تو فراموش به [(۱)] |
| ما همه فانـی و بقـا بس تـرا | ملـك تقاضـا و تقـدس تـرا |

بتاریخ یـوم الاثنین ۲۱ جمادی الثانیه کـه سال پنجاه و سه از سلطنت فرمان‌فرمای ماءوالطّین خلف اخلاف سیدّالمرسلین شاه‌طهماسب بهـادر خان بود سمت‌تحریر یافت حرّره‌المتوکّل ... الله‌عبدالله سلمان‌جابر الانصاری .

۱۲ ـ در پائین نوشته‌های سابق‌الذکر کتیبهٔ زیر بخط نسخ درسه سطرنقر گردیده است :

**حضر الامیر الاجل امیر الامراء عمیدالدین‌شمس‌الدوله ابی‌علی‌هزارسب‌بن سیف‌الدوله ابی‌الحسن نصر بن‌الحسن بن‌فیروزان مولی امیر المؤمنین‌مهدی . . . فی‌شوال سنهٔ اربع واربعین واربع مائه ◆**

۱۳ ـ نوشتهٔ زیربخط نسخ درپائین‌نوشته‌های بیش‌منقور است :

حضرها هنا ابوالفوارس‌بن زرمیان بن ابی‌منصور بتاریخ جمادی‌الاحد سنة ثلث وستین وخمس‌مائه مع‌مردوان‌بن ابوسعد ارکانی .

علاوه برآنچه گذشت نوشته‌های متعدد دیگراز قرن‌هفتم تا دوازدهم هجری بر دیوارهـای پنجرهٔ مزبور یعنی‌نخستین پنجرهٔ جانب شرقی بن تالار وایوان مرقوم رفته است کـه یادگارهای غیـر مهمی بنظر می‌رسد لذا از نقل‌عین آنها خـود داری می‌نمـاید و خلاصهٔ آنها را بشرح زیر مذکور میدارد :

---

(۱) آنچه درتمام کتیبه‌های مورد ذکر ازنظر خوانندگان گرامی میگذرد ازروی اصـل نوشته‌ها عیناً نقل گردیده است بنابراین‌اگر ایرادونظری دربارهٔ برخی‌کلمات یاطـرز نوشتن آنهـا باشد (ازقبیل نکویا ونیاد) مربوط باصل کتیبه است و نگارنده حق تغییر و تصرفـی را در اینگونه موارد بخود ندیده ام .

(یوسف‌مصری) ــ (محمود کنگری‌بتاریخ سنةعشرین وستمائه) ــ (حسین محمّد عبدالبهان الیزدی‌البیان (؟) فی تاریخ احدی وثلثین وستمائه) ــ (بیت انّ آثارنا .... الخ با ذکرنام‌نوراللّه بن‌پیرمحمّدالثانی الخطّاط وتاریخ ۹۸۲) ــ (بیت همان منزلست .... الخ باذکر تاریخ هجدهم‌شهر ربیع‌الاوّل که‌آفتاب درحمل‌بود سنهٔ ۱۱۹۳ ونام محمّدعلی‌ابن حاجی‌ابراهیم تاجراصفهانی) ــ (حاج یوسف‌علی‌ـ المغربــی) ــ ( یوسف سیداحمدبن ....... سعود ــ غلمان )ــ (جملةالعزّللّه بااشاره بحضوراحمدابن‌ابوجعفرابن‌البابائی‌وذکرتاریخ۶۴۸بزبان‌عربی) ــ(محمّدالکفتی غلام الحریری) ــ (حضرابوالوفای شهان قنبر فی‌سنهٔ اثنین وستّین) ــ (ناصربن ابوالوفا فی‌سنهٔ‌تسع وتسعین ) ــ (محفوظ بن ابراهیم فی ربیع الاوّل سنهٔ تسع و تسعین[1] )ــ (دوبیت دریغاکه بی‌ما ..... الخ و کسانی که‌ازما .... الخ با امضای بهزاد کنده‌کار بتاریخ ۳۲۰ که تصوّرقطعی می‌رود مقصود ۱۳۲۰قمری باشد) .

چند نوشتهٔ‌نسبتاًمحوی نیزوجوددارد که فقطاسم‌یا سنه یا اثردیگری ازآن معلوم‌است‌لکن قابل ذکر نمیباشد .

اینك نوشته‌های‌موجود دردومین‌پنجرهٔ بین‌تالار وایوان (پنجرهٔ شرقی مجاور درورود تالار) که‌قابل توجه بنظررسیده است ذکرمیگردد :

۱۴ ــ بردیوارهٔ شرقی‌پنجرهٔ مزبوربخط نسخ در۱۲ سطر چنین‌نوشته شده است .

**حضرالسلطان‌ابن‌السلطان والخاقان‌ابن‌الخاقان نور(یعنی‌شکوفه) حدیقةـ السلطنه نورحدقةالخلافة فرع الدوحة السنية ثمرة الشجرة العليه مظفر الحق والدنيا والدين مبارز الاسلام والمسلمين ابوعبدالله بن‌السلطان الاعظم السعيد مبارزالحق والدنيا والدين محمدبن المظفربن المنصور خلدسلطانه هذالمكان الغريب والبنيادالعجيب في‌غرةمحرم سنة‌ثلث وسبعين وسبعمائه كتبه‌احمدبن‌ولی نقشه مرتضى‌بن محمدالحلی .**

---

(۱) گمان‌میرود سه‌نوشتهٔ اخیر که سال تاریخ آنها بترتیب ۶۲ و۹۹ و۹۹ ذکر شده است مربوط بقرن‌هشتم هجری باشد زیرا درعصر مغول معمول بود که قرن را نمینوشتند ــ شاید هم مربوط بقرون بعدی باشد .

بطوریکه ملاحظه میشود نوشتهٔ بالا حکایت از حضـور ابوعبدالله فرزنـد مبارزالدین محمد (سرسلسلهٔ شاهان آل‌مظفر) درتخت جمشید درغرهٔ ماه‌محرم سال۷۷۳ هجری‌مینماید .

برای اطلاع بیشتر دربارهٔ موضوع این‌کتیبه به نبشتهٔ شمارهٔ ـ ۲۵ ـ یعنی آخرین نبشتهٔ یادگاری مورد بحث در این صفحات مراجعه شود .

۱۵ ـ بردیوارهٔ غربی همین‌پنجره نزدیك‌نبشتهٔ‌کـوفی‌بنام عضدالدوله (که ضمن شمارهٔ ٤ مذکور گردید ) بخط نسخ درسه سطر کوتاه چنین‌نقر گردیده است :

ابو اسحق‌بن محمود شاه

فی سنة

۷۳۸

دراین پنجره‌هم مانندپنجرهٔ پیشین نبشته‌هـای یادگاری غیرمهم چندی هست‌که ذیلا بطور اجمال ذکر مینماید :

«یاعلی بهست ونیست مرنجان .... الخ باامضای‌محمودبن ... مهر خواشقانی سنهٔ ۹۵۷ ) ـ (هوالله سبحانه غرض نقشیست ...... الخ بندهٔ کمترین خلق الله باحماد ملك احمد باحماد منصور مهر خواشقانی) ـ (هوالله‌الباقی‌کتبه بخش‌علی) ـ ( یادگار شیخ محمدبن حافظ شیخ جهرمی فی‌سنهٔ ۸۸۳) ـ (ذکرنام‌نورمحمد بربری‌الطشتی‌الاتابکی‌ضمن‌اشاره به‌حضوراو وتاریخ۹ذی‌قعده سنهٔ۶۶۸) ـ (اشاره بحضور محمود بن ابی‌الفتح ) ـ (چاکرشاه نجف سلطان‌حسین قصه‌خوان ۹۸۳) ـ (نوشتم دربن‌لوح ....... الخ باذکرنام سیدحسین‌بن‌علی‌کنارهٔ سنهٔ ۹۵۷) ـ (نوشتهٔ عربی مورخ بسال ۹۸۳ بوسیلهٔ شخصی‌که هنگام حضـوردر تخت جمشید اشعاری‌سروده ابتدای‌آن **وقفت‌معتبرا** بوده لکن بحك‌اشعار ونام‌خود موفق‌نشده است) ـ (بیت این‌نوشتم .... الخ کمینهٔ‌درویشان درویش ابواسحاق محمد شاه مهرخواشقانی) ـ (نقشه ایازحجارشیرازی‌این‌رقم‌تازه بربن کهنه سنگ کرد منقش قلم تیز چنگ تـابودم بعد بسی روزگار این سخنان ازجهت یادگار حرره‌العبد علی‌العرب اوصله‌الله الی‌من‌طلب سنهٔ۹۵۷) وما توفیقی الا بالله

مشمر کمال خودرا زسگان آستانش که بپایهٔ بلندی نرسند خودپسندان

چاکر خاندان آل علی الفقیر الحقیر بخش علی سنهٔ سبع و خمسین و تسعمائه

( جملهٔ عربی ابتدای نبشتهٔ اخیر وتاریخ‌آن بخط نسخ زیبا وبقیهٔ آن بخط درشت نستعلیق نقرگردیده است) .

نوشته‌های غیر مهم‌دیگری هم‌در پنجرهٔ نامبرده هست‌که ذکر آنهامفید بنظر نمیرسد لـذا بیش‌از آنچه‌گذشت دراین‌باره توضیحی نمیدهد وچون نبشته‌هـای پهلوی وکوفی وثلث که برجبههٔ جنوبی بدنه‌های سنگی درگاه‌بن‌تالار وایوان وجوددارد درآغاز امرضمن شماره‌های ۱ تا۶ مذکور

گـردیده است لـذا اکنون به‌نقل نوشته‌هـای داخـل پنجرهٔ غربی نزدیك درگاه بین تالار وایوان می پردازیم .

۱۶ ـ نوشتهٔ زیر بر دیوارهٔ شرقـی داخل اولین‌پنجرهٔ واقع درمغرب درگاه مزبـور نقر گردیده است :

اللّٰه‌الباقی کتبه ابراهیم سلطان‌بن شاهرخ فی‌سنهٔ ۸۲۶ .

طبق‌آنچه ازنوشتهٔ دیگری که بعداً ذکرخواهدشد برمیآید ابراهیم سلطان فرزند شاهرخ نوادهٔ امیرتیمور گورکان درماه‌شوال سال ۸۲۶ بتخت‌جمشید آمده است وچون شهریار مزبور خود ازخوشنویسان بنام‌بوده سه کتیبه بخط خویش‌درتالارداریوش بیادگار گذارده‌است که‌یکی‌ازآنهافوقاً ذکرشد ودیگری سابقاً ضمن‌شمارهٔ ۱ توضیح‌آن گذشت‌ونبشتهٔ سومی‌بعداًدرشمارهٔ ۲ مذکورمیکردد.

پنجرهٔ موردذکر نبشتهٔمهمی ندارد وبدین‌مناسبت مانندآنچه درمورد دوپنجرهٔ سابق‌الذکر عمل نمود بطور اجمال‌به‌سایرنوشته‌های آن‌اشاره‌میرود :

(بیت غرض‌نقشیست‌کزما .... الخ باامضای بدخال بن‌منصور بن‌ملك‌احمد مهرخواشقانی) ـ (امید بیکران داردبیزدان ـ ابوالمحسن‌غلام شاه مردان سنهٔ ۱۰۳۱) ـ (بخط بسیار محو دونوشتهٔ بد وناتمام‌ـ حضرابو ...... وثلثین واربع‌مائه)ـ (جهان‌یادگارست‌ومارفتنی بگیتی‌نماند بجز مردمی کتبه‌العبد چاکرمردان کنبدبن پیرمحمود بن‌نوروز کنبدالفیروزانی فی‌ثانی محرم‌الحرام سنهٔ ثلث وسبعین وسبعمائه) ـ (هوالمحسن ای همه‌هستی.........الخ حرره العبد الاقل ابوالمحسن‌بن منصوربن ملك‌احمد مهرخواشقانی بتاریخ شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۳۱) ـ (طرح کوفـی بنائی مشتمل بـرچهار علی ودرزیرآن کلمات اسداللّٰه‌الغالب علی‌ابن ابیطالب بیدنعمة) ـ (یاعلی عبده ملك احمدبن روزبهان محمدبن‌محمود مهرخواشقانی‌بتاریخ سنهٔ۱۰۳۱) ـ (یك‌بیت‌عربی که‌بر اثرنوشتن کتیبهٔ پیشبن‌ضایع کشته‌است وپس‌ازآن این‌کلمات‌خوانده میشود : حرره‌تراب اقدام‌الفقرا کمال‌بن خطیر بن‌محمد محمد الشیرازی فی‌شوال‌سنهٔ احدی وستین‌وسبعمائه هجریه) ـ (امضا ونام‌شیخ محمدبن‌الحاج محمد التبریزی المملانی المشرجی باذکرتاریخ ۸۲۶) ـ (جملهٔ‌نصرمن‌اللّٰه وفتح‌قریب ویك‌بیت فارسی که ازمصراع‌اول‌آن‌تنهاکلمهٔ **بود** موجودبوده مصراع‌دوم‌چنین‌است غرض‌ازیادگارنام‌بودوجملهٔ‌عربی‌ناقص ودر آخر امضای‌بلوربن بلخیر ) ـ (نام وامضای حاج‌احمدبن .... الشیرازی باذکر تاریخ فی‌اواخر شوال سنهٔ‌ثمان وستین‌وسبعمائه) ـ (نام‌غیاث‌الدین علی‌المرودشتی الشهیر بمستوفی‌بتاریخ‌شهرربیع‌الاول سنهٔ ۱۰۳۱) ـ ( یادگار تـا تمام بزبان عربـی در سه سطر بصورت مورب نـام سعیدبن سعد بـن عبداللّٰه المعلم ) ...

۱۷ ـ بردیوارهٔ سمت چپ (جانب غربی) پنجرهٔ آخری یعنی غربی‌ترین پنجرهٔ بین‌تالار و ایوان‌این کتیبه‌درشش‌سطر بخط‌نسخ‌نقر گردیده‌است :

رکاب همایون بندگی خاتون عظمی خلاصهٔ ملکات الدّنیا عصمة الدّنیا والدّین بدیع الجمال خاتون الامیر الاعظم السعید وظهیر الدّین بهرامشاه بن سلاق بن کنبد الایغوری خلّدالله عظمتها وسلطنتها درسنهٔ ثلاث وسبعین وسبعمائه هجریّه این مکان رفیع وبنای بدیع را مشرف فرمود .

کتیبه‌ای هم بردیوارهٔ سمت راست همان پنجره درهفت سطر نسبتاً درشت بخط نسخ مرقوم گردیده مشتمل برآیهٔ حاوی بقای ذات الهی وهلاك هرچیز دیگر وبازگشت بسوی پروردگار باذکر نام وامضای **علی بن شیخ محمد التبریزی** وتاریخ ۸۲۶ هجری بزبان عربی میباشد.

بربدنهٔ سمت راست (جانب شمالی) درگاهی غربی ایوان که نقش برجستهٔ دوسرباز نیزه‌دار بر آن حجاری گردیده است چندنوشته بخطوط نازك و ابتدائی عربی نقر نموده‌اند که یکی از آنها حاوی درخواست آمرزش بنام عبدالرحمن وفرزندانش موسی وجنید(؟) بوده مورخ بسال ۳۱۶ میباشد ودیگری اشاره بحضور احمدبن عبدالرحمن بن محمدبن الفضل بسال ۳۶۶ مینماید ویك نوشته بخط عبری دریك سطر ونیم پائین این دو کتیبه است وستارهٔ شش پر علامت قوم یهود بالای نوشته‌های مزبور دیده میشود و کتیبهٔ دیگری هم بخط ابتدائی ومغلوط عربی نزدیك همین کتیبه ها حاوی درخواست آمرزش بنام عبدالرحمن احمد وجوددارد واجمالا تصورمیرود کتیبه‌های بنام عبدالرحمن باستارهٔ شش پر وخط عبری وابسته بیکدیگر باشد .

کتیبهٔ دیگری هم بخط نسخ دردو سطر مشتمل برنام ابوعبدالله بن محمدبن عمر .... وابوالوفا المقرطی وجوددارد که تاریخ آن شعبان سنهٔ خمسة واربعین وخمسمائه ذکرشده است .

۱۸- بردیوارداخلی طاقچهٔ سنگی سمت مغرب ایوان (بین درگاهی سابق الذکر وجرزبلندسنگی ایوان) نوشتهٔ ذیل بخط ثلث شیوا در ۱۱ سطر منقور گشته درادوار بعدی عمداً آنرا حك نموده آسیب فراوان بآن رسانده‌اند وآنچه میسر گردید بشرح زیرخوانده‌شد :

**لمن الملك الیوم لله الواحد القهار.**

**این الاکاسرة الجبابرة الاولی — کنزوا الکنوز فما بقین فلابقوان**

**نه بر باد رفتی سحرگاه و شام — سریر سلیمان علیه السلام**

**بآخر ندیدی که بر باد رفت — خنك آنکه با دانش و دادرفت**

**درتاریخ اوایل ربیع الاول سنهٔ ثمان واربعین وسبع مئه رایات ارم نگار .......**
**پادشاه اسلام شهنشاه هفت اقلیم اسکندر زمان وارث ملك ..................**
**............ جمال الدنیا والدین فرمان فرمای جهان ................ شیخ**
**ابواسحق خلد الله سلطانه و اوضح ................ و طالع سعد**

**این‌مکان رفیع و بنیان‌بدیع‌را بوقت‌خرسند ومخیم‌جلال‌و معسکر فرو اقبال‌فرمود بوقت‌آنکه از ..... .................. امداد .............. آسمانی‌مملکت‌کرمان ویزد وسیرجان باجمیع‌توابع وملحقات آن بامماللك فارس ——— بحراً وبراً،بعداً و قرباً ملحق ومنضم شده‌بود وذلك فضل‌الله یؤتیه من‌یشاء والله ذوالفضل العظیم کتبه یحیی الجمالی الصوفی .**

نویسندهٔ کتیبهٔ فوق‌یحیی جمالی‌صوفی‌همان‌خوشنویس‌معروف‌زمان شیخ‌ابواسحق‌ازشهریاران آل انجواست که قرآنهای نفیس‌متعلق بآستانهٔ شاهچراغ‌را در سالهای ۷۴۵ و۷۴۶ هجری نوشته وکتیبهٔ سنگی‌معرق بنای‌خداخانه‌مسجد جامع عتیق‌شیراز مورخ بسال۷۵۲ هجری‌هم بخطاومیباشد (به‌صفحات ٦٤ و٦٦متن کتاب مراجعه‌شود) وباملاحظهٔ کتیبهٔ آسیب‌دیدهٔ موردذکرمعلوم‌میگردد در سال ۷٤۸ هجری‌یعنی درخلال‌مدت بین‌نوشتن قرآنهای مزبور (که‌ازطرف ملکه تاش خاتون مادر شیخ ابواسحق بآستانهٔ شاهچراغ وقف شده بود ) ونوشتن کتیبهٔ خداخانه هنگامی که شیخ‌ابواسحق‌به تخت‌جمشید رفته چندصباحی‌درآنجا توقف‌نموده بودخوشنویس نامبرده‌ازهمراهان‌اوبوده کتیبهٔ مزبور را مرقوم داشته است .

۱۹ ــ بربدنهٔ جنوبی همان‌طاقچه کتیبهٔ‌زیر درپنج‌سطر بخط ثلث مرقوم گردیده است :

حضر العبد الفقیر المحتاج‌الی‌ربّه‌الغفور مرتضی‌بن‌محمّدبن اسمعیل الحسنی الترمدی تعرف‌بحکّاك الاسطرلابی فی یوم‌الاحد حادی‌عشر من شهر محرّم‌الحرام سنة ثمان وستّین وسبعمائه .

۲۰ــ برروی پایهٔ سنگی‌بلند سمت مغرب ایوان‌درپائین‌کتیبهٔ مبحی عهدخشایارشا ابیات زیر بخط‌نسخ شیوا نوشته شده است :

**کرا دانی از خسروان عجم — ز عهدفریدون وضحاك و جم**
**که درتخت‌وملکش نیامدزوال — ز دشت حوادث نشد پایمال**
**نه بر باد رفتی سحرگاه و شام — سریر سلیمان علیه‌السلام**
**بآخر ندیدی که بر باد رفت — خنك آنکه بادانش‌ودادرفت**
**الا تا درخت کرم پروری — که بی‌شك برکامرانی خوری**

**کتبه ابراهیم سلطان بن شاهرخ فی سنةست وعشرین وثمانمائه .**

۲۱ ــ درداخل طاقچهٔ غربی تالار ردیف گوشهٔ جنوب غربی آن کتیبهٔ دیگر درپنج سطر بخط نسخ نقر گردیده است :

**بتاریخ شوال سنهٔ ست وعشرین و ثمانمائه که رایات نصرة شعار بندگی حضرة خلافت پناه پادشاه جهان اعدل خواقین ایران و توران مغیث الحق والسلطنه والدنیا والدین ابوالفتح ابراهیم سلطان خلدالله ملکه و سلطانه این محل رفیع ومکان منیع رامضارب خیام دولت و مراکز اعلام سلطنت گردانیدند کمترین بندگان علی الاطلاق کمال الدین ایناق عفاالله عنه که از بندگان درگاه است بکتابت این حروف شرف استسعاد یافت غرض نقشی است کزما بازماند که هستی را نمی بینم بقائی مگر صاحبدلی روزی بخواند کند درکار درویشان دعائی .**

کتیبهٔ فوق بـا کتیبه های شمارهٔ ۱٦ و ۲۰ که بخط سلطان ابراهیم فرزند سلطان شاهرخ است مقارن وهمزمان میباشد .

۲۲ ـ بربدنهٔ شمالی طاقچهٔ مزبور کتیبهٔ زیر بخط ثلث نقر گردیده است :

الدّنیا داحه تر کهاراحه کتبه مرتضی بن محمّدبن اسمعیل الحسینی بحضور الجماعه سیّد قطب الدّین احمد ومولانا کمال الدّین ابن الخطیر وسیّد مجدالدّین حفظهم الله فی محرّم سنهٔ اثنتین وسبعین وسبعمائه .

پیش از نقر کتیبهٔ فوق نبشتهٔ قدیمتری بخط نسخ ابتدائی مربوط بقرن چهارم هجری مشتمل برجملهٔ لااله الاالله ـ الهم سلم اسحق بن احمد و ـ نوشته شده بود که براثر احداث کتیبهٔ سابق الذکر قسمتهائی از آن ازبین رفته است وبیش ازچندکلمهٔ مذکورچیزی ازآن معلوم نگردید .

۲۳ ـ کتیبهٔ زیربخط نسخ برجسته بربدنهٔ سنگی واقع درسمت راست یکی ازدو درگاه شمالی تالار درده سطر مرقوم گردیده است :

**هوالله الباقی درزمان دولت اعلی حضرت شاهنشاه صاحبقران ناصرالدین شاه قاجار خلدالله ملکه که عم مکرم شاهنشاه ایران نواب حاجی معتمد الدوله فرهادمیرزا دام اقباله بفرمانفرمائی فارس مأمور شده سالیان دراز که مملکت فارس بی نظم بود دراندك زمان ازاقبال شاهنشاه جم جاه نظمی کامل گرفت اشرار تنبیه شده در ماه محرم قلعهٔ حصینهٔ تبر که سالها مامن اشرار بود مفتوح و سر فضلعلی خان بهارلو درشیراز زینت دار گردید دراواخر ربیع الاول بتخت جمشید آمده حسب الامر اعلیحضرت شاهنشاه چندین هزارعمله براین تخت گماشت جاهائی که قرون بی شمار ازخاك انباشته شده بود بـرای تماشای مسافرین خارج و داخل پاك کردند غره ربیع الثانی سنهٔ یکهزار و دویست و نودو چهار هجری ۱۲۹۴**

**موافق سیم نیسان ماه رومی بیست وششم فروردین‌ماه جلالی مطابق اودئیل ترکی.**

۲۴ ـ درجانب راست کتیبهٔ فوق کتیبهٔ دیگری بخط نستعلیق شیوا بطور برجسته در نه‌سطر بدین‌شرح مرقوم رفته‌است :

**هوالباقی بروزگار ملك‌جوان بخت ودارای تاج‌وتخت خسروصاحبقران ناصرالدین‌شاه قاجارکه روزش‌فزاینده ودولتش پاینده‌باد عم‌اکرم آن شاهنشاه حضرت شاهزادهٔ‌آزاده معتمدالدوله‌فرهاد میرزاابن‌الولیعهدالاعظم‌عباس‌میرزا ابن فتحعلی شاه طاب مثواهما که در سنهٔ ۱۲۹۳ مامور بفرمانفرمائی مملکت فارس بود درسنهٔ ۱۲۹۵ ازشیراز بعزم‌سیاحت این‌ابنیه موکب والا تشریف فرما شد بعضی ازنقوش‌احجار وآثارکه‌ازمرورایام وگردش اعوام در خاك پنهسان شده امرفرمودپاك‌نموده نمودارکردند‌ه‌این‌طرفه‌مکان‌بفرمان آن‌سترك‌شاهزاده راد به‌تنها پاك شدکه تمامی‌خطهٔ جم‌ازفر معدلتش‌ازناپاك پاك‌ورعیت شاد وهر خراب آباد شدتا دراین‌اوان که اواخر جمادی الاولی و سنین هجری به ۱۲۹۶ رسید خلف‌الصدق سرکار معظم الیه نواب احتشام الدوله سلطان اویس میرزا بعزم تماشا وجستجوی برخی‌آثار باین‌مکان‌عتیق تشریف‌آورده چندشبی توقف فرمودند بنده وبرادر کهتر معزی‌الیه عبدالعلی میرزا نایب الایاله ابن فرهاد میرزا معتمد الدوله ایـن کلمات بیادگار بفرمان ایشان در این ایـوان بنگاشت همراهان موسیواندراس وفاکرکرن و اسدالله میرزا ابن عم آقا محمدحسین صراف .**

۲۵ ـ در آخرین مرحلهٔ تجدید نظر هنگام چاپ قطعی ایـن یاد داشتها براثر راهنمائی دوست گرامی ودانشمندم آقای‌علی سامی اطلاع یافتم که شادروان دکتر قاسم غنی درکتاب **بحث درآثار وافکار واحوال حافظ** (جلد اول ـ چاپ‌طهران ـ ۱۳۲۱ شمسی ـ صفحات ۴۱۴ و ۴۱۵ ) سه نبشتهٔ بنام سلطان بایزید مظفری (برادر شاهشجاع و فرزند مبارزالدین محمد سرسلسلهٔ شاهان آل‌مظفر) را نقل‌نموده است که یکی‌از آنها ضمن‌شمارهٔ ـ۹ـ ودیگری ضمن شمارهٔ ـ۱۴ـ درصفحات گذشته مذکور افتاده‌است (۱) ونبشتهٔ سومی که نگارنده ازوجود آن اطلاع نداشته آنرا

---

(۱) درمتنی که شادروان دکترغنی ازنبشتهٔ مزبور زیرعنوان **یادگارسوم** درصفحهٔ ۴۱۵ کتاب سابق‌الذکر نقل‌نموده است برخی اختلافات جزئی باآنچه در تلـو صفحهٔ ۳۴۳ کتاب حاضر ضمن شمارهٔ ـ۱۴ـ ذکر گردید وجود داردکه چندان مهم نیست فقط بجـای کلمات **ابوعبدالله** منقول دراین‌کتاب عنوان **السلطان** درمتن نامبرده دیده میشود که بنظر نگارنده صحیح‌نبوده در خور تأمل وتحقیق بیشتراست .

ندیده و یادداشت نکرده‌ام تحت عنوان **یادگار دوم** در صفحهٔ ٤١٥ کتاب مزبور بدینقرار نقل گردیده است :

**الدنیا دار ممرلادار مقر فاعبروها ولا تعمروها .**

**جهان‌ای‌پسر ملك جاوید نیست** **ز دنیا وفـا داری امید نیست**
**کسی‌زین‌میان‌گوی‌دولت‌ربود** **که در بند آسایش خلق بود**
**بکار آمد آنها که بر داشتند** **نه گرد آوریدند و بگذاشتند**

**حرره‌العبد الاصغر ابویزید بن محمد بن المظفر بخطه فی سنة ثلث و سبعین وسبعمائه .**

طبق اظهار آقای سامی نبشتهٔ اخیر بربدنهٔ داخلی طاقچهٔ سنگی جانب شرقی ایوان بزرگ کاخ کوچك داریوش نقر گردیده است .

نوشته‌های یادگاری موجود در کاخ کوچك‌داریوش تاحدّی که‌مناسب‌بنظر میآمد مذکور گردیددرپایان این‌قسمت بمورد میداند توضیح دهد که درپائین نقوش برجستهٔ گاوهای عظیم الجثّه درمدخل بنای ورودی تخت جمشید (بـالای پلکانهای ورودی‌صفّه) نیزیادگارهای‌چندی ازشخصیّتهای بیگانه و هیئتهائی که بمأموریّت نظامی یاسیاسی به‌ایران آمده‌اند بحروف لاتین نقرشده است و برای علاقه‌مندان بچنین‌مطالبی بنوبهٔ‌خود درخورتوجّه‌میباشد ضمناً‌در قسمت اصلی‌کاخ حرمسرا برسنگهای زیرپنجره‌ها وطاقچه‌های ایـوان‌وتالار نقوش ریزه‌کاری از عهد ساسانیان وجوددارد که‌تصاویر آنها در آغاز کتاب‌آثار تاریخی‌مرودشت‌تألیف آقای‌علی‌سامی(چاپ‌شیراز۱۳۳۱) وصفحات ۲۷۰ تا۲۷٦ مجلّد چهارم گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ شیراز۱۳۳۸) درج گردیده آقای دکتر اشمیت نیز آنهارا چنین توصیف نموده است :

« ...... یکی‌از آنها بردیوار جنوبی‌تالار اصلی حرمسرا درمغرب درگاهی بین‌تالار وحیاط داخلی‌قراردارد (لوحهٔ١٩٩A) تصویردوّم بردیوارجنوبی ایوان پائین‌غربی‌ترین‌پنجرهٔ آنجاست (لوحهٔ ١٩٩B) ـ درهردو تصویرظاهراً یك‌شخص نموده‌شده واوشاهزاده‌ایست که سواربراسب‌دارای‌زین وتجهیزات مفصّل‌میباشدـ درلباس دوسوار وزین وبرگ دواسب بعضی‌اختلافات دیده میشود (لباس‌یکی از

آندو شباهت‌بسیار به‌لباس‌پاپك دارد) ولی‌مهمترین خصوصیّت موجود دردو نقش یعنی کلاه‌خود یاتاج‌مدوّر که هلالی بعنوان‌علامت خانوادگی‌دارد درهردومورد یکسان‌میباشد . این‌قسم‌تاج برسکهٔ ساتراپهای پارس وبرسکه‌های اولیّهٔ اردشیر اوّل‌مؤسّس سلسلهٔ‌ساسانی‌دیده‌میشود،برخی‌اوقات علامت موجود برتاجهای‌تصاویر نیزدرسکه‌ها موجوداست ـ امکان‌دارد که تصاویرمزبور نقش اردشیر اوّل‌باشد ـ پرفسورهرتسفلد بیکی‌از دوتصویر اشاره کرده وآنرا سوار شخصی بنام منوچهر استخرمیداند یك تصویر دیگر که بوسیلهٔ دمکنم در سال ۱۹۲۸ (۱۳۰۷ شمسی) بردیوار جنوبی ایوان پیدا شد ..... شاهزادهٔ ایستاده‌ای را نشان میدهد که پاپك پدرشاپور واردشیر اوّل‌شناخته‌شده است» [۱]

یك‌نمونه‌ازاین‌نقوش‌هم‌درکاخ‌داریوش وجوددارد که در کتاب‌تخت‌جمشید بدینگونه‌معرّفی گشته است : «تصویر ایستادهٔ‌یك‌نفرشاهزادهٔ ساسانی برروی یك درفرعی‌کاخ‌داریوش بوسیلهٔ‌پرفسورهرتسفلد کشف گردید وآنراباشاپورپسربابك وبرادربزرگتر اردشیراوّل منطبق شناختند ( بتاریخ باستان شناسی ایران تألیف هرتسفلد صفحهٔ ۸۰مراجعه شود).[۲]

## ۸ ـ نوشته‌های سنگ مزار شیخ‌علی

برروی‌سنگ قبری که‌بالاتر ازمحل نوشته‌های پهلوی حاجی‌آبادقرار دارد وبعنوان قبرشیخ علی شناخته شده است ( بصفحهٔ ۴۲ متن‌کتاب مراجعه شود ) نوشتهٔ زیر بخط نسخ در هفت سطر مرقوم رفته است .

**توفی الشیخ العالم الفاضل واکمل جهان قدوة الاولیاء والمحققین شیخ علی (شلویه؟) قدس‌الله سره‌فی تاریخ سنة ثلث اربعین ومئتان .**

(۱) نقل‌ازکتاب تخت‌جمشید تألیف‌دکتراشمیت صفحهٔ ۲۵۸ .

(۲) نقل‌ازکتاب تخت‌جمشید تألیف‌دکتر اشمیت صفحهٔ ۲۲۷ ـ ذیل‌شمارهٔ ۴۰ .

نوشتهٔ فوق میرساند که فوت عارف مزبور درسال ۷۴۳ هجری اتفاق افتاده است ولی سنگ مزبور جدیدتر ازاین تاریخ بوده بنظر میرسد ازقرن ۱۱ هجری باشد .

برروی سنگی که بطور قائـم درطرف پائین پا نصب است مصراع زیر دریك سطر بخط نسخ نوشته شده است ..

**چو آمد اجل شادیم یاد بود**

## ۹ - چشمهٔ ایوب (رامجرد)

### لوحهٔ سنگی دارای خط کوفی

بلوك رامجرد درجانب مغرب جلگهٔ مرودشت واقع گردیده است وجادهٔ فرعی درسمت جنوب پلخان ازکرانهٔ رودکر بدانجامیرود - چشمهٔ معروفی بامحوطهٔ درختکاری بسیارمصفا بنام چشمهٔ ایوب درمیان بلوك رامجرد واقع گشته مقبرهٔ ساده وبی پیرایه‌ای هم درکنار چشمهٔ مزبور قراردارد که زیارتگاه مردم بوده بنام قبرایوب خوانده میشود - بنای زیارتگاه جنبهٔ تاریخی یاهنری مخصوص ندارد ولی هنگامی که نگارندهٔ کتاب درآبانماه ۱۳۲۹ تصادفاً بزیارت آنجانائل آمده بـودم ملاحظه شدکه بـرروی قبرلوحهٔ سنگی ناقصی برنگ روشن نزدیك بسفید نصب است که دوحاشیه حاوی خط کوفی برجستهٔ شیوا برآن حجاری کرده‌اند وکلمات زیر درکتیبهٔ کوفی مزبور تشخیص میگردد .

**تزود من الدنیا فانك راحل — وبادر فان المو**(ت لاشك نازل)(۱)

قسمت آخر که داخل پرانتز قراردارد موجـود نیست ودرقسمتی از سنگ که شکسته ومفقود گـردیده نوشته شده بوده است.

---

(۱) ترجمهٔ بیت فوق بفارسی قریب بدین مضمون میگردد :

از دنیازاد وتوشه برگیر که مسافرهستی — وبدین کار پیشدستی کن که مرگ بدون تردیدسرمیرسد

ازدانشمندمحترم آقای دکتر سیدعبدالله انوار سپاسگزارم که متن کامل بیت فوق وتعلق داشتن آنرا بقصیدهٔ منسوب بمولای متقیان حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام باینجانب اطلاع فرمودند واظهار نمودند که مطلع قصیدهٔ مزبورچنین است :

**مضی الدهر والایام والذنب حاصل — و انت بما تهـوی من الحق غافل**

ترجمهٔ فارسی آن قریب بمضمون زیر میشود .

( روزگار و روزها گذشت وحاصل آن گناه آمد — وتو بآنچه مشغولت ساخته است از حق غافل مانده‌ای ) .

وضع حاشیهٔ مزبور طوری است که میرساند اگرهم متعلق بسنگ آرامگاه محل مورد ذکر باشد آنرا بصورت اصلی وصحیح نصب نکرده اند ضمناً شیوهٔ خط کوفی آن میرساند که مربوط بقرن ششم هجری است .

## ۱۰- نوشتهٔ روی سنگ آرامگاه شاه شجاع

در صفحهٔ ٥٤ متن کتاب ضمن توصیح بقعه هفت تن اشاره شد که آرامگاه شاه شجاع شهریار آل مظفر (۷۵۹-۷۸٦ ه) در جانب شمال غربی بیرون باغ هفت تن واقع گردیده است .

دراسفندماه ۱۳۳۹ که توفیق بازدید آرامگاه مزبور دست داد نوشتهٔ روی سنگ آرامگاه که بفرمان شهریار عادل کریمخان زند برآن نهاده شده است استنساخ گشت و برای اطلاع بیشتر خوانندگان ارجمندی که علاقه بدینگونه مطالب دارند بنقل آن دراینجا مبادرت مینماید :

بخط نستعلیق در ۱۱ سطر :

هو

الحیّ الّذی لایموت

هذا مدفن السّلطان العادل

الباذل المرحوم المغفور

شاه شجاع المظفّری ووفاته

فی سنة ستّ و ثمانین و

سبعمائه من الهجریّه کما

قال العارف السّالك

شمس الدّین محمّد الحافظ علیه ا

لرّحمه حیف ازشاه شجاع وتجدید مزاره

فی شهر ربیع الثّانی سنهٔ ۱۱۹۲

بطوریکه ازسنگ مزار نامبرده معلوم میشود سال درگذشت شاه شجاع ۷۸٦ هجری بوده که متأسفانه درمتن کتاب ۷۷٦ هجری مرقوم رفته است وازاین اشتباه پوزش میطلبد .

## ۱۱ ـ صندوق منبت عتیقهٔ بقعهٔ سید میرمحمد

اطلاعات اجمالی دربارهٔ بقعهٔ سید میرمحمد شیرازدر صفحهٔ ٦۵ متن کتاب ذکر گردید ـ هنگامیکه کتاب‌درمرحلهٔ چاپ بوداز طـرف تولیت بقعهٔ نامبرده دست‌بکار تعمیر وتجدید ضریح آن گردیده بودند وداخل‌ضریح مزبور صندوق عتیقهٔ کوچك ونفیسی‌قرار داشت که‌دوست دانشمندم آقای علی‌اکبر بصیری مدیر کتابخانهٔ ملی‌فارس ازآن اطلاع یافته یادداشتها وعکسهائی از صندوق مزبور تهیه نمـوده جهت اینجانب ارسال فرمودند واینك بـا عرض سپاسگزاری مجـدد از معظم له بنقل اطلاعات مزبور میپردازد :

درازای‌صندوق ۷۵ر۱متروپهنای‌آن ٦۰سانتیمتر وبلندی‌آن۷۵ سانتیمتر است بدنه‌های چهار جانب صندوق از قطعات چوبهای منبّت کاری شش گوش و سه گوش‌ترکیب‌یافته(ش۲۰۵ و۲۰٦) برروی‌چوبهای شش گوش درود برچهارده معصوم (صلوات کبیر)ونام‌اولیاء متصوّفه بشرح‌مذکور درتذکرةالاولیاء شیخ‌عطّار بطور برجسته مرقوم گردیده مقداری از چوبهای شش گوش‌هم مشتمل بر نقوش برجستهٔ گل وبوتهٔ اسلیمی است .

نام اولیای متصوّفه که‌علاوه براسامی چهارده‌معصوم برصندوق مزبور ذکر گردیده است بشرح‌زیرمیباشد :

### بریك بدنهٔ طولی صندوق :

بُشر حافی اُویس قرنی فضیل عیاض ذوالنّون‌مصری سلیمان‌دارانی
داوودطائی محمّدواسع امام‌احمدحنبل سری‌السقّطی شاه‌شجاع کرمانی
احمدخوارزمی احمدخضرویه احمد حرب فتح موصلی شیخ حاتم اصمّ
معروف کرخی جنید بغدادی امام‌شافعی منصور عمّار حارث محاسبی
رابعةالبادویه ابوتراب‌نخشبی ابراهیم‌ادهم شقیق بلخی حمدون قصّـار
عتبة الغلام بایزیدبسطامی

**بر بدنهٔ دیگر طولی صندوق**

سفیان ثوری   یك‌نام‌خوانده‌نشد   ابو حازم مکّی   محمّد سمّاك   مالك دینار
یوسف‌بن‌حسین   ابو سعید خرّاز   عبدالله شاذل   عبدالله خبیق   محمّد اسلم
حبیب عجمی   ابو حفص حدّاد   عمروبن عثمان‌مکّی   احمدبن‌عاصم انطاکی   سهل عبدالله تستری

یحیی‌معاذرازی

برروی ده قطعه چوبهای‌بدنهٔ‌اخیرکلمهٔ جلالهٔ **الله** وبرروی یکی ازقطعات شش‌ضلعی هم‌نام **خاتم سلیمانی** بطور برجسته مرقوم گردیده‌است .

دوبدنهٔ کوچکتر صندوق‌یکی‌مشتمل برصلوات کبیربوده دیگری‌منحصراً مزیّن به گل وبوته‌های اسلیمی‌است .

بربالای‌چهار بدنهٔ صندوق‌حاشیه مشتمل‌برآیة‌الکرسی بخطّ ثلث برجسته مرقوم گردیده است وبربدنهٔ فوقانی صندوق جملهٔ العظمة لله دریك طرف نوشته شده برحاشیهٔ چهارطرف همان بدنه نیزآیهٔ طولانی آخر سورهٔ بقره ( ربّنا لاـ تؤاخذنا ....... تا انتهای آیه ... فانصرنا علی‌القوم الکافرین ) بخطّ ثلث برجسته مرقوم رفته است .

طبق‌آنچه دوست گرامی آقای‌علی‌اکبربصیری‌ملاحظه ویادداشت‌نموده‌اند برصندوق‌مزبور سال‌تاریخ‌ذکر نشده‌است‌ولی‌آنچه ازروی‌مشخصات‌سابق‌الذّکر برمیآید میتوان آنرا مربوط‌بقرن هفتم هجری دانست وازآثار نفیس بس‌نادر و کمیاب هنری وتاریخی‌آن قرن که همزمان باخونریزیها و ویرانیهای ناشی از فتنهٔ مغول بوده‌است بشمارمیرود زیرا اصولاً آثارهنری وجالب توجّه قرن هفتم هجری بعلّت عواقب فاجعهٔ خانمانسوز مغول انگشت شمار میباشد .

## ۱۲ ـ اشعار سنگ قبرایلخانی در بقعهٔ پیربناب

درصفحات ۸۱ و۸۲ متن کتاب ضمن شرح‌بقعهٔ پیربناب اشاره بــه‌تعمیر بقعهٔ مزبور بوسیلهٔ محمدعلیخان ایلخانی قشقائی ابن‌جانی‌خان ووصیت وی که درجواربقعهٔ مزبور بخاکش سپارند نمود

اشعاری که برروی سنگ قبراونوشته شده‌است بسیار شیوا ومحکم حاوی‌نکات نغز حماسی وادبی‌بوده دوست دانشمندم آقای‌علی‌سامی آنهارا استخراج‌وارسال فرموده‌اند که باعرض سپاسگزاری‌ازایشان ذیلا بنقل‌آنهامبادرت میشود : (۱)

دریغ از جهان کرم ایلخان
که‌بگرفت نامش بمردی جهان

بر آرندهٔ نام مردی بماه
فروزندهٔ روی ایران سپاه

فزایندهٔ نامهٔ پهلوی
ز بخشش جهان کهن را نوی

خرد با دلیری بهم داشته
هنر بر هنر در هم انباشته

بفر از نیاکانش برده گرو
ز شاخ کهن بگذرد شاخ نو

درفشی که بردی زنامش نشان
فروزنده چون اختر کاویان

به تنداب شمشیر و رای درست
ز کشورهمه زنگ آشوب‌شست

همه ملك پروردهٔ نام اوست
بهرسفره‌ای نانی ازخوان اوست

سپهراز شکوهش‌شد اندیشه‌ناك
برانگیخت مکری‌و کردش‌بخاك

بسوگش جهانی گریبان درید
بلند آسمان تا بدامان درید

زبس کزغمش جان ترکان بتاب
خروش آمد از گور افراسیاب

ز مرگش جهانی دل آشفته شد
سر بخت ایرانیان خفته شد

دریغ آن برو برزو بالای او
که در روی گیتی نبد جای او

براوازبزرگی‌همان تنگ گشت
بمینو خرامید ازین تنگ دشت

بن کوه شد دخمهٔ پهلوان
که کوه از بلندیش دارد نشان

نهان شد بکوه آن تن پر شکوه
شگفتی بود آسمان زیر کوه

روانش بباغ جنان شاد باد
ز یزدان بجان وی آباد باد

برو دخمه بادا چو خرّم بهشت
بهشتی بود مرد فرّخ سرشت

جهانی سراسر پر از نام اوست
نمیرد کسی را که نام نکوست

بتاریخ او خسته دل داوری
شب رفته جست از خرد یاوری

یکی سربر آورد کرد این رقم
بمرد ایلخانی جهان کرم

۱۲۶۶

(۱) آقای سامی اشاره نموده‌اند که اشعار مزبور در صفحهٔ ۶۴۳ دیوان داوری فرزند وصال مندرج است .

# ۱۴ ـ بقعهٔ خلیفه (واقع در خفر)

قسمتهائی از یك بنای تاریخی مهم متعلق به قرون هشتم ونهم هجری بنام بقعهٔ خلیفه دریکی از باغهای قریهٔ «جزه» واقع در بلوك خفر واقع است و برای نخستین بار درسال ۱۳۱۵ آقای علی اکبر بصیری مدیر فعلی کتابخانهٔ ملی فارس که آنموقع دبیر دبیرستان شاهپور درشیراز بوده‌اند بنا باظهار خودشان بعلت دارابودن علاقهٔ ملکی در آنحدود متوجه باغ وبقعه وآثار تاریخی موجود در آنجا که آنموقع درملکیت یکنفر یهودی بنام میکائیل بودشده چگونگی را باداره فرهنگ فارس اطلاع داده‌اند و بدستور شادروان سرلشگرعلی ریاضی رئیس فرهنگ وقت در اواخر دیماه ۱۳۱۵ هیئتی بمحل مزبور عزیمت نموده وضع آثار تاریخی آنجارا بررسی کرده‌اند وطبق گزارش وپیشنهاد آقای محمود راد مدیروقت موزهٔ پارس که خوداز اعضای آن هیئت بودند پس از چندی کاشیهای باقیمانده درازاره و محراب بقعه‌را بشیراز آورده دریکی از اطاقهای موزهٔ پارس نصب نمودند (ش ـ ۲۰۷) وقسمتی از کاشیهای ازاره هم در اطاق خدا خانهٔ مسجدجامع شیراز نصب گردیده است وبرای حفظ بقیهٔ کاشیها وآثار تاریخی نیز بوسیلهٔ تنظیم صورت‌مجلس وتعهد گرفتن ازمیکائیل نامبرده باحضور کدخدا وافرادامنیهٔ پست **آبادشاپور** خفر درهمان موقع اقدام نمودند هنگامی کـه قسمتی از کتاب حاضر بچاپ رسیده بود ودوست دانشمندم آقای علی سامی بطهران آمده بـودند موضوع بقعهٔ خلیفه‌را یاد آورشده مناسب دیدند اطلاعات کافی دربارهٔ بقعهٔ مزبوردرقسمت ذیل کتاب مرقوم گردد ـ نگارنده بگزارش سال ۱۳۱۵ آقای محمود راد مراجعه نمودم وپس ازملاحظهٔ گزارش مزبور نامهٔ مفصل وجامعی ازآقای علی اکبر بصیری و گزارش مشروحی هم ازآقای سامی رسیدومعلوم شدهردودوست گرامی برای همکاری درتهیهٔ مطالب مربوط به بقعهٔ خلیفه رنج سفررا بخود هموارنموده متفقاً آثار موجود این بنای تاریخی‌را بازدید وبررسی دقیق کرده‌اند واینك اطلاعاتیکه مستخرج ازنامه‌های دودوست ارجمندم و گزارش سابق الذکر آقای راد است بشرح زیر مذکور میافتد:

بلوك خفر در ۱۸ فرسخی جنوب شرقـی شیراز واقع شده دارای دهات مختلف الاسامی است ، راه خفر تاپشت گردنهٔ باباحاجی درحدود ۴۰ کیلومتر همان راه فیروزآباداست از آنجابسمت مشرق دست چپ جاده داخل راه کوار وخفر میشود، جادهٔ نامبرده از کنار کوهی که بین جلگهٔ سروستان و کوار فاصل است میگذرد ، جلگهٔ کوار ازدشتهای مصفّا وسرسبز وخوش منظردرطرف راست جادّه نمایان و تاکوهی که در مغرب فرمشگان است نظر انداز دارد و باغات جدیدالاحداث و آبادیهای فرمشگان ازدوربخوبی نمایان میباشد ـ رودخانهٔ قره‌قاج که منبع آن

کوه‌های ممسنی و جبل باز است و از راه سیاخ به کوار ـ خفر ـ صمیکان ـ کارزین ـ افزر ـ الامرودشت [۱] ـ صحراهای نزدیك بندر کنگان وارد خلیج فارس میگردد واز وسط این جلگه میگذرد.

شهر خفر در دامنهٔ کوه «کرْ» قرار گرفته و محلّی است باصفا و با طراوت پر از انواع درختان مرکّبات (لیمو ـ نارنج ـ پرتقال ـ نارنگی ـ لیمو شیرین ـ ترنج ـ اترج) وخرما و ازدهات چندی تشکیل گردیده است.

بنای تاریخی معروف به بقعهٔ خلیفه در وسط یکی از باغات قریهٔ ِجزهْ (ِگزهْ) خفر قرار گرفته وعبارت از یك ساختمان آجری مرتفعی است که از سبك ساختمان کاخ سروستان وقبر شیخ یوسف واقع در سروستان الهام گرفته و آن سبك معماری کاملا در اساس آن نمودار است، سقف آن گنبدی و درحدود ۱۵ متر ارتفاع دارد، سه سنگ قبر داخل بنا که بطور توازی قرار گرفته یکی از زین الدّین خلیفه زیر گنبد و علی خلیفه در شمال بقعه و حاجی خلیفه در وسط دو قبر فوق است.

درون بنا باطاقچه‌های متعدّد وطاق مقرنس گچی و چهار مقرنس درچهار گوشه باگچ ولی سالم ونقّاشیهای زیبا ودر عین حال ظریف و ساده تزئین گردیده است وقسمتهائی ازسفیدکاری داخل بنا که باقی مانده دارای همان نقوش که بیشتر برنگ لاجوردی مطلوبی است میباشد، کتیبهٔ ثلث عالی بروی گچ درحاشیهٔ پاطاق نوشته شده که قسمتی از آن ریخته وبروی زمین افتاده است ولی قسمت اعظم آن سالم ودرجای خود باقی میباشد، قسمت وسط زیر گنبد بابعاد ۶×۶ متر بوده چهار شاه‌نشین در چهار جانب دارد، شاه‌نشینهای شمالی و جنوبی هر کدام بعمق ۵ر۱ متر وشاه نشینهای شرقی وغربی هر کدام بعمق ۳۰ر۲ متر است، شاه‌نشین جنوبی یك محراب معرّق کاری نفیس داشته که در سال ۱۳۱۵ بقایای موجود آن باستادی استاد عزیزالله صرافت ازمحلّ خود خارج شده بموزهٔ پارس منتقل ودر اطاق ضلع

(۱) درنقشهٔ ایران ترسیم آقای عباس سحاب نام الا مرودشت باحرف ع مرقوم رفته است وبهمین جهت هم نگارنده آنرا درصفحات ۹۶ و۹۷ بدانصورت نوشته‌ام.

شمال‌غربی‌موزهٔ پارس‌برروی‌دیوارنصب گردیده‌است ، تمام‌کاشیهای ازاره بشکل مسدّس‌بوده هربدنهٔ‌آن‌در وسطیك ترنج معرّق کاری داشت ، کاشیهای شش ضلعی ازاره‌ها نیز بهمان ترتیب در سال ۱۳۱۵ بشیراز حمل گردیده قسمتی برای بدنهٔ اطاق سابق‌الذکر درموزهٔ پارس وقسمتی‌نیز دربدنهٔ‌اطاق خدایخانهٔ مسجد جامع عتیق(کتابخانهٔ فعلی‌خداخانه) بمصرف‌رسیده است . پائین‌این‌کاشیکاری یك‌حاشیهٔ معرّق‌کاری بوده که هم‌اکنون قسمتهائی از آن‌موجود وحکایت از کاشیکاری عالی سابق‌آن مینماید ، تمام دیوارهای‌اطراف باسنگهای میخکی ازپائین‌ببالا ساخته شده‌بود که فعلامقداری باقی‌وبقیه‌منهدم شده‌وازبین رفته‌است وشایداگر تلّ‌دور تا دور مقبره راحفّاری کنندبسیار ازاین‌میخکی‌ها یافت‌شود که در دل‌خاك‌نهفته است ، مخصوصاً نمای‌هفت‌وپنج جبههٔ‌خارجی ضلع‌غربی بناسنگ‌کاری‌عالی داشته که سنگهای‌میخکی پاك‌تراش‌قسمتی ازآن‌بجا وقسمتهائی ازآن ریخته است و بطوریکه گذشت چه‌بسا که در زیرتودهٔ خاك اطراف قطعاتی از آن پیدا شود . سنگهائی که بکار رفته است سفید و ازنوع سنگهای‌سفید جهرم میباشد که جهت نماسازی عمارات شیرازهم‌میآورند . (۱)

سردرب‌عالی‌آن که‌بارتفاع۸تا۹متر است‌هنوزباقی‌وبرجاست‌و گنبد گردی که باآجر ساخته‌شده سالم وباقی است ازخارج روی آجرکاری گنبد سنگهای میخکی راامانند جای‌پابطور مرتّب کار گذاشته‌اند که‌معلوم‌میگردد قصدکاشیکاری بعدی گنبدرا داشته‌اند .

محراب آن‌به‌بلندی سه‌متر وپهنای دومتر ویرانی‌بسیار یافته و آنچه‌از کتیبه‌های‌کاشیکاری معرّق‌آن باقی‌بود درموزهٔ‌پارس نصب وقسمتهای کسری آن

---

(۱) آنچه ازتوصیف‌بنا وتوضیحات‌مذکور برمیآید بقعهٔ‌خلیفه بنای‌باشکوهی ازقرن‌هشتم و نهم هجری بوده ازلحاظ‌سبك‌بنا وتزیینات کاشی وروکاری‌سنگی ظریف‌نمونهٔ برجستهٔ معماری وهنری بشمار میرفته متأسفانه مورد بی‌مهری روزگار وبی توجهی قرار گرفته است وامید میرود موجبات تعمیر اساسی وحفظ نفائس‌موجود وپیدایش آثار هنری نهفته آن واداى حق چنین اثر متبرك ملی فراهم آید .

بوسیلهٔ نقّاشی مرمّت شده‌است، (ش–۲۰۷) کتیبه‌های محراب بخط ثلث سفید بر زمینهٔ لاجوردی ومشتمل بر آیات ۷۸ تا ۸۳ سورهٔ مبارکهٔ اسراء (سورهٔ ۱۷ کلام‌الله مجید) و آیهٔ ۱۲۷ سورهٔ بقره (سورهٔ دوّم کلام‌الله مجید) میباشد.

سه سنگ قبری که داخل بقعه‌است سنگ قبر اوّلی (ازطرف جنوب) قدیمتر ازدودیگر بوده بنام شیخ زین‌الدّین علی خلیفه‌است و کتیبهٔ جانب مغرب سنگ که طرف بالای سر باشد بزبان عربی مشتمل بر القاب مرسوم زمـان و تاریخ وفات شیخ (روز شنبهٔ ۱۵ شوّال سال ۷۹۰ هجری) است وبرروی سطح بالای سنگ وجوانب دیگر آن اشعار فارسی متعدّد مناسب با سنگ مزار مرقوم داشته‌اند که درنامه های مشروح آقایان سامی وبصیری نقل گردیده است وذکر آنها بیرون از حوصلهٔ این کتاب خواهدبود.

سنگ قبر دوّم که‌دروسط دوسنگ قبر دیگر قراردارد بنام حاجی خلیفه بوده اضلاع شمالی وجنوبی آن حاوی‌دوبیت عربی‌وسطح بالائی سنگ مشتمل بر اشعار فارسی‌است وبرجانب غربی یعنی طرف بالاسر جملهٔ عربی‌حاوی القاب‌وتاریخ وفات‌حاجی خلیفه (ربیع‌الاوّل سال۸۰۷هجری) رانوشته‌اند.

سنگ قبرسوّم که در طرف‌شمال دوسنگ قبر دیگر واقعست درون خاك فرورفته‌چیزی‌از آن‌معلوم‌نیست‌در گزارش‌آقای‌راد بنام‌علی‌خلیفه‌معرّفی گردیده وتاریخ آن باستناد تاریخ‌مذکور برتزئینات کاشیکاری بقعهٔ ۸۵٤ هجری تشخیص داده شده‌است و تاریخ‌کاشیکاری مزبور طبق گزارش آقای راد ( مورّخ ۲۲ دیماه ۱۳۱۵) «ازروی‌کاشی معرّقی که‌دربالای‌سرقبر علی خلیفه بکار رفته وخوشبختانه سالم‌مانده‌است تعیین‌میگردد که‌مینویسد فی‌الثّانی‌من‌شهرالله الاصبّ‌رجب‌المرجّب سنةاربع وخمسین وثمان مائه»

درطرف‌جنوب بنا ایوانی‌بوده است که باستونهای آن به سبك پاستونهای ساختمان‌قبر شیخ‌یوسف درسروستان وبا پاستونهای ایوان خداخانهٔ مسجد جامع عتیق شیراز شبیه‌است ویك‌سنگ‌قبر قدیمی‌دیگر باخطّ ثلث‌عالی در همان ایوان

موجوداست ومعلوم‌مینماید که‌در زیرخاکهای انباشته‌شده در آن‌ایوان سنگهای قبردیگری نیز وجود دارد . (۱)

## ۱۴ - راههای باستانی فارس

درشهریور ماه ۱۳۳۹ نسخهٔ فصلی‌ازکتاب راه‌سازی (۲) تألیف‌دانشمندگرامی جناب‌آقای مهندس احمدحامی استاد دانشگاه طهران ازطرف مؤلف ارجمندآن بدست‌نگارنده رسید که درآن راههای قدیمی ایران‌مذکورگشته ضمناً بدین‌نکته اشارت‌شده است که «باوجود تغییرمراکز قدرت درطول‌تاریخ ایران اهمیت‌راهها نیزتغییرکرده است ، بااین حال مسیرشاهراهها تقریباً ثابت مانده وامروز هم‌اساس طرح شبکهٔ راههای ایران‌است .. »

درابتدای فصل‌مزبور راههای منشعب ازهمدان‌را ذکرنموده‌اند وقسمت‌بعدی مربوط‌براههای باستانی فارس است که‌بشرح زیرعیناً نقل‌میگردد :

«دوم – راههای منشعب ازپازارگاد وتخت جمشیدوشیراز .

«۱– راه‌غربی: ازتخت جمشید پس‌ازعبور از رودکُر بحدود بیضا و کوُیم واز آنجا درامتداد آب فهلیان به ارجان(نزدیك بهبهان) وشوش‌میرفتد است .

«۲ – راه‌جنوب غربی: ازشیراز به‌کازرون وازآنجا به بندر بوشهر و بندر گناوه متّصل میشده است .

«۳ –راه‌جنوبی : ازشیرازبه فیروزآباد(گوریاجورسابق)میرفته وازآنجا به‌بندر سیراف (حدودطاهری‌امروز) منتهی‌میگشته است .

«٤– راه‌جنوب‌شرقی : درنزدیك سدّ بهمن درکوار ازراه جنوبی جدا شده پس ازگذشتن ازآبادشاپور (علی‌آبادامروز) وفساوداراب گرد وطارم به بندر عبّاس‌میرفته . ازآبادشاپوروفسا یك‌شعبهٔ این‌راه ازطریق‌جهرم‌ولار به بندرلنگه متّصل میشده است .

---

(۱) در گزارش آقای راد (بسال ۱۳۱۵) ذکر شده است که درحارج بقعه پنج سنگ قبر است که از قرن هشتم ونهم هجری میباشد که هرکدام از آنها دارای حجاری بسیار ممتاز وخطوط زیباست .

(۲) – چاپ‌طهران – ۱۳۳۷ شمسی

«۵ ـ راه‌شرقی : ازپازارگاد به هرات خوره وشهر بابك میرفته واز آنجا برفسنجان و گواشیر وجیرفت منتهی میگشته است .

«۶ـ راه‌شمال‌شرقی : ازپازارگاد به‌ابرقو(ابر کوه) به‌یزد وازآنجاازراه کویر به‌خراسان میرفته است .

«۷ـ راه شمالی : دو مسیر داشته راه تابستانی که ازمائین به ایزد خواست میرفته و کوتاه تر بوده . راه زمستانی که از گردنهٔ کولی کش و ایزد خواست گذشته وازآنجابه‌قمشه(شهرضای‌امروز) وازطریق لنجان‌باصفهان‌متّصل‌میگشته است (راه‌امروزی ازطریق‌لاشتر میگذرد .)

---

طبق تقسیم‌بندی بالاراه شوش‌به‌تخت‌جمشید ازارجان وفهلیان بجانب‌مشرق امتداد میبافته از کوهستانهای صعب‌العبور ومسکن قبایل سرسخت بویر احمدی کنونی میگذشته واز گوُیم بطرف‌بیضا وازآنجا بسوی جلگهٔ‌مرودشت میرفته و به‌تخت‌جمشید منتهی میگردیده است .

نگارنده ضمن توضیحات مربوط بآثار عهدهخامنشی‌مکشوف درتل‌حکوان (ص۸۴ و۸۵) ودر قسمت آثار فیروز آباد که اشاره بوجود قطعه ستونی ازعهد هخامنشی‌در کنارامامزاده‌جعفر نزدیك‌مناره‌فیروزآبادنمود(ص۳ـ۱۰۱)وهمچنین درموقع ذکرآثار تاریخی بالاده وجره (ص۱۳ـ۱۱۲) و بالاخره هنگام‌توصیف ویرانه‌های‌بنای‌عهدهخامنشی‌درفهلیان(ص۱۳۶)چنین‌اظهارنظر نمودم که راه‌شوش به‌تخت جمشید از نواحی اخیرالذّکر میگذشته است واینك هم با توجّه باینکه طبق نظرجناب آقای مهندس حامی (شماره ۳قسمت سابق‌الذّکر) راهی‌ازتخت جمشید به‌فیروزآباد وازآنجا به‌خلیج‌فارس وجودداشته است چنین‌میتوان‌نتیجه گرفت که معبر خاندان شاهی‌بین شوش‌وتخت جمشید بشرحی بوده است که در صفحات سابق‌الذّکر نقل گردیده و اگر از فهلیان به گوُیم وبیضا راه نزدیکی وجود داشته است صرفاًبرای عبور لشگریان ومواقعی که ناچار از کوتاه کردن راه‌باهمهٔ دشواریهای آن بوده‌اند اختصاص ببدا میکرده است والبتّه راه تحقیق

و تجسس دراین قسمت باقیست و اظهار نظر قطعی بستگی به بر رسیهای دقیق و مسلم بیشتر دارد .

## ۱۵ - برخی اماکن باستانی نزدیك فسا وداراب وده بید و اطلاعاتی در بارهٔ آنها

دانشمند فقید سراورل‌استین انگلیسی که در زمستان سال ۱۳۱۳ به نواحی شرقی وشمال‌شرقی‌فارس مسافرت نموده به کمانه‌های‌علمی‌و تجسسات‌باستان‌شناسی مختصری در آن نواحی مبادرت ورزیده است ضمن مقاله‌ای تحت عنوان گردش باستان‌شناسی‌درپارسه‌قدیم[۱] مندرج‌درمجلهٔ عراق[۲] گزارشی‌ازمسافرت‌خودرا انتشار داده است-برخی اطلاعات که ذکر آن مناسب بنظر رسید ازمقالهٔ مزبور استخراج وبشرح‌زیر نقل میگردد :

**تل ضحاکی** درنزدیکی فسا (درابتدای صفحهٔ۸۹ متن کتاب بآن‌اشاره‌شده است) مشتمل بر آثار عهد ساسانی تا زمـان سلطان ابوسعید مغول (۷۱٦ تا ۷۳٦ هجری) میباشد .

اماکن باستانی مختلف و گذرگاههای قدیمی بنامهای **قلعه‌گبری - معبر خیرآباد - تنگ‌خاور - نو بندگان - تل‌سیاه - کنگان - کمال‌آباد - زاهدان- نصیرآباد** ضمن گـزارش دانشمند مزبـور در بارهٔ ناحیهٔ فسا ذکر و معرفی شده است .

محل باستانی موسوم به **تل‌سیاه** بمسافت قریب یك کیلو متر و نیمی شمال غربی‌آبادی مَدوانْ درحوالی‌داراب‌قراردارد و آثارماقبل تاریخی‌دردل خاك‌آن نهفته است - محل‌باستانی‌دیگری‌هم بنام **تل ریگی** نزدیك مَدوانْ موجودوشامل آثار پیش‌از تاریخ‌میباشد .

ضمناً دانشمند نامبرده در گزارش‌خود اشاره باین‌قسمت نموده است که در

(۱) An archaeological tour in the ancient Persis

(۲) Iraq جلدسوم شماره ۲

راه تجسّسات و تحقیقات تاریخی و علمی وی در نواحی مورد ذکر مسعود خان راهنمائی و کمك فراوان کرده بسیاری‌از تپّه‌ها و آثارباستانی‌را بوی‌نشان داده و معرّفی نموده است .

در گزارش‌مزبور تصاویری ازاثر تاریخی شهرایج نزدیك اصطهبانات که درصفحات ۸۹ و ۹۰ متن کتاب اطّلاعاتی در بارهٔ آن ذکر شده است واثر باستانی دیگری بنام‌قلعهٔ دختر که‌آنهم نزدیك اصطهبانات قرار دارد مندرج میباشد که آنچه مناسبتر برای‌ذکر دراین کتاب‌بود مورداستفاده واقع وضمن اشکال ۲۰۸ و ۲۰۹و ۲۱۰و۲۱۱ مندرج گردید .

در کنارشاهراهی که ازده‌بیدبطرف‌شیراز ادامه‌مییابدبیرون‌ده‌بید درسمت مغرب جاده (جانب‌راست) تپّه‌مصنوعی کوچکی دیده‌میشود که آنرا **قصر بهرام** میخوانند سراورل استین در آنجا مختصر کاوش علمی کرده در قسمتهای زیرین آثار پیش از تاریخ نمودار گشته است قسمت بالای تپّه هم مربوط به عهد ساسانی میباشد.

## ۱٦ ـ کشف ظرف سفالی مهمّ ما قبل تاریخ در منطقهٔ گلیان فسا

بطوریکه در صفحهٔ ۸۹ متن کتاب اشاره شد از سال ۱۳۳۷ باین طرف در تپّهٔ نزدیکی آبادی گلیان در ۲۰ کیلو متری فسا کاوشهای علمی بوسیلهٔ ادارهٔ کلّ باستان شناسی به تصدّی آقای فریدون توللی انجام گرفته ومیگیرد ـ گزارش جامعی از آثار ما قبل تاریخی مکشوف در آنجا و ویرانه های قلعهٔ ضحّاکی که درصفحهٔ ۸۹بدان‌اشاره‌شدازطرف‌آقای توللی درمجلهٔ باستان‌شناسی شمارهٔ اول ـ بهار و تابستان سال ۱۳۳۸ درج گردیده است ـ طبق گزارشهای شمارهٔ ۵۳ـ۳۹/۹/۲۷ و شمارهٔ ۹۲ـ۳۹/۱۱/۲۵ آقای توللی در آذرماه ۱۳۳۹ یك ظرف ماقبل‌تاریخی بزرگ و بسیار مهم از سفال سرخ‌فام متعلّق به هزارهٔ چهارم پیش‌از میلاد درآنجا بدست‌آمده است که ارتفاع آن ۵۲ سانتیمتر وقطر دائرهٔ

بزرگتر وسط آن ۵۰سانتیمتر میباشد و نقوش بسیار جالب توجّهی درسه مجلس بربدنهٔ آن ترسیم گشته‌است .یکی نقش‌شیر که به‌دوغزال حمله نموده است ـ دوّم نقش‌عقابی کــه دوپرندهٔ بزرگ رابدو چنگال خویش گرفته است ـ سوّم نقش نهنگی که درمیان چهارماهی قراردارد ـ آقای تولّلی نقش‌حملهٔ شیربه‌غزالها را بعنوان مرحلهٔ بدوی نقش برجستهٔ شیر وگاو عهد هخامنشی عنوان نموده نقش عقاب‌رانیز بالوحهٔ سنگ‌لاجوردی که‌در تخت جمشید کشف گردیده تصویرعقاب از دوران هخامنشی برآن نقرگشته است مقایسه کــرده‌اند و ضمناً سه مجالس موردذکر رانمودار نیروهای سه گانهٔزمینی وهوائی ودریائی دانسته‌نقوش‌مزبور رابا تمدّنهای سومر وعیلام مربوط شناخته‌اند واظهار امیدواری کرده‌اند که با ادامهٔ کاوشهای علمی فساابن‌نکته روشن‌خواهد شد که «آیادرسواحل‌شمالی‌خلیج فارس تمدّن باستانی دیگری با ارتباط به‌الام و بین النّهرین و هند قدیم بصورت اجتماعی و هنری مجزّا وجود داشته است؟ وسر انجام پرده از نقشی که سواحل شمالی خلیج‌فارس درمیان این گاهواره‌های تمدّن‌قدیم برعهده‌داشته‌اند» برگرفته خواهد گشت .

چهارتصویر قلمی هم‌ازظرف‌مزبور همراه گزارش‌فوق ارسال شده است که دراشکال ۲۱۲ تا۲۱۵ مندرج‌میباشد .

## ۱۷ ـ پیدایش آثار عهد هخامنشی درنزدیکی فسا

درفروردین‌ماه سال۱۳۳٤ ضمن عملیات راهسازی درکنار جاده داراب و قره بلاغ در۳۰کیلومتری فسا و۵ کیلومتری گلبان در ابتدای **تنگ مورد** در نزدیکی محلّی که‌مقسم نهرموسوم به **نهر حسن** است دو پارچه اشیاء مفرغی که کاملاً تصوّرمیرود آفتابه‌ولگن‌عهدهخامنشی‌است پیدا شد[۱] وبموزهٔ‌ایران‌باستان

(۱) اطلاعات فوق ازگزارش‌شماره ۸۸۹۵ ـ ۸ر۳ر۳٤ که ازطرف آقای پیرزاده متصدی ابنیهٔ تاریخی فارس‌بعنوان ریاست ادارهٔ فرهنگ فارس‌مرقوم ورونوشت آن به ادارهٔ کل باستانشناسی فرستاده شده‌بود اقتباس ومورد استفاده واقع‌شده است وطبق گزارش مزبور درگلبان و نودگان که ازنهر حسن‌مشروب میگردد آثار وبقایای‌مختلف وجوددارد .

ارسال گردید ودر آنجا نگهداری نمودند (ش۲۱٦) .

در پائیز سال ۱۳۳۹ نیزضمن کاوشهای علمی ادارهٔ کلّ باستان شناسی که بوسیلهٔ آقای فریدون توللی انجام میگرفت ته‌ستونی متعلّق بدوران هخامنشی از سنگ سیاه درچهار کیلومتری جنوب فسا کشف گردید ودرمجاورت آن سنگهای عظیم ومدوّر شبیه سنگها وزیر ستونهای تخت جمشید و پاسارگاد بصورت احجار جوش خورده کرشکی بطورشکسته ونیم شکسته از زیرسنگ بنای گچ و سنگی متعلّق بقرن پنجم هجری ظاهر گشته بمسافت سه کیلومتری سنگهای فوق احجار عظیم دیگری هم دربرابر بقعهٔ معروف به امامزاده حسن(واقع درقریهٔ فیروزمراد) بیدا شده است و آقای توللی اظهار نموده‌اند که هخامنشیان بنای دیگری هم در مجاورت قریهٔ فیروزمراد داشته‌اند (۱)

با توجّه بمراتب بالا وآنچه قبلاً در بارهٔ آثار عهد هخامنشی قصر ابونصر وفرمشگان وفیروزآباد وسَروان مذکور افتاد میتوان اظهار عقیده نمود که کاخهای عهد هخامنشی در جلگه‌ها ونقاط مختلف سر زمین فارس وجود داشته مقرّ بزرگان یافرمانروایان محلّی یااستراحتگاه وشکارگاه شاهان وشاهزادگان بوده باشد وانتظار کشف چنین آثار در نقاط دیگر فارس نیز چندان بیمورد نخواهد بود .

---

دوست دانشمندم آقای سامی هنگام بازدید بقعهٔ خلیفه درخمر که در صفحات پیشین (قسمت ۱۳ ذیل) توضیح آن گذشت مسافرت خودرا تاجهرم ولارادامه داده واطلاعات مفیدی دربارهٔ آثارتاریخی دیگرموجود درآن نواحی نوشته وارسال داشته اند که عیناً دراینجا نقل میگردد :

---

(۱) مطالب بالا ازگزارش شمارهٔ ۵۲ ـ ۲٤ر۹ر۱۳۳۹ آقای فریدون توللی بعنوان ادارهٔ کل باستان‌شناسی استخراج‌واستفاده شده‌است ـ نگارنده‌وظیفهٔ‌خود میدانم ازهمکاری ومساعدت اولیای محترم ادارهٔ مزبور که در راه هدف مشترك در این مورد مبذول فرموده اند صمیمانه سپاسگزاری نمایم .

## ۱۸ـ آثار یك سدّ ساسانی در راه بین جهرم ولار

« درفاصلهٔ سی کیلومتری مانده بجهرم طرف دست چپ آثار یك سدّبزرگ سنگی مرتفع که قسمتهائی از آن هنوز بر جا مانده مربوط بدورهٔ ساسانیان موجود است که در زمستان وبهار آب سیلاب کوهستان در پشت آن جمع ودر تابستان برای زراعت اراضی جنوبی مورد استفاده قرار میگرفته است وبااراضی قطب آباد ۱۲ کیلومتری فاصله دارد ».

## ۱۹ـ بازار قیصریهٔ لار[1]

« بازار قیصریّهٔ لار یکی از بناهای مهمّ تاریخی فارس است که از لحاظ صنعت معماری وسبك‌کاراهمّیت فراوانی را حائز میباشد ومعروف است که‌بازار وکیل شیراز را کریمخان زند از روی آن بازار ساخته است با این فرق که بازار وکیل از آجر و بازار لار همه از سنگ میباشد و چهار بازار متقاطع بیك‌اندازه وهر کدام ۲۴دهانه دکان دارد . دکانها هر کدام ایوانی درجلوداشته وسه متر عرض دهانهٔ آن میباشد . در کهای سابق حجره‌ها در جوف سقف بین ایوان جلو وجزو حجره تعبیه شده که جای آن بخوبی مشهود ولی متأسفانه بیشتر ازایوانها را جزو حجره‌ها کرده وفقط چنددهانهٔ آن با در کهای قدیمش باقی مانده است .

« چهار سوق بازار هشت ضلعی ودارای یك طاق گنبدی بارتفاع درحدود ۱۸ متر ووسعت ۱۳/۵ × ۱۳/۵ متر با نمائی هفت و پنج از سنگهای پاك تراش میخکی میباشد کتیبه‌ای بخطّ نستعلیق در بالای چهارسو در هشت سطر بطور برجسته در سنگ نقر گردیده است که تقریباً سالم ومنتهی باین‌اشعارمیباشد :

---

(۱) در صفحهٔ ۹۴ کتاب از بنادر وکاروانسرای مهم وعلی لار که بنام قیصریه خوانده میشود ذکری بمیان آمده است واینك اطلاعات جامع ومفیدی که آقای سهمی نوشته‌اند بشرح مرقوم نقل میگردد .

شکر خدا که باز بتأیید کردگار
در عهد پادشاه جهان سایهٔ خدای

عباس شاه آنکه زخاك درش مدام
کسب سعادت ابدی میکند همای

از یمن عدل خان زمان آنکه از کفش
خجلت بر دمحیط چو گیر دره سخای

ویران سرای لار بسعی وزیر دهر
دستور بحر خاطر و دارای مهر رای

قنبرعلی بیك آنکه از آئینهٔ دلش
درغیرت ابد شده جام جهان نمای

مأمور شد چنانکه ... است چند
... ی ز بهر ساختن آشیانه جای

از قیصریه‌ای که هوای فضای او
چو نان نسیم باغ بهشت است غم زدای

تاریخش از خرد طلبیدم جواد گفت
دارالامان لار شد احیا ازین بنای

«دور چهار سویك غلام گردش دارد که از لحاظ معماری مهمّ وخودمزیّت دیگر این بازار را بر بازار وکیل شیراز تأیید مینماید. از کتیبهٔ بالای در ورودی قسمت غربی بازار چنین مستفاد میشود که در عهد ناصرالدّین شاه قاجار توسّط فتحعلی‌خان گراشی بسال ۱۳۱۰ هجری قمری تعمیر وشاید تجدید قسمتی از بنا گردیده است. نوشتهٔ نامبرده بدین شرح است:

**الملك لله. در عهد سلطنت پادشاه عادل ناصرالدین شاه بتأیید الهی فتحعلی خان جراشی موفق بساختن این بنای عالیه گردید درشهرشعبان ۱۳۱۰ سمت اتمام پذیرفت.**

«در وسط شهر یك میدان بزرگ بنام قیصریّه که ایوانی با ستون درجلو داشته ولی اکنون آن ایوان وستونهایش از بین رفته است ودر جنوب همین میدان یك تیمچه بنام (سرای گلشن) میباشد که آن نیز ایوانی است دورا دور وجلو حجرات تجارتی داشته ودر زلزلهٔ اخیر چهار پنج ستون آن بخارج پرتاب گردیده است، لار از شهرهای قدیمی فارس وسابق براین پرجمعیّت تر ازحال بود، جلگه ای که شهر را تشکیل میدهد با کوههای کم ارتفاعی محصور و مخصوصا کوه غربی وصل بشهر است روی آن ساختمانی است بنام مادر نادر و برای وجه تسمیه‌اش چنین روایت میشود که وقتی نادر در تعقیب افغانها در لار بوده مادرش فوت مینماید برای احترام و آنکه بنادر فهمانده شود که مادرش مرده لاربها ابن بنا را بدان نام میسازند.

«رودخانهٔ خشکی دروسط شهراست که سیلابهای زمستانی و بهاررا بخسارح میبرد . چیزی که درشهرلاردرهمه جا جلب توجه مینماید یکی آب انبارهای بزرگ است که اغلب دارای بیست مترقطروبسیارعمیق است و با طاقهای گنبدی مسقف گردیده این آب انبارها از آبهای باران زمستان پرمیشود وذخیرهٔ منبع آب مصرفی تابستان و پائیزی مردم میگردد . دیگری بادگیرهای خشتی و آجری است که برفراز بامخانه‌ها تعبیه گردیده است . درختان نخل ـ کنز ـ اقاقیا ـ ابریشم ـ کائوچو ـ مرکبات از درختان بومی لاروخضرت وطراوتی بخیابانها ومنازل داده است .

«زلزلهٔ چهارم اردیبهشت ماه ۳۹ قسمتی از خانه‌های شهرو مخصوصاً مسجد جمع آنجا را که از لحاظ معماری وسبك بی اهمیت نبوده است خراب نمود ولی به‌بناهای محکم ومخصوصاً برابر آسیبی‌واردنساخت . شهرجدید که از طرف شیروخورشید سرخ ودولت ساخته‌های آهنین وسبك وزن ساخته میشود دراراضی جنوبی جلگهٔ لاردامنه کوه گراشی جائی بنام تنگ اسد واقع گردیده که باشهرفعلی شش کیلومترفاصله دارد(بین قریهٔ خوروقریهٔ لاین درراه لاربه بستك .)

« درکنارخیابان سی‌متری‌شمالی‌شهرتازه‌سازیك تپّهٔ ماقبل تاریخی‌بوسعت ۸۰×۱۰۰متر وارتفاع در حدود ۱۰متر وجود دارد که در شهریورماه ۳۹ضمن تسطیح خیابان نامبرده چند ابزار سنگی تراشیده مانند دستهٔ جوقن و سنگهای سلاح و رنگ وپاشنه درکه تراش قابل توجّهی ندارد پیدا گردید بعلاوه روی تپّه شکسته‌های سفال ما قبل تاریخی بچشم میخورد ، کاوشهائی که بعداً توسط کارشناسان فنّی باستانشناسی در اینجا بعمل خواهدآمد قدمت آنرا بتحقیق معلوم خواهد ساخت ( تپّهٔ نامبرده ۱۲۰۰ متری قریهٔ لاین و پنج کیلو متری جنوب شهرقدیم‌لارقرارگرفته است ) ازشیراز تا لار درحدود ٤۰۰ کیلومتر وجهرم در بین راه قرار گرفته است »

## ۲۰ ـ اطلاعات رساتر پیرامون بنای تاریخی گوردختر و گزارشهای مربوط بآثار باستانی دیگر ناحیهٔ سرمشهد (نقاره خانه ـ آتشدان سنگی تنات باد)

درتلوصفحات ۱۱٦ تا ۱۲۰ متن کتاب دربارهٔ آثار تاریخی سرمشهد [illegible] موقع [illegible]
متن مزبوربدست آمده و فراهم گشته بود مذکورافتاد و [illegible] موجود [illegible]
اماکن باستانی ناشناس مانده درناحیهٔ مزبوروارد [illegible] گردید [illegible]

اشاره به بنای کوردختر (صفحهٔ ۱۱۸ متن کتاب) یادآورشد که **چنین بنظرمیرسد بنای مزبور از دخمه های آغازدوران هخامنشی شبیه آرامگاه کورش یاتخت گوهر یا کعبه زرتشت باشد** ودرعین حال موضوع را شایستهٔ تحقیق وتجسس علمی دانسته بود .

خوشبختانه آقای پرفسورواندنبرگ بلژیکی که درموارد متعدد متن کتاب اشاره به تحقیقات تازهٔ اودربارهٔ آثارتاریخی فارس شده است(صفحات ۸۷ و۹۳ و۹۵ و۷ ـ ۱۰٤) درزمستان ۱۳۳۹ بنواحی جره وسرمشهد وفراش بند مسافرت نمود وموفق به بازدید وعکس برداری از بنای تاریخی کوردخترهم شد وپس از بازگشت خود بطهران در روزهای اول بهمن ماه ۱۳۳۹ اخبار مربوط به بازدید بنای نامبرده را باعکسهای آن درروزنامه‌ها منتشرساخت ومعلوم گردید همانطور که نگارنده درانتشارات مختلف قبلی ازروی احتمال وقرائن اظهارنظرنموده بودم بنای کوردختراز آرامگاههای آغاز دوران هخامنشی ومربوط به یکی از پادشاهان سلف این سلسله پیش از کورش کبیرمیباشد(۱).

پرفسورواندنبرگ از نظرهمکاری ومساعدت درتحصیل اطلاعات مندرج دراین کتاب گزارش خصوصی حاکی از جریان مسافرت خود بنواحی مورد ذکررا نوشته بضمیمهٔ عکسهای چند باختیار اینجانب گذاردند واینك باعرض تشکراز این محبت و مساعدت بمورد ترجمهٔ گزارش مزبوررا ذیلا می‌نگارد :

## «تجسسات باستانشناسی در جنوب ایران ـ زمستان ۱۳۳۹»

«تجسّسات باستانشناسی که پرفسور لوئی و اندنبرگ عهده‌دار بوده واز زمستان ۱۳۳۰ ببعد در انجام آن کوشیده است با استفاده از اعانهٔ بنگاه موقوفهٔ دانشگاهی بلژیك و کمکهای ادارهٔ کلّ باستانشناسی ایران صورت میپذیرد و منظور آن اجرای منویّات ذیل میباشد :

**الف** ـ طرح و تهیّهٔ نقشه‌های باستانشناسی مشتمل بر اماکن باستانی که بوسیلهٔ نام مشخّص آنها معلوم گردد و تعیین ادواری که اماکن باستانی مورد ذکر مربوط بآن میشود .

**ب** ـ گمانه زنی در تپّه‌های پیش از تاریخ .

**ج** ـ تهیّهٔ طرح ونقشهٔ ابنیهٔ قدیمی که تا کنون ناشناس مانده است .

(۱) نگارندهٔ کتاب درفروردین ماه ۱۳۲۹ که به‌سرمشهد رفته بودم ازوجود بنای تاریخی کوردختراطلاع یافتم ودرمقالهٔ مربوط به سرمشهد تحت عنوان قالبگیری ازکتیبهٔ سرمشهد مندرج درشمارهٔ دهم سال ۲٤ (تیرماه ۱۳۲۹) مجلهٔ آموزش وپرورش برای نخستین باراطلاعاتی‌را که ازبنای کوردختربدست آورده بودم منتشرساختم وبشرح مذکوردرمقالهٔ نامبرده براثراشکالات ومحظوراتیکه درآن هنگام وجود داشت شخصاً توفیق بازدید اثرتاریخی مزبوررا پیدا نکردم .

در نتیجهٔ تجسّسات مزبور اطّلاعات صحیحی پیرامون تمدّنهای گوناگونی که متعاقب یکدیگر در نواحی مورد ذکر مستقر بوده است وهمچنین در بارهٔ گسترش وفایدهٔ هر یك از تمدّنهای نامبرده بدست میآید .

در زمستان ۱۳۳۹ تجسّسات پرفسّور واندنبرگ اصولاً درناحیهٔ واقع در مشرق جادّهٔ کازرون وبرازجان که در مغرب جادّهٔ قدیمی بین فیروزآباد وبندر طاهری قرار میگرفت انجام پذیرفت .

در زمستان سال ۱۳۳۸ پرفسّور واندنبرگ تمام طول جادّهٔ باستانی اخیرالذّکررا پیمود ودرمحلّ معروف به «کنار سیاه» یکیازبزرگترین مجموعهٔ ساختمانهای آتشکدههای ایران را یافت ـ ناحیهای که مورد تجسّس و بررسی قرار گرفت بندرت اماکن پیش از تاریخ را در بر دارد وطیّ سال ۱۳۳۸ این معنی باثبات رسید[1] ـ برعکس بقایای عهد ساسانی و آثار دورهٔ آغازاسلامی در نواحی مزبور فراوانست .

مهمترین بنائی که پرفسّور واندنبرگ در زمستان سال ۱۳۳۹ کشف نمود آرامگاهی از عهد هخامنشی بنام گور دختر است که در جنوب حسین آباد (واقع در جنوب غربی جرّه) قرار دارد ـ آرامگاه مزبور بوسیلهٔ تختهسنگهای بزرگی کهبدون ملاطبرروی یکدیگر استوار گردیده است ساخته شده مشتمل بر بنای مستطیلی شکل با بام شبیه شیروانی میباشد که بر فراز سکّوی سنگی سه پلّهای بنیاد نهادهاند (شکل ۲۱۷ و ۲۱۸) اطاق آرامگاه بوسیلهٔ در سنگی یك پارچه مسدود میشد که امروز از میان رفته است .

آرامگاه گوردختر شباهت فراوان بهآرامگاه کورش در پاسارگاد دارد بدین معنی که آنرا بههمان هیئت آرامگاه کورش واز تخته سنگهای بزرگ ساختهاند وطرز کار وحجّاری آن نیز از نوع کار هخامنشیان است ـ باوجود این از نظر ابعاد وجزئیّات بناباآرامگاه کورش تفاوت دارد چنانکه ارتفاع آرامگاه

---

(۱) توجه خوانندگان ارجمند را به نظریهٔ آقای توالی در قسمت ۱٦ [illegible] و صفحهٔ ۳٦۵ نقل گردیده است جلب مینماید .

کورش مجموعاً با سکوی زیر آن متجاوز از ده متر است امّا ارتفاع آرامگاه گوردختر مجموعاً بیش از ٤/٥ متر نیست ـ اطاق اصلی آرامگاه کورش به بلندی بیش از پنج متر میباشد ولکن در بنای گوردختر ارتفاع اطاق اصلی از ۳/٥ متر تجاوز نمیکند ـ اندازهٔ داخل اطاق آرامگاه کورش ۲/۲۰ × ۳/۲۰ × ۲/۱۰ متر است و اندازهٔ داخل اطاق آرامگاه در گوردختر ۱/٥ × ۲/۲۰ × ۲ متر میباشد آرامگاه کورش برفراز پایهٔ شش پلّه‌ای قرار دارد درصورتیکه آرامگاه گوردختر را بر بالای پایهٔ سه پلّه‌ای استوار نموده‌اند.

هر چند در تعلّق داشتن آرامگاه گور دختر بدوران هخامنشی جای کمترین تردیدی نیست لکن انتساب آن به یك پادشاه معیّن امری دشوار است زیرا بنای مزبور نبشته ندارد ـ شاید بنای مورد ذکر به یکی از اسلاف کورش کبیر یعنی چیش پش یا کورش اوّل تعلّق داشته است ـ شهریار اخیر پدربزرگ کورش کبیر بوده بنا بر نبشتهٔ آشور بانی پال در سال ٦۳۹ پیش ازمیلاد پادشاه پارسواش ـ پارسه ـ خوانده شده است.

آرامگاه مورد ذکر بدون کمترین تردید نمونهٔ قدیمتر آرامگاه کورش بوده شاید براثر بررسی دقیق بهتر بتوان وضع تاریخی آنرا مشخّص نمود.

پرفسورواندنبرگ علاوه بربنای گوردختر پنج آتشکدهٔ دیگراز عهد ساسانی را نیز درمیان ویرانه های متعدّد عهد ساسانی واقع در جنوب فرّاش بند کشف نمود ـ بنظردانشمند مزبور آتشکده‌های مورد ذکر که مربوط بعهدساسانی است شاید همان پنج آتشکده ای باشد که بوسیلهٔ مهرنرسی وزیر بهرام پنجم شاهنشاه ساسانی احداث گردیده بوده است[۱] بنای آتشکده‌های پنجگانه مکشوف از سنگ لاشه‌های طبیعی وملاط گچ بوده مشتمل بریك چهاراطاقی که جایگاه عبادت عموم بوده است واطاق مسدودی که آتش مقدّس رادر آن حفظ مینموده‌اند میباشد.

---

(۱) طی صفحات ۱۱۲ تا ۱۲۰ متن کتاب دربارهٔ آنها توضیح داده شده است.

پرفسورواندنبرگ پس از انجام تجسّسات موسمی اخیرخود میتواند نقشهٔ باستان شناسی راههای باستانی را که درعهد ساسانیان درقسمت جنوب فارس دائر بوده است ترسیم نماید .»

علاوه برآنچه درگزارش فوق ذکرشده است آقای پرفسور واندنبرگ ضمن توضیحات شفاهی اطّلاعات زیررا نیز دراختیارنگارنده کتاب گذاردند :

درمثلّث واقع بین فرّاش بند و کُنارسیاه[1] وکراب[2] چارطاقی بزرگی از آتشکده‌های عهد ساسانی بنام نقاره خانه موجود است(ش ۲۱۹) که مشخّصات آن بشرح زیرمیباشد :

درازای بنا ۱۰/۹۰متر- پهنای آن ۸/٤۰ متر- ارتفاع تمام بنا ۹/٦۰ متر.

طول هریك از پایه های شمالی بنا ٤/۵۰ متر - طول هریك از پایه های جنوبی آن ۲ متر- فاصلهٔ هردهانه بین دو پایهٔ چهارطاق ٤/۸۰ متر.

ضمناً طبق اظهاردانشمند مزبورآتشکدهٔ موسوم به تون سبز (که‌درصفحهٔ ۱۱۵متن کتاب‌بآن‌اشاره شده‌است)اکنون اساساً وجودندارد وبشرحی که گذشت بعقیدهٔ ایشان احتمال میرودآتشکده های مهرنرسی(درصفحات ۱۱۲تا ۱۲۰متن کتاب توضیحات مربوط بآنهاذکر گردیده است) عموماً درهمین ناحیه واقع‌بوده باشد و در اینصورت آتشکدهٔ نزدیك کازرون از جملهٔ آنها بشمار نمیرود و نام کُنارسیاه که‌حاکی‌ازبودن‌درخت کُنار (سدر) کهن‌سال‌است باآنچه‌برای‌احداث باغها وکاشتن درختها دربارهٔ مهرنرسی نوشته‌اند(صفحهٔ ۱۱٤متن کتاب)بی ارتباط بنظرنمیرسد .

راهی که پرفسور واندنبرگ برای رسیدن به سر مشهد پیموده غیر از راههای دوگانه **چاه انجیر ودار بلوط** بوده است زیرادوراه مزبور(که‌درصفحهٔ

---

(۱) واقع درجنوب غربی فیروزآباد - بین فراش بند و فیروزآباد - درصفحهٔ ۱۰٤متن کتاب ضمن نقل قسمتی ازگزارش مسافرت پرفسور واندنبرگ درزمستان سنهٔ ۱۳۳۸ اشاره بآن شده است .

(۲) واقع درجنوب غربی فراش بند وجنوب شرقی کنارسیاه .

۱۱۶متن کتاب مذکور گردید) برای عبوراتومبیل عملی و قابل استفاده نیست بلکه از راه حسین آباد که در جانب جنوب غربی جره و جنوب شرقی سر مشهد واقع میباشد به محلّ اخیررسیده مسافت بیشتری را پیموده است وضمن عبوراز همین راه درمحلّ موسوم به قنات باغ آتشکدهٔ سنگی بسیارزیبا و جالبی از عهد ساسانی‌را کشف نمود که‌آتشدان مستطیل‌سنگی بصورت‌شبیه به‌سه‌پلّه‌برفرازپایهٔ سنگی بلندی قراردارد(ش ۲۲۰) آتشدان مزبور طوری بربالای‌پایهٔ سنگی‌نصب شده است که قسمت شبیه پلّهٔ آن روببالا قرار دارد وبدین ترتیب محلّ‌آتش که گودال وسط آتشدان باشد درطرف پائین واقع گردیده است ـ دانشمندمحترم آقای علی حاکمی مدیرموزهٔ ایران باستان که دربارهٔ آثارادوارتاریخی ایران (هخامنشی تا ساسانی) تحقیق وتتبّع زیاد کرده اند نیز معتقد هستند که‌آتشدان مزبوربطورمعکوس نهاده شده وآنچه برروی سکّه‌های ساسانی برای نمودن‌نقش آتشدانها دیده میشود نیز مؤیّد این امراست و طبعاً نهادن‌آتش درون گودال که بصورت فعلی درزیرآتشدان واقع شده میسّرنبوده است.

بقراریکه پرفسورواندنبرگ نقل‌مینمودندآتشدان مزبوراکنون بصورت امامزاده و محلّ متبرّك درآمده مورد اعتقاد و حرمت مردم است و یقیناً علّت باقی بودن‌آنهم‌چیز دیگری نیست ودراین باره باید گفت مانندآرامگاه کورش وآتشدان سنگی واقع درسیدان ( صفحات ۱۸و ۱۹ متن کتاب ) و بسیاری آثار باستانی دیگرایران که مربوط به ادواربیش از اسلام است ادامهٔ اعتقاد و سنّت احترام امکنهٔ مقدّسهٔ بیش از اسلام بصورت وعنوانی دیگردردورهٔ اسلامی باعث حفظ و نگهداری بسیاری از اینگونه آثار ملّی تاریخی و مذهبی ایران کهن گردیده است.

مشخّصات‌آتشدان مزبوربدینقرارمیباشد :

ارتفاع پایهٔ‌آتشدان که از خاك بیرون‌آمده است ۱/۱۵متر

قسمتی از پایه که درون خاك فرورفته است ۲۵ سانتیمتر

بلندی هریك ازپلّه‌هایادندانه‌های سه گانهٔ آتشدان سنگی۱۰سانتیمتر

مجموع ارتفاع تمام آتشدان ۱/۷۰متر
پهنای پایه ۳۵ سانتیمتر

---

## خاورزمین - بربابابیکی - بر خطیری - دهن شاه سلیمان - جلگهٔ بسپر تل شغالی - تل خندقی - کوشک - تخته آب شیرین

پس از انتشار گزارش پرفسورواندنبرگ از طرف ادارهٔ کل باستان شناسی برای بازدید و بررسی مجدد وکاملترآثارتاریخی نواحی مزبوراقدام وباداره‌ٔ باستان شناسی فارس دراین باره دستور داده شد و درانجام این مأموریت آقای فریدون توللی درآخرین روزهای بهمن ۱۳۳۹ به محلهای مورد ذکرعزیمت وآنهارا بررسی‌نموده وگزارش جامع ومفیدی باداره‌ٔ کل باستان شناسی(طی‌شمارهٔ ۱۰۳-۲۲ر۱۲ر۱۳۳۹)فرستاده‌اندکه باحذف برخی جملات برای مزید افاده ذیلا نقل میگردد:

«حضورمحترم جناب آقای اجودانی ــ مقام مدیریت کل باستانشناسی»

«پیرونامهٔشمارهٔ ۹۵ـ۳۹/۱۲/۳ موضوع بازدیدازمقبرهٔ معروف بگوردختر وآتشکده‌های مجاورآن باستحضار خاطرشریف میرساند :

درتاریخ ۳۹/۱۱/۲۵ پس ازآنکه وسائل مسافرت اینجانب و همراهانم از طرف همکار گرامی جناب آقای سامی ریاست محترم ادارهٔ باستانشناسی فارس و بنگاه علمی تخت جمشید فراهم گردید درامتثال دستورآنجنـاب عازم کازرون گردیدم وسپس دربامداد روز بعد درحالیکه درباجهٔ فاموررا دردست چپ خود داشتم راه نواحی جنوب غربی این شهرستان را درپیش گرفتم .

از کارکنـان و کارگران ورزیدهٔ بنگاه علمی تخت جمشیـد در این سفر علیمراد برزو ومرادکارگربا اینجانب همراهی داشتند که اتفاقاً هردوقبل ازاین درمعیّت افراد ومیسیونهای قبلی ازآن دیاردیدن کرده بودند .

علاوه براین دونفرسیدمحمّد مقنّیان‌سرکارگرکاوشهای علمی فسانیزهمسفر مابود تا درموارد لزوم هیئت را درانجام کمانه زنیهای کوتاه متفرّقه یاری دهد.

هیئت ماکه با استحضار قبلی از دشواریها و مخاطرات راه و بیراهه‌های مال‌روی آن‌حدود دریك دستگاه لندرورمحکم ومجهّزطی‌طریق میکرد بالاخره

موّفق شد که ۱۳۳ کیلومتر مسافت فیما بین کازرون و سرمشهد را بـا گذرانیدن یك روز بارانی عجیب بپیماید و سرانجام بـا پشت سر گذاشتن کوهستانهـای صعب العبور و پرتگاهها و سیلابها و رودخانه های خطرناك که گذشتن از آن بی‌دیدار مرگ میسّر نبود شبانگاه این روز را در خاربست‌ها و کومه‌های بی درو پیکر سرمشهد باستراحت پرداز دوشك نیست که نظر اینجانب از انعکاس مجمل شدائد جز این نیست که این وقوف سایر همکاران گرامی‌را نیز درانجام مأموریّتهای احتمالی آینده باین حدود بکار آید.

آبادیهای این راه جز دهکده‌های **مُله ارَّه** و **قلعه مشیر** و **قصبهٔ جره** و **قریهٔ حسین آباد** همه دوراز جادّه قرار گرفته ودرآبادیهای فوق الذّکر نیز ساختمان گلی وسنگی کمتر بچشم میخورد باین معنی که قالب کلبه‌هاوسراچه‌های روستائی‌را از یکنوع نی معروف به **لمبان** برافراشته وحیاط این سایبانهای بی‌درو پیکر را نیز با پرچین هائی از شاخسار پرتیغ ُکنار ْ محصور داشته اند با اینهمه بقایای ابنیهٔ مخروبه وشالوده‌های سنگی دوران ساسانیان نه تنها اطراف این دهات را بحد وفوردربر گرفته بلکه از شهرستان بزرگ کازرون تاآبادی شش خانواری سرمشهد کمتر نقطه‌ای را از کثرت آثار و اتلال بـاستانی مزبوربی نصیب میتوان یافت.

دراین‌میان آنچه شایستهٔ کمال دّقت‌وقابل انجام‌هر گونه کاوش‌و گمانه‌زنی و تحقیقات علمی است اتلال کثیر دوشهرباستانی مخروب ومدفون است که هردو درجلگهٔ وسیع سرمشهد قرار گرفته و بقرار اظهار اهل محل ظاهراً در چهارسال قبل یکنفر قاچاقچی آثار عتیقه نیز بنام مینائی یزدی ماهی چند با تعداد زیادی کارگر ووسائل لازمه دراین دونقطه مشغول استخراج عتیقات بوده است باآنکه اینجانب بشخصه از محلّ کاوشهای قاچاق مورد بحث وعمارت گچ وسنگی مکشوفه درآن اتلال بازدید نمودم و کدخدای محل را به لزوم گزارش فوری این قبیل اتّفاقات متذکّر ساختم باز جای آن است که ازطرف ادارهٔ کلّ باستان شناسی نیز دراین باره اقدامات لازم معمول گردد.

بهرحال یکی از این دوشهرباستانی‌را اهالی محل بنام **خاور زمین** مینامند ودیگری‌رابدین‌مناسبت که درمجاورت کاروانسراسنگی مخروبه‌ای‌بنام **بابایکی** واقع است **بَربابایکی** نام نهاده‌اند وواژهٔ بَر دراصطلاح آنان به تپّه وتل اطلاق میشود . بطورخلاصه آثارکاوشهای قاچاق‌مینائی یزدی راهم [1] کنون نیز دراتلال **خاور زمین** و **برخطیری‌ودهن‌شاه‌سلیمان** و **بَربابایکی** میتوان بوضوح‌مشاهده نمود وبطوریکه درمحلّ گفته میشود ظاهراً مستخرجات این‌کاوشهای قاچاق را که باسوءاستفاده از پرت بودن محل و جهل مردم و نبودن هیچگونه پاسگاه ژاندارمری یا مؤسّسه دولتی درآن نقاط از یاد رفتهٔ کشورصورت میگرفته است مینائی مزبور وسیلهٔ شتران بارکش از طریق بیراهه بخارج میبرده و حتّی درمواقع انجام‌حفّاری‌نیزازنزدیك‌شدن ساکنین آن‌حوزه به‌کارگاه‌ها‌جلوگیری میکرده است . و امّا جلگهٔ سر مشهد که بطول تقریبی ۳۰ و عرض تقریبی ۹ کیلومتربقایای این دو شهرباستانی را دربر گرفته است از شمال به دالکی و از جنوب به‌فراشبند و از مشرق بکوهستان **برهسه** و از مغرب به کوهستان **سروك** محدود میباشد وهمین کوه اخیراست که میان جلگهٔ سرمشهد را باجلگه بُسبر (بروزن کُلبر)فاصله‌افکنده‌ودسترسی‌به‌مقبرهٔ **گورودختر** وآتشکده‌های دوگانهٔ جلگهٔ اخیررا جز ازطریق کوه پیمائی‌وپیاده روی‌درارتفاعات دشوارساخته‌است.

بهرحال هیئت ماپس ازاستراحت‌یکشبه در کومه‌های سرمشهد واستحضار از لزوم کوه پیمائی روزبعد بامداد فردا را عازم **جلگهٔ بسپر** گردید درآن روز نخست به تخفیف بارها وبرداشتن ابزارکاروحد اقلّ مایحتاج دو روزه برداختیم وسپس با پیمودن سه فرسنگ راه کوهستانی صعب‌العبوروخطرناك جبال **سروك** راپشت سر گذاشته و مقارن‌شامگاه به جلگهٔ باستانی بُسبر فرود آمدیم . دراین جلگه نیز شالوده‌ها وسنگ بندها وآثارو اتلال کثیری از ادوارباستانی بحشم میخورد و بیننده را برآبادی کامل آن منطقه در ادوار گذشته مطمئن میساخت بااینهمه درپایان آن روز بعلّت‌خستگی مفرط مجال وقدرت تحقیق برای‌هیچ‌حیث از ما باقی نمانده بود ناچار با پیمودن عرض جلگه شب را درسیاه چا در کلانتر

طایفهٔ قرم شملوبروز آوردیم وصبح روز بعد پس از بازدید اتلال بزرگ وقابل کاوش این جلگه بنام **تل‌شغالی** (ش ـ ۲۲۱) و**تل خندقی** و انجام گمانه زنیهای کوتاهی دراین دوتپّه عازم دیدار **گوردختر** شدیم.

این مقبرهٔ سنگی که وجودآن قبل از اظهارات اخیرپروفسورواندنبرگ وسیلهٔ‌باستان‌شناسان ایرانی ضمن‌درج مقاله‌ای‌مربوط به‌استامپاژپرفسورهنینگ انگلیسی از کتیبهٔ‌سرمشهد دریکی ازنشریّه‌های‌یونسکواعلام گردیده[1]ازلحاظ ظاهرشباهت بسیاری به‌مقبرهٔ کورش کبیردارد و دروضعی ساخته شده که درگاه کوتاه‌آن درست روبشمال غربی باز میشود(ش ـ ۲۱۷). اطـاقك مقبره وسقف و محمولات فرازسقف‌آن جمعاً از۱۹پارچه سنگ مختلف الابعاد تشکیل‌یافته که ازآن جمله یك پارچه سنگ ذوذنقه شکل تارك عقب‌مقبره را در همین سنوات اخیرجمعی از عشایر بیابانگرد فرودآورده ودرشکسته‌اند. گفته میشود که‌غرض آنان دست یافتن به گنجی بوده که به‌پندارایشان‌درسقف مقبره جای داشته ودر راه انجام این خیال که وسیلهٔ طناب پیچ کردن سنگ واستفاده از کشیدن‌دنبالهٔ طناب بمدد شتران زورمند بوده است دو شتررا نیز با درافتادن سنگ بهلاکت رسانیده‌اند ولی نتیجهٔ این کوشش‌جاهلانه هم اینك یك مسئله‌علمی‌را درنظرگاه تحقیق باستان شناسان قرار داده وآن یك سنگ تراشیدهٔ مقعّراست که بصورت ناودانی واژگونه بربام مقبره قرار گرفته(ش ـ ۲۱۸)وبرخلاف خلاءهای‌دوگانهٔ موجود درسنگ بام مقبرهٔ کورش کبیرفاقد هرگونه راهی بخارج بوده است، با اینهمه تراش داخل این نیم استوانهٔ سنگی مجوّف که بربام مقبرهٔ گوردختردر جهت شمال غربی‌وجنوب شرقی‌قرار گرفته چنان است که میتوان تنگنای‌داخل آنرا جایگاه نعش پنداشت ودراین صورت لازم میآید که مقبره را قبل از دفن جنازه ناتمام گذاشته وسپس‌سنگ ذوذنقه شکل‌را بردهانهٔ عقب‌آن استوار کرده

---

(۱)مقالهٔ سابق‌الذکرنگارنده که درمجله آموزش وپرورش ـ شمارهٔ مربوط به‌تیرماه۱۳۲۹ درج گردیده بود مقارن همان اوقات در مجلهٔ یونسکودرتهران که نشریهٔ کمیسیون ملی یونسکو در ایرانست نیز منعکس شده است.

باشند، باآنکه برخی از مهندسین امروز مجوّف بودن منشورسنگی سقف مقبرهٔ کورش‌را دلیل توجّه پیشینیان به‌اصل(سبك کردن وزن بنا)دانسته ووجودمدفن اصلی‌رادرسقف مقبره مورد انکارقرارمیدهندنظریّهٔ مزبوررا بآسانی قبول نمیتوان کرد خاصّه‌آنکه درمقبرهٔ گوردختراین(تجویف)بصورت دیگری صورت گرفته و چنین مینماید که سقف مقبرهٔ مزبور را برخلاف مقابر موجود دربام‌آرامگاه کورش کبیر کـه ازآن شاه و ملکه بوده است فقط بمنظور دفن جسدی واحد پرداخته‌اند وای‌کاش‌بآن‌عشایر گمنام که‌ظاهراً سالی‌چندپیش از این‌بادرافکندن سنگ فوق‌الذکربرای نخستین باربه مدفن واقع دربام(گوردختر)دست یافته و محتویـات آنرا سرسری گرفته اند دسترس بود تـا این راز عجیب نیز بصورت قاطع‌تری درمعرض دانش بشری قرارمیگرفت.

بهرتقدیرآرامگاه **گوردختر** برسه‌صفّهٔ سنگی‌قرارگرفته که میتوان‌طول وعرض وارتفاع هریك‌رابضمیمهٔ سایرابعادومشخّصات‌این مقبره درسه برگ‌نقشهٔ تقدیمی به‌پیوست مطالعه نمود ضمناًعکسهای مختلفی هم ازچهارجهت‌بنابرداشته شده که‌کاربررسی دراین‌آرامگاه راآسانترمیکنند(۱).

با اینهمه نبودن هیچگونه خط ونوشته‌ای‌دراین‌آرامگاه مانع ازآن‌است که انتساب‌این مقبره به **چیش پش**‌یا سایرفرمانروایان محلّی ایران‌باستان‌مورد توجّه قرارگیرد و معلوم نیست اظهارات‌آقای پرفسورواندنبرگ دراین زمینه مستند بکدامین دلیل و مدرك قاطع بوده است گمان اینجانب بر این است کـه چنانچه درزمستان‌آینده(چون درسایرفصول بعلّت گرمـای شدید امکان نیست) کاوشها و گمانه‌زنیهای وسیعی درجلگهٔ بسپر واتلال دوگانه نزدیك باین مقبره (تل شغالی وتل خندقی)صورت گیرد وحتی در **خاورزمین** و **بربابایکی** واقعه در جلگهٔ سرمشهد هم حفّاریهائی‌انجام شود شاید بتوان دربارهٔ **گوردختر** واسرارآن اطّلاعات علمی قابل توجّهی بدست‌آورد.

---

(۱)درتصاویرشمارهٔ ۲۱۷ و۲۱۸وضع بنای گوردختربخوبی هویداست و نقشه و عکسهای مورد اشاره درسطورفوق را اینجانب ندیده ازآنها استفاده نکرده‌ام.

اما آتشکده‌هائی که آقای پرفسور واندنبرگ از آن سخن گفته‌اند نیز هر دو درهمین جالگهٔ بسپر و در دامنهٔ کوه غربی این جالگه معروف به **تخته آب شیرین** قرار گرفته و تا مقبرهٔ گوردختر و همچنین تپّه‌های **شغالی** و **خندقی** فاصلهٔ چندانی ندارد. اهالی محل آتشکدهٔ بزرگتر و درعین حال سالم‌تر را **کوشگ** مینامند و این بنای گچ وسنگی که تقریباً در فاصلهٔ یك کیلومتری جنوب گوردختر بشیوهٔ آتشکده های ساسانی فیروزآباد و نظائر آن بنیاد گردیده مشتمل براطاقها و رواقهای بزرگ و کوچکی است که اغلب از آنها بمرور دهور بکلّی ویران گردیده و پاره ای دیگر نیز درشرف انهدام بنظر میرسد (ش۲۲۱ و ۲۲۲). با اینهمه عظمت دیرین این آتشگاه را میتوان از اطاق بزرگ مدخل آن که رو بمشرق گشوده میشود (ش-۲۲۳). درنظر مجسّم نمود- درگاه مزبور درحدود ۵۸۰ سانتیمتر وارتفاع بلندترین قسمت طاق درحال حاضر نزدیك به شش متر است ولی باید توجّه داشت که قسمتهائی از قلّهٔ این طاق فروریخته واندازه گیریهای دقیق‌تر را مستلزم صرف وقت بیش از این نموده است ضمناً دهلیز باریکی بعرض وطول تقریبی ۱۲×۱/۵ متر در طبقهٔ دوّم این آتشکده در جهت شمال و جنوبی باقیمانده که کمتر از سایر قسمتهای بنادستخوش ویرانی گردیده وظاهراً اطاق کوچك زیر این دهلیز درطبقهٔ اوّل واسطهٔ ارتباط قسمتهای شرقی وغربی بنا بوده است. باآنکه دربرخی از نقاط این آتشکده آثار مرمّتهائی بنظر میرسد ولی پیدا است که این تعمیرات چندان کهنه نبوده وظاهراً درهمین اواخر بدست رؤسا وعشایر بمنظور استفاده از سکونت افراد یا جادادن گاو و گوسفندان صورت گرفته است همچنانکه آتشکدهٔ ساسانی شهرستان داراب مشهور به **مسجدسنگی** (۱) نیز تا سال گذشته آغل گوسفند بود وبازدید اینجانب وهمکار گرامی آقای سامی ازمحلّ مزبور دراثر تصاعد گاز آمونیاك حاصله از بول و مدفوع گلّه بصعوبت تمام انجام گرفته و البتّه بلافاصله از طرف ادارهٔ باستان شناسی فارس دراین باره اقدامات لازمه معمول گردید بهر تقدیر

(۱)- اطلاعات مربوط به مسجد سنگی درصفحات ۹۱ و ۹۲ متن کتاب وتصویر آن درشکل ۱۵۱ (ص ۷۸۰) درج گردیده است.

آتشکده بزرگ جلگهٔ بسپر یا (بنای کوشک) نه چنان منهدم است که بتوان با اعتبارات قلیل متداوله به مرمّت آن پرداخت وبهمین مناسبت تهیهٔ نقشهٔ کامل آن نیز که قبل از هرچیز نیازمند انجام یك سلسله کاوش وسیع چند ماهه وبرداشتن هزاران خروارسنگ فروریخته وپیدا کردن شالوده‌های سابق بناست باآن فرصت کم میسّر نگردید وتنها به‌عکسبرداری از جوانب چهارگانهٔ آن کفایت شدضمناً باستحضار میرساند که با آنکه طول و عرض فعلی بقایای این آتشکده بالغ بر ۴۰×۵۰ متراست همچنان دراطراف این محدوده آثاربی‌ها وصفّه‌ها و شالوده‌ها وحصارهای متعدّدی بچشم میخورد که وضع سابق بنارا درحال مبهم نشان میدهد. بنا براین مادام که در اطراف این آتشکده و همچنین درتل خندقی واقع در نیم کیلومتری شمال شرقی آن یاسیصد متری جنوب شرقی گوردختر حفاری نشود هیچگونه نظریّهٔ جامع و دقیقی دراین باره تقدیم نمیتوان کرد و گمان اینجانب براین است که مخصوصاً حفّاری تل خندقی که بطول و عرض و ارتفاع تقریبی ۱۲×۴۰×۶۰ متر باخندق پیرامون خودبمانندارگ شهری درمیان اتلال کوچکتر قرارگرفته وهمچنین کاوش تل عظیم معروف به‌شغالی (ش - ۲۲۴) که آن خود نیز باارتفاع تقریبی ۱۲ متردریك کیلومتری شمال مقبرهٔ گوردختر واقع است نه تنها کمك بزرگی به‌شناسائی آثارفعلی موجود درجلگهٔ بسپر وآتشکده‌های موردنظر خواهد کرد بلکه محتمل است که دراین میانه آثارساختمانی دیگری هم از دوران هخامنشیان بانقوش وخطوط وبارلیف‌های مربوطه از دل خاك آشکارشود همچنانکه درجلگهٔ پاسارگاد ضمن خاك برداری اتلال واراضی واقعه درچندصدمتری مقبرهٔ کورش بازماندهٔ قصور شهریاری و حتّی آب نماهای بساتین آن ادوار نیز بدست افتاد.

و امّا آتشکدهٔ دیگر که آن نیز در دامنهٔ کوه غربی جلگهٔ بسر معروف به **تخته آب شیرین** و بفاصلهٔ یك کیلومتر ونیمی سمت باختری **گور دختر** قرار گرفته بقدری مخروبه ومنطمس است که از آن درحال حاضرجز ویرانه‌ای چند بریك تودهٔ عظیم سنگ وکلوخ چیز دیگری برجای نمانده است بااین حال عکسهای

این بنای ویران نیز بانضمام عکس قبرستان عشایری جدیدی کـه در کنار آن واقع است تهیّه گردید که بضمیمه تقدیم میگردد (ش ۲۲۵ و ۲۲۶) بهر حال هیئت ما پس از گذرانیدن یك روز تمام درجلگهٔ بسپر که بمراتب تنگ‌تر و مرتفعتر از جلگهٔ سرمشهد است شامگاه را درمیان چادرنشینان دامنهٔ غربی کوه سرِ وَكِ بروز آورده وغروب روز بعد پس ازسه فرسخ پیاده روی و کوه پیمائی مجدّد به جلگهٔ سرمشهد فرود آمدیم . جایگاه آخرین شب ما نیز همان آبادی شش خانواری و بی‌ساختمان سرمشهد بود ........

صبح روز بعد مابه‌بازدیدبارلیف و کتیبهٔ معروف **سرمشهد** گذشت‌وا بنجانب تـوانستم برای تکمیل این گزارش و مزید استحضار آنجناب وهمکاران ارجمند خود چند قطعه عکس رنگی‌نیز از آثارفوق‌الذّکر تهیّه نمایم .

درخاتمه بعرض میرساند کـه آتشکده ها و ابنیه و آثاری که بعلّت تغییر شوارع وپرت‌افتادن از آبادیهای کنونی کشورهنوز درمعرض اطّلاع باستان‌شناسان داخلی وخارجی‌قرار نگرفته باشدخاصّه درنواحی جنوبی‌فارس بسیاراست‌وبیگمان چنانچه ارادهٔ آنجنـاب تعلّق گیرد میتوان بی هیچگونه نیازمندی به بیگانگان فهرست‌کاملی ازاین‌آثاررا تهیّه وتقدیم ادارهٔ کلّ‌باستان شناسی نمود . کمااینکه اینجانب ضمن انجـام مأموریّت اخیراز طریق تجسّس و گفتگوی بـا این وآن به‌محلّ بسیاری از این‌آثاروقوف یافت وشكّ نیست چنانچه مأموریّت خاصّی در این زمینه بـا در اختیارگذاشتن وسائل و افراد شایسته باینجانب بر گذار شود نتایج حاصله‌موردقبول وعنایت آنجناب‌قرارخواهد گرفت درخاتمه‌چنانچه‌وصول این گزارش ونقشه‌ها وعکسها واسلایدهـای مربوط بآن‌را اعلام فرمایند موجب کمال امتنان خواهد بود .

با تقدیم احترام ـ بازرس فنّی ادارهٔ کلّ باستانشناسی وسرپرست کاوشهای علمی فسا

**فریدون توللی»**

بابررسی گزارش بالا معلوم میشود که علاوه بر آتشکدهٔ موسوم‌به‌نقاره‌خانه مذکوردر گزارش اختصاصی پرفسّورواندنبرگ آتشکده‌ها وابنیهٔ دیگری‌ازعهد

ساسانی هم درنزدیکی بنای تاریخی کوردختروجود دارد کـه بنوبهٔ خود واجد اهمیّت فراوان ودرخور توجّه واقدامات علمی و تعمیرات دامنه دارمیباشد.

درپایان این مبحث توضیح میدهد که درقبال استفسارنگارنده از پرفسّور واندنبرگ دربارهٔ اثر تاریخی معروف به‌خزینه(مذکوردرصفحات ۱۱۸و۱۱۹متن کتاب) دانشمند نامبرده اظهار نمود کـه اثرمزبوربصورت مغاره‌ای در کوهستان نزدیك کوردختربوده اهمیّت چندان ندارد.

ضمناً از گزارش آقای توللی یك باردیگرصدق این مدّعا ثابت میگردد که درنواحی‌مختلف‌فارس آثارتاریخی‌ناشناس‌ماندهٔ متعدّدوجوددارد که بافراهم کشتن وسائل وموجبات‌کارو شرایط لازم برای افزایش میزان توجّه و تجسّسات علمی و بالارفتن سطح فرهنگ عمومی‌معروض‌ومشهودعلاقه‌مندان واقع میشود واین‌امر منحصر بناحیهٔ سرمشهدوجلگهٔ بسپر نیست بلکه‌نواحی مختلف سرزمین تاریخی مهمّ‌فارس وحتّی کلّیهٔ استانهای ایران همین‌وضع را دارد.

نکتهٔ مهمّی که نگارنده مناسب میداند دراینمورد ذکرنماید اهمیّت بنای کوردختراز لحاظ ارتباط معماری هخامنشی بامعماری عیلامی است البتّه توضیح مفصّل دراین باره درخوراین کتاب نیست همینقدر باید گفت که سبك ساختمان آرامگاه کورش کبیردرپاسارگاد بطور کلّی مورد تردید وابهام بودوا کنون که بنای کوردختردرمعرض ملاحظه وبررسی علاقه‌مندان قرار گرفته است و بطور وضوح هم نمونهٔ قدیمتر آرامگاه کورش بشمارمیرود بخوبی معلوم میگردد کـه بنای کوردخترشباهت فراوان به‌مقابرعیلامی دارد با این اختلاف که مقابر عیلامی از آجرهای بزرگ باطاقهای‌ضربی گاهواره‌ای ساخته میشدوبنای کوردختر بعلّت وجود سنگ و کوهستان در حول و حوش آن با تخته سنگهای بزرگ و تقریبا بهمان ترکیب احداث گردیده است ـ ضمنا مقابرعیلامی صورت آرامگاههـای خانوادگی را داشت که هرموقع یکی از افراد خانواده درمیگذشت جسد او را درون آرامگـاه کـه دارای فضای کافی بود در کنار استخوانهای باقی مانده از

درگذشتگان قبلی مینهادند (۱) ووجود محلّهای جداگانه درقسمت بالا وپائین بنای گوردختر برای گذاردن جسد درعین حال که نمودار دفن جسدهای دوگانه بنظرمیرسد میتواند دلیل تأثیروضع مقابرعیلامی دربنای مزبورنیزباشد.

بهرصورت وجود بنای گوردختردرجلگهٔ بسپر که از نواحی غربی فارس استازجملهٔ دلایل قاطع دیگرهمبستگی وپیوستگی آغازدولت هخامنشی که در سرزمین انزان وپارسواش (مشتمل برنواحی جنوب غربی ومغرب فارس و مشرق وجنوب‌شرقی‌خوزستان) تشکیل گردید بادولت‌عیلام یعنی کهن‌سال ترین‌حکومت ودولت قوی ومتشکل بسیارمتمدن سرزمین ایران بشمارمیرود.

## ۷۱ ـ معرفی آرامگاههای چند دیگری از بزرگان در شیراز

ضمن‌صفحات ۷۰ و۷۱متن کتاب ازآرامگاههای بزرگان مختلف درشهر شیراز بحث‌نمود- هنگامیکه قسمت اخیرذیل کتاب زیرچاپ بود دوست دانشمندگرامی آقای مجید یکتائی یك‌نسخه ازیاد داشتهای متعددی راکه ضمن گزارش بازدید خودشان در فروردین ماه ۱۳۳۰ دربارهٔ بعضی آرامگاههـای مشاهیر در شیراز نگاشته بودند باختیار اینجانب گذاردندودر میان‌آنهـا توضیحاتی دربارهٔ سه‌محل‌وجوددارد که جهت‌نگارنده تارگی‌داشته قبلااشاره‌ای بدانها نشده‌است وبدین لحاظ با سپاسگزاری ازدانشمندگرامی بنقل‌آنچه دراین‌باره مرقوم فرموده‌اند میپردازد:

---

### وصاف

«مزار وصّاف‌نویسندهٔ تاریخ وصّاف درقبرستان شمالی‌آرامگاه حافظ‌واقع است قبر محقّری است که چند قطعه سنگ شکستهٔ لایقرء روی آن نصب‌شده و معروف است که سنگ قبررا افاغنه شکسته‌اند بطوریکه برای یابنده هیچگونه نشانی ندارد پیرمرد درویشی است در تکیهٔ چهل تن که قبررا میداند ممکنست پس‌ازچندی بدست فراموشی سپرده شود در صورتیکه بانصب یك لوحه وسنگ

---

(۱) نگارنده درحفاریهای علمی شوش درزمستان ۱۳۱۰وبهار۱۳۱۱وزمستان ۱۳۱۷ و بهار۱۳۱۸و زمستان ۱۳۳۰حضوردو شرکت داشتم وآنچه دربالا مرقوم رفته با توجه به مشاهدات شخصی و مذاکراتی است که با دانشمند فقیدآقای دمکنم و همچنین‌آقای پرفسورگیرشمن صورت می‌گرفت.

کوچکی ممکنست مانع آن‌شد که‌قبر نویسندهٔ تاریخ وصّاف مفقود شود» .

یکتائی»

---

قبر شیخ ابواسحق اطعمه در چهل تن واقع است .

---

نقوشی که ایوان بزرگ بقعهٔ هفت تن را زینت بخشوده است (بصفحهٔ ۵٤ متن کتاب مراجعه‌شود) مشتمل بر تصاویر حضرت‌موسی (ع) وحضرت شعیب(ع) و شبانی پیمبران مزبور و داستان حضرت ابراهیم (ع)و حضرت اسمعیل (ع) و شاه صفی و کریمخان در لباس فقر بوده تماماً از آثار دوران زندیّه است .

---

مزار قطب العارفین محمّد هاشم الذّهبی الشّیرازی قطب دراویش ذهبی‌در جوار حافظ است .

---

## قهوهٔ اولیا وقهوهٔقلندران

«درشیراز قهوهٔ قلندران وقهوهٔاولیاء دومحلّی‌است که درآنجا مزاربرخی اولیاءِ بزرگان وعرفا میباشد ومزارچند تن‌از مشایخ بنام که‌یکی ازآنها دارای تاریخ ۷۳۷ هـ قمری‌است ولی متأسفانه اکنون قهوهٔ اولیاء در بازار مرغ بصورت مسجد محقّری است شبستان آن بصورت دواطاق‌درآمده ودرویشی درآن مسکن دارد وقهوهٔ قلندران درمحلهٔ ارگ وضع‌نامطلوبی دارد که شایسته است درشمار اماکن‌باستانی ثبت وبدانها توجّه‌شود .

یکتائی»

---

## بقعهٔ دارالشفا

«بطوریکه درتواریخ مسطوراست بقعهٔ دارالشّفامدفن‌علاّمه میرسیّد شریف جرجانی متوّفی درسنهٔ ۸۱٦ است این‌بقعه درمحلّهٔ لب‌آب واقع‌است‌وفعلابصورت مزبله‌دان است که سقّاخانهٔ کوچکی پهلوی‌آن میباشد شهرداری شیراز آنقدر میتواند که سوراخ دیوارآنرا بگیرد ومانع‌ریختن زباله درآنجابشوند و انجمن

آثار ملی هم لا اقل میتواند پلاکی آنجا نصب نماید که بدست فراموشی سپرده نشود ونام آنرا در صورت اماکن باستانی ضبط نمایند تا مالکین مجاور آنجا را تصاحب ننمایند.

یکتائی

## ۲۲ ـ زیارتگاه سبز پوشان

در آذر ماه ۱۳۴۰ دوست دانشمند آقای علی سامی درمسافرت کوتاهی که بطهران آمده بودند اززیارتگاهی بنام سبزپوشان واقع در جنوب شرقی بیرون شهر شیراز گفتگو نمودند که چندی پیش درخدمت استاد معظم جناب آقای علی اصغر حکمت بهمراهی آقای بصیری رئیس کتابخانهٔ ملی فارس توفیق بازدید آنرا یافته بودند وطبق تقاضای اینجانب پس ازبازگشت بشیراز یادداشتی را که دراین باره مرقوم داشته بودندبرای چاپ درکتاب حاضرفرستادند واینک با عرض سپاسگزاری بشرح زیر آنرا نقل مینماید:

### سبز پوشان

«درسینهٔ کوه وجنوب شرقی شیراز قرار گرفته که ازراه مستقیم وپیاده در حدود ده کیلومتر تاشیراز فاصله دارد ولی بااتومبیل بایدازراه پل فسا وجاده کوار رفت از جادهٔ کوار تاپای کوه درحدود ۱۳ کیلومتر راه است. ازپای کوه تاتکیه که درسینهٔ کوه است حدودیک ساعت وقت لازم دارد.

«سبزپوشان بردهات کوشك بیدك که دریك فرسخی جنوب شرقی قرار گرفته مشرف وکوهی که درآن واقع شده بادرختان انجیر ودیگردرختان جنگلی مصفّا وباطراوت گردیده است باتراشیدن مقداری از کوه یك غارمصنوعی بوجود آورده وقبر درون همین غارقرار گرفته سنگ قبرساده ودروسط عبارت بخط نستعلیق بدین شرح دارد « **تاریخ شهادت امامزاده سیداسحق بن موسی بن جعفر درسنهٔ ۲۰۵** ».

اطراف قبررا علاقمندان وخیّرین در دوره‌های پیش بیك صفّهٔ سنگی تبدیل کرده که حدود سی متر طول و۱۵ متر عرض دارد ازفراز آن دهات شرقی وجنوبی شیراز مخصوصا دهات قره باغ بیداومنظرهٔ بسیاردلپذیری دارد. درایّام متبرّکه

مردمان دهات اطراف و ئیلات مجالس جشن وسرور ودیگ جوش در این بقعه برپا میسازند .

«قسمت جالب توجّه کتیبه‌ای است بخط نستعلیق در کنار صفّه که درسنگ کوه کنده شده‌در ۱۱ سطر که چهارسطراول آن‌مشتمل بر۱۸بیت شعرمدح‌سلطان اویس‌میرزا فرمانفرمای فارس‌میباشد که تاریخ آن ۱۳۰۶ قمری است نویسنده دربهار سال ۱۳٤۰ توفیق دیدار این بقعه‌رادرخدمت جناب آقای علی‌اصغرحکمت استاد محترم دانشگاه تهران و دوست ارجمند آقـای علی اکبر بصیری رئیس کتابخانهٔ ملّی فارس پیدا نمود ـ چند سطری از کتیبه که بکمك آقای بصیری خوانده شد عیناً نقل‌میگردد :

« بعهـد شهنشاه فیـروز بخت — که نازد بروگاه ودیهیم‌وتخت
« ملك ناصرالدّین باعدل وداد — که جاوید از و گیتی آباد باد
« ملکزاده‌سلطان‌اویس گزین — (یك مصراع و دو بیت خوانده نشد)
« همانا که این بقعهٔ ارجمند — نهان بد در این کوهسار بلند
« برآمد بکوه آفتـاب شکوه — چو خورشید آمد براز تیغ کوه
(سه‌بیت خوانده نشد)
« هم از هجرت سیّد نامـدار — شده سیصد و شش ز بعد هـزار
«چو..براین‌دخمه‌آهنگ کرد — بهمراهش‌این‌بنده‌فرهنگ کرد
(سه‌بیت خوانده نشد)
« براین مختصر چامه بنگاشتم — بفرمان . . . . . . . . . . داشتم
« الا تا بر این چرخ نیلو فری — فروزان بـود زهـره ومشتری
« ملکزاده را باد اختر بلند — ( مصراع دوم خوانده نشد )
« بشادی بسی شاد کامی کند — در این مملکت حکمرانی کند

« در تاریخ ربیع الاوّل سیچقان ئیل ۱۳۰٦ حضرت اشرف اسعد والا معتمدالدّوله‌سلطان اویس‌میرزا ..... ...... وجمعی شاهزادگان‌وامیرزادگان ...

جمال‌الدّین میرزا وسیاوش میرزا وجهان نوش میرزا و حاج بهاءالدین میرزا و نظام‌الدّین میرزا وجناب حاجی میرزا احسن حکیم باشی واین بنده فرهنگ ومیرزای یزدانی ......... که ملك بی نسق مانده بود همّت‌والا بر آرامی آنجا تعلّق یافته انشاءالله عنقریب بتوجّه همّت‌والا نهایت آبادی خواهدیافت.

«دیگر آنکه فرمایش رفت تا چند جفت درّاج از گرمسیرات آورده در بیشه‌زار ...... امید که بیمن دولت‌واقبال‌شاهنشاه اسلام بناه خلّدالله ملکه‌وسلطانه تمامی این‌صفحات بیشه‌و مرغزار این عرصه را نتاج درّاج فرا گیرد کتیبهٔ بالا بامرالعالی فی‌۱۳۰۶ قمری نبوی‌راقمه بندهٔ بدکارمحمّدجعفر شیرازی .

«درربیع‌الاوّل سنهٔ بزیارت‌این بقعه‌سرا تشریف فرما شده وباشخاص مفصّلهٔ فوق‌وسرکار مقرّب‌الخاقان‌میرزامصطفی‌خان خلف‌مرحمت پناه میرزامحمّد قوام‌الدّوله که ........ ریشهٔ‌نیلوفر که حسب‌الحکم از کرمانشاهان آورده بودند درچشمهٔ‌بول‌برنجی وچشمه‌سارداراب‌جرد وسراب‌بیضا وسرآب‌سیاه ممسنی غرس نمودند تحریرافی‌سنهٔ ۱۳۰۷ عمل اقلّ‌الحاج‌محمّدحسن‌شیرازی .»

«ازفحوای این کتیبه چنین‌مستفاد میشود که شاهزادهٔ نامبرده دستورداده است‌مقداری درّاج از گرمسیرات گرفته دراینجامتفرّق سازند تانتاج این‌پرنده دراین‌صفحات پرورش نموده زیادشود وهمچنین مقداری نیلوفر از کرمانشاهان آورده ودرنقاطی که‌درمتن کتیبه ذکرشده غرس‌نموده‌اند تااین گیاه خوش‌منظر که گل آن در طبّ قدیم بعنوان مبرّدات تجویز میگردید ( عرق نیلوفر ) در خطّهٔ فارس جاهائی که بیشه و مستعدّ پرورش و نموّ است زیاد فراوان شود .

( مرحوم فرهنگ و میرزای یزدانی از اولادان مرحوم وصال شیرازی بوده اند ) .

# ۲۳ ـ بقاع متبرّك كازرون

ضمن توصیف اجمالی شهر کازرون درصفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب اشاره به آرامگاههای چندتن ازبزرگان که درآن شهرقراردارد نمود ـ دربازدید کوتاهی که روزهای ۱۵و۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۹ ازکازرون نصیب گردید نام بقاع متبرك موجود در آنجا بشرح زیر یادداشت شد :

۱ ـ بقعهٔ سیّدمحمّدکاشی واقع در محلّهٔ گنبد که بمناسبت گنبد بقعهٔ نامبرده نام محلّه راهم گنبد گذارده‌اند .

۲ ـ بقعهٔ سیّد محمّد مشهور به‌زید واقع دروسط محلّهٔ گنبد .

۳ ـ بقعهٔ سیّدمحمّد راه‌دور و(که برادر سیّدمحمّدکاشی است) واقع درمحلّهٔ آهنگران .

٤ ـ بقعهٔ ابافتح واقع درمحلّهٔ بازار .

٥ ـ بقعهٔ شاه‌حمزه واقع درمحلّهٔ بازار .

٦ ـ بقعهٔ موسوم به‌امامزاده که بشکل برج ساخته‌شده ودرمحلّهٔ امام‌زاده واقعست .

۷ ـ بقعهٔ سیّدمحمّدامین‌الدّین درکنارهٔ شمالی‌شهر نزدیك کوه .(به‌توضیحات مربوط بچندنفر ازبزرگان مدفون‌در کازرون که‌ازطرف آقای علینقی بهروزی مرقوم رفته ودرچندسطر بعدذکرمیشود مراجعه گردد) .

تاآنجا که استنباط‌شد بقاع نامبرده سرمانند سایر آرامگاههای بزرگان که درشهر کازرون واقعست دارای جنبهٔ‌هنری وتاریخی زیادنیست ـ نگارنده بقعهٔ سیدمحمد کاشی را از نزدیک بازدید نمودم ودرآن اثرقدیمی وهنری مشاهده نکردم الا دربقعهٔ کوچکی که کما صحن بقعهٔ مزبور بود سنگ مرقد زیبائی از نوع سنگ کندهی وجود داشت که شکسته بود وموضع [illegible] آنرا باگچ (۱) تعمیر کرده بودند ودرچهارجانب آن کتیبه‌ای بخط کوفی شیوائی برجسته مرقوم گردیده است که این جملات خوانده وتشخیص داده‌شد .

---

(۱) گچ کازرون از لحاظ سفیدی رنگ واستحکام و زود گرفتن ممتاز ومشهور است و ساختمانهای سنگی و گچی آن‌شهر عیناً مانند دوران ساسانی سنگ را با ملاط گچ [illegible] میبستند برروی یکدیگر نهاده بنارا بالا میبردند

برجبههٔ جنوبی در دو سطر : **کل من علیها فان و یبقی وجه ربك ذوالجلال والاکرام**

برجبههٔ غربی در دوسطر : **بسم‌الله الرحمن الرحیم شهدالله انه لا اله الا هو والملائکة واولوا العلم قائماً بالقسط لااله هوالعزیز الحکیم ان‌الدین ........**

برجبهه شمالی در سه سطر : سطر اول **الملك لله** ـ دوسطر دیگر بعلت تعمیر ناصوابی که با گچ شده است درست تشخیص نگردید تصور میرود آیهٔ شریفهٔ **قل اللهم مالك الملك .......** الخ باشد .

برجبههٔ شرقی ( پائین‌پا ) در دو سطر : **بسم‌الله الرحمن الرحیم هذا قبرالسعید الشهید المرحوم زین‌الدین شهریار فی‌شهور سنة احدی واربعین وستمائه .**

بدین‌قرار سنگ‌مزار مزبور مربوط به زین‌الدین شهریار ومربوط بسال ۶٤۱ هجری است که درصفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب بدان اشاره شد .

ضمنا برای نمودن منظر کلّی شهر کازرون و چگونگی ساختمانهای موجود در آن دو قطعه عکس که از فراز بام یکی از خانه‌های محلّهٔ گنبد از دوسوی مختلف گرفته‌شده‌است طی شکلهای ۲۲۷ و ۲۲۸ ارائه‌میگردد .

---

دانشمند محترم آقای علینقی بهروزی در نامه‌ای که بعنوان ادارهٔ آثار باستانی ( ادارهٔ باستان شناسی) فارس مرقوم داشته‌اند واز طرف ادارهٔ مزبور رونوشت آن ضمن گزارش شمارهٔ ۷۵۰ : ۳۸٫۵٫۳۱ جهت انجمن آثار ملی فرستاده شده است چنین توضیح میدهند که مقصود ازکلمات قبر **شاسجاق** قبر **شابسحاق** (یعنی شاه ابواسحاق) است (به سطر ۲ صفحهٔ ۱۱۱ متن کتاب مراجعه شود) ـ ضمناً بضمیمهٔ نامهٔ فوق اطلاعات مفید وجامعی دربارهٔ چند نفر از عرفا و بزرگان ذکر وارسال نموده‌اند که عینا بشرح زیر نقل میگردد :

« شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی متوفی بسال ٤۲۶ هـ . ق

الشّیخ المحقّق و العارف المشهور شیخ ابواسحاق ابراهیم بن شهریار کازرونی معروف به (شیخ مرشد) از کبار مشایخ و از عرفای بسیار مشهور است که درکازرون متولّد شده است . شرح حال مفصّل او در کتاب مشهور (فردوس الرّشدیّه فی اسرار الصّمدیّه) که تماماً در ذکر وقایع زندگی اوست نگاشته شده است . تا زمان او اهالی کازرون زردشتی بوده‌اند ولی بهمّت وارشاد وی اهالی کازرون مسلمان شده‌اند . صاحب کتاب شیرازنامه چنین اورا توصیف میکند :

**« سرباز سراندازان طریقت وسردار انجمن حقیقت برکات اقدام مبارکش باطراف جهان رسیده ومشایخ عراق وحجاز وکرمان را دریافته وشصت وچهار خانقاه را اساس فرموده وبیست وچهار کس از گبر و یهود بدست وی مسلمان گشتند.»**

« شهرت شیخ ابواسحاق در تمام نقاط زمین پیچیده و همه از اکناف عالم برای زیارت او و پس از مرگش برای زیارت تربت پاك او بهکازرون سفر میکردهاند چنانکه (ابن بطوطه) سیّاح معروف اندلسی نیز بهمین نیّت بکازرون رفته وشرح آنرا در سفرنامهٔ خود ذکر کرده است .

« وفات او درسال ٤٢٦ واقع گردیده و در خانقاه خود مدفون شدهاست . آرامگاه او هنوز درکازرون مشهور ومطاف اهل محلّ است وبرای آن کرامات بسیار قائلند ولی وضع آرامگاه با مقام شامخ او متناسب نیست وباید بشکل آبرومندی تعمیر ومرمّت شود .

---

« شیخ اوحدالدّین عبدالله بلیانی متوفی بسال ٦٨٣ هـ . ق

« شیخ اوحدالدّین عبدالله بلیانی بن ضیاء الدّین مسعود از کبار وعرفای نامی است واز اولاد ( شیخ ابوعلی دقاق ) عارف بسیار مشهور میباشد . صاحب شیرازنامه اورا چنین توصیف میکند :

**«حامی حومه کرامت ووالی ولایات ولایت . درمکاشفات حضرت صمدیت وتجلیات الوهیت استغراق یافته . دراظهار کرامات وکشف مغیبات ملهم بودی چنانکه عرفای عصر زبان حق گوی او را ترجمان لوح محفوظ گفتندی . بزرگان عرفا و صوفیه از راه دور بخدمتش میرسیدند واز انفاس قدسیه و کرامات او استفاده میکردهاند چنانکه شیخ صفی الدین اردبیلی از راه دور بهبلیان رفته و بحضورش رسیده است .**

« در سنّ هفتاد سالگی در سال ٦٨٣ هجری قمری برحمت ایزدی بپیوست ودر خانقاه خود که در بلیان است مدفون شد . هماکنون آرامگاهش در قریهٔ بلیان که نزدیك کازرون است زیارتگاه عمومی است و کراماتی از آن نقل میکنند .

« امّا آرامگاه مزبور محتاج بتعمیر اساسی است وچون عوائدی ندارد باید اعتباری برای آن در نظر گرفت.

---

« شیخ امین الدّین بلیانی متوفی بسال ۷۴۵ هـ ـ ق

« شیخ امین الدّین محمّد بن شیخ علی بن شیخ ضیاءالدّین مسعود. از بزرگان عرفا و مشایخ صوفیّهٔ قرن هشتم هجری است که در خدمت عمّش (شیخ اوحد الدّین عبدالله بن ضیاء الدّین مسعود بلیانی) که از بزرگان عرفا بوده تحصیل علم ومعرفت کرده و بمراتب عالیه رسید و از دست وی خرقه پوشیده است و پس از شیخ اوحد الدّین بارشاد خلق پرداخته است. وی مردی عابد و زاهد ومتّقی بوده است. صاحب شیرازنامه بحضور او رسیده و از کرامات و انفاس قدسی او استفاده و استفاضه کرده است وتلقین ذکر از او گرفته و او را چنین وصف کرده است:

**«شیخ شیوخ جهان و مقتدای اهل زمین و زمان بود. هم در طهارت ذات وکمال ولایت و علو درجات زبده اقران آمده وآوازه کمالات ذات وصیت حسن ارشاد وبزرگواری او جهانگیر گشته.»**

« خواجوی کرمانی نیز از مریدان او بوده وضمن قصیدهٔ غرّائی اورامدح گفته است.

« خانقاهش که در دامان کوه شمالی کازرون بوده خیلی وسیع بوده و سالکان طریقت وجویندگان حقیقت از راههای دور برای زیارت شیخ وبعد از او برای زیارت تربت پاکش بدانجا رهسار میشده‌اند. شیخ درسال ۷۴۵هجری قمری وفات یافت ودر خانقاه خود مدفون شد.

« خانقاه شیخ مدّتها معمور وزیارتگاه بزرگان صاحبدل بوده است وچند مرتبه در اثر زلزله خراب شده ولی دوباره تعمیر شده است. اکنونهم دائراست وزیارتگاه عمومی است ولی احتیاج بتعمیرات اساسی دارد. خانقاه شیخ دارای رقبات وموقوفات بسیاری بوده که فعلاً مختصری از آن باقی‌است وباید عوائد

آنها صرف تعمیر بقعه وآرامگاه او گردد.

---

«علاّمه جلال‌الدّین معروف به محقّق دوّانی متوفی بسال ۹۰۸ هـ ـ ق

«مولانا جلال‌الدّین محمّد بن سعدالدّین دوّانی معروف به (علاّمهٔ دوّانی ومحقّق دوّانی) از فحول علماء وحکماء ومحقّقین است که شهرت عالمگیر دارد ودارای تألیفات بسیار است. وی مدّتها منصب قضاوت فارس داشته و در دستگاه امیرحسن ویعقوب میرزا از سلاطین آق قوینلو معزّز ومحترم بوده و وزراء و اکابر و علماء از اشعّهٔ انوار ضمیرش کمالات کسب مینمودند. شرح حال او در کتب تواریخ مهمّ وتذکره‌ها مفصّلاً ذکر شده است. علاّمهٔ دوّانی یکی از مفاخر ایران است که در اغلب رشته‌های علوم مانند حکمت وفلسفه با علم کلام وعلوم عقلی و نقلی مهارت و تبحّر داشته است و نزد بزرگان زمان خود محترم بوده است. وی یکی از فقها وعلماء وخطباء معروف شیعه است که رسالات متعدّدی نوشته است. علامهٔ دوّانی در سال ۹۰۸ هجری قمری نزدیک کازرون وفات یافت و او را به دوّان برده ودفن کرده‌اند واکنون آرامگاهش در قریهٔ دوّان نزدیک کازرون است بصورت محقری قرار دارد.

«علوّ مقام وصیت شهرت این عالم جلیل ودانشمند نامی ایجاب میکند که آرامگاهش بصورت آبرومندی تعمیر ومرمّت شود.»

در بارهٔ شرح علامهٔ دوانی ویکی از تألیفات او بنام **نور الهدایة فی الامامه** وهمچنین حالات شیخ عبدالله بلیانی وبزرگان دیگر مدفون در بلیان و کازرون اطلاعات مفید وجامعی در کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی ـ ۱۳۱۴ ـ صفحات ۳۰۹ ببعد) ذکر شده است)

## ۶۴ ـ امامزاده درب آهنین وبقعهٔ شاهزاده وارث‌الدّین

همانطور که درصفحه ۱۳۳ متن کتاب اشاره شد گردیده در صدد بودم که درباره چگونگی بقعهٔ امامزاده درب آهنین اطلاعات جامعتر ودقیقتری تحصیل نموده درقسمت دوم کتاب در اختیار علاقه‌مندان بگذارم خوشبختانه موجباتی فراهم آمد که در اسفندماه ۱۳۳۹ توفیق سفر مجدد وکوتاهی بشیراز نصیب گردید وبا مساعدت دوست عزیز و دانشمند آقای ... سامی توانستم بازدید سریعی از آن قسمت آثار تاریخی خالصه مسمی که ردیف جاده بین شیراز وجهرم است ... بعمل آورم ودرنتیجه اطلاعاتی بیش از آنچه طی صفحات ۱۳۲و۱۳۳ متن کتاب درج گردیده است راجع به بقعهٔ امامزاده درب آهنین تحصیل نموده واکنون آنچه را مناسب این مقدمه میداند مذکور میدارد.

محل بقعه همانطور که فرماندار وقت کازرون (جناب آقای خواجه‌نوری) مرقوم داشته بودند در دو کیلومتری قصبهٔ نورآباد کنار جادّهٔ کازرون بخوزستان واقعست ـ ضمناً بقعهٔ نامبرده مشتمل بر دو زیارتگاه و دو امامزاده میباشد که متّصل بیکدیگر است ـ گنبد سنگ و گچی بلند تر بر فراز حرم **امامزاده علاء الدین** که او را فرزند امام هفتم (ع) میشناسند قرار دارد (شکل ۱۹۶) بالای سردر آن لوحهٔ سنگی به طول یا ارتفاع ٤۲ سانتیمتر و عرض ۳۳ سانتیمتر نصب است که کتیبه‌ای بخطّ ثلث بر جسته بر آن نوشته‌اند و آنچه از کتیبهٔ مزبور خوانده شد بشرح زیر نقل میگردد :

**درلوی ئیل سنهٔ ۱۰۲۵ رفعت پناهی ............... فخر الدین ملك احمد و خواجه ـــــــــ علیشاه ابن المغفور خواجه حسین شاه فهلیانی عمارت امامزاده معصوم مظلوم شاهزاده علاءالدین فرمود ..............**

بدینقرار بقعهٔ شاهزاده علاءالدین که گنبد بلندتر مربوط بآنست در سال ۱۰۲۵ هجری که مقارن باهنگام سلطنت شاه عبّاس کبیر میباشد بنا گردیده یا تعمیر شده است ولی درب آهنین که در کتاب آثار عجم از فولاد معرّفی گشته‌است ودر صفحات ۱۳۲ و ۱۳۵ متن کتاب بدان اشاره شدو نام آنرا به مجموع بنای هردو امامزاده داده‌اند به بقعهٔ شاهزاده علاءالدّین تعلّق ندارد بلکه مربوط به امامزادهٔ متّصل به بقعهٔ شاهزاده علاءالدّین میباشد که مدفن خواهر شاهزاده علاءالدّین واز دختران امام هفتم معرّفی شده است و گنبد بلند ندارد بلکه پوشش ضربی یك طبقه داشته درب آهنین مورد ذکر برمدخل آن نصب است وبر لوحهٔ سنگی بالای درب مزبور که قسمتی از آن درشکل ۱۹۷ نمودار میباشد کتیبهٔ جالب توجّهی در ده سطر بخطّ ثلث برجسته مرقوم رفته تاحدّی که نگارنده موفق بخواندن آن شدم بشرحی است که نقل میگردد :

**«درایام دولت‌جناب عدل کیش امیر رعیت پرور مرتضی ممالك اسلام بهرام زمان افتخار ومرزبان جهان‌آیة عنایت‌یزدان‌اثر رحمة رحمان‌علاءالدوله والدین امیر فرخ بهادر خلد الله ایـام دولته ادام علی المسلمین ظلال نصفته این عمارة کـه مشهد فروزان مشهور است و مرقد معطره و مضجع منورهٔ مهـد عصمت ام‌المؤمنین بنت الامام المعصوم موسی‌الرضا رضی‌الله عنهما است فی‌تاریخ شهور سنهٔ احدی وسبعین وسبعمائه ازفواضل صدقات عمیمهٔ آن‌عالی جناب معدلة شعار تجدیدیافت.**

**چون کام‌جاودان متصور نمیشود — خرم کسیکه زنده کندنام‌جاودان»**

از کتیبهٔ بالا برمیآید که‌بقعهٔ‌متّصل‌به‌شاهزاده‌علاءالدّین‌درسال ۷۷۱ تجدید ساختمان گردیده وبدینقرار بنای کنونی آن بیش‌از دویست‌وپنجاه‌سال قدیمتر ازبقعهٔ شاهزاده‌علاءالدّین است ــ درب‌آهنین موردذکر نیز بنظر میرسد مربوط بحدود همان سال یعنی‌نیمهٔ‌دوّم قرن هشتم هجری‌باشد واگرآنرا بشرح مذکور در کتاب آثار عجم (صفحات ۱۳۲ و۱۳۵ متن کتاب) متعلّق به‌سپیدز بدانیم‌بازهم تصوّر نمیرود قدمت‌آن ازقرن هشتم هجری بیشتر باشد.

محوّطهٔ داخلی‌بقعهٔ درب‌آهنین مشتمل‌برحرم هشت‌ضلعی نسبتا وسیعی‌است که‌هرضلع آن‌ازیك طاقنما یاشاه‌نشین نسبتاً عمیقی تشکیل میگردد وبدین‌لحاظ ازنظرفنّ معماری ونکات ساختمانی بنای‌مستحکم واستواری بشمار میرود ومدفن منسوب بدختر حضرت‌امام هفتم(ع) درشاه‌نشین جانب قبلهٔ آن قرار دارد که بر دهانهٔ آن نردهٔ چوبی بسبك معروف به جعفری نصب و پرده هائی بر جلـو آن آویزان است (ش۲۲۹).

ضمناً کتیبهٔ مزبور بعلّت اینکه‌بزبان فارسی ومورّخ‌بسال ۷۷۱هجری‌است ازکتیبه های نادر متن فارسی درابنیهٔ تاریخی قـرن‌هشتم بشمار میرود و ذکـر کلمهٔ **بهادر** پس‌ازنام امیرفرّخ هم‌نکتهٔ قابل توجّه وشایستهٔ بر رسی وامعان نظر میباشدومیرساندعنوان‌بهادر که‌در کتیبه‌های مربوط به‌سلسله‌های مختلف‌سلاطین ایران درقرن نهم‌هجری وپس از آن هم دردوران صفوی پس‌ازنام‌پادشاه ذکـر میگردید درقرن‌هشتم‌هجری‌نیز معمول ومتداول بوده است.

# ۲۵ـ توضیحاتی چند پیرامون خاك ممسنی

## نوبندگان ـ تنگ بوّان ـ سرآب‌سیاه

طی‌صفحات ۱۳۰ تا ۱۴۰ متن‌کتاب دربارهٔ آثار تاریخی متعدد واقع درناحیهٔ ممسنی‌بحث نمود ودرچندمورد هم اشاره‌شدکه درآن ناحیه‌بقایای آثار باستانی مختلفی وجود داردکه نیازمند انجام بررسیها وتحقیقات بیشتر میباشد ـ براثرمسافرت کوتاه مجددی‌که دراسفند ماه۱۳۳۹ بخاك ممسنی نصیب‌نگارنده شد یادداشتهائی تهیه‌نمودم که‌قسمتهائی‌از آنهادرصفحات پیش‌بعرض‌خوانندگان ارجمند رسید ضمناً جناب‌آقای جواد بوشهری (امیرهمایون) فرزندشادروان حاجی محمد بوشهری (ملقب‌ومعروف به‌حاجی‌معین‌التجار شخصیت‌بزرگ ومعروف اقتصادی‌زمان خود) که‌بعلت علاقهٔ‌ملکی موروثی وخانوادگی آشنائی‌کامل به‌تمام مناطق‌خاك ممسنی دارندوپس ازاطلاع ازتهیه وچاپ کتاب حاضرآنرامورد توجه‌وتشویق فراوان قراردادند نیزاطلاعاتی بیش‌ازآنچه‌داشتم دراختیارم نهادندکه ضمن تقدیم سپاسگزاری بمحضر محترم ایشان وبا مراجعه به‌کتاب آثارعجم (چاپ‌بمبئی‌ـ۱۳۱۴ ـ صفحات ۲۹۹ تا ۳۰۵) و یادداشتهای مورخ اسفند ۱۳۳۹ خود آنچه مناسب میداند در این مورد نقل مینماید :

پس از گذشتن از ویرانه‌های شاپورکازرون که بجانب شمال‌وشمال غربی بروند به‌تنگه موسوم به **چنار شاهیجان** میرسند که ابتدای خاك‌ممسنی از آنجا آغازمیگردد وانتهای تنگهٔ مزبور بنام **مُلّه‌نعل** خوانده میشود ـ ازتنگهٔ چنار شاهیجان‌واردجلگه نورآباد میشوند طبق آنچه‌در صفحات سابق‌الذکر کتاب‌آثار عجم‌نوشته شده‌است‌مسافت بلوك‌شاپور تاقصبهٔ‌مالکی(قلعهٔ‌مالکی) که مرکزجلگهٔ نورآباد است در حدود سی وسه کیلومتر (پنج‌فرسنگ ونیم) میباشد ودر جانب مغرب نورآباد یعنی بین‌قصبهٔ مالکی وویرانه‌های مادردختر و کُردر (مذکوردر صفحه ۱۳۱متن‌کتاب) ویرانه‌های **نوبندگان** قرار دارد که در کتاب آثار عجم بنام **نوبنجان** ذکر گردیده‌است وچنین‌مینویسد : « **نوبنجان شهری بوده از کورهٔ شاپور کنون خرابست»** .

درجانب شمال‌شرقی جلگهٔ‌نورآباد **تنگ‌بوّان** واقع‌شده در کتاب‌آثارعجم چنین‌معرّفی گردیده است :

«شعب‌بوّان ازنواحی نوبنجان‌مذکور است وآن درّه‌ایست بسیار وسیع و گشاده درمیان دو کوه طول آن قریب سه فرسخ عرضش متجاوز ازیك فرسنگ هوایش‌سردسیر مایل باعتدال صحرایش دلگشا فضایش باصفا رودی‌درآن روان است کدآبش‌درنهایت‌خوشگواری وشیرینی‌چشمه‌های‌زلال وگوارانیزدراطراف وجوانبش جاری است.

«سرتاسر این درّه درختستان است از هرگونه میوه دارد و از انبوهی درخت آفتاب بر زمین نیفتد این فقیر تمام آنجا را گردش نموده بینهایت محظوظ شدم (۱).

«شکار بیشمار از هر صنف وطیور غیر محصور از هرنوع درآن مرغزاردر چرا و پرواز هستند و بر سر کوههای آن اکثر از برف خالی نیست ومعروف است که آنجا یکی از بهشتهای دنیاست وآنها را **جنات اربعه** گویند.»

جناب آقای بوشهری توصیف فوق‌را دربارهٔ تنگ بوان مبالغه‌آمیز دانسته اظهار نمودند که پهنای آنهم چندان زیاد نبوده بمراتب‌کمتر ازیك فرسخ است ـ ضمناً طبق گفتهٔ معظم له بسیاری از مردم بومی تنگ بوان برخلاف ساکنین دیگر آن نواحی دارای موهای بور بوده سفیدرو هستند.

ناحیه‌ای که مشتمل برجلگهٔ نورآباد است **بَکش** نام دارد ونواحی چهارگانهٔ **بَکش** و **فهلیان** و **جاوید** و **رستم** که نام قسمتهای مختلف خاك ممسنی و مجاور یکدیگر است باضافه ناحیهٔ **دشمن‌زیاری** مجموعاً **شولستان** خوانده میشود.

از جلگهٔ نورآباد بوسیلهٔ تنگه‌ای‌که در جانب شمال آنست بطرف پل فهلیان میروند پس از خروج از تنگ مزبور و پیش‌از آنکه به‌پل نامبرده برسند اگر بجانب راست بروند به‌ناحیهٔ جاوید میرسند که غارکمان وسپیدز یا قلعه سفید (۲) سابق‌الذکر (مذکور در صفحات ۱۳۴ و ۱۳۵ متن‌کتاب) در ابتدای آن واقعست و بعدار ناحیهٔ جاوید به ناحیهٔ دشمن زیاری

---

(۱) شادروان فرصت‌الدوله در اینمورد چهار بیت شعرعربی مناسب مقام نوشته و ترجمهٔ آنراهم درحاشیهٔ‌کتاب ذکر نموده است‌که نقل آن بیرون از موضوع و هدف این کتاب بنظر میآید.

(۲) «بعضی میگویند که‌این‌همان قلعه‌ایست‌که فردوسی درشاهنامه نام‌آن‌را برده‌است:

دژی بود کش خواندندی سپید　　بدان دژ بد ایرانیان را امید ...»

(نقل از کتاب‌آثار عجم چاپ بمبئی ۱۳۱۴ قمری ـ صفحهٔ ۳۱۳).

میرسند و پس‌از دشمن زیاری‌هم **ناحیهٔ اردکان** قرار دارد . نواحی جاوید و دشمن زیـاری برخلاف نواحی بکش و فهلیان و رستم دارای جلگه نبوده تماماً کوهستانی است وحاشیه‌های باریك ساحل رودخانه را نیز دربردارد .

راه فرعی که به جلگهٔ فهلیان میرود نیزپس‌از خروج از تنگ سابق‌الذکر پیش‌ازرسیدن به‌پل فهلیان از جانب چپ منشعب میگردد و به‌شرحی که طی صفحات ۱۳۵ و ۱۳۶ متن کتاب توضیح داده شد ازآن راه به‌آبادی **سروان** و ویرانه‌های عهد هخامنشی مجاورآن میرسند .

خوشبختانه دربازدیدی که بلطف دوست گرامی آقای علی سامی برای نخستین‌بار در روز ۱٦ اسفندماه ۱۳۳۹ از ویرانه‌های عهد هخامنشی درکنار آبادی سروان نصیب نگارنده شد اطلاعات بیشتری از اثر تاریخی مهم مزبور بدست آمدکه ذکرآنرا دراینمورد مناسب میداند.

ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی نزدیـك سَروانْ مشتمـل بر تپّهٔ کـوتاه پست وبلند خاکی است وقسمتهائی از چهار عدد ته‌ستون سنگی بزرگ و زیبا وخوش طرح همان عهد در دل خاکهای تپّهٔ مزبور پدیدار میباشد و اندازهٔ هـر یك از آنها بدینقرار است :

قطر دائره ۱٫۲۰ متر بلندی ۷۰ سانتیمتر .

مـردم محلّ نام سَروانْ را سُرُونْ (بر وزن بُرُونْ) تلفّـظ میـکنند و کدخدای آنجا بنام میرقلندر کاظمی ویکی از اهالی بنام جمعه سمت راهنمائی آقای سامی ونگارنده را برای بازدید ته ستونهای متعدّد وزیبای عهدهخامنشی عهده‌دار گردید و دوعکس از یکی از چهار ته‌ستون سابق‌الذّکـر در تصاویر شمارهٔ ۲۳۰ و۲۳۱ ازنظر خوانندگان گرامی گذرانیده میشود .

مسافت از کازرون تا پل فهلیان واز آنجا به سَروانْ بشرحی است کـه توضیح میگردد :

از کازرون تا برکتك (محلّ انشعاب راه بوشهر وخوزستان) ٦ کیلومتر
از برکتك تا ویرانه‌های شاپور ۱٦ کیلومتر
از ویرانه‌های شاپور تا سر آب بهرام ۳۲ کیلومتر
از سراب بهرام تامحلّ انشعاب راه فهلیان پیش‌از پل فهلیان ۹ کیلومتر

ازمحل انشعاب راه بمسافت سه کیلومتر کـه بروند به‌آبادی معروف **فهلیان** میرسند و دنبالهٔ راه با پیچ وخم وناهمواری ازکنار آبادیهای مختلف **جن جن و سرپیشه وقلعه‌نو**

گذشته به آبادی سروان منتهی میگردد و مجموعاً در حدود ۹ کیلومتر بعد از گذشتن از فهلیان به سروان میرسند.

ته ستونی کوچکتر از ته‌ستونهای چهارگانه که ذکر آنها گذشت بمسافت قریب‌صدمتری آنها درمحل معروف به **امامزاده اسمعیل** واقع‌گردیده است که قطر دائرهٔ آن ۹۲سانتیمتر و بلندی‌آن ۵۲ سانتیمتر بوده در صفحهٔ ۱۳۶متن‌کتاب بدان اشاره شد وتصویرآنهم در شکل ۱۹۸ نمایان میباشد.

نگارنده احتمال نزدیك به‌یقین میدهم که با خاکبرداری علمی در ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی در سروان نوشته‌های میخی مربوط ومتعلّق به ته‌ستونها یا نوشته‌های دیگری از این بنای بدیع دوران هخامنشی کشف گردد و یکی از آثار جالب توجّه دوران شاهنشاهان هخامنشی از پردهٔ خاك بدرآمده در معرض دیدار و بررسی علمی و جلوه‌گری علاقه‌مندان به‌هنر و معماری عهد درخشان مزبور قرار گیرد.

اینك برای ادامهٔ بررسی آثار تاریخی ممسنی بایستی از سروان به‌فهلیان بازگشت ودنبالهٔ راه را تا شاهراهی که بطرف پل فهلیان میرود پیمود وبه پل اخیرالذّکر رسید.

جادّهٔ کازرون بخوزستان پس ازگذشتن از پل فهلیان بجانب دست چپ ادامه مییابد واز داخل خاك رستم میگذرد وپس از طیّ ده‌کیلومتر به‌آبادی بزرگ **مصیری** میرسد وپس‌از عبور از مصیری **رودخانهٔ سر آب سیاه** میرسند وطبق اظهار جناب آقای بوشهری از کف رودخانهٔ مزبور گاهی اوقات ظروف مسی بدست میآید ـ قریب ده کیلومتر هم که از مصیری (بجانب خوزستان) دورتر بروند نزدیك آبادی بنام **بابامیدان** میرسند ودر آنجا بجادّهٔ فرعی سمت چپ منحرف گشته به‌طرف دهکدهٔ **سه‌تلو** میروند.

نقوش برجستهٔ عیلامی (که در صفحات ۱۳۶ ـ ۱۳۸ متن کتاب وتصویر شمارهٔ ۱۹۹ توضیح داده شده است) در مجاورت دهکدهٔ سه تلو قرار دارد و برای رسیدن بآنها باید از دامنهٔ شمالی کوهستان مجاور دهکدهٔ مزبوربالارفت.

دیدار این اثر تاریخی‌شگفت‌هم بشرحی که‌گذشت نخستین بار روز ۱۶ اسفندماه ۱۳۳۹ نصیب نگارنده گردید و با ملاحظهٔ آن بیش‌از پیش دریافتم که محل بس هولناك وهراس‌انگیزی‌را

بربالای صخرهٔ کوه جهت احداث نقوش مذهبی مورد ذکر برگزیده‌اند و هنگامیکه شخص از جانب شمالی کوه بالامیرود میتواند ازشکاف سنگ خودرا به‌محلی نزدیك وروبروی نقوش برساند واگر بخواهد نقوش را لمس کند و دقیقاً آنهارا بررسی وبازدید نماید ازمحلی مانند پلکان که از سنگ لب پرتگاه تراشیده‌اند و خوشبختانه بعلت جدا شدن سنگ راهی از شکاف کوه بوجود آمده است خودرا به سکوی جلو نقوش که پهنای آن شاید کمی بیش از یك متر باشد میرساند و در تصویر شمارهٔ ۲۳۲ موقعیت نقوش درون مستطیلی که با خط سفید نموده شده‌است پدیدار میباشد وآقای سامی جلو قسمت اصلی نقش ایستاده‌اند و در چنین موقعی نگاه کردن به‌پائین کوه بسیار ترسناك و وحشت‌آور است و رودخانه ازپائین همان قسمت جریان‌داردومنظرهٔ صحرا وجلگهٔ فهلیان وآبادیهای مختلف ازجمله آبادی سَرَوان که ویرانه‌های عهد هخامنشی درکنارآنست درمسافت دوردست بطور محو جلب نظر مینماید و اگر دشواری عبور از رودخانه مانع نمیشد مسافت بین ویرانه‌های بنای عهد هخامنشی سَروان با نقوش عیلامی **کورانگون** بخط مستقیم شاید بیش‌ازحدود شش کیلومتر نبوده باشد وبطور خلاطه با ملاحظهٔ موقعیت نقوش حس احترام وتحسین کامل به ایجادکنندگان این اثر تاریخی و کاشفین آنها یعنی شادروانان فرصت‌الدوله و پرفسورهرتسفلد احساس میگردد .

نقوش‌برجستهٔ نامبرده‌را درمحلّ بنامهای **گوسنجان** و **نقاره‌خانه** میخوانند ونام اخیر بیش از **کورانگون** یا **کرّانگون** (به تشدید راء) شهرت دارد ونام عامیانهٔ محلّ نقوش در کوهستان بعلّت عدم امکان‌عبور از پرتگاههای جوانب‌آن **سگ مَترُ** است یعنی سگ هم از آنجا نمیتواند بگذرد .

خاك رستم مشتمل بر دو قسمت است که بوسیله تنگهٔ کوهستانی بنام سنگر از یکدیگر جدا میشود ـ قسمت واقع‌بین فهلیان وتنگهٔ موسوم به‌سنگر که آبادی **حصیری** وررودخانهٔ سرآب سیاه وآبادی بابامیدان ودهکدهٔ سه تلو ونقش برجستهٔ کورانگون هم در آن قرار دارد بنام **اینطرف‌سنگر** خوانده میشود وقسمت دیگر که بعد از تنگ سنگر واقع شده وراه خوزستان پس از عبور از تنگ مزبور از درون آن میگذرد موسوم به **آنطرف‌سنگر** است .

بعد از خاك رستم به‌نواحی کوهستانی **باشت** و **باوی** میرسند که قسمتی از **خاك بویراحمدی** محسوب میگردد و سابقاً جزء خاك ممسنی بود لکن اکنون مربوط به‌بویر احمدی‌واز بخشهای تابعهٔ بهبهان بوده از لحاظ تقسیمات کشوری مربوط به‌خوزستان است .

درپایان بحث راجع به خاك ممسنی مناسب میداند قسمتهائی از مقالهٔ شیوائی را که بقلم دانشمند گرامی آقای مهندس منوچهر سالور درروزنامهٔ پارس مورخ سیزدهم دیماه ۱۳۴۰ دربارهٔ راه شیراز باهواز درج گردیده وطی آن تاحدی اشاره به اهمیت خاك ممسنی شده است دراینجا نقل نماید ــ دانشمند گرامی مزبور در مقالهٔ خود زیر عنوان **فقط ۳۷ کیلومتری** چنین مینویسند :

«صفحات گذشتهٔ پارس گواهی میدهد که تاچه‌پایه وباچه‌تأکید وتکراری راجع باهمیّت‌راه شیراز ــ اهواز سخن رفته قبل ازشروع بکار موجبات لزوم‌آن توضیح‌داده شده‌وپس‌از آغازکار تاکنون‌جریان آن‌قدم‌بقدم تعقیب گردیده‌ودر هرفرصت گزارش چگونگی وپیشرفت حاصله باطّلاع خوانندگان محترم رسیده است . روزاوّل آذرماه جاری برای‌انجـام بعضی‌وظایف محوّله باتّفاق چندتن از همکاران بقصداهــواز از همین راه‌روانه شدیم ........ شهر کازرون راگذاشتیم و گذشتیم‌وبجانب‌اهوازعزیمت کردیم . دراوائل‌راه باآقای‌مهندس قبائیان مسئول راه‌کازرون ــ اهواز که برای‌سرکشی براه‌ها میرفتند برخورد کردیم . ایشان از بهمن‌ماه ۱۳۳۷ قدم‌دراین‌راه نهاده وبساختن این‌شاهراه حیاتی پرداخته‌اند وبـا آنکه بعلّت شدّت گرمای منطقه‌ای و ناراحتی های طاقت فرسای فصلی بالاجبار هرساله‌درحدودسه‌ماه‌کار تعطیل‌است‌یکصدوسه کیلومترازراه‌مزبور ساخته‌وآماده شده‌وجادّه تاپل بریم پیش رفته وتنهاسی وهفت کیلومتر دیگرباقی مانده که راه بجادّهٔ اسفالته شرکت‌ملّی‌نفت اتّصال‌یابدواینکارمفیدومثمر بانجام‌رسد . بطوریکه اظهارشد این باقیمانده نیز انشاءالله تااردیبهشت ماه ۱۳۴۱ خاتمه می‌یابد و جادّهٔ شیراز ــ اهوازرسماً گشایش مییابد . ظاهراً اکنون تنها مبلغ ۳۳ میلیون ریـال برای انجام‌این‌طرح صرف‌هزینه شد . درصورتیکه غالباً قبل‌از شروع بکار مبلغی معادل ده‌برابر آن‌برای‌ساختمان این‌راه برآورد وتقاضامیشد . ولی‌صحّت عمل و پشتکارمهندس مسئول‌این‌راه که مدّت‌سه سال دوراز خانه وخانواده خدمت بوطن راوجههٔ همّت‌ساخته وازطرف وزارت‌راه این‌راه‌را پرداخته وباچنین‌مبلغی راهی بدین اهمیّت را تا آستانهٔ‌اتمام پیش‌برده‌است باعث‌شعف وسرور خاطر است ....

«این‌خدمتی‌است ارجمند و گرانمایه که بی‌هیچ تظاهر وریا ازطرف جمعی

وطن‌خواه وظیفه شناس انجام میگردد وراه خوشبختی مردمان قسمتی‌از استـان باستانی فارس‌را هموار میکند. **درود فراوان براین وظیفه شناسی و سلام بـر مردانی که در این‌کشور با کوشش و جانفشانی مداوم بهـر طریق راه ارتقاء هموطنان خودرا صاف میکنند و باهمت بلند وقلب صافی خویش مردانه در این‌راه مجاهده می‌نمایند. دم‌فرو بسته درکنار دشتها ودامنهٔ کوهها با جوش و خروش فیّاض ازهمه چیزخود میگذرند. تا بمردمی که همنوع‌و هموطن ایشانند کمک کنند.** شایدهنوز زود باشد که ازجمال وجلال طبیعی‌این جادّه که خرّم‌ترین‌طرق ایران است کلامی بمیان آید. ولی‌پس ازخاتمهٔ کار درصورتی که درحفظ جنگلهای‌آن نواحی باندازهٔ کافی اهتمام‌شود باگل‌و گیاهی که بفراوانی درآن منطقه میرویـد وباستقبال بهار میرود واقعاًدر ودشت غرق زمرّد ویاقـوت میگردد وهرگاه کارخانهٔ‌قند ممسنی که فرمان تهیّه‌ونصب آن صادرشده آماده‌و مهیّا گردد مردم‌آن حدود پس‌از قرنهـا جهل وبی‌خبری و دوری ازکلیّهٔ مظاهر انسانیّت ونمودارهای مدنیّت اززندگی‌مرفهی که باتمدّن‌و آداب‌بشری‌توأم‌است بهره‌مندخواهندشد ، چندی‌قبل ضمن‌مقاله‌ای راجع‌بمزایای عالی طرق و شوارع بتفصیل سخن‌رفت ومدلّل گردید که راهها واقعاًراه زندگی‌را هموار می کنند و مفتاح‌سعادت را درچنگ ملّتهامیگذارند. این‌راه‌هم طریق‌خوشبختی مردم آن حدود است‌وواقعاً تحوّلی عمیق‌درحیات ایشان پدیدخواهدآورد. مردمی که از حمّام ومدرسه ومسجد وبرق وبهداشت وفرهنگ و هرچه ازاین قبیل‌است بکلّی بی‌خبرمانده وحتّی‌بطوری که ملاحظه میشود ازآثارتوحید اسلامی وآداب دین مسلمانی نیز برکنار بوده‌اند وعقائدی بدوی‌توأم باتوهّمات پریشانی که زائیدهٔ زندگی‌هزاران سالهٔ محدود ومحصور ایشان است‌هم‌آداب ومعتقدات واخلاقشان راتشکیل‌میدهد ، درپرتوپیوند باسایرنقاط ونجات‌از این‌حصار که‌بدست روزگار درآن‌اسیر ومحبوس مانده‌اند رهائی‌پیدا میکنند ونجات‌وخلاصی مییابند بویژه که‌پس‌از این‌موهبت کارخانهٔ‌قند ممسنی که بیاری‌خداوند متعال‌تهیّه‌و نصب‌خواهد شد مردم‌را ازکوه‌نشینی وبیابان گردی‌نجات‌داده وبزراعت وفلاحت بنحوجدّی وخردمندانه معتادخواهدکرد ویکباره همهٔ زندگانی‌ایشان را ازمادّی ومعنوی

بجهتی دیگر که حاوی صلاح دنیا ودین ایشان‌است سوق میدهد و آنرا تحوّلی عمیق وجذّاب می‌بخشد. این‌مردم ظاهراً مسلمانند ولی‌از ابتدائی‌ترین آداب و عقاید اسلام همانقدر بی‌خبرند که دیگر مسلمانان عادی از احکام طریقهٔ بودائی یعنی‌درواقع هیچ‌نمی‌دانند وبابداز ابتداء شروع کنند. این‌است اندکی ازفوائد بسیار که ازاین شاهـراه حاصل میگردد واین‌است باعث آنکه بدون هیچگونه منفعت شخصی‌یا احتمال‌حصول سودی‌ازچندسال باین‌طرف‌موضوع‌طیّ مذاکرات متوالی‌ومقالات پی‌درپی تعقیب گردیدتااز قوّه‌بفعل‌آمد وافقی‌چنین‌روشن وتابناك برای گروهی ازاهالی این‌آب‌وخاك فراهم‌آورد هرچنداین‌هنوز آغازکار است‌و چندسال‌دیگر که مدّتی براین‌اتّصال وارتباط بگذرد نتایجی بسیار افتخار آمیز حاصل‌خواهد شد وبیش ازبیش خادمین راغرق درمسرّت وافتخارخواهد کرد که بفرمودهٔ شیخ‌اجلّ :

این هنوز اوّل خورشید جهان افروز است

باش تا خیمه زند دولت نیسان و ایار [۱]

آنچه درمقالهٔ بالا دربارهٔ خاك ممسنی نوشته شده‌است ودانشمندی مثبت وبا ایمان مانند آقای مهندس سالور که واجد تقوی ودیانت عمیق وریشه‌دار باعلوم وفنون تازهٔ دنیای کنونی وفعالیت ودانش بمقتضای زندگانی امروزی هستند دربارهٔ آن قلمفرسائی فرموده‌اند گوشه‌ای از اهمیت واستعداد نواحی مختلف‌سرزمین وسیع وتاریخی فارس‌را برای کارهای آبادانی کو اکنون مینماید، نگارندهٔ کتاب نیز هنگامی که نخستین بار توفیق مسافرت ازشیراز باهواز را ازخاك ممسنی در پائیز ۱۳۳۰ پیدا کردم هنوزراه مزبور ساخته نشده وپل فهلیان پایان نیافته بود ودر اسفندماه ۱۳۳۹ که برای دیدار آثار تاریخی ممسنی تا نزدیکی **تنگهٔ سنگر** طی طریق نمودم جادهٔ مورد ذکر تا مسافتی بعد از تنگهٔ مزبور باتمام رسیده بود وعلاوه برسرعت وآسانی عبور ازآنجا آثار آبادانی ورونق فراوان در **مصیری** ونقاط عرض راه تازه ساز بخوبی مشهود ومؤید نظریات صائب دانشمند عالیقدر آقای مهندس سالور بود واز جمله درمجاورت اثرتاریخی نقش بهرام (مذکور در صفحهٔ ۱۳۰ متن کتاب) کـه سابقاً نـی‌زار وآب‌نمائـی وجـود داشت قهوه‌خانه‌ای ساخته بودند که امید میرود وضع‌آن‌به‌تناسب نقش بهرام صورتی شایسته وآبرومند پیدا کند.

یقیناً پایان پذیرفتن این‌شاهراه مهمّ برای علاقه‌مندان ببازدید و بررسی آثارتاریخی هم‌فرصت بهتری پیش می‌آورد که به‌آسانی بتوانند از یادگارهای

گذشتهٔ آن نواحی دیدار نمایندوهمین ترتیب نسبت به جلگه‌ها ودرّه‌هاونواحی کوهستانی قسمتهای دیگر خاك فارس خواه‌از شیراز بجانب مشرق وجنوب شرقی تابندرعبّاس وخواه‌نواحی واقع درمشرق شاهراه اصفهان بشیراز وخـواه نواحی غربی‌شاهراه مزبور و نواحی کوهستانی صعب‌العبور واقع‌بین خاك بختیاری و خاك ممسنی(۱) وبالاخره‌سراسر نواحی‌جنوبی خاك‌فارس‌تابرسد به کرانه‌های‌خلیج‌فارس صدق‌مینمایدوبنابراین‌یکباردیگریادآوری این‌نکته بموردخواهد بود که‌آنچه دراین کتاب بنظر خوانندگان گرام میرسد مطالبی‌است که باامکانات و وسائل و مقتضیات موجودجهت نگارنده وعدم‌آشنائی ازنزدیك به‌بسیاری ازنواحی استان وسیع‌فارس ومیسّرنبودن مسافرتهای‌تحقیقاتی مختلف‌بدان استان فراهم گردیده است و گرنه در هر گوشهٔ استان مزبورچه بسا بقایای باستانی قابل‌توجّه وشایستهٔ بررسی‌وجود دارد که جوانان‌پرشور ایران خصوصاً فرزندان با ذوق و مستعدّ و علاقه‌مند و لایق و دانشمند فارس درانجام بر رسیهای علمی و نمودار ساختن و روشن‌نمودن چگونگی و درجهٔ اهمیّت‌آنها میدان عمل وسیعی داشته وخواهند داشت .

## ۲۶ ـ اطلاعات مفید بیشتر دربارهٔ آثار پاسارگاد

درصفحهٔ ۱۲متن کتاب ضمن‌توضیح نقش انسان بالدار موجود درپاسارگاد اشاره‌باین امر گردید که طبق‌آنچه از کتب‌برمیآید بالای‌نقش مزبور نام کورش منقوربوده لکن‌از هفتادوچند سال‌پیش‌اثری‌ازآن نمانده‌است .

چون اخیراً از طرف شورای مرکـزی جشنهای شاهنشاهی برای انتشار قدیمترین تصویرموجوداز نقش‌نامبرده‌اهتمام‌بعمل‌میآمد(۲) لذاازروی‌تصویری که

(۱) طبق‌اظهارتیمسارسپهبدآق‌اولی‌غاربسیار بزرگی بنام پرسکست‌ـPareskaste(یعنی پرندگان‌برای رسیدن باین‌غار پرشکسته وناکام هستند) در خاك ممسنی بین فهلیان وسی‌سخت در محل‌تنگ تامرادی وجود دارد که‌گنجایش آن برای هزارنفر لااقل کافی بوده مشرف بر تنگ تامرادی است .

(۲) تصویر فعلی نقش درصفحهٔ ۱۶۰ـ ش ۱۶ نموده شده است .

بوسیلهٔ سر ربرت کرپرتر[1] دانشمندجهانگرد انگلیسی درجلداوّل کتاب مسافرت در گرجستان و ایران و ارمنستان و بابل قدیم[2] درج گردیده و در صفحهٔ ٥٠٥ کتاب مزبور هم تصریح بمشاهده وترسیم نقش آن بوسیلهٔ دانشمند نامبرده شده است عیناً اقتباس واستفاده نمودندو نگارنده مناسب دانست نمونه‌ای از تصویر مزبور را در کتاب حاضر هم بمعرض ملاحظهٔ خوانندگان ارجمند بگذارد (ش۲۳۳) . وهمچنین نمونهٔ تصویری که بیست سال پس از آن بوسیلهٔ دو دانشمند فرانسوی بنام ا. فلاندن وپ. کوست[3] درجلدچهارم کتاب مسافرت بایران ـ ایران قدیم[4] درج گردیده و آقای جواد بابك بتقاضای نگارنده ازروی آن استنساخ وموجبات مزید سپاسگزاریم را فراهم ساخته‌اند بنظرخوانندگان محترم میرسد(ش۲۳٤). ضمناً مناسب می‌داند مضمون توصیفی را کــه فلاندن در بارهٔ نقش نامبرده نموده است ومی‌توان آنرا قدیمترین توصیف علمی نقش مزبور دانست دراینمورد مذکور دارد[5]: « دراین محلّ پایهٔ سنگی برپاست کــه سه‌متروشصت سانتیمترارتفاع[6] ویك‌متر وپنجاه‌وهشت سانتیمتر عرض وهشتادوهشت سانتیمتر ضخامت دارد ـ از دیرزمان برروی پایه‌ایکه شصت‌سانتیمتر بلندی آنست‌استوار میباشد ـ برسطح برّاق ومحکم آن‌نقشی حجّاری شده‌است که‌کاملاً باآنچه که‌مامیشناسیم تفــاوت دارد حتّی‌در تخت‌جمشیدودرهیچ جای‌دیگر ایران نظیرآن‌نیست ـ این حجّاری شخصی‌را نشان میدهد که لباس‌بلندریشه داری پوشیده بانیم‌رخ یك‌سر انسان که شاخی گردگوش وی‌پیچیده است ، روی‌نوك سرش دوشاخ‌بزرگتر قرار دارد که

---

(۱) Sir Robert Ker Porter

(۲) Travels in Georgia , Persia , Armenia and Ancient Babylonia چاپ لندن ۱۸۲۱ ـ تصویر شمارهٔ ۱۳

(۳) Eugéne Flandin et Pascal Coste

(٤) Voyage En Perse,Perse Ancienne Paris 1840-41 Tome 1v , Planche 198 چاپ پاریس ۱۸٤۰ـ٤۱ ـ ورقهٔ مصور شمارهٔ ۱۹۸

(٥) اقتباس از جلد مخصوص متن همان کتاب صفحهٔ ۱٦۰ Idem Texte P. 160

(٦) بلندی قسمت موجود تخته سنگ مزبــور سه متر است .

ازجلووعقب کشیده ودارای سه‌چیز شبیه بهم‌میباشد ونمی‌توان آنرا توصیف نمود ولی‌میتوان شبیه ظرفی‌دانست که‌روی آن سه گلوله یاسه‌سیب قرارداده باشند ـ این‌سیمای مخصوص دارای چهاربال است که دوعددآن درعقب ودو دیگردرجلو قرار دارد .

« بطوری که اشاره نمود این حجّاری در ایران شباهت به آنچه تا کنون دیده‌ایم نداشته‌حتّی‌شبیه حجّاریهای دیگری‌هم که ازاین پس می‌بینیم‌نیست ».

« حجّاری مزبور ازبرخی جهات به‌نقوش مذهبی مصری و نیز به چند نقش برجسته که بتازگی درنینوا کشف شده است شباهت داردو اگر کاملاً همانند آنها نیست لااقل از لحاظ لباس و بالها شبیه آنها است ضمناً از نظر شیوهٔ کار به نقوش تخت جمشید میماند منتهی با طرز و اسلوبی که قدیمی تر بودن آنرا می نمایـد .

«درروی سرآن‌چهار سطر بخط میخی‌نوشته شده‌است».

دانشمند فقید مولاناابوالکلام آزاد وزیر فرهنگ اسبق هندوستان و از شخصیّتهای‌علمی‌برجستهٔ آن‌سامان باستنادنقش‌برجستهٔ‌مزبورونبشتهٔ بالای‌آن(که بشرح‌سابق‌الذّکربعداًازمیان‌رفته‌است)کورش کبیرراهمان‌ذوالقرنین مذکوردر قرآن‌مجید(۱)دانسته‌اندونظریّهٔ‌ایشان که‌متضمّن‌بحث‌مفصّل‌وبسیارجالب‌وشیرینی است بزبان عربی درمجلّهٔ ثقافة الهند (شماره‌های مارس وژوئن وسپتامبر ۱۹۵۰) منتشر گردید وترجمهٔ فارسی‌آن‌هم بوسیلهٔ‌دانشمند گرامی آقای‌ابراهیم‌باستانی پاریزی تهیّه و طیّ رسالهٔ جداگانه چاپ ومنتشر شد(۲) وهمچنین در مجلّهٔ صبا (شماره‌های۴۶و۴۷ـاسفند۱۳۲۹)وپس‌از آن‌در کتاب پاسارگاد نگارش‌آقای‌علی سامی (چاپ شیراز ۱۳۳۰ ) و مجلّد چهارم گزارشهای باستان شناسی بقلم همان دانشمند(چاپ‌شیراز ۱۳۳۸)نیز بتفصیل درج گردیده است وعلاقه‌مندان میتوانند بآن مراجعه‌فرمایند .

---

(۱) سورهٔ مبارك کهف ـ آیات ۸۳ تا ۹۸ .

(۲) چاپ تهران ـ تیرماه ۱۳۳۰ .

بطوریکه درصفحهٔ ۳۳۱ کتاب اشاره‌شد یك‌هیئت‌علمی انگلیسی باهمکاری وشرکت‌ادارهٔ کلّ‌باستان‌شناسی قصدانجام کاوشهای‌علمی‌در بعضی‌از نقاط پاسارگادرا داشتند و درپائیز ۱۳٤۰ که چاپ مطلب مزبور بتازگی انجام یافته بود باجرای این‌منظورپرداختند وضمن‌خاکبرداری درسطح زمین بالای‌صفّهٔ مادرسایمان مهر استوانه‌شکلی ازسنگ سبز تیره‌رنگ که درازای آن ۲۵میلی‌متر وقطردائرهٔ‌آن ۱۲میلیمتر بود بدست‌آوردند ـ مهرمزبور ناتمام‌مانده وسط‌آنرا سوراخ نکرده بودند ولبه‌های‌پائین وبالای‌آن صورت‌ناهمواراست وچون‌تنها مهرعهدهخامنشی مکشوف درپاسارگادبوده وضع‌نقش‌آنهم‌طوری‌است که میرساندمربوط به‌پیش‌از هنگام ساختمان کاخهای تخت جمشید میباشد لذا باحتمال نزدیك بیقین متعلّق بدوران کورش کبیر بنظرمیرسد.

هنگامیکه شورای‌مرکزی جشنهای‌شاهنشاهی‌ازپیداشدن‌مهرمزبوراطّلاع یافت‌درصدد برآمد تصویرآنرابرای نشریّهٔ‌خود تهیّه‌نماید وبا همکاری ومساعدت ادارهٔ کلّ باستان شناسی و ادارهٔ انتشارات و روابط دانشگاهی دانشگاه تهران و مؤسسهٔ بریتانیائی مطالعات مربوط بایران که‌کاوشهای هیئت علمی مشترك‌را در پاسارگاد انجام‌داده‌است عکس‌برداری وقالبگیری آن صورت گرفت و هنرمند عالیقدر آقای‌علی کریمی برروی عکس‌آن مختصرنقّاشی ظریف‌بسیار استادانه و ماهرانه انجام‌داده‌نکات‌نامرئی‌آنراروشن‌ونمایان‌ساختند ـ تصویر نقش‌اصلی مهر که بوسیلهٔ بخش سکّه‌ها و مهره های عتیقهٔ موزهٔ ایران باستان قالبگیری شده است(ش‌ـ۲۳۵) وتصویرنقش‌مزبورپس ازاصلاحاتی که آقای علی کریمی برروی آن انجام داده‌اند (ش ـ۲۳٦) درقسمت تصاویر ذیل کتاب مندرج میباشد[۱].

(۱) ازهمکاری وموافقت ادارهٔ کل‌باستان‌شناسی ومؤسسهٔ‌بریتانیائی مطالعات‌مربوط بایران که‌موجبات استفاده ازنقش‌مهرتاریخی مهم‌فوق وبررسی‌آنرا دراین‌کتاب‌فراهم‌ساخته‌اند صمیما نه سپاسگزاری مینماید . مخصوصاً ازآقای دیوید استروناخ David Stronach رئیس‌مؤسسهٔ اخیرالذکر وخانم ملکزادهٔ بیانی‌وخانم‌پروین‌برزین‌موزه داران‌موزهٔ‌ایران‌باستان وخانم‌بتول خمسه صفاکارمندبخش‌سکه‌ومهره‌های‌عتیقهٔ‌موزهٔ‌ایران باستان که‌هر کدام‌دراین‌خدمت‌علمی بنوعی‌همکاری‌و لازمهٔ همراهی‌را معمول نموده‌اند کمال امتنان‌راتقدیم‌میدارد .

بطوریکه‌درنقش‌مهر نموده شده‌است مردی‌باجامهٔ پارسی‌و کلاه کنگره‌دار شیری شرزه را شکار کرده بادست راست کمند مخصوص چنین شکاری راکه پای راست‌شیر بآن بندشده است گرفته وبجانب خود میکشاند ودر دست چپ ترنـای کوتاه یاشلاق دم گاوی برای ناتوان ساختن شیر و در هنگام لزوم جلوگیری ازحملهٔ آن گرفته است ـ دربادی امر تصوّرمیرفت که مرد پارسی بادست راست خود پای‌راست شیررا گرفته و چون‌نقش مهراساساً ناتمام‌مانده نقش دست‌راست مردنیز کامل‌نشده است‌ولی آقای کریمی هنگام‌نقّاشی برروی نقش‌مزبور بوسیلهٔ ذرّه‌بین وبا دیدهٔ دقیق هنری آنرا نگریستند و دریافتند که پای راست شیر در کمند مرددلاور افتاده ودست راست وی کمندرا تنگ کشیده‌است واندازهٔ کمند ازبلندی‌طبیعی‌دست کمی بیشتربوده وسط‌دوخطّ طولی کمند خطوط‌عرضی‌موجب بستگی و پیوستگی بهترآن ومجال ندادن به‌شکاربرای‌رهائی‌وفرارمیباشد وخانم ملکزادهٔ بیانی هم از آغاز بررسی خود در بارهٔ مهر مزبور همین نظر را ابراز داشته بودند .

درپشت سردلاور پارسی تصویر چرخی درپائین ونقش‌انسان بالداری دربالا پدیدار است که میتواند مظهر قدیمتر فروهر باشد بدینمعنی که نقوش فروهردر بیستون وتخت‌جمشید بجای‌چرخ زیرین نقش‌مورد بحث‌دارای نقش‌دائره‌ای در وسط قامت و محلّ پیوستگی بالها به‌بدن انسان میباشد وقسمت دنبالهٔ پائین بدن هم که بصورت پرّه‌پرّه نموده‌شده است‌درنقوش فروهربعدی بلندتر ازنقش فروهر مهرمکشوف درپاسارگاد است، درعین حال میتوان اندیشید که کمند افکندگی و گرفتاری‌شیر بدست مرد دلاور نمونهٔ قدیمتری ازصحنهٔ پیکار شاه باشیر باشد که بعداً درنقوش‌برجستهٔ تخت‌جمشید بصورت دیگرنموده‌شده است بدینمعنی که شاه‌بایك دست‌فرق‌شیررا گرفته بادست دیگردشنه‌را به‌شکم حیوان (که‌روبروی اوبردو پاایستاده) فروبرده است .

## ۲۷ ـ ذکر مختصری در بارهٔ الواح گلی تخت جمشید

هنگام تدوین‌متن‌کتاب برای‌رعایت جانب اختصار از‌تکرار برخی مطالب که درخور ذکر دراین‌کتاب بنظرمیرسید ودرسالهای پیش‌بوسیلهٔ نگارنده چاپ و منتشرشده بود خود داری گشت و بتدریج که چاپ کتاب وتصاویر وپس ازآن قسمت ذیل کتاب انجام‌گرفت نگارنده متوجه قصور و غفلتی که درپاره‌ای موارد ازاین‌بابت پیش‌آمده‌است گردید وبدین لحاظ در مباحث مختلف‌ذیل کتاب تاحدی سعی درجبران این‌نقیصه نمود .

موضوع پیدایش‌قریب سی‌هزار لوح‌گلی درتخت جمشیدنیزیکی ازمهمترین اینگونه‌موارد بشمار میرود که چون‌درمجلداول گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ‌طهران-۱۳۲۹) ضمن‌فصل‌مخصوصی دربارهٔ چگونگی کشف الواح ومساعی دانشمندان برای‌ترجمهٔ آنها وموفقیّتی که پس‌ازسالها کوشش نصیب پرفسور ژرژکامرون (۱) دانشمندشهیر ایراندوست آمریکائی گردیده است و بالاخره ترجمهٔ ۸۵ عدد ازالواح مزبور بفارسی‌توضیحات مناسب بقلم‌نگارنده انتشاریافته بود بدین‌جهت در ضمن توضیحات مربوط بآثار تخت‌جمشید اشاره‌ای به‌الواح گلی سابق‌الذکر ننمود وحقاً دراین باره‌غفلتی شد وپس‌از آن‌در تلوصفحات بعدی‌متن‌کتاب‌که نام‌برخی‌از شهرها و واحی فارس مذکور می‌افتاد (شیراز ـ نیریز ـ فسا) اشاره بنامی که برای‌همان محلها درالواح گلی تخت جمشید برده‌شده است نمود لذا کاملا بمورد دانست درقسمت ذیل‌کتاب اطلاعات مختصری دراین‌باره مذکور داردو ترجمهٔ چندلوح‌گلی‌را که نام‌شهرها ونواحی‌مختلف فارس‌درآنها تشخیص گردیده است نیزنقل نماید-بدیهی است‌خوانندگان عزیزی که علاقمند به‌تحصیل اطلاعات بیشتر دراین‌باره باشندمی‌توانند بمجلد اول گزارشهای باستان‌شناسی (چاپ طهران۱۳۲۹) فصل‌اول ـ تحت‌عنوان **الواح گلی تخت‌جمشید یااسناد اداری ومالی کاخهای شاهنشاهان هخامنشی** مراجعه فرمایند. باذکراین‌مقدمه اکنون بشرح مختصر موضوع میپردازد :

در اواخر سال ۱۳۱۲ هنگام هموار کردن گوشهٔ شمال غربی صفّهٔ تخت جمشیدنزدیك به‌محلّ‌اتّصال دیوارشمالی صفّه‌باکوه رحمت‌درون آستانهٔ‌مسدودی ازعهد هخامنشی مقدار زیادی الواح گلی درست یا شکسته پیدا شد که اندازهٔ آنها بطور کلّی تقریباً باندازهٔ مهر نماز معمولی (بدرازای ۳ تا۷ سانتیمترو پهنای ۱ تا۶ سانتیمتر وکلفتی قریب یك‌تادو سانتیمتر بااختلاف کم وبیش ازهر جانب) بود ـ نگارندهٔ کتاب درآن هنگام بسمت نمایندهٔ باستانشناسی در تخت جمشید انجام‌وظیفه مینمودم و شخصاً تمام قطعات درست یا ناقص الواح را درون پنبه و قوطیهای‌مقوّائی که ازطرف‌هیئت علمی‌تخت‌جمشید فراهم‌میشد قراردادم وشمارهٔ

(۱) Prof George Cameron

تمام الواح اعمّ ازدرست وناقص قریب به سی‌هزار عدد بالغ میگشت ـ دو گوشهٔ بالای الواح عموماً بصورت منظّم وزاویه داربود ودو گوشهٔ دیگر آن شکل مورّب و منحنی داشت (ش۲۳۷تا ۲۴۰).

کلیهٔ الواح برای بررسی علمی وخوانده‌شدن باختیار بنگاه‌شرقی دانشگاه‌شیکاگو که‌عهده‌دار خاکبرداریها و کشفیات علمی تخت‌جمشید بود (۱) گذارده‌شد وپس‌از دوسال یعنی در سال ۱۳۱۴ با اجازه و موافقت دولت شاهنشاهی ایران از طرف بنگاه نامبرده بطور موقت بآمریکا حمل گردید وچهارسال بعدهم ضمن‌خاکبرداری‌قسمت معروف به‌خزانه تعداد ۷۵۰ عدددیگر ازاینگونه الواح یاقطعات آنها بدست‌آمد ومانند الواح قبلی‌در اختیار بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو قرار گرفت و موقتاً بآمریکا فرستاده‌شد وپس‌از سالها کوشش و کارهای آزمایشگاهی وتحمل رنجها و دشواریهـای گوناگون که قسمتهائی ازآنهم براثرپیش‌آمد جنگ بزرگ دوم جهانی‌بود سعادت کامیابی در راه خواندن وانتشار کتاب جامعی دربارهٔ ۸۵ عدد ازالواح مکشوف درخزانه همانطورکه درسطور سابق گذشت‌نصیب پرفسورکامرون آمریکائی گردید ودانشمند مزبور دربارهٔ بسیاری ازنکات ومطالب‌مربوط بدعهدهخامنشی ازجمله‌اطلاعات‌مربوط‌به‌مذهب‌شاهنشاهان‌هخامنشی‌ـ مطالب‌مفیدی ازلحاظ‌زبان‌شناسی ومعانی لغوی ـ چگونگـی ماه وسال در دوران هخامنشی ـ واحد وزن واجزاء آن ووضع شمارش آنها ومیزان‌دستمزدها وطرزپرداخت آن‌درعهد مزبور ـ شرح‌مهرهائی که برالواح‌مکشوفه زده شده بود ـ اطلاعات مختلف‌دربارهٔ زبان پارسی باستانی وزبان‌عیلامی وبالاخره نقل‌تلفظ وترجمهٔ تمام ۸۵ لوح موردذکر درکتاب خود توضیحات عالمانه وجامع وبس دقیق مرقوم داشت ونگارندهٔ این سطور هم‌بااستفاده ازاین کتاب بسیارمفید ترجمهٔ فارسی‌الواح نامبرده‌را بابرخی اطلاعات وتوضیحات‌مختصر درضمن فصل اول مجلدسابق‌الذکر باستان‌شناسی بچاپ‌رسانیدم وبا مختصر مراجعه به ترجمهٔ الـواح مزبور بخوبی‌میتوان ازانواع اقسام کارهائی که درقبال پرداخت‌دستمزدبرای ساختمانهای‌تخت‌جمشید صورت‌میگرفته است ازقبیل‌تراش سنگها ـ بهترکردن نقوش برجسته ـ درودگری ـ منبت کاری ـ ساختن‌درهای‌آهنی ـ مس‌کاری ـ تنظیم‌محاسبات وهمچنین‌کارهای دیگر دستگاه‌شاهنشاهی‌هخامنشیان ازقبیل‌وجوهی که به پیشوایان دین‌پرداخته میشد ـ دستمزد چوپانان ـ کشاورزان ـ سرایداران ـ مهتران اسبهای‌شاهی ـ زنانی که عهده دار تیمار اسبهای بانوان‌سلطنتی‌یاامور دیگر هستند پی‌برد.

باذکر توضیحات بالااینك بنقل ترجمهٔ فارسی چندعدد ازالواح گلی تخت جمشید ازروی مجلّداوّل گزارشهای‌باستان‌شناسی می‌پردازدودر بادی‌امر مناسب میداندآنچه راکه در بارهٔ لوحهٔ شمارهٔ یك نگاشته شده عـلاوه بر ترجمهٔ آن

۱ ـ درقسمت ذیل صفحهٔ۳۲ متن کتاب اطلاعات بیشتر دربارهٔ خاکبرداری‌های علمی‌تخت جمشید وخدمات بنگـاه شرقی‌دانشگاه شیکاگو دراین‌قسمت مرقوم‌رفته است .

حاوی‌اطّلاعات مفید دیگری هم در بارهٔ کشف اسناد تاریخی مهمّ مورد ذکر است عیناًنقل نماید .

## مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۱) (ش-۲۳۷)

**برد کاما(۱) به‌شاکا(۲) خزانه دار اطلاع میدهد بایستی مبلغ سه کارشا ودوشکل ونیم نقره به‌یکنفر درودگر مصری موسوم به هرد کاما (۳) سر کار صدنفر کارگر که یکی از کارکنان روزمزدپارسه (تخت‌جمشید) بوده ضامنش وهوکا(۴) است پرداخته‌شود این‌پرداخت بصورت نقدی‌نیست بلکه‌گوسفندو شراب داده‌میشود بدینقرار که یك‌گوسفند برابر سه‌شکل (** بروزن‌خجل **) نقره و یك‌کوزه‌شراب برابر یك‌شکل‌نقره منظور میگردد . مبلغ‌فوق شامل دستمزد خدمتی‌است‌که درطول مدت‌ماههای‌هشتم تادوازدهم سال‌سی‌ودوم (سلطنت داریوش) انجام‌گرفته است - دستمزد این‌مرد مصری در هرماه معادل شش شکل‌و نیم‌نقره‌میباشد - کاتب‌این‌لوح هیپیروکا(۵) بودکه ازمردوکا (۶)رسید گرفته است - (گویامقصود ازکلمهٔ رسید دراین‌مورد بمعنی دستور باشد)**

ترجمهٔ فوق اگر تاحدّی باطرز نامه نگاری کنونی ادارات دولتی سنجیده شود میتوان مطلب آنرا بدین‌ترتیب مذکورداشت :

### آقای شاکا مدیر صندوق

**آقای بردکاماگواهی میدهدکه آقای‌هردکاما درودگر مصری‌سرکار صدنفر کارگر که‌بطور روزمزد بضمانت‌آقای‌وهوکا درساختمان پارسه‌انجام وظیفه میکند استحقاق دریافت مبلغ سه‌کارشا و دو شکل و نیم نقره بعنوان دستمزدخود دارد .**

**توضیحاً اضافه مینماید که پرداخت فوق نقدی نبوده گوسفند و شراب داده میشود، یك‌گوسفند معادل‌سه‌شکل‌نقره و‌یك‌کوزه شراب برابر یك‌شکل نقره تسعیرمیگردد - این‌پرداخت بابت‌کارمزد پنجماهه درودگر مزبور ازماه هشتم تا ماه دوازدهم سنهٔ ۳۲ بقرار ماهیانه شش شکل ونیم نقره می‌باشد مسئول نوشتن ابلاغ بالا هیپیروکا بوده دستور صدور آن را مردوکا داده است .**

---

(۱) Baradkama (۲) Shakka (۳) Haradkama

(۴) Vahauka (۵) Hipirukka (۶) Mardukka

توضیح ـ آغاز ماه هشتم تا ماه دوازدهم سال ۳۲ سلطنت داریـوش بعقیدهٔ دکتر کامرون بحساب تقویمهای کنونی مـا از روزهای اوّل ابان تا اسفند سال ۴۹۰ ـ ۴۸۹ پیش‌ازمیلاد میباشد و این ایّام درست‌همان تاریخی است که‌مورّخین جنگ داریوش را با یونانیان دردشت ماراتن ذکرنموده‌اند وبدینقرار درودگر مصری درهنگام جنگ ماراتن مشغول درودگری درتخت‌جمشید بوده مزدخود را دریافت میکرده است.

جناب آقای تقی‌زاده تاریخ لوح بالا را از ۶ عقرب ۴۹۱ پیش از میلاد تـا ۴ حمل ۴۹۰ پیش از میلاد دانسته توضیح آن را نیز بدین قرار ذکر فرموده اند :

«چون جلوس داریوش بر تخت سلطنت (یعنی‌در واقع قتل گماتای مغ) در ماه‌اکتبر سنهٔ ۵۲۲ قبل‌از مسیح واقع‌شد (۱۰ باگیادی) لذا سال ۳۲ سلطنت او بحساب‌درسنهٔ ۴۹۱ قبل‌ازمسیح‌شروع‌ودر سنهٔ ۴۹۰پایان‌میبابد ولی‌آقای‌کامرون سال‌سی‌ودوم را درسنهٔ ۴۹۰ شمرده که شاید ناشی از آن بوده باشد که خود سال جلوس‌را بحساب نیاورده است.»

بنابراین تاریخ لوحهٔ‌بالا طبق نظرهردو دانشمند معظم پنج ماه‌آخر سال‌بوده لکن یکسال اختلاف نظر دراین‌باره وجود دارد که علت آنرا جناب آقای تقی‌زاده در آخر یاد داشت خـود اشاره فرموده اند و ظـاهراً دکتر کامرون مانند اغلب خاور شناسان ازنخستین سال جلوس تـا سال مورد ذکر درلـوح یك سال را بحساب نیاورده است ـ در لوحهای بعدی هم آنچه از لحاظ تـاریخ لوح ذکر شده ترجمهٔ کتاب دکتر کامرون و نظریهٔ دانشمند مزبور می‌باشد و طبق نظریهٔ جناب آقای‌تقی‌زاده تاریخ حقیقی هرلوحه در حدود یك‌سال قبل ازآنچه دکتر‌کامرون ذکر نموده است میباشد.

اینك که ترجمهٔ یکی از الواح را بشرح بالا تا حدی که بنظر مناسب میرسیدذکر نمودیم بمورد می‌داند توضیح مفید ذیل را برمطالب فوق الذّکر علاوه نماید :

درمیان‌آثارعهدهخامنشی که درموزهٔ ایران‌باستان بمعرض‌نمایش گذارده شده سنگ وزنه‌أیست که درسال ۱۳۱۶ ضمن‌خاکبرداری یکی‌از اطاقهای تابعهٔ

قسمت خزانهٔ تخت‌جمشیددرجنوب‌شرقی‌صفّهٔ تخت‌جمشید بدست‌آورده‌اند. سنگ وزنهٔ مزبور از سنگ تیرهٔ سبز و محکم بشکل زیبا و جالبی تراشیده و صیقل گردیده روی آن بسه زبان معمول کتیبه های هخامنشی یعنی فارسی قدیم و عیلامی و بابلی نوشتهٔ میخی نقر گردیده و ترجمهٔ متن فارسی قدیم آن بدین قرار است:

«۱۲۰ کارشا ـ من(هستم) داریوش شاه بزرگ‌شاه شاهان شاه کشورها شاه این سرزمین فرزند ویشتاسب هخامنشی»

سنگ وزنهٔ مزبور که صریحاً وزن آن یکصدو بیست کارشا قید گردیده به‌مقیاس امروز ۹ کیلو و ۹۵۰ گرم یعنی ۵۰ گرم کمتر از ده کیلو گرم است و بدینقرار یك کارشا بطور تقریب نزدیك به یقین ۸۳ گرم یا قریب ۱۸ مثقال میشود.

ضمناً بامختصر توجّه به‌ترجمهٔ‌لوحهٔ سابق‌الذّکر بخوبی‌واضح میگردد که هر **کارشا** مشتمل بر ده‌شکل بوده‌است وچون‌مزد استاد درودگر مصری‌درمدّت یکماه شش شکل‌ونیم نقره تصریح گشته است باتوجّه به اینکه هر شکل یکدهم کارشایعنی ۸/۳ گرم‌میشود دستمزد یکماههٔ این‌استاد قریب‌۵۴ گرم‌یا کمی‌بیش‌از یازده مثقال و نیم نقره میشود و بحساب امروز[1] ( هرمثقال نقره بطور متوسّط ۱۰ریال) مزدیکماه‌استاد درودگر سرکارمصری درساختمان کاخهای‌تخت‌جمشید ۱۱۵ ریال‌بوده است.

همچنین طبق ترجمهٔ لوحهٔ فوق یك گوسفند را برابر سه شکل نقره ویك کوزه‌شراب رابجای یك‌شکل‌نقره محسوب مینمودند بنابراین‌قیمت یك گوسفند در زمان داریوش کبیر بپول امروز در حدود ۵۶ ریال بوده و یك کوزهٔ شراب تقریباً ۱۹ ریال ارزش داشته است (هر شکل نقره تقریباً یك مثقال و ۱۹ نخود می شود).

بحساب‌بالااستاد درودگرمصری بابت‌دستمزد پنجماههٔ‌خود شاید۸ گوسفند

(۱) یعنی درسال ۱۳۲۹ شمسی.

و۸ کوزه‌شراب دریافت کرده باصرف‌شراب و گوشت گوسفند نیروی‌تازه تحصیل نموده وبکاردرود گری خودادامه میداده‌است .

نا گفته نماند که کلمهٔ **کارشا** درمتن فارسی قدیم سنگ وزنهٔسابق‌الذکر مرقوم گشته ومقیاس ایرانی‌بوده است درمتن‌بابلی آن بازاء ۱۲۰ کارشا ۲۰ **مینه** نوشته شده که مقیاس‌وزن بابل درقدیم‌بوده است وهریك مینه ٦ کارشا و یاقریب ۵۰۰ گرم میشده است .

تصور میرود توضیحات بالا توجه خوانندگان محترم را بیشتر بدرجهٔ ارزش علمی‌واهمیت فراوان الواح گلی تخت‌جمشید معطوف میسازد چه ترجمهٔ یکی ازآنهاباعث معلوم شدن‌چندین مطلب مفید سابق‌الذکر گردیده است واگر روزی موفق به‌ترجمهٔ تعداد افسانه مانند این‌الواح بشوند بسا مطالب مفید ونکات دلنشین مربوط بزندگانی عصر هخامنشی وسازمان‌کشوری در آن زمان ونبوغ داریوش شهریار عظیم آن سلسله در حسن ادارهٔ کشور پهناور خویش معلوم وروشن گـردد .

اینك که مطالب مربوط به‌لوحهٔ شمارهٔ (۱) نقل گردید ترجمه‌و توضیحات مربوط به‌چند لوحهٔ دیگررا که حاوی نام شهرها ونواحی مختلف فارس درعهد هخامنشی است بهمان ترتیب واز همان نشریّه عیناً نقل مینماید :

## مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۴۲) (ش–۲۳۸)

**آرتا تخما (۱) به وهوش(۲) خزانه‌دار پارسه‌گزارش میدهد ۳۷کارشا ویك شکل وربع شکل نقره معادل نصف مزد کارگرانیکه باکورادا (۳) که عنوان سرکاری صد نفررا درشیرازدارد مسئول کارایشان است بابت ماه‌ساميا (ماه یازدهم) درسال نوزدهم (سلطنت خشایارشا) داده میشود .**

صورت‌ریز کارگران ومیزان‌دستمزدهریك بشرح زیردرلوحه ذکرشده‌است :

| | | |
|---|---|---|
| **۱۲ نفر مرد** | **هرکدام** | **سه شکل وسه ربع‌شکل** |
| **۱۱ پسر بچه** | « | **۳ شکل ونیم** |
| **۱۱ پسر بچه** | « | **یك شکل وسه ربع ویك هشتم شکل** |
| **۱۳ پسر بچه** | « | **یك شکل وربع شکل** |
| **۱۵ پسر بچه** | « | **نصف شکل ویك هشتم شکل** |
| **۷۸ نفر زن** | « | **دوشکل ونیم** |

Artataxma (۱) Vahush (۲) Bakurada (۳)

**۱۲ دختر بچه هر کدام یك شکل وسه ربع شکل ویك هشتم شکل**
**۱۸ دختر بچه « یك شکل وربع شکل**
**۳۰ دختر بچه « نیم شکل ویك هشتم شکل**
**درماه ساميا (ماه یازدهم) ازسال ۱۹ (سلطنت خشایارشا ) این دستور ممهور داده شد واز مگابیزوس (۱) در پارسه رسید دریافت گردید .**

توضیح ـ بطوریکه درمفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ ۶۰ (درصفحهٔ ۴۱۷) ذکر خواهد شد لوحهٔ بالا ولوحهٔ شمارهٔ ۶۰ از پرداخت دستمزد همین یکصد ونود نفر باهمین میزان دستمزد حکایت میکند منتها لوحهٔ شمارهٔ ۶۰ مربوط به مزد سه ماه پس از لوحهٔ فوق میباشد که درهمین مدّت سه ماه خزانه دار پارسه تغییر یافته است .

نام شیراز که درلوحهٔ فوق ذکر گشته در سطر ۶ اصل لوحه بزبان عیلامی **تی‌راذی‌ایش** خوانده شده وهمین محلّ را **شی‌رازی‌ایش** هم مینوشته‌اند ودکتر کامرون معتقداست که همان محلّ درزبان کنونی ما **شیراز** گفته میشود .

بعقیدهٔ اغلب جغرافی‌دانان عرب شهرشیراز فعلی درزمان اعراب بنا نهاده شده وبنابروایت استخری ومقدسی وابن بلخی پیش‌ازآن تنها از بنای یك آتشکدهٔ نسبتاً جدید ویك قلعه دراین محل ذکری نموده‌اند ـ بگفتهٔ مسافرین قرن اخیر وطبق آنچه هم که فعلاً مشهود است درمحل معروف به‌قصر ابونصر واقع در چند کیلومتری شرقی شهرشیراز آستانهٔ سنگی عیناً از آستانه‌های سنگی تخت جمشید ودارای همان نقوش واقع گردیده است که آنهم ضمن کاوش علمی و تحقیقاتیکه ۱۸ سال قبل (۲) ازطرف هیئت علمی موزهٔ متروپولیتن نیویورك درآنجا بعمل آمد معلوم شد تخته سنگهای آستانهٔ مزبور وقطعات نقوش برجسته را از محل دیگر بقصر ابونصر آورده‌اند (۳) بنابراین مراتب قدیمترین مدرك سابقهٔ تاریخی شهر شیراز را میتوان لوح گلی فوق‌الذکر ویکی دولوحهٔ دیگر که شرح آن بعداً خواهد آمد داست .

ماه یازدهم سال ۱۹ سلطنت خشایارشا مقارن ۱۷ بهمن تا ۱۶ اسفند سال ۴۶۶ پیش ازمیلاد بوده است .

---

(۱) Megabyzus (۲) نسبت بسال ۱۳۲۹ شمسی .

(۳) همانطورکه درصفحات ۷۲ و۸۴ و۱۱۳ و۳۶۶ توضیح داده شده است دربارهٔ آثار عهد هخامنشی درقصر ابونصر ونقاط دیگرفارس اکنون نظریاتی وجود داردکه باآنچه درسطور بالا مرقوم رفته است کمی مباینت پیدا میکند .

دولوحهٔ دیگر بشماره‌های ۴۲ الف و ۴۲ ب درکتاب دکترکامرون ذکر گشته که بواسطهٔ خرابی ونقص از ترجمه‌آن خودداری شده است تنها نکتهٔ قابل ذکر اینستکه در لوحهٔ ۴۲ الف سطر ششم نام **تیرازی ایش** که همان شیراز تشخیص داده‌شده مرقوم رفته است .

## مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۵۲) (ش-۲۳۹)

**ارتاتخمابه راتی نیندا (۱) خزانه دار پارسه‌گزارش میدهد معادل ۱۴ کارشانقره‌به زره‌سازانی که برای‌محل‌هانکوراکا (۲) تعیین‌شده‌اندواتانس (۳) درنیریز مسئول‌کار ایشان است‌باید پرداخته‌شود - این‌مبلغ‌بابت نصف‌دستمزد ایشان درماه ثورواهر ( ماه دوم ) از سال ششم ( سلطنت خشایارشا )میباشد.**

صورت ریز زره سازان مزبور و مبلغ دریافتی هریك در لوحه بدینقرار ذکر گشته است :

| | | |
|---|---|---|
| **۱۳ نفر مرد** | **هرکدام** | **سه‌شکل وسه‌ربع‌شکل** |
| **۹ پسر بچه** | » | **دوشکل و نیم** |
| **۹ پسر بچه** | » | **یك‌شکل‌وسه ربع‌ویك‌هشتم شکل** |
| **۱۴ نفر زن** | » | **دوشکل و نیم** |
| **۱۱ دختر** | » | **یك‌شکل وسه‌ربع ویك هشتم‌شکل** |

توضیح - نام‌نیریز دراصل‌لوحه **ناری ذی** ذکرشده بگفتهٔ دکتر کامرون این‌دو لفظ بحدّی با هم تطبیق میکند که توضیح در بارهٔ آن زائد است دکتر کامرون ضمناً توضیح میدهد که جغرافی دانان عرب ازقبیل مقدّسی وابن بلخی ضمن‌شرح نیریز ازمعادن‌آهنی که درحول‌وحوش‌آن واقع‌وصنعت جوشن‌سازی که‌درآنجارونق‌داشته‌است‌صحبت‌نموده‌اند بنابراین شاهنشاهان‌هخامنشی‌درناحیهٔ کنونی نیریز مرکز زره سازی و جوشن سازی داشته صنعتگران این رسته از آهن‌های محل مزبور برای لشگریان داریوش و خشایار شا و غیره سلاح میساخته اند .

ماه‌دوّم سال بیستم سلطنت خشایارشا مقارن۱۶ اردیبهشت تا۱۳ خردادسال ۴۶۶ پیش‌ازمیلادمسیح‌بوده است .

(۱) - Ratininda  (۲) - Hankurraka
(۳) - Otanès

## مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (۵۴) (ن‌ـ٢٤٠)

**ارتاتخما به راتی نیندا(١) خزانه‌دار گزارش میدهد که ۳۸ کارشا و ۵ شکل‌ونیم نقره بایستی‌بکارگرانی که برای خفر (کبرپیش) وفسا (بشی‌یا) تعیین شده‌اندوناپزا(٢) سرکارصدنفری درخفرمسئول کارشان‌است پرداخت‌گردداین مبلغ معادل نصف دستمزد کارگران مزبور درماه ثور واهر (ماه دوم) سال بیستم (سلطنت خشایارشامیباشد) .**

صورت ریز کارگران که جمعاً ١٥٠ نفر بوده‌اند و میزان دستمزد هریك بدینقراردرلوحه ذکر گشته است :

| | | |
|---|---|---|
| **۳۷ نفر مرد** | **هرکدام** | **سه‌شکل‌وسه ربع‌شکل** |
| **۲۰ پسربچه** | » | **دوشکل‌ونیم** |
| **۳ پسر بچه** | » | **یك‌شکل‌وسه‌ربع ویک هشتم‌شکل** |
| **٦٧ نفر زن** | » | **دوشکل‌ونیم** |
| **۱۵دختر** | » | **یك‌شکل‌وربع‌شکل** |
| **۸ دختر** | » | **نیم‌شکل ویك‌هشتم‌شکل** |

توضیح ـ دکترکامرون دومحلّی‌راکه‌در روی لوحهٔ فوق بنام کبرپیش و باشی‌یا ذکر شده با خفر و فسای کنونی‌منطبق ویکی‌میداند ـ تاریخ لوح فوق نیزعیناً همان تاریخ‌لوحهٔ قبلی‌است .

## مفاد ترجمهٔ لوحهٔ شمارهٔ (٦٠)

**ارتاتخمابه‌راتی نیندا خزانه‌دارگزارش میدهد ۴۷ کارشا ویك‌شکل و یك‌ربع‌شکل نقره‌باید بکارگرانی که باکورادا سرکارصدنفر درشیراز مسئول کارشان است بابت نصف دستمزدشان درماه ثور واهر (ماه دوم) سال بیستم (سلطنت خشایارشا) داده‌شود ـ تعداد این کارگران بالغ بر۶۲ نفر میباشد .**

میزان دستمزدکارگران‌مذکوردرلوحه بشرح زیرتعیین گردیده است :

| | | | |
|---|---|---|---|
| **۱۲ نفر مرد** | **هرکدام** | **ماهی** | **سه‌شکل وسه‌ربع‌شکل** |
| **۱۱ پسربچه** | » | » | **دوشکل و نیم** |
| **۱۱ پسربچه** | » | » | **یك‌شکل‌وسه‌ربع‌ویك‌هشتم‌شکل** |
| **۱۳ پسربچه** | » | » | **یك‌شکل وربع‌شکل** |
| **۱۵ پسربچه** | » | » | **نیم‌شکل ویك هشتم شکل** |

---

(١) Ratininda (٢) Napezza

توضیح ـ دکتر کامرون این لوحه را نسخهٔ دوّم لوحهٔ شمارهٔ ۴۲ میداند با این اختلاف که لوحهٔ ۴۲ مربوط بدستمزد کارگران فوق بهمین میزان درماه یازدهم سال نوزدهم سلطنت خشایارشا بوده این لوحه مربوط بدستمزد ایشان در ماه دوم سال بیستم سلطنت خشایارشا میباشد وچون خزانه‌دار پارسه‌هم دراین‌مدت تغییر یافته‌است‌درلوح‌فعلی‌بعوض‌نام‌خزانه‌دارقبلی‌نام خزانه‌دار جدید خوانده می‌شود .

اختلاف دیگری که با مقایسه این دولوح دیده می‌شود اینست که اینجا فقط تعداد ۶۲ نفر کارگران مرد وپسر ذکرگشته در صورتی که در لوحهٔ ۴۲ علاوه براین۶۲ نفر از ۱۲۸نفر کارگران زن ودختر و میزان دستمزد آنها نیز گفتگو شده است .

تاریخ‌لوح فوق همان‌تاریخ الواح شمارهٔ۵۲ و۵۳است .

بامختصر توجّهی‌به‌ترجمهٔ چندلوح بالا بخوبی میتوان اهمیّت کشف الواح گلی‌تخت‌جمشیدرا که ازمهمترین وارزنده‌ترین اسناد تاریخی کشور شاهنشاهی ایرانست دریافت وعلاوه برتمام‌فوائد علمی وتاریخی آنها این‌حقیقت را در نظر گرفت که‌کار ساختمان آثـارمعظم تخت‌جمشید باچه ترتیب وچه‌سازمان اداری منظّمی صورت میگرفته وپرداخت دستمزد استادان و صنعتگران و هنرمندان و پیشه‌وران تاچه‌اندازه تحت‌نظم ودقّت‌بوده است‌وبرخلاف تصوّربرخی‌ظاهربینان یا اهل غرض یادگارهای شاهنشاهان هخامنشی در پارسه ( نام تخت جمشید در نبشته‌های‌میخی‌محلّ مزبور) ازطریق بیگاری وکار رایگان بوجودنیامده است .

البتّه بررسی دقیق الواح گلی‌مزبور خودموضوع بس‌شیرین وشایستهٔ‌توجّه فراوان است که ازموضوع کتاب حاضر یعنی معرّفی آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی سرزمین‌فارس‌بیرون خواهدبود وبشرحی که‌درآغازمطلب اشاره‌نمود علاقه‌مندان میتوانند بفصل اوّل‌مجلّد اوّل گزارشهای باستانشناسی یابمرجع اصلی فصل‌مزبور یعنی کتاب **الواح خزانهٔ‌تخت‌جمشید** بزبان انگلیسی تألیف پروفسورکامرون(۱)

---

۱ - Persepolis Treasury Tablets - by George G.Cameron  
University of Chicago Press - Chicago 1948

مراجعه فرمایند .

درپایان اضافه مینماید که ازمجموع الواح گلی تخت‌جمشید تعدادپانصدعدد به‌بنگاه شرقی دانشگاه‌شیکاگو اهداء گردید وبقیهٔ الواح‌نیزاگرقراربود بقصدخوانده شدن آنها باختیاردانشگاه مزبور گذارده شود ودرآمریکاباقی بماند بایستی درطول زندگانی چندین نسل مورد بررسیها و آزمایشهای علمی‌وسایر مراحل لازم چنین خدمتی‌قرار گیرد ومعلوم‌نبود تاچه‌زمان بایددرآمریکا باشد وچنین ترتیبی‌نمی‌توانست موردموافقت مقامات مسئول کشور شاهنشاهی واقع گردد لذاپس‌از چندین سال که ازارسال آنها بآمریکا گذشت بایران باز گردانده شد واینک درموزهٔ ایران باستان محفوظ است و الواح چند دیگر گلی‌هم بعداً بدست آمد که آنها راهم در موزهٔ نامبرده نگاهداری می کنند .

## ۲۸- برخی‌اطلاعات پراکنده دربارهٔ بعضی ازآثارتاریخی‌فارس

در ملاقاتهائی که گاه وبیگاه بادانشمند محترم جناب‌آقای مهندس‌احمد حامی دست داد اطلاعاتی دربارهٔ برخی‌آثار ومحلهای ناشناس مانده در نقاط مختلف کشور اظهار فرموده‌اند که بسیار درخور توجه‌است وچند مطلب از اینگونه اظهارات را که بسرزمین فارس ارتباط دارد در اینمورد نقل مینماید :

---

در سه فرسنگی‌شمال شرقی‌فسا نزدیك‌آتشکدهٔ عهد ساسانی واقع‌در تنگ کرم (که درصفحهٔ ۸۹ متن کتاب توضیح آن داده شد) استخر آبی است که کُمب‌آتشگاه( خُمب‌آتشگاه) نام دارد وبدینقرارمعلوم میگردد در آنجا هم مانند فیروزآباد وداراب آتشگاه را درکنار آبگیر بزرگی بنیاد نهاده‌بودند .

کوهستان واقع در یك‌جانب تنگ‌کرم بنام خرمن کوه خوانده میشود وکوه جانب دیگرتودج نام دارد «که ابتدای‌آن ازهمین خنبست وآخر آن قریب به‌بندرعبّاس»(۱).

---

ضمناً درکتاب آثارعجم علاوه برقلعهٔ ضحاکی (مذکور درصفحهٔ ۸۹ متن‌کتاب حاضر) اشاره بوجودآثاردیگری درسرراه فسا بدارابگرد نموده است که ذیلا بنقل‌آنها مبادرت‌میورزد

« **نوبندگان** بمسافت سه فرسنگی فسا که قصبهٔ آباد و پرجمعیّتی بوده گویند از بناهای شابور است .

---

(۱) کتاب آثار عجم (چاپ بمبئی ۱۳۱٤- ص ۸۵)

**داراکویه** (که آخر خاك فساست) بمسافت قریب ده فرسنگی فسا وشش فرسنگی دارابگرد «در دامنهٔ کوهی واقع شده بسیار مرتفع قلّه‌اش حصنی است حصین عقل از وضع آن حیرانست گویند این همان قلعه ایست که اسفندیار را در آن محبوس نموده بودند ومغلول داشتند بادوربین خوب ملاحظه نمودم بغیراز یك راه بسیار باریك دیگر راهی ندارد که بالا روند و آنهم بصعوبت تمام ، بربالای آن قلّه آثاربنائیست ازسنگ و گچ فی‌الجمله اثری از آن باقیست بعضی ازاهالی آنجا که در آن قلعه رفته بودند مذکور داشتند که میخهای قوی درآنجا یافته‌اند که بعضی بدیوارها کوبیده بوده واطراف آن قلعه هیجده بر که پراز آب موجود است که آن بر که‌ها را درسنگ تراشیده‌اند ونیز درحوالی آن قلعه چاهی‌است که عمقش بی‌نهایتست شخصی‌ازاهل آن ده که مقنّی بود نقل‌نمود که وقتی باجمعیّتی برسر آن چاه رفته بوسیلهٔ بندی طویل ومحکم در آن چاه رفتم بمقدار بیست ذرع تخمیناً که پائین میرود در کمرچاه دور تا بدور آن همه مغاك وجاهای‌وسیع‌است وچند سنگ مانند ستون برپاست وجای چرخ آب کشی نیز درآنجا است الله اعلم بالصّواب» (۱) .

باز در همان کتاب ضمن شرح آتشکدهٔ آذرجو که در ویرانه‌های دارابگرد قرار دارد (وشرح آن درصفحهٔ ۹۲ متن کتاب ذکر گردید) اشاره به‌چشمهٔ آب واقع در پائین کوه نموده است ومینویسد که‌آب آن درغدیری‌جمع میشود وغدیر مزبوررا بنام خنب‌آتشکده نیز میخواند (۲) ودر تصویر شمارهٔ ۱۰ کتاب نامبرده هم بنام‌خنب ذکر شده است (۳) .

---

اینك به‌نقل گفته‌های دیگری ازجناب آقای مهندس حامی میپردازد :

---

(۱) آثار عجم سابق‌الذکر ص ۹۱.

(۲) همان کتاب ص ۱۰۱.

(۳) طبق اظهار جناب آقای مهندس حامی محل دیگری بنام کمب جایان (گلیان) نیز در نزدیکی هم وجود دارد که چون بیرون ازخاك پارس است توضیح آن دراین کتاب مورد نخواهد داشت.

* **بندرعسلویه** واقع درمشرق بندرطاهری وویرانه‌های سیراف بزرگترین وآبادترین بنادر خلیج فارس بوده (آسل یعنی استخر) پرثروت‌ترین شهر فارس بشمارمیرفته است ـ کشتیها درخلیج عسلوتوقف میکرد وجائی که کشتیها لنگر میانداخت امروز **رأس ناوبند** میگویند ومحلّ آن تقریباً روبروی بحرین بوده دهانهٔ خلیج آن ۶ تا ۷ کیلومتر وعمق آن درمدخل خلیج قریب ۱۸ متراست .

ناخدای سیرافی که محلّ آن نزدیك بندر طاهری فعلی قرار دارد از چین تا روم مشهور بوده است .

---

* **کش کنار** (به ضمّ هردو کاف) درمشرق بندر عسلویه بطرف بندر لنگه درحدود ده کیلومتری ساحل دریا درجلگه واقع است وپیش بندرآن **تِبن** (بزبان عربی بمعنی کاه است) نام دارد.

* کوه کیلویه **یعنی کوه زالزالك** .

* دشت ارژن یعنی دشت بادام کوهی .

* درسرراه واقع مابین پاسارگاد وشهر بابك محلّی بنام **مَسینان** یا **مَزینان** هست که سرپرسی سایکس آنرا محلّ مس شناخته است واین تشخیص صحیح نیست ـ مس (بفتح میم) یعنی بزرگ (مانند **مَس مغان** یعنی بزرگ مغان ـ **مسین بابا** باصطلاح مردم سمنان ودامغان یعنی بابابزرگ ـ در کردستان **مَلّه ماس** یعنی گردنهٔ بزرگ) بدینقرار مسینان بمعنی آبادی بزرگ است همچنان که مزینان سبزوار نیز بدین‌معنی میباشد .

* رودخانهٔ **مند** (به ضمّ میم وسکون دوحرف دیگر) از کوههای سمیرم سرچشمه میگیرد ونزدیك خانهٔ زنیان (۴۰ کیلومتری شیراز برسر راه بوشهر) به شاهراه شیراز وبوشهر میرسد وبطرف جنوب شرقی‌جاری است ازآنجا در جنوب فارس درمنطقهٔ کوار ازغرب به شرق جریان دارد ـ درناحیهٔ کوار **بند بهمن** را جلو آن ساختند[۱] که از آنجا آبرا به **آباد شاپور** (علی‌آباد

(۱) دربارهٔ اثر تاریخی بند بهمن درصفحهٔ ۸۳ متن کتاب اطلاعات لازم نوشته‌شده‌است .

امروز) میبرند - درخفر هم رشته کوه را شکافته از طریق ده بانو و دشت دال بطرف جنوب جاری میگردد یعنی امتدادآن شمالی‌جنوبی میشود - از کازرین و قیر گذشته از مَهْکوُیه (که بغلط مَگو میگویند) بطرف غرب میپیچد وجریان آن تقریباً شرقی غربی میشود وبین بوشهر وعسلویه بدریا میریزد .

« در نواحی مختلف به نامهای رود مُند - قره‌آقاج - رودخانهٔ‌قیر خوانده میشود » .

اکنون به‌نقل نوشته‌های چند دیگری که ازطرف دانشمندگرامی آقای مجید یکتائی در سالهای۱۳۳۰و۱۳۳۱ تهیه‌گردیده هنگام چاپ مطالب ذیل‌کتاب حاضر باختیار اینجانب گذارده شده است میپردازد :

« در زمان فتحعلیشاه قاجار بیت زیر بالای باغ دلگشا نوشته بوده است که اکنون اثری از آن نوشته نیست .

دلگشا بی‌یار زندان بلااست هرکجا یاراست‌آنجا دلگشااست

« شهر داراب سه‌بار تغییر مکان یافته است پیش از اسلام دارابگرد (دارابجرد) ، بعد ازاسلام شهرجنّت واکنون داراب ، هر یك در محلّی است . خرابه‌های دارابگرد در ۸ کیلومتری داراب است و خرابه‌های شهر جنّت در ۱۸ کیلومتری نزدیك ده خیر که در تاریخ وصّاف نوشته دارای جنّات اربعه بوده که شیخ سعدی گوید جنّات تجری من تحتها‌الانهار در وصف‌آن نازل شده داراب یکی ازکوره‌های بزرگ فارس بوده‌است .

« درکنار شهر داراب بقعه‌ای است بنام پیرمراد که اعتقاد مردم برآنست که آرامگاه بابك پدر اردشیر میباشد .

« در سرچشمه دهستان شاهیجان جنوب داراب آتشکده‌ایست بنام اُغلانْ قِزْ ( یعنی پسرودختر ) وجه تسمیهٔ آن بدین سبب است که دوچشمه در میان سرچشمه شاهیجان فوران دارد یکی مانند نشانهٔ پسر ودیگری مانند نشانهٔ دختر .

« در فسا بقعه‌ای است بنام (فیروز ادمرد) که بی‌شك از بزرگان ایران

پیش از اسلام باید باشد.

«خرابه‌های شهر گور در قسمت جنوبی شهر فیروزآباد است که خرابه آتشگاهی در آنجا است وبفاصله‌های مختلف چندآتشگاه دیگر وجود دارد که آنها را چهار طاقی گویند.

چهار طاقی ده شهر چهار طاقی سلامت‌آباد چهار طاقی کنارسیاه (۱) ومانند آن».

---

اطلاعات منقول از یادداشتهای دانشمند محترم آقای مجید یکتائی نیز دراینجا پایان میپذیرد واینك بذکر برخی اطلاعات متفرقه‌دیگر که بوسایل مختلف بدست آمده است میپردازد:

بین سیوند وسیدان (بین بیست تا سی کیلومتری تخت جمشید کنار شاهراه اصفهان) در جانب غربی رودخانهٔ سیوند نزدیك دشت بال تپّه‌های چندی مربوط به‌دوران پیش ازتاریخ وجود دارد.

در پایان جزوهٔ مصوّر راهنمای شهرشیراز بزبان انگلیسی تألیف دانشمند محترم آقای عزیزالله حاتمی که از طرف ادارهٔ کلّ انتشارات وتبلیغات منتشر گردیده (چاپ طهران فروردین ۱۳٤۰ــ مارس ۱۹٦۱) اشاره باین مطلب شده است که ظاهراً عدّهٔ یهودیان درشیراز وفارس بیش از مسیحیان باشد و چند کنیسه درآنجا وجود دارد واز جملهٔ آنها کنیسهٔ واقع در انتهای شرقی خیابان زند شیراز است ویهودیان شیراز کوی ومحلّ مخصوصی با مؤسّسات مختلف وآموزشگاهها وعبادتگاههای خویش در آنجا دارند وعلاقه‌مندان باطّلاعات بیشتر دراین باره میتوانند از کنیسهٔ واقع در جنوب خیابان فرهنگ در شیراز بازدید نموده مطالب مورد نظر خود را بهتر دریابند.

---

قلعهٔ نرگس ــ درنزدیکی جهرم برفراز قلّهٔ کوهی قرار دارد ــ طبق

---

(۱) درمورد چهارطاقی کنارسیاه ضمن نقل گزارش پروفسور واندنبرگ در صفحات ۱۰٤و۱۰۵و۳۷۱و۳۷۳ بآن اشاره شد وبا توجه باینکه یادداشتهای آقای مجید یکتائی در سال ۱۳۳۰ شمسی تهیه شده است معلوم میگردد که معظم‌له چند سال زودتر بوجود آتشکدهٔ کنارسیاه وآتشکده‌های دیگر که نام آنها ذکر گردیده است پی برده بودند لکن اطلاعی دربارهٔ آنها انتشار نداده‌اند.

اخبار منـدرج در روزنـامهٔ اطّلاعـات در روزهـای اوّل اردیبهشت مـاه ۱۳۴۰
شش نفر از کوهنوردان شیراز بسرپرستی آقای احمد معرفت بآن محلّ عزیمت
کردند ، بااینکه دست یافتن باین قلعه بعلّت وجود راه صعب العبور برای اهـالی
فـارس افسانه بنظـر میرسید ودر قـرون اخیر پـای کسی بآنجا نرسیـده بود
کوهنوردان شیرازی با طیّ ۶۰ کیلومتر راه صعب العبـور واستفـاده از فنون
کوهنـوردی بقلعهٔ نرگس کـه گفتـه میشود از آثار قبـل از اسلام میبـاشد
دست یافتند .

طبق اظهار آقای معرفت و عدّه ای از کوهنوردان محوّطهٔ قلعهٔ نرگس
در حدود ۱۵۰۰ متر مربّع وسعت دارد و درآنجا چند درخت تنومند و کهنسال
سربآسمان کشیده است این قلعه درمیان یك برج وباروی سنگی محصور است ودر
گـوشه و کنـارآن بقایای ظروف سفالین واشکال مختلف دیده میشود . . . . . .
**درفاصلهٔ چند کیلومتری قلعهٔ نرگس پیکانهای پولادین زیادی دیده شده است».**

طبق خبر دیگری هم که در روزنامهٔ اطّلاعات مورخ دوّم خـرداد ۱۳۴۰
مرقوم رفته بود در نزدیکی قریهٔ خفرك علیا واقع در ۱۶ فرسنگی شیراز غـار
بزرگی بنام غار (گورکان) در دامنهٔ کوه باصفائی قـراردارد ........ در انتهای
آن چشمه‌ای موجود است ، دربارهٔ این غار افسانه‌های مختلفی بین‌مردم شهرت
دارد و عدّه‌ای هم معتقدند که این غار بزرگ زرّادخانه (مرکزاسلحه سازی)
امیرتیمور گورکانی بوده است و بهمین جهت غار گورکان نامیده میشود .

طبق خبر مندرج در روزنامهٔ پارس (شیراز) مورخ ۱۳ اسفند ۱۳۴۰ در
۶۰۰ متری غار شاپور دیواره‌ای بارتفاع هفتاد متر از صخرهٔ کوه وجـود دارد
وبرفراز آن‌غاری‌است که دردهانهٔ آن سنگهای مرمر بسیاری بچشم می‌خـورد
این‌غار بنام **غارمرمر** خوانده می‌شود و منتسب به مادر شاپور اوّل‌است هفت نفر
کوه‌نوردان‌شیراز بسرپرستی آقای‌احمدمعرفت‌برای‌نخستین‌باردراسفندماه۱۳۴۰
توفیق صعود از دیوارهٔ‌مزبور را یافته غارمرمر را کشف نموده‌اند .

مطالب‌بالا یکباردیگر این طررا تأییدمی‌کند که‌آشنائی وبررسی محلهای باستانی و آثار

تاریخی ناشناس‌ماندهٔ فارس‌مانند سایر نقاط ایران نیازمند کوششها و اقدامات فراوان و دامنه‌دار می باشد .

درپایان این‌مطالب پراکنده مناسب می‌داند دربارهٔ‌درخت سرو بسیار کهن سال ٌوبلندی که نزدیك شهرفساوجوددارد نیزمختصراطلاعاتی‌نقل‌نماید :

سرو کهن‌سال‌مزبور بمناسبت مجاورت آن به‌آبادی ْدریمی‌بنام سرو ْدریمی خوانده‌میشود وازقرارمذکور مورداعتقاد پارسیان‌بوده‌قطردائرهٔ پائین‌آن‌بیش‌از دومتر و بلندی آن درحدود بیست وهشت متر است(۱) وعکس این درخت سرو تاریخی مانندبسیاری عکسهای‌دیگر که دراین کتاب مندرج می‌باشد چندی‌قبل ازطرف‌دوست گرامی آقای‌منوچهر چهره‌نگار جهت‌نگارنده فرستاده شد که در شکل۲۴۱ بنظرعلاقه‌مندان محترم‌میرسد .

## ۲۹- اطلاعاتی دربارهٔ زیارتگاهها واماکن متبرك بوشهر وآثار ریشهر و جزیرهٔ خارك

درفصل ششم متن‌کتاب (صفحات ۱۴۱ تا ۱۴۷) دربارهٔ موقعیت بوشهر واهمیت تاریخی ویرانه‌های ریشهر قدیم‌وپیشینه‌های جزیرهٔ خارك وآثارباستانی آن اطلاعاتی کـه تحصیل گشته و مناسب بنظرآمده بود مذکورافتاد وازآن پس بعضی‌اطلاعات دیگر و عکسهائی بوسائل مختلف دربارهٔ محلهای مزبور بدست‌آمد که‌برای تکمیل مطالب‌قبلی مورد افاده بنظر رسید وبدین لحاظ قسمت‌هائی‌ازآنهارا که مناسب این موردمیداند ذکر مینماید .

آقای‌سید حسین‌ریشهری ازعناصرمطلع‌وعلاقه‌مند فارس که‌طبق‌آنچه ازنامشان هم‌برمیآید اصلااهل‌ریشهر کنونی (آبادی نزدیك ویرانه‌های ریشهرقدیم وازتوابع‌بوشهر) هستندضمن‌ارسال نامه‌ای بضمیمهٔ‌چندعکس دربارهٔ ریشهر وبوشهر چنین می‌نویسند :

« .... واما تاریخچهٔ قلعه(۲)وبنای‌آن و زمان خرابی آن زمان معیّنی در تاریخ دیده‌نشده وآنچه‌مسلّم است این‌قلعه‌همانطوریکه استحضار دارند درزمان ایلامیهاساخته‌شده‌و تازمان عرب‌معمور بوده‌است‌وشدّت آبادانی آن درزمان اردشیر

(۱) کتاب آثارعجم – ص ۸۵

(۲) مقصودقلعه ریشهر است .

بوده که بنام ریواردشیر[1] معروف گردیده که گویامعنی فارسی آن (شهر اردشیر) باشد.... خوب بخاطر دارم اوایل تشکیل فرهنگستان در سالنامهٔ پارس بقلم آقای امیرجاهد که برای تعویض اسامی بعضی شهرها ازقبیل محمّره به خرّمشهر و ناصری به اهواز و کچ کرغلی به گچساران وغیره تاریخچهٔ تأسیس شهرها را می‌نوشتند همین ریشهر را باستناد تاریخهای دیگر **ریواردشیر** نام‌میبرد وطبق همان مدارك تاریخی معتقد بودند که این نام‌راخود اردشیر به این شهر گذاشته است و امامزادهٔ فعلی بموجب نوشتهٔ کتاب ترجمه‌از **هاروالانظار** بقلم شیخ محمّد علی آل عصفور شاهزاده عبدالمهیمن که مزارش درآبادی امامزاده است ازاولاد حضرت‌عبّاس ابن علی ﷺ میباشدولی در آن کتیبه‌ای که‌تاریخ‌شهادت یارحلت‌وعلّت آن مشخّص باشد وجود ندارد وازاین جهت ممکن نشد عکسی از کتیبه تهیّه گردد ـ چون قسمت عمدهٔ خرابی ریشهروقلعهٔ آن درزمان اعراب صورت گرفته‌است دورنیست‌شهادت یارحلت امامزاده عبدالمهیمن همزمان باآن اوان‌باشد ازطرفی‌خرابی‌قلعه وشهر ریشهر پس‌از سقوط آپادانا (یقیناً مقصودآقای‌ریشهری ازاین کلمه همان‌آثار تخت‌جمشید است که آپادانا قسمتی ازآن باشد) وپازارگاد شروع گردیده ودر زمان عرب ازبین برده‌شده است وبعداً در کنارساحل شمالی‌دماغهٔ شبه‌جزیره اعراب‌سکنی‌نموده و شهری بنام **ابوشهر** بنانهادند وازآنجابساحل عربستان‌ارتباط دریائی‌وسیلهٔ کشتی بادبانی برقرار ساختند ....»

آقای‌ریشهری دوقطعه‌عکس ازبقایای آثارریشهر وعکسی‌هم ازبقعهٔ امامزاده عبدالمهیمن همراه نامهٔ‌خود فرستاده‌اندکه در تصاویر ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۶ بنظر خوانندگان گرام میرسد ضمناً دردیماه ۱۳۴۰ که تیمسارسپهبدآق‌اولی بمسافرت‌جنوب عزیمت وچندروزی هم دربوشهر توقف‌فرمودند دستور سرکشی وبازدید آثارریشهر رابیکی ازهمراهان خودشان‌صادر نمودند ودر نتیجهٔ این‌بازدید چندعکس ازآثارمزبور دراختیار اینجانب قرارگرفت‌که یکی ازآنهادر تصویر شمارهٔ ۲۴۴ دیده‌می‌شود وهمچنین یك‌قطعه آجردارای‌نبشتهٔ عیلامی باقطعهٔ سفال‌سیاهی از همان عهدراکه برروی خاك‌افتاده بود همراه‌خودبطهران آوردند که پس‌از شست‌وشوی آجرومرمت‌آن

(۱) اینجانب نام‌ریشهررا درزمان اردشیر درصفحهٔ ۱۴۱ متن‌کتاب **رام‌اردشیر** ذکر نموده‌ام ولی‌آقای سیدحسین ریشهری درنامهٔ فوق‌الذکر نوشته‌اندکه « فکرمیکنم ریــو اردشیر صحیح تر باشد » ودر سطور بعدی نامهٔ ایشان هم در این باره توضیحات مفیدی هست که عیناً نقل می گردد .

عکس‌برداری گردید ودر تصویر شمارهٔ ٢٤٥ نموده گردیده است ـ یقین دارد آجر مزبور از نوع همان آجرهای نبشته بنام شوتروك ناخونته (١) است که توضیح مربوط به‌آن درصفحهٔ ١٤٢ متن کتاب مذکور افتاد .

دوست ارجمندم آقای منوچهر چهره‌نگارهم که درطول مدت چاپ کتاب حاضر چندبارضمن مسافرتهایشان بنقاط مختلف فارس هرگونه توانسته‌اند عکسهائی از آثار تاریخی ومتبرك و ابنیهٔ مذهبی اینگونه نقاط را برای اینجانب تهیه و ارسال نموده‌اند در مرداد ماه ١٣٤٠ چندروزی را دربوشهر گذراندندوباوجود گرمای جانفرسای آنموقع سال درمحل مزبورعکسهائی اززیارتگاهها ومساجد آنجا برداشته جهت اینجانب فرستاده‌اند که درقسمت تصاویرذیل کتاب بشرح آتی مندرج می‌باشد :

**بقعهٔ خواجه‌خضر** درمحلّهٔ زیر طاق نزدیك انبارغلّه که مورد اعتقاد مردم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان بوشهردرآنجارفته بزیارت وافروختن شمع و اینگونه مراسم میپردازند وبطوریکه ازعکسهای آن برمیآید(ش٢٤٧و٢٤٨)اثر تاریخی یاهنری قابل توجّهی درآن دیده نمیشود .

**امامزادهٔ آقا کوچیکا** که‌بین تلفن خانه و ساختمـان جدید شیرو خورشید سرخ واقع بوده مقبرهٔ یکی ازبزرگان دین است(ش٢٤٩) مردم ویرااز اولیاءالله میدانند و مـورد اعتقـاد عموم بوده شبهای جمعه مخصوصاً بانوان در آنجا نماز میگذارند وزیارت میخوانند وشمع میافروزند .

**قدمگاه‌حضرت‌علی**(ع) که نزدیك باند فرودگاه بوشهرواقع بوده بواسطهٔ اعتقاد مردم بآنجاکارادامهٔ بـاند فرودگاه وتکمیل آن دچـارتأخیرشده است و شبهای جمعه عدّه ای برای عبادت وذکردرآنجا جمع میشوند و شمع میافروزند (ش ٢٥٠) .

**قدمگاه ابوالفضل که مشهور به‌عباسعلی است**(ش٢٥١)وشبهای جمعه وقتلو ایّام تعزیه داری محلّ اجتماع وانجام مراسم سوگواری وافروختن‌شمع‌میباشد.

**مسجد شیخ‌سعدون معروف به‌مسجدشاه ومسجدکوفی** در محلّهٔ شاه‌آبـاد (ش ٢٥٢) که غالباً مراسم سینه زنی وتعزیه داریهای بزرگـ درآنجـا صورت میگیرد وبانی اوّلیّهٔ آن شخصی بنام شیخ سعد از اهالی عربستان بوده که‌بنام‌وی باقی مانده است .

(١) Shutruk Nakhunté

**مسجد جمعه** (ش ۲۵۳) که آقای عدنانی امام جماعت آن هستند و روزهای جمعه در آنجا باقامهٔ نماز میپردازند.

**مسجد جماعت** مربوط باهل تسنّن که مرتّباً در آنجا نماز میخوانند ومقبرهٔ خانوادگی متولّی بزرگ بنام شیخ عبدالوهاب نیز در آنجا واقعست (ش ۲۵۴).

**مسجد فیل** که بانی آن یکنفر هندی بوده در این محلّ فیلی داشته نمایشهائی میداده است و بعداً در اینجا مسجدی بنا کرده بنام **مسجد فیل** معروف گردیده است (ش ۲۵۵ و ۲۵۶) از قراریکه میگویند آب آن فقط وقف برای نوشیدن است وحتی وضوء گرفتن در آنرا منع نموده‌اند که آب آشامیدنی تمیز باشد.

**مسجد شنبدی یا مسجد نو** که تولیت آن با آقای محمّد ابراهیم (مذنب) بوده مربوط به کازرونیان است ودر محلّ **شنبدیها** قرار دارد و بطوریکه درعکس آن دیده میشود (ش ۲۵۷) دارای تزیینات و کتیبه‌های کاشی چندی میباشد.

ضمناً بطوریکه درصفحه ۷۲ متن کتاب (قسمت ذیل صفحهٔ مزبور) اشاره شد در بوشهر کلیسائی هم وجود دارد که بنام **کلیسای ظهور مسیح** خوانده میشود و نمونهٔ خوبی از صنعت معماری ایران است خوشبختانه از طرف عالیجناب آقای شارپ (که در قسمت ذیل صفحهٔ ۷۲ متن کتاب اشارهٔ مختصری بمقام روحانی و دانش باستان شناسی ایشان گردید) عکسی از کلیسای مزبور برای نگارندهٔ کتاب فرستاده شد که در تصویر شماره ۲۵۸ بنظر خوانندگان ارجمند میرسد.

آقای عباسعلی سلحشور ازدوستان وهمکاران بسیار صافی ضمیر دوران بازنشستگی نگارنده که آشنائی زیاد بوضع بوشهر وحول وحوش آن دارند وخود از مردم آن سامان هستند اطلاعات مفید ومختصری دربارهٔ آثار وآبادیهای شبه جزیرهٔ بوشهر باینجانب اظهار داشتند که بشرح زیر نقل مینماید:

در مشرق شبه جزیرهٔ بوشهر بمسافت چند کیلومتری شرقی ویرانه‌های ریشهر آبادی معروف **امامزاده** (که بمناسبت وجود بقعهٔ شاهزاده عبدالمیهمن بدینگونه نامیده شده است) وآبادی دیگری بنام **سبز آباد** وجود دارد ونیز ویرانه‌های دیگری بنام **تُل‌ْ پی تُلْ** (بضم هردو حرف تا که معنی تپهٔ پائین تپه میدهد) نزدیک

سبزآباد ودر برزخ بين شبه‌جزيرهٔ بوشهر و كرانهٔ خليج فارس موجـود است ــ در افواه مردم چنين شهرت دارد كه راهرو زير زمينی بسيار عريضی در ازمنهٔ قديم ويرانه‌های ريشهر را با تل پی تل مربوط ميساخته است ودر سالهای پيشين هنگام احداث راه بين بوشهر وسبزآباد به‌آثار راهرو زير زمينی مـزبور كـه منتسب بعهد اردشير بابكان ميباشد برخورده‌اند.

آباديهای بهمَنی و دَستَك و دَوّاس و رُوْنی و سَرتُل و چند آبادی ديگر نيز به مسافتهای كم يا زياد در شمال و مشرق وجنوب شرقی ويرانه‌های ريشهر يعنی درداخل‌شبه‌جزيرهٔ بوشهر قراردارد وويرانه‌های باستانی بنام شاه‌نشين نيز بين‌آباديهای ريشهر و رُوْنی واقعست كه آثارقلعهٔ آن‌هنوزباقی‌وديدارميباشد و رويهمرفته با مختصر توجّه ميتوان بخوبی پی برد كه تمام شبه جزيرهٔ بوشهر بدليل استعداد و موقعيّت طبيعی از قديمترين ازمنه تا دوران حاضر شايستگی وظرفيّت همه‌گونـه آبادانـی را بطور فراوان داشته و دارد.

طبق يادداشتی كه ازروی اسناد موجود در كتابخانهٔ دفترامورهندوستان واقع درلندن تهيه گرديده ونسخه‌های متعددی ازروی‌آن عكس برداری گشته ونسخه‌ای‌هم بلطف دوست دانشمندم جناب‌آقای دانش نوبخت باختياراينجانب گذارده شده است ازماه ژوئيه ۱۸۳۸ [illegible] ۱۸۴۲ ميلادی(مطابق با ۱۲۵۳ تا ۱۲۵۷ هجری قمری كه مصادف‌باجنگ ايران در هرات [illegible] ناشی از آن دربوشهروجزيرهٔ خارك‌بوده است)ازطرف كمپانی هند شرقی [illegible] قابل ذكربجزيرهٔ خارك اعزام ودرآنجا مستقرگرديده بود وتعداد ۶۴ [illegible] وسربازان انگليسی ازنيروی مزبوردرطول قريب چهارسال اقامتشان در آن جزيره فوت نموده‌اند وگورستانی درآنجا از اين درگذشتگان كه سنين عمرشان از ۳۲ تا ۴۹ سال بوده وجود داشته است وچون تفصيل اين موضوع با هدف كتاب حاضرارتباطی ندارد توضيح [illegible] نمييابد وتنها اشاره باين واقعه رااز لحاظ آنچه درجزيرهٔ خارك گذشته بوده است [illegible]

## ۳۰- توضيحات مربوط بتعدادی تصاوير از آثار تاريخی بوشهر ومناظری از نقاط مختلف آن استان

در مدتی كه چاپ كتاب ادامه ميگرفت [illegible] مختلفی [illegible] در دسترس [illegible] بوسيلهٔ برخی شخصيتهای علاقه‌مند باختيار نويسندهٔ كتاب گذارده شد [illegible] بانوق فراهم آمده بود ودر دسترس قرارگرفت وچند عكس [illegible] مسافرتها ومأموريتهای مختلف در [illegible] گردآوری نموده بوده مناسب درج در آخرين قسمت

ذیل کتاب بنظر رسید واینك بشرحی که از نظر خوانندگان محترم در تصاویر شماره‌های ۲۵۹ تا ۲۸۱ میگذرد بمعرفی این عکسها میپردازد :

ش۲۵۹ـ منظری ازضلع جنوبی قلعهٔایزدخواست (صفحهٔ۱ـمتن کتاب) که تنهاراه ورودبدرون‌قلعه را ازروی پل‌چوبی بخوبی‌مینمایدودرهنگام‌لزوم‌ممکن بود پل را بردارند و بدین طریق ورود بقلعه را غیر ممکن سازند .

ش ۲٦۰ـ ستون و ته‌ستونهـا وبدنـهٔ سنگی عهـد هخامنشی کـه برفـراز ویرانه‌های استخر (تخت طاووس) باقی مانده ودر صفحهٔ ۲۱ متن کتاب اشاره‌بآن گردیده است .

ش ۲٦۱ ـ منظر گوشهٔ جنوب غربی ارگ شیراز که برجهای آجـری وقسمتی از دیوار آن نمودار است وحوض و فوّاره‌های میدان جدیـد الاحداث مقابل عمارت شهرداری در جلو این قسمت از ارگ کریمخانی ( صفحهٔ ۵۸ متن کتاب) دیده میشود .

ش۲٦۲ و ۲٦۳ـ نقوش برجستهٔ عهد فتحعلیشاه قاجار که براثرویران شدن کاخ‌آینه یاکاخ‌خورشید بجامانده (صفحهٔ۵۹ متن کتاب) درمحوّطهٔ باغ موزهٔپارس بصورت موقتی نصب گردیده بود بعداً در دیوار خارجی ایوان ورودی‌ساختمان جدید ادارهٔفرهنگ‌فارس‌در گوشهٔشمال‌غربی همان باغ بوضع‌مناسب‌وشایسته‌تری نصب و بمعرض دیدار علاقه‌مندان گذارده شده است .

ش ۲٦٤ـ بنای قدیمی که اکنون محلّ مهمانخانهٔ پارك سعـدی بوده در صفحهٔ ۷۵ متن کتاب توضیح آن داده شده است .

ش ۲٦۵ـ عمارت قدیمی ومنظری ازباغ ارم که توضیح‌آن درصفحات۷۵و ۷٦ متن کتاب دکر گردیده وتصویر سرو معروف آن نیز در شکل ۱٦۲ نموده شده است .

ش ۲٦٦ ـ تصویری از کلیسیای تجلیل مسیح در قلات که در ذیل صفحهٔ ۷۲ متن کتاب دربارهٔ آن توضیح داده شده است .

ش ۲٦۷ ـ بقعهٔ امامزاده محمّد در فسا کـه طرحـی موزون و گنبد بلند

وجالب توجّهی دارد .

ش ۲۶۸ـ بقعهٔ امامزاده حسن در فسا که ایوان و سقف ودر ورودی وضریح آن پدیدار بوده تمامی آنها تازه وجدید است .

ش ۲۶۹ـ منظره‌ای از خیابان شاهرضا در فسا .

ش ۲۷۰ـ منظری از باغستانهای اطراف فسا که بیشتر درختان آنها درخت خرما ولیموشیرین و پرتقال است .

ش ۲۷۱ـ آتشکدهٔ کازرون که شرح آن در صفحه ۱۱۱ متن کتاب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۲ـ منظر خارجی آتشکدهٔ بیشاپور (که در صفحهٔ ۱۲۲ متن کتاب معرّفی شده است) پس از تعمیراتی که از طرف ادارهٔ باستانشناسی فارس در سالهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ شمسی درآن انجام گرفته بود ، بطوریکه دیده میشود با سنگهای تراش که مصالح اوّلیهٔ اصلی آتشکدهٔ مزبور است وضمن خاکبرداریهای علمی آنجا بدست آورده بودند قسمتهائی ازدیوار بنای آتشکده رابصورت اصلی آن تجدید و مستحکم ساخته‌اند ، این عکس در اسفندماه ۱۳۳۹ که نویسندهٔ کتاب توفیق دیدارمجدّد کوتاهی را از ویرانه‌های بیشاپور بدست آورده بود گرفته شده‌است .

ش ۲۷۳ و ۲۷۴ـ نقوش موزائیك عهد ساسانی مکشوف درحیاط نشت تالار بزرگ کاخ شاپور اوّل در بیشاپور که توضیح آن در صفحات ۱۲۲ و۱۲۳ متن کتاب ذکر گردیده است واکنون در غرفهٔ عهد ساسانی در موزهٔ ایران باستان قرار دارد .

ش ۲۷۵ـ نقش پیروزی بهرامدوّم بربادیه‌نشینان عرب که درتنگ چوگان حجّاری شده توضیح مربوط بآن درصفحات ۱۲۶ و ۱۲۷ متن کتب ذکر گردیده است .

ش ۲۷۶ـ نقش برجستهٔ بهرام دوّم درصحنهٔ مذکور در شکل ۲۷۵.

ش ۲۷۷ـ نقش برجستهٔ بهرام‌اوّل که شعار پادشاهی را ازمظهر اهورامزدا

میگیرد و توضیح آن درصفحهٔ ۱۲۷ متن کتاب ذکر گردیده تصویری هم از آن با فاصلهٔ بیشتر در شکل ۱۹۰ نموده شده است .

ش ۲۷۸ـ عکسی از چادر بزرگ و زندگانی صحرانشینی آقای زیادخان دره شوری که در روز سه شنبهٔ ۱۴ آبانماه ۱۳۳۰ هنگام مسافرت نویسندهٔ کتاب (بنمایندگی ازطرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز در تنگ چوگان درجانب راست رود شاپور محاذی غارشاپور گرفته شده است .

ش ۲۷۹ـ رقص محلّی مردانی که نموداری ازچگونگی نبرد با شمشیر وسپررا بوسیلهٔ دوعدد چوب نمایش میدهند در نورآباد ممسنی واجتماع عدّه‌ای برای تماشای آن در حالی که نوازندگان نای ودهل بر بالای بام‌خانه در کنار محوّطه آهنگ چنین رقص رزمی‌را مینوازند ـ این عکس نیز در مسافرت نویسندهٔ کتاب (بنمایندگی از طرف هنرهای زیبای کشور) بهمراهی هیئت فیلمبرداری دانشگاه سیراکیوز هنگام مسافرت از فارس بخوزستان در تاریخ پنجشنبه ۱۶ آبان ۱۳۳۰ در نورآباد برداشته شده‌است .

شکل ۲۸۰ـ نگارندهٔ کتاب را درروز ۲۸ شهریورماه ۱۳۱۲ هنگام پیدایش جمعهٔ الواح محتوی زر وسیم بنام داریوش اوّل در گوشهٔ جنوب شرقی تالاربزرگ مرکزی کاخ اپدانهٔ تخت‌جمشید که پس‌از گذشت ۱۴۵۰ سال ازتاریخ نهادن این اسناد تاریخی شاهنشاهی داریوش درمحلّ مزبور نمایان گردید نشان میدهد ـ نویسندهٔ کتاب درآن هنگام به سمت نمایندگی باستان شناسی در تخت‌جمشید باهیئت علمی آنجا که بریاست مرحوم پرفسور هرتسفلد واز طرف بنگاه شرقی دانشگاه شیکاگو به‌خاکبرداریهای علمی‌اشتغال داشت همکاری وانجام وظیفه مینمودم وارائهٔ عکس مزبور ازلحاظ پیدایش چنین‌اسناد ملّی بس گرانبها ودر عین حال خاطرهٔ بس دلنشینی که بدین‌ترتیب در روزگار جوانی دست داده‌است مناسب بنظررسید ـ شخصی که در طرف راست عکس دیده میشود آقای مهندس فردریك کرفتر (F . Krefter) مهندس معمار و معاون هیئت علمی تخت جمشید

بود که طبق نظر واحتمال وی مبنی بر پیدایش اسناد نبشتهٔ آجری یا سنگی به‌الواح نبشتهٔ زر وسیم دست یافتند.

شکل ۲۸۱ـ آخرین عکسی که دراین قسمت ارائه میگردد و آخرین تصویر مندرج در ذیل کتاب خواهد بود عکسی است که نگارندهٔ کتاب‌را درروز پنجشنبهٔ چهاردهم‌اردیبهشت ماه ۱۳۲۹ نشان میدهد که بااستفاده ازموقع‌وفرصتی که فراهم آمد وبا کمك ذیقیمت آقای علی سامی رئیس وقت بنگاه علمی تخت جمشید توانستم نقوش برجستهٔ ملل تابعهٔ شاهنشاهی هخامنشی را بر بالای دخمهٔ اردشیر سوّم در تخت جمشید ازنزدیك ملاحظه وبررسی نمایم ونبشته‌های میخی پارسی باستانی را که بربالای هر یك ازنقوش نقر گردیده است (بصفحهٔ ۳۱ متن کتاب مراجعه شود) استنساخ کرده با تطبیق نام هر یك ازملل ومقایسهٔ نقش آن ملّت با نقوش پلکانهای‌شرقی کاخ آپادانا تا حدّی در شناسائی ملل مزبور توفیقی بیش ازآنچه از گفته‌ها و نوشته های دانشمندان خارجی برمیآمد بدست‌آورم، کرانهٔ خارجی منجنیق چوبی کوتاه نزدیك‌لبهٔ پرتگاه عمودی است که‌به‌محوّطهٔ مقابل در ورودی دخمهٔ اردشیر سوّم منتهی میگردد.

## پایان مطالب ذیل کتاب

**عکسهای مربوط به قسمت ذیل کتاب (اشکال ۲۰۴ تا ۲۸۱)**
**از صفحهٔ بعد آغاز میگردد وپس‌از خاتمهٔ آنها اطلاعات**
**تکمیلی مفیدی درقسمت ضمیمه مندرج است**




ش‌ــ ۲۰۴ منظر هوائی محل دژ استحکاماتی پاسارگاد ( نقل از صفحهٔ ۹ کتاب
تخت جمشید ــ جلداول ــ تالیف دکتر اشمیت)ــ مربوط به‌صفحهٔ ۳۳۱

Fig 204 - Pasargade, Vue aérienne de la forteresse

Fig 204 - Aerial view of the fortified area at Pasargadae

(Persepolis, Dr. E. Shmidt. TOME I, p. 9)

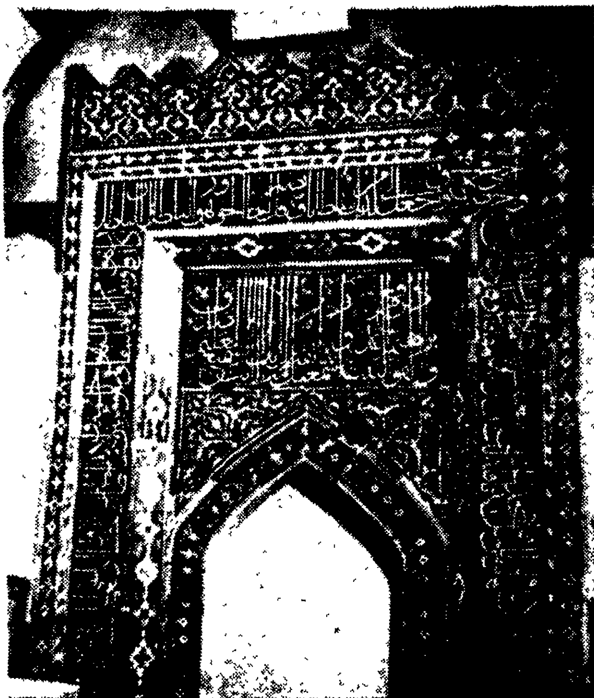


Fig 207 - ش۲۰۷

ش۲۰۷ - محراب‌کاشی معرق بقعهٔ خلیفه (خفر) درموزهٔ پارس
( شیراز ) متعلق بقرن نهم هجری - مربوط به صفحات
۳۵۷ - ۳۶۰

Fig 207 - Mihrab en mosaïques de briques émaillés du mausolée Khalifé à Khafr, 15 ème siècle (actuellement au Musée de Shiraz)
Largeur=2 mètres

Fig 207-Mihrab made by mosaïc of enameled tiles belonging to the mausoleum Khalifeh at Khafr, 15 th cent (actuelly in the Museum of Shiraz)
Width=2 metres.



Fig 205 - ش۲۰۵



Fig 206 - ش۲۰۶

ش۲۰۵و۲۰۶ - صندوق منبت عتیقهٔ بقعهٔ
سید میر محمد از آثار نفیس هنری قرن
هفتم هجری - مربوط به صفحهٔ ۳۵۴

Figs 205/206 - Shiraz, le sarcophage du Sanctuaire de Seyed Mir Mohammad, 14 ème siècle. Dimensions :
1/75×O/60/×O/70 m.

Figs 205/206 - The sarcophagus of the sanctuary of Seyed Mir Mohammad at Shiraz, 14 th cent. Dimensions : 1/75×0/60×0/70 m.



ش ۲۰۸ ــ مخازن قدیمی آب در دامنه جنوبی کوهستان موسوم به قلات ایج در
نزدیک اصطهبانات ــ نقل از گزارش سراورل استین مندرج در مجلهٔ عراق
(IRAQ) جلد سوم شماره ۲ ــ مربوط به صفحات ۸۹ و ۳٦٤



ش ۲۰۹ ــ سد قدیمی برای مخزن آب در قسمت بالای سه حاوی آثار باستانی ایج ــ
نقل از گزارش سراورل استین مندرج درمجلهٔ عراق ــ جلد سوم ــ شمارهٔ ۲ ــ
مربوط به صفحات ۸۹ و ۹۰ و ۳٦٤

Figs 208/9 - Idj près de Estahbanat anciens reservoirs d eau et barrage dans la montagne

Figs208/9 - Ancient reservoirs of water and dam on the mountain, at Idj near Estahbanat

Sn Aurel Stein IRAQ Vol III \ 2



س ۲۱۰ ـــ نیایشگاه پیش از اسلام از آثار ساسانی ایج که در دل کوه تراشیده‌اند ودر دوران اسلام تبدیل به مسجد نموده محرابی در آن افزوده‌اند ـــ نقل از گزارش سراورل استین مندرج در مجله عراق ـــ جلد سوم ـــ شماره ۲ـــ مربوط به صفحات ۹۰ و ۳٦٤

Fig 210 - Idj, près de Estahbanat, monument religieux préislamique, taillé dans le roc H 3 mètres approx

Fig 210 - A religious preislamic monument carved in the roc at Idj near Estahbanat H=3 meters approx

Sir Aurel Stein IRAQ Vol III N 2



س ۲۱۱ ـــ بناهای باستانی دژ معروف به قلعه دختر نزدیک استهبانات ـــ نقل از گزارش سراورل استین مندرج در مجله عراق ـــ جلد سوم ـــ شماره ۲ـــ مربوط به صفحه ۳٦٤

Fig 211 Ruines anciennes de la forteresse nommée Qale - Dukhtar près de Estahbanat

Fig 211 Ancient ruins of the fortress Qale Dukhtar near Estahbanat

Sir Aurel Stein IRAQ Vol III N 2

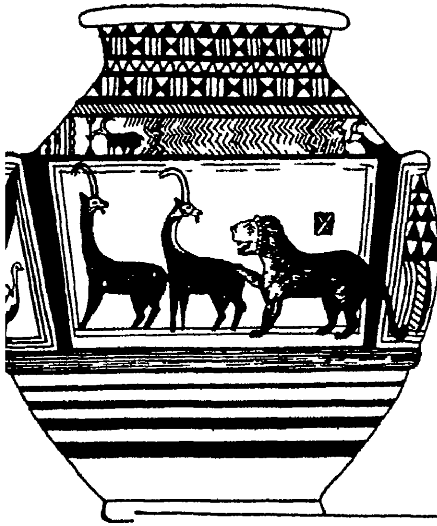


Fig 213 – ش ۲۱۳

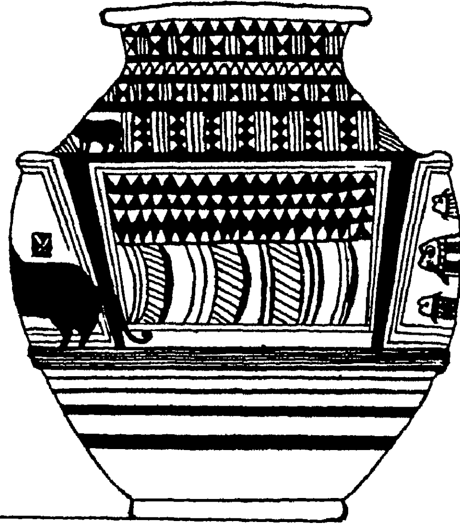


Fig 212 – ش ۲۱۲

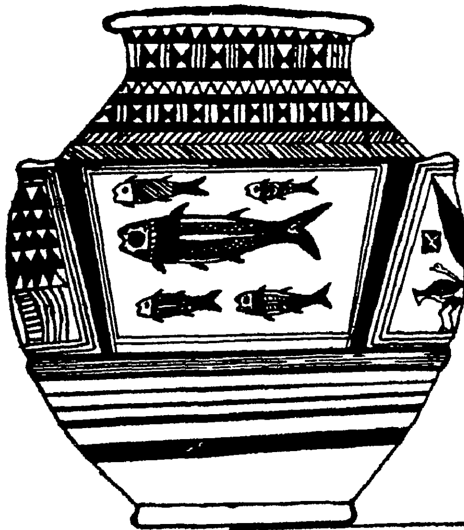


Fig 215 – ش ۲۱۵

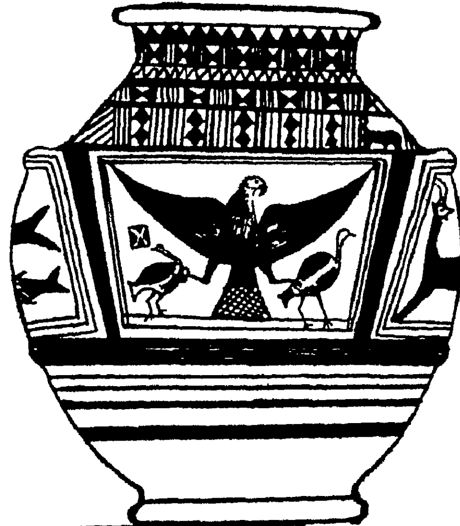


Fig 214 – ش ۲۱٤

توصحاب در بالای صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۱۲ / ۲۱۵ ـ نقش ظرف سفالی ماقبل تاریخ مسکوف در کاوشهای منطقهٔ گالیان درفسا که ضمیمهٔ گزارش ۹۲ـ۳۹/۱۱/۲۵ آقای توللی بوده مـورد استفاده قرار گرفته است ـ ارتفاع ظرف ۵۲ سانتیمتر، قطر دائرهٔ شکم ظرف ۵۰ سانتی‌متر ـ مربوط به صفحات ۳٦٤ و ۳٦۵

Figs 212/215 - Dessins du vase préhistorique peint en terre cuite, découvert dans les fouilles du Service Archéologique de Fars, à Galian près de Fä-sa. Hauteur=52 centimètres.

(Rapport de Mr. F. Tavallali)

Figs212 215 - Dessins of a prehistoric painted clay vase found in the excavations of the Archaeological Service of Fars, at Galian, near Fa-sa. H=52 centimetres.

(Report of Mr. F. Tavallali)



ش ۲۱٦ ـ آفتابه ولگن مفرغی عهد هخامنشی مکشوف در تنگ مورد از توابع فسا ـ مربوط به صفحات ۳٦۵ و ۳٦٦

Fig 216 - Aiguère et cuvette en bronze de l' époque Achéménide, trouvées en 1955 à Tang-i-Morde, près de Fä-sa, (actuellement au Musée Archéologique de Teheran).

Fig 216 - Water-jug and wash-hand bain made of bronze, from Achaemenian period, found in 1955 at Tangi Morde, near Fa-sa, actually in the Archaeological Museum of Tehran)



ش ۲۱۷ بنای موسوم به گور دختر ازجانب مغرب ـ مجموع ارتفاع بنا ٥ر٤ متر
مربوط به صفحات ۱۱۸ و۳۷۱ و۳۷۲ و۳۷۸ و۳۷۹ (عکس از پروفسورواندنبرگ)

Fig 217 - Tombeau du début de l' époque Achéménide, appelé Guré - Dokhtar, près de Sarmashhad, vue prise du côté ouest.
H=4/5 mètres- (Cliché prof. L. Vanden Berghe)

Fig 217 - A tomb of the beginning of the Achaemenian period, called Gure-Dokhtar, near Sarmashhad, view taken from the western side.
H=4/5 metres (Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۸ ــ بنای موسوم به‌گور دختر ازجانب مشرق (توضیحات آن مطابق بـا توضیحات ش ۲۱۷)

Fig 218 - Tombeau appelé Guré-Dokhtar, (voir fig 217) vue prise du côté est. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 218 - Tomb called Gure-Dokhtar. (see fig 217) view taken from the eastern side (photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۱۹ ــ بنـای موسوم به نقاره خانـه از حانب سمال غربـی ــ مجموع ارتفاع بنا ۹/۶۰ متر ، مربوط به صفحهٔ ۳۷۳ (عکس ازپروفسور واندنبرگ)

Fig 219 - Monument du feu. appelé Nagharé-Khaneh près de Farrash-band.
H=9/60 mètres (Cliché. Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 219 - Fire temple, called Naghareh Khaneh. near Farrash-band.
H=9/60 metres (photo by Prof. L Vanden Berghe)

اطلاعات بیشتر دربارهٔ همین بنا در قسمت **ضمیمه کتاب** مذکور افتاده است



ش ۲۲۰ ــ آتسدان سنگی فناب باغ ــ مجموع بلندی آن ۱/۷۰ متر ــ مربوط بصفحات ۳۷٤ و ۳۷۵ ــ عکس از پروفسور واندنبرگ

Fig 220 - Autel du feu, en pierre, époque Sassanide, à Ghanaté Bagh, près de Sarmashhad.

Hauteur total=1 70 m. (Cliché, Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 220 - Fire Altar of stone, Sassanian period, in Ghanate Bagh, near Sarmashhad.

H 1 70 m. (photo by Prof. L. Vanden Berghe)

توضیحات مربوط به صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۲۱ ــ نمای شرقی و جنوبی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔبسپر مربوط به صفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش۲۲۲ـ جانب شمالی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر مربوط بصفحات ۳۸۰ و ۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

ش۲۲۳ ـ ضلع شرقی آتشکدهٔ بزرگ موسوم به کوشک در جلگهٔ بسپر ( طاق کوچك پائین عکس وسیلهٔ ارتباط بین دوقسمت شرقی وغربی بنا را اززیر دهلیزطبقهٔ بالا تأمین مینمود) ـ مربوط بصفحات ۳۸۰ و۳۸۱ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Figs 221 - 2 - 3 - Ruines du temple du feu de l' époque Sassanide, appelé Koushgue, situées dans la plaine Bospar, près de Sarmashhad.

A partir du haut : Fig 221 - vue est et sud, Fig 222-côté nord, Fig 223 - voûte au côté est (Clichés du rapport de Mr. F. Tavallali)

Figs 221 - 2-3 - Ruins of a Sassanian fire temple, in the plain of Bospar, near Sarmashhad.

From above : Fig 221 - eastern and southern side, Fig 222-northern side, F. 223 - vault at the eastern side (photos from the report of Mr. F. Tavallali)

ش ـ ۲۲۱

Fig. 221





ش ـ ۲۲۲

Fig. 222



ش ـ ۲۲۳

Fig. 223

توضیحات در صفحه مقابل ←



Fig. 224 – ش ۲۲۴



Fig. 225 – ش ۲۲۵



Fig. 226 – ش ۲۲۶

توضیحات در صفحهٔ مقابل ←

ش ۲۲۴ ــ تپهٔ معروف به‌شغالی واقع در جلگهٔ بسپر که آثار شالوده های سنگی دردامنهٔ آن بصورت خط سفیدی درعکس نمایان است ــ مربوط به صفحهٔ ۳۸۱ــ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 224 - Colline appelée Shoghali, dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad, la ligne de fondations en pierre est visible sur la pente de la colline (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali).

Fig 224 - The hill called Shoghali, in the plain Bospar, near Sarmashhad, the line of stone foundations is visible in the slope of the hill (photo from the report of Mr. F. Tavallali).

ش ۲۲۵ ــ قبرستان عشایری واقع در جلگهٔ بسپر ــ مربوط به صفحهٔ ۳۸۲ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 225 - Cimetière des nomades dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad. (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali).

Fig 225 - Cemetery of the nomades in the plain of Bospar, near Sarmashhad, (photo from the report of Mr. F. Tavallali)

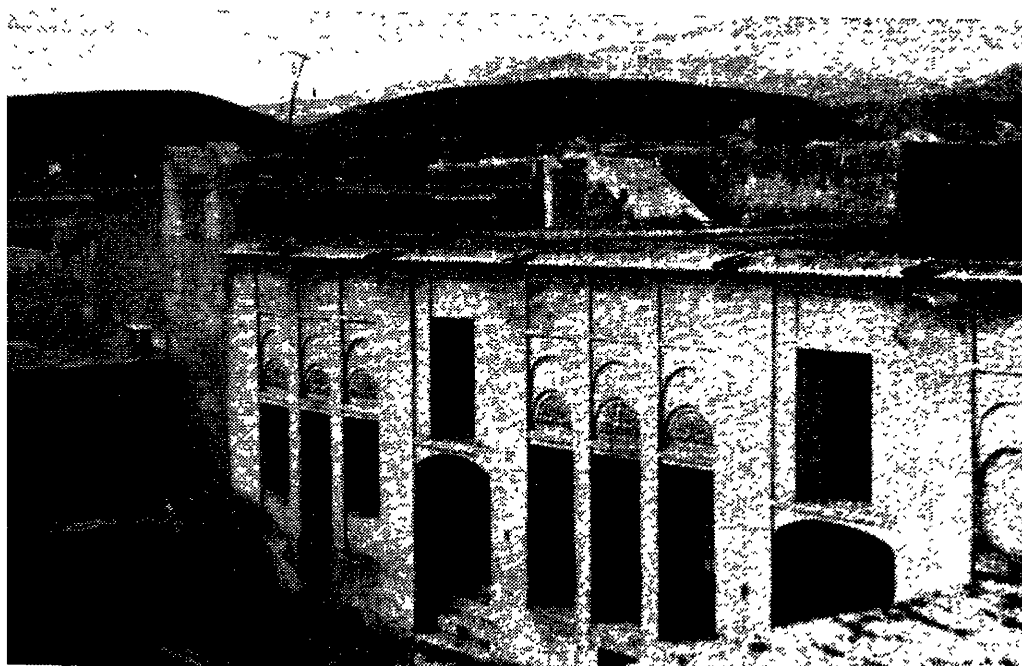
ش ۲۲۶ ــ ویرانه های آتشکدهٔ موسوم به تخته آب شیرین واقع در جلگهٔ بسپر ــ مربوط به‌صفحات ۳۸۱ و ۳۸۲ (ضمیمهٔ گزارش ۱۰۳ آقای فریدون توللی)

Fig 226 - Ruines du temple du feu, nommé Takhti-Abé-Shirine, situé dans la plaine de Bospar, près de Sarmashhad. (Cliché du rapport de Mr. F. Tavallali)

Fig 226 - Ruins of a fire temple, called Takhti - Abe-Shirine, in the plain Bospar. near Sarmashhad. (photo from the report of Mr. F. Tavallali).



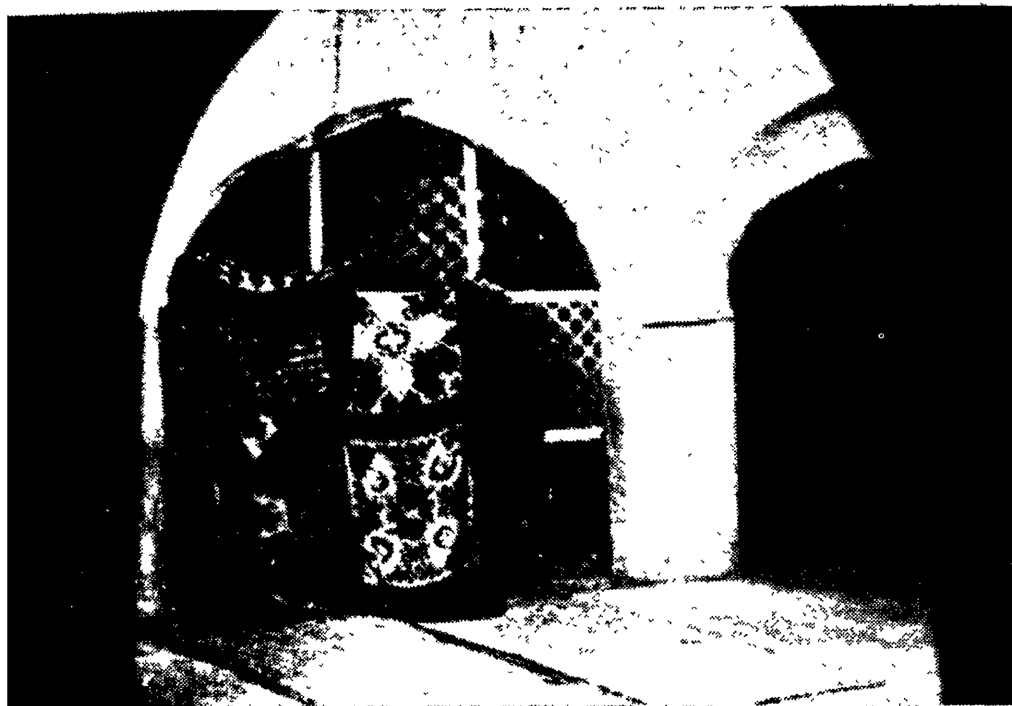
ش ۲۲۷ ـــ منظری از کازرون ازفراز بام یکی از خانه‌های محلهٔ گنبد ـــ مربوط به صفحهٔ ۳۹۰



ش ۲۲۸ ـــ منظر یکی از خانه های کازرون در محلهٔ گنبد که محل دبستان است ـــ مربوط به صفحهٔ ۳۹۰

Figs 227 et 228 - Kazeroun, vues des maisons.

Figs 227 - 228 - Views of the houses at Kazeroun.



ش ۲۲۹ ـ داخل بقعهٔ امامزاده درب آهنین ـ مدفن منسوب به دختر حضرت امام موسی کاظم (ع) ـ مربوط به صفحهٔ ۳۹۵

Fig 229 - Nourabad. l' intérieur du sanctuaire nommé Imamzadeh Darb-Ahanïn. 13 ème siècle. (représenté en figs 196 et 197)

Fig 229 - The interior of the sanctuary Imamzadeh Darb-Ahanin at Nurabad. 13 th cent. (presented in figs 196 and 197).



Fig 230 - ش ۲۳۰

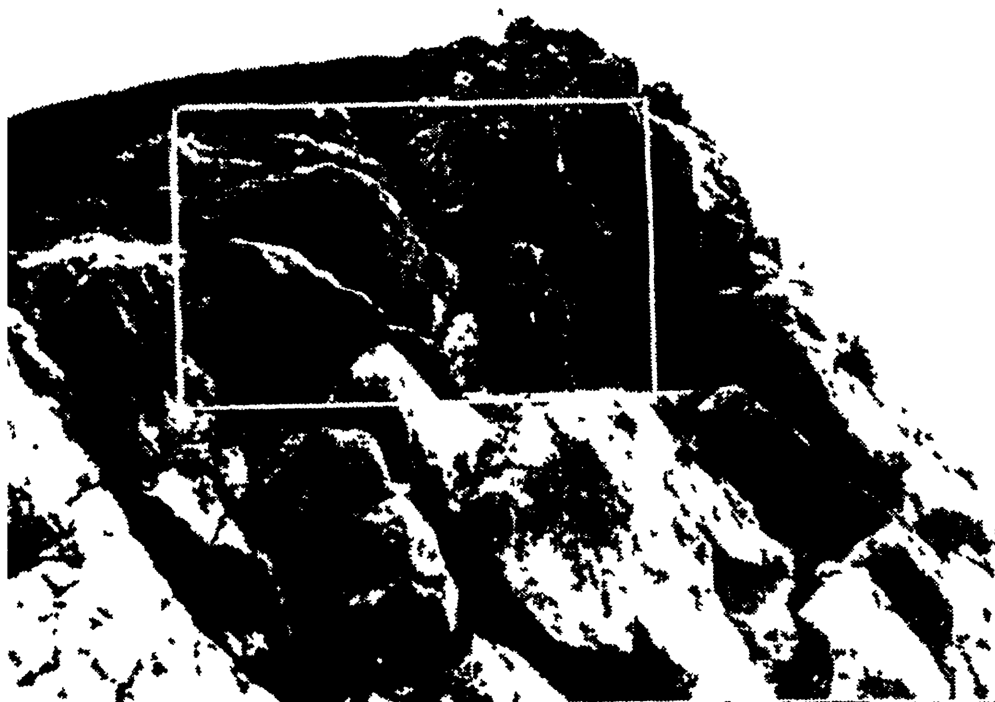


Fig 231 - ش ۲۳۱

س ۲۳۰ و ۲۳۱ ــ یکی از بهسوبهای سنگی بزرگتر بنای عهد هخامنشی در
سروان، قطر دایره ۱/۲۰۰متر، بلندی ۷۰ سانتیمتر ــ مربوط به صفحهٔ ۳۹۸

Figs 230 et 231 - Sarawan 1 une des grandes bases de colonne du batiment Achéménide H=O/70 m Diamètre 1 20 m

Figs 230 and 231 - One of the big bases of a column of the Achaemenian building at Sarawan H=O 70 m Diameter 1/20 m



ش ٢٣٢ ـــ محل و موقعیت نقش برجستهٔ عهد عیلام در کورانگون ـــ مربـوط به صفحهٔ ٤٠٠

Fig 232 - Kurangun l'emplacement et la situation des bas-reliefs élamites (représentés en fig 199)

Fig 232 - Place and position of the elamite reliefs at Kurangun presented in fig 199)



ش ۲۳۳ــ قدیمترین تصویر موجود از نقش انسان بالدار بنام کورش بزرگ در پاسارگاد که اصل آن درسال ۱۸۲۱ ترسیم گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۴۰۵ که توضیحات ومآخذ تصویر نیز درهمان صفحه مذکور میباشد)

Fig 233 - Dessin du bas-relief d'un génie ailé à Pasargade, publié par R. Ker Porter en 1821 (v. fig 16)

Fig 233 - Design of the winged genius at Pasargadae, published by R. Ker Porter in 1821 (see fig 16)



ش ۲۳۴ — تصویر نقش انسان بالدار شاه کورش کبیر درپاسارگاد که بیست سال بعد از تصویر مندرج در ش ۲۳۳ ترسیم گردیده است (مربوط به صفحهٔ ۵۰۴ که حاوی توضیحات بیشتر دربارهٔ تصویر مزبور نیز هست)

Fig 234 - Dessin du bas-relief d'un génie ailé à Pasargade publié par Flandin et Coste en 1841 (Copie par M. Dj. Babak.)

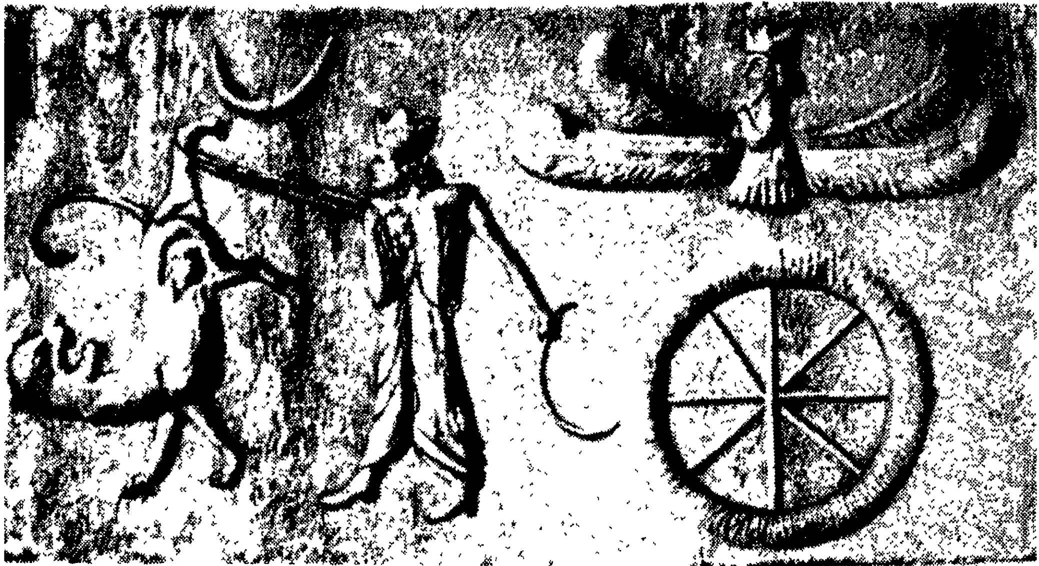
Fig 234 - Design of the winged genius at Pasargadae, published by Flandin & Coste in 1841 (copy by Mr. Dj. Babak.)



ش ۲۳۵ــ نقش مهرزمان کورش بزرگ که درپاسارگاد بدست آمده استــ
مربوط به‌صفحهٔ ۴۰۷ ــ ارتفاع ۲۵ میلیمتر ، قطر دائره ۱۲ میلیمتر

Fig 235 - Dessin original d'un cylindre du temps de Cyrus le Grand, trouvé à Pasargade, par la Mission Archéologique Irano— Anglaise, en automne 1961
H. 25 m m. D, 12 m m.

Fig 235 - The original design of a cylinder from the time of Cyrus the Great, found at Pasargadae, by the Joint Expedition Irano-English, in autumn 1961.
H. 25 m m. D. 12 m m.



ش ۲۳۶ــ نقش مهرزمان کورش بزرگ که درپاسارگاد بدست آمده است پس‌از نمایانترکردن قسمتهائی ازآن بوسیلهٔ استاد هنرمند آقای علی کریمی ــ مربوط به صفحهٔ ۴۰۷

Fig 236 - Dessin du cylindre représenté en Fig 235, après une légère retouche faite. par M. A. Karimi.

Fig 236 - Design of the cylinder, presented in Fig 235, being retouched lightly by Mr. A. Karimi.

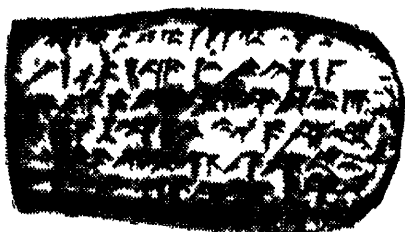




ش ۲۳۷ ــ لوح گلی شمارهٔ ۱ تخت جمشید ــ ابعاد لوح به‌میلیمتر =۲۶×۴۲×۷۴ نقل ازکتاب الواح خزانهٔ تخت جمشید تالیف پروفسور ژرژ کامرون (مذکور در ذیل صفحهٔ ۴۰۹) ورقهٔ مصور شمارهٔ ۱ ـ Plate I ــ مربوط به صفحهٔ ۴۱۱

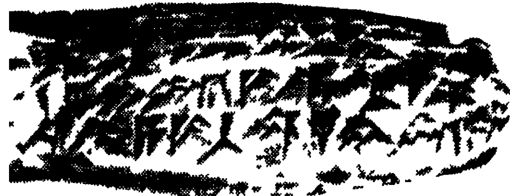
Fig 237 - Tablette en terre. trouvée à Persépolis.
Dimensions : 26×42×74 m m.

Fig 237 - Clay tablet found at Persepolis.
Dimensions : 26×42×74 m m.

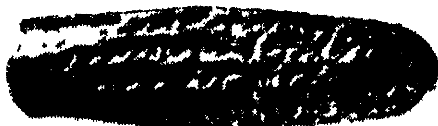


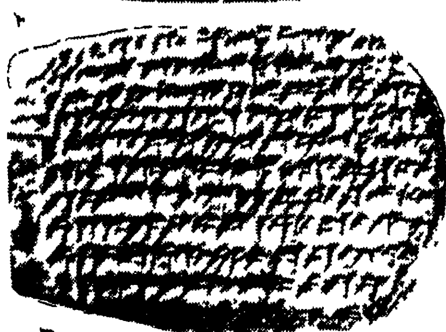
س ۲۳۹ ــ لوح گای شمارۀ ۵۲ نخت حمسبد که
نام نریـــز در آن ذکر شده است ــ ابعاد لوح به ملیمتر
۲۱×۳۶×۶۵ ــ نقل از کتاب الواح خزانۀ تخت جمشید
ورقۀ مصور شمارۀ ۳۱ مربوط به صفحۀ ۱۶:

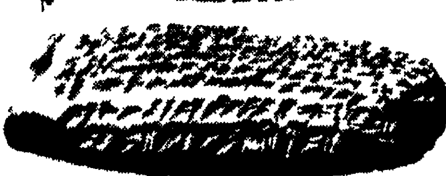




س ۲۴۰ ــ لوح گلی شمارۀ ۵۳ تخت جمشید که نام
خفر و فسا در آن ذکر شده است ابعاد لوح به میلیمتر
۲۱×۳۶×۷۳ ــ نقل از کتاب الواح خزانۀ تخت
جمشید ورقۀ مصور شمارۀ ۳۲ ــ مربوط به صفحۀ ۱۷







ش۲۳۸ــ لوح گلی شمارۀ ۴۲ تخت جمشید کـــه نام
شیراز در آن ذکر شده است ابعاد لوح به میلیمتر
۲۵×۶۴×۹۷= ــ نقل از کتاب الواح خزانۀ تخت
جمشید ورقۀ مصور شمارۀ ۲۷ ــ مربوط به صفحۀ ۱۰:

Figs 238/40 - Tablettes en terre, trouvées à Persépolis et portant les noms de Shiraz, Neiriz Khafr et Fassa.

Dimensions : plus ou moins semblables à la précédente

Figs 238/40 - Clay tablets found at Persepolis and including the names of Shiraz, Neiriz, Khafr and Fassa.

Dimensions : nearly similar to the preceding tablet



ش ٢٤١ـ سرو معروف در دریمی نزدیک فسا ـ بلندی آن در حدود ٢٨ متر، قطر دائرهٔ پائین بیش از ٢ متر ـ مربوط به صفحهٔ ٤٢٥

Fig 241 - Le fameux cyprès très vieux au village de Drimy près de Fa-sa
H - environ 28 mètres-Diamètre en bas plus de 2 mètres.

Fig 241 - The famous cypress very old in the village Drimy near Fa-sa
H - about 28 m - Diameter of the base more than 2 m



Fig 242 - ش۲٤۲



Fig 243 - ش۲٤۳



Fig 244 - ش۲٤٤

ش۲٤۲ــ جبهۀ شمالی ویرانه های ریشهر ــ مربوط به صفحۀ ٤۲٦

ش ۲٤۳ ــ منظر دیگری از آثار ویرانۀ ریشهر ــ مربوط‌به‌صفحۀ ٤۲٦

ش ۲٤٤ ــ منظر دیگری از آثار و یرانۀ ریشهر ــ مربوط به صفحۀ ٤۲٦

Figs 242/44 - Trois vues différentes des ruines de Reïshahr.

Figs 242/44 - Three different wiews of the ruins of Reyshahr.



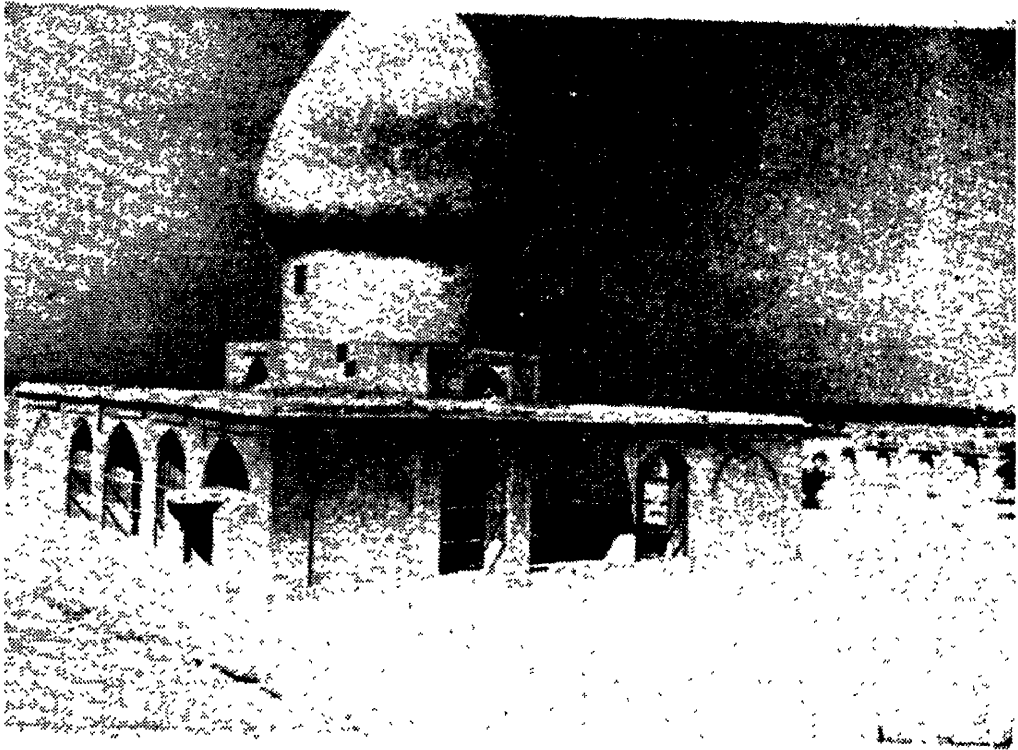
ش ۲٤٥ــ آجر نبشتهٔ عیلامی بنام شوتروك ناخونته باقطعهٔ سفال سیاه از آثار موجود ومکشوف درویرانه های ریشهر ــ درازای تمام آجــر ۳۱ سانتیمتر ، پهنا ۹سانتیمتر، پهنای یك‌سطرخط میخی‌آجر یك‌سانتیمتر ونیمــ مربوط‌به‌صفحهٔ٤۲۷

Fig 245 - Brique inscrite au nom de Shutruk Nakhunté (3 ème millénaire avant. J. C. et tesson en terre cuite de la même époque, trouvés dans les ruines d Reïshahr.

Longueur de la brique : 0/31 m. largeur : 0/09 m.

Fig 245 - Inscribed brick with the name of Shutruk Nakhunte (3 rd millennium B. C) and black potsherd found in the ruins of Reyshahr.

Length of brick : 0/ 31 m. breadth : 0/09 m.



ش ۲۴۶ ـ بقعهٔ موسوم بهشاهزاده عبدالمهیمن درآبادی‌موسوم به‌امامزاده درچند کیلومتری مشرق ویرانه های ریشهر ـ مربوط به صفحات ۴۲۶ و ۴۲۸

Fig 246 - Sanctuaire de Shah - Zadeh Abdul - muheïman au village Imamzadeh, près de Reïshahr.

Fig 246 - The sanctuary of Shahzadeh Abdul-muheiman, in the village called Emamzadeh, near Reyshahr.

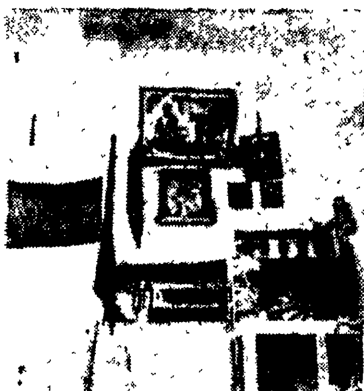


Fig 248 – ۲۴۸ش



Fig 247 – ۲۴۷ش



Fig 250 – ۲۵۰ش

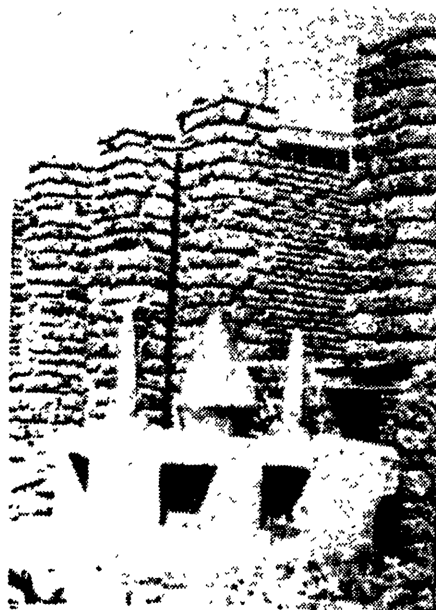


Fig 240 – ۲۴۹ش

ش ۲۴۷ و ۲۴۸ ــ منظر بیرون ودرون بقعهٔ خواجه خضر در بوشهر ــ مربوط بهصفحهٔ ۴۲۷

ش ۲۴۹ ــ بقعهٔ امامزاده آقاکوچیکا دربوشهر ــ مربوط بهصفحهٔ ۴۲۷

ش ۲۵۰ ــ قدمگاه حضرت علی درنزدیك فرودگاه بوشهر ــ مربوط بهصفحهٔ ۴۲۷

Figs 247 '250 - Boushehr. différents endroits de pèlerinage.

Figs 247 '250 - Different places of pilgrimage at Boushihr.




ش ٢٥١ ـــ قدمگاه ابوالفضل معروف به عباسعلی در بوشهر ـــ مربوط به‌صفحهٔ ٤٢٧

Fig 251 - Boushehr, un autre endroit de pèlerinage.

ش ٢٥٢ ـــ مسجد شیخ سعدون معروف به مسجد شاه و مسجد کوفی در بوشهر ـــ مربوط به صفحه ٤٢٧

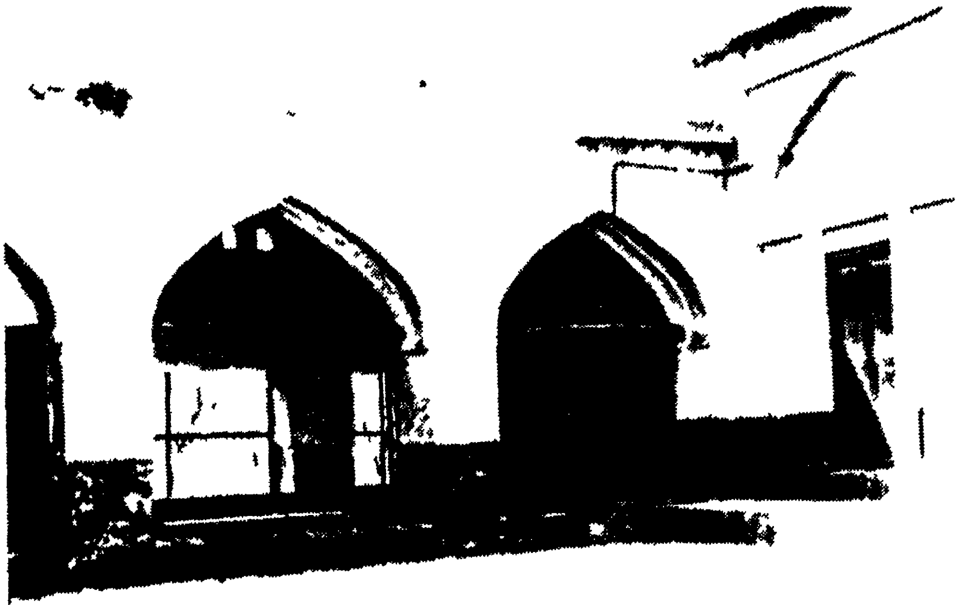
ش ٢٥٣ ـــ مسجد جمعه بوشهر ـــ مربوط به‌صفحهٔ ٤٢٨

ش ٢٥٤ ـــ مسجد حماء مربوط به‌اهل سنن در بوشهر ـــ مربوط به صفحهٔ ٤٢٨

Figs 252/254 - Boushehr, différentes Mosquées de la ville

Figs 252/254 - Different Mosques at Boushehr





ش ٢٥٥ و ٢٥٦ ـ منظر بیرون و درون مسجد فیل در بوشهر ـ مربوط بصفحهٔ ٤٢٨

Figs 255 256 - Boushehr Mosquée Fil (éléphant)

Figs 255 256 - The Fil (elephant) Mosque at Boushehr



Fig 258 – ش ۲۵۸



Fig 257 – ش ۲۵۷

ش ۲۵۷ ــ مسجد شنبدی یا مسجد نو در بوشهر ــ مربوط به صفحهٔ ۴۲۸

Fig 257 - Boushehr. Mosquée Shanbadi ou Mosquée Now (nouvelle)

Fig 257 - The Shanbadi Mosque or New Mosque at Boushihr.

ش ۲۵۸ــ داخل کلیسای طهور مسیح در بوشهر ــ مربوط به صفحات ۷۲و۴۲۸

Fig 258 - Boushehr, l' intérieur de l' église du 19 ème siècle

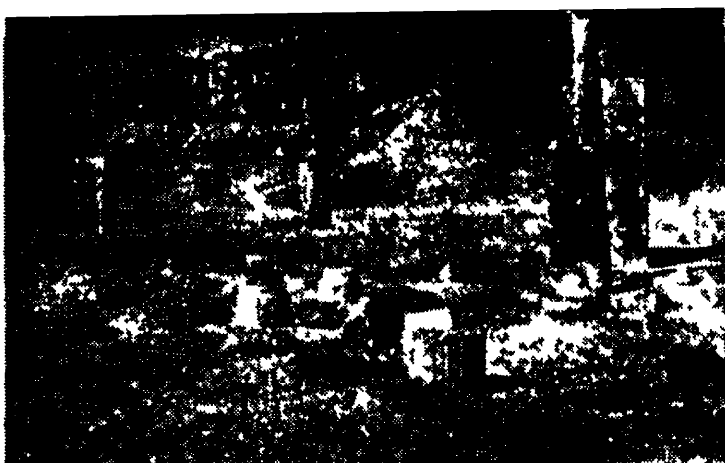
Fig 258 - *Interior of the Church of 19 th cent* at Boushihr



ش ۲۵۹ــ منظر ضلع جنوبی و مدخل قلعهٔ ایزدخواست ــ مربوط بصفحهٔ ۱ وصفحهٔ ۴۳۰ (عکس از آقای عزیزالله حاتمی)

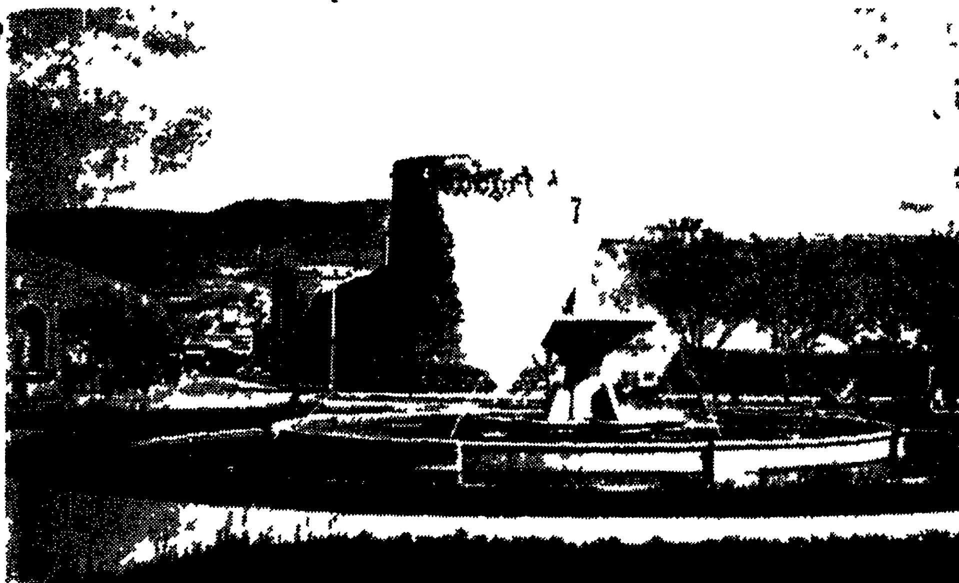
Fig 259 - Yazd-Khast (v. figs 1 et 2), côté sud et l' entrée de bourg fortifié.

Fig 259 - The southern side and the entrance of the fortified borough of Yazd-Khast (see figs 1 & 2)



س ۲۶۰ ــ آثار عهد هخامنشی در ویرانه های شهر استخر (تخت طاووس)
مربوط به‌صفحات ۲۱ و ۴۳۰ (عکس از سمسار سپهداامان‌الله جهانبانی)

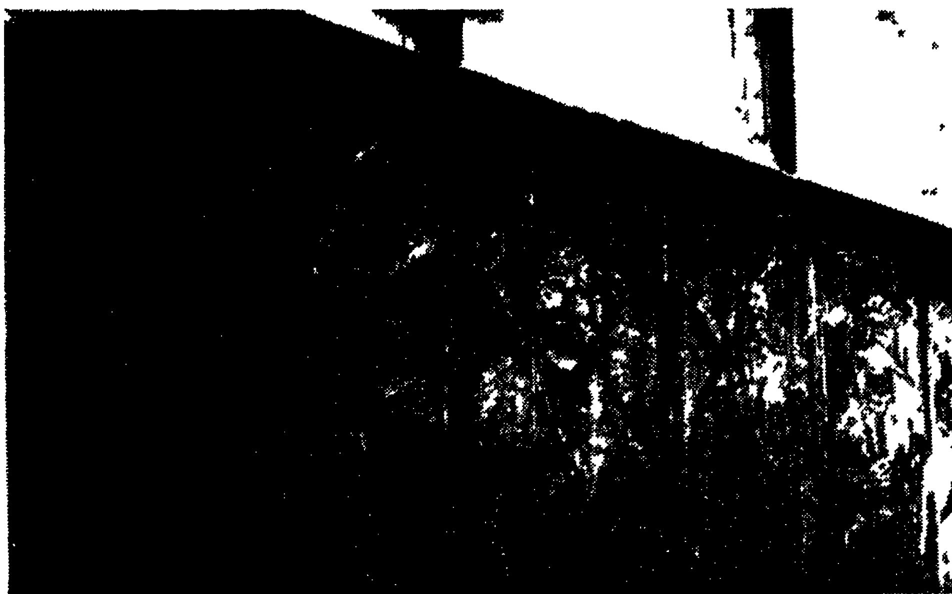
Fig 260 - Istakhr (Takhi-Tavous), vestiges Achéménides
Fig 260 - The Achaemenian vestiges at Istakhr (Takhti-Tavous)



س ۲۶۱ ــ گوشهٔ جنوب غربی ارگ کریمخانی درشیراز ــ مربوط به‌صفحات ۵۸ و ۴۳۰

Fig 261 - Shiraz coin sud ouest de Arg (v fig 113)
Fig 261 - The south-western corner of Arg at Shiraz (see fig 113)

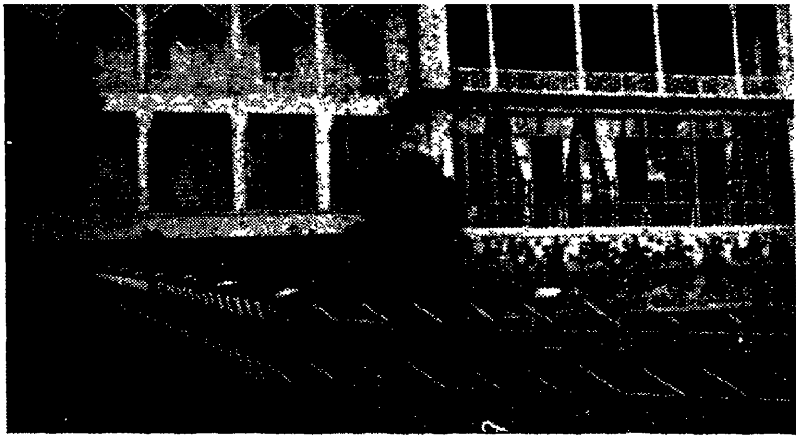




ش ۲۶۲ و ۲۶۳ — نقوش برجسته متعلق به کاخ آئینه یا کاخ خورشید در کنار باغ موزهٔ پارس شیراز — مربوط به صفحات ۵۹ و ۴۳۰

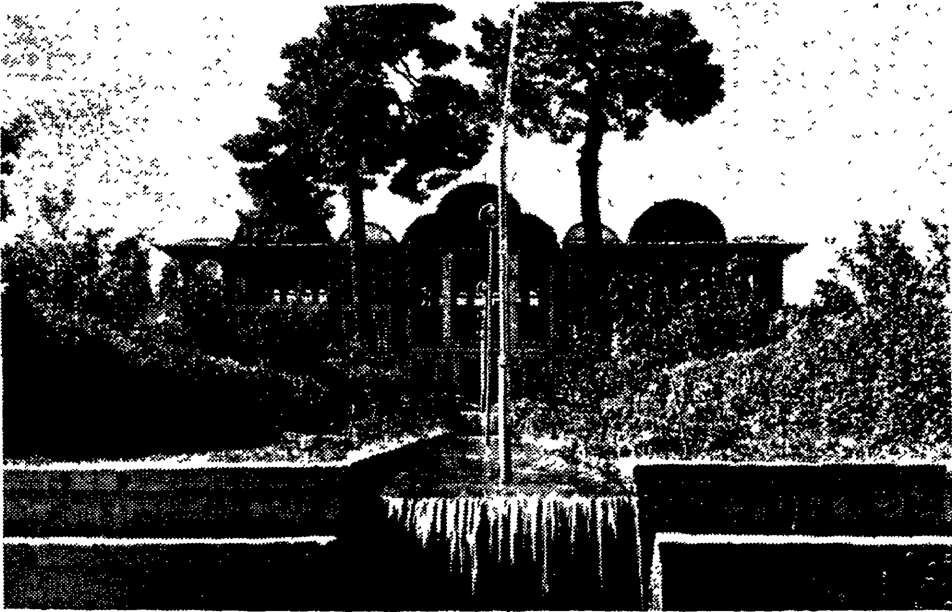
Figs 262 et 263 - Shiraz bas-reliefs du début de 19 ème siècle exposés au bord du jardin du Musée

Figs 262 & 263 - Reliefs of the beginning of 19 th cent exposed at the border of Museum's garden in Shiraz



ش ۲٦٤ ــ وضع کنونی ساختمان قدیمی مهمانخانهٔ پارک سعدی شیراز ــ مربوط
بهصفحات ۷٥ و ٤۳۰ (عکس ازتیمسار سپهبد امان‌الله جهانبانی)

Fig 264 - Shiraz, vieux pavillon du Park Saadi, I9 ème siècle,
Fig 264 - The old pavilion of Park Saadi, I9 th cent, at Shiraz,



ش ۲٦٥ ــ عمارت قدیمی باغ ارم ــ شیراز ــ مربوط به صفحات ۷٦ و٤۳۰
(عکس ازبایگانی عکس شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران)

Fig 265 - Shiraz, pavillon du jardin Eram (v. fig 142)
Fig 265 - The pavilion of the garden Eram at Shiraz (see fig 142).



ش ٢٦٦ ـــ کلیسای تجلیل مسیح درقلات (٣٤ کیلومتری مغرب شیراز) مربوط
به صفحات ٧٢ و٤٣٠ (عکس از آقای عزیزالله حاتمی)

Fig 266 - Ghalat (34 Kilms à l' ouest de Shiraz) l' église dans la campagne.

Fig 266 - The Church in the country of Ghalat. (34 kilms. west of Shiraz)



ش ٢٦٧ ــ بقعهٔ امامزاده محمد درفسا ــ مربوط به‌صفحات ٤٣٠ و ٤٣١



ش ٢٦٨ ــ بقعهٔ امامزاده حسن درفسا ــ مربوط به صفحهٔ ٤٣١

Figs 267-268 - Fa-sa 2 endroits de Pelerinage

Figs 267&268 - 2 places of pilgrimage at Fa-sa



ش ۲۶۹ ـ منظری از خیابان شاهرضا درفسا ـ مربوط به صفحهٔ ۴۳۱

ش ۲۷۰ ـ باغستانهای اطراف فسا ـ مربوط به صفحهٔ ۴۳۱

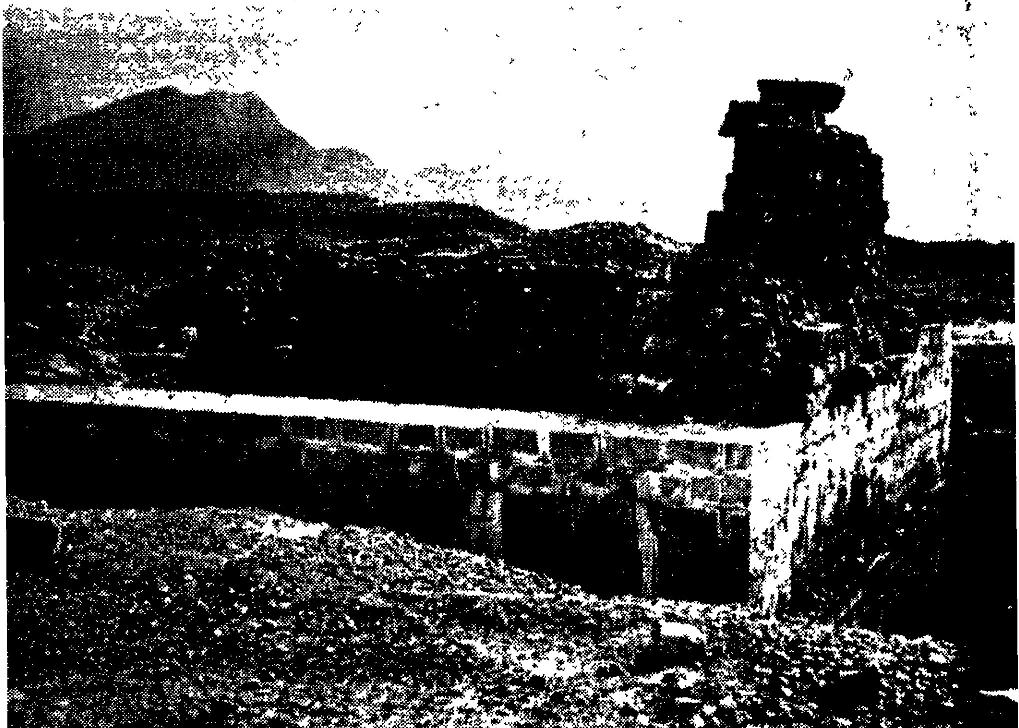


Figs 269 270 - Fa-sa vues de l avenue et des jardins
Figs 269 & 270 - Two views of the avenue and the gardens at Fa-sa

ش ۲۷۱ ــ آتشکدهٔ کازرون
به‌صفحات ۱۱۱ و ۴۳۱



Fig 271 - Temple du feu près de Kazeroun (époque Sassanide)
Fig 271 - Fire temple near Kazeroun. (Sassanian period)



ش ۲۷۲ ــ منظر خارجی آتشکدهٔ بیشاپور پس از تعمیرات اداره باستان شناسی فارس ــ مربوط به‌صفحه ۴۳۱

Fig 272 - Bîshâpour, temple du feu au cours des réparations (v. fig 180).

Fig 272 - The fire temple of Bishapur during the reparations (see fig 180) .



ش ۲۷۳ و ۲۷٤ ــ ازنقوش
موزائیك كاخ شاپور اول
(درموزهٔ ایران باستان)
مربوط به صفحات ۱۲۲ و
۱۲۳ و ٤۳۱

Figs 273/274 - Mosaïques trouvées dans les fouilles de Bîshâpour, (actuellement au Musée Arch. de Teheran).



Figs 273/274 - Mosaics found in the excavations of Bishapur. (actually in the Arch. Museum of Tehran).



ش ٢٧٥ و ٢٧٦ - نقش برجستهٔ پیروزی بهرام دوم (٢٧٧-٢٩٣ میلادی) بر بادیه‌نشینان عرب (واقع در تنگ چوگان) مربوط به صفحات ١٢٦ و ١٢٧ و ٤٣١ (عکس از آقای عزیزالله حاتمی)

Figs 275/276 - Bîshâpour, bas-reliefs représentant la victoire du roi Sassanide Bahram II (277-293 Ap J C) sur les nomades Arabes, au côté ouest de Tangi-Tchowgan

Figs 275/276 - Reliefs representing the victory of Bahram II the Sassanian King (277 - 293 A D) over the Arabian nomades, on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur



س ۲۷۷ — نقش برجستهٔ بهرام اول (۲۷۳ — ۲۷۷ میلادی) که شعار شهریاری را از اهورامزدا میگیرد (در تنگ چوگان) مربوط به صفحات ۱۲۷ و۴۳۱ و ۴۳۲ (عکس از بایگانی عکس شورای مرکزی جشنهای شاهنشاهی ایران)

Fig 277 - Bîshâpour scène d' investiture du roi Sassanide Bahram I (273-277 Ap JC), au côte ouest de Tangi-Tchowgan (voir fig 190)

Fig 277 - Scene of the investiture of Bahram I the Sassanian King (273-277 A.D.) on the western side of Tangi-Tchowgan at Bishapur (see fig 190)

ش ۲۷۸ ــ چادر بزرگ آقای زیاد خان درهشوری درتنگ چوگان درساحل راست رود شاپور ــ مربوط بهصفحهٔ ۴۳۲

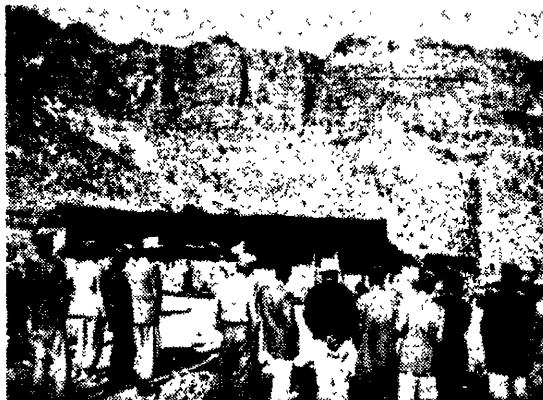


Fig 278 - La tente du chef de tribu Daré-Shouri, Mr. Ziad Khan, sur la rive droite de la rivière Shapour à Tangé-Tchowgan.

Fig 278 - The tent of cheif of the tribe Dare-Shouri, Mr. Ziad Khan, on the right river of Shapur, at Tangi-Tchowgan.

ش ۲۷۹ ــ صحنهٔ رقص محلی نمودار نبرد باشمشیر و سپر درنور آباد ممسنی ــ مربوط به صفحهٔ ۴۳۲



Fig 279 - Scène de danse guerrière à Nourabad.

Fig 279 - Scene of a warlike dance at Nourabad.



ش ۲۸۰ ـ پیدا شدن جعبهٔ سنگی محتوی الواح بزرگ زروسیم بنام داریوس اول در گوشهٔ جنوب شرقی تالار اپدانه درتخت جمشید در تاریخ ۲۸ شهریور ۱۳۱۲ ـ مربوط به صفحات ۲٦ و ۴۳۲ و ۴۳۳

Fig 280 - Persépolis, la découverte du coffre en pierre, contenant les 2 plaques d'or et d'argent, au nom de Darius I, au coin sud-est de la grande salle centrale de l' Apadana, en septembre 1933, (voir fig 56) à droite, M. F. Krefter, architecte de la Mission archéologique de Persépolis, à gauche, l'auteur du livre, qui était à ce moment, chargé de représenter le Service Archéologique à Persépolis.

Fig 280 - The discovery of a stone chest, containing one gold and one silver tablet in the south-est corner of the Central Hall of Apadana, at Persepolis, in september 1933, (see fig 56), on the right, Mr. Krefter, anchitecte of the Archaeological expedition at Persepolis, on the left, the author who was charged at the time, to represent the Archaeological Dept. at Persepolis.



ش ۲۸۱ — بررسی نقوش برجستهٔ ملتهای شاهنشاهی هخامنشی بر بالای دخمهٔ اردشیر سوم درتخت جمشید ونسخه‌برداری ازنبشته‌های میخی پـارسی باستان آن مربوط به صفحات ۲۵ و ۴۳۳

Fig 281 - Persépolis, une partie des bas-reliefs en haut du tombeau attribué à Artaxerxes III; l' auteur étudie et copie les inscriptions cunéiformes en vieux Perse, inscrites au-dessus des porteurs du trône. (voir figs 79 et 80)

Fig 281 - Part of reliefs on top of the tomb attributed to Artaxerxes III at Persepolis; the author is studying and copying the old Persian inscriptions inscribed on top of the throne - bearers. (see figs 79 & 80)

## پایان تصاویر مربوط به ذیل کتاب

## ضمیمه

باپیشرفت تدریجی چاپ کتاب حاضر که بعلت دشواریهای چند مخصوصاً درقسمت تصاویر آن بهکندی هرچه تمامتر انجام میپذیرفت اطلاعاتی بیشازآنچه در قسمت ذیل کتاب ذکرشد فراهم گردید وهمانطور که درآغاز ذیل کتاب اشاره نمود چاپ مطالبی که بدینصورت گردآوری میشود بیشازپیش بدرازا کشیدن سخن ودیرکرد پایان چاپ میانجامد (و طبعاً موجبات شرمندگی مؤلف را فراهم میسازد) ولی باهمهٔ ایناحوال نمیتوان ازنتایج تحقیقات وتجسسات تازه ودانستنیهائی ضروری دربارهٔ آثارتاریخی پارس که قبلا مورد اطلاع نبود چشم پوشید وبامید وانتظار آن بودکه بعداً برای چاپ ونشرآنها کوشش شود چه معلوم نیست اساساً چه هنگام چنینفرصتی پیش بیاید ـ لذا باپوزش فراوان مجدد ازخوانندگان گرامی،اطلاعات تکمیلیمورد ذکررا نیزتحت عنوان **ضمیمه** درآخرین قسمت کتاب درج مینماید وامیدوار است بدینوسیله درراه هدف اصلی که معرفیامکنه وآثار باستانی سرزمین تاریخی بس گرامی پارس است بهرراه وبهرصورت تا حد امکان گامهای بیشتری برداشته شده باشد .

برای تهیهٔ اطلاعات مذکور درقسمت ضمیمهٔ کتاب بیشاز هرچیزدیگرمدیون چندعامل میباشد یکی چاپ وانتشار مقالهٔ جامع ومفید حاوی گزارش مشروح مسافرتهای قبلی آقای پرفسور واندنبرگ بلژیکی (که قسمتهای عمدهٔ آن قبلا درصفحات ۹۳ تا ۹۷ و۱۰٤ تا۱۰٦ متن کتاب وصفحات ۳۷۰ تا۳۷۵ قسمت ذیل کتاب مذکورگردیدهاست) ودیگر کساطلاعاتیاز مسافرتاو بنقاط شمالی فارس درتابستان۱۳٤۱وهمچنین مسافرت دوست گرامی ودانشمندمجناب آقای مهندس هوشنگ سیحون رئیس دانشکدهٔ هنرهای زیبا که در فروردینماه ۱۳٤۱ مدت دوهفته بنقاط مختلففارس مسافرتنموده دربازگشتعکسهایفراوانیازآثارتاریخی ومناظردیدنی نقاط مزبوررا ارائه داشتند وآنچه از آثارومناظرمزبوربراینگارندهٔ کتاب ناشناس بودوشایستهٔ ذکر بنظرآمد درضمیمه مذکور افتاد ومخصوصاً بنای **مسجد جامع داراب** اثر تاریخی جالب توجهی است که پیش ازدیدن عکسآن اطلاعی درباره آن نداشتم وپس از مشاهدهٔ آن بهنمونهٔ بارزی از ارتباط نزدیکتر وبیشتر معماری ایران وهندوستان پی بردم که در محل خود توضیحات مربوط بآنرا ذکرمینماید .

ضمناً چون دربارهٔ آثار تاریخی خلیج‌فارس ازطرف نگارندهٔ کتاب بمناسبتی شرحی تدوین شده بود که اطلاعات مفیدی را دربارهٔ پیشینهٔ نواحی‌واقع در کرانهٔ خلیج نامبرده درخاک‌ایران و جزائرنزدیک کرانه‌های مزبور وآثار باستانی آنهادر برداشت (با وجود اینکه قسمتهای مختصری ازشرح مزبوراز روی مطالب کتاب حاضرنقل واستفاده شده بود) بمورد دانست عین همان شرحرا که تهیهٔ آن با پایان چاپ مقارن افتاده است در پایان قسمت ضمیمه نقل و اضافه نماید.

بدیهی‌است همانطورکه با پیشرفت تدریجی چاپ کتاب، آثار وابنیهٔ تاریخی‌ناشناس‌ماندهٔ زیادی مورد اطلاع نگارنده واقع شد وضمن ذیل کتاب و پس ازآن در قسمت ضمیمهٔ کتاب بمعرفی آنها پرداخت، چه بسا آثارتاریخی فراوان در اطراف واکناف فارس واقعست که طبق آنچه درموارد متعدد ومختلف کتاب اشاره نمود بعد از چاپ وانتشار این کتاب دربارهٔ آنها اطلاعاتی نصیب میگردد وطبعاً آیندگان وجوانان پرشور نسبت به‌توضیح و معرفی آنها همت خواهندگمارد ونیتی که با تدوین وچاپ‌کتاب حاضر درمیان بوده است مانند هر هدف وخدمت نظیرآن ازاین پس راه تکمیل وتکامل را خواهد پیمود.

با ذکر توضیحات بالا اکنون بمعرفی وتوضیح آن قسمت از آثار وابنیهٔ تاریخی فارس ومطالب مختلف مربوط بآنها که در خلال چاپ ذیل‌کتاب فراهم شده است میپردازد:

## استخراج از فصل مربوط به‌کشفیات تازه از ابنیهٔ عهد ساسانیان در فارس: تجسساتی که در زمستانهای ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ انجام پذیرفته است - نگارش پرفسور واندنبرگ

(مندرج در نشریهٔ ایرانیکا انتیکوا - IRANICA ANTIQVA جلد اول - چاپ لیدن ۱۹۶۱ - صفحات ۱۶۳ تا ۱۹۸)

### پیشینهٔ تمدن پیش از تاریخ درجلگهٔ جنوبی فیروزآباد:

ساکنین جلگهٔ فیروزآباد به‌شهادت کمانه هائی که سراورل‌استین در تپّه های مختلف آنجا زده است به قدیمترین ادوار تمدن بشر می‌رسد و نمونهٔ سفال‌های مکشوفه در کمانه‌های مزبور به سبک سفالهای مکشوف درتل‌بکون است. (ص۱۶۵)

### آثار قدیمی در نزدیکی نودران:

درنزدیکی نودران بمسافت قریب ۱۰ کیلومتری جنوب غربی فیروزآباد

چهارطاقی ازعهد اسلام هست که امامزاده نام دارد وداخل آن تزیینانی از عهد صفویّه هست ولی اصل بنا بنظر می‌رسد قدیمتر ازدوران صفویّه باشد ، دو پـایه از چهارطاقی که آتشکدهٔ عهدساسانی بوده نیز بمسافت قریب ٥٠٠ متری مشرق امامزادهٔ مزبور باقی است و بمناسبت همین دوپایهٔ موجود بنام دولنگه یا دومیل خوانـده میشود (ص ١٦٥/٦)

## گورستان باستانی درنزدیکی بندر طاهری:

درشمال غربی آبادی کنونی بندرطاهری دردامنهٔ جنوبی کوهستان گورستان باستانی بس وسیعی وجوددارد که تعداد فراوانی گورهای مستطیل شکل عمومـاً بدرازای ٢/١٠ متر وپهنای نیم متر و گودی ٤٠تا٦٠ سانتیمتر درسنگ کوهستان کنده‌اند ، امتدادآنها شرقی غربی است که بیرون ازقاعدهٔ قبر مسلمین میشودزیرا جهت قبله‌در آن محلّ روبجانب غربی است ،آقای واندنبرگ بااشاره به‌اینکه در بندرسیراف (نام قدیم بندرمعروف وبزرگ مجاور بندرطاهری کنونی) تعدادقابل توجّهی یهودی‌میزیسته‌اند وزمانی‌هم حاکم‌یهودی بنام‌روزبه برآنجـا حکومت میکرده‌است (چنانکه درقرن‌پنجم هجری‌هنوز قریب ٥٠٠ نفر یهودی از اعقاب یهودیان بندرسیراف درجزیرهٔ کیش زندگانی‌میکرده‌اند) گورستان مزبور را متعلق به یهودیان ساکن بندرسیراف میدانند و بنظر نگارنده این نظریّه جای تردید وتأمّل فراوان دارد ، بطوریکه میدانیم در قرون اوّلیّهٔ اسلام خصوصاً در عهددیلمیان‌بسیاری ازآرامگاه‌های مسلمانان‌را در کوه می کنده‌اند . (١) وشاید ازلحاظ‌جهت‌وسمت‌قبله‌اختلاف‌عقیدهٔ فرق‌مختلف اسلامی یا اشتباه موجب‌انحراف جهت شده‌باشد ونیز می‌توان‌پنداشت زرتشتیان ایران درهنگام اضطراروحملات مداوم اعراب مسلمان اجسادمردگان خودرا بجای اینکه درمعرض هوای آزاد

---

(١) درمجلد سوم گزارشهای باستان شناسی ـ فصل‌یازدهم ـ تحت‌عنوان بنای تاریخی‌بقعهٔ بی‌بی‌شهربانوتألیف سیدمحمدتقی‌مصطفوی صفحات ٢٧٠ ببعددراین باره توضیحات مشروحی‌درج گردیده است .

گذارده پس ازمدّتی استخوانهای آنهارا جمع آوری کنندودرون استودان بگذارند بواسطهٔ نبودن فرصت ونداشتن آزادی عمل هرجسدی را درون گودال مستطیلی که شبیه قبور مسلمانان بوده (منتهادرسنگ کوه می کنده‌اند) مینهاده‌اند بهرصورت انتساب گورستان بزرگ در کوهستان نزدیك بندر طاهری به‌قوم یهودشایستهٔ بررسی و تحقیق ودرخور توجّه بیشتر اهل فن است.

## توضیحات مربوط به پنج آتشگدهٔ موجود در جلگهٔ فراش بند:

پیش ازمسافرت تحقیقاتی پرفسّور واندنبرگ به‌جلگهٔ فرّاش‌بند دو عدد آتشکده در جلگهٔ مزبور موردبازدید واطّلاع دانشمندان خارجی واقع‌شده‌بود یکی از طرف دیولافوا و دیگری از طرف پرفسّور هرتسفلد، بر اثـر مسافرت پرفسّور واندنبرگ درزمستان سال۱۳۳۹ (همانطور که درصفحه۳۷۲ کتاب اشاره شده‌است) معلوم گردید پنج‌بنای آتشکده بصورت کم و بیش ویـران در جلگهٔ فرّاش‌بند وجوددارد که توصیف مختصر آنهابشرح زیرازآنچه دانشمند نامبرده نگاشته است استخراج ونقل میگردد :

### ۱- چارطاق ملك :

درمسیرراهی که ازفرّاش‌بندبه‌فیروزآبادمیرودبمسافت‌سه کیلومتری‌مشرق فرّاش‌بند ویك کیلومتری جنوب کوهسار **کوه آب پا** و دو کیلومتری مغرب باغ موسوم به **باغ ملك** چارطاقی ویرانی است که از دیـرباز نقشه و عکسهای آن بوسیلهٔ دیولافوا و کوست بمعرض اطّلاع عموم گذارده شده‌است[1] .... هـریك ازابعادخارجی آن بالغ بر۹/٤۰ متر میگردد .. سه‌پایه و قسمتی از گنبد آن باقی وموجود میباشد .

---

۱- همین‌چارطاق است که در صفحهٔ ۱۱۵ متن کتاب در بارهٔ آن توضیحاتی تحت عنوان **آتشگدهٔ فراش بند** مذکور گردیده است .

## ۲- چارطاق تل جنگی :

درپنج کیلومتری جنوب شرقی چارطاق ملك بمسافت یك کیلومتـری تپّهٔ باستانی بنام تل‌جنگی چارطاقی دیگری در محوّطهٔ جلگهٔ فرّاش‌بند واقعست که بدون‌شك همان چارطاقی مذکور در کتاب تاریخ باستان شناسی ایـران تألیف پرفسّور هرتسفلد میباشد (که درصفحات۱۱۹ و۱۲۰متن کتاب دربارهٔ آن توضیح داده شد) .....

بنای‌نامبرده‌شامل‌دوقسمت میباشدقسمت اول‌بنای‌مربّعی‌مشتمل‌برچهارطاقی که در چهار جانب آن‌هم دهلیزی قرار داشته است ، اندازه های هـریك از ابعاد داخلی چهارطاقی ۵/۴۰متر وهریك ازجوانب خارجی‌آن ۸/۸۰ متروهریك ازجوانب خارجی مجموع بنای چهار طاقی ودهلیز ۱۵/۸۰ متربوده است ، عرض دهانهٔ هریك از جوانب چهاراطاقی وسط ۴/۶۰ متروپهنای هردهانهٔ مقابل‌آنهادر دیوار دهلیز ۱/۶۰ متر میباشد ، دیوار خارجی جانب شمال‌شرقی بنابکلّی منهدم گشته در نتیجه طاق دهلیزآن قسمت فروریخته است ..... بـر بالای دیوارهای خارجی‌هرجانب‌بناسیزده طاقچهٔ کوچك تزیینی شبیه‌آنچه‌درآتشکدهٔ کنارسیاه هست وجود دارد ....

قسمت‌دوّم بنای مزبور شامل‌دوساختمان شبیه یکدیگر است کـه بفاصلهٔ چهارمترونیمی جنوب‌غربی‌چهارطاق سابق‌الذّکر قرارداشته بمسافت۱۸/۴۰متری یکدیگر ساخته شده بود ، هریك‌از دوساختمان بصورت مربّعی بود که هر جانب خارجی‌آنها بالغ بر۱۰/۷۰ متر میگردید و مشتمل بر دواطاق مستطیل ومساوی دارای طاقهای ضربی گاهواره‌ای بود ، درازای هراطاق ۸/۱۰ متر و پهنای آن ۳/۴۰ متربوده دهانهٔ دری بطرف‌چهارطاق روبمحوّطه داشته است و برهـریك از دیوارهای‌طرفین‌هراطاق‌چهارطاقحه‌تعبیه کرده بودند ـ ساختمانِ واقع‌در گوشهٔ غربی بکلّی منهدم گردیده آثار مختصرموجود ویرانه‌های آن میرساند که عیناً بشرح سابق‌الذّکر نظیربنای گوشهٔ جنوبی بوده است .

مصالح ساختمانی کلیهٔ بنای موردذکر (مانندعموم چهارطاقها و آتشکده‌های عهدساسانی درسرزمین پارس) ازسنگ لاشه وملاط گچ است که بوسیلهٔ روپوشی ازسنگهای تراشیده نماسازی کرده بودند .

بنای چهارطاق (مانندآنچه درمجموعهٔ ابنیهٔ آتشکدهٔ کنارسیاه عمل میشده است) برای افروختن آتش جهت نیایش عموم بوده ساختمانهای دوگانهٔ فرعی سابق الذّکر به نگاهداری و تطهیر آتش مقدّس وسکونت موبدان ومخزن مایحتاج آتشکده اختصاص داشته است .

## ۳- سوّمین چارطاق فراش‌بند :

ویرانهٔ ساختمان دیگری درجلگهٔ قریب سه کیلومتری جنوب‌غربی چهارطاق تل‌جنگی فرّاش‌بند پدیداراست که نقشهٔ جهات خارجی آن بصورت مربّع مستطیل بابعاد ۸/۳ متر در ۱۰ متر بوده داخل آن فضای مربّعی که اندازهٔ هر ضلع آن ٤/۹۰ متر میباشد قرار داشته است .... ارتفاع اصلی پایه های چهارگانهٔ بنا تازیر گوشوار طاق بالغ بر ٦/۳۰متر میگردید واکنون دوعدد آنها که درجانب جنوب شرقی واقعست آسیب بیشتر دیده یکی به‌بلندی ۳/۷۰ متر ودیگری به‌بلندی ۳/٥ متر باقی است ، ازطاقها وپوشش بنانیز فقط لنگه طاق جانب‌شمال غربی برجا مانده است که بلندی آن ٤/٤۰ متر وعمق آن ۳/٤۰ وعرض دهانهٔ آن ٤/۳۰ متر میباشد .

ساختمان بناازسنگ لاشه‌وملاط گچ بوده‌نمای آن ازسنگهای لاشه‌صاف‌و تراشیده ترکیب یافته است .

هرچند نقشهٔ خارجی بنا بصورت مستطیل بوده دهانهٔ لنگه طاقهای آنهم به شیوه‌ای است که کمتر متداول میباشد لکن باحتمال زیاد بنای نامبرده نیزازجمله چهارطاقها بشمارمیرود، نکتهٔ دیگری که اختصاص به‌بنای مزبوردارد فقدان ابنیهٔ دیگردر مجاورت آنستچه آثار ویرانه‌های ابنیهٔ نزدیك آن بمسافت ۹۰۰ متری جنوب چارطاقی قراردارد .

### ٤- چهارطاقی نقاره خانه :

چارطاقی نقاره‌خانه بمسافت ده کیلو متری جنوب چارطاقی که شرح آن گذشت درموقعیّت خوش‌منظری واقع گردیده نقشهٔ آن نیز مانند چارطاقی قبلی بصورت مستطیل‌است ـ ابعادخارجی آن ۱۰/۹۰ متردر ۸/٤۰ متروواندازهٔ هرجانب فضای مربّع درونی آن‌پنج‌متر میباشد وگنبد آن بصورت بسیار نیکوئی محفوظ وسالم مانده‌است (توضیحات اجمالی مربوط باین‌چارطاقی درصفحهٔ ۳۷۳ قسمت‌ذیل کتاب‌ذکر گردیده تصویرآنهم درشکل ۲۱۹ ـ صفحهٔ ٤٤۲ مندرج است . )

چارطاقی مزبور ازسنگهای‌لاشهٔ طبیعی وملاط گچ ساخته شده سنگهای روی‌کار صاف‌و دست‌چین گردیده‌است، درفاصله ٤/۲۰ متری چارطاقی دیواری به بلندی۱/۵ متربرپامانده ظاهراً متعلّق‌به‌جایگاه آتش‌است وپائین‌تر از آن‌بقایای ابنیهٔ مسکونی ومخازن مربوط به‌آتشکده‌پدیدار میباشد .

### ۵- چارطاقی خرمایك :

نام‌خرمایك میرساند که درمحلّ‌مجاورچارطاقی‌مزبور نخلستان مهمّی‌وجود داشته است (به صفحهٔ ۱۱٤ متن‌کتاب مراجعه شود) ویرانه‌های این چارطاقی درمغرب چارطاقی نقاره‌خانه‌یعنی‌در جانب‌دیگرراه بین **فراش‌بند** و **خوراب** واقع‌شده‌است که کوره‌راه فرعی دیگری‌هم ازآنجا بطرف **بوشکان** منشعب میگردد .

بنای مزبورمشتمل‌برچارطاقی مرکزی‌بوده که مانندبسیاری آتشکده‌های دیگر دهلیزی چهارسوی آنرا احاطه مینموده است ، اندازهٔ هر ضلع خارجی چارطاقی مرکزی ۸/۵متر وهرضلع درون آن ۵/۱۰ متر ـ پهنای‌هر دهانهٔ چهار جانب‌آن٤/۵ متر ـ پهنای‌دهلیز ۲/۱۰ متربوده‌است ، راهروی به درازای۷/۵متر و پهنای ۳/۲۰ متر از جانب شمال غربی چارطاقی منشعب گشته و به بنای فرعی منتهی‌میشد که مشتمل بردهلیزی دروسط و دواطاق دردوجانب دهلیزبوده‌است .

ابعادخارجی بنای فرعی بدین‌قرار میباشد :

درازی ۲۲/۸ متر ـ پهنا۶/۱۰ متر ـ بلندی ۵/۳۰متر .

محوّطهٔ داخلی هریك ازدو اطاق دربنای فرعی بدرازای ۷/۲۰ متر وپهنای ۳/۵۰ متر و بلندی ٤ متر بود که دهلیزی مربّع (اندازهٔ هرضلع آن ۳/۰۰ متر) بین آن دوقرار داشت و ارتباط بین راهرو سابق الذّکر و اطاقهارا تأمین مینمود .

آنچه از این بنا باقی مانده عبارتست از سه پایهٔ چارطاقی و قسمتهائی از دیوارهای سراسری بنای فرعی ـ تمام لنگه طاقها و پوشش بنـا و دیوارهای دهلیز اطـراف چارطاقی و راهرو بین چارطاقی وبنای فرعی فروریخته ازمیان رفته است .

در این مورد نیز ساختمان بنا از سنگ لاشه وملاط گچ بوده نمای آنـرا از سنگهای لاشهٔ صاف و تراشیده ساخته‌اند ومانند آنچه در آتشکده‌های دیگر گذشت چارطاقی اصلی محلّ نیایش عمومی ودواطاق بنای فرعی یکی جایگاه حفظ آتش مقدّس ودیگری مسکن موبد یامخزن اثاثیّهٔ آتشکده بوده است .

## توضیح در بارهٔ آتشکده هائی که مهر نرسی بنیاد نهاده است :

درصفحات ۱۱۳ و ۱۱٤ متن کتاب اشاره باین موضوع شد کـه طبق نوشتهٔ طبری مهرنرسی وزیرمعروف عهدساسانی[۱] در روستای **آبروان** که زادگاه‌وی بود آتشکده‌ای ساخت و نزدیك آنجا چهاردهگدهٔ جدید آباد کرد وبرای هرکدام آنهانیز آتشکده‌أی بنانمود ودرهمین مکان سه باغ ترتیب داد که تمامی آتشکده‌ها وروستاها وباغها درقرن سوّم هجری ـ زمان تألیف تاریخ طبری ـ « باحسن حالات هنوز باقی ودردست قومی ازپشت او بوده است .»

نظریّات مختلف و بررسیهای مربوط باین مطلب ضمن توصیف آتشکده‌های کازرون وجره وتون سبز وفرّاش بند وویرانه‌های بنای عهد ساسانی در نزدیك راه کوهستانی که ازبالاده به سرمشهد میرود (جادّهٔ چاه انجیر) ذکر گردید (صفحات ۱۱۲ تا ۱۱٦ و ۱۱۹ و ۱۲۰ متن کتاب) .

آقای پرفسّور واندنبرگ که براثر ملاحظهٔ آتشکده‌های پنجگانه درجلگهٔ

(۱) بصفحه ۸۷ متن کتاب مراجعه فرمایند .

جنوبی فرّاش‌بند پس از نقل نظریّات قبلی دانشمندانی ازقبیل پرفسّور هرتسفلدو آقای گدار (که در صفحات سابق‌الذّکر این کتاب هم‌مندرج است) وتوضیحاتی که‌در ردّ عقاید واستنباطهای ایشان‌میدهد چنین نتیجه میگیرد که‌آتشکده‌های پنجگانهٔ مهرنرسی تماماًدرجلگهٔ فرّاش‌بند ساخته شده و همین پنج آتشکده‌ای است که بمسافت کم ازیکدیگر درجنوب فرّاش‌بند قرار دارد و توضیحات آنها مذکور افتاد[۱] ودرپایان بحث‌خود دلایل‌زیررا میآورد :

۱ـ هرپنج آتشکده دریك ناحیه‌ونزدیك بهم‌واقع شده‌است .

۲ـ درنقشه‌های جغرافیائی کنونی ایران ناحیهٔ جنوب غربی فیروز آباد که‌شامل جلگهٔ فرّاش‌بند باشد بنام **محال‌اربعه** ذکر گردیده است واین‌نام‌محلّ چهارروستائی راکه بوسیلهٔ مهرنرسی احداث شده‌است مشخّص میکند [۲] .

۳ ـ نام برخی از محلهای آتشکده های پنجگانه مانند **خرما یك** که اکنون ناحیهٔ‌بایر وبی‌حاصلی است‌شاید نشانهٔ‌باغهائی باشد که درزمان مهرنرسی آباد گردیده بود .

۴ـ چارطاقیهای واقع در جلگهٔ جنوبی فرّاش بند ازلحاظ مصالح وشیوهٔ ساختمانی وابعادبنا بیکدیگر شباهتهائی دارد .

علاوه برنظریّهٔ فوق که طبعاً بربسیاری ازنوشته‌ها ونظریّات سابق دربارهٔ پنج‌آتشکدهٔ احداثی مهر نرسی خطّ بطلان میکشد[۳] نکات دیگری هم ضمن مشاهدات پرفسّورواندنبرگ ازنزدیك معلوم گردیده است که با توجّه بمطالب مندرج‌دراین کتاب آنچه‌دراینمورد مناسب بنظرمیرسد ازمقالهٔ دانشمندنامبرده استخراج ونقل مینماید :

۱ـ آتشکدهٔ‌تون سبز (همانطور که درصفحهٔ ۳۷۳ کتاب هم اشاره شد) در

---

۱ـ درصفحهٔ ۳۷۲ کتاب نیز اجمالا باین موضوع اشاره شده است .

۲ـ درجلد دوم کتاب‌جغرافیا واسامی دهات کشور (ازنشریات ادارهٔ کل‌آمار وثبت‌احوال‌ـ چاپ طهران ـ۱۳۲۹ـص۳۱۴) نام **دهستان اربعه** مشتمل بر ۳۱ ده ضمن توابع فیروزآباد ذکر گردیده است که نواحی جنوبی‌شهرستان فیروزآباد را دربردارد وجانب غربی‌دهستان‌مزبور درناحیهٔ فراش‌بند واقعست .

۳ـ البته به‌عقیدهٔ پرفسور واندنبرگ .

حقیقت وجود خارجی ندارد ، تون‌سبز نام‌تپّه‌ای است که تقریباً در جنوب شرقی آبادی **قنات‌باغ** واقع‌میباشد و تپّهٔ مزبور فقط مشتمل بر گورستان‌مسلمانان و یك امامزاده است‌درصورتیکه بقایای ابنیهٔ‌عهد ساسانی درجانب غربی آبادی قنات‌باغ قرار دارد .

و نیز به مسافت یك کیلو متری جنوب غربی قنات باغ در محـلّ موسوم به **گره سر** بر فراز مختصر سر بالائی آتشدان سنگی واقع است (به صفحه ۳۷۴ و تصویرشمارهٔ ۲۲۰ درصفحهٔ ۴۴۳ مراجعه شود )

دریك کیلومتری شمال‌آتشدان سنگی مزبور بقایای یك‌ساختمان با نقشهٔ مربّع که اندازهٔ‌هر ضلع آن۱۲/۸۰ متر میباشد پدیدار وفقط قسمت شمال‌شرقی آن‌به بلندی۷/۷۰ مترهنوز برجا مانده‌است .

۲ـ چارطاقی کازرون که در سال ۱۳۱۶ خورشیدی بوسیلهٔ آقای مهندس ماکزیم سیرو کشف گردید ..... درآن‌موقع هنوز دارای سه‌پایه ودولنگه طاق بود (به‌صفحات ۱۱۱و۱۱۲ و۴۷۲ مراجعه شود) وامـروزه فقط دوپایهٔ‌آن برجا مانده‌است ..... طول‌هرضلع خارجی‌چهارطاقی مزبور ۸/۳۰متر و اندازهٔ هرضلع داخلی‌آن ۶/۳۰ متربوده ابعاددیوارهای آن ۱×۲/۲۰ متر است واز چهارلنگه طاق‌جوانب‌آن تنهایکی باقی‌مانده بلندی‌هر کدام۳/۸۰متر و پهنای دهانهٔ هریك ۳/۹۰ متربوده‌است . بلندی‌دیوارها تازیر گوشوارهای پائین‌طاق بالغ‌بر۴/۶۰متر می گردید ، از گنبد آن اثری باقی نیست ، بقایای دو پایهٔ فرو ریخته یکی به ارتفاع۱/۶۰ مترودیگری به‌بلندی ۰/۸۰ متربرپا مانده است .

۳ـ چهارطاقی فرّاش‌بند که دیولافوا وفلاندن کشف نمودند و آقای گدار آنرا ازآثار مهرنرسی میداند (ودرصفحهٔ۱۱۵ متن کتاب دربارهٔآن توضیح داده شده‌است) همانست که بنام **چارطاق ملك** در صفحهٔ ۴۸۲ معرّفی گردید .

پرفسّورواندنبرگ که در ضمن بحث خود چنین نتیجه میگیرد کـه تعداد آتشکده‌های واقع بین کازرون و فیروزآباد کمتر از نه‌عدد نیست بدین قرار : ۱ـ آتشکدهٔ کنارسیاه ۲ـ آتشکدهٔ‌نودران (که‌توضیح آن‌درآغازمطالب‌مستخرجه

از گزارش مورد ذکر پرفسور واندنبرگ گذشت) ۳ـ آتشکدهٔ بالاده (که بنام آتشکدهٔ جره هم معروف است). ۴ـ آتشکدهٔ کازرون. ۵ تا ۹ـ پنج عدد آتشکده‌های واقع در جلگهٔ فراش بند.

دانشمند نامبرده اضافه مینماید که ظاهراً آتشکده‌های دیگری هم در نواحی مزبور وجودداشته است ـ چنانچه استخری اشاره مینماید که هر روستائی دارای آتشکدهٔ مخصوص خودبود و ابن حوقل نیز تنها برای شهر کازرون دو آتشکده را نام میبرد.

# آتشکده‌های دیگری که بتازگی در جنوب ایران کشف شده است:

پرفسور واندنبرگ درزیر عنوان بالا ازچند آتشکدهٔ دیگر و ابنیه و آثار مختلف عهد ساسانی صحبت میدارد که چند تای آنها یعنی چارطاقهای درباغ و رحمت آباد و علی آباد. (بشرحی که درصفحات ۹۴و۹۵ متن کتاب توضیح داده شد) خارج از استان کنونی فارس قراردارد و ازنقل توضیحات مربوط بآنها در این مورد خودداری میشود و آنچه درخاك فارس واقعست بشرح زیر اقتباس و نقل میگردد:

## چارطاق گراته:(۱)

درپائین کوه میمندواقع درشمال‌شرقی فیروزآباد راهی درحاشیهٔ رودخانه بجانب آبادی دشت دال میرود که‌در کناررود قره‌آقاج واقعست وازآنجابطرف جهرم و فسا ادامه میبابد، نزدیك دشت دال ویرانه‌های پل قدیمی بررروی رود سابق‌الذکر دیده میشود وبقایای ابنیهٔ دیگری ازعهد ساسانیان نیزدرهمان‌محل پایداراست، این‌راه‌یقیناً همان‌راهی‌است که‌درعهدساسانی وسیلهٔ ارتباط‌شهرهای

---

۱ـ درصفحه۱۰۶ متن کتاب ضمن نقل از گزارش اختصاصی پرفسور واندنبرگ اشاره اجمالی به‌آنچه دراینمورد توضیح‌داده‌میشود گردیده‌است

دارابگرد وفسا به فیروزآباد بود ، امروزه درروی نقشهٔ ناحیهٔ فیـروز آباد راه مزبور بنام **آتشگاه** ذکر گردیده یقیناً درروزگار قدیم آتشکده‌های متعدّدی‌هم درطول مسیر آن برپا بوده‌است و بر روی همان نقشه نـام **تنگ آتشگاه** در شمال **کوشك‌سر تنگ** ذکر گشته است .

چارطاق کراته ازسنگهای لاشه ساخته شده به مسافت ۵۰۰ متری دهکدهٔ **کراته** ودریك کیلومتری آبادی **کوشك** واقع گردیده‌است- نقشهٔ آن‌مانندبسیاری ابنیهٔ‌دیگر نظیرآن‌مربّع بوده بلندی دیوارهای بنا تا زیر گوشوارهای‌طاق‌بالغ بر۴/۹۰ مترمیشود ، اندازهٔ هرضلع چارطاق ۱۰/۵متر است و در وسط هـر ضلع دهانه دری به‌پهنای ۱/۱۰ متر وبلندی ۳/۲۰ متروجود دارد ، ازطرف داخل در هرچهارسوی چارطاق طرح طاقنمابندی‌به‌پهنای ۵/۵۰ مترو بلندی۴/۵ متر تعبیه شده است ....

## چارطاق زاغ :

قریب سی کیلو متری جنوب شرقی کراته در مغرب آبادی کوچك **زاغ** چارطاقی‌دیگری دیده‌می‌شود که درازای هرضلع آن از بیرون ۴/۳۰ متـر واز داخل۳متر است ودرگاهیهائی به‌بلندی ۱/۶۰متر وپهنای ۱/۱۰ متر بر هرجانب در وسط دیوار وجود دارد ، بلندی دیوارها ۲/۳۰ متر وکلفتی آنها ۶۵ سانتیمتر بوده‌قسمتهائی ازضلع جنوب شرقی بنا فروریخته است .

## چارطاق قلعهٔ قلی :

درجانب غربی آبادی **قلعهٔ قلی** نیزساختمانی‌شبیه‌چارطاقی‌زاغ‌موجوداست ، پایه‌های بنای‌اخیر بصورت انفرادی برپا مانده بفاصلهٔ۲/۱۰ متراز یکدیگرقرار گرفته است و با توجّه باینکه کلفتی هرپایه بالـغ بر۷۰ سانتیمتر میباشد طبعاً اندازهٔ هرضلع چارطاقی۳/۵ مترمیشود .

باحتمال فراوان دوبنای اخیرالذّکرچارطاق یاآتشکدهٔ آبادیهای کوچك بوده است .

## چارطاق ظهر شیر :

آبادی ظهر شیر تقریباً دروسط راه فساوجهرم قرار گرفته در ۴۵ کیلومتری جنوب فسا و ۴۲ کیلومتری شمال جهرم واقع شده است[۱] ، چارطاقی نزدیك آن برفراز تپّه‌ای دروسط دره ازدور پدیدار میباشد .....

طول هرضلع خارجی چارطاق ۸/۴۰متر واندازهٔ هرضلع داخل آن ۵/۲۰متر بوده از سنگهای لاشهٔ مطبّق آهکی ساخته شده است ، اندازهٔ هریك از پایه‌ها ۱/۶۰ × ۲/۲۰متر به‌بلندی ۵متر میباشد، پهنای لنگه طاقهای هریك ازچهاردهانهٔ جوانب چارطاقی ۴متر و بلندی هر کدام ۳/۴۰متر است ، گنبدآن بوضع قابل توجّهی محفوظ مانده است وبلندی آن بالغ بر ۳/۶۰ مترمیگردد ، دهلیز باریکی به پهنای ۸۰سانتیمتر درچهارسوی کنبد وجود دارد ، مجموع بلندی کلیّهٔ بنا ۸/۶۰متر است، به فاصلهٔ ۱/۵۵ متر پائین چهارطاق بقایای دیواری به‌کلفتی ۱/۲۰ متر برجا مانده وضع دهلیزی را که چهارسوی بنارا احاطه میکرده است نمودار میسازد ....

پرفسّور واندنبرگ درپایان مقالهٔ خودیك‌بار دیگر باین نکته اشاره میکند که تجسّسات علمی ایشان درزمستان سالهای ۱۳۳۸ و۱۳۳۹ پیدایش آثاری از دوران پیش از تاریخ راببار نیاورده است در عوض اهمیّت نواحی مورد تحقیق و تجسّس را درعهد ساسانیان باآشکار نمودن وجود بسیاری از ابنیهٔ آن عهد روشن ساخته است وهمچنین اهمیّت راه قدیم ــ ازلحاظ ارتباط شهرهای مهمّ عهدساسانی از قبیل فیروزآباد و دارابگرد وفسا ــ داشته ضمن همین مسافرت‌های تحقیقاتی معلوم گردیده است ونیز کشف نمونه‌های کاروانسراهای عهد ساسانی در طول راه مزبور موضوع جالبی برای بررسی نوع اینگونه منازل عرض راه در مشرق

---

۱ ــ درنقشهٔ ضمیمهٔ مقالهٔ پرفسور واندنبرگ محل آبادی طهرشیر درمشرق جهرم نشان داده شده است ، در فرهنگ جغرافیائی ایران (از انتشارات ادارهٔ جغرافیائی ستاد ارتش ــ جلد هفتم ص ۱۵۲ ) محل آبادی مزبور چنین ذکر گردیده است ۲۲ کیلومتری خاور قطب آباد ــ یك کیلومتری راه فرعی قطب آباد به فسا، درجلد دوم کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور (از نشریات اداره کل آمار وثبت احوال ــ چاپ طهران ۱۳۲۹ ص ۲۸۸) طهرشیر از دههای دهستان کردیان از توابع جهرم نام برده شده است .

قدیم وارتباط نحوهٔ معماری آنهاباکاروانسراهای مشخّص دورهٔ اسلامی بشمار میرود.

دانشمندمزبور مهمترین حاصل مسافرت خود را کشف آتشکده‌های متعدّد ومعلوم‌ساختن وسعت دامنهٔ بناهای مذهبی عهدساسانی درنواحی موردبحث میداند ومخصوصاً دربارهٔ مجموع ابنیهٔ آتشکدهٔ بزرگ **کُنارسیاه** (مذکور درصفحهٔ ۱۰۵ متن کتاب) اهمیّت‌خاصی را قائل‌بوده معتقد است که آتشکدهٔ کُنارسیاه درعهد ساسانیان یکی‌ازمهمترین مراکز آئین‌زرتشتیان درسرزمین پارس بودواحتمالاً یکی ازآتش‌های **بهرام**(۱) یعنی آتش یك **کوره** (۲) درآنجانگاهداری می‌شده است وهیئتی ازروحانیان بریاست یك**موبد**آنرا اداره مینموده‌اند ،آتشکده‌های

۱ـ «...بنابردرجات‌زندگی ایلی‌ایرانیان‌قدیم‌آتشها نیز درجات داشته‌است . آتشی‌متعلق به**خانه** بودوآتشی به**عشیره**یا**دیه**(**آذران**)وآتشی بیك**قبیله**یا**کوره**(**بهرام**) آتش‌خانگی را **مانبذ** یعنی‌بزرگترخانه نگهداری‌میکرد ، برای‌خدمت آذران لااقل دو**مغ** ضرورت داشت ، وآتش بهرام راهیئتی متعددبریاست یك**موبذ**بکاربود ......» (نقل ازکتاب وضع ملت ودولت‌و درباردردوره شاهنشاهی ساسانیان تألیف پرفسور کریستنسن ترجمه‌و تحریرآقای مجتبی‌مینوی ، چاپ طهران ۱۳۱۴ ـ صفحهٔ ۹۷)

۲ـ «درزمان ساسانیان‌فارس‌به‌پنج کوره یاخوزه یاتسو تقسیم‌میشده است ـ ۱ـاردشیرخوره مرکزآن شهر جوریاکور بوده‌است‌ودرزمان امیرعضدالدوله دیلمی‌بفیروزآباد معروف گردید... شیرازـ کوار ـ میمندـ خفرـ قیروکازرین ـ سروستان ـ سیمکان یا سمنکان ـ جزایرلار ـ بندر سیراف، ازشهرهای معروف وجزو این کوره بوده‌اند ـ ۲ـ کورهٔ استخرکه مرکزآن‌شهرمعروف استخربوده وسعت‌آن ازسایرکوره‌ها بیشتر یزد ، آباده ، یزدخواست ، اقلید ، سورمق،قهستان، خفرك ، رامجرد ، مرودشت ، ابرج، کامفیروز ، کربال ، بیضا ، خرامه ، نیریز ، خیروارسنجان همه ازتوابع‌این‌کوره بوده‌اند ـ ۳ـ کورهٔ دارابگرد (دارابجرد) مرکزآن شهر داراب ، فساو رونیز ـ پرك‌وتارم ـ اصطهبانات ـ ایج وجهرم وجویم نیزضمیمهٔ‌آن بوده‌اند ـ ۴ـشاپورخوره‌ـ مرکزآن شاپورو شامل‌کازرون وخشت ، حره وفامور ، فهلیان وممسنی ونورآبـاد بوده است ـ ۵ـکورهٔ قبادیا ارّگان (ارجان) ـ رام‌قباد و رم قباد نیزگفته‌اند ـ این‌کوره وکورهٔ شاپور بنام سازندگان آن معروف گردیده ازحدود سمیرم تاریشهروبهبهان وسعت‌داشته مرکزآن قبادخسرو درنزدیکی بهبهان بوده‌است‌که حالیه‌خراب ومتروك‌است ..» (نقل ازتاریخ‌پارس در عهد باستانی نگارش آقای‌علی‌سامی ـ انتشارات‌کانون پارس شمارهٔ۳ چاپ‌شیراز ۱۳۳۳ خورشیدی‌ـ صفحات ۲۲ و ۲۳)

مکشوف در جلگهٔ فرّاش بندبنظر پرفسّور واندنبرگ جایگاه آتشهای آذران یعنی آتش ده‌بوده‌برای نگهداری هر کدام دومغ کفایت میکرده است .....

## مسجد جامع داراب[۱]

مسجدجامع داراب شایدبصورت‌ظاهر چندان آباد وپر رونق بنظرنرسد ولی از لحاظ شیوهٔ ساختمان مخصوصی که داردبنای بسیارجالب توجه و شایستهٔ بررسی فراوان است ، اینجانب تا هنگام تدوین‌مطلب‌حاضر (بهمن‌ماه ۱۳۴۱) موفق‌بمازدید آن‌نشدم ومانندچند مورد دیگر کتاب ازکمك وهمکاری بسیار صمیمانه وارزندهٔ دوست گرامی خودآقای‌منوچهرچهره‌نگار دبیر فرهنگ فارس که درعین‌حال به‌پیروی‌ازحرفهٔبس هنرمندانه وپرارج خانوادگی‌خویش‌عکاس بسیارزبردست وسراپاعلاقه و ذوق هستند استعانت خواستم و ایشان عکسهای متعددی‌ازجوانب‌مختلف‌بنای‌مسجد تهیه‌و ارسال‌نمودند که باملاحظهٔ آنهاوآنچه قبلاضمن عکسهای جناب‌آقای مهندس‌سیحون دیده شده‌بود بنظرمناسب آمد مرقوم‌داشت واینك بشرح زیرمعروض میدارد :

درو سط قسمت‌شمال‌شرقی‌محوّطهٔ‌مستطیل‌و محصوری که‌چهار سمت آن‌درختان بلندخرماو مرکّبات‌نسبتاً تنومندخود نمائی میکند شبستان‌مستطیلی قرار دارد که طول آن شمال‌غربی ـ جنوب‌شرقی وعرض آن شمال‌شرقی ـ جنوب غربی است (ش۲۸۲)، درهریك‌ازدوجانب طویل‌تر شبستان‌یعنی‌طرف قبله (ضلع‌جنوب‌غربی) وسمت مقابل‌آن (ضلع‌شمال‌شرقی) ایوان سراسری ساخته‌اند که ایوان طرف قبله بحال‌خود باقی بوده (ش۲۸۳ و۲۸۴ و۲۸۵) ایوان جانب دیگررا بااحداث دیوارهای نازك دردهانه‌های رو به محوّطهٔ مسجد تبدیل به‌شبستان زنانه‌نموده‌اند، شبستان بزرگ ازدو انتهای جانب‌طویلتر نیز بوسیلهٔ دهلیزهای دهانه گشاده‌ای

۱ـ نگارنده تاموقع پایان‌چاپ مطالب ذیل‌کتاب ( تیرماه ۱۳۴۱) ازوضع مسجد جامع داراب‌اطلاعی نداشتم وفقطدرپائین‌یکی ازصفحات کوچك‌یادداشتهای‌شخصی‌خود که‌درسال۱۳۱۷ مرقوم‌رفته است این‌چندکلمه‌را نوشته‌بودم . «مسجد جامع‌داراب‌ـ نقشهٔ‌خداخانه» وکلمات‌مزبورهم یقیناً براثرصحبتی که بایکی ازعلاقمندان بآثارتاریخی پیش‌آمده بود مرقوم گردیده بعلت‌نداشتن هیچگونه اطلاع‌و اطمینانی دراین‌باره نه‌درمتن‌کتاب ونه‌درذیل‌کتاب مورد استفاده واقع‌نشد تا اینکه درایام نوروز۱۳۴۱ جناب‌آقای مهندس هوشنگ سیحون ضمن‌مسافرت کوتاهی بفارس از مسجدجامع داراب نیزبازدیدوعکس‌برداری رنگی‌نمودند ونگارندهٔ کتاب پس‌ازملاحظهٔ عکسهای مسجد نامبرده درصددکسب اطلاعات و تهیهٔ عکسها برآمده توضیحاتی راکه مناسب میدانست بشرحی که دربالا ذکر میشود تدوین ودراین‌قسمت‌کتاب به محضر علاقمندان اینگونه مباحث عرضه نمود .

به‌فضای مسجد مربـوط می گردد(ش۲۸۶و۲۸۷) و در دوجانب دیگر دهلیزهاهم اطاق یامحلهای کوچکتر برای نماز گزاران قرار دارد، چهارمنارهٔ تنومند نسبتاً کوتاه آجری درچهار گوشهٔ مجموعهٔ بنای مستطیلی مزبور (که مشتمل برشبستان و ایوان و دهلیزها و اطاقها باشد) برپا و استوار است و بدنـهٔ آنها را بوسیلهٔ خانه بندیهای مربّع ومستطیلی شکـل روسازی نموده‌اند که داخل خانه‌بندیهای مستطیل مزیّن به آجرکاریهای خفته وراسته یا طرح لوزی وداخل خانه بندی‌های مربّع مزیّن به‌خطوط کوفی بنّائی حاوی کریمه‌های لااله الّاالله ومحمّد رسول‌الله و جملات اوّل آیهٔ مبارکه کرسی است (ش۲۸۸ و ۲۸۹)

بامختصر دقّت دروضع تزیینات مناره‌ها معلوم میگردد دو مناره‌ای که در دو گوشهٔ شرقی و شمالی بنا ساخته شده است (ش۲۸۸) در خانه بندی و تزیینات آجری آنها با دو منارهٔ گوشه‌های جنوبی وغربی(ش۲۸۹) اختلافاتی وجود دارد کـه ذکر جزئیّات آن از حوصلهٔ ایـن کتاب بیرون و نیازمند موقع مناسب مخصوصی است .

داخل محوّطه، مقابل دهانهٔ وسط ایوان موجود منبری از گچ و آجر ساخته‌اند و حوض آب بزرگی هم پشت منبر قراردارد .

محراب درداخل شبستان پشت دیوارقسمت وسط ایوان موجود سابق الذّکر باتقسیم بندیهای متناسب و گچبریهای ساده وزیبا جلوه گراست (ش۲۹۰) .

سقف ایوانهای سرتاسری از سقف شبستان کـوتاه‌تر بوده پوشش دو دهلیز طرفین شبستان و اطاق‌های مجاور آنها نیز گنبدی وضربی است و کوتاهتر از شبستان اصلی مینماید .

بطوری که ملاحظه می گرددوضع ساختمان مسجد داراب ترکیب مخصوصی است که بامساجد معمولی ایران اختلاف داردو در وهلهٔ اوّل بنظر بعضی اشخاص ممکن است تا اندازه‌ای شبیه به‌بنای خداخانهٔ مسجد جامع شیراز برسد و این هم

امر نادرستی نیست لیکن بیش‌از آنچه به‌بنای خداخانهٔ شیراز شبیه باشد با بعضی ساختمانهای اسلامی هندوستان وبخصوص بابنای زیبا ومعروف آرامگاه **اعتمادالدولهٔطهرانی**[۱] در **آگرا** (Agra) شباهت دارد که در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷هجری‌بفرمان دخترش **نورجهان** ملکهٔ ایرانی معروف هندوستان احداث گشته است (ش۲۹۱) .

بلندتر بودن پوشش شبستان مسجد جامع داراب نسبت به‌پوشش‌ایوانها و اطاقهای جوانب شبستان و خانه‌بندی‌های مربّع شکل بدنهٔ خارجی مناره‌ها و همچنین کوتاهی نسبی وستبری مناره‌ها عوامل مشترك موجود بین مسجد جامع داراب وآرامگاه اعتماد الدّوله طهرانی در آگرا بوده باطمینان میتوان گفت که‌سازندهٔمسجدجامع داراب‌به‌وضع‌ساختمان‌وطرح‌معماری‌آرامگاه‌اخیرالذّکر آشنائی و توجّه داشته است (ش۲۹۲) و همانند مرد کم ثروتی که خواسته باشد شبیه بنای بسیار مزیّنی را بسازد مسجدی از آجر به شیوهٔ بنای بس عالی و سراپا مزیّن از کاشیکاری اعلی وسنگهای گران قیمت مرمر بنیاد نهاده است و با توجّه باینکه آرامگاه اعتماد الدّوله در خلال سالهای ۱۰۳۲ تا ۱۰۳۷ هجری یعنی اواخر سلطنت شاه‌عبّاس اول بنا گشته است بجرئت میتوان تصوّر نمود که مسجد جامع داراب مدّت کمی بعد از آرامگاه اعتماد الدّوله یعنی در زمان سلطنت شاه صفی اوّل (۱۰۳۸ تا ۱۰۵۲ هجری) یا در دوران پادشاهی شاه عبّاس دوّم (۱۰۵۲ تا ۱۰۷۷ هجری) ساخته شده باشد ، از قراریکه آقای منوچهر چهره نگار در قبال استفسار نگارنده مرقوم داشته‌اند نزدیك به روبروی درب ورود بزرگ مسجد جامع داراب لوحهٔ سنگی در ارتفاع دو یا دومترو نیمی از

---

(۱) میرزا غیاث الدین محمد طهرانی خزانه‌دار وصدراعظم **جهانگیر**شهریار معروف هندوستان (معاصر شاه عباس اول) ملقب به‌اعتماد الدوله از بزرگ زادگان طهران بود که با زن وفرزند خود عزم رحیل هند نمود وخود وخانواده‌اش سرگذشت افسانه مانند پیدا کردند - دخترش نورجهان به‌همسری جهانگیر درآمد وپسرش آصف خان پس از فوت پدر جانشین وی گردید و دختر آصف‌خان بنام **ممتازمحل** همسر **شاه‌جهان** هندی شد که بفرمان وی بنای معروف‌ومنحصر **تاج‌محل** را برآرامگاه همسرش درآگرا ساخته و پرداخته‌اند وشهریار مزبور نیز درکنار همسر خویش‌درتاج محل بخواب ابدی غنوده است .

کف زمین بر جبههٔ خارجی دیوار شمالی شبستان نصب بوده که تاریخ بنای مسجد ووقفنامهٔ مربوط بآنرا در برداشته است وچون لوحه در محلّ خود نیست تاریخ قطعی ساختمان مسجد را نمیتوان معیّن نمود واگر قرائنی بدست آید که معلوم سازد بنای مسجد جامع داراب قدیمتر از آرامگاه اعتماد الدّوله است ( و چنین امری بعقیدهٔ نگارنده بدلایلی چند از نظر دورنمی‌نماید ) البتّه براهمیّت‌آن از لحاظ چگونگی تأثیر ونفوذ معماری ایران در هند بسی‌افزوده خواهدشدونظریّات معروض در سطور سابق تغییر یافته تصحیح خواهد گردید .

با توجه بآنچه گذشت چنین برمیآید که هر چند بنای مسجد جامع داراب جنبهٔ معماری وهنری فوق‌العاده ندارد واساساً بطوریکه ازظواهر امر برمیآید نماسازیهای مناره‌ها وقسمتهائی از ریزه‌کاریهای مسجد ناتمام مانده بوده‌است (۱) لکن از لحاظ وضع ساختمان مخصوص‌آن که بشرح بالا به‌بنای مهم آرامگاه اعتماد الدوله شباهت دارد ارتباط وپیوستگی بیشتر فرهنگ و هنر دوکشور باستانی ایران وهند را در قرن یازدهم هجری میرساند وبهرصورت شیوهٔ معماری مشترك ایران وهند ونمونهٔ کارهای استادان ایرانی توأم با تأثیر معماری هندوستان درهردو بنا نمودار است واین ارتباط هنری وفرهنگی امر تازه‌ای نبوده بشرحی‌که در مقدمهٔ کتاب اشاره شد عوامل پایندگی چنین پیوستگی همواره باقی وبرقرار است .

## ذکر برخی زیارتگاهها و اماکن متبرك و مساجد فارس که نا گفته مانده بود

همانطورکه درآغاز قسمت ضمیمهٔ کتاب اشاره شد ضمن عکسهائی که آقای مهندس هوشنگ سیحون در مسافرت خود در فروردین ماه ۱۳۴۱ از آثار مختلف فارس برداشته ودر بازگشت بطهران به‌نگارندهٔ کتاب ارائه نمودند محلهائی بنظر رسیدکه‌اشاره بنام ومکان‌آنهارا در این‌کتاب بمورد دانست واینك بشرح زیر بمعرفی اینگونه اماکن میپردازد :

### بنای امامزاده در ایزدخواست :

هنگامیکه از اصفهان به‌ایزدخواست میرسند پیش‌از پیچیدن راه بطرف

(۱) بواسطهٔ بی‌سامانی ونامساعد بودن اوضاع قسمتهائی از فارس وازجمله ناحیهٔ داراب در اواخر سلطنت صفویه وسالهای پس‌ازآن‌که فقدان سند تاریخ ووقفنامه هم از اثرات همین قسمت بنظر میرسد .

سراشیبی پائین قلعهٔ قدیمی در جانب چپ جادّه بقعه‌ای با گنبدکاشی که چندان خیز (ارتفاع) ندارد بنظر میرسد، منظر خارجی بنا اهمیّت تاریخی وهنری قابل ذکری را نشان نمیدهد وازهیئت گنبد بنظر میرسد مربوط به‌عهد صفویّه ــ قرن یازدهم هجری ــ باشد.

**امامزاده زاهد در زاهدان نزدیك فسا:**

در زاهدان نزدیك فسا بقعه‌ای سفید رنگ با گنبد بزرگ کاشی سفید و فیروزه ( بطرح خانه‌های مربّع که در اصطلاح عموم شطرنجی نامیده میشود) وجود دارد که **امامزاده زاهد** نامیده میشود.

از هیئت خارجی بنا چنین بنظر میرسد که اصل آن از عهد مغول (قرن هشتم هجری) بوده در ادوار بعدی تعمیر شده است وبتازگی نیز گنبد آنرا بسبك شیوائی که توضیح آن گذشت کاشیکاری وتزئین نموده‌اند وروبهمرفته وضع ساختمانی وبزرگی گنبد وطرز کاشیکاری آن بقعهٔ مزبور را دارای طرح خاصّ بسیار جالب ودیدنی وخوش ترکیب نموده است.

**بقعهٔ سید شمس‌الدین بیرون شهرفسا:**

به مسافت چند کیلومتری فسا بر سر راه داراب امامزاده‌ای بنام **سید شمس‌الدین** با گنبدکاشی فیروزه فام وجود دارد ودو درخت سرونیزدرمجاورت بقعه بر زیبائی ومنظر روحانی آن افزوده است ووضع بقعه میرساند که مربوط بعهد صفویّه حتی پیش‌ازآن بوده در ادوار بعدی تجدید ومرمّت گردیده است.

**امامزاده‌پیرمراد نزدیك داراب:**

هنگامیکه از فسا بداراب میروند در حدود سه کیلومتر مانده بداراب بقعه‌ای بنام **امامزاده پیرمراد** در کنار صخرهٔ کوهستان با منظر جالبی دیده میشود که دارای گنبدی شبیه تخم‌مرغ بر فراز بدنهٔ بلندی است ودو منارهٔ آجری جلو آن قرار دارد واز هیئت ظاهری بنا بر میآید که چندان قدیمی

نیست و اگر اثر تاریخی وباستانی در آن باشد اطّلاع دربارهٔ آن نیازمند دقّت و بررسی از نزدیك خواهد بود .

**شاهزاده ابو القاسم ابن موسی ابن جعفر در داراب:**

امامزاده تازه سازی بنام فوق در داراب موجود است که اگر اثر قدیمی هم داشته باشد چون چیزی در عکس آن مشهود نشد نتوانست دربارهٔ آن اظهار نظر نماید واطّلاع بیشتر در این مورد بستگی به ملاحظه وبررسی از نزدیك دارد .

**بقعهٔ پیرمراد در اصطهبانات:**

بنای نسبتاً مجلّلی بنام **امامزاده پیرمراد** با گنبد کاشی سفید که مزیّن به نقوش طرح لوزی است در اصطهبانات وجود دارد ، دو منارهٔ کوچك وایوانی در جلو آن واقع وتا حدّی به بقعهٔ شاه چراغ شباهت یافته است . حوض درازی نیز در محور بقعه ساخته‌اند که بر زیبائی آن میافزاید .

**مسجد جامع اصطهبانات:**

آنچه از روی عکسهای داخل مسجد جامع اصطهبانات معلوم میشود محرابی از عهد صفویّه (قرن یازدهم هجری) با گچبریهای ظریف و ریزه‌کاری دقیق در کنار شبستان مسجد مزبور وجود دارد که براثر دودزدگی متمادی و شدید سیاه گردیده است ومنبری هم در نزدیك محراب هست وبدینقرار رویهمرفته اثر مهمّی بشمار نمیرود .

**آرامگاه منسوب به شمس در اصطهبانات:**

در ادارهٔ فرهنگ اصطهبانات آرامگاهی است که بنام **شمس** خوانده میشود ولی دربارهٔ شخصیّت صاحب قبر اطّلاعی بدست نیامد .

**بقعهٔ شاه شاهان در جهرم:**

زیارتگاهی بدین نام در جهرم هست که دارای گنبد آجری وکاهگلی

بوده در گوشهٔ صحن نسبتاً وسیعی قرار دارد واز روی عکس آن بنظر نرسید که جنبهٔ تاریخی وهنری قابل توجّهی داشته باشد .

**بقعهٔ شاهزاده حسین در جهرم:**

زیارتگاه دیگری هم بنام **امامزاده شاهزاده حسین** در جهرم موجود است که گنبد آنرا بتازگی کاشیکاری کرده‌اند ودر ایوان آن مخصوصاً در یزدی‌بندیهای سقف ایوان نقاشیهای عهد صفویه باقی وپایدار است وازاین‌لحاظ تا حدّی اهمیت هنری وتاریخی دارد .

**مسجد جامع جهرم:**

مسجدی است با وضعی ساده وایوانی هم جلو آن ساخته‌اند واهمیّت مخصوصی ازلحاظ سبك ساختمانی وجنبهٔ تاریخی در آن بنظر نرسید .

**بقعهٔ شاهزاده اسدالدّهر در جهرم:**

این زیارتگاه دارای گنبد آجری ساده وبلندی شبیه گنبد بقعهٔ شاهزاده عبدالمهیمن درریشهر (ش۲٤٦) بوده وازآثار بالنّسبه جالب توجّه متبرّك وديدنی جهرم است وتصوّر نمیرود پیشینهٔ تاریخی آن چندان زیاد باشد .

**امامزاده سیّد محمد در بیشاپور:**

در گوشه‌ای از ویرانه‌هـای شهر شاپور (بیشاپور) بقعهٔ کوچکی با گنبد کوچك کاشی بنام **امامزاده سید محمد** هست که‌احتمالاً مربوط به عهد صفوی و شاید هم قدیمتر باشد .

**امامزاده پیر در سرمشهد:**

نزدیك نقش برجستهٔ معروف سرمشهد (به صفحات ۱۱٦ و ۱۱۷ وتصاویر شمارهٔ ۱۷۸ و ۱۷۹ مراجعه شود) بقعهٔ ساده‌ای بنام **امامزاده پیر** موجوداست که آنرا با سنگ وگچ ساخته‌اند وطاق ضربی بزرگ یك‌پوشه بر فرازآن زده‌اند وهیچگونه تزیین واهمیّت مخصوص تاریخی وهنری ندارد .

### امامزاده در کمارج:

آبادی کمارج بین کازرون و کنارتخته واقعست ، در کمارج بنای امامزاده‌ای وجود دارد که آنرا با سنگ ساخته‌اند و گنبدی مدوّر بر فراز بنائی که بصورت چند پلّهٔ بزرگ بنیاد گردیده است استوار نموده‌اند وبطور کلّی معماری محلّی جالب توجّهی در هیئت خارجی بنا مشهود میگردد وبنظر نمیرسد که قدمت آن چندان زیاد باشد .

### ویرانه‌های پل قدیمی در راه کازرون به‌بوشهر :

برسر راه کازرون به‌بندر بوشهر یازده کیلومتر پیش از رسیدن به دالکی (دالکی تقریباً در نیمه راه کازرون ــ بوشهر قرار دارد ) ویرانه‌های پل قدیمی هست که برای علاقه‌مندان بآثار معماری کهن شایستهٔ توجّه وبررسی است .

### امامزاده نزدیك امامزاده عبدالمهیمن (شبه‌جزیرهٔ بوشهر) :

علاوه بر امامزاده عبدالمهیمن که طی صفحات ۴۲۶ و ۴۲۸ بدان اشاره شد (ش ۲۴۶ ــ صفحهٔ ۴۶۰) امامزادهٔ دیگری در نزدیکی همان بقعه وجود دارد که گنبد آن کوتاهتر و کم‌خیزتر از گنبد امامزاده عبدالمیهمن است و در ردیف گنبدهای معمولی عهد صفویّه بوده از وضع هیئت خارجی‌آن برمیآید که به دوران اخیرالذّکر یعنی قرن یازدهم هجری مربوط ومتعلّق باشد .

آنچه برائر مشاهدهٔ عکسهائی که آقای مهندس سیحون از مسافرت سابق‌الذکر خود در فارس برداشته بودند مناسب بنظر رسید در سطور گذشته توضیح داده شد واینك اطلاعات چند دیگر دربارهٔ برخی از امکنه وآثار تاریخی فارس مرقوم میرود .

### آثار تاریخی ارسنجان :

ارسنجان نام شهر کوچکی است که در جاب جنوب شرقی سعادت‌آباد (مذکوردرصفحات ۸ و۱۶ و۱۷ کتاب) واقع شده است وبرای رفتن بآنجا هم از سعادت‌آباد وهم از جلگهٔ خفرك (مذکور در صفحهٔ ۱۸ کتاب) میتوان بانجام منظور نائل‌آمد ــ در کتاب آثار عجم (ص۲۴۱) دربارهٔ ارسنجان چنین مینویسد :

« ارسنجان ...... مساجد بزرگ وبا صفا دارد و مدرسهٔ باشکوه وزیبا که در زمان شاه سلطانحسین صفوی بنا نهاده شده برپاست ..... »

هنگام تدوین مطالب قسمت ضمیمهٔ کتاب تصادفاً با آقای دکتر مصطفی رئیس السادات (از دبیران وزارت فرهنگ ومعاون دفتر فنی ادارهٔ کل انتشارات ورادیو) که خود از مردم ارسنجان هستند از سابقهٔ تاریخی آن محل صحبت شد وایشان بنا بر تقاضای نگارنده مطالبی دراین باره نوشته باختیارم گذاردند که عیناً در اینمورد نقل مینماید :

« **ارسنجان** ـ در چهار فرسنگی شرق سعادت آباد فارس شهر ارسنجان واقع است . این شهر در میان درّه‌ای است و شمال وجنوب آن دو رشته کوه فرعی‌سر کشیده که‌ازرشته کوههای زاگرس‌ریشه گرفته‌انداین‌دو کوه ازنیمه‌تنه ببالا پوشیده ازدرختان‌جنگلی‌است . درغرب‌ارسنجان‌یعنی‌درراه میان سعادت‌آباد وارسنجان جنگل بزرگی‌است که ازدو طرف کوههای پوشیده ازدرخت نیز آن را احاطه کرده است ارسنجان ازجنوب شرقی‌به خفرك راه دارد ودراین‌راه دهکده های بسیاری هست که به توابع ارسنجان معروف‌اند این دهکده ها تا دهکده‌های معروف به کُربال که‌ازبند امیرآب میگیرند امتداد دارد .

«درشمال شرقی ارسنجان درّهٔ بسیار طولانی است که میان و کوههای پیرامون آن پوشیده ازدرختان جنگلی‌است واین‌جنگل تاحوالی کرمان امتداد دارد . این درّه بنام «تنگستان» خوانده میشود .

«درختان جنگلی ارسنجان بیشتر پسته وبادام کوهی است . پستهٔ کوهی را بزبان‌محلّی «بِنِه» وبادام کوهی‌را«الوك» میگویند . ارسنجان دارای رشته‌قناتهائی است که شهر وزمین‌های زیر کشت آنرا آب میدهند وهمه از شرق ارسنجان سرچشمه میگیرند .

« ارسنجان در حدود ده هزار جمعیّت دارد و تاپیش از تقسیمات جدید جغرافیائی این شهرمرکزحکومت نشین وسیعی بوده که ازمرو دشت تا ده بید وازکُربال وخرامه وخفرك تاآبادهٔ طشت درقلمرو آن بشمارمیرفته است .

«ارسنجان دارای یك‌مدرسهٔ قدیمی است که نمای‌آن ازسنگهای بزرگ تراش ساخته شده و بمانند سگوی بسیار زیبائی درمیان شهرخود نمائی میکند وازآثاربسیار ارزندهٔ زمان صفوی است وازروی سبك خاص وعلمی آن روزگار

معماری شده و دروضع خود بیمانند است .

«ونیزدر ارسنجان دومسجد بزرگ بنامهای «مسجد جامع» ومسجد«بالا» وجود دارد وهردو دارای شبستان بزرگ ونمازگاه های عالی وزیباهستند .

«درتپّه های جنوب شرقی ارسنجان نقش‌هائی برسنگ و جود دارد ونیز درتپّه‌های شمال شرقی آن آثاری ازبناهای قدیمی بچشم میخورد ونمونه‌هائی از کوره‌های ذوب فلزّ وشیشه سازی پیدا شده که میرساند این شهر در روزگار گذشته آبادترازین بوده است وشایدآثارباستانی درآنجاها بتوان پیدا کرد» .

مدرسهٔ قدیمی مذکور درسطورفوق که بشرح سابق الذّکر درکتاب آثار عجم نیزبدان اشاره رفته است بنام **مدرسهٔ سعیدا** یا **مدرسهٔ سعیدیه** خوانده می‌شود .

درکتاب آثار عجم اشاره به لوح مزار خیلی بزرگی هم میکند که در قبرستان ارسنجان وجود داشته و نام طهماسب برآن مرقوم رفته بوده است و «میگویند این‌شخص‌شاهی‌بوده که شش‌ماه درآنجا سلطنت نموده ولی معلوم نشد که ازچه سلسله ودرچه زمان بوده است» (۱) .

## شکفت ضحاك

مؤلّف آثارعجم درضمن معرّفی «آثاری که درارسنجان وتوابع آن است» چنین مینویسد : « از جمله شکفت ضحّاکست مایل بطرف جنوب قصبه بمسافت دوفرسنگ ونیم‌میگویند چون‌فریدون ضحّاك‌رادستگیرساخت‌قبل ازآنکه اورا درکوه دماوند حبس نماید چندی هم در اینجا محبوسش داشت واین‌شکفت از جاهای غریب وعجیب است بسیاربزرگ وطولانی وعمیق بمحض‌اینکه داخل‌آن شوند وحشت عظیمی روی میدهد که بسی‌هولناك است . روبعقب‌آن جز با جمعیّت وباچراغان متعدّده نمیتوان رفت امّابعضی که رفته‌أند انتهای‌آنرا یافته‌اند...»(۲)

باتوجّه به موقعیّت محلّ‌بخوبی میتوان دریافت که ناحیهٔ مزبوراعمّ ازشهر

---

(۱) ـ کتاب آثارعجم ـ ص ۲۴۲ (۲) همان کتاب وهمان صفحه .

وتوابع ارسنجان و نقاط اطراف و دور ونزدیك آن نیزازجمله محلّهای مختلف شایستهٔ تحقیقات و بررسیهای تاریخی دراستان فارس محسوب میگردد .

# اطلاعاتی دربارهٔ برخی آثار تاریخی شمال فارس که در تابستان ۱۳۴۱ مورد بازدید و بررسی پرفسور واندنبرگ قرار گرفته است

درمردادوشهریور ۱۳۴۱ پرفسورواندنبرگ بلژیکی برای ادامهٔ بررسیهای تاریخی و باستانشناسی خود باردیگر بایران آمد وبا موافقت وهمکاری مقامات مختلف ایران مسافرتهائی بنواحی شمال ومغرب فارس نمود ومجدداً سفر کوتاهی هم به فیروزآباد کرد . آقای حسین کریمی از مأموران فنی ادارهٔ کل باستانشناسی ازطرف آن اداره همراه پرفسور نامبرده بود وپس ازپایان مسافرت مزبور بنابر در خواست نگارنده بدستور جناب آقای حسن مشحون سر پرست ادارهٔ کل باستانشناسی رونوشتی ازگزارش مأموریت آقای کریمی باختیار اینجانب گذاره شد ووظیفهٔ خود میدانم دراینمورد مانند موارد دیگری که ازاینگونه مساعدتهای ذیقیمت بهره‌مند بوده‌ام‌مراتب سپاسگزاری صمیمانهٔ خودرا معروض دارم پرفسور واندنبرگ نیزطی‌نامهٔ کوتاهی چند عکس از آثارمورد بررسی اخیرخود را جهت نگارنده فرستاد که ازآن جهت هم امتنان‌کامل‌اظهارمینمایم و آنچه در این‌باره طی سطور آینده بعرض خوانندگان گرامی میرسد با استفاده ازگزارش و عکسهای مزبورتهیه گشته ومذکورافتاده است :

پرفسورواندنبرگ درنامهٔ مورّخ ۲دیماه ۱۳۴۱خودنتایجی‌را که‌ازمسافرت فوق بدست‌آورده بشرح زیریادنموده است :

۱ـ مشخّص کردن راههای باستانی درقسمت شمالی فارس .

۲ـ مشاهده وبررسی ویرانه‌های کاروانسرائی از آغاز دوران اسلام در **کوشك زرد**(۱) که بااستفاده ازمصالح‌ساختمانهای پیش‌ازسلام (پایه‌های‌سنگی‌ـ

(۱) نام اینمحل در صفحهٔ ۳۲۷ کتاب حاضر **کوشك زر** ذکرشده است ـ درکتاب سرزمینهای‌خلافت شرقی‌تألیف لسترنج Le strange ترجمهٔ‌آقای محمود عرفان شمارهٔ ۱۵ مجموعهٔ ایرانشناسی ـ (ازانتشارات بنگاه ترجمه و نشرکتاب ـ چاپ طهران ۱۳۳۷ ـ صفحهٔ ۳۰۲) بنام **کوشك زرد** معرفی گردیده ضمناً اشاره شده است‌که در فارسنامهٔ ابن بلخی آنرا بصورت **کوشک‌زر** ذکر کرده‌اند .

تخته سنگهای تراش بزرگ) آنرا ساخته بودند .

۳ـ اطّلاع بروجود نیایشگاه مهمّ ومعتبری ازدورهٔ ساسانیان بانوشتهٔ پهلوی در **تنگ جلو** .

۴ـ پنج پایهٔ جایگاه آتش در **سمیرم** .

۵ـ بقایای یك چارطاق در **موك** (ش ۲۹۳) برسرراه شیراز وفیروز آباد پس از گذشتن از کوار[۱] .

۶ـ توجّه به نقش برجستهٔ سنگی عهد اشکانی در **بیدزرد** [۲] .

۷ـ بررسی نقش برجستهٔ سنگی در**هنگ (بضم ه) نوروزی** [۳] ( که برخلاف نظریّهٔ عمومی مبنی برانتساب آن به عهد ساسانی مربوط به عهد مزبور نبوده ومتعلّق بدورهٔ اشکانی است) .

۸ـ بررسی مفصّل نقوش برجستهٔ دوران عیلام در **مال امیر** .

از مطالب هشتگانهٔ بالا دو قسمت آخرآن چون مربوط به‌ناحیهٔ بهبهان واستان خوزستان میباشد دراینمورد توضیحی دربارهٔ آنها داده نمیشود وراجع به آثاردیگرضمن نقل قسمتهائی از گزارش مورخ ۴۱/۷/۱۹ آقای حسین کریمی مأمور فنی ادارهٔ کل باستانشناسی (کـه بشرح سابق الذکر رونوشتی از آن باختیار اینجـانب گـذارده شده است) اطلاعات مفید بیشتری در صفحات بعدی ازنظر خوانندگان محترم وعلاقه‌مند میگذرد .

(۱) ـ درکتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور جلد دوم (از نشریات ادارهٔ کل آماروثبت احوال ـ چاپ طهران ۱۳۲۹ ) ـ ص ۳۱۵ ـ ده موك از دهستان خواجه از توابع فیروز آباد معرفی شده است ـ آقای حسین کریمی بـا همکاری خانم فاطمهٔ مهران در تحصیل این اطلاع و ملاحظهٔ نام موك درکتاب مزبوربانیجانب یاری فرموده‌اند .

(۲) در همـان کتاب (ص ۲۵۶) بید زرد سفلی و بید زرد علیا از دهات دهستان حـومهٔ (قرا باغ) شیراز معرفی گردیده است ـ آقای حسین کریمی با همکاری خانم فاطمهٔ مهران در این مورد نیزمانند آنچه دربارهٔ موك توضیح داده شد ابرازمساعدت فرموده‌اند .

(۳) درگزارش آقای کریمی که بادارهٔ کل باستان شناسی تسلیم داشته‌اند نام این محل **هنگ** یا **خُنگ اژدر** ذکرشده است .

## آس‌پاس (تپه‌های ماقبل تاریخ نزدیک آن)، چشمه‌نار (تنگ جلو)، کـــومه (تل شاهی ـ تل وزیری)، قلعه مختارخان، داش قلعه سی یا دژ بهمن، سیمرم، گوشك زرد، ابرقو وهك، مائین (منطقهٔ ابرج)، ملك آباد (باوك کامفیروز ـ سد درودزن ـ میل تنگ دختر) گوشگك، کوه ایوب

درگزارش مورخ ۴۱/۷/۱۹ آقای کریمی چنین نوشته شده است:

«اینك به ترتیب مناطقی که مورد بازید وبررسی و عکسبرداری و گمانه زنی قرارگرفته استبشرح زیر گزارش میگردد:

«۱ـ **آس‌پاس**: اولین نقطه‌ای که بازدید شد **آس‌پاس** تقریباً در ۲۲ فرسخی مغرب ده بید قرارداشت دربین راه ده بید به آس‌پاس نزدیك حسن‌آباد تپه‌ای بود که تکه سفالهائی ازظروف ماقبل تاریخ دراطراف آن دیده میشد ولی بعلت کوچکی تپه ونبودن کارگرمورد گمانه زنی قرارنگرفت.

«درآس‌پاس باطلاق معروف به **گور بهرام‌گور** و **تپه سید عبداللهی** مورد بازدید واقع شداین تپه که در۳ کیلو متری آس‌پاس قراردارد خاك برداری شده وزارعین خـاك آنرا برای زراعت برده‌اند تکه سفالهای زیادی همزمان تل باکون (۳۵۰۰ ق.م) دراطراف آن دیده میشد.

«در۶ کیلومتری جنوب آس‌پاس نیزچند تپه درمحوطهٔ وسیعی جلب توجه میکرد که حاکی ازوجودشهری درابتدای اسلام بودوتکه سفالهای اطراف آنها مؤید این موضوع بود.

«درجوار آس‌پاس دهی بنام **بابائی** واقع شده که دارای تلی به قطر ۵۰ مترو ارتفاع ۲۰متر بود وقطعات سفال مکشوف درآن مربوط به اواخرعهد ساسانی واوائل دورهٔ اسلامی است. همچنین درنزدیکی این تپه و درمغرب چشمه‌ای که معروف به **چشمهٔ سلاطین** میباشد تپه‌ای بنام **پهلوانی** نظیرتل بابائی مورد

بازدید وبررسی قرار گرفت .

«۲ـ **چشمه ناز (تنگ جلو)** ـ درمسیرراه بین‌ده **خسروشیرین** و **کومه** و بفاصلهٔ ۱۸ کیلومتری شرق کومه و درابتدای تنگ طویلی که به **تنگ‌جلو** معروفست قبرستانی از اوائل عهد اسلام در کنار راه وجود دارد . دراین منطقه دومیل سنگی مربوط به یك آتشکدهٔ ساسانی جلب توجّه میکنند . یکی ازاین میلها ازمحلّ خود به‌کنارقبرها منتقل گردیده و گویا برای استفادهٔ قبوراسلامی حمل شده است . اما میل دوّمی در کنارپایه های سنگی خودبه حال افتاده دیده می‌شود .

« درمجاور این میل وپایه های سنگی آن تخته سنگهای زیادی بود که برروی یکی‌ازآنها نبشته‌أی به خطّ پهلوی ساسانی‌در ۹ خط منقور بود ، گرچه حوادث ایّام آسیب زیادی به خطوط آن وارد کرده بود مع‌الوصف بازحروف آن مشخّص میگردید .

«۳ـ **کومه** : در نزدیکی کوه **دنا** در مسیرراه فرعی آس‌پاس به سمیرم قریه‌ای بنام **کومه** قراردارد ، دراین آبادی دوتل بزرگ یکی بنام **تل‌شاهی** ودیگری بنام **تل وزیری** بین‌اهالی قریه معروفست ، قلعهٔ این آبادی برروی تل‌شاهی بناشده وباتل وزیری در حدود ۲ کیلو مترفاصله دارد . تل وزیری پس ازمطالعه مورد گمانه زنی آقای دکتر واندنبرك قرار گرفت .

«مشخّصات تل‌وزیری : ارتفاع ازپای تپّه تاسطح فوقانی با توجّه به شیب تپّه ۳۸ متر ، محیط تپّه ۲۵۰ متر، در گمانه زنی این تپّه که ۲روزطول کشید در قسمت فوقانی وشمال‌آن آثار یك ساختمان قدیمی ماقبل تاریخ آشکار شد .این ساختمان از خشتهای نیم‌پز با ابعاد ۱۲ × ۲۷ × ۴۳ سانتیمتر ساخته شده و قطر دیوارهای‌آن‌بالغ بر‌۴۸ سانتی‌متر وطول‌هر دیوار اطاق مکشوفه ۲/۲۰ متربود ، روی دیوارها باآندودی از گل‌سفیدرنگ پوشیده وسفیدکاری‌شده بود.

« چون برای کاوش تپّه وقت زیاد لازم بود لذا آقای واندنبرگ عملیّات گمانه‌زنی را متوقف‌نمود به‌عقیدهٔ نامبرده این ساختمان مربـوط به قوم پارسوا

(۷۰۰ق. م) بود ، در این گمانه‌زنی چون به کف ساختمان نرسیدیم آثارمنقول بدست نیامد .

«۴ ـ بازدید **قلعهٔ مختارخان** : این قلعه بین راه کومه به‌سمیرم درده کیلومتری جادّهٔ فرعی‌ازده **حنا** قراردارد وشامل یك‌قلعهٔ‌سنگی‌بزرگی‌دربالای کوه مرتفعی‌میباشد (ش۲۹۴) در کمر این کوه کتیبه‌أی لایقرا دیده میشد و در پای کوه دوحوض‌بزرگی که درسنگ کنده‌شده بودوجودداشت که گویا مخازن آب‌ساکنین‌قلعه بوده‌است.

«هریك‌ازاین‌مخازن‌سنگی، دارای۱۱مترطول و۴/۳۰ مترعرض‌و۳/۳۰ متر عمق‌و۱۳عددپلّه‌بود که‌طول‌هر کدام ازپلّه‌ها ۷۰سانتی‌متروعرض‌آنها۲۸سانتی‌متر وبلندی‌هریك۲۵سانتی‌متربود .

«درقلّهٔ کوه که بنام **داش‌قلعه‌سی یا دژبهمن** نامیده میشد برروی ۴ستون سنگی که درچهارطرف سطح‌فوقانی کوه قرارداشت کتیبه‌هائی برجسته‌و گودنقر شده بود ولی بمناسبت آنکه امکان‌صعودبرای‌ما میسّرنبودآقای دکترواندنبرگ وسیلهٔ آموزش یك کوه‌نورد محلّی به فنّ عکاسی توانست از این کتیبه‌ها عکسبرداری کنند .

«این‌چهارستون‌سنگی وسیلهٔ دیوارهای چینه‌أی‌اطراف ، سطح‌فوقانی کوه رابشکل‌قلعه‌درآورده‌بود . کتیبهٔ‌دیگری به‌خطّ عربی درجنوب‌این کوه برسینهٔ سنگ‌دیده میشد.

«۵ ـ **سمیرم** : درسمیرم۵ میل‌سنگی(آتشکدهٔ ساسانی) بشرح‌زیربازدیدو اندازه گیری وعکسبرداری شد :

«الف ـ ۲میل‌سنگی استوانه درتنگ‌سیل(در داخل‌شهر سمیرم) با۱۴متر فاصله از همدیگر .

اندازه‌های‌این‌میلها عبارتنداز۲/۲۸ متردرازا و۰/۳۹مترقطر.

«این۲ میل درکنار منازل مسکونی اهالی‌قرارداشت‌و یکی‌ازآنها بدیوار خانهٔ‌یکی ازساکنین وصل‌بود.

«ب ـ ازمیل‌سنگی‌دیگری باهمین مشخّصات در ٤ کیلومتری‌جادهٔ سمیرم‌به شهرضا عکسبرداری‌شد(ش۲۹۵) این‌میل درهنگام باریدن برف که جادّه‌مشخّص نیست‌برای‌راهنمائی مسافران علامتی اطمینان‌بخش بشمار میرود.

«ج ـ در ۲ کیلومتری جنوب سمیرم یك میل دیگر که در داخل گودی خوابیده بود اندازه گیری و عکسبرداری شد . مردم سمیرم هنگام طلب باران این میل را برپا میکنند و مراسم نماز بجا میآورند و سپس آنـرا بحال پیشین برمی گردانند .

«د ـ پنجمین‌میل سنگی برروی تپّه‌أی طبیعی در مشرق سمیرم و در فاصلهٔ ٦ کیلومتری وجود داشت که آن نیز اندازه گیری‌وعکسبرداری شد . این‌میل‌هم زیارتگـاه مردم حول وحوش بوده اطراف آن سنگهای علامت نیازبرروی زمین بتعدادزیاد نهاده‌اند .

(شمارهٔ ٦ مذکور درگزارش آقای کریمی مربوط به‌چارطاقی ومسجد ایزدخواست‌است که چون در صفحهٔ اول کتاب بمعرفی آن پرداخته است لذا از نقل این قسمت گزارش مزبور خودداری گردید) .

«۷ ـ **گوشگ زرد** : پس‌از طیّ ۱۰ فرسخ ازآباده ، از طریق اقلید و آب‌باریك به کوشگ‌زرد رسیدیم ،دراین ده که مردم بسیارفقیری دارد وآبادی کوچکی‌را تشکیل‌میدهد از سه تپّه که نمونه‌های سفال های‌پیش ازتاریخ نظیر تل‌باکون‌داشت بازدیدشد و چون خرابه های یك ساختمان سنگی بـزرگ در مجاور تپّه‌ها بود (ش۲۹٦) اقدام به‌عملیّات گمانه‌زنی وخاکبرداری گردید.

« ابتدا آقای واندنبرگ تصوّر می کرد که این منطقه همان شهر **نسیا** میباشد کـه اسکندر پس از آتش زدن تخت جمشید بـه آنجا آمـد و مـدّتی به‌استراحت‌پرداخت .

« عملیّات خاکبرداری ابتدا از سردرب عمارت خرابـه آغاز گردید و دو تخته‌سنگ بزرگ که درواقع شکل مثلّث داشتند ولی ضلع سوّم آنها کمانی ودارای‌نقوش سبك‌یونانی بصورتی بسیار زیادبود پیداشد ، این‌دو سنگ بااتّصال بیکدیگر سردرب‌ورودی بنارا تشکیل میداده است ،حریم‌و پایه های کلّیهٔ این

بناو تهستون‌های‌داخل بناهمه ازتخته‌سنگ تراشیده بود.

«پس‌از آنکه‌عملیّات خاکبرداری ادامه‌یافت محلّ پایه‌های چهار برج‌در چهار گوشهٔ بناآشکارشد.

دیوارها وسقف‌بنا ازآجرهائی‌به‌ابعاد۲۵×۲۴×۵سانتی‌متر ساخته شده‌و زینت‌های اطراف‌درب‌ورودی راکاشی‌های معرّق لوزی‌شکل برنگهای زردوآبی وبنفش‌قرارداده بودند ،بطور کلی این عمارت دارای‌حیاطی دروسط و اطاقهائی باانضمام راهروهائی در چهارطرف بودکه راهروها نیز از تخته سنگ مفروش گردیده بود.

گرچه‌این‌ساختمان‌اسلامی‌و اهالی‌نیزآنراکاروانسرای‌شاه‌عبّاسی‌مینامیدند وازآجرهای‌آن دیوارهای‌قلعهٔ خودرا ساخته‌بودند ولی بدون‌شک سنگهای‌آن مربوط به یك‌کاخ قدیمی و باستانی‌تر بود و احتمال قوی داشت که حدس آقای واندنبرگ صحیح باشد ، طول این کوشك ۵۲/۴۰ متـرو عرض‌آن ۴۸/۲۰ متر اندازه گیری‌شد ،عملیّات‌خاکبرداری‌سه‌روزطول کشید.

«درقریه‌**کولار** که‌درنزدیکی کوشك‌زرد بود خرابه‌های چنین ساختمانی وجود داشت که از تخته سنگهای آن اخیراً برای ساختن حمّـام ده استفـاده کرده بودند.

«۸- **ابرقو و هك** : دراین منطقه‌آقای واندنبرگ ازقلعه‌ویك چهارطاق عهداسلامی بازدید و عکسبرداری نمود.

«۹ - **مائین (منطقهٔ ابرج)** در مائین یك کاروانسرای دورهٔ صفویّه تقریباً سالم‌باقیمانده که غیر از سنگهای سردرب (که بدون‌نقش است) بقیّهٔ بنا تقریباً شباهت‌بکاروانسرای کوشك زرددارد ، کلّیهٔ قسمت‌های این‌کاروانسرا نیز توسط آقای‌واندنبرگ اندازه گیری‌وازجهات‌مختلف عکسبرداری شد.

«۱۰ - **ملك‌آباد - (بلوك کام‌فیروز)** دراین‌منطقه آثارساختمان یك‌سدّ قدیمی بنام **درودزن**‌ویك میلهٔ‌سنگی بنام‌**میل‌تنگ‌دختر** نزدیك‌سدّوجوددارد که دارای‌سه کتیبه میباشد ،دو کتیبهٔ‌آن بزبان‌عربی و کتیبهٔ سوّم بزبان فارسی‌و در

زمان ناصرالدّین‌شاه (۱۳۰۸هـ.) نقرشده و مربوط بتاریخ تعمیرات سدّدرودزن و سهم‌آبیاری بلوك **رامجرد** و بلوك **کام‌فیروز** است، تخته‌سنگهای سدّدرودزن و میلهٔ مذکوروسیلهٔ آقای واندنبرگ اندازه گیری وعکسبرداری‌شد.

«۱۱ـ **کوشکك** ـ در کوشکك کوهی باسم **بانش** وجوددارد که‌دارای‌دو آستودان بسیار زیبا است بدین معنی که اطراف آستودانها باخطوط مستقیم و منکسر تزئین‌وحاشیه‌بندی شده‌است این آستودانها درمجاوریکدیگر قرارداشت. ازاین‌آستودانها نیزعکسبرداری شد.

«۱۲ ـ **کوه ایّوب** ـ واقع در**فالونك** که تپّهٔ مجاورآن‌چندسال‌قبل‌توسّط آقای‌واندنبرگ حفّاری شده بود دارای یك قبردر ارتفاع زیادی بود که امکان ورود بآن‌ممکن‌نگردید ، این‌قبرتقریباً براساس‌قبور سادهٔ هخامنشی ساخته شده که‌عکس آن‌نیز گرفته‌شد».

در گزارش آقای کریمی از بازدید ایشان باتفاق آقای پرفسور واندنبرگ از آثار تاریخی دیگر فارس که درکوئیم وخاك ممسنی قرار دارد و همچنین از بررسیهائی که در آثار باستانی بهبهان وایذه‌و مال‌امیر صورت داده‌اند نیز اطلاعاتی مرقوم گردیده است که از این‌جمله آنچه درخاك فارس واقع میباشد درصفحات گذشتهٔ کتاب معرفی گشته استو آنچه مربوط به سرزمین خوزستان است دراین‌کتاب توضیح داده نمیشودلذا ازنقل قسمت‌های دیگرگزارش مورد ذکرخودداری مینماید .

## توضیح بیشتر دربارهٔ بقعهٔ امامزاده حمزه (ع) واقع در بوانات

در صفحهٔ هشتم متن کتاب درباره اثر تاریخی **امامزاده حمزهٔ بوانات** توضیح مختصری مرقوم واشاره گردید که تاریخ مذکور درآن ۹۵۳ هجری است و چون اطلاع بیشتری نداشت و عکسی‌هم ازآن در دست نبود که مندرج گردد ناچار بذکر آنچه‌گذشت اکتفا نمود ، هنگامی که صفحات این قسمت کتاب زیر چاپ بود گزارش آقای رحمت‌الله ناتوان ازکارمندان بسیار باقریحه و علاقمند ادارهٔ باستان‌شناسی فارس دربارهٔ بقعهٔ مورد ذکر همراه نامهٔ شمارهٔ ۳۳۸۱ ـ ۴۱/۱۲/۹ ادارهٔ نامبرده که برای تأمین نظریات ادارات کل اوقاف وباستانشناسی‌محل تاریخی مزبوررابازدید کرده بودند به‌ادارهٔ کل‌باستانشناسی‌رسیدوازراه‌معاضدت‌درتکمیل‌مطالب کتاب‌حاضر

نگارنده‌هم توفیق استفاده ازگزارش را بدست آوردم (۱) ( که مانند موارد دیگر نظیر چنین موقعی موجب سپاسگزاری وامتنان‌کاملم را فراهم‌ساخته و میسازد) واینك آنچه درخور ذکردر اینمورد میشناسد از گزارش مزبور اقتباس ونقل می‌نماید :

بنای کنونی امامـزاده (۲) عبارتست از یك گنبد مدوّر (ش۲۹۷) بارتفاع تقریبی۱۶متر که سبك طاق مدوّر آن‌عیناً به‌قیصریّهٔ بازارلار شباهت دارد ،دور تادور بدنهٔ اطاق‌در فواصل معیّن کتیبـه های کوچکی از خطّ کوفی‌تزئینی‌قرار گرفته . سه‌شاه نشین درجهات شمال وجنوب ومشرق‌واقع شده و درب ورودی رو به‌مغرب بازمی‌شود، محوّطهٔ امامزاده عبارت‌است‌ازفضای‌نسبتاً‌بزرگی که‌درختان چنار کهنسالی بر ابهّت سکوت آن‌میافزاید، درب ورودی حیاط امامزاده نیز در سمت باخترقرار دارد که‌سر درآن‌فرو ریخته وتنهاقسمت جزئی از گچ‌بریهای آن باقی مانده است ، این گچ بریها یکی از نفیس‌ترین آثار هنری قرن دهم هجری‌بشمارمی‌رود ، تناسب شگرف وخوش‌حالت اسلیمی‌ها بانقوش بدیع وزنده وصحنه‌های جاندار وستیزآمیز نزاع‌شیر وآهو در کنار حالت بیخبری مرغان آوازه‌خوان علاوه براینکه حاکی‌ازچربدستی هنرکاران‌است‌بوضعی خیال‌انگیز مبیّن‌هیجانات ومظاهرروحی مردم‌درسواحل کویرمیباشد ....

«درضلع‌دست‌راست‌درب‌ورودی‌اشعاری برقطعه‌سنگی‌منقوراست که‌نصب آن بدستورمیرزا محمّدحسین وزیرصورت گرفته‌وتاریخ‌آن معادل بامجموع حروف ابجدی این مصرع ( بحمدالله دعای خیر حاصل ) یعنی سنهٔ ۱۰۷۴ میباشد . درب امامزاده نیزقدیمی بوده درقسمت بالائی آن آیتی‌ازقرآن بصورت برجسته مرقوم

---

(۱) درصفحهٔ ۸ کتاب حاضرمحل بقعه قریهٔ **باز** ذکرشده است وآقای باتوان‌در گزارش خود قریهٔ مزبور را بنام **بزم** و **بزم‌ده** معرفی‌نموده‌اند .

(۲) در آغازگزارش فوق ضمن ذکر تاریخچهٔ مختصر امامزاده حمزه اشاره رفته است که آن بزرگوار یکی از اولادان امام موسی‌کاظم بوده مقارن باهنگام شهادت حضرت رضا (ع) وتعقیب اولاد بنی‌هاشم از طرف فرمانروایان جابر معاصر خود ظاهراً باتفاق خواهرش‌درآبادی کنونی **بزم** در۲۲ کیلومتری سوریان (مرکز بوانات) مقتول شده یا درگـذشته است و مقبرهٔ خواهر وبرادر بمسافت دویست متری‌یکدیگر قرار دارد. درپایان گزارش نیز مسافت بقعه‌رابیش از هشتاد کیلومتر خارج ازجاده یزد (بطرف مشرق مایل بسمت جنوب) ذکرنموده‌اند .

گردیده است(ش۲۹۸) ، محوّطه‌ای که درب ورودی بدان منتهی می‌شود (مقصود رواق بقعه است) وبوسیلهٔ درب دیگری‌از حرم‌جدا می گردد بوسیلهٔ طاقی‌پوشیده گشته که دارای‌اشکال‌هندسی‌است و گچ‌بریهای‌بسیارزیبائی‌ازسقف‌آن فروریخته وقسمتی نیز زیر گچ‌کاری‌هــای بعدی پنهان مانده است ، گچ‌بریهای فروریخته دراطاقی قرارداده‌شد وباولیاء فرهنگ محل‌توصیه گردید که ازضایع شدن‌آنها جلوگیری‌شود تابعداً در دیوارهٔ مدخل به‌صورت مناسب‌نصب گردد . درضلع‌دست چپ درب دولنگه‌ای خاتم‌کاری ،اطاقی است که‌آنهم از آثار دوران صفوی است دروسط درب‌نوشته‌شده (عمل استادعلی بمان نجار۹۹۳) ودورتادور قسمت بالائی چارچوب باخطّ ثلث زیبائی اسامی‌دوازده امام کنده‌کاری شده، محجرچوبی از سه‌طرف منقّش به کنده‌کاری‌های برجسته میباشد، کــه بدستور شاه عبّاس کبیر (۹۹۴ـ۱۰۳۸)تهیّه‌شده . برروی‌درب محجر(ش۲۹۹) باخطّ ثلث چنین‌نوشته‌اند ، «کتبه‌الفقیر بماندعلی‌فی‌سنه الف‌وسبع»(۱) درضلع‌دیگرمحجراشعاری‌حاکی از اینکه درهنگام سلطنت‌شاه‌عباس اوّل محجر تهیه‌شده مرقوم رفته است (ش۳۰۰) وماده تاریخ تهیّهٔ آن‌هم سنهٔ۱۰۰۷ میباشدو چنین‌سروده شده‌است : (۲)

(۱) بطوری‌که از عکس درِ مزبور برمیآید دو لوحهٔ چــوبی (تنکه) کتیبه‌دار لنگهٔ طرف چپ در محل خود کارگذارده نشده بالا وپائین‌قرار گرفته یعنی محل آنها بایکدیگرتبدیل گردیده است ضمناً نام درودگر سازندهٔ در بر لوحهٔ پائینی لنگهٔ طرف راست مرقوم رفته‌است که بواسطهٔ روشن نبودن خطوط از روی عکس تشخیص کامل آن میسر نگــردید و کلمات عمل استاد وعلی.... درآن ملاحظه می‌شود .

(۲) در حاشیهٔ باریك سه طرف بدنهٔ مستطیل شکل آلت کاری که در شکل۳۰۰ نمودار است پنج بیت بخط نستعلیق کمی برجسته بر زمینهٔ سادهٔ چوب نگاشته‌اند کــه از روی عکس ضمیمهٔ گزارش بشرح زیرخوانده شد(آخرین بیت‌آن حاوی‌تاریخ ودرمتن گزارش‌مذکور است):

بدور سلطنت شاه عادل باذل — ابوالمظفر عباس شاه عرش جناب
بلند مرتبه شاهی که‌باب‌فتح‌وظفر — گشاده است برویش مفتح الابواب
غلام شاه چخانشاه (؟)ابن‌ابراهیم — که هست خادم آل‌محمد و احباب
زروی‌صدق‌وصفاساخت‌این‌محجررا — دراین مقام شریف ازبرای‌نیل‌ثواب
چوفیض‌لم‌یزلست‌این تو نیز تاریخش — اگرطلب کنی ازفیض‌لم‌یزل دریاب

«چو فیض لم‌یزل است این‌تو نیز تاریخش    اگر طلب کنی از (فیض لم یزل) دریاب

«در دیوار غربی‌حرم نیز گچبریهای زیباو خوش‌خطّی دیده میشود که نام استادکار آنرا چنین نقش نموده‌اند:

(عمل استادشمس‌الدّین بن‌عبدالحسین اصفهانی بنّا)

«گچ‌بری جرزهای‌یکی ازشاه‌نشین‌های داخل‌حرم نیزمؤیّد اینست که‌قبل ازپادشاهی شاه‌عبّاس کبیر یعنی‌دردوران سلطنت شاه‌طهماسب‌بن‌اسمعیل گچبریها احداث‌شده است‌و بیت‌زیر تاریخ آنرا اعلام‌میدارد:

باهتمام ‌همام الانام گشت تمام    بسال نهصدوپنجاه‌وسه بفتح وظفر»

آنچه از خلال قسمت‌های دیگر گزارش فوق برمیآید اشارهٔ مجدد به‌این مطلب است که مقرنس کاری‌های مدخل صحن امامزاده وتزیینات گچی سقف رواق بقعه از آثارهنری‌قابل توجه دوران صفوی بوده قسمت‌هائی ازآن‌ریخته است وروی قسمت‌هائی دیگر هم‌بعداً گچ کشیده‌اند و در این باره اقدام و مراقبت لازم برای تعمیرات صحیح فنی و حفظ آثار موجود ضرورت دارد.

# اطلاعاتی چند دربارهٔ برخی از آثار باستانی ناحیهٔ ممسنی

مقارن باپایان چاپ مطالب بالا ضمن مرور یادداشتهای کوتاه واجمالی مستخرج از کتاب باستان شناسی در ایران ـ تألیف پرفسور واندنبرگ ـ که سابقاً بمعرفی آن پرداخته است دریافتم که اطلاعاتی راجع به‌برخی آثار باستانی ناحیهٔ ممسنی در کتاب حاضر ناگفته مانده است وبمنظور اینکه اطلاعات مزبور نیز تاحدی گفته آمده باشد مناسب دید اطلاعات مختصر مذکور در این باره را از کتاب نامبرده نقل نماید. درصفحهٔ ۵۷ کتاب مورد ذکرچنین مرقوم رفته است:

«هرتسفلد در سال ۱۹۲٤ (۱۳۰۳ شمسی) ویرانه‌های ساختمانهای عهد عیلامی وآجرهائی را که نبشتهٔ عیلامی داشته مربوط به ۱۵۰۰ تا ۱۰۰۰ سال پیش‌ازمیلاد بود درتل‌اسپید(۱) واقع درده کیلومتری مغرب فهلیان کشف نمود»

(۱) در صفحهٔ ۱۳۹ متن کتاب از اثر باستانی تل اسپید نام برده شده‌است.

در صفحهٔ ۵۸ کتاب مزبور نیز دومطلب زیر ذکر گردیده است :

«ده کیلـومتر دورتر از کورانگون در دره ده نو در محلّ **سرآب سیاه** سراورل‌استین بندی از عهد ساسانیان را دید(۱)»

«چند کیلومتر دورتر از دخمهٔ کوهستانی داودختر درناحیهٔ انتهای غربی فارس و آغاز خاك خوزستان در محلّی بنام **پل برین** (Pul-i Brin) سراورل‌استین ویرانه‌هـای دو پل را که در رودخـانهٔ **تنگ برین** فروریخته ویکی از آن دو مربوط بعهد ساسانی است کشف نمود»

# مجملی از برخی آثار باستانی در خلیج فارس

در آخرین روزهای مهرماه ۱۳۴۱ ونخستین روزهای آبانمـاه ۱۳۴۱ بـرای بررسی و آشنائی بیشتر مردم ایران و دیگر علاقمندان بمطالب راجع به‌خلیج فارس ازطرف ادارهٔ کل انتشارات ورادیوی ایران جلسات سمیناری در مدت هشت روز ترتیب داده‌شد وطی سخنرانیهای مختلف ازپیشینهٔ تاریخی واوضاع طبیعی و اقتصادی‌و سیاسی ومطالب دیگـر راجـع به‌سواحل و جزایر خلیج نامبرده بحث گردیدو طبق نظر اولیای محترم ادارهٔ کل انتشارات و رادیو مقرر گردیدکه نگارنده نیز سخنرانی بمدت نیم ساعت دربارهٔ آثار باستانی خلیج فارس ایرادنمایدو بدین لحاظ آنچه درخور امکانات وتوانائیم برای انجام این نظریه بود فراهم‌و سخنرانی‌مزبور درجاسهٔ روز شنبهٔ ۲۸مهر ماه۱۳۴۱ ایراد گردید ضمناً در خلال بررسی کتب و منابـع مورد اطلاع جهت تهیهٔ مطالب سخنرانی مورد ذکر به‌این‌نکته توجه یافت کـه ازجمله مـنابع مفید برای آشنائی واطلاع بهتر نسبت به اوضاع قدیم وآثـار فارس در ادوار گـذشته میتوان کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی تألیف‌لی‌سترنج G.Le Strange ترجمهٔ آقای محمود عرفان (از انتشارات بنگاه ترجمه‌و نشر کتاب شمارهٔ ۱۵ مجموعهٔ ایرانشناسی ـ چاپ تهران ۱۳۳۷) رانام برد وباملاحظهٔ فصول هفدهم وهیجدهم ونوزدهم کتاب مزبور (صفحات ۲۶۷ تا ۳۲۰) استفادهٔ شایان از این بابت حاصل نمود وهرچند گویا قرار است مجموعهٔ سخنرانی‌هـای سمینار خلیـج فارس بصورت کتابی از طرف ادارهٔ کل انتشارات ورادیو چاپ و منتشر گـردد نگارنده مناسب

(۱) در صفحات ۱۳۹ و۱۴۰ متن‌کتاب اشاره به دو سد قدیمی در کوهستانهای نزدیك داودختر گردیده ضمناً در صفحهٔ ۳۹۹ ذکری از رودخانهٔ سرآب سیاه وپیدایش ظروف مسی از کف آن بعمل آمده است .

دانست سخنرانی مزبور را باحذف مطالبی که کم‌وبیش قبلا در تلوصفحات کتاب‌حاضر ذکرشده است در قسمت ذیل درج نماید تا بدین وسیله اطلاعاتی که بدین‌مناسبت دربارهٔ پیشینهٔ سواحل فارس درکنار خلیج فراهم‌آمده است نیز ضمن سایر مطالب کتاب در اختیار علاقمندان قرار گیرد، اینك به‌نقل قسمت‌هائی از سخنرانی مزبور میپردازد :

«.... شهربوشهر طبق آنچه درکتاب «ایران ازآغاز تااسلام» تألیف دکتر گیرشمن اشاره‌رفته درعهدسلوکی احداث گردیده‌است، نامبرده چنین‌مینویسد: «سلوکیان کمتر ازنه‌شهر درساحل خلیج‌فارس بنا نکردندو ازآن جمله است انطاکیه درپارس- بوشهرامروزه- که جانشین شهر کهن عیلامی گردید.(۱)

درکتب عهداسلام نخستین کسی که از **بوشهر** نام‌برده **یاقوت** است که در کتاب معجم البلدان (قرن هفتم هجری) نام این محل را **بوشهر** ذکر نموده است.

چون سواحل‌خلیج فارس را ازشبه‌جزیرهٔ بوشهربجانب شمال‌غربی بپیمایند به‌ترتیب از محلّ های بندرگاه های قدیم **گناوه** (معرّب آن‌جَنّابهْ)وشینیز یا سینیز درمحل **بندر دیلم** کنونی و **مهروبان** و **هندیجان** می گذرند.

**بندرگناوه** درجانب شمال‌غربی **بندر ریگ** است که‌محاذی‌**جزیرهٔ‌خارك** بوده مسافت‌مستقیم ساحل‌خلیج ازبندر ریگ تاجزیرهٔ مزبورقریب‌سی کیلومتر و نزدیك‌ترین نقطهٔ ساحل بآن جزیره است - **یاقوت** که **خارك** را دیده است مینویسد که از ارتفاعات آنجا **جنّابه** و **مهروبان** راکه هردو درساحل ولایت **ارّجان** واقع‌اند میتوان‌دید.

بگفتهٔ **لسترنج** ویرانه‌های **گناوه‌قدیم** نزدیك دهانهٔ رودخانه‌ای که در نزدیکی **بندرگناوه** بخلیج فارس میریزد واقع است (۲)دربارهٔ **سینیز** یا **شینیز** که‌محلّ آن گویا نزدیك‌**بندردیلم** کنونی‌است **اصطخری** درقرن چهارم هجری

---

(۱)کتاب ایران ازآغاز تا اسلام تألیف دکتر گیرشمن ترجمهٔ دکتر محمد معین از انتشارات بنگاه ترجمه ونشر کتاب - شمارهٔ۱مجموعهٔ ایرانشناسی چاپ طهران۱۳۳۶-ص۲۲۲

(۲)کتاب سرزمینهای‌خلافت شرقی‌صفحهٔ۲۹۵.

مینویسد که شهری بزرگ بوده در کنار خوری واقع گردیده است و تا دریا نیم فرسخ فاصله دارد ، **مقدسی** اشاره نموده است که مسجد ودار الاماره و بازارهای بسیار معمور دارد وبنا بر گفتهٔ **یاقوت** درسال ۳۲۱ قرمطی‌ها آنجارا تصرّف کرده مردم آنرا کشتند وشهر را چنان ویران ساختند که جز اندکی از آن باقی نماند ولی فارسنامه درقرن ششم وحمدالله مستوفی درقرن هشتم آنجارا شهری آباد معرفی کرده و اشاره نموده‌اند که کتان در آنجاهم کاشته وهم بافته می‌شود وآن بندر در پناه قلعه‌ای است.

**بندر مهروبان** درنزدیك مرز غربی خاك فارس واقع و نخستین بندری بود که وقتی کشتی‌ها از بصره و مصب شطّ العرب بعزم هند بیرون میآمدند بآنجا میرسیدند وبندرمهم **ارّجان (ارّگان)** که نام ناحیهٔ مهم شمال غربی فارس بودبشمار میرفت ودرقرن چهارم هجری شهرمعمور بودو مسجدی خوب و بازارهائی آباد داشت ـ **ناصر خسرو** درسال ۴۴۳ هجری بندر مهروبان را دیده است ودربارهٔ آن چنین می گوید :

«شهری بزرگ است برلب دریا نهاده برجانب شرقی و بازاری بزرگ دارد وجامعی نیکو امّا آب ایشان ازباران بُوَد وغیر ازآب باران چاه وکاریز نبوَد که آب شیرین دهد، ایشان را حوض‌ها وآبگیرها باشد که هرگز تنگی آب نبوَد و درآنجا سه کاروانسرای بزرگ ساخته‌اند هریك از آن چون حصاریست محکم و عالی و درمسجدآدینهٔ آنجا برمنبر نام **یعقوب لیث** دیدم نوشته پرسیدم ازیکی که حال چگونه بوده است گفت که یعقوب لیث تااین شهر گرفته بودولیکن دیگرهیچ امیرخراسان راآن قوّت نبوده استودر این تاریخ که من آنجا رسیدم این شهر بدست پسران **اباکالنجار** بود که **ملك پارس** بود وخواربار این شهر از شهرها وولایتها برند که آنجابجز ماهی چیزی نباشد »(۱).

---

(۱) نقل از کتاب سرزمین های خلافت شرقی ص۵/۲۹۴ ، ضمناً دانشمند محترم آقای محیط طباطبائی معتقدهستند که بندر مهروبان نزدیك بندر دیلم کنونی واقع بوده است.

دربارهٔ **ریشهر** واقع در انتهای غربی خاك فارس [۱] مناسب میداند چندسطری را که در کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی نگاشته شده‌است عیناً نقل نماید: «اهمیّت ریشهر تازمان سلجوقیان پایدار ماند وفارسنامهٔ **ابن‌بلخی** ازقلعهٔ آن ذکری بمیان آورده گوید آنجا کشتی میسازند بگفتهٔ **حمدالله مستوفی** ایرانیان آن‌را «**بربیان**» می‌گفتند واسم اصلی ریشهر بوده است وداد وستد مردم آن شهر بابنادر خلیج‌فارس بسیار بوده «وهوائی بسیار گرم ومتعفّن دارد حاصلش غلّه وخرما و کتان ریشهری بود وبتابستان بیشتر مردم آنجابقلعه‌ها بروندازبهر خوشی وهواواز آنجا **بدز کلات** یك فرسنگ است» وبطوری که گفتیم ازقلاع اسماعیلیّه بوده است. نزدیك ریشهر **هندیجان** شهر و ولایتی در ساحل سفلای رودخانهٔ **ارجان** است. **مقدسی** گوید **هندیجان** یا **هندوان** بازاری بزرگ برای فروش ماهی است ومسجدی زیبا دارد. در ولایت هندیجان بقایای آتشکده وآسیاب های کهنه وجود داشت و گفته میشد که در آنجا مثل مصر گنج هائی در زیر زمین مدفون است. **قزوینی** گوید در آنجا چاهی است که‌از آن بخاری سمّی بیرون می‌آید و هرگاه پرنده‌ای از بالای آن چاه پرواز کند در آن فرو میافتد و میمیرد.» [۲]

درجای دیگر همین کتاب [۳] دربارهٔ نام **بندرگناوه** اشاره‌میکند که «ایرانیان آنرا **کنفه** یا **آب‌گنده** می‌نامند زیرا آب آنجاچرکین‌است» ـ تصوّرمیرود مسموم بودن بخارچاه هندیجان مذکوردر کتاب حمدالله مستوفی وچرکین بودن آب دربندگناوه ازقدیم‌الایّام ازجمله آثار وجود منابع نفت در آن‌نواحی‌باشد.

اثر باستانی مهمّ دیگر خلیج فارس که در اواسط کرانهٔ شمالی آن قرار دارد محلّ بندر **سیراف** نزدیك **بندرطاهری** کنونی بشمارمیرود که‌درعهدساسانیان‌و قرون اوّلیّهٔ اسلامی‌دارای اهمیّت‌و موقعیّت برجسته و شهرت فراوان بوده‌است،

(۱) محل آن بمسافت مختصری درشمال بندر معشور بوده‌غیر از ویرانه‌های ریشهر واقع درسبه‌جزیرهٔ بوشهر است

(۲) کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۹۲/۳.

(۳) همان کتاب صفحهٔ ۲۹۵.

بقایای جادۀ سنگی عهدساسانی که از **فیروزآباد** به **بندر سیراف** میرفته از **کنارسیاه** و **دهرام** و **میان‌دشت** و **دزگاه** و **جم** می گذشته به بندر طاهری کنونی یا بندر سیراف قدیم منتهی می گردیده است ، ضمن راههای سیراف بداخل فارس در کتب مسالك الممالك اشاره شده است و درزمستان سال ۱۳۳۸ هم ضمن مسافرت دانشمند بلژیکی پرفسور واندنبرگ L. Vanden Berghe مورد بررسی واقع گشت وهمچنین بنای مفصّل کاروانسرای عهدساسانی و آثارو بقایای سه کاروانسرای دیگر در کنار راه مزبور از طرف پرفسّور نامبرده مشاهده و بررسی گردیده است .

جادّه وکاروانسراهای مزبوروسیلۀ ارتباط بندرمهمّ سیراف وشاهراه بازرگانی عهدساسانی بین بندر نامبرده بافیروزآباد وسایرقسمتهای کشور شاهنشاهی ایران درعهدساسانیان بود .

برای نمودن اهمیّت آبادانی بندرسیراف که تا نیمۀ دوّم قرن چهارم هجری ادامه داشته است نقل برخی نوشته‌های کتب قدیم که در کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ذکر شده است بمورد بنظرمی‌رسد:

« **اصطخری** درقرن چهارم هجری مینویسد **سیراف** ازحیث بزرگی وجلال با **شیراز** همسری میکند ساختمانهای آنجا از چوب ساج است که از زنگبار میآورند و عمارت‌های چند طبقه دارد که مشرف بردریا ساخته شده همچنین گوید مردم سیراف در مخارج عمارت اسراف میکنند چنانکه یکی از بازرگانان برای خانۀ خویش بیش ازسی‌هزار دینار (پانزده هزار پوند[۱]) خرج می کند . سپس گوید اهالی آنجا ازتمام اهل فارس توانگرترند وکسانی هستند که ثروت آنان از شصت‌هزار هزار درهم(دو میلیون پوند[۲]) بیشتر است وهمۀ آنرا از راه تجارت

(۱) حدود سه‌میلیون ریال.

(۲) حدودچهارصد میلیون ریال، دانشمند محترم آقای سلطانعلی شیخ‌الاسلامی(سلطانی) پس از ملاحظۀ سطوربالااظهارعقیده نمودند که اصطخری وابن‌حوقل روایت می کنند بعضی اشخاص را دیدم که چهار میلیون دینار دارند که معادل دو میلیون پوند می‌شود وتسعیر شصت هزار هزار درهم بامبلغ فوق تطبیق نمی کند ومربوط بجای دیگر کتاب مؤلفین نامبرده است.

دریا بدست آورده‌اند اطراف شهر باغستان و درخت وجود ندارد و میوجات و بهترین آب‌شهر از کوهی است‌مشرف بر آن موسوم به **کوه‌جم** ودر آن کوه‌قلعه‌ای عظیم است موسوم به **سمیران**، **مقدسی** درخصوص سیراف گوید تجارت آن از **بصره** بیشتر است‌وخانه‌های آنجا بهترین خانه‌هائی است که من‌دیده‌ام‌و درسال ۳۶۶یا۳۶۸ زمین‌لرزه‌ای در آنجا وقـوع یافت وهفت روز زمین را تـکان می‌داد چنانکـه اهل شهـر بسوی دریا گـریختند و اکثر خانه ها ویران و با خـاك یکسان گردید (۱).

پرفسور **بازیل‌گری** (Basil Gray) دانشمند باستان‌شناس انگـلیسی در سخنرانی مورخ یکشنبه۴۱/۲/۹ که درمؤسسهٔ باستان‌شناسی انگلیسی درطهران تحت عنوان **تأثیر تمدن ایران درچین** ایراد نمودند باین‌مطلب اشاره کردند که **سیراف**و **هرمز**و **کیش** سه‌مرکز صدور وبندر ارتباط بین **ایران** و**چین** بوده است و بهمین مناسبت احتمال کشف نمونه های اشیاء صادره از ایـران بچین در نقاط مزبورمیرود واین‌موضوع نیزخود از جمله‌کارهائی است که‌شاید زمینهٔ تحقیقات کاوشهای‌آینده قرار گیرد بخصوص که علاوه‌بر اهمیّت سیراف‌وهرمز و کیش‌از لحاظ مرکزیّت‌تجارت‌ایران‌با چین‌وبالعکس‌از آنجابطوری که‌می‌دانیم‌بازرگانی ایران‌با **هندوستان** و **عربستان** و **سواحل‌بحراحمر** و**کشورهای‌آفریقای‌شرقی** نیز ازطریق همین‌نقاط‌صورت می گرفته است‌واحتمال‌پیدایش‌آثار **مختلف**‌هنری قدیمی کشورها ونواحی مزبورهم ضمن‌تجسّساتی میرود.

«بازوال دولت‌آل‌بویه سیراف‌رو بویرانی‌نهاد وفارسنامهٔ **ابن‌بلخی** چنین گوید «مالی‌بسیارازآنجا برخاستی تاآخرعهد دیلم‌هم برین‌جملت بودبعد ازآن پدران **امیرکیش** مستولی‌شدند و**جزیرهٔقیس** ودیگرجزایر بدست گرفتندوآن دخل که سیراف‌را میبود بریده گشت‌و بدست‌ایشان‌افتادو**رکن‌الدّوله خمارتکین** قوّت رأی و تدبیرآن‌نداشت که تلافی این حال کندو بااین‌همه‌یك‌دوبار بسیراف

(۱)نقل از کتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ص ۲۷۸/۹ .

رفت‌تا کشتی های جنگی سازد وجزیرهٔ قیس ودیگـر جزایر را بگیردو هربار **امیر کیش** اورا تحفهافرستادیو کسان‌اورا رشوه‌ها دادی‌تااورا باز گردانیدندی و به عاقبت چنان شد که یکی بود ازجملهٔ خانان نام او **ابوالقاسم** وسیراف‌نیز بدست گرفت» امادر آغاز قرن‌هفتم هنگامی که یاقوت آنجارادیده تنهـا مسجد آن‌باستون‌هائی از چوب‌ساج برپابود وبقایای‌عمارتی درسمت ساحل وجودداشته ولی‌محلّی برای‌لنگر انداختن کشتی‌ها نداشته و سفاین‌ناچار به **نابندمی**‌رفته‌اند. یاقوت‌همچنین گوید درزمان‌اواهل آنجاسیراف را**شیلاو** می گفتند»(۱)

نابند دماغه‌ایست که در انتهای‌شرقی **سیف**(یعنی ساحل) مقـابل سیراف قرارداشته و آنرا **رأس‌نابند** می گویند وپس از زلزلهٔ شگفت بندرسیراف‌بشرح نوشتهٔ‌یاقوت کشتی‌ها نمی‌توانستند به‌بندر مزبور برسندوبطوری که دانشمندان‌و محققّین مختلف اظهارمیدارند قسمتهای زیادی از بندرسیراف براثر زلزله بزیر آب‌رفته‌است‌و طبعاً درنتیجهٔ همین قسمت بود که پس اززلزله کشتی‌ها نتوانندد‌ر سیراف‌لنگر بیندازند وناچار باشند برأس‌نابند بروند .

بین **بندرسیراف** و شبه جـزیرهٔ **بوشهر** بندرگاه کم اهمیّتی بنام **نجیرم** وجود داشت که مسافت آن تابوشهر درحدود نصف‌مسافت آن‌به‌بندرسیراف بالغ می گشت ودرزمان **مقدسی**(قرن چهارم هجـری) دارای دو مسجد وبازار های خوب‌بوده وبر که‌هائی‌داشت که از آب‌باران پرمیشد.

احداث‌برکه‌ها ومخازن آب‌باران درسراسر سواحل‌جنوب‌ایران‌ودرنقاط دیگرخاك‌فارس امری‌متداول بودودر کتب لغت‌نام این منابع‌آب باران **صهریج** (جمع آن **صهاریج**)ذکرشده است‌و ازاینگونه منابع‌آب درسواحل خلیج‌فارس بطور متعدد وجود دارد و ازجملهٔ آنها در بندرلنگه منبع آب‌بسیار بزرگی‌از این‌نوع‌هست واکنون بنام **برکه** و **آب‌انبار** خوانده میشود.

---

(۱) نقل ازکتاب سرزمین‌های خلافت شرقی ـ ص ۲۷۹ ـ آقای سلطانی گفتهٔ یاقوت‌را مبنی برذکر شیلاو بجای سیراف لهجهٔ محلی میدانند ومعتقدندکـه لسترنج در این‌باره درست مطلب‌را درك ونقل ننموده است .

آثـار قدیمی دیگری که بطور متعدّد در قسمتی ازسواحل خلیج فـارس وجود دارد ویرانه‌هـای برجهائی است کـه در دامنهٔ کوههـای ساحلـی خلیج ساخته بودند و برفراز آنها آتش می‌افروختند و بـرای راهنمائی کشتیها مـورد استفاده قرار میگرفته است و هم اکنون از بندرعسلویه در مشرق بندر طاهری (محلّ بندر سیراف) تا بندرلنگه وتا بندرعباس بقـایای اینگونه برجها باقی و پدیدار است.

ازبندر سیراف که بطرف مشرق بجانب دهانهٔ خلیج فارس بروند جزیرهٔ کیش برسر راه قرار دارد که خود ازمراکزمهمّ بازرگانی وآبادانی خلیج فارس بوده است. شهر قدیم کیش درسمت شمال این جزیره واقع شده تپّه‌های زیادی ازآثار خانه های آن وستونهای سنگی دراطراف آنها اکنون باقیمانده است وتا اواخرقرن هشتم هجری جزیرهٔ مزبور دارای شهرت زیاد بوده بعدهـا روبویرانی گذارده و جزیرهٔ هرموز راه ترقی وآبادی پیمود (۱).

نمونهٔ آبادی ورونق جزیرهٔ کیش را میتوان ازحکایت شیخ سعدی درکتاب گلستان گواه آورد که‌چنین مینویسد: «بازرگانی را دیدم که صدوپنجاه شتربارداشت وچهل بنده وخدمتکار شبی درجزیرهٔ کیش مرا بحجرهٔ خویش درآورد همه شب نیارمید از سخنهای پریشان گفتن که فـلان انبارم بترکستان است وفـلان بضاعت بهندوستان واین قبالـهٔ فـلان زمین است و فـلان چیزرا فلان ضمین‌گاه. گفتی خاطر اسکندریه دارم که هوائی خوشست بازگفتی نـه که دریای مغـرب (۲) [مشوش است سعـد یاسفری دیگر در پیش است اگرآن کرده شود بقیمت عمر خویش بگوشه‌ای بنشینم گفتم آن کـدام سفراست گفت گوگرد پارسی خواهم بردن بچین کـه شنیدم قیمتی عظیم دارد وازان جاکاسهٔ چینی بروم آرم ودیبای رومی بهند وفولاد هندی بحلب و آئینهٔ حلبی بیمن وبرد یمانی بپارس وزان پس تـرك تجارت کنم و بدکانی بنشینم ... تاآخر داستان » از این داستان بخوبی میتوان به موقعیّت و اهمیّت جزیرهٔ کیش که یکی از پایگاههای بازرگانی ایران درخلیج فـارس بوده است پی‌برد ، آثـار ویرانهٔ قصبهٔ حریرا که از ابنیهٔ قدیمی عهداسلام بوده نیزباقی مانده است وازستونهای

(۱) رسالـهٔ نظری بایران وخلیج فـارس نگارش اسمعیل نوری زاده بوشهری ـ چـاپ طهران ۱۳۲۳ شمسی ص ۱۰۰

(۲) یعنی دریای مدیترانه.

فرو افتادهٔ عمارات بنظر میرسد براثر زلزله خراب شده باشد ، قلعهٔ ویرانی هم درنزدیك کرانهٔ دریا وجود دارد که ظاهراً بوسیلهٔ دهلیز زیر زمینی بدریا ارتباط داشته دیوارهای آنرا ازسنگ و ساروج ساخته بودند ، در ویرانه هـای واقع در جزیرهٔ کیش ظروف سفالی وچینی وسکّه‌های قدیمی بدست میآید ومساجد متعدّدی هم درانجا وجود داشته است (۱) .

**جزیرهٔ هرمز** درمدخل خلیج فارس نزدیك ساحل شهرستان بندرعبّاس از محلهای تاریخی مهمّ دیگرخلیج فارس بشمار میرود که بنوبهٔ خود درطول قرون متمادی حائز اهمیّت فراوان بوده است ـ ذکراین نکته مفید بنظرمیرسد که در زمان قدیم **شهرهرمز** که بنای آنرا **باردشیربابکان** نسبت میدهند (۲) در داخل قسمتهای ساحلی خاك ایران واقع بود و اهمیّت فراوان داشت بطوریکـه درقرن چهـارم هجری هم بندر کرمان وهم بندر سیستان بود وبگفتهٔ اصطخری مسجد جامعی داشته منازل بازرگانان در روستاهائی است که دوفرسخ تاشهرمسافت دارد بعدهـا که **هرمزنو** در جزیره احداث گردید هرمز کهنه جای کیش را گرفت همانطور که کیش جای سیراف را گرفته بود ومهمترین بنادرتجارتی خلیج فارس شد درسال ۷۱۵ هجری سلطان هرموز شهر قـدیم را که در کنار دریا بود برای آنکه دزدان آنرا پیوسته مورد تاخت وتاز قرار میدادند ترك کرد وهرموز نو را در جزیـرهٔ معروف به **جِرون** یـا **زرون** کـه تا کرانهٔ دریـا یك فرسخ مسافت دارد بنـا نمـود در پـایـان قـرن هشتم هجـری سپاهیان **امیرتیمور** بشهرهـای ساحلـی نـزدیك هرموز کهنـه یورش آوردنـد و هفت قلعـه را در آنجـا تسخیر کـرده همـه را سوزانیدنـد و محـافظین آن قـلاع بجزیـرهٔ جـرون گـریختند **شرف‌الدین علی** نـام این هفت قلعه را بدینقرار ذکـر نموده است **قلعهٔ مینا** در هرموز کهنه ـ **قلعهٔ تنگ زندان** ـ **قلعهٔ کشگك** ـ **حصارشمیل** ـ **قلعهٔ منوجان**

(۱) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۹۹
(۲) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۱

**قلعهٔ ترزك - قلعهٔ تازیان**[۱] **ابن خرداد به** در اواسط قرن نهم هجری جزیرهٔ نزدیك هرموز را بنام **«ارموز»** ذکر کرده است ، در کرانه‌های جزیرهٔ هرموز سکّه‌هـای طلا یافت شده کـه در یك طرف آن نام **عادلشاه** وطرف دیگر اسم **جرون** نوشته شده‌است[۲].

جزیرهٔ هرمز کـه بشرح سابق الذّکر از قـرن هشتم رونق و آبـادی روزافزون یافت بتدریج ازنظر بازرگانی اهمیّت فوق‌العاده پیدا کرد و **میلتون** شاعر انگلیسی مینویسد که «در آن زمان در مشرق از راه مثل می‌گفتند که : اگردنیا حلقهٔ انگشتری باشد هرمز نگین‌آنست»[۳] در کتاب تمدّن ایرانی[٤] طی مقالهٔ آقای **ا. بنیفاسیو** (A.Bonifacio) (فصل نخست) در قسمتی که زیر عنوان نواحی خلیج فارس‌نوشته شده اشاره باین‌امر گردیده است که «بندرهرمز در جزیره‌ای در مدخل خلیج فارس واقع شده وتا ابتدای قرن هفدهم مرکز بازرگانی مهمّی بوده ومحصولات هندوستان وحتی خاوردور ازاین بندر داخل ایران میشده وتا ترکستان میرفته‌است» دردنبالهٔ این‌مطلب نیزچنین مینویسد : «ازقرن ۱۷ تاقرن ۱۹ **بندر عباس** که درخشکی درمقابل هرمز ساخته شده بود جای بندرهرمز را گرفت» درسال ۹۱۳ هجری مطابق ۱۵۰۷ میلادی دریاسالار پرتقالی بنام **البوکرک** جزیرهٔ هرموز را پس از جنگ سختی که با فرماندار آنجا نمود متصرّف گردید ودر محلّی موسوم به **مورونا** قلعه‌ای بنا نهاد و **شاه اسمعیل‌اول** صفوی بعلّت گرفتاری‌هائی که باعثمانیان داشت باپرتقالیهامسالمت وسازش نمود تااینکه درسال ۱۰۳۱ هجری شاه عبّاس بزرگ با استفاده ازکمك

---

(۱) کتاب سرزمینهای خلافت شرقی ص ۲-۳٤۱

(۲) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۲

(۳) نقل از مقالهٔ قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی بخامهٔ آقـای محمد اسمعیل رضوانی در مجلهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ خرداد ۱۳٤۱

(٤) از انتشارات بنگاه ترجمـه ونشر کتاب ـ شمـارهٔ ۱٤ مجموعهٔ ایرانشناسی تألیف چند تن از خاورشناسان ، ترجمهٔ آقای دکتر عیسی بهنام چاپ طهران ۱۳۳۷

کشتیهای انگلیسی پرتقالیها را ازجزیرهٔ مزبور بیرون راند وحکومت ایرانرا برانجا مجدّداً مستقر ساخت ویرانه‌های قلعه پرتقالیها که معروف بقلعه مرنا بوده اکنون باقی و مشتمل برد وحیاط بزرگ وتعدادی زیر زمینها وانبارها و چند آب‌انبار است که درهر کدام چند ستون ساخته بودند[1].

اکنون مناسب می‌بیند اشاره مختصری هم به آثار باستانی **جزیرهٔ بحرین** نماید :

در کتاب‌مفیدی که‌آقای‌**دکترغلامرضاتاجبخش**تحت‌عنوان **مسئلهٔجزایر بحرین**بزبان‌فرانسه‌تألیف‌و چاپ‌نموده‌اند ( La Question des Iles Bahreïn چاپ پاریس ۱۹۶۰ ) ضمن بررسیهای مختلف در بارهٔ بحرین مطالبی نیز در بارهٔ پیشینهٔ آثار تاریخی آنجا درج گردیده است از جمله مینویسند که جزایر بحرین مهد تمدّن بسیار قدیمی بوده سابقهٔ تمدّن آن به‌هزارهٔ چهارم پیش از میلاد میرسد ـ در نوشته‌های **سومری** و **آشوری** و **یونانی** بنامهای مختلف **نیتوکی** Ni-Tuki **تیل‌وون** Tilvun **دیلوون** Dilvun **تیروس** Tyrus **تیلوس** Tylus **ارادوس** Aradus ذکر شده است.

کشفیّات باستانشناسی نشان میدهد که ازهزارهٔ سوّم پیش‌ازمیلاد جامعهٔ متشکّلی درجزایر بحرین‌سکونت داشته‌اند (ص۲۹) پس‌ازفتح‌بابل بدست**کورش کبیر** (۵۳۹ پیش از میلاد) بحرین نیز که تحت تسلّط بابل‌بود درحیطهٔ تصرّف **پارس** درآمد وچون ایجاد بحریّهٔ بازرگانی برای ایران ضرورت یافت جزایر بحرین پایگاه دریائی مهمّ ایران شد.

پس‌از پیروزی **اسکندر** برایران سلطهٔ‌ایران بر بحرین نیزخاتمه یافت ودر آغاز بر قراری سلسلهٔ ساسانیان پادشاه بحرین بنام **ساطیرون** در قلعه‌ای مستقرشد و **اردشیر** پس‌از فتح فارس قشونی به‌بحرین فرستاد و بعداز یکسال محاصره قلعه‌بتصرّف اردشیردر آمد و گنجهای‌پادشاه بحرین‌رابایران آوردند ....

---

(۱) رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ص ۱۰۱

درآغازقرن ششم میلادی درزمان سلطنت **انوشیروان** نیروی دریائی قابل ملاحظه‌ای ازطرف دولت‌ایران ترتیب‌داده شدکه تمام حول‌وحوش‌خلیج‌فارس‌را زیرنظارت داشته باشند ودر نتیجه سواحل افریقائی **یمن وماداگاسکار** و توابع آنهابوسیلۀ مأمورین ایرانی‌اداره گردید وبحرین یکی‌از ساتراپهای ایران شد (ص ۳۲) که یکنفراسپهبد درآنجا استقرار یافت وپایتخت‌آن بنام **شیرین** یا **دارین** (Darine) نامیده شده پایگاه دریائی مهمّ ایران وبندرگاه عبور ولنگر کشتیهائی بودکه ازایران عازم **سراندیب و افریقای غربی** بودند (ص ۳۳) .

درآغازاسلام بحرین‌نخستین قسمتی‌از پارس بودکه بتصرّف‌اعراب درآمد وازآن پس نیزآثارحکومت ایران درآنجا موضوع بررسیهای فراوان است‌که درکتاب سابق‌الذّکرآقای دکترتاجبخش دربارۀ آن بتفصیل سخن رانده‌اند و شرح دربارۀ آن باعث اطناب کلام وتاحدّی بیرون ازموضوع بحث حاضرخواهد بود .

بنابرآنچه گذشت بخوبی معلوم میگرددکه سواحل ایران درخلیج فارس وجزایر واقع درخلیج نامبرده هرکدام درطول قرون متمادی مراکز آبادانی وبازرگانی بوده است وآثار تاریخی آشکار ونهفته‌ای‌که مناسب باپیشینۀ تاریخی چند هزارسالۀ ایرانست دربردارد ویکی‌از وظایف آیندۀ سازمانهای علمی وتحقیقی‌کشور بموازات آنچه در تجدیدآبادی واحیاء نیروهای تولیدی وافزایش سطح زندگانی وکشاورزی وبازرگانی وغیره دراین مناطق انجام میگیرد اجرای کاوشهای علمی وتجسسات باستانشناسی خواهد بود تا نمونه‌های هنر ویادگارهای‌ادوار باستانی اماکن متعدد باستانی مورد ذکر بهتر در دسترس علاقمندان وبررسیهای صاحب نظران واستفاده‌های شایستۀ معنوی ومادی فرزندان این مرزوبوم قرارگیرد .

---

## مختصر اشاره‌ای به آثار بندر دیّر

**بندر دَیّر** از جمله بنادر واقع درکنار راه ساحلی است‌که ازبندربوشهر به‌بندر لنگه وسایر بنادر خلیج فارس میرود وقریب پنجاه کیلو متری شمال غربی بندر طاهری قرار دارد و بدینقرار چون از بندر بوشهر بجانب بندر

طاهری روند بندر دیّر بر سر راه واقع میشود .

آقای منوچهر چهره نگار ضمن نامهٔ حاوی اطلاعاتی دربارهٔ بندر دیر مینویسند که از توپهای زمان شاه عباس در مقابل ادارهٔ ژاندارمری آنجا گذارده‌اند ودارای گمرك ودفتر پست وبخشداری وفرودگاه وشعبه شرکت نفت بوده بیمارستان‌خوبی هم ازطرف جمعیت شیروخورشید سرخ در محل مزبور ساخته‌اند .

در بندر دیّر قلعهٔ قدیمی نیمه ویرانی بنام **قلعهٔ جلال‌خان حاکم** هست که آنرا مربوط بحدود دویست سال پیش میدانند واثر قابل ذکـر موجود در آن برج مدوّر ساده‌ای است که ظاهراً آنرا از آجر و گچ وخاك ساختـه‌اند و بدنهٔ خارجی‌آن بصورت ترکهای مدوّر (طرح معروف‌به‌خیاری) است (ش۳۰۱) ، به مسافت چند فرسخی شمال غربی بندر دیّر نزدیك محلّ مـوسوم به **بردخون** نیز بقعهٔ ساده‌ای بنام **امامزاده شاه محمد** جلب نظر میکند که مشتمل بر بنـای چهار گوش با پوشش مخروطی مضرّس و پلّه پلّه است و اثر قدیمی و جالب توجّه هنری بنظر نمیرسد خصوصاً که بعلّت بزرگ بودن قاعدهٔ گنبـد اساساً کمتر از گنبدهای مخروطی شیوا ومتنـاسب موجود در نقاط مختلف خوزستـان از جمله دزفول وشوش وشاه‌آباد رعایت تناسب وزیبائی را درآن نموده‌اند وبهمین دلیل از نمودن عکس‌آن که همراه نامهٔ آقای چهره نگار رسیده‌است صرفنظر مینماید وبقاع دیگری هم با گنبدهای مدوّر در کنار راه بردخون به **کنگان**(۱) ودر نزدیکی کنگان واقعست که آنهـا نیز بنـامهای **شاه محمّد** یا **امامزاده محمّد** یا **شاهزاده محمّد** یا **قدمگاه علی** موسوم است وچون‌آثار تـاریخی و هنری **مهمّی** بنظر نرسید از درج عکس آنها هم خودداری گردید .

با عرض امتنان از علاقه وهمکاری قابل ستایش آقای منوچهرچهره نگار که بشرح بالا ممنظور همکاری بیشتردر راه این تألیف ناچیز و مقارن بـا پایان مطالب ضمیمهٔ کتاب مقداری عکسهای مختلف ازآثار موجود در بنادرونقاط دیگرخاك فارس جهت نگارنده ارسال فرمودهاند چند عکسی که ازبین آنها مناسب دیده شد انتخاب گردید و بعد ازتصاویرمربوط بقسمت ضمیمهٔ کتاب ضمن اشکال ۳۰۲ ببعد ازنظرخوانندگان ارجمند میگذرد .

---

(۱) بندر کنگان بین بندر دیّر و بندرطاهری واقعست .

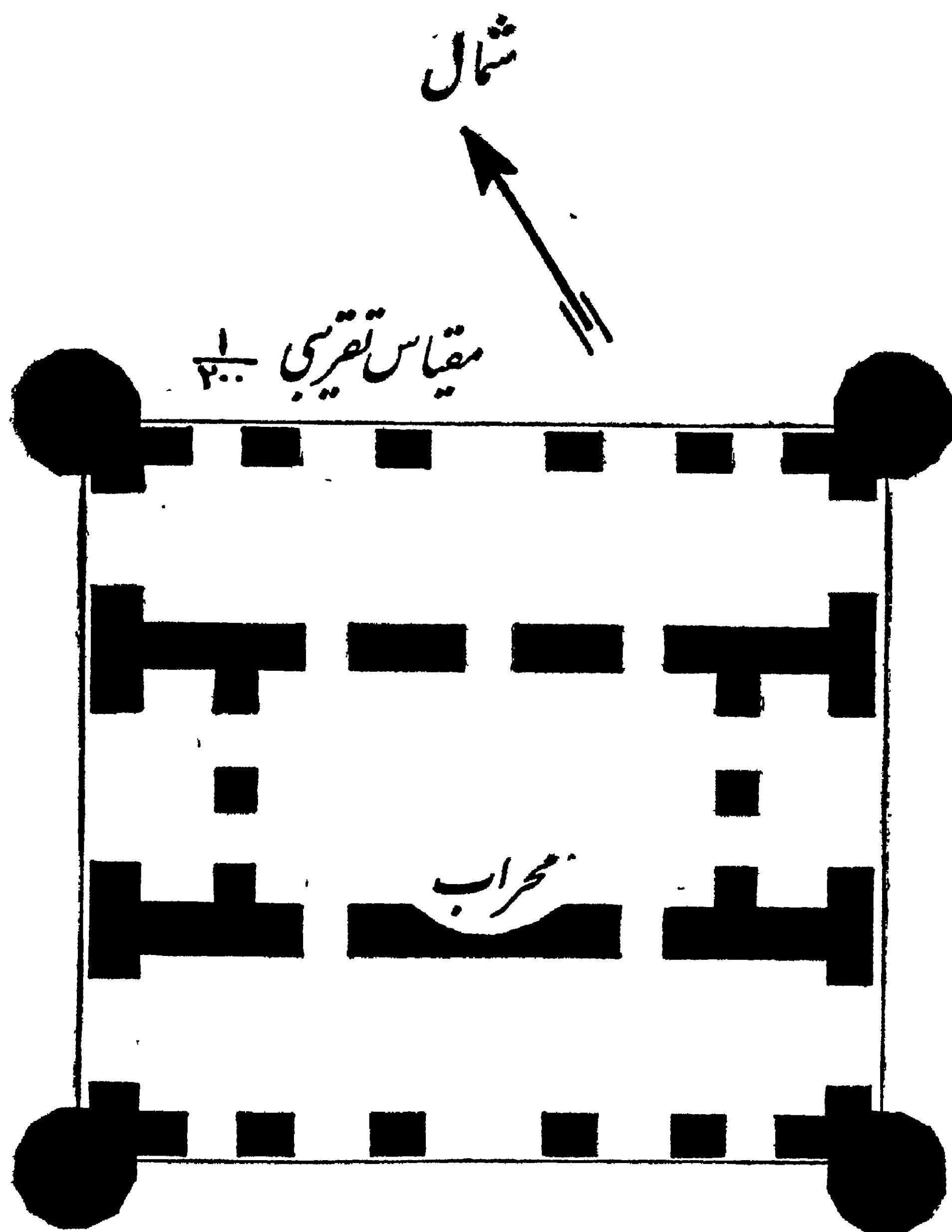
مطالب قسمت ضمیمهٔ کتاب **اقلیم پارس** نیز در اینجا پایان یافت لکن یقیناً معرّفی اماکن باستانی و آثار تاریخی سرزمین فارس بازهم ناتمام وناقص ماند وباهمهٔ کشش و کوششی که درراه گردآوری مطالب مربوط به‌یادگارهای قدیمی‌استان‌وسیع و تاریخی‌فارس بعمل آمد وباوجود مجاهدتهای ممکن‌دراین‌باره که دربرخی‌موارد چندین‌ماه وشاید بیش‌ازحدّ معقول ومورد انتظارموجب‌تأخیر اتمام کتاب گردید هنوز بسیاری آثار باستانی ناشناخته و ناگفته در سراسر آن خطّهٔ پهناورفسانه آمیزوجود دارد که نیازمند تجسّس و زحمت پویندگان آیندهٔ این‌راه دراز است وحقّاً باید گفت استان فارس مانندبسیاری قسمتهای دیگر خاك میهن گرامی‌ماازلحاظ دربرداشتن‌آثارنهفتهٔ تمدّنهای باستانی وبقایای‌آشکار یادگارهای ادوارمختلف تاریخی‌همانند دریائی است که دست یابی به‌کرانهٔ آن نه امری سهل وساده خواهد بود.

نگارنده آرزو دارد جوانان علاقه‌مند ومشتاقان انجام خدمات فراوانی که درراه آثار تاریخی ایران عزیز درپیش هست بخصوص سروران گرامی ازمردم دانشمند ودانش دوست فارس نارسائی کتاب حاضر وناپختگی کار نویسندهٔ آنرا باهمّت وپشتکارخود جبران فرمایند واین بنده را به‌ترنّم بیتی، ازشیخ‌اجلّ سعدی شیرازی ، که هربار در پایان بعضی برنامه‌های شیوای ادبی رادیوی ایران یاد میگردد مأذون ودلخوش پسندند که میفرماید :

**بپایان آمد این دفتر حکایت همچنان باقی**
**بصد دفتر نشاید گفت حسب الحال مشتاقی**

---

**عکسهای مربوط به قسمت ضمیمه (اشکال ۲۸۲ تا ۳۰۱) از صفحهٔ بعد آغاز میگردد**




ش۲۸۲ـ نقشهٔ مسجد جامع داراب ـ (ترسیم آقای جاوید سامی دانشجوی رشته معماری دانشکده هنرهای زیبا ، ازروی اطلاعات وعکسهائی که آقای منوچهر چهره‌نگار ازشیراز تهیه نموده وفرستاده‌اند ) مربوط به‌صفحه ۴۹۳.

Fig 282 - Plan de la Mosquée Djami de Darab ( 17 ème siècle )
Fig 282 - Plan of the Jami Mosque at Darab (17 th cent)



Fig 284 - ش ۲۸٤ -

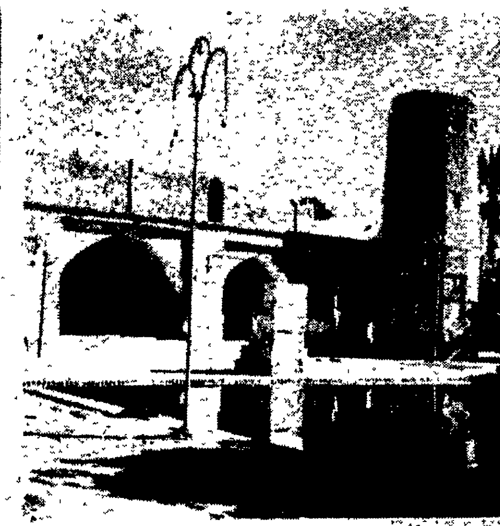


Fig 283 - ش ۲۸۳

ش ۲۸۳ و ۲۸٤ – دوطرف ضلع جنوب غربی مسجد جامع داراب که مشتمل بر ایوان سراسری با سقف کوتاهتر از سقف شبستان است – (مناره گوشه جنوبی مسجد – طرف راست – در حدود صد سال پیش از نو ساخته شده جنبه هنری آن محفوظ نمانده است ، منارهٔ گوشه غربی – جانب چپ – بوضع اصلی پایدار و پدیدار است) – مربوط بصفحه ٤۹۳ .

Figs 283/4 - Darab : côté sud-ouest de la Mosquée Djami, (17 ème siècle)
Figs 283/4 - The south-western side of the Jami Mosque at Darab (17 th cent).



ش ۲۸۵ – دهانهٔ طرف سمال عربی ایوان حاس حنوب عربی مسحد حامع داراب – مربوط به صفحه ۴۹۳

Fig 285 - Darab côté nord-ouest de l'Iwan sud-ouest de la Mosquée Djami,

Fig 285 - The North - Western side of the south-western Iwan of the Jami Mosque at Darab

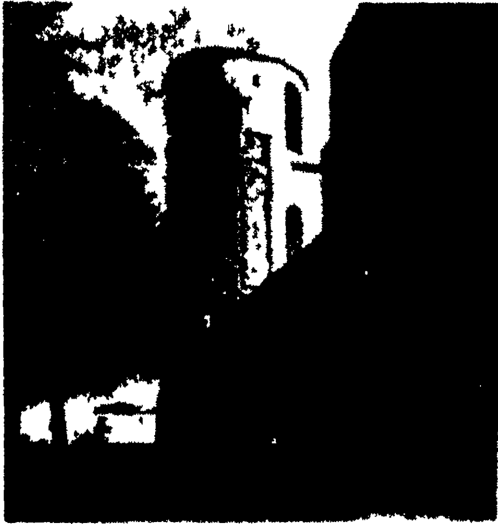


Fig 287 - س ۲۸۷



Fig 286 - س ۲۸٦

س ۲۸٦ – مدخل طرف جنوب شرقی مسجد جامع داراب ومنارهٔ گوشه شرقی آن
مربوط به صفحات ٤ / ٤۹۳
س ۲۸۷–مدخل طرف شمال غربی مسجد جامع داراب و منارهٔ گوشهٔ شمالی آن
مربوط به صفحات ٤ / ٤۹۳

Fig 286 - Darab L'Entrée du côté sud-est et le minaret oriental de la Mosquée Djami

Fig 286 - The south-eastern entrance and the oriental minaret of the Jami Mosque at Darab

Fig 287 - Darab L'Entrée du côté nord-ouest et le minaret septentrional de la Mosquée Djami

Fig 287 - The north-western entrance and the northern minaret of the Jami Mosque at Darab

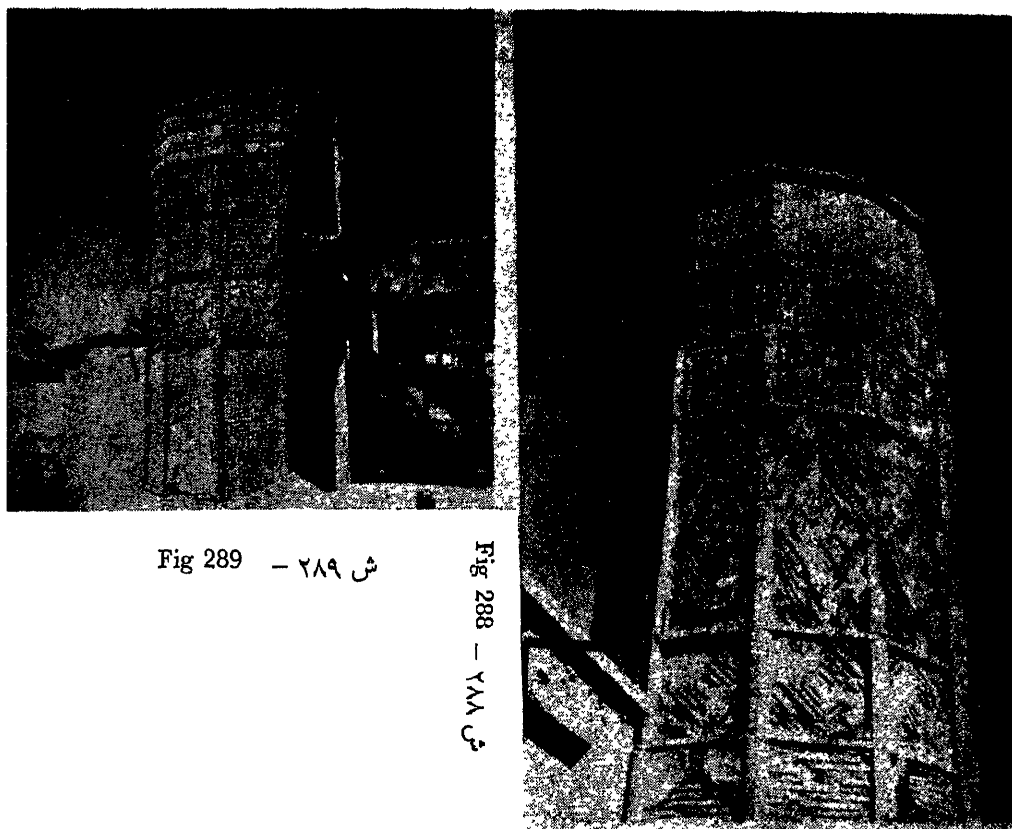


Fig 289 — ش ۲۸۹ —

Fig 288 — ش ۲۸۸

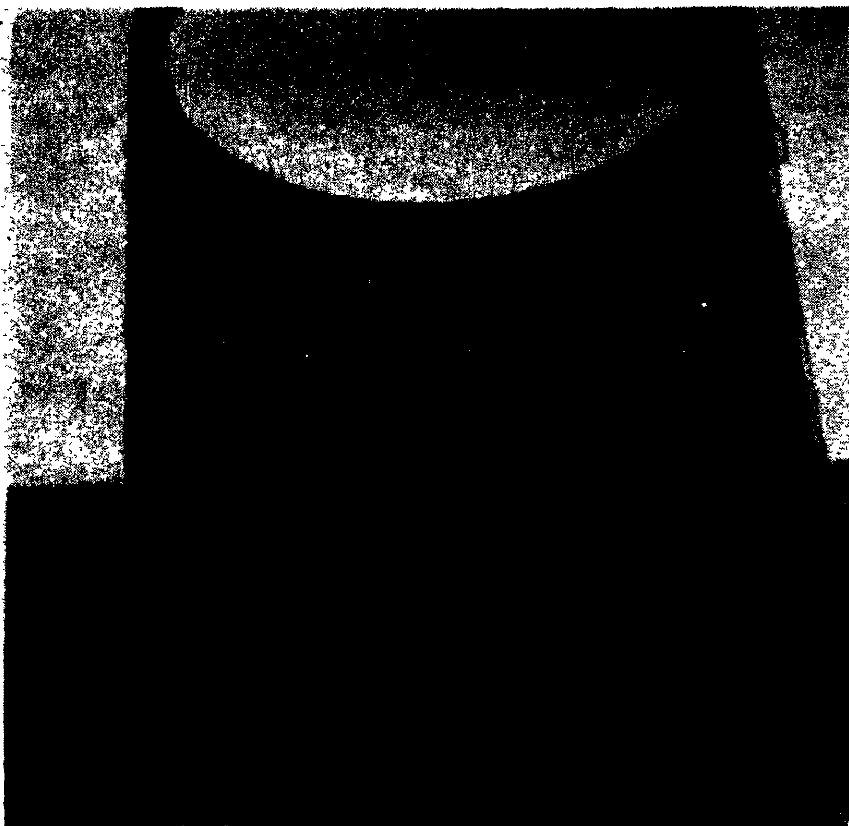
ش ۲۸۸ – قسمت بالای مناره گوشه شرقی مسجد جامع داراب – مربوط به صفحه ٤٩٤ .
ش ۲۸۹ – قسمت بالای منارهٔ گوشه غربی مسجد جامع داراب – مربوط به صفحه ٤٩٤ .

Fig 288 - Darab : partie supérieure du minaret oriental de la Mosquée Djami,

Fig 288 - The upper part of eastern minaret of the Jami Mosque at Darab.

Fig 289 - Darab, partie supérieure du minaret occidental de la Mosquée Djami,

Fig 289 - The upper part of western minaret of the Jami Mosque at Darab.



ش ۲۹۰ – محراب مسجد جامع داراب – مربوط به صفحه ٤٩٤ .

Fig 290 - Darab. Mihrab de la Mosquée Djami,

Fig 290 - The Mihrab of the Jami Mosque at Darab.



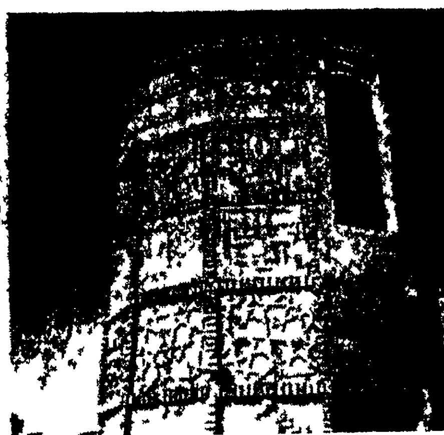
ش ۲۹۱ – آرامگاه اعتمادالدولهٔ طهرانی در آگرا (هندوستان) – عکس از آلبوم موجود در کتابخانهٔ موزهٔ ایران باستان – مربوط به صفحه ٤٩٥

Fig 291 - Agra (Inde) Tombeau de Etemadod - Dowleh (17 ème siècle)

Fig 291 - Itemadod - Dowleh's tomb at Agra (India) (17 th century)



Agra – آگرا



Darab - داراب

ش ۲۹۲ – مقایسه بین معماری و تزئینات منارههای آرامگاه اعتمادالدوله
ومسجد جامع داراب – مربوط به صفحهٔ ٤٩٥

Fig 292 - Comparaison entre un Minaret du tombeau de E'temadod - Dowleh (Agra) et un Minaret de la Mosquée Djami de Darab

Fig 292 - Comparison between a Minaret of Itemadod - Dowleh's tomb at Agra and a Minaret of the Jami Mosque at Darab



ش ۲۹۳ – بقایای چارطاقی موك – آتشکده عهد ساسانی – عکس از پرفسور
واندنبرگ مربوط به صفحهٔ ٥٠٤ .

Fig 293 - Muk (entre Shiraz et Firouzabad), le Tchahar - Taq de l'époque Sassanide.

(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 293 - Muk (between Shiraz and Firuzabad) the fire temple of the Sassanian period.

(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۹٤ – آثار قلعهٔ مختار خان نزدیک سمیرم از عهد ساسانی – عکس از پر فسور واندنبرگ – مربوط به صفحهٔ ۵۰۷ .

Fig 294 - Cal'ah-i Mukhtar Khan près de Samirum, forteresse Sassanide.

(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 294 - Gal'ah-i Mukhtar Khan near Samirum, a Sassanian fortress.

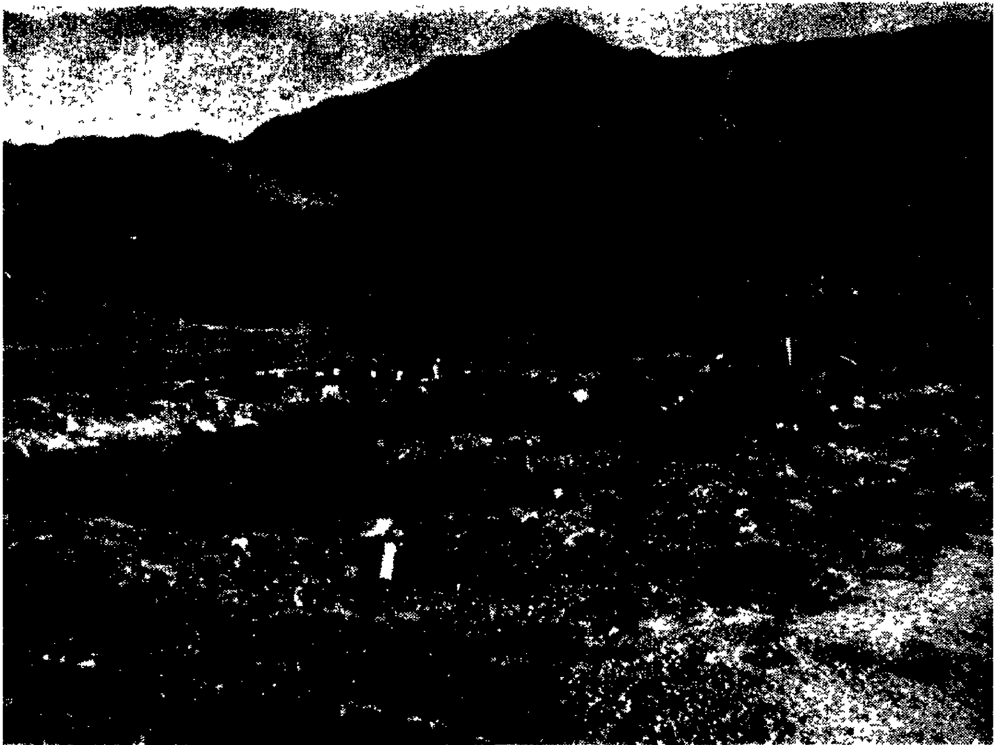
(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



ش ۲۹۵ – پایهٔ سنگی جایگاه آتش از عهد ساسانی نزدیك سمیرم – عکس از پرفسور واندنبرگ – مربوط به صفحهٔ ۵۰۸ .

Fig 295 - Samirum, autel du feu en pierre de l'époque Sassanide.
(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 295 - A fire altar on stone, from the Sassanian period, near Samirum.
(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)



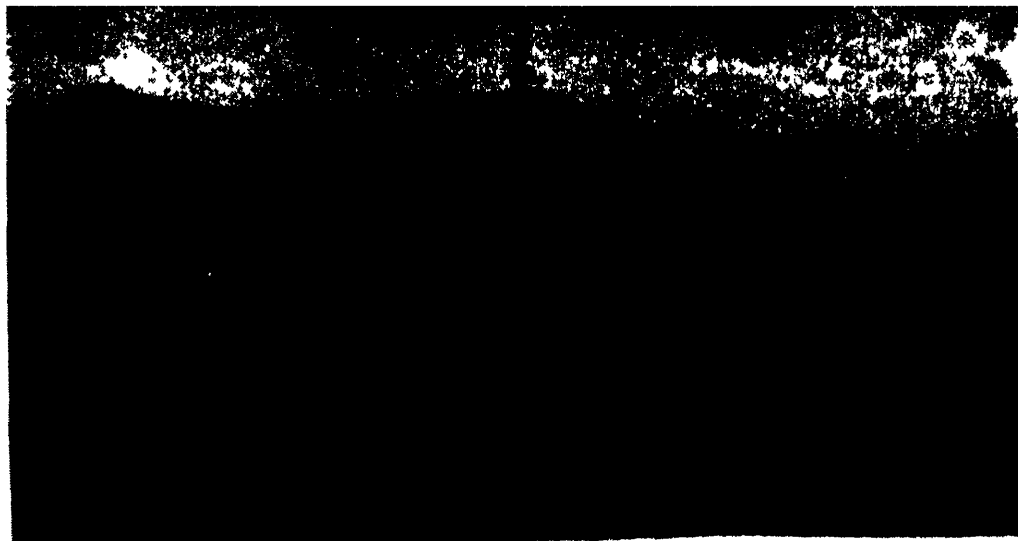
ش ۲۹٦ – ویرانه‌های کوشک زرد بیش از خاکبرداری – عکس از پرفسور واندنبرگ – مربوط به صفحات ۵۱۱/۱۲ .

Fig 296 - Kushk Zard (à l'ouest de Abadeh), ruines Sassanides avant le déblaiement.

(Cliché Prof. L. Vanden Berghe)

Fig 296 - The Sassanian ruins of Kushk Zard (west of Abadeh ) before the excavation.

(Photo by Prof. L. Vanden Berghe)

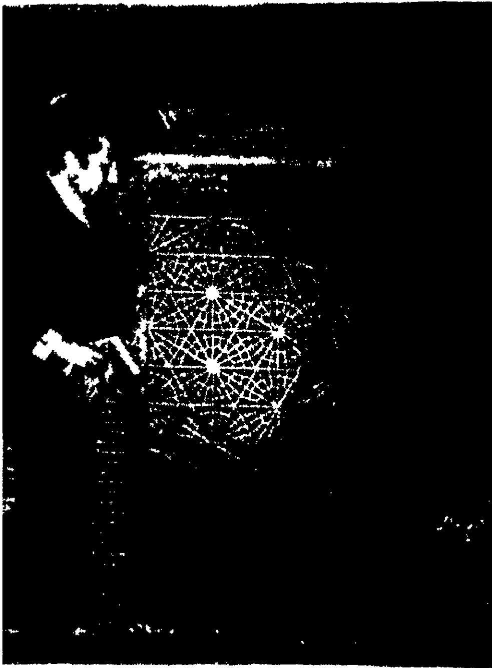




س۸/۲۹۷ – گنبد کاشی فیروزه فام
و درب ورودی امامزاده حمزهٔ بوانات–
مربوط بصفحات ۲ / ۵۱۱

Figs 297/8 - Bazme (Bavanat), le to t en faience turquoise et la porte du Sanctuaire de Emamzadé Hamzeh (I6 ème siècle)

Figs 297/8 - The roof of turquoise faience and the entrance door of the Sanctuary of Emam-Zade Hamzeh at Bazm (Bawant)



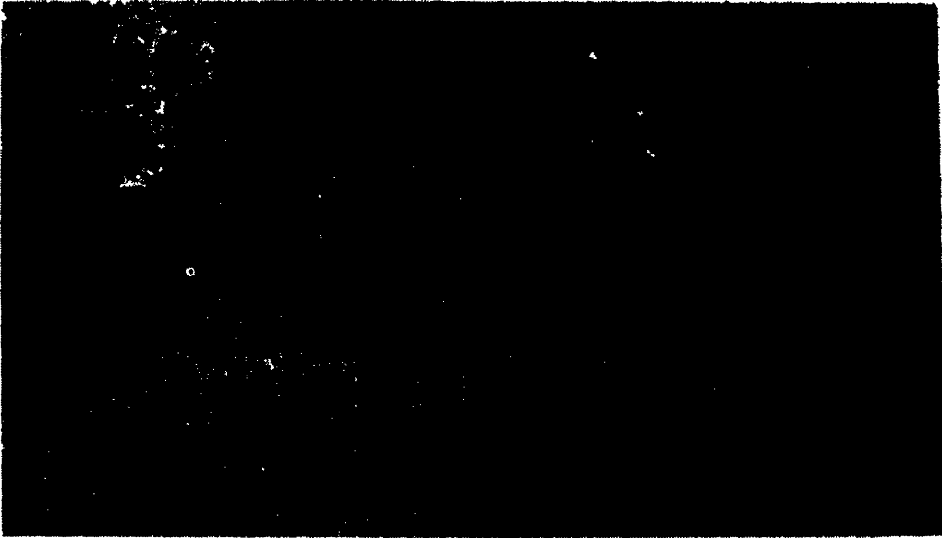


س ۲۹۹ – در مس و آلت ساری ضریح امامزاده حمزهٔ بوانات – مربوط به صفحهٔ ۵۱۲

س ۳۰۰ – جانب دیگر ضریح امامزاده حمزهٔ بوانات – مربوط به صفحهٔ ۵۱۲

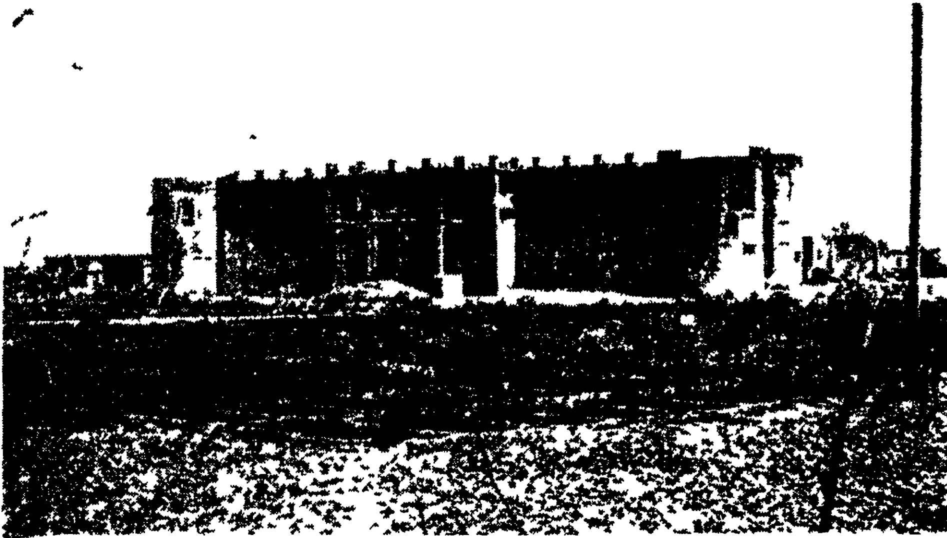
Figs 299 300 - Côtés différents de la grille de Emamzadé Hamzeh à Bazme (Bavanat) (17 ème siècle)

Figs 299/300 - Different sides of the grate of Emamzadeh Hamzeh at Bazme Bawanat) (17 th cent)



س ۳۰۱ – قلعه جلال خان حاکم در بندر دیّر از طرف جنوب شرقی –
مربوط به صفحه ۵۲۶

Fig 301 - Bandaré Dayer Qalé Djalal Khan fin du 18 ème siècle
Fig 301 - Qale Djalal Khan, Bandare Dayer, end of 18 th cent



س ۳۰۲ – ضلع جنوبی عمارت معروف به قصر ملك در بندر بوشهر (بهمنی)–
مربوط به صفحهٔ ۵۲۶

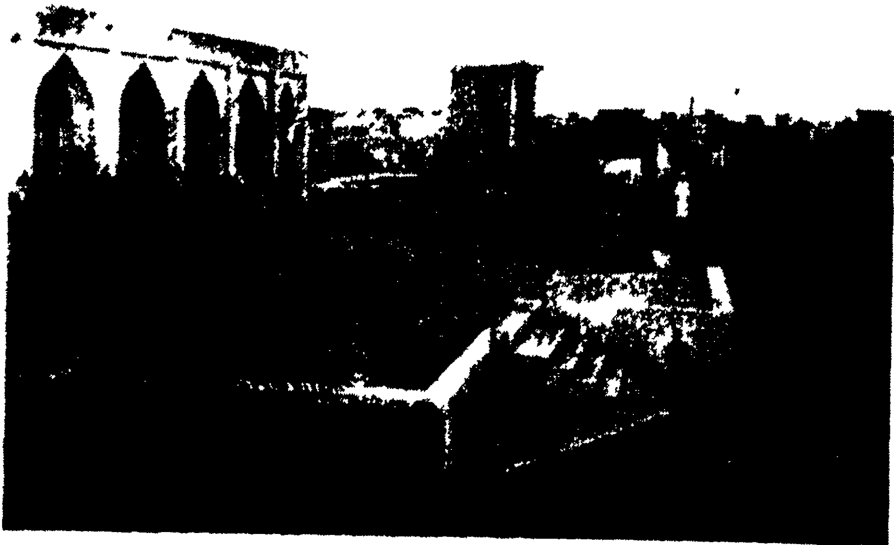
Fig 302 - Boushehr Qasre Malek
Fig 302 - Qasre Malek Boushehr



س ۳۰۳ – منظر قلعه قدیمی در بندر کنگان که آنرا مربوط بحدود دویست سال پیش میدانند – (بندر کنگان بین بندر دیر و بندر طاهری واقعست) مربوط به صفحهٔ ۵۲۶

Fig 303 - Kangan vue de la vieille forteresse fin du 18 ème siècle

Fig 303 - View of the old fortress Kangan, end of 18 th cent



س ۳۰۴ – منظری از مسجد جامع بندر عباس که بنای کوبی و مشهوب آن جدان قدیمی بنماید – مربوط به صفحهٔ ۵۲۶

Fig 304 - Bandare Abbas la Mosquée Djami

Fig 304 - The Djami Mosque Bandare Abbas



ش ۳۰۵ – منظر عمومی قلعه اژدها پیکر بر فراز تپه در کنار شهر لار –
مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 305 - Lar, vue générale de la forteresse située en haut d'une colline près de la ville.

Fig 305 - General view of the fortress up hill, near Lar.



ش ۳۰۶ – یکی از آب انبارهای لار که مانند بسیاری نقاط دیگر ایران پوشش مخروطی‌ساده دارد– مربوط به صفحهٔ ۵۲۶ .

Fig 306 - Lar, une citerne.

Fig 306 - Lar, a cistern.



ش۳۰۷- تصویر یکی‌از بانوان بندرعباس که مانند بانوان بیشتر بنادرجنوب صورت‌خودرا با نوعی رو پوش میپوشانند - روپوش مزبور را در بندر بوشهر بتوله ( بفتح با ) و در بنادر دیگر برقع مینامند- مربوط به صفحهٔ ٥٢٦

Fig 307- Femme de Bandaré Abbas,

Eig 307- Woman from Bandare Abbas·

مجلّهٔ راهنمای کتاب شمارهٔ اوّل ـ سال سوّم ـ اردیبهشت ۱۳۳۹) .

۲۸ـ فارسنامهٔ ناصری ـ تألیف حاج میرزا حسن فسائی ـ چاپ طهران ۱۳۱۳ق.

۲۹ـ فصلی از کتاب مختصر ومفید ـ تألیف محمّد مفید مستوفی یزدی ـ قرن یازدهم هجری ـ (استخراج از فرهنگ ایران زمین ـ دفتر ۲و۳ مجلّد ٦ ـ تابستان وپائیز ۱۳۳۷) .

۳۰ـ فرهنگ جغرافیائی ایران(ازانتشارات ادارهٔ جغرافیائی ستادآرتش) جلد هفتم چاپ طهران خرداد ۱۳۳۰.

۳۱ـ رسالهٔ قندیّه ـ بکوشش آقای ایرج افشار ـ از انتشارات کتابخانهٔ طهوری ـ چاپ طهران ـ تیرماه ۱۳۳٤ش .

۳۲ـ مقالهٔ **قدیمترین ذکر دموکراسی در نوشته‌های فارسی** بخامهٔ آقای محمّد اسمعیل رضوانی (نقل ازمجلّهٔ راهنمای کتاب ـ شمارهٔ خرداد ۱۳٤۱) .

۳۳ـ مقالهٔ **کاخ آپادانا** ـ بقلم آقای علی سامی (استخراج ازمجلّهٔ اطّلاعات ماهانه شمارهٔ ٦۱ ـ فروردین ۱۳۳۲ش) .

۳٤ـ گزارشهای باستان شناسی : مجلّد اوّل ـ چاپ طهران ۱۳۲۹ش .
مجلّد چهارم ـ چاپ شیراز ۱۳۳۸ش .

۳۵ـ گزارشهای مختلفی که ازطرف‌ادارهٔ باستانشناسی فارس وبنگاه علمی تخت جمشید وپاسارگاد وادارهٔ فرهنگ آباده وآقایان علی‌حاکمی ـ علی اکبر بصیری ـ علینقی بهروزی ـ فریدون تولّلی ـ محمود راد ـ پیرزاده ـ رحمت‌الله ناتوان ـ حسین کریمی ـ تقی‌آصفی‌مرقوم رفته ودرهرمورد درحاشیهٔ‌صفحهٔ مربوط بهر کدام اشاره گردیده است .

۳٦ـ ترجمهٔ فارسی‌مقالهٔ مولانا ابوالکلام‌آزاد (مبتنی برتطبیق نقش‌بالدار پاسارگاد باذوالقرنین‌مذکوردرقرآن‌مجید) توسّط آقای ابراهیم‌باستانی پاریزی‌ـ چاپ طهران ۱۳۳۰ش .

۳۷ـ رسالهٔ نظری بایران وخلیج فارس ـ نگارش آقای اسمعیل نوری زادهٔ

بوشهری ـ چاپ طهران ۱۳۲۳ش .

۳۸ـ وضع ملّت ودولت ودربار شاهنشاهی ساسانیان ـ تألیف پرفسور آرتور کریستنسن . Prof. A. Christensen ترجمه وتحریر آقای مجتبی مینوی چاپ طهران ۱۳۱۴ش .

۳۹ـ مجلّهٔ هنر ومردم ـ از انتشارات هنرهای زیبای کشور ـ شماره‌های ٤ و۷ و۸ (۲ـ۱۳٤۱) .

٤۰ـ تاریخ باستان شناسی ایران (بزبان انگلیسی) تألیف پرفسور هرتسلفد ـ چاپ لندن ۱۹۳٦م .

Archeological History Of Iran by E· Herzfeld – London 1936·

٤۱ـ باستان شناسی ایـران قدیم (بزبان فـرانسه) ـ تألیف پرفسور لوئـی واندنبرگ ـ چاپ لیدن ۱۹۵۹ میلادی .

Archéologie de l' Iran Ancien, Leiden 1959, Par L. Vanden Berghe·

٤۲ـ مقالهٔ آقای دکتر گیرشمن (بزبان فرانسه) درمجلّهٔ هنر آسیا ـ مجلّد ۱۳ـ شمارهٔ ۱و۲ چاپ سوئیس ۱۹۵۰م .

Artibus Asia Vol· XIII, No· 1 et 2· Switzerland MCML

٤۳ـ آثار ایران ـ نشریّهٔ پیشین ادارهٔ کلّ باستان شناسی (بزبان فـرانسه) چاپ هارلم .

جلد اوّل ـ مجلّد اوّل (۱۹۳٦)
جلد سوّم ـ مجلّد اوّل (۱۹۳۸)
جلد سوّم ـ مجلّد دوّم (۱۹٤۷)

ATHAR-É IRAN (ANNALES DU SERVICE ARCHÉOLOGIQUE DE l'IRAN):

TOME I-FASCICULE I HAARLEM 1936
TOME III-FASCICULE I HAARLEM 1938
TOME III-FASCICULE II HAARLEM 1947

# فهرست اعلام
# واماکن

استخراج

جواد بابک

# فهرست اعلام

# فهرست اماکن

## پ

## ت

## ش

## ف



## ق

## ك

## ن

---

استادگرانمایه جناب آقای علی‌اصغرحکمت، باملاحظهٔ نسخهٔ کتاب، مقدمهٔ بسیارجامع وشیوائی (که همواره مورد استدعای مؤلف بود) مرحمت فرمودندکه زینت‌بخش آغازکتاب‌گردید وچاپ‌آن هم‌بناچار پس‌از پایان‌چاپ فهرست اماکن‌واعلام صورت‌پذیرفت وبهمین‌جهت‌فهرست نامهایی‌که درمقدمه‌آمده‌است درپی‌فهرستهای قبلی درپایان کتاب افزوده میشود .

ازدانشمند محترم‌آقای دکترسیدحسن سادات ناصری‌که درپاکنویس مقدمه وتنظیم فهرست نامهای آن‌دستیاری وهمکاری بسیار ارزنده بکاربسته‌اند نهایت‌سپاسگزاری را تقدیم مینماید . -

ناگفته نبایدگذارد که نامهای مذکور درمقدمه به‌پیروی از شماره‌بندی صفحات مقدمه بوسیلهٔحروف ابجد شماره بندی‌گردیده است .

مهرماه ۱۳۴۳

# فهرست نامهای مذکور در مقدمهٔ کتاب

به‌پیروی ازشماره بندی صفحات مقدمه ، شماره‌گذاری نامها نیزبوسیلهٔ حروف ابجد
انجام گرفته است

**(استخراج دکترسید حسن سادات ناصری)**

## نامهای کسان

## نامهای خاندانها وگروهها وتیره‌ها

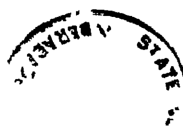
## نامهای جای‌ها

## نامهای نامه‌ها

(کتب وانتشارات)

| | | | |
|---|---|---|---|
| نزهة‌القلوب حمدالله مستوفی | ی | (مزارات شیراز ) | یا |
| نهایة الارب فی‌فنون الادب | و | هفت اقلیم | یب |
| هدیهٔ شیراز (منظومهٔ ملک‌الشعراء بهار) | لج | یکسال درمیان ایرانیان (تألیف پرفسور ادوارد برون ) | کد |
| هزار مزار تألیف عیسی بن جنید | | | |

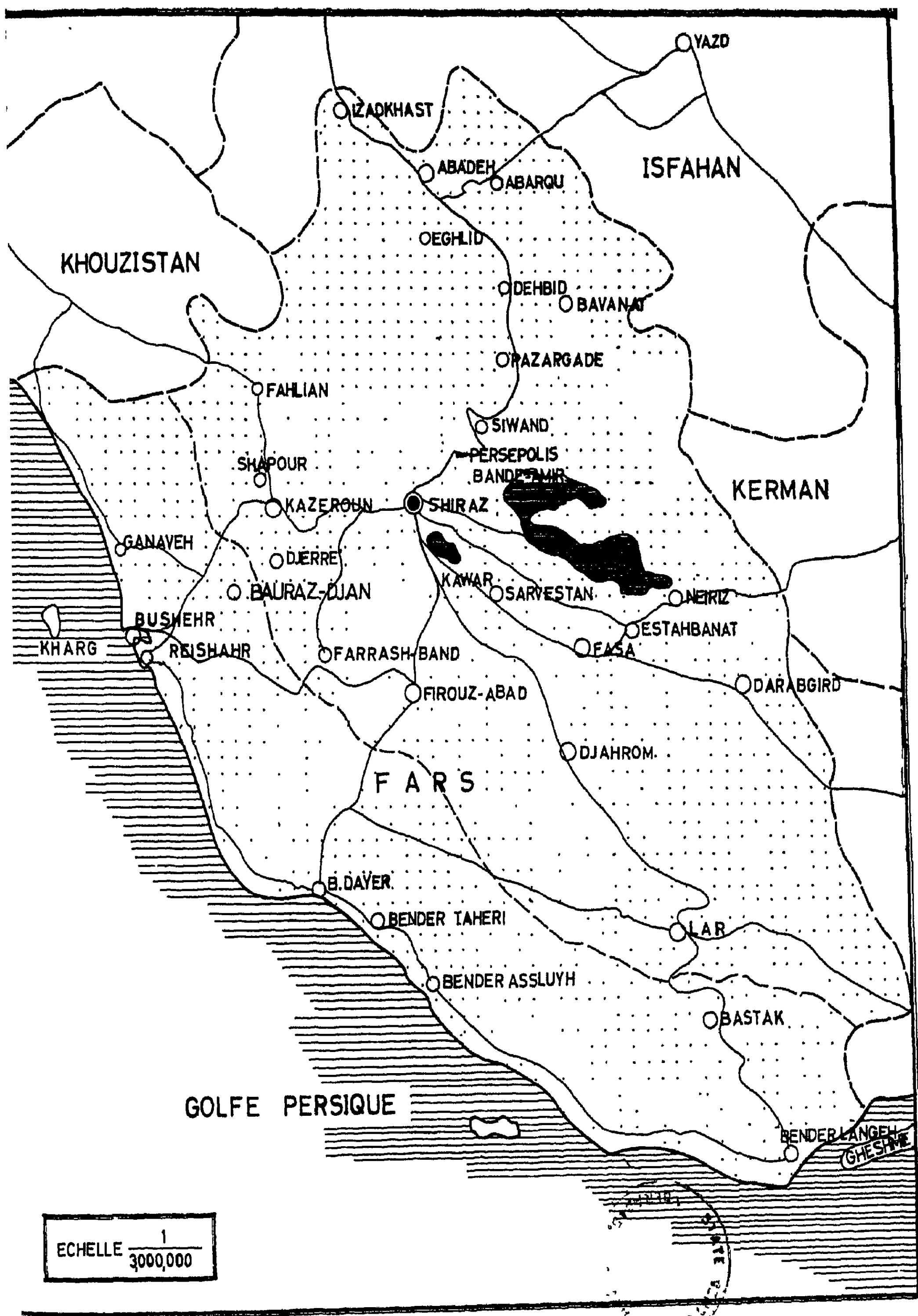




| شماره | فهرست انتشارات انجمن آثار ملی | تاریخ انتشار |
|---|---|---|
| ۱ | فهرست مختصری از آثار وابنیهٔ تاریخی ایران | شهریورماه ۱۳۰۴ |
| ۲ | آثار ملی ایران (کنفرانس پرفسور هرتسفلد) | مهرماه ۱۳۰۴ |
| ۳ | شاهنامه وتاریخ (کنفرانس پرفسورهرتسفلد) | شهریورماه ۱۳۰۵ |
| ۴ | کشف دولوح تاریخی درهمدان (تحقیق پرفسور هرتسفلد- ترجمهٔ آقای مجتبی مینوی) | اسفندماه ۱۳۰۵ |
| ۵ | سه خطابه در بارهٔ آثار ملی وتاریخی ایران (از آقایان فروغی و هرتسفلد وهانی بال) | مهرماه ۱۳۰۶ |
| ۶ | کشف الواح تاریخی تخت جمشید (پرفسور هرتسفلد) | بهمن ماه ۱۳۱۲ |
| ۷ | کنفرانس آقای فروغی راجع بفردوسی | بهمن ماه ۱۳۱۳ |
| ۸ | تحقیق مختصردراحوال و زندگانی فردوسی (بقلم فاطمه خانم سیاح) | ۱۳۱۳ |
| ۹ | تجلیل ابوعلی سینا در پنجمین دورهٔ اجلاسیه یونسکو در فلورانس | اسفندماه ۱۳۲۹ |
| ۱۰ | رسالهٔ جودیهٔ ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر محمود نجم آبادی) | « ۱۳۳۰ |
| ۱۱ | رسالهٔ نبض ابن سینا (بتصحیح آقای سیدمحمدمشکوةاستاد دانشگاه) | « ۱۳۳۰ |
| ۱۲ | منطق دانشنامهٔعلائی ابن سینا (بتصحیح آقایان سید محمد مشکوة و دکترمحمدمعین استادان دانشگاه) | ۱۳۳۱ |
| ۱۳ | طبیعیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای سید محمد مشکوة استاد دانشگاه) | « |
| ۱۴ | ریاضیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای مجتبی مینوی استاد دانشگاه) | « |
| ۱۵ | الهیات دانشنامهٔ علائی ابن سینا (بتصحیح آقای دکترمحمد معین استاد دانشگاه) | « |
| ۱۶ | رسالهٔ نفس ابن سینا (بتصحیح آقای دکتر موسی عمید استاد دانشگاه) | « |
| ۱۷ | رسالهٔ درحقیقت و کیفیت سلسلهٔ موجودات (بهتصحیح آقای دکترموسی عمید استاددانشگاه) | « |
| ۱۸ | ترجمهٔ رسالهٔ سرگذشت ابن سینا (ازآقای دکترغلامحسین صدیقی استاد دانشگاه) | — |

| شماره | فهرست انتشارات انجمن آثار ملی | تاریخ انتشار |
|---|---|---|
| ۱۹ | معراج نامهٔ ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه) | — |
| ۲۰ | رسالهٔ تشریح اعضاء ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه) | — |
| ۲۱ | رسالهٔ قراضهٔ طبیعیات منسوب بابن سینا ( بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه) | — |
| ۲۲ | ظفرنامه منسوب به ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر غلامحسین صدیقی استاد دانشگاه | — |
| ۲۳ | رسالهٔ کنوز المعزمین ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌الدین همایی استاد دانشگاه ) | ۱۳۳۱ |
| ۲۴ | رسالهٔ معیار العقول ـ جر ثقیل ـ ابن‌سینا (بتصحیح آقای جلال‌ـ الدین همایی استاد دانشگاه) | » |
| ۲۵ | رسالهٔ حی‌بن یقظان ابن‌سینا با ترجمهٔ شرح فارسی آن از یکی از معاصران ابن سینا ( بتصحیح آقای هانری کربن ) | » |
| ۲۶ | جشن‌نامهٔ ابن سینا (مجلد اول ـ سرگذشت و تألیفات و اشعار و آراء ابن‌سینا) تألیف آقای دکتر ذبیح‌الله صفا استاد دانشگاه | » |
| ۲۷ | ترجمهٔ مجلد اول جشن‌نامه بفرانسه (بوسیلهٔ آقای سعید نفیسی استاد دانشگاه) | » |
| ۲۸ | ترجمهٔ اشارات و تنبیهات ( بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه) | ۱۳۳۲ |
| ۲۹ | پنج رسالهٔ فارسی وعربی از ابن‌سینا (بتصحیح آقای دکتر احسان یارشاطر استاد دانشگاه) | » |
| ۳۰ | آثار تاریخی کلات وسرخس (تألیف آقای مهدی بامداد) | بهمن‌ماه ۱۳۳۳ |
| ۳۱ | جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد دوم (حاوی نطقهای فارسی اعضاء کنگرهٔ ابن سینا) | ۱۳۳٤ |
| ۳۲ | جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد سوم (کتاب المهرجان لابن‌سینا) (حاوی نطقهای عربی اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا ) | ۱۳۳٥ |
| ۳۳ | جشن‌نامهٔ ابن‌سینا مجلد چهارم (شامل خطابه‌های اعضای کنگرهٔ ابن‌سینا بزبانهای آلمانی و انگلیسی و فرانسوی) | ۱۳۳٤ |
| ۳٤ | نبردهای بزرگ نادرشاه (بقلم سرلشکر غلامحسین مقتدر) | ۱۳۳۹ |

| شماره | فهرست انتشارات انجمن آثار ملی | تاریخ انتشار |
|---|---|---|
| ۳۵ | جبر ومقابلهٔ خیام (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر جلال مصطفوی) | ۱۳۳۹ |
| ۳۶ | شاهنامهٔ نادری تألیف مولانا محمد علی فردوسی ثانی (بتصحیح وتحشیهٔ آقای احمد سهیلی خوانساری) | ۱۳۳۹ |
| ۳۷ | اشترنامهٔ شیخ فریدالدین عطار (بتصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر مهدی محقق) | ۱۳۳۹ |
| ۳۸ | حکیم عمر خیام بعنوان عالم جبر تألیف آقای دکتر غلامحسین مصاحب | ۱۳۳۹ |
| ۳۹ | نادرشاه تألیف آقای دکتر رضازادهٔ شفق استاد دانشگاه | ۱۳۳۹ |
| ۴۰ | درهٔ نادره تألیف میرزا مهدیخان (با تصحیح وتحشیهٔ آقای دکتر سید جعفر شهیدی) | ۱۳۴۰ |
| ۴۱ | شرح احوال ونقل وتحلیل آثار شیخ فریدالدین عطار تألیف آقای فروزانفر استاد دانشگاه | ۱۳۳۹-۴۰ |
| ۴۲ | خسرونامه تألیف شیخ فریدالدین عطار (به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری) | ۱۳۴۰ |
| ۴۳ | نامه‌های طبیب نادرشاه ترجمهٔ آقای دکتر علی اصغر حریری (باهتمام حبیب یغمائی) | ۱۳۴۰ |
| ۴۴ | دیوان غزلیات وقصاید عطار باهتمام و تصحیح آقای دکتر تقی تفضلی رئیس کتابخانهٔ مجلس شورای ملی | ۱۳۴۱ |
| ۴۵ | جهانگشای نادری تألیف میرزا مهدیخان با تصحیح و تعلیقهٔ آقای سید عبدالله انوار | ۱۳۴۱ |
| ۴۶ | طربخانه (رباعیات حکیم عمر خیام نیشابوری) تألیف یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی (با مقدمه و تصحیح و تحشیهٔ آقای جلال الدین همایی استاد دانشگاه) | ۱۳۴۲ |
| ۴۷ | نادرهٔ ایام ، حکیم عمر خیام ورباعیات او (بقلم آقای اسمعیل یکانی) | ۱۳۴۲ |
| ۴۸ | اقلیم پارس (آثار باستانی وابنیهٔ تاریخی فارس) تألیف سید محمد تقی مصطفوی | ۱۳۴۳ |




Carte de province de FARS

of the text, and the two supplements, will be useful for the foreigners, the author has, therefore, added the explanations concerning the illustrations, in French as well as in English.

Mrs. S. Moghadam, the Director of the Library of the Archaeological Service had the kindness to collaborate in the French and English translations and Mrs. F. Mehran, the assistant director of the same Library, has typed and prepared them for printing. I sincerly and deeply thank these two helpful collegues, with whom I have worked during my directorship at the Archaeological Service.

The readers well remember that the book is in Persian, written from right to left, and consequently the numbers of the illustrations are arranged from right to left [1].

As pointed out by the explanations, the aim of this book is simply to present the Historical Monuments of Fars, without any hints concerning deep studies, and scientific work. The author expresses his apologies for the simplicity of this work, hoping that his young compatriots will do better in future and will complete this modest contribution to the Historical Monuments of Fars, as well as to the Archaeological Sites and the Historical Monuments of our beloved and ancienf Homeland — IRAN.

Tehran, January 1964

**M. T. Mostafavi**

---

(1) Several errors have slipped in the explanations of the illustrations, for which we apologise.

first Historical Site of Fars when one arrives from Isfahan to this province, Marve-Dashte is the large plain where many Historical Monuments and Archaeological Sites are located such as the magnificent Achaemenian Palaces of Persepolis.

2 - Historical Monuments of the city of Shiraz and its neighbourhoods.

3 - Historical Monuments and Archaeological Sites situated in the East and South-east regions of Fars: Kawar, Farmeshgan, Khafr, Sarvistan, Naïriz, Fa-sa, Estahbanat, Darabgird and Lar.

4 - Historical Monuments and Archaeological Sites of Firouzabad.

5 - Historical Monuments and Archaeological Sites at the western part of Fars: Kazeroun, Djerreh, Farrashband, Sarmashhad, Bishapur, Tangi-Tchowgan, Nourabad and Fahlian.

6 - Historical Monuments and Archaeological Sites of Boushihr and Kharg.

While the text and illustrations of this book were in the press—which lasted more than a year—some supplementary informations were obtained about several Historical Monuments and Archaeological Sites of Fars; the author has found it preferable to add more notes about some Monuments mentioned above, the result of which was the addition of a supplement to the book followed by additional illustrations. The same reasons necessitated a second supplement, followed also by illustrations, and so, every effort has been made in the present book to contain all possible information concerning the Historical Monuments and Archaeological Sites discovered up to now.

As the illustrations, (more than 300) of the second par

# NOTE

The purpose of this publication, recommended by Andjoman Athare-Melli (The Society for protection of National Monuments) is to present the Historical Monuments and the Archaeological Sites of the province of Fars, to the Iranians (Persians).

This province is the richest and the most important province of Iran, so far as the Historical Monuments are concerned; the name of Persia for all the country, has its origin, from the name of this province.

This book contains a preface, the text, illustrations concerning the text, two supplements followed by illustrations, the bibliography and the indices.

In the preface some general informations about the Archaeological proceedings and notes about the Historical Monuments of the province of Fars are given.

The text, or the essential part of the book, is divided in six chapters as follows :

1 - Historical Monuments and Archaeological sites, from Yazd-Khaste (Izad-Khaste) to Marve-Dashte ; Yazd-Khast is the

sans prétendre à une étude approfondie et scientifique. Voilà pourquoi l'auteur présente ses excuses pour la simplicité, et parfois la naïveté de ce qui a été écrit. Il espère que ses jeunes compatriotes feront mieux à l'avenir, pour compléter l'étude des Monuments Historiques du Fars, ainsi que des Sites Archéologiques et des Monuments Historiques de toute notre chère et ancienne Patrie, l'IRAN.

Téhéran, Janvier 1964.

**M. T. Mostafavi**

que les Sites Archéologiques du Fars, connus jusqu'à présent.

Ainsi les illustrations (au total plus de 300) publiées à la suite du texte, de même que celles des deux suppléments, ne manqueront pas d'être utiles pour les étrangers, l'auteur a suivi le conseil de Mme Ghirshman, (1) en ajoutant les explications concernant les illustrations du livre, en langue française, et pour faire mieux, ces mêmes explications sont ajoutées en anglais.

Mme S. Moghadam, Directrice de la Bibliothèque du Service Archéologique, a eu l'amabilité de collaborer pour les traductions françaises et anglaises des explications en question, et Mme F. Mehran, l'adjointe de cette même Bibliothèque, les a dactylographiées et préparées, pour pouvoir les donner à l'imprimerie ; je les remercie sincèrement et profondément pour leur aimable collaboration.

Les lecteurs savent bien que le livre est en Persan, donc se lit de droite à gauche, voilà pourquoi l'ordre des gravures se suit aussi de droite à gauche (2).

Comme on voit dans les explications, le but de ce livre, est simplement de présenter les monuments historiques du Fars,

(1) Qui travaille, depuis 1931, avec son mari le Prof. Dr. Roman Ghirshman, Directeur des Fouilles Archéologiques Françaises en Iran. L'auteur est heureux d'avoir passé de longues années en collaboration, bien amicale et sincère, et profité beaucoup des études archéologiques, approfondies, estimées et fructueuses du Prof. Ghirshman.

(2) Quelques erreurs d'impression se sont glissées dans les explications des illustrations, les lecteurs voudront bien nous excuser.

torique du Fars, quand on s'y rend par le côté nord, c'à.d par Ispahan; la plaine de Marve-Dashte est la grande plaine où se trouvent plusieurs Monuments Historiques et Sites Archéologiques, entre autres les ruines des fameux et splendides Palais Achéménides de Persépolis, bien connus dans le monde entier.

2 - Les Monuments Historiques de la ville de Shiraz et de ses environs.

3 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques situés dans les régions Est et Sud-Est du Fars: Kawar, Farmeshgan, Khafr, Sarvistan, Neïriz, Fä-sa, Estahbanat, Darabgird et Lar.

4 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de Firouzabad et de ses environs.

5 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques dans les régions ouest du Fars: Kazeroun, Djerreh, Farrashband, Sarmashhad, Bîchâpour, Tangi-Tchowgan, Nourabad et Fahlian.

6 - Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de Boushehr et l'Ile de Kharg.

Pendant l'impression du texte et des illustrations, qui a duré plus d'un an, des renseignements supplémentaires ont été obtenus, au sujet de quelques Monuments Historiques et Sites Archéologiques du Fars; d'autre part l'auteur a préféré ajouter des notes complémentaires pour quelques-uns des Monuments sus-mentionnés, ce qui a abouti à rédiger une partie supplémentaire pour le livre, et à la faire imprimer, suivie d'illustrations s'y rapportant; les mêmes raisons ont été cause d'une seconde partie supplémentaire, toujours suivie de ses illustrations, et ainsi nous nous sommes éfforcés de faire notre possible pour que le présent livre comprenne des renseignements concernant tous les Monuments Historiques, ainsi

# NOTE

Le but de cet ouvrage, commandé par Andjouman-é Athar-é Melli (la Société pour la protection des Monuments Nationaux), est de présenter aux Iraniens ( Persans ) les Monuments et les Sites Historiques du Fars, la province la plus riche et la plus importante de l'Iran, au point de vue des Monuments Historiques, et d'où vient le nom de la Perse pour l'ensemble du pays.

Le livre comprend, la préface, le texte, les illustrations concernant le texte, deux suppléments suivis chacun d'illustrations, la bibliographie et les index.

Sont cités dans la préface, les renseignements généraux sur les travaux Archéologiques et des notions, plus ou moins utiles, au sujet des Monuments Historiques de la Province de Fars, ainsi que l'art de ses habitants au cours des siècles.

Le texte, partie essentielle du livre, se divise en six chapitres:

1 - Les Monumenst Historiques et les Sites Archéologiques qui se trouvent à partir de Yazdé-Khaste ( Izad-Khaste ), jusqu'à la plaine de Marve-Dashte; Yazdé-Khaste est le premier Site His-



انجمن آثار ملی

# EGHLIMÉ PARS

**La Terre de Pars**

**The land of Pars**

Les Monuments Historiques et les Sites Archéologiques de la province de Fars.

(En Persan)

The Historical Monuments and the Archaeological Sites of Fars province.

(In Persian)

par: by:

**M. T. MOSTAFAVI**



Tehran 1964
Taban Press